برآورد استراتژیک آذربایجان

جلد اول

سرزمینی. سیاسی. فرهنگی- اجتماعی

موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

برآورد استراتژیک

آذربایجان

سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

سلسله انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۷۳

واحدی، الیاس، ۱۳٤۷ ـ
برآورد استراتژیک آذربایجان/ گردآوری و تدوین: الیاس واحدی؛ نظارت و اجرا مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.ـ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، انتشارات، ۱۳۸۲ ـ.
ج.: جدول، نمودار. ـ (انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۷۳)
ISBN 964-5910-32-3. - (دوره) ISBN
964-5910-33-1 (ج. ۱): ۳۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. آذربایجان (جمهوری). الف. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. ب. عنوان.

DK ٦۹۲/۳/٤ب۲و ۹٤۷/٥٤
کتابخانه ملی ایران ۸۲ـ۳۵۸۷۲م

انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
تهران: صندوق پستی ۳۸٤۹ ـ ۱۵۸۷۵، تلفکس: ۸۷۱۲۱۵۳

برآورد استراتژیک آذربایجان
نظارت و اجرا: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
گردآوری و تدوین: الیاس واحدی
مشاور علمی: دکتر پریچهر شاهسوند بغدادی
نمایه‌سازی: آرزو عبدسلطانی بابایی
حروفچینی: پروانه اکبری، لیلا افشارنجفی، زهره اسماعیل‌زاده
صفحه‌آرا: علی‌اکبر فراهانی
نمونه‌خوانی: محبوبه وهاب، سمانه ضرابی‌نژاد
طرح جلد: مریم جعفری نائینی

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
چاپ:
صحافی:
چاپ نخست: اسفند ۸۲
قیمت : ۳۰۰۰۰ ریال
شابک: (دوره) ۳ ـ ۳۲ ـ ۵۹۱۰ ـ ۹٦٤
(جلد اول) ۱ ـ ۳۳ ـ ۵۹۱۰ ـ ۹٦٤

یاداشت ناشر

با ورود به قرن بیست و یکم، دولت، ملت یا نظام‌های ملی با وجود به چالش کشیده شدن نقش بی‌بدیلشان در نظام بین‌المللی، هنوز مهم‌ترین بازیگران این عرصه هستند و رویدادهای مهم جهان را نظام‌های ملی رقم می‌زند و به رغم ایجاد و گسترش نهادها و سازمان‌های غیردولتی در سطح ملی، منطقه‌ای و خصوصاً بین‌المللی و تقویت نفوذ و قدرت آنان، هنوز میان قدرت و نفوذ چنین سازمان‌هایی، با وجود قدرت و نفوذ دولت، فاصلهٔ قابل توجهی وجود دارد.

اگرچه در حال حاضر، با توجه به انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، آشنایی با پدیده‌ها و مسائل مختلف از جمله مسائل مرتبط با امنیت (ملی و بین‌المللی) نسبت به گذشته آسان‌تر شده است؛ اما شناخت دقیق که مستلزم تصمیم‌گیری صحیح و به موقع بوده و ضرورت اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها و کشورها در جهان کنونی است، مشکل‌تر و پیچیده‌تر شده‌است. در این خصوص، شناخت دولت‌ها و کشورها و آشنایی مستمر با اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های آنان به همراه توانمندی‌های و آسیب‌پذیری‌هایشان، از ابزار ضروری تصمیم‌گیری و تبیین برنامه‌های آتی هر کشور نسبت به دیگر کشورها یا مناطق مختلف جهان است.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل آن‌که در یکی از مناطق پنج‌گانهٔ استراتژیک جهان واقع شده و هم‌چنین به لحاظ اهداف، علائق و منافع جهانی و نیز چالش‌ها و تهدیدات موجود، جزو کشورهایی است که به شدت نیازمند شناخت کشورهای پیرامونی خویش و دیگر کشورهای مهم بازیگر صحنهٔ نظامی بین‌المللی هستند. در این راستا و برای تأمین این نیاز ضروری، تاکنون برخی سازمان‌ها و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، کارهای بسیاری (تحت عنوان‌های مختلف) انجام داده‌اند که هر کدام در جای خود قابل تقدیر است.

مؤسسهٔ تهران با توجه به اهمیت روزافزون تعمیق شناخت سیاستمداران، کارگزاران نظام سیاسی و هم‌چنین محققان و علاقه‌مندان، به منظور ایجاد زمینهٔ مناسب برای تدوین استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی در برابر کشورهای هدف، پروژهٔ **برآورد استراتژیک کشورهای هدف** را در دستور کار خود قرار داده است.

برای اجرای این پروژه، ابتدا به کمک جمعی از متخصصان مسائل جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورمان، الگوی برآورد استراتژیک کشورهای هدف، در هشت بخش و بیش از ۱۲۰۰ محور طراحی و تنظیم شد. این الگو، مبنای گردآوری اطلاعات و تحقیق پیرامون کشور هدف قرار داده شده است و بر این اساس، برخی از مهم‌ترین کشورهای مرتبط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ مانند: آمریکا، روسیه، پاکستان، ترکیه، عراق، عربستان، امارات، آذربایجان، ترکمنستان، مصر و اسرائیل در دستور کار مؤسسه قرار گرفت.

کتاب برآورد استراتژیک ایالات متحده آمریکا (جلد اول) که شامل بخش‌های سرزمینی و سیاسی آن کشور بود، در بهار ۱۳۸۱ منتشر گردید. به‌دنبال آن، جلدهای نخست از برآوردهای استراتژیک اسرائیل، مصر و پاکستان انتشار یافت و هم‌اکنون پنجمین کتاب از این مجموعه تحت عنوان برآورد استراتژیک آذربایجان (جلد اول) که شامل بخش‌های سرزمینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشور است به کارشناسان و محققان این عرصه تقدیم می‌گردد.

بدون شک انجام این کار بدون راهنمایی‌های علمی آقای دکتر ابومحمد عسگرخانی دبیرکل شورای غیردولتی مؤسسه تهران و همکاری خانم مریم مرادی مدیر پروژه‌های این شورا امکان‌پذیر نبود.

مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

فهرست

بخش اول: سرزمینی

بخش دوم: سیاسی

بخش سوم: فرهنگی ـ اجتماعی

بخش اول

سرزمینی

فصل اول

موقعیت سرزمینی

۱ـ۱) موقعیت هندسی

طول و عرض جغرافیایی: کشور آذربایجان از نظر موقعیت جغرافیایی بین طول جغرافیایی ٤٤°/۵۹´/۲۰" تا ۵۰°/۳٦´/۵٤" شرقی و عرض جغرافیایی ۳۸°/۲٦´/۳۰" تا ٤۱°/۵٤´/۳٦" شمالی واقع شده است. این مختصات مربوط به خاک اصلی جمهوری آذربایجان است. مختصات جغرافیایی جمهوری خودمختار «نخجوان» بدین قرار است:

طول جغرافیایی: ٤٤°/٤٦´/۱۲" تا ٤٦°/۸´/۵٤" شرقی؛

عرض جغرافیایی: ۳۸°/۵۰´/٤۸" تا ۳۹°/٤۷´/۳۰" شمالی.[1]

شاخص‌های متأثر از طول و عرض جغرافیایی

جمهوری آذربایجان در مناطق مرکزی و شرقی دارای آب و هوای زیراستوایی

خشک با زمستان‌های ملایم و تابستان‌های طولانی ـ چهار تا پنج ماه ـ و بسیار گرم است. متوسط دما در این مناطق حدود ۲۷ درجه سانتی‌گراد ـ ۸۱ درجه فارنهایت ـ است که حداکثر به ٤٣ درجه سانتی‌گراد ـ ۱۰۹ درجه فارنهایت ـ می‌رسد. جنوب این کشور با بیشترین میزان بارش، آب و هوای زیراستوایی مرطوب دارد. میزان بارش سالانه در این منطقه ۱۲۰۰ تا ۱٤۰۰ میلی‌متر بوده که سهم عمده این مقدار بارش مربوط به ماه‌های سرد سال است. در جمهوری خودمختار نخجوان آب و هوای قاره‌ای خشک با زمستان سرد و خشک و تابستان گرم غالب است. این مناطق در ارتفاع ۲۳۰۰ تا ۳۳۰۰ پا ـ ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ متر ـ از سطح آب‌های آزاد جهان واقع شده‌اند. در مناطق دیگر آذربایجان تیپ‌های آب و هوایی گرم، خشک و مرطوب نیز حاکم است. مناطق کوهستانی و جنگلی دارای آب و هوای معتدل سرد بوده در ارتفاعات بالاتر از ۱۰ هزارپا ـ ۳۰۰۰ متر ـ آب و هوای بالای توندرا غالب است. بارش برف سنگین و یخبندان طی سه تا چهار ماه از سال دسترسی به این ارتفاعات را ناممکن می‌سازد.(۲)

در مناطق کم ارتفاع لنکران ـ واقع در جنوب شرقی کشور ـ بیشترین میزان رطوبت وجود دارد که باعث بارندگی بیشتر نسبت به سایر مناطق کشور می‌شود. دمای مناطق کوهستانی سرد است و در زمستان در ارتفاعات بیش از ۳۰۰۰ متر ـ ۱۰ هزار پا ـ به کرات برف سنگین می‌بارد.(۳)

آب و هوای این کشور از نیمه استوایی و خشک در مرکز و شرق، تا مرطوب در جنوب شرق متغیّر است. در سواحل دریای خزر، درجهٔ حرارت در ژانویه ٤ درجه بالای صفر، در ماه جولای ۲۵ درجه بالای صفر و میانگین بارندگی سالانه در کل کشور بین ۱۵۲ تا ۲۵٤ میلی‌متر است. در منطقهٔ «لنکران» میزان بارش سالانه به ۱۰۰۰ میلی‌متر می‌رسد و در مناطق مرتفع قفقاز ـ در شمال جمهوری ـ نیز مناطق کم ارتفاع لنکران، میزان بارندگی، بسیار است.(٤)

سطح‌بندی کشور با توجه به طول و عرض جغرافیایی

از نظر استقرار فضاهای جمعیتی و سکونت‌گاه‌ها، طول جغرافیایی بین ٥٠° تا ٥٠°/٣٠´ دارای کمترین تراکم فضاهای جمعیتی است. در این فاصله، نقطهٔ شهری وجود ندارد و تنها چند روستا و جزیره جیلوی ـ Jiloy ـ واقع شده است. بیشترین تراکم نیز بین طول جغرافیایی ٤٨° تا ٤٩° با استقرار ۲۰ نقطه شهری وجود دارد. از نظر عرض جغرافیایی نیز در فاصلهٔ بین ۳۸° تا ۳۹° کمترین تراکم با استقرار ٤ نقطهٔ شهری و بین ٤٠° تا ٤١° بیشترین تراکم با استقرار ۲۲ نقطه شهری وجود دارد. اگر طول و عرض جغرافیایی را تلفیق کنیم، بیشترین استقرار فضاهای سکونتی در مربعی قراردارد که دارای طول جغرافیایی ٤٧° تا ٤٨° و عرض جغرافیایی ٤٠° تا ٤١° است. در داخل این مربع ۸ شهر واقع شده است. (گفتنی است که نقاط شهری یادشده از یک طرف، بخش عمده جمعیت را در مقایسه با روستاها در خود جای داده‌اند و از طرف دیگر، اکثر روستاها در مجاورت نقاط شهری هستند. از این رو، احتساب نقاط شهری برای به دست آوردن تراکم استقرار فضایی، معیار مقبولی به نظر می‌آید). براساس اطلاعات مندرج در نقشهٔ اطلاعات جغرافیای عمومی جمهوری آذربایجان، تراکم استقرار فضاهای سکونتی ـ نقاط شهری ـ بدین قرار است:[٥]

جدول شماره (۱) توزیع نقاط شهری بزرگ در طول‌ها و عرض‌های جغرافیایی مختلف

طول جغرافیایی	تعداد نقاط شهری	عرض جغرافیایی	تعداد نقاط شهری
٤٤° تا ٤٥°	۲	۳۸° تا ۳۹°	٤
٤٥° تا ٤٦°	٦	۳۹° تا ٤٠°	١٥
٤٦° تا ٤٧°	۱۱	٤٠° تا ٤١°	۲۲
٤٧° تا ٤٨°	۱۰	٤١° تا ٤۲°	۱۲
٤٨° تا ٤٩°	۲۰		
٤٩° تا ٥٠°	٤		
٥٠° تا ٥٠/٣٠°	ـ		

۲ـ۱) موقعیت طبیعی

نوع موقعیت طبیعی

کشور آذربایجان در شرق، شمال شرق و جنوب شرق، دارای موقعیت ساحلی است. «باکو»، بزرگ‌ترین شهر و پایتخت کشور، نیز موقعیت ساحلی دارد. شهرهای بزرگ دیگری مانند سومقایت (SUMGAIT)، لنکران (L∂NK∂RAN) و آستارا (ASTARA) نیز از چنین موقعیتی برخوردار هستند.

از ۲۰۱۳ کیلومتر مرز کشور آذربایجان ـ شامل خاک اصلی و جمهوری نخجوان ـ حدود ۸۰۰ کیلومتر دارای موقعیت ساحلی است که حدود ۴۰٪ از کل مرزهای کشور را شامل می‌شود.[۶]

شهرهای گنجه (G∂NC∂)، مینگه چویر (MİNÇ∂ÇEVİR) یولاخ [YEVLAX]، خان کندی [XANK∂NDİ] و علی بایراملی [∂LİBAYRAMLI] و جمهوری نخجوان نیز موقعیت بری دارند.

از نظر موقعیت استراتژیک نیز سواحل شرق و جنوب شرق به دلیل استخراج نفت و گاز و نزدیکی با ایران و منطقه خودمختار قره‌باغ به دلیل ارمنی نشین بودن و نزدیکی به مرز ارمنستان، هم‌چنین منطقه شمال غرب به دلیل عبور خطوط لوله (به ویژه خط لوله مهم باکو ـ جیحان در آینده)، نیز منطقه خودمختار نخجوان به دلیل واقع شدن در بیرون از خاک اصلی [برونبوم] و هم‌مرز بودن با کشورهای ارمنستان، ایران و ترکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

ویژگی‌های اکتسابی کشور از موقعیت طبیعی

خاک اصلی جمهوری آذربایجان و سرزمین جمهوری خودمختار نخجوان از نظر طبیعی سامانه (سیستم) بسته‌ای (Land Lock) دارند.[۷]

سامانه بستۀ آذربایجان باعث می‌شود این کشور برای هر نوع حرکت اقتصادی در ماورای کشورهای همسایه، ناچار به عبور از خاک یکی از این کشورهاست.[۸]

مسائل و تبعات ایجاد شده برای کشور از نظر موقعیت طبیعی

به دلیل کوهستانی بودن بخشی از خاک این کشور و واقع شدن در عرض‌های جغرافیایی بالاتر ـ که باعث برودت هوا و در نتیجه محدودیت در کشت و زرع می‌شود ـ فعالیت کشاورزی آن محدود است، اما با وجود منابع درخور توجه نفت و گاز و دشت‌ها و جلگه‌های حاصلخیز نیز رودخانه‌های پرآب، این کاستی برطرف می‌شود.

بسته بودن سیستم ارتباطی طبیعی در تجارت و مبادلات تجاری آذربایجان با کشورهای غیر هم‌مرز تأثیر منفی دارد؛ به ویژه با کشورهایی هم‌چون آمریکا و ترکیه که در حال حاضر شرکای تجاری مهمی برای این کشور محسوب می‌شوند.

فصل دوم

بررسی فضاسازی کشور

۱ـ۲) الگوی پراکندگی شهرها

مطابق نقشهٔ پراکندگی شهرهای جمهوری آذربایجان، به غیر از چند منطقه که فاقد نقطه شهری هستند، پراکندگی نقاط شهری در سایر نقاط تقریباً متوازن است. مناطق فاقد نقطه شهری قابل ملاحظه عبارت‌اند از:

ـ منطقهٔ بین شبه جزیره آبشارون (Abşaron Yarimadasi) و رودخانه پیر ساعات چای (PIRSAATÇAY) در شرق؛

ـ مناطق مرکزی دشت‌های مغان و شیروان در شرق و جنوب شرق؛

ـ منطقهٔ شمال رود کورا در مرز گرجستان و در شمال غرب؛

ـ منطقهٔ شمال غربی قره‌باغ در مرز ارمنستان؛

ـ منطقهٔ شمال رود ارس و جنوب رود کورا بین شهرهای ایمیشلی (İMİŞLİ) و خوجاوند (XOCAVAND) نقاط شهری در نزدیکی مرز ایران نیز به غیر از مناطق یادشده در سایر مناطق

در ۳ مقیاس پراکنده‌اند که عبارتند از:

ـ منطقهٔ شبه‌جزیره آبشارون که دارای توزیع متراکم نقاط شهری است و به‌رغم وسعت بسیار کم در مقایسه با مساحت کل کشور، حدود ٤۰ نقطهٔ شهری را در خود جای داده است. این میزان ۳۰٪ از کل نقاط شهری کوچک و بزرگ (۱۳٤ نقطه شهری) را شامل می‌شود. شهرهای مهم این منطقه باکو، سومقایت و قاراچوخور هستند.

ـ مناطقی که تراکم شهری متوسط دارند عبارت‌اند از: منطقه جنوب رود کورا، بین رودهای ترتر و شمکیر، که شهرهایی هم‌چون گنجه، یولاخ، نفت آلان و داش کَسَن، را شامل می‌شود. منطقهٔ تالشان در نزدیکی مرز ایران که شهرهای لنکران، جلیل‌آباد، بیله سوار و آستارا در آن واقع شده و منطقه قره‌باغ و شرق قره‌باغ که شامل شهرهای خان کندی، فضولی، شوشا و آغدام است.

ـ مناطق دارای تراکم نقاط شهری کم: این مناطق در نزدیکی مرز روسیه، گرجستان و جمهوری خودمختار نخجوان قرارگرفته‌اند. در این مناطق، شهرهایی هم‌چون قوسار، قوبا و شکی در نزدیکی مرز روسیه، بالاکن [BALAK∂N] و زاگاتالا [ZAGATALA] در نزدیکی مرز گرجستان و نخجوان، اردوباد و جلفا در جمهوری خودمختار نخجوان واقع شده‌اند. به طور کلی عوامل متعددی را می‌توان در نحوهٔ توزیع نقاط شهری این کشور مؤثر دانست. شاخص‌های اقتصادی (به ویژه منابع نفت و گاز و صنایع و تأسیسات وابسته)، عوامل سیاسی، مانند استقرار اکثر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی مهم و رودخانه‌ها از عوامل تأثیرگذار در پراکندگی شهرها در این کشور هستند. دو نمونه از عوامل یادشده یعنی عوامل سیاسی و اقتصادی در منطقه شبه‌جزیرهٔ آبشارون نمود پیدا کرده از این رو، این منطقهٔ کم وسعت، دارای بیشترین تراکم شهرهاست. عامل رودخانه نیز از دیرباز تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که می‌توان شکل‌گیری شهرهایی مانند مینگه چویر، یولاخ، علی بایراملی، سالیان و نخجوان را به این عامل طبیعی نسبت داد. هم‌چنین مختصات جغرافیایی و جمعیت ۳۸ شهر مهم این جمهوری در جداول صفحات بعد آمده است. (این شهرها حدود ۸۰٪ از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده‌اند.)[۹]

جدول شهرهای مهم جمهوری آذربایجان به همراه جمعیت و مختصات جغرافیایی

ردیف	نام شهر (به فارسی)	نام شهر (به زبان اصلی)	جمعیت (به نفر)	طول جغرافیایی دقیقه/درجه	عرض جغرافیایی دقیقه/درجه
۱	باکو	BAKI	۱۷۲۷۲۰۰	٤۹°/٥۰´	٤۰°/۲٤´
۲	گنجه	G∂NC∂	۲۹۱۹۰۰	٤٦°/۲۳´	٤۰°/٤۱´
۳	سومقایت	SUMQAYIT	۲٤۸٥۰۰	٤۹°/٤۲´	٤۰°/۳٤´
٤	مینگه چویر	MİNG∂ÇEVİR	۹۷۲۰۰	٤۷°/۰۲´	٤۰°/٤۷´
٥	علی بایراملی	∂LİBAYRAMLI	٦۸۹۰۰	٤۸°/٥٦´	۳۹°/٥٦´
٦	نخجوان	NAXCIVAN	٦۳۱۰۰	٤٥°/۲٤´	۳۹°/۱٥´
۷	شکی	Ş∂Kİ	٦۱٥۰۰	٤۷°/۱۰´	٤۱°/۱۲´
۸	قاراچوخور	QARAÇUXUR	٦۰۰۰۰	٤۹°/٥۸´	٤۰°/۲٤´
۹	خان کندی/ استپاناکرت*	XANK∂NDİ	٥٥۳۰۰	٤٦°/٤٥´	۳۹°/٤۸´
۱۰	یولاخ	YEVLAX	٥۰٤۰۰	٤۷°/۰۹´	٤۰°/۳۷´
۱۱	لنکران	L∂NK∂RAN	٤۷۰۰۰	٤۸°/٥۲´	۳۸°/٤٥´
۱۲	مشتاغا	M∂ŞTAĞA	٤۳۱۰۰	٥۰°/۰۰´	٤۰°/۱۹´
۱۳	رسول‌زاده	R∂SULZAD∂	۳۹٥۰۰	٥۰°/۰۲´	٤۰°/۲٦´
۱٤	بیله جری	BİL∂C∂Rİ	۳۸۳۰۰	٤۹°/٤۸´	٤۰°/۲٦´
۱٥	آغدام	AĞDAM	۳۷۸۰۰	٤٦°/٥۷´	۳۹°/٥۹´
۱٦	گؤی چای	GÖYCAY	۳٤٥۰۰	٤۷°/٤٥´	٤۰°/۳۹´
۱۷	برده/ بردع	B∂RD∂	۳٤۰۰۰	٤۷°/۰۸´	٤۰°/۲۲´
۱۸	هؤسان	HÖVSAN	۳۳٥۰۰	٥۰°/۰٤´	٤۰°/۲۲´
۱۹	سالیان	SALYAN	۳۲٤۰۰	٤۸°/٥۹´	۳۹°/۳۷´
۲۰	خیردالان	XIRDALAN	۳۰٤۰۰	٤۹°/٤٥´	٤۰°/۲۷´

* Steparnkert

اسمی است که ارامنه بر این شهر گذاشته‌اند.

ردیف	نام شهر (به فارسی)	نام شهر (به زبان اصلی)	جمعیت (به نفر)	طول جغرافیایی دقیقه/درجه	عرض جغرافیایی دقیقه/درجه
۲۱	شمکیر	ŞƏMKİR	۲۹۹۰۰	٤٦°/۰۱′	٤۰°/٤۹′
۲۲	خاچماز	XAÇMAZ	۲۹۹۰۰	٤۸°/٤۹′	٤۱°/۲۸′
۲۳	اسمائیللی	ISMAYILLI	۲۹۲۰۰	٤۸°/۰۸′	٤۰°/٤۷′
۲٤	جلیل‌آباد	CƏLİLABAD	۲۹۱۰۰	٤۸°/۳۰′	۳۹°/۱۲′
۲٥	آغجابدی	AĞCABƏDI	۲۷۷۰۰	٤۷°/۲۸′	٤۰°/۰۳′
۲٦	شماخی	ŞAMAXI	۱۹۰۰۰	٤۸°/۳۹′	٤۰°/۳۷′
۲۷	آغداش	AĞDAŞ	۲٦۱۰۰	٤۷°/۲۹′	٤۰°/۳۹′
۲۸	لؤک‌باتان	LÖKBATAN	۲٥۳۰۰	٤۹°/٤۳′	٤۰°/۱۹′
۲۹	بوزونا	BUZÖNA	۲۳٦۰۰	٥۰°/۰۷′	٤۰°/۳۱′
۳۰	قاضی‌ممّد	QAZIMƏMMƏD	۲۲۹۰۰	٤۸°/٥٦′	٤۰°/۰۲′
۳۱	بینه	BİNƏ	۲۲٦۰۰	٥۰°/۰٥′	٤۰°/۲۷′
۳۲	قوبا	QUBA	۲۲۳۰۰	٤۸°/۳۱′	٤۱°/۲۲′
۳۳	بیله‌سوار	BILƏSUVAR	۲۱۰۰۰	٤۸°/۳۳′	۳۹°/۲۸′
۳٤	دوه‌چی	DƏVƏÇİ	۲۱۰۰۰	٤۹°/۰۰′	٤۱°/۱۲′
۳٥	صابرآباد	SABİRABAD	۲۰۷۰۰	٤۸°/۲۹′	٤۰°/۰۱′
۳٦	سیازان	SİYaZaN	۲۰٦۰۰	٤۹°/۰۷′	٤۱°/۰٤′
۳۷	قازاخ	QAZAX	۲۰۱۰۰	٤٥°/۲۱′	٤۱°/۰٦′
۳۸	صابونچی	SABUNCU	۲۰۰۰۰	٤۹°/٥٦′	٤۰°/۲٦′

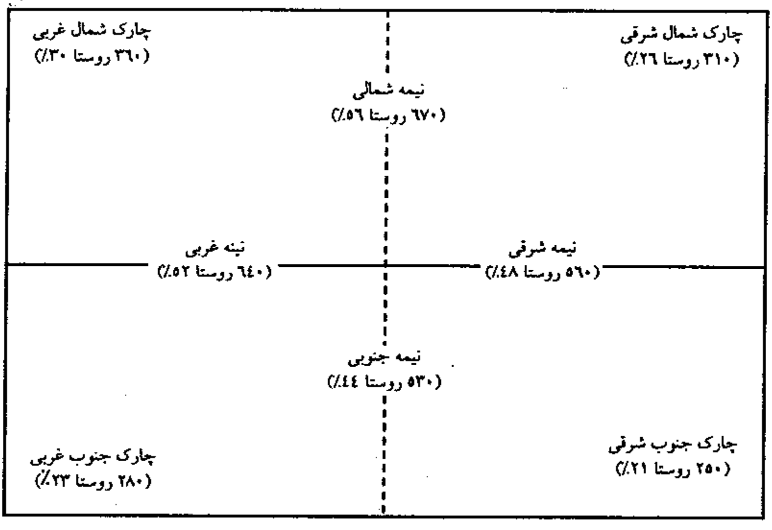
۲ـ۲) الگوی پراکندگی روستاها

تعداد روستاهای جمهوری آذربایجان بیش از ٤۰۰۰ روستاست که تعداد زیادی از آن‌ها خالی از سکنه شده است. براساس نقشهٔ اطلاعات جغرافیای عمومی جمهوری آذربایجان، حدود ۱۲۰۰ روستا در این کشور وجود دارد. که از راه ارتباطی برخوردارند. در نقشه یادشده، این روستاها

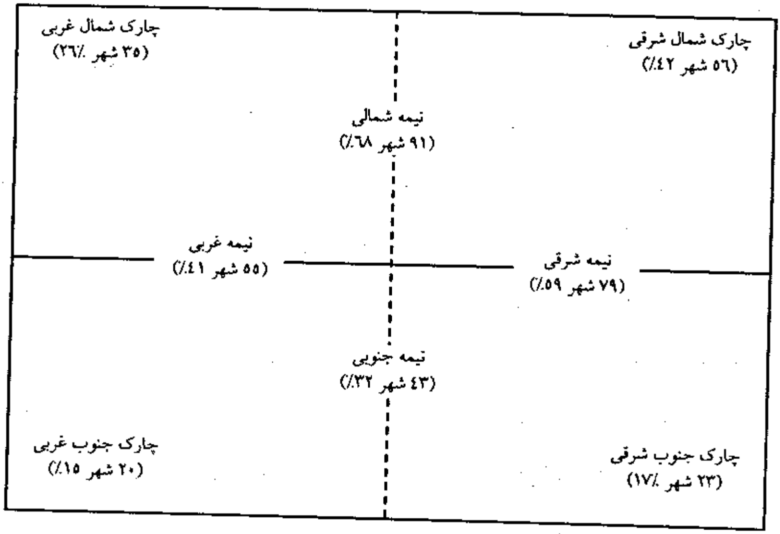
تیپ قصبه عنوان شده‌اند و نسبت به خانه‌های روستایی منفرد و کم تراکم، مرکزیت نسبی دارند. این روستاها در کنار رودخانه‌ها، اطراف شهرهای بزرگ و کوچک و در امتداد و مسیر راه‌های مواصلاتی (اعم از راه‌آهن، اتوبان، جاده‌های آسفالته معمولی و شوسه) پراکنده‌اند. تنها منطقه‌ای که از این قاعده مستثنی است، شبه جزیره آبشارون است که به دلیل تراکم بسیار بالای نقاط شهری، تعداد روستاها در این منطقه اندک است. البته این امر را می‌توان ناشی از توسعه نقاط روستایی و تبدیل شدن آن‌ها به نقاط شهری فرض کرد که با توجه به زیربناها و امکانات بالفعل اقتصادی، چنین استنباطی منطقی به نظر می‌رسد. اگر خاک اصلی کشور و جمهوری نخجوان را به صورت نیمه‌های شمالی و جنوبی و غربی و شرقی تصور کنیم، مطابق نقشهٔ پراکندگی شهرها، نقاط روستایی و منابع آبی، بیشترین تراکم روستاها در نیمه شمالی و غربی وجود دارد.

تعداد روستاها، به طور تقریبی، و نقاط شهری در هریک از نیمه‌های شرقی ـ غربی، و شمالی ـ جنوبی به همراه سهم درصدی هریک از تعداد کل در نمودار آمده است:

نمودار توزیع تعداد روستاها در بخش‌های مختلف کشور



نمودار توزیع تعداد نقاط شهری (کوچک و بزرگ) در بخش‌های مختلف کشور



براساس آن‌چه ذکر شد از بین دو نیمهٔ شمالی و جنوبی کشور، نیمهٔ شمالی هم از نظر تراکم نقاط شهری و هم تراکم نقاط روستایی، مهم‌تر از نیمهٔ جنوبی است. به نظر می‌رسد؛ این دو نیمه از نظر مساحت تفاوت چندانی با هم ندارند؛ اما از بین دو نیمهٔ شرقی و غربی، نیمهٔ شرقی از نظر نقاط شهری و نیمهٔ غربی از نظر نقاط روستایی جایز اهمیت‌اند. این دو نیمه از نظر مساحت با هم یکی نبوده و نیمهٔ غربی وسیع‌تر از نیمهٔ شرقی است. از بین چارک‌ها نیز چارک شمال شرقی از نظر تعداد نقاط شهری اهمیت بسیار دارد. از نظر تعداد روستاها چارک شمال غرب مهم‌تر از بقیه چارک‌ها است. در ضمن چارک جنوب غربی که با ایران و ارمنستان هم مرز است؛ هم از نظر تعداد شهرها و هم از نظر تعداد روستاها چندان درخورتوجه نیست.

۳ـ۲) مبنای جایابی پایتخت

باکو بزرگ‌ترین شهر آذربایجان و مهم‌ترین شهر صنعتی در ماورای قفقاز است. این شهر بر روی تراس‌های طبیعی که بر دریای خزر احاطه دارد واقع شده است.[۱۰]

باکو تا قبل از انعقاد دو قرارداد گلستان (۱۸۱۳ م.) و ترکمنچای (۱۸۲۸ م.) مانند سایر شهرهای بزرگ از قبیل شیروان، گنجه و قره‌باغ یکی از مراکز خان‌نشین‌ها محسوب می‌شد. پس از الحاق این مناطق به روسیه، طی دو قرارداد یاد شده، شهر باکو به دلیل قرار گرفتن در کنار منابع نفتی دریای خزر به‌صورت شهری صنعتی و مهم درآمد تا جایی که در سال ۱۹۰۱ بیش از نیمی از نفت کل جهان از این منطقه استخراج می‌شد. از همین‌رو، باکو که در این دوران، «بام نفت جهان» لقب گرفته بود پس از پیروزی ناسیونالیست‌ها در سپتامبر ۱۹۱۸ و استقلال موقت آذربایجان از شوروی این شهر به‌عنوان پایتخت برگزیده شد.[۱۱]

پس از سقوط جمهوری مستقل آذربایجان، شهر باکو به دلیل این‌که بزرگ‌ترین شهر محسوب می‌شد، هم‌چنین به خاطر اهمیت اقتصادی، صنعتی و وجود نهادهای سیاسی و فرهنگی به‌صورت مرکز جمهوری سوسیالیستی آذربایجان باقی ماند و پس از استقلال کامل جمهوری آذربایجان نیز این شهر هم‌چنان پایتخت باقی ماند و اهمیت آن روز به روز بیشتر شده است.

مساحت باکو حدود ۱۹۲ هزار هکتار است که ۲ میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است. این شهر از ۱۱ منطقه شهری تشکیل شده که عبارت‌اند از:

عزیز بی اف، بینه گری، قاراداغ، نریمانف، نسیمی، نظامی، سابایل، صابونچی، سوراخانی، ختایی و جاسامی.[۱۲]

باکو در بین تمام شهرهای آذربایجان دارای موقعیت ویژه و ممتازی در همهٔ زمینه‌هاست.

این شهر در زمان روسیه تزاری و قبل از حکومت کمونیستی به محل سکونت و فعالیت نفت‌خواران و سرمایه‌داران نفتی جهان تبدیل شده بود؛ اما نظام کمونیستی، ساختار اجتماعی و اقتصادی آن روز باکو را دگرگون ساخت و باکو به یکی از مراکز رهبری نظام کمونیستی در قفقاز تبدیل شد. در حال حاضر نیز به نظر می‌آید که شکوه و عظمت اقتصادی اوایل قرن نوزدهم در حال بازگشت به این شهر است.

۴ـ۲) الگوی ارتباطات زمینی، هوایی و دریایی

در سال ۲۰۰۰، در این جمهوری قریب به ۲۴۹۸۱ کیلومتر بزرگراه وجود داشت که ۲۳۰۵۷ کیلومتر آن آسفالت (paved) و ۱۹۲۴ کیلومتر بدون آسفالت (unpaved) بود. طول خطوط آهن این کشور نیز (به جز خطوط صنعتی) ۲۱۲۵ کیلومتر بود. هم‌چنین ۵۲ فرودگاه در این کشور فعالیت داشت که ۹ مورد آسفالت و بقیه بدون آسفالت بود.

در عین حال بندر باکو، تنها بندر جمهوری ذکر شده است که ۵۶ فروند کشتی با ظرفیت ناخالص (GRT) بالاتر از ۱۰۰۰ تن در این بندر پهلو می‌گیرند.[۱۳]

از آن جا که تعداد کمی از رودخانه‌های آذربایجان قابل کشتیرانی است، بخش عمدهٔ حمل و نقل از طریق راه‌آهن و کامیون صورت می‌گیرد. در حال حاضر، بخش عمده‌ای از شبکهٔ ریلی کشور برقی شده است. کالاهای اصلی که با راه‌آهن حمل می‌شود، فرآورده‌های نفتی، مصالح ساختمانی، الوار و حبوبات است. یکی از خطوط اصلی راه‌آهن، درهٔ رودخانه کورا (kür) را قطع کرده و شهر باکو را به شهرهای تفلیس و باطومی در جمهوری گرجستان متصل می‌کند. خط دیگری نیز به موازات آن به‌طرف شمال باکو در طول ساحل دریا امتداد یافته‌است. در این جمهوری از حمل و نقل موتوری، هم برای بار و هم برای مسافر استفاده می‌شود. جاده‌ها بخش‌های مختلف کشور را به هم متصل می‌سازد و اغلب تنها راه ارتباطی میان بخش‌های محصور شده در دل کوه‌ها با مراکز اداری ـ سیاسی و شهرهای بزرگ به شمار می‌رود. حمل و نقل دریایی نیز از شهر باکو صورت می‌گیرد که مهم‌ترین راه ارتباطی با شهر بندری ترکمن باشی در جمهوری ترکمنستان است. خطوط هوایی نیز بین باکو و بیشتر شهرهای اروپایی و آسیایی دایر است.[۱۴]

حمل و نقل در آذربایجان وابسته به نیازهای بلندمدت کشور است. جاده‌ها در طول ساحل خزر به‌طرف روسیه در شمال و در جنوب به سوی ایران گسترش پیدا کرده است. این جاده‌ها هم‌چنین باکو را به تفلیس در گرجستان متصل می‌کند. آذربایجان در وضعیت کنونی وابسته به خط راه‌آهن است که از طریق گرجستان به بنادر دریای سیاه دست می‌یابد و از این رهگذر، عمدهٔ نیازهای وارداتی خود را تأمین می‌کند.[۱۵]

۵ـ۲) میزان ارتباط نقاط مختلف کشور

در جمهوری آذربایجان دسترسی بین نقاط شهری به سهولت امکان‌پذیر است. این دسترسی بین شهرهای بزرگ از کیفیت بهتری برخوردار بوده، ارتباط بین شهرهای اصلی و بزرگ از طریق بزرگراه‌ها و خطوط راه‌آهن صورت می‌گیرد. این ارتباط در مناطق کم ارتفاع مؤثرتر است. شبه‌جزیره آبشارون از مناطقی است که میزان ارتباطات در آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به طوری که بیشترین دسترسی مؤثر بین نقاط جمعیتی در این منطقه است که شهرهای باکو، سومقایت، قاراچوخور، متشتاغا، رسولزاده، بیله جری، هؤسان، خیردالان، لؤک باتان، بوزونا، بینه و صابونچی، ارتباط سهل و آسان و دسترسی مؤثری به یکدیگر دارند. این نقاط شهری که حجم عمده‌ای از جمعیت کشور در آن زندگی می‌کنند از نقاط مهم سیاسی و اقتصادی کشور محسوب می‌شوند و با توجه به کم بودن مسافت میان این شهرها و وجود راه‌های ارتباطی مؤثر، هیچ‌گونه محدودیت ارتباطی میان این نقاط وجود ندارد؛ هم‌چنین شهرها و روستاهایی که در دو طرف خط اصلی ارتباطی شرق به غرب (که در بندهای پیشین توضیح داده شد) واقع شده‌اند دسترسی مؤثری دارند. شهرهای کوردامیر، گؤی چای، یولاخ، مینگه چویر و گنجه و نقاط شهری کوچک و روستاهای تابعه آن‌ها از این دسترسی بهره‌مند هستند. این شهرها با خطوط ارتباطی جاده‌ای و ریلی به شبه‌جزیره آبشارون متصل می‌شوند. مناطق کوهستانی نیز که اغلب در نزدیکی مرزها قرار گرفته‌اند فاقد نقاط شهری بزرگ‌اند و از دسترسی چندانی برخوردار نیستند. این مناطق در شمال کشور (مرز روسیه و گرجستان) جنوب (مرز ایران) و غرب (مرز ارمنستان) واقع شده‌اند.

همچنین برونبوم جمهوری نخجوان به دلیل انفکاک از خاک اصلی دارای دسترسی مؤثری نیست و ارتباط با این بخش تنها از طریق خاک ارمنستان و ایران میسر است. براساس آن‌چه ذکر شد، درمی‌یابیم که اکثر نقاط مهم جمهوری آذربایجان از ارتباط و دسترسی مؤثر برخوردارند و نقاطی که فاقد این ارتباط‌اند نقش تعیین‌کننده در اقتصاد و سیاست کشور ندارند؛ اما از آن‌جا که اغلب این نقاط در مجاورت مرزها واقع شده‌اند در مواقع تهاجم به

کشور، آسیب‌پذیرند. نمونه عینی آن، مناطق مرزی این جمهوری با ارمنستان است که در حال حاضر تحت اشغال ارمنستان است.

٦ـ۲) قطب‌های اصلی سیاسی، صنعتی و کشاورزی کشور

باکو که پایتخت و بزرگ‌ترین شهر آذربایجان است مرکز استقرار اکثر نهادهای سیاسی و حکومتی و نیز قطب اصلی سیاسی این کشور محسوب می‌شود. جمهوری خودمختار نخجوان نیز با اکثریت ساکنان آذربایجانی، منطقه محصور شده ناگور نوقره‌باغ ـ قره‌باغ کوهستانی ـ با اکثریت ساکنان ارمنی و حاکمیت این قوم، از قطب‌های سیاسی مهم به شمار می‌آیند. این نحوهٔ تقسیم‌بندی در زمان حکومت اتحاد جماهیر شوروی، برای کاهش اختلاف و تنش بین ملی‌گرایان دو قوم صورت گرفت.[١٦]

از نظر صنعتی نیز شبه جزیرهٔ آبشارون بیشترین اهمیت را دارد. این شبه‌جزیره در شرق کشور، به طول ٦۰ کیلومتر در داخل آب دریای خزر پیش رفته است. در این منطقه شهرهای باکو، سومقایت و رامانا(Baki, Sumgaiyt, Ramana) واقع شده‌اند. منابع نفت و گاز و صنایع مربوط به استخراج و پالایش نفت، هم‌چنین صنایع مربوط به تولید مصالح ساختمانی به ویژه سیمان در باکو واقع شده و صنایع نفت در رامانا و صنایع مربوط به تولید آهن و فولاد، نیز مواد غیرفلزی و صنایع شیمیایی در سومقایت قرار دارند. منطقهٔ قوبا، چاخماز با صنایع پوست در شمال شبه جزیرهٔ آبشارون و منطقهٔ دشت شیروان شامل مناطق مینگه چویر، کوردامیر، شماخی و گؤی چای در مرکز و غرب دارای صنایع مربوط به پنبه و میوه، نیز تولید مشروبات الکلی و ایستگاه برق هیدرولیک (در نزدیکی شهر مینگه چویر) است و از قطب‌های صنعتی به شمار می‌روند. منطقه علی بایراملی در جنوب شرق این دشت نیز دارای نیروگاه برق حرارتی است. در منطقهٔ قره‌باغ در جنوب غرب نیز صنایع شراب سازی، عمل‌آوری پوست و صنایع الکتریکی قراردارد. در شمال غرب در منطقهٔ گنجه و قازاخ نیز صنایع غذایی، مهندسی، ماشین‌سازی، نساجی و شیمیایی و مواد غیرفلزی واقع شده است.[١٧]

از نظر صنعت، باکو اولین و مهم‌ترین شهر است و پس از آن، شهر سومقایت دومین شهر صنعتی کشور محسوب می‌شود.(۱۸) از نظر کشاورزی نیز قطب‌های متعددی در این کشور وجوددارد. در منطقهٔ لنکران در جنوب شرق کشور به دلیل آب و هوای گرم، محصولاتی نظیر چای، برنج، انگور، تنباکو، زیتون، مرکبات، سبزیجات بهاری و زمستانی به عمل می‌آید. در این منطقه قالیچه و فرش نیز بافته می‌شود. منطقهٔ قوبا ـ خاچماز در شمال شبه جزیرهٔ آبشارون نیز محل تولید حبوبات، سبزیجات بوده و باغات میوه پهناوری در این منطقه وجود دارد. ضمن آن که مناطق کوهستانی که در این بخش از کشور واقع شده به دلیل وجود چراگاه‌های طبیعی محل پرورش گوسفند است. دشت شیروان نیز یکی از مناطق مستعد کشاورزی است که پنبه، انگور و انار در آن کشت می‌شود. منطقه مغان (Muğan) ـ سالیان در جنوب رود کورا منطقهٔ اصلی کشت پنبه کشور است به گونه‌ای که ۷۰٪ از پنبه تولیدی کشور در این منطقه تولید می‌شود. منطقهٔ قره‌باغ (Qarabağ) نیز محل تولید انگور، تنباکو و حبوبات است افزون‌بر آن در این منطقه پرورش گوسفند و خوک نیز متداول است. در منطقهٔ شکی و زاگاتالا نیز تنباکو، گیاهان خوشبو (نعناع، پونه، گلسرخ و ریحان) و برنج، غلات (به ویژه ذرت)، فندق، گردو و سایر میوه‌ها کشت و تولید شده، تولید ابریشم نیز در این منطقه رایج است. در جمهوری خودمختار نخجوان نیز انگور، پنبه و حبوبات تولید می‌شود، افزون‌بر آن، در این منطقه آب معدنی نیز تولید می‌گردد.(۱۹)

۷ـ۲) الگوی فضایی مرز و داخل

بیشترین تراکم استقرار فضایی در داخل جمهوری است و مناطق مرزی نسبت به مناطق داخلی از تراکم کمتری برخوردار است. مرزهای این جمهوری در شمال، غرب و جنوب غرب که کوهستانی هستند فاقد استقرار فضایی درخور توجه است؛ ولی در مرزهای ساحلی، تراکم فضاها محسوس و چشمگیر است. ۹ شهر مهم کشور که نبض اقتصاد کشور محسوب می‌شوند در ساحل دریای خزر واقع شده‌اند که از آن جمله می‌توان به شهرهای باکو، سومقایت، لنکران و آستارا اشاره نمود.(۲۰)

۸ـ۲) بررسی شکل‌واره فضایی کل کشور

نحوهٔ اتصال مناطق جمعیتی در این جمهوری به گونه‌ای است که فضاهای خالی از سکنه حجم اندکی دارند. ۳ خط عمدهٔ مواصلاتی مشتمل‌بر راه‌آهن و جادهٔ آسفالته از باکو مرکز جمهوری در شرق به طرف شمال، غرب و جنوب کشیده شده است. خط مواصلاتی شمال، حوزه تأثیر کمتری دارد؛ زیرا در مسیر خود مناطق شهری کمتری را پوشش می‌دهد و بیشتر مناطق کنار ساحل دریای خزر را تحت پوشش دارد. خط غربی تا شهر مینگه چویر در مرکز کشور ادامه دارد. خط جنوبی در نقطهٔ شهری کوچکی به نام الت (∂l∂t) در ساحل دریای خزر به ۳ خط تقسیم می‌شود که یک خط به طرف غرب امتداد پیدا می‌کند و تا جنوب شهر مینگه چویر به موازات خط غربی ـ که در بالا ذکر شد ـ امتداد می‌یابد و بعد از آن تنها خط مواصلاتی است که به طرف منتهی‌الیه غربی کشور کشیده شده است. این خط حوزهٔ تأثیر زیادی دارد و ضمن عبور از شهرهای عمدهٔ کوردامیر، یولاخ و گنجه تا شهر قازاخ، غربی‌ترین نقطهٔ شهری ادامه دارد. خط دوم که از خط جنوبی منشعب می‌شود ضمن عبور از برخی نقاط شهری جنوب، غرب و شمال تغییر مسیر داده و به خط عمدهٔ غرب در نزدیکی شهر یولاخ متصل می‌شود. خط سوم، منشعب از خط جنوبی نیز به سمت جنوب ادامه پیدا کرده و تا مرز ایران ادامه می‌یابد. عمده‌ترین فضاهای خالی از استقرار جمعیتی مطابق با نقشه‌های موجود در منطقهٔ نواری واقع شده که از نظر موقعیت در شمال رود کورا از حوالی مرز گرجستان تا مرکز جمهوری (نزدیکی شهر مینگه چویر)، واقع شده است. علاوه‌بر این، در مناطق مرکزی کشور نیز به‌رغم این که جاده‌های مواصلاتی اصلی و فرعی زیادی به چشم می‌خورد، فضاهای خالی از سکنه به صورت محدوده‌های کم وسعت دیده می‌شود. سومین بخش از فضاهای خالی از سکنه شامل باتلاق‌ها و شوره‌زارهاست که در جنوب و جنوب شرق کشور واقع شده‌اند.[۲۱]

۹ـ۲) ارتباط فضاسازی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی

شهر باکو از نظر فعالیت سیاسی، در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد؛ زیرا تمام نهادهای حکومتی و دوایر دولتی و دفاتر احزاب عمده سیاسی در این شهر قرار دارند.

جمهوری خودمختار نخجوان نیز هرچند به بدنه اصلی کشور آذربایجان متصل نیست ولی سیاست‌های خود را که مبتنی‌بر تبعیت از قانون اساسی جمهوری آذربایجان است، به صورت یک دولت پیش می‌برد. منطقهٔ قره‌باغ نیز از سال ۱۹۹۱ خود را یک جمهوری مستقل معرفی کرده‌است هرچند هیچ کشوری این استقلال را به رسمیت نشناخته است.[۲۲] (شایان ذکر است که کشور ارمنستان در همان زمان این استقلال را به رسمیت شناخته است).

از نظر اقتصادی شبه‌جزیرهٔ آبشارون ـ درکنار دریای خزر ـ با منابع نفت و گاز و معادن و فعالیت‌های صنعتی مرتبط با آن که در این منطقه واقع شده؛ دارای اهمیت است. منطقهٔ لنکران در جنوب کشور در نزدیکی مرز ایران کشاورزی وسیع و پرتنوع و صنایع تبدیلی قابل توجهی دارد. علاوه‌بر این، در مناطق مرکزی، غربی و شرقی نیز صنایع تبدیل محصولات کشاورزی، صنایع غذایی و شیمیایی، تولید برق و مواد غیرفلزی از پارامترهای مهم اقتصادی محسوب می‌شوند.[۲۳] از نظر فرهنگی نیز شهر باکو به دلیل واقع شدن اکثر مراکز آموزش عالی، دفاتر نشریات و مؤسسات فرهنگی دارای اهمیت است. شهر گنجه نیز به دلیل قدمت و سابقهٔ درخشان فرهنگی، و واقع شدن مسجد باستانی جمعه (تأسیس ۱٦۲۰م) و دانشکده در این شهر اهمیت ویژه‌ای دارد. شهر نخجوان در جمهوری خودمختار نخجوان به خاطر موزه و دانشکده کشاورزی و شهر شوشا (Şuşa) در منطقهٔ قره‌باغ به دلیل آن که خاستگاه موسیقی مقامی آذربایجان[۱] و زادگاه و محل زندگی موسیقی‌دانان مشهور است موقعیت فرهنگی درخور توجهی دارند. از دیگر مناطق مهم فرهنگی می‌توان به شهر تاریخی شماخی در غرب باکو اشاره نمود که دارای آثار تاریخی از جمله مسجد قدیمی جمعه (تأسیس در قرن ۱۰ م) است.

---

۱. نوعی موسیقی دستگاهی که موسیقی سنتی آذربایجان محسوب می‌شود [نگارنده]

شهرهای مارداکیانی (Mardakyani) و قوبوستان (Qobustan) در شبه جزیرهٔ آبشارون به خاطر مسجد، آکادمی علوم و منطقه حفاظت شده تاریخی هنری گوبوستان از مناطق مهم فرهنگی به شمار می‌آید.[۲٤]

در بیشتر شهرهای این کشور مراکز هنری و فرهنگی وجوددارد که از جمله این مراکز می‌توان به تئاتر عروسکی آذربایجان، مجتمع دولتی رقص و آواز امیروف، اپرا و تئاتر باله میرزا آخوندوف، آکادمی دولتی دراما تئاتر، کنسرواتور دولتی، موزه تاریخ آذربایجان، موزه ادبیات نظامی گنجوی و آرشیو مرکزی ادبیات و هنر در باکو، مجتمع دولتی رقص و آواز گلک گل، آکادمی دولتی دراما تئاتر و انجمن ارکستر فیلارمونیک در شهر گنجه، آکادمی دولتی در اماتئاتر در شهرهای لنکران، مینگه چویر، شکی، فضولی (Füzuli)، آغدام و آکادمی دراما تئاتر موزیکال در شهر شوشا اشاره کرد.[۲۵]

۱۰ــ۲) بررسی فضاهای آسیب‌پذیر و غیرآسیب‌پذیر در کشور هدف

آسیب‌پذیرترین فضاهای جمهوری آذربایجان در جمهوری خودمختار نخجوان (به ویژه نیمه جنوبی آن) واقع شده است. این بخش از آذربایجان به دلیل عدم اتصال به بدنهٔ اصلی کشور و عدم ارتباط حکومت باکو با این بخش، به صورت متروک در آمده است. گفتنی است برونبوم نخجوان را در مناطق شمالی و شرقی ـ که مرز این سرزمین با ارمنستان است ـ ارتفاعات احاطه کرده که این امر از درجهٔ آسیب‌پذیری آن می‌کاهد. (میزان نفوذپذیری خارجی را کم می‌کند)؛ اما این سرزمین در بخش جنوبی (مرز ایران) و غربی (مرز ترکیه) قابل نفوذ بوده و با توجه به نبود پشتیبانی مناسب دولت باکو، آسیب‌پذیرترین منطقه محسوب می‌شود. شهرهای نخجوان، جلفا (CULFA)، اردوباد (ORDUBAD)، سَه درَک (S∂D∂R∂K)، و سَرور (S∂RUR) در این منطقه و در مجاورت مرز ایران قراردارند؛ ولی در مرز ترکیه که بسیار محدود است شهری وجود ندارد. شایان ذکر آن که رودخانه ارس در سرتاسر مرز ایران با این منطقه جاری است و این می‌تواند تا حدودی از آسیب‌پذیری این جمهوری کم کند. علاوه‌بر جمهوری

نخجوان، مناطق جنوبی خاک اصلی آذربایجان نیز (بخشی که فاقد ارتفاعات و رودخانه است) آسیب‌پذیر است. هرچند این مناطق باتوجه به دسترسی مستقیم باکو کمتر آسیب‌پذیرند. افزون‌بر این، منطقه‌ای که بین منطقه قره‌باغ و مرز ارمنستان واقع شده با توجه به همگرایی اهالی قره‌باغ با ارمنستان آسیب‌پذیر است؛ کما این که این منطقه، طی سال‌های گذشته و در جریان درگیری‌های نیروهای آذربایجانی با نیروهای ارمنستان و شورشیان قره‌باغ به اشغال نیروهای ارمنی درآمده است. شهر باکو پایتخت جمهوری و سایر شهرهای شبه‌جزیره آبشارون نیز نسبت به شهرهای داخلی مثل گنجه، آسیب‌پذیرترند. علاوه‌بر نفوذپذیری مناطق مختلف، صدمات زیست‌محیطی به ویژه در دریای خزر که عمدتاً ناشی از صنایع نفت و شیمیایی است، فضاهای آسیب‌پذیری را به وجود آورده است.[۲۶]

با توجه به سکونت اقوام اقلّیت در نزدیکی مرزهای این کشور با ممالک همسایه مثل روسیه، گرجستان، ارمنستان و ایران و فعالیت گروه‌های قومی افراطی و استقلال‌خواه مثل حزب داشناکسیون ارامنه، جنبش لزگی‌ها و جنبش تالش‌ها می‌توان گفت که مناطق سکونت اقوام اقلیت از زاویه بنیادهای انسانی آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند.[۲۷]

به طور کلی مناطق داخلی کشور هم از نظر فضاهای طبیعی و هم از نظر بنیادهای انسانی آسیب‌ناپذیرند. شهرهای مهم این مناطق عبارت‌اند از: گنجه، مینگه‌چویر، علی بایراملی و یولاخ. مناطقی که از نظر موقعیت جغرافیایی آسیب‌پذیرند، بیشتر در مناطق مرزی واقع شده‌اند یا شهرهای ساحلی نظیر باکو، سومقایت، خان کندی، شوشا و لنکران‌اند. برخی مناطق مثل لنکران، شوشا، خان‌کندی هم از نظر طبیعی و جغرافیایی و هم از نظر بنیادهای انسانی آسیب‌پذیرند.

۱۱ـ۲) بررسی فضاسازی‌های درون‌زا و برون‌زا

به طور کلی فضاهایی که مردم از دیرباز در شهرها و روستاها ایجاد کرده‌اند و در حال حاضر نیز آن را گسترش و توسعه می‌دهند بیشترین وزن را در کل فضاها به خود اختصاص داده‌اند.

این فضاها را می‌توان درون‌زا محسوب کرد. این فضاها علاوه‌بر فضاهای محل سکونت و کسب و کار تودهٔ مردم برخی آثار باستانی مثل مساجد و غیره را شامل می‌شود. برخی ابنیه فرهنگی مثل مساجد به دلیل آن‌که دولت آن‌ها را احداث نموده ـ چه در گذشته و چه در حال ـ برون‌زا محسوب می‌شوند. هم‌چنین سازمان‌ها و ادارات و فضاهای مربوط به فعالیت‌های اقتصادی عمده مانند استخراج و تولید نفت و گاز که دولتی هستند برون‌زا به شمار می‌روند.[۲۸]

فضاهای آموزشی و رفاهی که دولت آن را ایجاد کرده برون‌زا محسوب می‌شوند. ٤٥٠٠ باب مدرسه در مقاطع مختلف، ۷۷ باب دبیرستان حرفه‌ای و تخصصی، ۱۸ واحد دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی، ۱۲٤ موزه، ۱۹ سالن تئاتر، ۷٤٤ بیمارستان و ۱۸۰۰ باب کلینیک از فضاهای برون‌زا در این جمهوری محسوب می‌شوند.[۲۸]

شهرهای علی‌بایراملی و سومقایت شهرهایی هستند که دولت آن‌ها را بعد از جنگ جهانی دوم به منظور فعالیت‌های صنعتی بنا نمود.[۲۹] از این رو در این شهرها فضاهای مسکونی و خدماتی نیز به نوعی برون‌زا به‌شمار می‌آیند.

اتوبان‌ها، خطوط راه‌آهن و فرودگاه‌ها و فضاهای وابسته به آن از فضاهایی هستند که دولت آن را ایجاد کرده است. هم‌چنین نیروگاه‌های برق حرارتی و هیدرولیکی در علی‌بایراملی، مینگه چویر و شماخی از فضاهای دولتی و برون‌زا به شمار می‌آیند. به طور کلی بعد از انقلاب کمونیستی تمام فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، اجتماعی، فرهنگی و نظایر آن دولتی شده و از این رو، فضاهایی که بعد از سال ۱۹۱۷ به وجود آمد برون‌زا محسوب می‌شوند. این در حالی است که قبل از حکومت بلشویک‌ها این فعالیت‌ها ـ به ویژه در حوزه نفت ـ در دست بخش خصوصی بود و سرمایه‌دارانی چون مرتضی مختاراُف[۳۰] و زین‌العابدین تقی‌اُف[۳۱] نبض اقتصاد منطقه را در شبه جزیره آبشارون در دست داشتند؛ اما بعد از انقلاب این قدرت‌ها درهم شکست و این افراد برخی اعدام و برخی دیگر گوشه عزلت گزیدند.

جدول فضاسازی‌های درون‌زا و برون‌زا

فضاسازی‌های درون‌زا	فضاسازی‌های برون‌زا
۱ـ اکثر فضاهای سکونتی در شهرها و روستاها ۲ـ اکثر فضاهای تجاری و خدماتی ۳ـ آثار باستانی، مساجد و کلیساها ٤ـ دفاتر احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌های خصوصی	۱ـ برخی فضاهای سکونتی از جمله در شهرهای صنعتی مثل سومقایت و علی بایراملی ۲ـ مؤسسات و مراکز آموزش و تحقیقاتی مثل مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و نظایر آن ۳ـ تأسیسات و ابنیه مربوط به استخراج نفت و گاز ٤ـ تأسیسات مربوط به تولید برق ٥ـ تأسیسات ارتباطی مثل فرودگاه‌ها، راه‌آهن، اتوبان‌ها و جاده‌ها ٦ـ دفاتر سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی ۷ـ سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها

۱۲ـ۲) فضاهای مرکزگرا و مرکزگریز (مناطق فرهنگی و سیاسی)

با توجه به فعالیت گروه‌های فشار سیاسی جنبش‌لزگی‌ها، ارامنه قره‌باغ و جنبش استقلال تالش می‌توان گفت که محل سکونت و فعالیت این گروه‌ها که به ترتیب در نزدیکی مرز گرجستان، منطقهٔ قره‌باغ در نزدیکی ارمنستان و نزدیک مرز ایران قرار گرفته‌اند مناطق و فضاهایی هستند که هم از نظر سیاسی و هم از نظر فرهنگی مرکزگریز محسوب می‌شوند.[۳۲]

از بین این گروه‌ها، مرکزگریزی و استقلال‌طلبی گروه‌های افراطی ارمنی به ویژه حزب داشناکسیون بیش از سایرین است. هواداران این گروه افراطی از دیرباز با ایده ایجاد ارمنستان بزرگ و تشکیل کشور پهناور از دریا تا دریا ـ از دریای خزر تا دریای سیاه و از کوه‌های قفقاز تا دریاچه ارومیه در ایران ـ سعی در نابودی ساکنان آذربایجانی منطقهٔ قفقاز داشته‌اند. این افراد قبل از حکومت کمونیستی به شکل پراکنده دست به آزار و اذیت مسلمانان می‌زدند و بعد از شکل‌گیری نظام کمونیستی می‌کوشیدند از راه‌های قانونی، قره‌باغ و بخش‌های دیگری از

جمهوری آذربایجان را به ارمنستان ملحق نمایند؛ اما به دلیل ناموفق بودن، بعد از فروپاشی شوروی حملهٔ نیروهای ارمنستان و ارامنهٔ افراطی به قره‌باغ از سال ۱۹۹۲ (ماه مارس) شروع شد[۳۳] و قریب به دو سال به طول انجامید و در پی آن اختلاف این گروه‌ها با باکو به بالاترین حد خود رسید. تا این که در اسفندماه ۱۳۷۲ (مارس ۱۹۹٤) با میانجی‌گری وزیر دفاع روسیه در مسکو، وزرای دفاع آذربایجان و ارمنستان آتش‌بس را پذیرفتند[۳٤] و اختلافات تا حد زیادی فروکش نمود و مذاکرات آغاز شد.

منطقهٔ لنکران که محل سکونت قوم تالش است، از نظر مرکزگریزی بعد از قره‌باغ قرار دارد. پس از فروپاشی شوروی در مردادماه سال ۱۳۷۲، گروهی از نظامیان مخالف به رهبری سرهنگ شورشی علی‌اکرم همت‌زاده (همت‌اُف)، استقلال جمهوری تالش ـ مغان را به مرکزیت لنکران اعلام نمودند؛ اما در تاریخ ۷۲/٦/۲ بین نظامیان طرفدار سرهنگ همت‌زاده و تودهٔ مردم طرفدار دولت باکو درگیری به وجود آمد و حیدر علی‌اُف رئیس‌جمهور آذربایجان، همت‌اُف را تروریست و جانی نامید. سرانجام در تاریخ ۷۲/٦/۳ همت‌اُف و نیروهایش از لنکران گریختند[۳۵] و غائله تالش‌ها به پایان رسید. جنبش لزگی‌ها در حال حاضر فعالیتی ندارند و درجهٔ مرکزگریزی آن‌ها پایین است. علاوه‌بر این، پخش برنامه‌های لزگی از رادیو باکو می‌تواند این مرکز گریزی را کمتر و به مرکزگرایی نزدیک سازد. این وضعیت دربارهٔ اقوام تالش و کرد نیز می‌تواند مصداق داشته باشد زیرا به این دو زبان نیز برنامه پخش می‌شود.[۳٦] به غیر از مناطق ذکر شده می‌توان گفت که بقیهٔ فضاها جملگی مرکزگرا هستند.

۱۳ـ۲) مشروعیت نظام سیاسی در بخش‌های مختلف کشور

اگر مشروعیت نظام سیاسی این کشور را در حاکمیت قوم آذربایجان بررسی کنیم، در می‌یابیم که این نظام در میان ارامنهٔ این جمهوری به ویژه ارامنهٔ ساکن در قره‌باغ مشروعیت چندانی ندارد. پس از این منطقه، ضعف مشروعیت نظام در مناطق تالش (لنکران و مناطق اطراف آن) و بعد از آن در مناطق محل سکونت لزگی‌ها چهره می‌نماید. سایر مناطق کشور و برونبوم

نخجوان، حاکمیت باکو را صرف‌نظر از گروه سیاسی‌ای که در رأس حکومت قرار دارد قبول دارند؛ ولی اگر مشروعیت نظام سیاسی را محدودتر کرده و در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی حاکم بررسی کنیم قطعاً این مشروعیت کمتر خواهد شد؛ زیرا بسیاری از مناطق که حاکمیت قوم ترک آذری را قبول دارند؛ چه بسا ادارهٔ امور کشور به دست گروه‌های سیاسی فعلی را قبول نداشته باشند. این عدم مشروعیت که در نتیجه مخالفت با سیاست‌ها و عملکرد حزب حاکم (حزب آذربایجان نوین) حاصل شده، ممکن است در مناطق مختلف وجود داشته باشد. ولی عمده‌ترین مناطق با چنین تفکراتی در جمهوری نخجوان قرار دارند که عبارت‌اند از: روستای کلکی از توابع شهر اردوباد؛ زادگاه و محل ابوالفضل ایلچی بیگ رئیس‌جمهور سابق؛ هم‌چنین منطقهٔ گنجه، زادگاه سرهنگ صورت حسین‌اُف، که بعد از سقوط دولت ایلچی بیگ به سمت نخست‌وزیری انتخاب گردید؛ اما بعدها کنار گذاشته شد. علاوه‌بر این مناطق، در شهر باکو که محل فعالیت احزاب مخالفی مثل «مساوات» و «جبهه خلق» است، می‌توان به مصادیق دیگری از عدم مشروعیت دولت فعلی اشاره نمود.

افزون‌بر موارد یادشده، آن‌چه در شرایط حاضر در تعیین مشروعیت نظام سیاسی کشور تأثیرگذار است، اوضاع اقتصادی کشور و ایجاد ثبات و امنیت در منطقهٔ قره‌باغ است، به ویژه آن که حکومت فعلی آذربایجان در مقایسه با دولت‌های قبلی در این دو زمینه نسبتاً موفق بوده، که این امر سبب افزایش مشروعیت نظام سیاسی می‌شود.

فصل سوم
بررسی وسعت کشور

۱ـ۳) میزان وسعت کشور

وسعت کشور آذربایجان با احتساب برونبوم جمهوری خودمختار نخجوان ۸۷ هزار کیلومتر مربع است[۳۸] که بر این اساس، از کشورهای کوچک مقیاس محسوب می‌شود.

۲ـ۳) فاصله دو نقطه مرزی

فاصله مستقیم بین شرقی‌ترین نقطه از خاک این جمهوری در جزیره جیلوی (Jiloy) در شرق شبه جزیرهٔ آبشارون تا غربی‌ترین نقطه در نزدیکی شهر باباگار (Babagar) در مرز گرجستان و ارمنستان حدود ۵۰۰ کیلومتر و فاصله بین شمالی‌ترین نقطه در شمال بالاکن و جنوبی‌ترین نقطه در شهر مرزی آستارا حدود ٤٢٥ کیلومتر است.[۳۹]

۳ـ۳) بررسی تاریخی وسعت کشور

نام کشور آذربایجان بعد از تاریخ ۲۸ ماه می سال ۱۹۱۸ که روز پیدایش جمهوری دموکراتیک آذربایجان است[٤٠] برسر زبان‌ها افتاد.

منطقه‌ای که امروزه کشور آذربایجان نامیده می‌شود با مناطق همجوار خود در قفقاز (گرجستان و ارمنستان) قبل از صفویان، تابع حکومت شروانشاهیان بود اما بعدها تابع صفویه و عثمانی شد.[٤١] در زمان قاجاریه این مناطق عمدتاً با نظام‌خانی اداره می‌شد و از توابع حکومت ایران بوده، اما براساس قراردادهای گلستان و ترکمنچای که در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ میلادی به دنبال شکست سپاهیان ایران و نیروهای مردمی از نیروهای روس منعقد شد، این مناطق به امپراطوری روسیه تزاری منضّم گردید. بعد از این انضمام، خانات هنوز باقی بودند و از روسیه اطاعت می‌کردند. تا این که در سال ۱۹۱۸ محمد امین رسول‌زاده، استقلال کشور جمهوری دموکراتیک آذربایجان را اعلام نمود.

محمد امین رسول‌زاده که سابقهٔ فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی در ایران داشت در سال ۱۹۱۷ به نمایندگی از باکو در کنگره مسلمانان روسیه در مسکو شرکت نمود و در این کنگره پیشنهاد اتحاد جمهوری‌ها را داد. متعاقب این امر، مجمع نمایندگان مردم قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) تشکیل شد و به دنبال جدایی نمایندگان ارمنستان و گرجستان از این مجمع، شورای ملی آذربایجان به رهبری رسول‌زاده تأسیس و در پی آن، فتحعلی‌خان خویی به عنوان رئیس دولت انتخاب گردید. در آغاز، به دلیل این که باکو در اشغال نیروهای روسی بود، شهر گنجه به عنوان مرکز جمهوری مستقل انتخاب شد. ولی پس از آن بنا به درخواست حکومت آذربایجان، قوای عثمانی به فرماندهی نوری پاشا با همکاری قوای داوطلب از آذربایجان، باکو را آزاد نمود و بدین‌ترتیب، پایتخت از گنجه به باکو منتقل شد و متعاقب آن مجلس ملی برپا گردید. در سال ۱۹۲۰ بلشویک‌ها براساس برنامهٔ از قبل طراحی شده به باکو حمله کردند و سپاه یازدهم ارتش سرخ شوروی باکو را اشغال

نمود و همهٔ مسئولین دولتی دستگیر شدند که برخی از آن‌ها اعدام و برخی دیگر زندانی شدند. پس از این واقعه، شورایی مرکب از کمونیست‌های محلی، ادارهٔ کشور را برعهده گرفت.(٤٢)

پس از استقرار نظام کمونیستی در آذربایجان در سال ۱۹۲۱، برونبوم نخجوان که بعد از انفکاک از ایران بین روس‌ها، عثمانی‌ها و انگلیسی‌ها دست به دست می‌گشت، به خاک جمهوری کمونیستی آذربایجان ملحق شد.(٤٣)

هم‌چنین در سال ۱۹۲۳ منطقهٔ قره‌باغ که قبلاً تحت سلطهٔ خان‌نشین گنجه بود یا به صورت یک خان‌نشین مستقل اداره می‌شد رسماً با عنوان جمهوری خودمختار در قالب جمهوری آذربایجان قرار گرفت.(٤٤)

این وضعیت تا زمان فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱، ادامه یافت و بعد از آن، به‌رغم آن که حدود ۲۰٪ از اراضی این کشور را نیروهای ارضی مرزهای جمهوری آذربایجان اشغال نمودند، اوضاع این کشور از نظر بین‌المللی تغییر نکرده است.

٤ـ۳) علل گسترش و توسعهٔ ارضی کشور

بررسی وسعت تاریخی آذربایجان نشان می‌دهد این منطقه که در حال حاضر یک کشور مستقل است، گسترش و توسعه ارضی چندانی نداشته است. فقط در برخی موارد بنا به تصمیم‌گیری‌های سیاسی اتحاد جماهیر شوروی، بخش‌هایی نظیر قره‌باغ و نخجوان که قبلاً نیز جزو خاک این منطقه بودند به خاک این جمهوری ضمیمه شدند.

هم‌چنین به دلیل افراطی‌گری قومی ارامنه و در نتیجه درگیری‌های سال‌های اخیر، حدود ۲۰٪ از خاک این کشور در مناطق غربی به اشغال نیروهای مشترک ارمنستان و جدایی‌طلبان ارمنی در آمد.

۵ـ۳) بررسی تأثیرات وسعت کشور بر برخی عناصر اساسی

پراکندگی قومی و مذهبی کشور:

اقوام و گروه‌های مذهبی موجود در این کشور نه دراثر کشورگشایی و گسترش اراضی، بلکه طی یک فرآیند تاریخی، در زمان‌های گذشته ـ که این منطقه هنوز کشور مستقلی نبود ـ به این منطقه کوچ کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که وسعت کشور تأثیری در پراکندگی قومی و مذهبی نداشته است. از آن‌جا که از شکل‌گیری و قوام این کشور مدت زمانی نمی‌گذرد، از این رو، گسترش و توسعهٔ ارضی نداشته و پراکندگی قومی و مذهبی در این کشور از سایر شاخص‌ها (پارامترها) از جمله عوامل مهاجرت تاریخی تأثیر پذیرفته است.(٤٥)

گستردگی حاکمیت در کشور:

یکی از عوامل شکست نیروهای آذربایجانی طی جنگ قره‌باغ و در مصاف با نیروهای ارمنی، دوری منطقه جنگی از پایتخت و ضعف لجستیکی در جنگ بود.(٤٦)

داشتن مرز طولانی با جمهوری ارمنستان که به شکل محدب به طرف داخل خاک آذربایجان امتداد یافته و دارای بریدگی‌های فراوان است، یکی دیگر از نقاط ضعف این کشور در مقابله با تهاجمات خارجی و در نتیجه ضعف حاکمیت کشور است.(٤٧)

فصل چهارم
وضعیت توپوگرافی و طبیعی کشور

۱ـ٤) ناهمواری‌های کشور

بیش از نیمی از خاک این کشور از کوه پوشیده شده است. در ساحل جنوب شرقی، تپه‌های پوشیده از گیاه وجود دارد. بلندترین کوه در این جمهوری کوه بازاردوزو [Bazardüzü] است که با ٤٧٤٠ متر ارتفاع از سطح آب‌های آزاد، بلندترین کوه در منطقه قفقاز محسوب می‌شود.(٤٨)

بیش از $\frac{٢}{٥}$ کشور را زمین‌های پست و کم ارتفاع (دشت‌ها و جلگه‌ها) پوشانده که نصف این زمین‌ها دارای ارتفاعی بین ٤٠٠ تا ١٥٠٠ متر است و مناطق دارای ارتفاع بیشتر از ١٥٠٠ متر، حدود $\frac{١}{١٠}$ این زمین‌ها را دربر می‌گیرد. بلندترین قله در کوه بازاردوزو به همراه قله‌های شاه‌داغ (Şahdağ) و طوفان (Tufan) در سلسله جبال شمال کشور واقع شده است. این مناطق با آن که چشم‌اندازی زیبا و باشکوه دارند؛ اما جزو مناطق زلزله‌خیز محسوب می‌شوند. در جنوب شرق جمهوری

کوه‌های تالش (Taliş) در محدوده ۳ درجه طول جغرافیایی گسترده شده است. در این منطقه، قلهٔ کومورکوی (Kōmürköy) با ۸۱۷٦ فوت ارتفاع، بلندترین قله است. زمین‌های پست و کم‌ارتفاع لنکران نیز در شرق این رشته کوه واقع شده که به دریای خزر منتهی می‌شود و ادامهٔ زمین‌های کم‌ارتفاع کورا ـ ارس (Kür-Araz) محسوب می‌گردد. این زمین‌ها از طرف جنوب به مرز ایران و آذربایجان در آستارا منتهی می‌شود. زمین‌های کم‌ارتفاع کورا ـ ارس در اطراف دو رود عمدهٔ کورا و ارس واقع شده است. دشت‌های شیروان (Şirvan)، میلیس کایا (Miliskaya) و مغان (Mugän) نیز در این مناطق قرار گرفته‌اند که از نظر خاک‌شناسی و آب و هواشناسی شبیه هم هستند.[۴۹]

مرزهای جمهوری آذربایجان عموماً با اشکال جغرافیایی طبیعی مطابقت دارد. ساحل غربی دریای خزر، مرزهای شرقی کشور را تشکیل می‌دهد که به طول ۸۰۰ کیلومتر امتداد دارد. مرزهای شمالی کشور در مجاورت مرز روسیه، بخش اصلی کوه‌های قفقاز بزرگ را دربر می‌گیرد که رشته‌کوه قفقاز بزرگ نامیده می‌شود. رشته کوه قفقاز بزرگ در شمال شرق آذربایجان، نیز امتداد یافته و به طرف جنوب شرق تا شبه‌جزیرهٔ آبشارون که به شکل یک پیشرفتگی در دریای خزر است، ادامه پیدا می‌کند. در غرب جمهوری نیز کوه‌های قفقاز کوچک (Mally Kavkaz) با ارتفاع حدود ۳۵۰۰ متر بخشی از مرز آذربایجان و ارمنستان را تشکیل می‌دهد. بلندترین نقطه در این منطقه قلهٔ گامیش‌داغ (Gamişdağ) با ارتفاع ۳۷۲٤ متر است که در شمال شرق شهر کلبه جَر (K∂lb∂c∂r) واقع شده است.[۵۰]

۲ـ٤) ارتباط ناهمواری‌ها با پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ارتباطات

آن‌چه از بررسی نحوهٔ استقرار مراکز اقتصادی و سیاسی و نظایر آن استنباط می‌شود این است که ارتباطی معنی‌دار بین ناهمواری‌ها و این فعالیت‌ها وجود دارد. از نظر اقتصادی (صنعت و کشاورزی)، مراکز اصلی و عمده در زمین‌های هموار و غیرمرتفع

واقع شده‌اند. شبه‌جزیرهٔ آبشارون که هم قطب کشاورزی محسوب می‌شود و هم شهرهای صنعتی زیادی در آن جای گرفته در زمین‌های هموار واقع شده است. علاوه بر آن، شهرهای علی بایراملی، مینگه چویر، یولاخ، گنجه و لنکران که از نظر اقتصادی دارای اهمیت هستند در مناطق پست و کم ارتفاع واقع شده‌اند. برخی مناطق نیز به رغم دارابودن اهمیت اقتصادی، در مناطق مرتفع واقع شده‌اند. شهرهای شماخی و قازاخ که در صنعت و شهرهای شکی و زاگاتالای که در کشاورزی و شهرهای قوبا و چاخماز که هم از نظر صنعت و هم کشاورزی حائز اهمیت‌اند جملگی در مناطق مرتفع استقرار یافته‌اند. شهر باکو و مناطق اطراف آن به دلیل مرکزیت نیز از نظر سیاسی و نظامی، مهم‌ترین مرکز فعالیت محسوب می‌شوند که در مناطق هموار واقع شده‌اند. علاوه‌بر این، منطقهٔ قره‌باغ که کوهستانی و ناهموار است به دلیل فعالیت حکومت محلی ارامنه و استقرار نیروهای نظامی آذربایجان و ارمنستان نیز فعالیت چریک‌های شورشی ارمنی قره‌باغ ـ که از سال ۱۹۹۲ به صورت مستمر با هم درگیر بوده یا در حالت آماده‌باش بوده‌اند ـ اهمیتی درخور توجه دارد.

اوضاع فرهنگی در این منطقه با اوضاع اقتصادی، سیاسی، نظامی متفاوت است؛ زیرا ناهمواری‌ها به گونه‌ای که بر فعالیت‌های نظامی وسیعی اثر گذار بوده بر فعالیت‌های فرهنگی تأثیر نداشته است. از این رو فعالیت‌های فرهنگی از جمله شعر و موسیقی از دیرباز در مناطق کوهستانی رونق داشته است. در حال حاضر نیز شاخص‌های فرهنگی در مناطق مختلف کشور، اعم از نقاط ناهموار و هموار، وجود دارد. وجود مراکز فرهنگی، آثار باستانی و فعالیت‌های فرهنگی در شهرهای واقع شده در مناطق کوهستانی نظیر شماخی، آغ‌دام، شوشا، شکی و فضولی و هموار مانند باکو، مارداکیانی، قوبوستان، گنجه، لنکران، مینگه چویر و نخجوان، مؤید این مدعا است. از نظر ارتباطات نیز همان‌گونه که در قسمت مربوط به میزان ارتباطات گفته شد زمین‌های هموار ارتباطات بهتر و دسترسی مؤثرتری دارند.

۳ـ٤) ارتباط ناهمواری‌ها با زمینه‌های واگرایی و همگرایی

برخی اقلیت‌های قومی مانند ارمنی‌ها قبلاً در نقاط مختلف جمهوری سکنی داشتند؛ اما پس از درگیری‌های نظامی، علاوه‌بر این که تعداد جمعیت این اقلیت از ٦٪ به ۲٪ رسید، محل اقامت آن‌ها نیز به منطقهٔ قره‌باغ (Dağlig Qarabağ) کوهستانی قره‌باغ محدود شد. اقلیت روس‌ها و داغستانی‌ها نیز در نقاط مختلف کشور اسکان داشتند که بعد از استقلال جمهوری آذربایجان تعدادشان کمتر شد و بیشتر در مناطق کوهستانی شمال جمهوری سکنی گزیدند. البته این محدودیت بیشتر متأثر از مسائل سیاسی بوده است تا تأثیرات ناهمواری‌ها. گروه‌های قومی دیگر نیز از ابتدا در محدوده‌های جغرافیایی خاص اقامت داشته‌اند. اقوام لزگی، کرد، تالش، گرجی، اوکراین و آوار، از جمله گروه‌های قومی هستند که در محدوده‌های جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند.[۵۱]

برخی از این گروه‌های قومی، نسبت به حاکمیت جمهوری آذربایجان در وضعیت واگرایی هستند. برای مثال، فعالیت جنبش لزگی‌ها، جنبش قره‌باغ و جنبش استقلال تالش از نمونه‌های این واگرایی هستند که برخی از آن‌ها مثل جنبش استقلال خواهی ارامنهٔ قره‌باغ بسیار حاد است.[۵۲]

براساس موارد یادشده، نیز با توجه به واگرایی‌های موجود در بین مردم این کشور، چنین استنباط می‌شود که گروه‌هایی از جمعیت این کشورها به ویژه گروه‌های قومی و مذهبی که جمعیت اقلیت را تشکیل می‌دهند، در اثر عوامل مختلف سیاسی از جمله اختلافات سیاسی و قومی ـ مذهبی، در موضعی واگرایانه نسبت به حاکمیت کشور و جمعیت اکثریت، گروه‌هایی همگرا ایجاد کرده‌اند که دول خارجی نیز در برخی مواقع از آنان حمایت می‌کنند. این گروه‌ها از عوارض طبیعی کشور به ویژه ارتفاعات به منزلهٔ یک مأمن و پناهگاه طبیعی بهره می‌گیرند. ناهمواری‌ها در یک فرآیند درازمدت باعث بقا و عدم زوال این اقلیت‌ها شده است. اگر تمام خاک این کشور صاف و هموار بود شاید طی جنگ‌های داخلی و در اثر قوه قهریهٔ حکومت مرکزی، این اقلیت‌ها دچار حذف فیزیکی یا تغییر هویت می‌شدند؛ ولی آن‌چه مسلم است وجود ناهمواری‌ها به بقا و ادامهٔ حیات فیزیکی و هویتی این اقلیت‌ها کمک نموده است.

٤ـ٤) ارتباط ناهمواری‌ها با نفوذپذیری کشور

این کشور بیشترین نفوذپذیری را از طرف کشور ایران دارد. مرز جنوبی این کشور با ایران فاقد منطقه کوهستانی است و فقط در بخشی از این مرز، رود ارس جاری است که آن نیز نفوذپذیری بیشتری نسبت به مناطق کوهستانی دارد. مرز ایران با جمهوری خودمختار نخجوان فاقد کوه بوده و فقط رود ارس در طول این مرز جاری است. جمهوری آذربایجان از طرف شرق نیز به علت واقع شدن در ساحل دریای خزر از طرف کشورهای ایران، روسیه، ترکمنستان و قزاقستان نفوذپذیر است. مرز این کشور با گرجستان نیز فاقد نقطهٔ کوهستانی درخور توجهی است و تنها در بخشی از این مرز، رودخانهٔ آلازان (Alazan) جاری است. رودخانهٔ آلازان در بخشی از مرز با پیوستن به رودخانهٔ قاراچای (Qaraçay)، رودخانهٔ قانیخ (Qanix) را به وجود می‌آورد. مرز آذربایجان با ارمنستان ـ هم در خاک اصلی و هم در خاک جمهوری خودمختار نخجوان پوشیده از کوه است و در نتیجه از نفوذپذیری کمتری برخوردار است. هم‌چنین خاک نخجوان در مقیاس بسیار کم از طرف ترکیه نفوذپذیر است.[۵۳]

٥ـ٤) پوشش گیاهی

زمین‌های لم‌یزرع، جنگل‌ها، مراتع و زمین‌های زیرکشت:

۲۵٪ از خاک کشور چراگاه دائمی، ۱۸٪ زمین‌های قابل کشت، ۵٪ محصولات دائمی، ۱۱٪ جنگل و ٤۱٪ از آن را سایر اراضی تشکیل می‌دهد.[٥٤]

زمین‌های زیر کشت، که بیش از یک میلیون هکتار برآورد می‌شود.[۵۵] پوشش گیاهی طبیعی در این کشور مطابق با عرض جغرافیایی متغیر است. شرایط آب و هوایی استپی و شبه بیابانی در اراضی کم ارتفاع، تپه ماهورها و مناطق کوهستانی حاکم است. دامنهٔ کوه‌ها با جنگل‌های زان، بلوط و صنوبر پوشیده شده و بالاتر از آن منطقه چمنزارهای آلپی قرار گرفته است. اراضی لنکران در جنوب کشور نیز دارای پوشش گیاهی همیشه سبز و جنگل‌های انبوه زان و بلوط است. نیمی

از مساحت کل کشور برای کشاورزی مناسب بوده و در حال حاضر، حدوده٪ از این زمین‌ها زیرکشت است.[56] جنگل‌های زان، بلوط و صنوبر ۱۱٪ خاک کشور را اشغال کرده است.[57]

مکان‌های اصلی کشت محصولات استراتژیک: در سال ۲۰۰۰، محصولات کشاورزی به ترتیب اولویت میزان تولید، عبارت بودند از: پنبه، حبوبات، برنج، انگور، میوه، سبزیجات، چای و تنباکو.[58]

در سال ۱۹۹۱، تولید انگور با حجمی معادل ۲۰٪ از کل محصولات کشاورزی، مقام اول را به خود اختصاص داد و پنبه در مقام دوم قرار گرفت.[59]

۷۰٪ از پنبهٔ کشور در دشت مغان و سالیان ـ که از مناطق مرکزی کشور محسوب می‌شوند ـ تولید می‌شود. دشت شیروان نیز که در منطقهٔ مرکزی واقع شده محل کشت و تولید پنبه است؛ افزون‌بر آن، مناطق مرکزی شهر علی بایراملی نیز اراضی اطراف شهرهای مینگه چویر و گنجه در غرب از دیگر مناطقی است که در آن پنبه تولید می‌شود. در جمهوری خودمختار نخجوان نیز پنبه کشت می‌شود. انگور از محصولاتی است که در دشت شیروان و شماخی در مناطق مرکزی، نیز لنکران در جنوب شرق و منطقهٔ قره‌باغ کشت می‌شود و از همین‌رو، در اکثر این مناطق کارخانه‌های مشروب‌سازی دایر است. در لنکران، شکی ـ زاگاتالای در شمال کشور برنج کشت می‌شود. در منطقهٔ شکی ـ زاگاتالای کشت غلات نیز رایج است.[60]

جدول شماره (۲) ـ مناطق کشت محصولات کشاورزی[61]

نوع محصول	مناطق کشت به ترتیب اولویت	موقعیت مکانی منطقه کشت
پنبه	۱ـ منطقه مغان ـ سالیان	مناطق مرکزی
	۲ـ دشت شیروان	مناطق مرکزی
	۳ـ علی بایراملی	مناطق مرکزی
	٤ـ مینگه چویر	منطقه غرب
	۵- گنجه	منطقه غرب
	٦- نخجوان	جمهوری نخجوان

نوع محصول	مناطق کشت به ترتیب اولویت	موقعیت مکانی منطقه کشت
انگور	۱ـ دشت شیروان	مناطق مرکزی
	۲ـ دشت شماخی	مناطق مرکزی
	۳ـ لنکران	جنوب شرق
	٤ـ قره‌باغ	غرب
برنج	۱ـ لنکران	جنوب شرق
	۲ـ شکی ـ زاگاتالای	شمال
غلات	شکی ـ زاگاتالای	شمال

جدول شماره (۳) میزان تولید محصولات مختلف کشاورزی در سال‌های مختلف (به تن)(٦٢)

سال / نام محصول	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
جو	۲۲۳۷۰۰	۱٥۲٥۰۰	۷۹۰۰۰	۷٤٤۸۰	۲۰۲۰۰۰
ذرت	۱۳۹٥٦	۱۸۹۲۹	۲۸۹۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰
سیب‌زمینی	۲۱٤٥٥٦	۲۲۳٤۰۰	۳۱۲٥٤۰	۳۳٤۰۰٦	٤٥۰۰۰۰
برنج	۸۰۷۰	۱۰۷۹۷	۱۱٦۰۸	۱۳٥۰۰	۱٤۰۰۰
سویا	۲٥۰	۳۲۰	٤۰۰	٥۰۰	٥۰۰
چغندر قند	٤٦۱۰۰	۳۳۷۰۰	٤۱٤۰۰	٤۲۲۰۰	٥۸۰۰۰
گندم	۷٥۸۹۰۰	۹۳٥۲۰۰	۸۱۹٦۰۰	۸۱٦٤٦۸	۱۱۹۸۰۰۰

٦ـ٤) شناسایی شبکهٔ آب‌ها

رودخانه‌های مرزی و داخلی، دریاچه‌ها، سدها، و منابع آب زیرزمینی

رودخانه‌های مرزی این کشور عبارت‌اند از: آلازان و یوری (İORİ) در مرز گرجستان، رودخانهٔ سامور (SAMUR) در مرز با روسیه و ارس (ARAZ) در مرز ایران و ترکیه.(٦۳)

در بین رودخانه‌های داخلی نیز اگر رود کورا را داخلی فرض کنیم بزرگ‌ترین و

طولانی‌ترین رودخانه است.[٦٤] این رود که از گرجستان وارد این کشور می‌شود شاخهٔ اصلی آن در مرز امتداد ندارد ولی سایر شاخه‌هایی که به آن می‌پیوندند از جمله، یوری و آلازان در مرز جریان دارند. رود کورا ١٣٦٤ کیلومتر طول دارد[٦٥] و علاوه‌بر آبیاری دشت‌های وسیع مرکزی و شرقی کشور[٦٦] در تأمین برق از آن استفاده می‌شود. این رودخانهٔ بزرگ، خاک اصلی کشور را به دو نیمهٔ تقریباً شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند و نقش حوزهٔ آبریز حوزه‌های آبی کوچک‌تر را ایفا می‌کند.

رود ارس از کوه‌های ارزروم در کشور ترکیه سرچشمه می‌گیرد و با گذر از مرز ارمنستان و ایران، در داخل جمهوری آذربایجان به دو شاخه تبدیل می‌شود که شاخه‌ای از آن به رود کورا می‌پیوندد و شاخهٔ دیگر به دریای خزر می‌ریزد.

این رودخانه که ٩١٤ کیلومتر طول دارد قابل کشتیرانی نیست و از آب آن برای آبیاری و تأمین برق استفاده می‌شود.[٦٧]

علاوه‌بر رودهای کورا و ارس تعداد زیادی رودهای کوچک و بزرگ در این کشور جریان دارند که عمده‌ترین آن‌ها در حوزهٔ آبخیز کوه‌های قفقاز واقع شده‌اند. حدود ٨٥٠ رود در آذربایجان بیش از ٥ کیلومتر طول دارند و حدود ٢١ رودخانه نیز بیش از ١٠٠ کیلومتر طول دارند. اغلب رودخانه‌های این کشور برای کشتیرانی مناسب نیستند. هشت رود بزرگ از کوه‌های قفقاز به منطقه پست کورا ـ ارس می‌ریزد.[٦٨]

مطابق نقشه اطلاعات جغرافیایی عمومی جمهوری آذربایجان این ٨ رود عبارتند از: ولوله چای (V∂LV∂L∂ÇAY)، دمیر آپاران چای (D∂MİRAPARANÇAY)، علیجان چای (∂LİCAN ÇAY)، گؤی چای (GÖY ÇAY)، قاراچای (QARA ÇAY)، قوسار چای (QUSAR ÇAY)، گیردمان چای (GİRDİMANÇAY) و گیل گیل چای (GİL GİL ÇAY). از دیگر رودها آغستافا، تووز و شمکیر چای (AqİSTAFA, TOVUZ, Ş∂MKİRÇAY) در شمال غرب و زابوخ، توتقون و ترتر چای(ZABUX, TUTQUN, T∂RT∂RÇAY) در غرب را می‌توان نام برد. در این میان، از رود ترتر برای تأمین برق استفاده می‌شود.[٦٩]

تعداد سدهای جمهوری آذربایجان ۳٤ مورد است که برنامه افزایش آن‌ها بـه ۷۵ مـورد در دست اجرا است. از سدهای مهم کشور می‌توان سد یا مخزن آب مینگه چویر را نام برد کـه در سال ۱۹۵۳ بنا شد و در حال حاضر با ٦۰٦ کیلومتر مربع مساحت ۷۵ متـر عمـق، بـزرگ‌تـرین منبع آبی کشور محسوب می‌گردد.[۷۰]

مخزن آب ارس نیز در جمهوری نخجوان و در نزدیکی شهر نخجوان قرار دارد؛ هـم‌چنـین در خاک این جمهوری، رودخانه‌های آرپاچای (ARPAÇAY)، جهـری چـای (C∂HRİÇAY)، الینجه چای (∂lİNÇ∂Çay) و گـیلان چـای (GİLAN ÇAY) جریـان دارنـد. نقشـهٔ پراکنـدگی شهرها، روستاها و منابع آبی جمهوری آذربایجان که در پیوست آمـده، نحـوهٔ پراکنـدگی منـابع آبی این کشور را نشان می‌دهد.

تعداد دریاچه‌ها نیز در آذربایجان درخور توجه است. تعداد دریاچه‌های طبیعی که کمتـر از یک کیلومتر مربع مساحت دارند، حدود ۲۵۰ دریاچه هست که اهمیت اکولوژیکی و اقتصـادی چندانی ندارند ولی حدود ۲۵ دریاچه طبیعی دارای مساحت بیش از یک کیلومتر مربع در ایـن کشور پراکنده‌اند که دارای اهمیت هستند. پراکندگی این دریاچه‌ها بدین قرار است:

۱ـ دریاچه‌های چشمه‌ای که در ارتفاعات ۲۸۰۰ تا ۳۵۰۰ متری در کوه‌های شـاه‌داغ، بـازار دوزو، توفان، مورو داغ و داش قرار دارند. اغلب این‌ها بقایای یخچال‌های قدیمی هستند.

۲ـ دریاچه‌هایی که در اثر فعالیت رودهـا بـه وجـود آمـده‌انـد و در اثـر فرآینـد فرسـایش، تغییراتی در مورفولوژی آن‌ها حاصل شـده اسـت. ایـن دریاچـه‌هـا اکثـراً در حـوزه رودهـای ترترچای و شامخور قرار دارند.

آب برخی دریاچه‌های طبیعی در فصل تابستان خشک می‌شـوند. افـزون بـر دریاچـه‌هـای یادشده، سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان در مجاورد دریای خزر واقع شده اسـت و حـدود ۸۰۰ کیلومتر با این دریای پراهمیت ساحل دارد. علاوه بر این آذربایجان در داخل دریای خـزر دارای جزایر متعددی است که جزایر «جیلوی»، «آریتوم» و «بولانام» از جمله آن‌ها است.

دریای خزر نام خود را از نام قوم «خزر» که روزگاری در اطراف این دریا می‌زیسته‌اند، گرفته است. اکثر مورخین خزرها را از اقوام ترک دانسته‌اند. آذربایجان از طریق این دریا علاوه بر ایجاد ارتباط مناسب با کشورهای ساحلی، از منابع غنی نفت و گاز آن استفاده می‌کند. بیش از نیمی از ذخایر نفتی و حدود ۸۰٪ از ذخایر گاز طبیعی کشور در حوزه‌های داخل دریای خزر واقع شده است.

مشخصات دریاچه‌های طبیعی واقع در جمهوری آذربایجان به قرار زیر است:[۷۱]

نام دریاچه	مساحت (به کیلومتر مربع)	حداکثر (به متر)	حجم آب (به میلیون متر مکعب)
ساری سو	٦۷	۳/۵	۵۹/۱
آق‌گؤل	۵٦/۲	۲/۲	٤٤/۷
آغزی بیر	۳۷	٤	٤۰
مهمان	۳۵	۲/۳	۲۹/٦
گؤی گؤل	۰/۷۹	۹/۳	۲۹/٤
آلاگؤل (بزرگ)	۵/۲	۹/٤	۲٤/۳
آلاگؤل (کوچک)	۱/۲	٤	۱٦
بؤیوک شور	۹/۲	۲	۱۲/۳
حاجی قابول	۸/٤	۲	۱۲/۱
ماسازیرگؤلو	۸/۹	۱/۷	٦/۸
مارال گولو	۰/۲۳	٦/۱	٦

علاوه بر دریاچه‌های کوچک و بزرگ طبیعی، حدود ۳۲ دریاچه مصنوعی نیز در آذربایجان وجود دارد و همانگونه که قبلاً ذکر شد، دریاچه سد مینگه چویر بزرگترین آن‌هاست. دریاچه‌های «واروارا» بر روی رود کر، «ارس» بر روی رود ارس از دیگر دریاچه‌های مهم کشور هستند که به ترتیب ۲۲۵ و ۱٤۵ کیلومتر مربع مساحت دارند.

شناسایی و سطح‌بندی مناطق مختلف کشور از نظر منابع آب:

ذخایر آب سالانه در آذربایجان ۳۰/۹ میلیارد متر مکعب برآورد می‌شود که ۱۰/۳ میلیارد متر مکعب آن را رودخانه‌های داخلی تأمین می‌کند و ۲۰/٦ میلیارد متر مکعب نیز از طریق رودخانه‌هایی تأمین می‌شود که از خاک کشورهای همسایه سرچشمه می‌گیرند. مهم‌ترین این کشورها گرجستان و ترکیه هستند که به ترتیب رودهای مهم کر و ارس از داخل خاک آن‌ها سرچشمه می‌گیرد.

مناطق لنکران به دلیل بارندگی زیاد، مینگه چویر و شهر نخجوان به دلیل قرار گرفتن در مجاورت رودهای پرآب و مخازن ذخیره آب و دشت‌های موجود بین دو رود کر و ارس که کانال‌های متعدد آبرسانی در آن‌ها احداث شده است، از مناطق پر آب کشور به‌شمار می‌روند که مازاد آب نیز دارند. ولی شهرهای اردوباد، سرور و بابک در جمهوری نخجوان، شهرهای فضولی و جبرائیللی در مرز ایران به دلیل کمبود بارندگی، دچار کم آبی هستند. همچنین منطقه سومقایت و باکو به خاطر استقرار و فعالیت صنایع مختلف که مصرف آب بسیار بالایی دارند، دچار کمبود آب هستند. تراکم بالای جمعیت در این دو شهر این مشکل را مضاعف ساخته است.

٤ـ۷) بررسی شکل کشور

تعیین فشردگی و غیرفشردگی کشور

آذربایجان از دو قسمت مجزا تشکیل شده، ولی سرزمین اصلی این کشور شکل فشرده دارد. برونبوم جمهوری نخجوان نیز غیرفشرده و به صورت کشیده است. خاک اصلی کشور تقریباً در داخل مستطیلی به طول حدود ٤۰۰ کیلومتر، از شرق به غرب و عرض حدود ۳۸۰ کیلومتر، از شمال به جنوب، قرار گرفته است. این مستطیل در ظاهر به شکل مربع دیده می‌شود. شکل ظاهری خاک اصلی کشور شبیه برگ درخت انگور است. طول برونبوم نخجوان حدود ۱۵۰ و عرض آن حدود ۵۰ کیلومتر است.[۷۲]

بررسی شکل کشور و مؤلفه‌های قدرت یا ضعف

یکی از نقاط قوت این کشور، دوری مرکز حکومت ـ که محل اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است ـ از مرزهای کشور است. بیشترین فاصله بین باکو با مرز برونبوم نخجوان با ترکیه و کم‌ترین فاصله بین باکو و مرز ایران (آستارا) است. فاصله هوایی بین باکو و نقاط مرزی کشور آذربایجان با همسایگانش در جدول زیر آمده است.[۷۳]

نام کشور همسایه	بیشترین فاصله به کیلومتر	کمترین فاصله به کیلومتر	توضیحات
ایران	۳۶۰	۷۰	بیشترین فاصله در مرز نخجوان
روسیه	۳۲۰	۱۸۰	-
ارمنستان	۴۰۰	۳۲۰	-
گرجستان	۴۱۰	۲۸۰	-
ترکیه	۴۴۰	-	مرز برونبوم نخجوان

فصل پنجم

بررسی جمعیت و شاخصه‌های آن

۱ـ۵) تعداد جمعیت و رشد آن

جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۰، ۷۹۵۵۷۷۲ نفر برآورد شده است.[۷۴]

در سال ۲۰۰۱ جمعیت این کشور ۷۷۳۴۰۰۰ نفر و رشد آن ۰/۳۲٪، نیز نرخ تولد ۱۸/۴۴، و میزان مرگ و میر ۹/۵۵ در هر هزار نفر اعلام شد؛ هم‌چنین مرگ و میر نوزادان ۸۳/۰۸ در هزار نوزاد، امید به زندگی ۶۳ سال و امید به زندگی در بدو تولد ۵۸/۶۵ سال اعلام گردید. این رقم برای مردان ۶۷/۴۹ سال و برای زنان ۶۲/۹۶ سال ذکر شده است.[۷۵]

تعداد جمعیت در سال ۲۰۱۰ حدود ۹۴۴۵۰۰۰ نفر پیش‌بینی می‌شود. براساس این پیش‌بینی، این تعداد طی ۳۳ سال آینده دو برابر خواهدشد.[۷۶]

رشد جمعیت از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ حدود ۱/۴٪ بوده و آمار سال‌های بعد نشان می‌دهد که رشد جمعیت کاهش درخور توجهی داشته است.[۷۷]

۲ـ۵) تراکم جمعیت

تراکم جمعیت در جمهوری آذربایجان به طور متوسط ۹۲ نفر در هر کیلومتر مربع بوده، بیشترین تراکم نسبی جمعیت در منطقهٔ آبشارون است.[۷۸]

باکو و سومقایت جزو شهرهای پرجمعیت محسوب می‌شوند. گنجه دومین شهر این جمهوری، پرجمعیت‌ترین شهر مناطق داخلی کشور است.[۷۹]

تراکم جمعیت در سال ۱۹۹۳ نیز حدود ۸۵/٤ نفر در کیلومتر مربع اعلام گردیده است.[۸۰]

اگر زمین‌های زیر کشت این کشور را حدود یک میلیون هکتار و جمعیت کشور را ۷۹۵۵۷۷۲ نفر درنظر بگیریم تراکم بیولوژیک جمعیت در این کشور حدود ۷/۹۵ نفر در هر هکتار خواهد بود.

۳ـ۵) جمعیت شهرنشین، روستانشین و کوچ‌نشین کشور

جمعیت شهرنشین در سال ۱۹۹۸ در این کشور ٥٦/٦٪ و روستانشین ٤٣/٤٪ برآورد شده، ضمن آن که ماساللی و لنکران بیشترین جمعیت روستانشین را در خود جای داده‌اند.[۸۱]

هم‌چنین در منبعی دیگر، برابر آخرین اطلاعات مربوط به سال ۱۹۹۸، میزان جمعیت شهرنشین ۵۷٪ و روستانشین ٤۳٪ درج گردیده است.[۸۲]

در منبعی دیگر نیز، تعداد جمعیت شهرنشین و روستانشین از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ به شرح جدول زیر اعلام شده است.[۸۳]

وضعیت سکونت / سال	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱
شهرنشین	۳۷٦۸۰۰۰ نفر	۳۸۲۹۰۰۰ نفر	۳۸٤۳۰۰۰ نفر	۳۸۵۸۰۰۰ نفر
روستانشین	۳۱۹۵۰۰۰ نفر	۳۲۳۵۰۰۰ نفر	۳۲۷٤۰۰۰ نفر	۳۳۱۷۰۰۰ نفر

(در منابع موجود، ذکری از میزان جمعیت کوچ‌نشین این کشور به میان نیامده است)

بررسی این جدول نشان می‌دهد که جمعیت روستانشین در طی چهار سال یادشده رشدی متوازن

داشته و در فاصله بین این سال‌ها رشد جمعیت روستانشین به ترتیب ۱/۲٪، ۱/۲٪ و ۱/۳٪ بوده است. اما رشد جمعیت شهرنشین متوازن نبوده و این رشد به ترتیب ۱/٦٪، ۳/٪ و ۰/٤٪ بوده است، که نشان از افت قابل توجه رشد جمعیت شهرنشین بعد از سال ۱۹۸۹ دارد. هم‌چنین برابر آمار جدول در سال ۱۹۹۱ شهرنشینان ۵۳/۷٪ روستانشینان ٤٦/۳٪ از کل جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند.

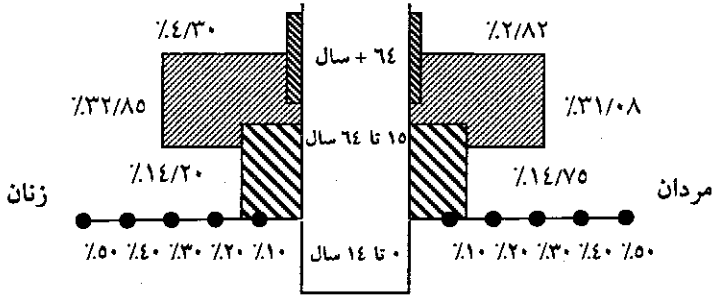
هم‌چنین در منبع دیگری جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۹۹۲ حدود ٥٤٪ اعلام شده که بر این اساس، سهم جمعیت روستانشین ٤٦٪ برآورد می‌شود.[٨٤]

٤ـ٥) ویژگی‌های سنی و جنسی جمعیت

ترکیب سنی و جنسی جمعیت جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۰، به شرح جدول زیر اعلام شده است.[٨٥]

طبقه سنی	درصد از کل جمعیت	تعداد مردان در طبقه سنی	درصد از کل جمعیت	تعداد زنان در طبقه سنی	درصد از کل جمعیت
۰ تا ١٤ سال	٪۲۸/۹٥	١١٤٦٣١٥ نفر	٪١٤/٧٥	١١٠٣٣٩٣ نفر	٪١٤/٢٠
١٥ تا ٦٤ سال	٪٦٣/٩٣	٢٤١٥٦١٨ نفر	٪٣١/٠٨	٢٥٥٢٧٥٩ نفر	٪٣٢/٨٥
٦٤+ سال	٪٧/١٢	٢١٩٥٤٩ نفر	٪٢/٨٢	٣٣٣٣٩٨ نفر	٪٤/٣٠
جمع	٪١٠٠	٣٧٨١٤٨٢ نفر	٪٤٨/٦٥	٣٩٨٩٥٥٠ نفر	٪٥١/٣٥

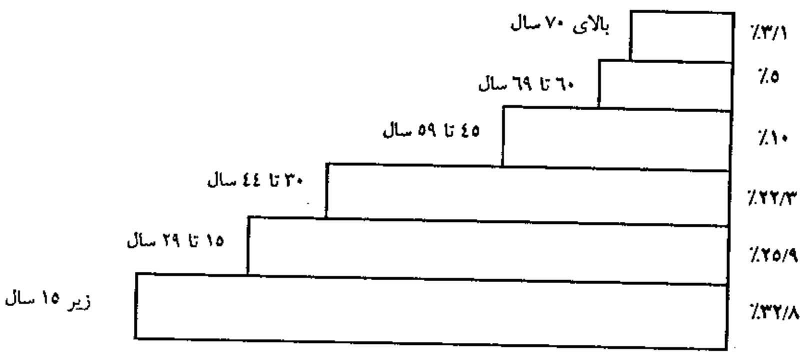
با توجه به مندرجات جدول بالا هرم سنی جمعیت این کشور به صورت زیر است:



برآورد ترکیب سنی جمعیت این کشور در سال ۱۹۹۹ نیز به شرح زیر است:[۸۶]

درصد از کل جمعیت	طبقه سنی
٪۳۲/۸	زیر ۱۵ سال
٪۲۵/۹	۱۵ تا ۲۹ سال
٪۲۲/۳	۳۰ تا ٤٤ سال
٪۱۰	٤۵ تا ۵۹ سال
٪۵/۹	٦۰ تا ٦۹ سال
٪۳/۱	بالای ۷۰ سال

براساس این اطلاعات هرم سنی جمعیت به صورت زیر است؛ هم‌چنین سهم جمعیت مردان و زنان از جمعیت کل به ترتیب ٤۹/۱٪ و ۵۰/۹٪ برآورد شده است.[۸۷]



ترکیب سنی جمعیت در سال ۱۹۹۲ نیز به شرح زیر بوده است:[۸۸]

طبقه سنی	درصد از کل جمعیت
۰ تا ۱٤ سال	٪۳۳
۱۵ تا ٦٤ سال	٪٦۰
بالاتر از ٦۵ سال	٪۷

بررسی ۳ دسته اطلاعات ارائه شده، نشان می‌دهد از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰ جمعیت این کشور مسن‌تر شده است. آمار مربوط به سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ تفاوت چندانی با هم ندارند تنها اختلاف میان این دو، مربوط به طبقه سنی ۰ تا ۱٤ سال است. اگر این اختلاف را در کنار اختلاف آمار سال ۱۹۹۲ در این طبقهٔ سنی قرار دهیم در می‌یابیم که سهم این طبقه ٤/۰۵٪ کاهش یافته و این سهم به طبقهٔ سنی ۱۵ تا ٦٤ و بالاتر از ٦٤ افزوده شده است. البته آمار سال ۱۹۹۹ برای طبقهٔ سنی بالاتر از ٦٤ سال در مقایسه با آمار سال ۱۹۹۲ اندکی کاهش نشان می‌دهد که احتمالاً ناشی از اختلاف منابع آماری است و نمی‌تواند نشانگر کاهش جمعیت پیر این کشور باشد؛ زیرا روند جمعیت کشور از جوان به سمت مسن و پیر است. به طور کلی با توجه به کاهش میزان رشد جمعیت و پارامترهای دیگری مثل افزایش میانگین عمر جمعیت که ناشی از بهبود وضعیت بهداشت است پیش‌بینی می‌شود در آینده جمعیت طبقات میانسال ـ و در یک پروسهٔ درازمدت و به شرط تداوم کاهش میزان رشد جمعیت طبقات بالای ٦۰ سال ـ نسبت به طبقات پایین هرم سنی، بیشتر باشد. در این صورت این کشور به‌رغم آزادشدن از فشار هزینه‌های مربوط به قشر جوان، ناگزیر به پرداخت هزینه‌های دیگری نظیر مستمری‌های بازنشستگی است از سوی دیگر، جمعیت فعّال کشور رو به کاهش خواهد گذاشت. هرچند با توجه به وضعیت فعلی هرم سنی، تحقق پیری جمعیت در سال‌های نزدیک قابل تصور نیست.

جمهوری آذربایجان از نظر طول عمر در جهان دارای جایگاه ویژه‌ای است. این کشور از لحاظ تعداد افراد بالای ۱۰۰ سال سن در هر هزار نفر مقام اول را در جهان دارد. برخی آمارها بیانگر این است که بیش از ۲۵۰۰ نفر در این کشور سن بیش از ۱۰۰ سال دارند. در این زمینه منطقه لریک در کوهستان‌های جنوب شرق کشور مشهود است.

درصد باسوادی در بین جمعیت آذربایجان ۹۷٪ است که این میزان در بین مردان ۹۹٪ و در بین زنان ۹٦٪ است.[۸۹]

در منبعی دیگر اعلام شده، حدود ۹۹٪ از جمعیت کشور از توانایی خواندن و نوشتن برخوردارند.[۹۰]

جدول زیر، آخرین وضعیت آموزشی کشور را نشان می‌دهد:[۹۱]

مقطع تحصیلی / درصد و تعداد	آموزش زیر ۸ سال	آموزش اولیه (۸ ساله)	آموزش ثانویه	آموزش فنی و تربیت معلم	آموزش عالی ناقص	آموزش عالی	کل
درصد	٪۹/۸	٪۱۹/۸	٪٤۳	٪۱٤	٪۱/٤	٪۱۲	٪۱۰۰
تعداد	۱٤۰۱۹٤	۳۰۷٤۹٤	٦٦۷۷۷۹	۲۱۷٤۲۰	۲۱۷٤۲	۱۹۸۳۷۱	۱۵۵۳۰۰۰

میزان باسوادی در این جمهوری درخور توجه است. تعداد دانشجویان و افرادی که تحصیلات عالی دارند نشان از توجه عمومی به تحصیل در مراکز آموزش عالی دارد؛ هم‌چنین میزان تحصیلات عالی در بین زنان و تفاوت یک درصدی بین میزان باسوادی مردان و زنان، جایگاه قابل قبول زنان را در این کشور نشان می‌دهد.

۵ـ۵) زبان کشور

براساس آمار سال ۱۹۸۸، ۸۹٪ از مردم این کشور به زبان آذربایجانی، ۳٪ به زبان روسی، ۲٪ به زبان ارمنی و ٦٪ به زبان‌های دیگر تکلم می‌کنند.[۹۲]

درصد افرادی که به زبان آذربایجانی تکلم می‌کنند ۸۰٪ نیز ذکر شده است.[۹۳] در سال ۱۹۹٤ حدود ۸۲٪ از مردم به زبان آذربایجانی تکلم می‌کردند؛ هم‌چنین ۳۲٪ از روس‌های ساکن در جمهوری آذربایجان، به زبان آذربایجانی تکلم می‌کنند و ۳۸٪ از جمعیت این جمهوری ـ که زبان مادری‌شان آذربایجانی است ـ قادرند به زبان روسی سلیس و روان صحبت کنند. این امر بیشتر در زمان حاکمیت شوروی و به منظور همساز شدن با زبان حاکمیت کشور صورت می‌گرفت. ارمنی‌های جمهوری آذربایجان نیز علاوه‌بر زبان مادری، زبان روسی را به منزلهٔ زبان دوم برگزیده‌اند. به نظر می‌رسد این امر از اختلافات و تنش‌های موجود بین دو قوم آذربایجانی و ارمنی نشأت گرفته باشد.[۹٤]

زبان آذربایجانی ٤ گویش عمده دارد که عبارت‌اند از: شاخهٔ شرقی شامل گویش مناطق

باکو، شماخی و لنکران، شاخهٔ غربی شامل گویش گنجه، قازاخ، قره‌باغ؛ شاخهٔ جنوبی شامل گویش نخجوان شاخهٔ شمالی شامل گویش نوخا (Nuxa). مبنای زبان ادبی جدید آذربایجانی عمدتاً مربوط به مناطق باکو و شماخی است.

زبان آذربایجانی، گویشی از زبان ترکی غربی است که آن نیز به گروه زبان‌های آلتایی جنوبی (از خانواده زبان‌های اورال ـ آلتایی) تعلق دارد. تا سال ١٩٢٤ الفبای عربی در این منطقه رایج بود و بعد از آن با فشار دولت روسیه، الفبای لاتین (Roman) جایگزین الفبای عربی شد و در سال ١٩٣٠ الفبای کریل (الفبای مخصوص اقوام اسلاو) جایگزین الفبای لاتین گردید. بعد از استقلال این جمهوری در سال ١٩٩١ دوباره الفبای لاتین رایج شد.[٩٥]

زبان ترکی آذربایجانی زبان رسمی و زبان غالب جمعیت این کشور است. براساس همهٔ منابع موجود، بیش از ٨٠٪ از جمعیت کشور به زبان ترکی آذربایجانی سخن می‌گویند. این امر، یکی از عوامل تسلط و حاکمیت مطلق قوم ترک آذری بر سایر اقوام محسوب می‌شود. ضمن آن که زبان ترکی آذربایجانی، شاخص اصلی زبان و ادبیات این کشور و یکی از عناصر اصلی فرهنگ این کشور است. تنش‌های قومی در سال‌های گذشته باعث کوچ تعداد درخور توجهی از اقوام اقلیت این کشور، از جمله ارامنه و روس‌ها شد. با این همه، به نظر می‌رسد در حال حاضر، درصد جمعیتی که به زبان آذربایجانی تکلم می‌کنند رو به فزونی داشته است. این افزایش طی سال‌های ١٩٩٤ تا ١٩٩٥ به خوبی مشهود است.

٦ـ٥) مذاهب کشور

قریب به ٨٠٪ از جمعیت کل این کشور مسلمان و ٧٠٪ از این میزان شیعه و ٣٠٪ باقی‌مانده اهل تسنن‌اند.[٩٦] بر پایهٔ اطلاعات جمع‌آوری شده در سال ١٩٩٥، مسلمانان ٩٣/٤٪ و پس از آن پیروان ارتودوکس روسی ٢/٥٪ و ارتودوکس‌های ارمنی ١/٨٪ و سایر مذاهب ١/٨٪ از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند.[٩٧]

در این جمهوری در زمان شوروی، نظام کمونیستی حاکم بود. پس از استقلال، از یک سو،

برخی نشانه‌ها و تمایلات مذهبی در بین سیاست‌مداران و حکومت‌گران نمایان شد و از سوی دیگر، نفوذ و تأثیر انکارناپذیر حکومت لائیک ترکیه در این جمهوری محسوس گردید؛ لیکن در این کشور، هیچ‌یک از مذاهب به عنوان مذهب رسمی اعلام نشد، یا حداقل در منابع اطلاعاتی موجود به این مسأله اشاره نشده است. ولی دین اسلام به ویژه مذهب تشیع، از جایگاه و موقعیت ممتازی در این جمهوری برخوردار است؛ زیرا اکثر قریب به اتفاق مقامات حکومتی دارای مذهب شیعه هستند. مطابقت مذهب شیعه با قومیت ترک آذربایجانی و زبان مخصوص آن این موقعیت را مستحکم‌تر کرده است.

مشاغل سیاسی و اداری نیز در سراسر کشور، به جز منطقهٔ قره‌باغ، در دست شیعیان است.

ارتودوکس‌های روسی یا در مناطق هم‌مرز با روسیه به کارهای کشاورزی، خدماتی و صنایع کوچک مشغول‌اند یا در بخش‌هایی از صنعت نفت این جمهوری فعالیت دارند. ارتودوکس‌های ارمنی نیز اغلب به کارهای کشاورزی، خدماتی یا صنایع مستقر در منطقه خودشان ـ قره‌باغ ـ اشتغال دارند و تنها شمار اندکی از آن‌ها در مشاغل سیاسی و حکومتی محلی، مشغول خدمت‌اند. پیروان اهل تسنن نیز که اکثر آن‌ها در مناطق جنوب شرق ساکن هستند به کارهای کشاورزی مشغول‌اند. از دیگر موارد مهم درخصوص جنبه‌های مذهبی حاکمیت، می‌توان به تأسیس مراکز آموزش دینی در شهرهای بزرگ، نظیر دانشگاه امام حسین (ع) در باکو اشاره کرد.[۹۸] هرچند که حاکمیت آذربایجان مذهبی نیست و نهادهای حکومتی، عمومی و هم‌چنین احزاب سیاسی، به جز تعدادی از احزاب که سیاست و مشی اصلی‌شان مذهبی است ـ مذهب را جزو اهداف اصلی خود به شمار نمی‌آورند؛ ولی زندگی مردم چنان با مذهب در آمیخته است که به رغم حکومت ۷۰ سالهٔ کمونیست‌ها، شعائر مذهبی هم‌چنان در زندگی مردم نمایان است. نکتهٔ قابل ذکر آن که، مذهب همواره یکی از عوامل اختلاف میان قوم آذربایجانی با روس‌ها و ارامنه بود و بر این مبنا پی‌درپی تنش‌هایی میان این قوم و سایر اقوام بروز کرده است؛ اما تصور می‌شود، در آینده، نفوذ کشورهایی مثل آمریکا، اسرائیل و به ویژه ترکیه بر این کشور، سبب خواهدشد تا شعائر مذهبی بیش از پیش کمرنگ شود.

۷ـ۵) انگاره‌های قومی

در مناطق ارمنی‌نشین قره‌باغ و منطقهٔ لنکران که محل زندگی قوم تالش است نوعی مغایرت با حکومت مرکزی وجوددارد. این مغایرت دربارهٔ ارامنه بسیار حادتر است. ارامنه با کشور همسایه، ارمنستان، در سطحی وسیع همپوشی دارند ولی قوم تالش با کشور همسایه و همجوار خود، ایران، همپوشی چندانی ندارد. شاید این امر ناشی از آن باشد که در کشور ایران، قوم تالش از قدرت چندانی برخوردار نیست. از طرف دیگر، سیاست خارجی ایران بر عدم مداخله در امور داخلی همسایگان مبتنی است؛ اما اقلیت ارامنه وضعیتی کاملاً متفاوت دارند. قوم آذری با بیشترین حجم جمعیت در این کشور، مغایرتی با حکومت مرکزی ندارد. چنان‌چه مخالفتی نیز وجود داشته باشد مربوط به جناح‌بندی‌های سیاسی است که همان‌گونه که قبلاً عنوان شد مرکز این‌گونه موضع‌گیری‌ها باکو (به دلیل فعالیت کلیه احزاب سیاسی)، گنجه (زادگاه نخست‌وزیر پیشین) و اردوباد در نخجوان (زادگاه ایلچی بیگ رئیس‌جمهور قبلی کشور) است. بقیهٔ مناطق همپوشی نسبتاً مناسبی با حکومت مرکزی دارند و تنها موردی که این همپوشی را تضعیف می‌کند کمبود حس وطن خواهی است که در چند سال گذشته در مواردی نمایان گردید. مردم این کشور به دلیل زندگی طولانی مدت در نظام تحت حاکمیت کمونیست‌ها ـ و زندگی کاملاً اشتراکی که با سرکوب حساب شده اندیشه‌های قومیت‌خواهی همراه بود ـ، احساس مالکیت چندانی نسبت به سرزمین، خانه و املاک و اموال خود ندارند به گونه‌ای که در جنگ قره‌باغ، مردم روستاها و مراکز شهری در حال جنگ، به راحتی محل سکونت خود را رها کرده و به مناطق دیگر فرار می‌کردند.[۹۹]

مردم مناطق در حال جنگ این ضعف همپوشی با حاکمیت کشور را در طی سال‌های جنگ با ارمنستان نیز به کرات نشان داده‌اند. طبق گفتهٔ ایرانیانی که از مناطق جنگ‌زده بازدید داشته و یا با آوارگان صحبت کرده‌اند، ساکنان روستاها، وقوع درگیری و حملهٔ ارامنه به روستاهای همجوار را بی‌اهمیت تلقی نموده، تنها زمانی با متجاوز مقابله می‌کردند که به روستای خودشان تعرض می‌شد.

همپوشی قوم آذربایجانی با کشور ایران به ویژه مردم آذربایجان ایران ویژگی‌های خاصی دارد. این همپوشی برعکس همپوشی ارامنه در مغایرت با حکومت مرکزی کشور آذربایجان نیست. ساکنان دو طرف مرز (ایران و آذربایجان) با هم فامیل درجه یک و نزدیک بوده، به طوری که در مواردی دختران و پسران جوان دو طرف باهم ازدواج کرده‌اند.[۱۰۰] این نوع همپوشی ریشه در فرهنگ و تاریخ دو کشور دارد و تسهیل کنندهٔ روابط دو کشور است.

۸ـ۵) شناسایی گرایش‌های فرهنگی

مردم این کشور از نظر گرایش‌های فرهنگی شباهت بسیار زیادی به مردم ایران به ویژه شیعیان دارند تا آن جا که، آداب، رسوم، سنن و اعیاد ملی و مذهبی‌شان شبیه ایران است.

در ماه رمضان و عید فطر در توابع باکو مراسم دعا و نیایش برگزار می‌شود و مقامات کشوری به خصوص رئیس‌جمهور در این مراسم شرکت می‌کند. مردم این دیار هرچند به علت سلطهٔ طولانی مدت کمونیست‌ها، چندان با فرایض دینی آشنایی ندارند؛ ولی اعتقادشان به دین اسلام محکم است، به طوری که برای درگذشتگان مجلس ترحیم برگزار نموده، طی آن قرآن تلاوت می‌کنند و هم‌چون ایرانیان، آخرین روز اسفند را به درگذشتگان اختصاص می‌دهند. نوروز را گرامی می‌دارند و خانواده‌ها برای عید شیرینی می‌پزند، ولی مانند ایران از دید و بازدید عید خبری نیست. کارناوالهای شادی در خیابان‌ها به مناسبت نوروز راه می‌افتد و شعارهای تبریک عید بر در و دیوار خودنمایی می‌کند.[۱۰۱] همهٔ مردم از روزنامه‌نویس و دانشگاهی گرفته تا مردم عادی بیشتر از تمام کشورها به ایران و زیارت اماکن مقدسهٔ آن اظهار تمایل می‌کنند.[۱۰۲] رئیس‌جمهور، پس از انتخاب در مراسم تحلیف به قرآن قسم یاد می‌کند که از اسلام و معنویات مردم آذربایجان دفاع نموده، شرایط لازم را برای حفظ و گسترش ارزش‌های معنوی اسلام فراهم سازد.[۱۰۳]

سالروز میلاد حضرت فاطمه (س) در این کشور روز زن نامگذاری شده است.[۱۰۴] علاوه بر این‌ها در ماه محرم مراسم عزاداری برگزار می‌شود. اخبار و گزارش‌های مربوط به این مراسم، هرساله

از شبکه‌های تلویزیونی ایران و کشورهای دیگر پخش می‌شود. موارد مذکور نشان می‌دهد که گرایش‌های فرهنگی و مذهبی در این کشور بیشتر بر دین اسلام و مذهب شیعه، نیز فرهنگ قومیت آذربایجانی مبتنی است.

۹ـ۵) گرایش‌های اقتصادی جامعه

شغل غالب جمعیت در سال ۱۹۹۲ کشاورزی و بعد از آن صنعت عنوان شده است.[۱۰۵]

در منبع دیگری در سال ۱۹۹۲، گرایش عمدهٔ شغلی به سمت کارهای خدماتی ذکر شده، کشاورزی و صنعت در مرحلهٔ پس از آن قرار گرفته است.[۱۰٦]

در سال ۱۹۹۱ نیز از خدمات، به مثابهٔ شغل غالب یاد شده؛[۱۰۷] همچنین در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ خدمات، بیشترین سهم را در اشتغال داشته، کشاورزی و صنعت پس از آن جای گرفته است.[۱۰۸]

سیر تحول در گرایش شغلی جامعه نشان می‌دهد که افراد جامعه از کشاورزی به کارهای خدماتی روی آورده‌اند.

آمار افراد شاغل در بخش‌های مختلف کشور در چارچوب سه بخش عمده کشاورزی، صنعت و خدمات:

یکی از منابع اطلاعاتی، تعداد افراد شاغل در مشاغل مختلف را به شرح زیر ذکر کرده است.[۱۰۹]

جدول تعداد افراد شاغل در مشاغل مختلف در سال‌های ۸۹ تا ۹۱

تعداد شاغل در هر سال به هزار نفر / مشاغل	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱
کشاورزی	۹۰۵	۹۱٤	۹۳٤
جنگلداری	٦	۵	۵

تعداد شاغل در هر سال به هزار نفر / مشاغل	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱
صنعت	٤٨٣	٤٦٩	٤٦٣
کارهای ساختمانی	٢٤٣	٢٥١	٢٤٨
حمل و نقل و ارتباطات	١٣٣	١٤٣	١٤٣
تجارت و بازرگانی	٢٣٢	٢٣٠	٢٣٣
خدمات شهری و مسکن	١٠٨	٩٩	١٠١
علوم، تحقیقات و توسعه	٦٠	٥٨	٦٠
فرهنگ و آموزش	٣٢٩	٣٣٨	٣٤١
بهداشت و رفاه اجتماعی	١٦٨	١٧٠	١٧٣
دولت	٦١	٦٢	٦٢
سایر	٦٧	٧١	٧٣
جمع	٢٧٩٤	٢٨٠٨	٢٨٣٩

براساس این جدول رتبه‌بندی مشاغل از نظر فراوانی تعداد افراد شاغل به قرار زیر است:

۱ـ کشاورزی، ۲ـ صنعت، ۳ـ فرهنگ و آموزش، ٤ـ امور ساختمانی، ٥ـ تجارت و بازرگانی، ٦ـ بهداشت و رفاه اجتماعی، ۷ـ حمل و نقل و ارتباطات، ۸ـ خدمات شهری و مسکن، ۹ـ سایر، ۱۰ـ دولت، ۱۱ـ علوم، تحقیقات و توسعه، ۱۲ـ جنگلداری.

براساس همین منبع در سال ۱۹۹۲، شغل کشاورزی هم‌چنان با ۳٤٪ از نیروی کار، رتبهٔ اول داشته، پس از آن، صنعت با ١٦٪ و فرهنگ و آموزش با ۱۲٪ در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. برابر این اطلاعات بخش اصلی شاغلین در صنعت نیز در حوزه‌های مربوط به صنایع شیمیایی، نفت و نساجی اشتغال داشته‌اند.

در سال ۱۹۹٤، شغل کشاورزی ـ که جنگلداری و ماهیگیری را نیز شامل می‌شود ـ ۳۸٪ از نیروی کار را به خود اختصاص داده است.[۱۱۰] در سال ۱۹۹۷ از مجموع ۲/۹ میلیون نفر نیروی

کار کل کشور، ۳۲٪ در زمینهٔ کشاورزی و جنگل‌داری، ۱۵٪ در صنعت و ۵۳٪ در امور خدمات مشغول به کار بوده‌اند.(۱۱۱)

براساس منبع دیگری، در سال ۱۹۹۱ سهم بخش کشاورزی در اشتغال ۳۳٪، صنعت و ساختمان ۲۶٪ و خدمات ۴۱٪ ذکر شده است.(۱۱۲)

در سال ۱۹۹۹ ترکیب نیروی کار به صورت ۱۵٪ در صنعت و زیرساخت‌ها، ۳۲٪ کشاورزی و جنگل‌داری، ۵۳٪ خدمات بوده، از این میزان اشتغال، ۴۷/۷٪ دولتی و بقیه در بخش غیردولتی فعال بوده‌اند.(۱۱۳)

بررسی آمار و اطلاعات ذکر شده نشان از این دارد که بعد از استقلال، سهم کارهای خدماتی در این جمهوری فزونی یافته است. با توجه به این که کارهای مربوط به تجارت و بازرگانی در این تقسیم‌بندی در شمار کارهای خدماتی قرار می‌گیرد و بعد از استقلال نیز حجم این قبیل فعالیت‌ها زیاد شده از این رو، رشد اشتغال در این بخش منطقی به نظر می‌رسد. در این آمار و اطلاعات، شاهد کاهش سهم صنعت در اشتغال هستیم که ناشی از رکود فعالیت‌های صنعتی پس از استقلال بوده و با توجه به رونق شرکت‌های خارجی در استخراج، تولید و صدور نفت و گاز در سال‌های اخیر به نظر می‌رسد که این بخش در حال حاضر رشدی درخور توجه دارد.

۱۰ـ۵) درآمد سرانه و جمعیت

منابع اطلاعاتی، آمار و ارقام متفاوتی را برای درآمد سرانهٔ کشور در سال ۱۹۹۲ ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۲۳۷۰ دلار،(۱۱٤) ۱۳۵۰ دلار(۱۱۵) و ۸۷۰ دلار(۱۱٦)؛ هم‌چنین در سال ۱۹۹۹ رقم درآمد سرانه بیش از ۳۹۷۰ دلار نیز عنوان شده است.(۱۱۷) جمعیت زیر خط فقر در دسامبر سال ۱۹۹۳ از سوی دولت وقت جمهوری آذربایجان، ۸۰٪ از کل جمعیت اعلام شد.(۱۱۸) که این میزان در سال ۲۰۰۰ با حدود ۲۰٪ کاهش به رقم ٦۰٪ تنزل یافته است.(۱۱۹)

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان گفت که مردم این کشور از آغاز استقلال تاکنون تحت

شرایط اقتصادی بدی قرار داشته‌اند هرچند که به مرور، وضعیت معیشتی مردم بهتر شده ولی هنوز با رفاه مطلوب فاصله زیادی دارند، اما به نظر می‌رسد با رشد اقتصادی کشور، دست‌یابی به رفاه مطلوب، در سال‌های آتی تا حدودی محقق شود.

۱۱ـ۵) بررسی آماری مهاجران و اتباع بیگانه

شناسنامه اتباع بیگانه

از آن‌جا که آمار مربوط به مهاجرت و اتباع بیگانه در جمهوری آذربایجان و به طور کلی در کشورهای مشترک‌المنافع شوروی سابق یا در منابع اطلاعاتی درج نمی‌شود و یا اگر آماری ذکر می‌شود تمامی این کشورها را دربر می‌گیرد و به تفکیک کشور اعلام نمی‌گردد؛ از این رو، دسترسی به شناسنامهٔ اتباع بیگانه جمهوری آذربایجان در اوضاع حاضر ممکن نیست. اما آن‌چه از مفاد سایر اطلاعات بر می‌آید نشانگر این است که بیشترین تعداد اتباع بیگانه مربوط به کشور ایران است. طبق آمارهای اعلام شده (مربوط به سال ۱۳۷۹)، سالانه حدود یک میلیون نفر از اتباع دو کشور در خاک هم تردد می‌کنند.[۱۲۰] براساس آمار، همین تعداد تردد بین اتباع دو کشور برای سال ۱۳۷۷ نیز اعلام شده است.[۱۲۱]

شایان ذکر آن که، در حال حاضر بسیاری از اتباع روسیه در صنایع مربوط به نفت جمهوری آذربایجان فعال هستند، از سوی دیگر با توجه به معافیت فعالیت‌های کشاورزی از پرداخت مالیات تعدادی از اتباع کشور اسرائیل در سال‌های اخیر به آذربایجان آمده، مشغول فعالیت کشاورزی شده‌اند.[۱۲۲]

از آن جا که بیشترین تعداد مهاجران به این کشور ایرانی هستند؛ از این‌رو، بیشترین درصد مهاجران را مسلمانان شیعه مذهب تشکیل می‌دهند که با توجه به رونق مبادلهٔ تجاری بین اتباع دو کشور، اغلب به فعالیت‌های تجاری مشغول‌اند. گفتنی است ٤٢٦ شرکت ایرانی در باکو به ثبت رسیده که در حال حاضر ۲۰۰ مورد فعال هستند.[۱۲۳] از نظر تحصیلات نیز، اکثر مهاجران فاقد تحصیلات درخور توجه‌اند؛ ولی از این میان، تعدادی که برای مقاصد فرهنگی و علمی به

این کشور سفر می‌کنند از تحصیلات عالی برخوردارند. دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های ایران که در سال‌های اخیر به کرات از این کشور دیدن کرده‌اند از جملهٔ این افراد به شمار می‌آیند.

شناسنامهٔ مهاجرت از کشور به دیگر کشورها

اگر نیمی از تردد میان دو کشور ایران و آذربایجان مربوط به ساکنان آذربایجان باشد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که این مهاجرت‌ها که بیشتر به خاطر فعالیت‌های تجاری و دیدار با اقوام صورت می‌گیرد بخش مهمی از مهاجرت اتباع کشور آذربایجان به دیگر کشورها را تشکیل می‌دهد.

این رفت و آمدها در پاره‌ای موارد برای مقاصد خانوادگی نیز انجام می‌شود؛ زیرا برخی از اتباع دو کشور باهم ازدواج کرده‌اند.[۱۲٤]

میزان مهاجرت خالص در سال ۱۹۹٤ در این کشور ٦/۳ نفر در هزار نفر برآورده شده است.[۱۲۵] این نرخ در سال ۱۹۹۵ حدود ٤ نفر در هزار نفر برآورد شده که در بین کشورهای جهان رتبه ۱٤۸ را داراست؛ هم‌چنین در سال ۲۰۰۱ این نرخ ۵/٦۷ ـ مهاجر در هر هزار نفر برآورد شده است.[۱۲٦]

بخشی از مهاجرت‌های این کشور متعلق به اقلیت‌های قومی و مذهبی است که برای همیشه خاک این کشور را ترک کرده‌اند. کاهش سهم جمعیت ارامنه از ٦ درصد به ۲ درصد بعد از جنگ قره‌باغ (مهاجرت این افراد به ارمنستان) نیز بخش عظیمی از این مهاجرت را تشکیل می‌دهد که رقمی حدود ۳۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود.[۱۲۷] جمعیت روس‌ها نیز بعد از استقلال کشور ۳٪ (بیش از ۲۰۰ هزار نفر) کاهش یافته است.[۱۲۸]

شناسنامه مهاجرت‌های داخلی در کشور

بررسی رشد جمعیت شهرنشین و روستانشین، نشان می‌دهد که به رغم آن که سهم جمعیت روستانشین از کل جمعیت در سال ۱۹۹۱، ٤٦٪ بوده و این میزان در سال ۱/۳٪ رشد داشته، اما

براساس آمار سال ۱۹۹۸، سهم این جمعیت به ٤۳٪ کاهش یافته است. این در حالی است که رشد جمعیت شهرنشین بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ حدود ۰/٤٪ بوده و با آن که جمعیت روستانشین رشدی معادل ٤ برابر جمعیت شهری داشته در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ وزن درصدی خود را از جمعیت کل از دست داده است. این امر، بدون شک نشان‌دهندهٔ مهاجرت روستاییان به شهرها در فاصله این سال‌هاست. با احتساب رشد ۱/۳٪ برابر جمعیت روستانشین تعداد جمعیت روستانشین در سال ۱۹۹۸ باید بالغ‌بر ۳/٦ میلیون نفر باشد این در حالی است که برابر آمار موجود این رقم ۳/٤ میلیون نفر ذکر شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت روستانشین بعد از استقلال کشور از روستاها به شهرها مهاجرت کرده‌اند. در تحلیل چنین وضعیتی می‌توان گفت که با فروپاشی نظام کمونیستی فعالیت‌های کشاورزی نیز تحت تأثیر قرار گرفت و مزارع کشاورزی متمرکز و دولتی (کالخوزها و ساوخوزها) یا منحل شدند و یا به بخش‌های خصوصی واگذار شدند. طبیعی است که با انجام این تغییرات در نظام بهره‌برداری از اراضی کشاورزی و گسترش فقر و رواج فعالیت‌های خدماتی و تجاری ـ در اثر استقرار نظام اقتصادی آزاد ـ فعالیت‌های کشاورزی فاقد بازده و کارایی لازم برای تأمین احتیاجات روستاییان بوده، در نتیجه این افراد به مراکز شهری روی آورده‌اند. ایجاد محدودیت در فعالیت‌های کشاورزی به طرق مختلف مثل محدودیت صادرات به خاطر جنگ قره‌باغ، کم شدن سطح روابط با روسیه که خریدار اصلی محصولات کشاورزی آذربایجان بود، از جمله عوامل مهاجرت روستانشینان به شهرها به شمار می‌آید.[۱۲۹]

کاهش کشت انگور به میزان بیش از ٦۰٪ در اثر مخالفت عمومی با مصرف مشروبات الکلی و کنترل و ایجاد محدودیت در تولید و صدور مشروبات الکلی[۱۳۰] یکی دیگر از عوامل اصلی مهاجرت روستاییان به شهرها محسوب می‌شود.

به دنبال شدت گرفتن درگیری‌ها در قره‌باغ، مردم سایر نواحی آذربایجان که تحت تأثیر حوادث خونین قره‌باغ قرار گرفته بودند نسبت به ارامنه ساکن در سایر نواحی عکس‌العمل نشان داده، این عامل در کنار حس قومیت‌گرایی ارامنه که خواستار کمک به هم‌کیشان خود در

قره‌باغ بودند سبب گردید تا در این سال‌ها تعدادی از ارامنه از سایر شهرها به منطقه قره‌باغ مهاجرت کنند.

۱۲ـ۵) بررسی جمعیت مناطق مرزی و رابطه آن با مرکز کشور هدف

هرچند که کشور آذربایجان کشوری با قومیت‌های مختلف است ولی سهم اقلیت‌ها در فضاهای جمعیتی عمده (شهرها) و پارامترهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به قدری ناچیز است که این قومیت‌ها ـ به جز اقلیت ارامنه ـ نمی‌توانند آسیب جدی به حاکمیت کشور وارد سازند. گفتنی است اقلیت‌ها، اغلب در نقاط مرزی ساکن بوده و دارای نوعی همگرایی با آن سوی مرزها هستند که این همگرایی در بین ارامنهٔ منطقهٔ قره‌باغ بالاست. به طوری که گروه‌هایی از این اقلیت خواستار الحاق به کشور ارمنستان بوده، در برنامه‌های آرمانی بلندمدت خود در فکر گسترش سرزمین ارامنه هستند. در خصوص ارتباط اتباع مرزنشین این کشور با سایر کشورهای همسایه، با توجه به آن که این ارتباط تنگاتنگ نبوده، خللی در تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی کشور ایجاد نمی‌کند. در زمینه ارتباط مردم مرزنشین با ایران [به ویژه جمهوری نخجوان] نیز این ارتباط در مقابله و مواجهه با حکومت مرکزی نیست. هرچند که در برخی موارد در طی سال‌های گذشته این ارتباط از سیاست‌های دو کشور تبعیت نکرده و در مواقعی که سیاست‌گذاران دو کشور سطح روابط مناسبی نداشتند، مردم دو کشور، ارتباط خود را در سطح مطلوبی حفظ کرده‌اند. این نحوهٔ ارتباط درمورد برونبوم نخجوان بیشتر مصداق دارد. مردم این منطقه به دلایل مختلفی از جمله دورافتادن از خاک اصلی کشور، محصور بودن با کشور ارمنستان، تفاوت فرهنگی با باکو ـ ولو در سطح اندک ـ به ویژه در زمینهٔ مسائل مذهبی و شباهت فرهنگی و اجتماعی با ایرانیان، بیشتر به ایران گرایش دارند. شایستهٔ ذکر آن که این گرایش در سطح و ابعادی نیست که رابطهٔ این منطقه با باکو را مختل سازد.[۱۳۱]

فصل ششم

بررسی منابع طبیعی

۱ـ ٦) شناسایی منابع کانی

سرب، روی، آهن، مس، نمک، مواداولیه برای تولید آلومینیوم و مواد ساختمانی مثل سنگ آهک و مرمر و گچ از منابع کانی این کشور هستند.[۱۳۲] در این میان منابع آلومینیوم از اهمیت زیادی برخوردار است و این کشور یکی از کشورهای مهم جهان در این زمینه محسوب می‌شود.

آلونیت، پیریت، مولیبدن و آرسنیک نیز از دیگر منابع معدنی این کشور محسوب می‌شوند.[۱۳۳] از نظر محل استقرار معادن، سنگ‌های پلی متالیک در منطقهٔ فیلیزچای در شمال بلوکان چای و منطقه گوموشلو در نخجوان ذخایر غنی آهن در منطقهٔ داش‌کسن و ذخایر آلونیت در منطقهٔ ناگلیچ ـ که غنی‌ترین معادن آلونیت جهان است ـ واقع شده‌اند. هم‌چنین معادن سنگ کبالت و پیریت در داش‌کسن و گنجه، آرسنیک و مولیبدن در منطقهٔ نگرام

جمهوری خودمختار نخجوان، مواد ساختمانی (مارلب، توف، گراول، شن ولوم نسوز) در شبه‌جزیرهٔ آبشارون قرار دارند.[۱۳٤] در بین این منابع معدنی منابع پلی‌متال اهمیت زیادی دارند و نیز منابع سنگ آهن داش کسن علاوه بر تأمین نیازهای داخلی از سال‌ها پیش مواد اولیه مجتمع ذوب آهن «دوستاوی» در گرجستان را که یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی منطقه است، تأمین می‌کند.

محل استقرار و میزان ذخیره برخی معادن بزرگ کشور

نوع معدن	محل جغرافیایی استقرار معدن	میزان ذخیره
سنگ نمک	منطقه نگرام نخجوان	۲ تا ۲/۵ میلیارد تن
موادساختمانی	شبه‌جزیرهٔ آبشارون و محدودهٔ کوه‌های قفقاز کوچک	۳۰۰ میلیارد تن
سنگ نما	مناطق گوگل باخت، داش کسن، شاه‌بختی و کیلابلی	۲٤ میلیون تن

۲ـ ٦) منابع غیرکانی

اصلی‌ترین منابع غیرکانی این کشور جنگل‌ها هستند که برابر اطلاعات ذکر شده قبلی حدود ۱۱٪ از خاک کشور را پوشانده‌اند که مساحتی حدود ۹۵۷ کیلومتر مربع برآورد می‌شود. این میزان منابع طبیعی (جنگلی) هرچند آذربایجان را جزو کشورهایی قرار می‌دهد که سطح جنگل‌های آن در مقایسه با مساحت کشور درخور توجه نیست؛ ولی نسبت به کشورهای منطقه به ویژه ایران موقعیت بهتری دارد و در شرایط حاضر در صد، جنگل‌های این کشور ـ با توجه به مساحت این کشور ـ نسبت به ایران حدود ۱/۵ برابر است.

گفتنی است از جنگل در کشور آذربایجان بیشتر برای تولید الوار استفاده می‌شود. در سال ۱۹۹۲ حدود ۸٦۷۰۰ متر مکعب الوار در این کشور تولید شده است.[۱۳۵]

۳ـ ٦) منابع انرژی‌زا

نفت، گاز و نیروی برق ۳ منبع اصلی انرژی‌زا در جمهوری آذربایجان محسوب می‌شوند که در این میان، نفت و گاز از اهمیت بیشتری برخوردار است.

در سال‌های دور، جمهوری آذربایجان موقعیت ویژه‌ای در زمینه استخراج نفت در کل جهان داشت. تا آن جا که طی یک دوره در اوایل دهه ۹۰ ناحیهٔ باکو، تقریباً نصف کل نفت خام مصرفی دنیا را تأمین می‌کرد. در زمینه ذخایر نفت و گاز جمهوری آذربایجان و به طور کلی ذخایر دریای خزر، آمار و ارقام مختلفی ارائه می‌شود که گاهی تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند. به طور کلی آمار برخی کشورها از جمله آمریکا تعمداً اغراق‌آمیز است تا سرمایه‌گذاری و حضور شرکت‌های تبعهٔ این کشورها موجه باشد.[۱۳٦]

گزارش‌های آماری بریتیش پترولیوم (BP) و ادارهٔ اطلاعات انرژی منطقهٔ دریای خزر در آمْریکا، از گزارش‌های مهمی است که در این زمینه منتشر شده‌اند. ذخایر نفت و گاز ۳ کشور آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان طبق این گزارش‌ها در پی می‌آید.

جدول برآورد ذخایر نفت و گاز آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان[۱۳۷]

کشور	ذخایر نفت (میلیارد بشکه)	ذخایر گاز طبیعی (تریلیون فوت مکعب)
آذربایجان	۷	۳۰
قزاقستان	۸	٦۵
ترکمنستان	۰	۱۰۱

مأخذ: بریتیش پترولیوم

جدول برآورد ذخایر نفت و گاز ثابت شده و احتمالی کشورهای آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان[۱۳۸]

کشور	ذخایر نفت ثابت شده (میلیارد بشکه)	ذخایر نفت احتمالی (میلیارد بشکه)	ذخایر گاز ثابت شده (تریلیون فوت مکعب)	ذخایر گاز احتمالی (تریلیون فوت مکعب)
آذربایجان	۳/۶ تا ۱۲/۵	۲۷	۳۱ تا ٤۰	۱۱
قزاقستان	۱۰ تا ۱۷/۵	۸۵	۹۵ تا ۱۰۲	۸/۳ تا ۵/۳
ترکمنستان	۱/۷	۳۲	۳٤	۹۸ تا ۱۵۵

تولید نفت و گاز در جمهوری آذربایجان که تا سال ۱۹۹۰ دچار رکود شده بود بعد از این سال رو به رشد نهاد و این در سایه سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی میسر گردید.[۱۳۹]

نفت خام جمهوری آذربایجان به علت سبک بودن، درصد ناچیز سولفور و میزان بازدهی بالای بنزین دارای اهمیت فراوانی است.

منابع نفتی، مهم‌ترین بخش صنایع را در جمهوری آذربایجان به خود اختصاص داده‌اند. بخش عمدهٔ این منابع در دریای خزر قرار دارد که در محدوده‌ای به فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتر از ساحل واقع شده‌اند.[۱٤۰]

در ابتدای قرن بیستم، آذربایجان، کشور پیشرو جهان در عرصهٔ تولید نفت بود و این کشور مهد و خاستگاه صنایع پالایش نفت محسوب می‌شد. برای مثال، در سال ۱۹۰۱، آذربایجان ۱۱/٤ میلیون تن نفت تولید کرد که در آن زمان، این میزان، بیشتر از تولید ایالات‌متحدهٔ آمریکا بود و بیش از نصف نفت تولیدی کل جهان محسوب می‌شد؛ ولی بعد از پیشرفت‌های صنعتی و توسعه صنایع وابسته به نفت در سایر نقاط شوروی و در کل جهان، نقش جمهوری آذربایجان در تولید نفت کاهش یافت.[۱٤۱]

ذخایر گازی آذربایجان ۲ تریلیون متر مکعب ـ و براساس منبعی نیز ۷۰۰ میلیارد متر

مکعب[۱٤۲] ـ برآورد شده است. میزان پالایش گاز در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۷ میلیارد متر مکعب بوده، در حال حاضر، کارشناسان این کشور در حال بررسی راه‌های افزایش میزان پالایش و استفاده بهینه از این منبع طبیعی هستند.[۱٤۳]

حوزه‌های نفتی مهم جمهوری آذربایجان ٤ حوزهٔ گونشلی (GÜN∂ŞLI)، چیراغ (ÇIRAQ)، آذری (AZ∂RI) و کَپَز (K∂P∂Z) هستند که همگی در دریای خزر واقع شده‌اند.[۱٤٤]

از میان حوزه‌های نفتی یادشده، حوزهٔ نفتی گونشلی بزرگ‌تر و با اهمیت‌تر از سایرین است. این حوزه در سال ۱۹۹۲ حدود ٦۰٪ نفت کشور را تأمین می‌کرده است.[۱٤٥]

میزان ذخایر نفتی حوزه‌های گونشلی، چیراغ و آذری ابتدا ۵۱۱ میلیون تن (حدود ۳/۵ میلیارد بشکه) و بعدها به دنبال بررسی‌ها و اکتشافات جدید ۸۵۰ میلیون تن (حدود ٦ میلیارد بشکه) اعلام شده است.[۱٤٦]

مهم‌ترین حوزهٔ ذخایر گاز طبیعی نیز حوزهٔ شاه دنیز (ŞAHD∂NIZ) است. که گفته می‌شود اکتشاف در این حوزه از سال ۱۹۷۸ تا به امروز، بزرگ‌ترین اکتشاف گاز طبیعی در جهان بوده است. میزان ذخیرهٔ گاز این حوزه، بین ۲۵ تا ۳۹ تریلیون فوت مکعب برآورد می‌شود که با تکمیل زیرساخت‌های در دست اجرا، تولید گاز طبیعی در این حوزه از سال ۲۰۰٤ به طور کامل آغاز می‌گردد و بدین ترتیب، کشور آذربایجان، یکی از صادرکنندگان مهم گاز طبیعی در جهان خواهد شد.[۱٤۷]

یکی دیگر از حوزه‌های اصلی گاز طبیعی آذربایجان، منطقهٔ قره‌باغ است که حفاری نهایی در این منطقه برای استخراج گاز در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته است.[۱٤۸] حدود ۷۰ حوزه نفت و گاز در آذربایجان شناسایی شده است. لیکن از ویژگیهای این حوزه‌ها واقع شدن بخش عمده آن‌ها در اعماق زیاد هست که باعث می‌شود، استخراج و بهره‌برداری از این ذخایر نیازمند تکنولوژی پیشرفته و تجهیزات مدرن باشد.

این مشکل در ذخایر گاز بیشتر از ذخایر نفتی است.

نام ذخایر / عمق	تا ۳۰۰۰ متر	۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر	۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ متر
نفت	٪۲٦	٪۵۳	٪۲۱
گاز	٪۱۰	٪٤۰	٪۵۰

در زمینهٔ تولید برق نیز، از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱، سالانه ۲۳/۳ میلیارد کیلووات ساعت برق از طریق ایستگاه‌های تولید نیروی الکتریسته در این کشور تولید شده است.[۱٤۹] با این همه، تولید نیروی برق در این کشور، از حدود ۲۳ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۱۹۹۱، به ۱٦ میلیارد کیلووات ساعت در سال ۱۹۹۲ کاهش یافته که این میزان حدود ۳۰٪ کاهش تولید در یکسال را نشان می‌دهد.[۱۵۰]

تولید برق در سال ۱۹۹۹ نیز حدود ۱٦/٤ میلیارد کیلووات ساعت بوده که از این میزان تولید، ۱٤/۱٦ میلیارد کیلووات ساعت از طریق ایستگاه‌های حرارتی و حدود ۲/۲٤ میلیارد کیلووات ساعت با ایستگاه‌های هیدرولیکی تولید شده است.[۱۵۱]

در سال ۱۹۹۸ از کل تولید برق، ۹۱٪ با ایستگاه‌های حرارتی و ۹٪ باقیمانده با ایستگاه‌های هیدرولیک تولید شده، این در حالی است که سیستم تولید برق این کشور به تعمیرات و بازسازی اساسی نیز سرمایه‌گذاری‌های جدید نیازد دارد.[۱۵۲]

مهم‌ترین نیروگاه‌های برق حرارتی در شماخی[۱۵۳] و علی بایراملی[۱۵٤] و نیروگاه‌های هیدروالکتریکی (برقابی) در مینگه چویر[۱۵۵] و ترتر[۱۵٦] قرار دارد.

٤ـ٦) اولویت‌بندی منابع فوق در کشور

در حال حاضر، نفت و گاز مهم‌ترین شاخص (پارامتر) اقتصادی این کشور به شمار می‌رود و این منبع رقم اصلی درآمد ملی را تشکیل می‌دهد و توسعه آتی کشور نیز وابستگی تام به این

ذخایر دارد؛ از این رو، می‌توان گفت که منابع انرژی‌زا به ویژه نفت و گاز و در اوضاع کنونی مهم‌تر از همه نفت، اولویت اول را در این کشور دارد. در خصوص نقش دولت در شکل‌گیری این اولویت می‌توان گفت که از دیرباز دولت‌های حاکم؛ از استخراج و صدور نفت حمایت کرده‌اند. امروزه نیز، به دلیل امکانات نهفتهٔ بالا و درآمد وافر این منبع طبیعی، دولت نقش اصلی را در حمایت از این صنعت ایفا می‌کند.

بعد از منابع انرژی‌زا، اولویت دوم با توجه به وزن درخور توجه فعالیت‌های کشاورزی در تولید ناخالص ملی (GNP) و اشتغال، به منابع آبی اختصاص دارد که در میزان تولیدات کشاورزی نقش انکارناپذیری دارد. منابع غیرکانی (جنگل‌ها) و کانی را می‌توان در ردهٔ سوم فرض کرد. هرکدام از این منابع از یک جنبه دارای اولویت و اهمیت هستند. جنگل‌ها به دلیل سطح پوشش نسبتاً مناسب و تولید الوار قابل توجه و منابع کانی به دلیل اشتغال‌زایی زیاد دارای اولویت هستند. درمورد دوم، آن‌چه مسلم است این که، مواد ساختمانی علاوه‌بر اهمیت در تأمین مسکن در اشتغال کشور نیز نقش درخور توجهی دارد؛ زیرا همان‌طور که قبلاً ذکر شد تعداد قابل توجهی افراد، در بخش ساختمانی و امور مربوط به آن فعالیت دارند. طبق آمار سال ۹۱ در بین ۱۲ گروه شغلی عمده، امور ساختمانی از نظر تعداد شاغل رتبهٔ چهارم را به خود اختصاص داده است.[۱۵۷]

فصل هفتم

بررسی قرارگیری نهادهای سیاسی و اجتماعی

۱ـ۷) مناطق مؤثر کشور در ساخت و ترکیب‌بندی نهادهای سیاسی و اجتماعی

شبه‌جزیرهٔ آبشارون در این زمینه دارای موقعیت ممتازی است. باکو بزرگ‌ترین شهر و مرکز کشور و شهرهای اطراف آن، زادگاه و محل سکونت اغلب مسئولان و دولت‌مردان این دیار است. علاوه‌بر این، نهاد ریاست جمهوری، نخست‌وزیر و هیأت وزیران، مجلس ملی، سازمان‌های بین‌المللی، دفاتر احزاب سیاسی، نیز شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در شهر باکو یا اطراف آن استقرار یافته‌اند. بنابراین، باکو و اطراف آن از نظر اهمیت در نظام سیاسی و اداره کشور در مقام نخست قرار دارد.

بعد از باکو می‌توان جمهوری خودمختار نخجوان ـ به ویژه شهر نخجوان ـ را حائز اهمیت و رتبهٔ دوم دانست. نخجوان به علت برونبوم بودن و نداشتن ارتباط مؤثر با حکومت مرکزی، دارای مجلس و هیأت حاکمه تحت نظر دولت باکوست. علاوه‌بر این ابوالفضل ایلچی بیگ رئیس‌جمهور

در گذشته آذربایجان و قهرمان مورد احترام جبههٔ خلق که طرفداران متعصبی در میان تودهٔ مردم آذربایجان دارد و رسول قلی‌اف، رئیس مجلس پیشین و از رهبران مخالف در جمهوری نخجوان به دنیا آمده و زندگی کرده‌اند و بی‌شک این وضعیت، نخجوان را به یکی از مراکز تأثیرگذار سیاسی تبدیل کرده است. گفتنی است این حزب در حال حاضر در مجلس ملی آذربایجان حضور دارد و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کند. افزون‌بر این‌ها، جمهوری نخجوان زادگاه و محل فعالیت سیاسی ـ اجتماعی حیدر علی‌اف رئیس‌جمهور فعلی جمهوری آذربایجان و رهبر حزب قدرتمند آذربایجان پیش از ریاست جمهوری است که قبل از دست‌یابی به این مقام، سال‌ها در نخجوان در مسئولیت‌های مختلف انجام وظیفه کرده و در بین مردم آن جا نفوذ زیادی دارد. الهام علی‌اف پسر رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کشور که پست‌های معاونت حزب آذربایجان نوین و شرکت نفت دولتی و نیز ریاست کمیته ملی المپیک کشور را نیز دارد در بین مردم نخجوان محبوبیت زیادی دارد. علاوه‌بر مناطق یادشده، شهر گنجه و مناطق اطراف آن نیز از دیرباز اهمیت سیاسی ـ اجتماعی داشته است. گنجه دومین شهر کشور، از سالیان پیش دارای موقعیت اجتماعی ـ فرهنگی ممتازی بوده است. در زمان تشکیل جمهوری دموکراتیک آذربایجان به رهبری محمد امین رسول‌زاده در سال ۱۹۱۸، این شهر به دلیل آن که باکو را نیروهای روسی اشغال نموده بودند به عنوان پایتخت برگزیده شد. غیر از مناطق یادشده بقیهٔ مناطق در نظام سیاسی و اداری حاکم بر کشور اهمیت چندانی ندارند. در این میان، منطقهٔ قره‌باغ هرچند از نظر سیاسی به دلیل معارض بودن با حکومت مرکزی و داشتن حکومتی خودمختار اهمیت درخور توجهی دارد؛ ولی این منطقه در نظام سیاسی و اداری مرکزی کشور نقشی ندارد و به طور کلی، هیچ‌یک از ارامنه در نظام یادشده جایگاهی ندارند. منطقهٔ لنکران، مرکز سکونت قوم تالش، نیز منطقهٔ دیگری است که دارای ویژگی متمایز از بقیهٔ مناطق است؛ ولی این منطقه از دیرباز، به ویژه بعد از استقلال آذربایجان، منطقه‌ای منزوی و مخالف با حکومت مرکزی بوده، نقشی در نظام سیاسی ـ اداری مرکزی کشور نداشته است. بقیهٔ مناطق کشور در نظام سیاسی و ادارهٔ کشور نقش درخور توجهی ندارند؛ یعنی نه معارض هستند و نه اثربخش.

۲ـ۷) نفوذ نهادهای سیاسی ـ اجتماعی دولتی و غیردولتی در مناطق مختلف کشور

نهادهای سیاسی ـ اجتماعی دولتی از نظر جغرافیایی در اکثر نقاط کشور دارای نفوذ هستند. این نفوذ فقط در قره‌باغ و لنکران کمتر به چشم می‌خورد. از نظر پایگاه قشری نیز می‌توان گفت اکثر قشرها در حوزهٔ نفوذ این نهادها هستند؛ اما نمی‌توان گفت که نفوذ نهادهای دولتی در بین قشر خاصی بیشتر از سایر قشرهاست. البته اگر گرایش‌های سیاسی موجود در نهادهای دولتی را درنظر بگیریم برخی از روشنفکران و طرفداران سایر احزاب سیاسی مثل روزنامه‌نگاران، نویسندگان و شعرا این گرایش‌ها را قبول ندارند. این افراد با برخی نهادهای اصلی حکومتی مانند ریاست جمهوری، نخست‌وزیری و کابینه وزرا و مجلس ملی نیز مخالفت می‌کنند و در مطبوعات و میتینگ‌ها موجودیت این نهادها را زیر سؤال می‌برند. نمایندگان مجلس نیز که متشکل از احزاب سیاسی مختلفی هستند گاهی اوقات در صحن مجلس تندترین حملات را علیه احزاب دیگر، به ویژه احزابی که در نهادهای دولتی اصلی هستند، روا می‌دارند.

«حمید ملازاده» در کتاب «جمهوری آذربایجان، نگاه به آینده»، مشاهدات خود را از مخالفت‌های شدید روزنامه‌نگاران، نویسندگان و شعرا نسبت به حکومت آذربایجان باز گفته، هم‌چنین درگیری‌های لفظی میان نمایندگان مجلس، نیز نمایندگان با مسئولان دولتی از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و وزیر امورخارجه را به تفصیل بیان کرده است.[۱۵۸]

از نهادهای غیردولتی، احزاب سیاسی را می‌توان نام برد که احزاب جبهه خلق، مساوات و استقلال ملی از احزاب عمدهٔ مخالف حزب حاکم به شمار می‌آیند. این احزاب در باکو نفوذ دارند. حزب جبههٔ خلق نیز در جمهوری نخجوان از پایگاه خوبی برخوردار است. از نظر قشری نیز بیشتر افراد تحصیل کرده، طرفدار این احزاب هستند؛ هم‌چنین حزب مخالف داشناکسیون که حزب ملی‌گرای افراطی متعلق به ارامنهٔ سراسر جهان است در این کشور

فعالیت دارد. پایگاه جغرافیایی این حزب در قره‌باغ و بین قوم ارمنی است. افزون‌بر این احزاب، حزب جنبش تالش در منطقهٔ لنکران و در میان قوم تالش دارای پایگاه و نفوذ قابل تأملی است. جنبش «سدول» نیز که متعلق به قوم لزگی است هرچند به صورت ضعیف، در بین مردم لزگی دارای نفوذ است.

۳ـ۷) محل استقرار مهم‌ترین مراکز نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، علمی و تکنولوژیک[۱۵۹]

الف) محل استقرار مراکز نظامی:

۱. آکادمی نظامی هاسی آسلانُف در باکو؛

۲. آکادمی (دانشکده) نیروی دریایی در باکو.

ب) محل استقرار مراکز اقتصادی:

۱. پالایشگاه‌های نفت باکو (دو واحد)؛

۲. شرکت آذرنفت (دولتی) با دو شرکت تابعهٔ آذنفت (برای عملیات درون ساحلی) و کاسمور نفت (برای عملیات برون ساحلی) که هدف اصلی آن، عملیات اکتشاف و تولید نفت است. این شرکت با حدود ۲۰ هزار نفر شاغل، در باکو مستقر است.

۳. شرکت آذری گاز در باکو که در زمینه اکتشاف و تولید گاز فعالیت دارد.

٤. شرکت کیمیا در باکو که در زمینهٔ تولید فرآورده‌های شیمیایی فعالیت دارد.

۵. شرکت آذین ماش در باکو که در زمینهٔ صنایع و تجهیزات مربوط به استخراج و تولید نفت فعالیت می‌کند.

٦. شرکت مهندسی رابوچی در باکو که در زمینهٔ صنایع و تجهیزات مربوط به استخراج و تولید نفت فعالیت می‌کند.

۷. شرکت تجارت بین‌المللی میت در باکو که در زمینهٔ تولید فرآورده‌های غذایی فعالیت دارد.

۸ . کارخانهٔ تولید استیل در سومقایت که حدود ۴۰٪ از استیل منطقهٔ قفقاز در این کارخانه تولید می‌شود.

۹. کارخانهٔ آلومینیوم در سومقایت که در سال ۱۹۵۰ تأسیس شده است؛

۱۰. کارخانهٔ تولید Caustic Soda در سومقایت؛

۱۱. کارخانهٔ تولید فرآورده‌های پتروشیمی در سومقایت؛

۱۲. مراکز تولید آلومینیوم، مس و فرآورده‌های نساجی و غذایی در گنجه؛

۱۳. ایستگاه هیدروالکتریکی (برقابی) در مینگه چویر که در سال ۱۹۵۳ بر روی رودخانهٔ کورا احداث شده است. این ایستگاه و سد مربوط به آن علاوه‌بر آبیاری ۶۰۰ کیلومتر مربع از زمین‌های کشاورزی اطراف، ۳۶۰ مگاوات برق تولید می‌کند.

۱۴. کارخانهٔ تولید فلور در یولاخ؛

۱۵. کارخانهٔ نساجی ابریشم در شکی که در زمان شوروی سابق دومین کارخانه نساجی ابریشم شوروی محسوب می‌شد و ۷ هزار نفر در آن مشغول به کار بودند. این کارخانه در حال حاضر ـ بعد از فروپاشی شوروی ـ رونق سابق را ندارد.

۱۶. کارخانه‌های فرآوری انگور و پیله خشک‌کنی کرم ابریشم در کوردامیر؛

۱۷. کارخانه‌های مشروب‌سازی و نساجی ابریشم در خان کندی (قره‌باغ)؛

۱۸. کارخانه‌های چای، میوه خشک‌کنی و عمل‌آوری تنباکو در زاگاتالا؛

۱۹. کارخانهٔ بزرگ عمل‌آوری و نگهداری محصولات کشاورزی در قوبا.

ج) محل استقرار مراکز فرهنگی:

۱. مجتمع تاریخی و قوم‌شناسی «دنیای دده قورقود» در باکو ـ تأسیس ۲۰۰۰ م؛

۲. کنسرواتور موسیقی اوزه‌بیر حاجی بیگلی در باکو؛

۳. دراما تئاتر عرب لینسکی در سومقایت؛

٤. موزهٔ تاریخ در گنجه؛

۵. موزهٔ آکادمی در گنجه؛

٦. موزه‌های باکو از جمله موزهٔ نظامی گنجوی با ۲۳ اتاق نمایش و بیش از ۳۰۰۰ اثر هنری نظیر دست‌خط‌ها، تابلوهای خوشنویسی و مجموعه‌های کمیاب؛

۷. موزهٔ تاریخ در شکی؛

۸. موزهٔ تاریخی آرتساخ در خان کندی (قره‌باغ)؛

۹. موزهٔ تاریخی قوبا.

د) محل استقرار مراکز سیاسی:

۱. نهاد ریاست جمهوری در باکو؛

۲. دفتر نخست‌وزیری و ساختمان وزارت‌خانه‌ها در باکو؛

۳. ساختمان مجلس ملی آذربایجان در باکو؛

٤. سفارتخانه‌های کشورهای خارجی و نمایندگی سازمان‌های بین‌المللی در باکو؛

۵. ساختمان دولت جمهوری خودمختار نخجوان در شهر نخجوان؛

٦. ساختمان مجلس جمهوری خودمختار نخجوان در شهر نخجوان؛

۷. کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در شهر نخجوان که در سال ۱۹۹٤ افتتاح شده است؛

۸. کنسولگری جمهوری ترکیه در شهر نخجوان.

و) محل استقرار مراکز مذهبی:

۱. مسجد جامع تازه پیر در باکو؛ این مسجد که در سال ۱۹۱٤ ساخته شده متعلق به اهل تشیع است و در حال حاضر، بیش از ٤٦ مسجد در سراسر کشور زیرنظر این مسجد اداره می‌شود.

۲. مسجد اژدربیگ در باکو، این مسجد متعلق به اهل تسنن است.

۳. مسجد جمعه در باکو که در قرن بیستم بنا شده است. این مسجد در زمان حکومت شوروی تبدیل به موزه فرش شده بود که بعد از استقلال جمهوری آذربایجان، دوباره کاربرد عبادی پیدا کرد.

٤. مسجد شاه عباس در گنجه که در قرن ۱۷ م. بنا شده است.

۵. مقبرهٔ امامزاده باقربن ابراهیم ـ که در قرن هشتم میلادی می‌زیسته است ـ این مقبره در قرن ۱۹ م. بازسازی شده است.

٦. مسجد و مدرسهٔ بی‌قباد در باکو که در قرن ١٤ م. بنا شده است. در محوطهٔ این مسجد مقبرهٔ سید یحیی باکویی از منجمان معروف، قرار دارد.

۷. مسجد شاخهٔ طوبی در شهر مارداکیانی که در قرن ۱۵ م. احداث شده است.

۸. مسجد جامع شهر نارادان که همسر امام هفتم شیعیان، رحیمه خانم، آن را احداث کرده است. گفتنی است مردم نارادان بسیار مذهبی هستند و زنان پوشش اسلامی را هم‌چون ایرانیان رعایت می‌کنند.

۹. مسجد آغا در شهر نارادان؛

۱۰. مسجد جمعه قوبا که در قرن ۱۹ م. ساخته شده است.

۱۱. مسجد سکینه خانم در قوبا؛

۱۲. مسجد اردبیل در قوبا؛

۱۳. مسجد ورخیا در شوشا؛

١٤. مسجد جمعه در شماخی که در قرن ۱۰ م. ساخته شده است.

۱۵. مقبرهٔ شیخ حسین در قاضی ممد که در قرن ۱۳ م. بنا شده است.

١٦. مقبرهٔ مؤمنه خاتون در نخجوان متعلق به قرن ۱۲ م؛

۱۷. مقبرهٔ یوسف کوشیر در نخجوان؛

۱۸. کلیسای ارامنه در گنجه متعلق به قرن ۱۹ م؛

۱۹. کلیسای شهر زاگاتالا.

ه) محل استقرار مراکز علمی:

۱. دانشگاه آمریکایی در باکو؛

۲. دانشگاه اسلامی باکو (دانشگاه امام حسین) بنا شده در سال ۱۹۹۸؛

۳. دانشگاه آسیا در باکو؛

٤. دانشگاه دولتی باکو (محمد امین رسول‌زاده) بنا شده در سال ۱۹۱۹ ـ با ١٤ دانشکده و یازده هزار نفر دانشجو؛

۵. دانشگاه قفقاز در باکو؛

٦. دانشگاه مهندسی عمران آذربایجان در باکو؛

۷. دانشگاه بین‌المللی آذربایجان در باکو؛

۸. دانشگاه پزشکی آذربایجان (نریمان نریمانُف)؛

۹. دانشگاه دولتی فرهنگ و هنر آذربایجان (علی بیگ حسین‌زاده) در باکو؛

۱۰. دانشگاه خزر در باکو؛

۱۱. دانشگاه دولتی اقتصاد در باکو؛

۱۲. دانشگاه تفکر در باکو؛

۱۳. دانشگاه غرب در باکو؛

١٤. دانشگاه بین‌المللی باکو؛

۱۵. دانشگاه بین‌المللی یوزداغ در باکو؛

١٦. آکادمی موسیقی اوزه ییرحاجی بیگ اُف در باکو؛

۱۷. مؤسسهٔ تعاون در باکو؛

۱۸. مؤسسهٔ دولتی کشاورزی در گنجه؛

۱۹. دانشکدهٔ عالی دیپلماسی در باکو؛

۲۰. مؤسسهٔ علوم تربیتی زنان در باکو؛

۲۱. دانشکدهٔ دولتی هنر آذربایجان در باکو؛

۲۲. مؤسسهٔ بین‌المللی تجارت در باکو؛

۲۳. مدرسهٔ پزشکی در نخجوان؛

۲٤. مؤسسهٔ دولتی زبان‌های خارجی آذربایجان در باکو؛

۲۵. مدرسهٔ پزشکی قربانف در گنجه؛

۲٦. دانشگاه دولتی نخجوان شامل دانشکدهٔ کشاورزی و سایر رشته‌ها از جمله الهیات، معارف اسلامی، زبان و ادبیات فارسی، با دو هزار نفر دانشجو در نخجوان؛

۲۷. مؤسسهٔ نفت و شیمی در باکو ـ تأسیس ۱۹۲۰ با ۱۵ هزار نفر دانشجو؛

۲۸. مؤسسهٔ پلی‌تکنیک در باکو ـ تأسیس ۱۹۵۰.

ی) محل استقرار مراکز تکنولوژیک:

۱. آکادمی علوم آذربایجان در شهر مارداکیانی (شبه جزیرهٔ آبشارون) که در سال ۱۹٤۵ تأسیس شده و دارای ۳۰ مؤسسهٔ تحقیقاتی با بیش از ٤۲۹٦ پژوهشگر است. این مرکز تحقیقاتی و تکنولوژیک، علاوه‌بر امور پژوهشی وظیفه هماهنگی و هدایت سایر مراکز تحقیقاتی را نیز به عهده دارد. از مؤسسات تحقیقاتی مهم این آکادمی می‌توان به مؤسسه‌های سایبرنتیک (شاخه‌ای از الکترونیک)، فیزیک، تکنولوژی شیمیایی، فرآیندهای پتروشیمی و ژنتیک اشاره کرد.

۲. مرکز تحقیقات تکنولوژیک شیمی غیرآلی و فیزیک و شیمی؛

۳. مؤسسهٔ زمین‌شناسی آذربایجان؛

٤. آزمایشگاه معدن و متالوژی؛

۵. دفتر تحقیق منابع معدنی مخصوص؛

٦. مؤسسهٔ تحقیقات پیشگیری‌های پزشکی؛

براساس موارد ذکر شده، اولویت‌بندی مناطق مختلف بدین صورت است: ۱. آبشارون (شامل باکو و شهرهای اطراف) ۲. نخجوان ۳. گنجه ٤. مینگه چویر.

٤ـ٧) تقسیمات کشوری و تعداد آن

از نظر تقسیمات کشوری جمهوری آذربایجان دارای ٥٩ رایون (منطقه)، ١١ شهر و یک جمهوری خودمختار (برونبوم نخجوان) است.[١٦٠]

یازده شهر یادشده، شامل شهرهای بزرگ و اصلی هستند. رایون‌ها از چند شهر کوچک و روستاهای تابعهٔ آن، نیز یک نقطهٔ شهری تشکیل شده‌اند که مرکز رایون محسوب می‌شود.

رایون‌ها به اسم مراکزشان نامگذاری شده‌اند؛ اسامی شهرها و مراکز رایون‌ها به شرح زیر است.[١٦١]

اسامی شهرها: ١. باکو، ٢. گنجه، ٣. سومقایت، ٤. مینگه چویر، ٥. علی بایراملی، ٦. یولاخ، ٧. شوشا، ٨ لنکران، ٩. نفت آلان، ١٠. شکی، ١١. خان کندی.

اسامی رایون‌ها (مراکز رایون‌ها):

١. آبشارون (مرکز این رایون شهر باکو است)
٢. آغجا بدی
٣. آغدام
٤. اسمائیللی
٥. آغداش
٦. آغستافا (Ağistafa)
٧. آغسو (Ağsu)
٨. آستارا (Astara)
٩. علی بایراملی
١٠. بالاکن (Balakan)
١١. باردا [بردع]
١٢. بیله قان (Bil∂qan)
١٣. بیله سوار
١٤. جبرائیللی (C∂braylli)
١٥. جلیل آباد
١٦. داش‌کسن (Daşk∂s∂n)
١٧. دوه‌چی
١٨. فضولی (Fizuli)
١٩. گده‌بی (G∂d∂b∂i)
٢٠. گنجه
٢١. گوران بوی (Goranboi)
٢٢. گؤی چای (Hacigabul)

۲۳.حاجی گابول

۲٤. ایمیشلی (Imişli)

۲٥. کلبه جر

۲٦. کوردامیر

۲۷. لاچین (Laçin)

۲۸. لنکران

۲۹. لریک (Lerik)

۳۰. ماساللی (Masalli)

۳۱. نفت چالا (N∂ftçala)

۳۲. اوغوز (Oğuz)

۳۳. گه به له (G∂b∂l∂)

۳٤. قاخ (Qax)

۳٥. قازاخ

۳٦. قوبوستان (Qobustan)

۳۷. قوبا

۳۸. قبادلی (Qubadli)

۳۹. قوسار (Qusar)

٤۰. ساعاتلی (Saatli)

٤۱. صابیر آباد

٤۲. شکی

٤۳. سالیان

٤٤. شماخی

٤٥. سیازان

٤٦. شوشا

٤۷. ترتر

٤۸. تووز

٤۹. اوجار (ucar)

٥۰. خوجالی (Xocali)

٥۱. خوجاوند (Xocav∂d)

٥۲. یاردیملی (Yardimli)

٥۳. یولاخ

٥٤. زنگیلان (Z∂ngilan)

٥٥. زاگاتالا

٥٦. خاچماز

٥۷. خان‌کندی

٥۸. خانلار (Xanlar)

٥۹. زرداب (Z∂rdab)

فصل هشتم

بررسی آسیب‌پذیری و مشکلات سرزمینی کشور

۱ـ ۸) در عرصهٔ منابع طبیعی

در زمینهٔ منابع طبیعی این کشور از نظر منابع نفت و گاز دارای مزیت ویژه‌ای بوده و از این ناحیه فاقد آسیب‌پذیری است؛ اما در زمینهٔ دیگر منابع انرژی به ویژه برق با مشکلات عدیده‌ای مواجه است.

پایین بودن تولید برق، کاهش ۳۰ درصدی بعد از سال‌های استقلال، نیز فرسودگی و خرابی اکثر تجهیزات و خطوط انتقال برق، از مهم‌ترین مشکلات در این خصوص هستند.[۱۶۲] بر این اساس، این کشور همواره بر آن بوده از کشورهای همسایه، ایران و ترکیه، در این زمینه کمک بگیرد؛ به گونه‌ای که برق جمهوری نخجوان طی سال‌های اخیر اغلب از طریق این دو همسایه تأمین شده است. در حال حاضر، برق این کشور متکی به برق حرارتی است[۱۶۳] که از

سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود. در وضعیت فعلی، این امر یک امتیاز است؛ زیرا این کشور تا چند سال آینده از نظر سوخت‌های فسیلی مشکلی ندارد و با توجه به سرمایه‌گذاری‌های اخیر، این سوخت‌ها با صرفه‌ترین و در دسترس‌ترین منابع برای تولید برق محسوب می‌شود. با این همه، اگر شبکهٔ برق کشور متکی به برق هیدرولیک (ایستگاه‌های برقابی) بود با توجه به نبود مزیت نسبی کشور در زمینهٔ منابع آب و نوسان حجم آب در سال‌های مختلف، آسیب‌های جدی‌تری به این شبکه وارد می‌آمد.

آب از دیگر منابع طبیعی این کشور است که کمبود آن این جمهوری را با آسیب مواجه می‌سازد. به ویژه این که دو منبع اصلی ورود آب‌های سطحی به داخل کشور (رودخانه‌های کورا و ارس) از حوزه‌های خارجی سرچشمه می‌گیرند. در صورتی که کشورهای همسایه، محدودیتی در دبی ورودی این رودها به خاک آذربایجان (از جمله احداث سد و کانال‌های انشعابی) ایجاد کنند، منابع آبی آذربایجان به شدت با خطر مواجه خواهد شد.

جنگل‌ها و معادن نیز، هرچند وضعیت چندان مناسبی ندارند؛ اما آسیب جدی برای این کشور محسوب نمی‌شوند.

۲ـ ۸) در عرصهٔ آمایش سرزمین

آمایش سرزمین (Land use planning) را، تنظیم رابطهٔ بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسان در سرزمین به منظور بهره‌برداری درخور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین برای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع در طول زمان[۱۶۴] تعریف کرده‌اند. در طرح‌های آمایش سرزمین محوری‌ترین شاخص (پارامتر) محیط زیست و توان اکولوژیکی آن است که باید در تمام برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات صورت گرفته به منظور توسعه، مطمح نظر واقع شود تا به توسعهٔ مطلوب که همانا توسعهٔ پایدار و درخور (Sustainable Development) است، نایل آمد.

هرچند منبعی از برنامه‌های عمرانی کشور آذربایجان ـ مربوط به سال‌های گذشته ـ در دست نیست؛ ولی با درنظر گرفتن وضعیت توسعهٔ مناطق مختلف می‌توان طرح‌های یادشده را ارزیابی کرد. به طور کلی برای ارائهٔ طرح‌های آمایش سرزمین و انجام اقدامات اجرایی در راستای توسعهٔ پایدار و درخور ارزیابی توان اکولوژیکی محیط زیست ضروری‌ترین اقدام است، در این زمینه شاخص‌های (پارامترهای) مهم در منابع اکولوژیکی به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱ـ منابع فیزیکی مشتمل‌بر اقلیم، هیدرولوژی (منابع آب)، توپوگرافی (شکل زمین)، زمین‌شناسی و خاک‌شناسی.

۲ـ منابع زیستی مشتمل‌بر رستنی‌ها (شامل جنگل‌ها، مراتع و گیاهان مختلف) و جانوران (شامل حیوانات، پرندگان، آبزیان و نظایر آن).[۱۶۵] در حال حاضر، کشور آذربایجان از منابع آبی موجود با استفاده از کانال‌های احداث شده در دشت‌ها و مخازن ذخیرهٔ آب، استفادهٔ نسبتاً مناسبی در زمینهٔ کشاورزی و تأمین انرژی به عمل می‌آورد. در زمینهٔ تأمین بقیهٔ نیازمندی‌های انرژی کشور، با توجه به دسترسی آسان و هزینهٔ پایین سوخت‌های فسیلی در این کشور، احداث نیروگاه‌های حرارتی و تولید بخش اعظم برق موردنیاز کشور از این راه، هم‌چنین اکتشاف، استخراج و تولید نفت و گاز و فرآورده‌های مرتبط با آن، نشان می‌دهد که هرچند در نظام کمونیستی برنامه‌ریزی‌های انجام شده، منطبق‌بر طرح‌های آمایش سرزمین نبوده، ولی روند اصولی و نسبتاً منطقی را طی کرده است. اما آن‌چه از نظر آمایش سرزمین در کشور آذربایجان آسیب‌پذیری محسوب می‌شود، استفاده بی‌رویه از برخی منابع مانند ذخایر آبزیان دریای خزر و شیوع قاچاق خاویار ـ که با صید بی‌رویه ماهیان غضروفی (خاویاری) همراه است ـ و بی‌توجهی به مسائل زیست محیطی در فعالیت‌های مربوط به استخراج و صدور نفت و کشاورزی است که آیندهٔ اکولوژیکی دریای خزر را به شدت تهدید می‌کند. ورود پساب‌های صنعتی، آب توازن کشتی‌ها، فعالیت‌های

مربوط به نفت (لرزه‌نگاری، حفاری، استخراج، احداث لوله، انتقال از طریق لوله‌کشی و ...) از عوامل اصلی آلودگی در این زمینه است. در عرصهٔ خشکی نیز خاک کشور به علت استفادهٔ نادرست از سموم دفع آفات، آلوده است؛ هم‌چنین مکان‌های تخلیهٔ زباله و شیوهٔ نابودسازی آن استاندارد نبوده، در نتیجه، سموم ناشی از آن، علاوه‌بر خشکی به رودخانه‌ها و دریا نیز راه می‌یابد و حیات آبزیان را به خطر می‌اندازد.[۱۶۶] لرزه‌خیزی در مناطق کوهستانی به ویژه در سلسله جبال شمال کشور، بالا آمدن سطح آب دریای خزر و تهدید ابنیه و تأسیسات ساحلی، از دیگر آسیب‌های طبیعی است که این کشور با آن مواجه است.[۱۶۷] افزون بر این‌ها از آنجا که بیش از نصف مساحت کشور کوهستانی است و نیز وجود اقلیم‌های خاص باعث شده تا فرسایش (آبی و بادی) پدیده‌ای رایج در این سرزمین باشد. طی ۵۰ سال گذشته نزدیک به ۱۵ درصد از اراضی کشور در معرض فرسایش قرار گرفته‌اند. هر چند این میزان از ۵۰ سال زیاد نیست ولی محدودیت زمین‌های کشاورزی در کشور آسیب‌پذیری سرزمینی را در این خصوص دوچندان می‌کند. البته مسئولان این کشور اهتمام خاص در زمینه مبارزه با فرسایش دارند و روش‌های مطلوب در این خصوص به کار گرفته می‌شود. و کارشناسان و متخصصین کشور روش‌های مختلف «اگروتکنیکی» و «اگروشیمیایی» را برای این منظور آزمایش کرده و روش‌های مطلوب را توصیه کرده‌اند که اجرا نیز می‌گردند.

۳ـ ۸) در عرصهٔ جابه‌جایی و نقل مکان‌های درون کشوری

در عرصهٔ جا به جایی و حمل و نقل داخلی، مطابق آن‌چه در بندهای قبل بیان شد، دسترسی سهل و روانی بین مراکز مهم سیاسی، اقتصادی وجود دارد؛ اما دوری پایتخت از برخی مرزها و دسترسی نداشتن به مناطق کوهستانی، هم‌چنین نبود ارتباط مستقیم با برونبوم نخجوان، از موارد آسیب‌پذیری کشور در این عرصه به شمار می‌رود.

پی‌نوشت‌های بخش سرزمینی

1. AZƏRBAYCAN RESPOBLIKASI ÜMUMCOĞRAFI MƏLUMAT XƏRİTƏSİ
2. Britannica Encyclopedia, 2002, Azerbaijan, The land
3. Encarta EnaycIopedia, 2001, Azerbaijan, Land and Resources.
4. http://www.Eurasianet.org/resource/azerbaijan/index.shtml
5. Azərbaycan Respublikasi Ümumcoğrafi Mə'lumat Xəritəsi
6. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book/geos/aj.html
7. Ibid

۸. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۶، ص ۱۴۹

9. http://www.city.population.ce/country.html
10. Britannica/Encyclopedia/Azerbaijan
11. Ibid
12. http://www.president.az/azerbaijan/a21.htm
13. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book/geos/aj.html
14. Britannica Encyclopedia 1994-2002, Azerbaijan, The Economy, Transportation
15. Encarta Encyclopedia 1993-2000, Azerbaijan, IV Economy.
16. Britannica Encyclopedia 1994-2002, Azerbaijan, The people
17. Ibid
18. Encatra Encyclopedia 1993-2000, Azerbaijan, Introduction
19. Ibid

-Britannica Encyclopedia 1994-2002, Azerbaijan, the Economy, Economic Regions.
-http://www.Eurasianet.org/resource/Azerbaijan/index.shtml
-http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
20. Azarbaycan Respublikasi ümumcoğrafi Məlumat Xərit∂si
21. Ibid
22. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan, Introduction
23. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, The Economy, Economic Regions;
- http://www.Eurasianet.org/resource/azerbaijan/index.shtml
24. http://www.Eurasianet.org/resource/azerbaijan/index.shtml
۲۵. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، سازمان گیتاشناسی ص ۱٤۸
26. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan, Land and Resources
27. http://www.Azerb.com/ethnic minorities
۲۸. گلی‌زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۷
۲۹. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ۱۹۹۳، ص ۸
۳۰. همشهری، تاریخ ۸۱/۲/۳۱ به نقل از مجله دی‌سایت
۳۱. وارلیق، سال بیستم، شماره ۲، ص ۱۰۹، شماره ۳، صص ۸۰ تا ۸۲
32. http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/aj/html#people
۳۳. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ۱۹۹۳، ص ۱۰
۳٤. پول، شماره ۳۷، اسفند ۷۲، ص ۱۵
۳۵. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳، زمستان ۷۲، ص ۳۵۵
۳٦. منبع پیشین، ص ۳٦۹
۳۷. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده، ۱۳۷۳، صص ۵۹ ــ ۷٦ و مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، بهار ۱۳۷۳، ص ٤۸۵
38. http://www.Eurasianet.org/resource/azerbaijan/index.shtml
ـ راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، سازمان گیتاشناسی، ص ۱۳۹
39. Azarbaycan Respublikasi Ümumçoğrafi M'əlumat Xəritasi
40. http://www.cia.gov/cia/publicationS/factbook/geos/aj.html#people
٤۱. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷٤، ص ۱٤۹
42. Milli Kültür, Say184, Ağustos (1991.S.36-37)
ـ مجله فرهنگ ملی [وزارت فرهنگ ترکیه]، شماره ۸۷ ، اوت ۱۹۹۱، صص ۳۷ـ ۳٦

٤٣. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷٤، ص ۱۵۰

٤٤. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، سال ۱۳۷۲، ص۸۵

45. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan, Recent developments
46. Ibid, pp.302-303
47. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
48. Britannica Encyclopedia, the land
49. Encarta Encylopedia, Azerbaijan, The People of Azerbaijan
50. http://www/cia/gov/cia/publications/fact book/geos/aj.html
51. Azarbaycan Respublikasi ümuwmcoğrafi Mə'lumat Xəritəsi
52. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book/geos/aj.html
53. http://www.Icweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
54. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, Economic Regions
55. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan, the land
56. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book/geos/aj.html
57. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/aztoc.html
58. http://www.Eurasianet.org/resource/azerbaijan/index.shtml
59. Ibid
60. http://www.country watch.com
61. azarbaycan respublikasi Ümumcoqrafİ mə'lumat xərəsi, bakl, 1992

٦۲. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ص ۳

٦۳. منبع پیشین، همان صفحه

64. http://www.Icweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
65. http://www.Eurasianet.org/resource/azerbaijan/index.shtml
66. Microsoft Encarta World Atlas 1998 Edition
67. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
68. Ibid
69. Ibid
70. http://www.Eurasianet.org/resource/Azerbaijan/index.shtml
    http://www.lcweb2.loc.gov/ frd/cs/ aztoc.html

ـ اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ص ۳

71. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, Encarta Encyclopedia, Azerbaijan.
72. Encarta, World Atlas, Azerbaijan, 1998 Edition
73. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, The people
74. http://www.Eurasianet.org/resource/Azerbaijan/index.shtml

۷۵. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ص ۱۳۹

۷٦. منبع پیشین

77. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan people.

78. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, The people.

۷۹. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ص ۱۳۹

80. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, The People
81. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, The People
82. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan, The People of Azerbaijan
83. Azerbaijan, From Crisis to Sustained Growth, Washington, 1993, p.159.

۸٤. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷٤،ص ۱۳۹

85. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book
86. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan
87. Ibid

۸۸. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷٤، ص ۱۳۹

۸۹. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ص ٤

90. Azerbaijan From Crisis Sustained Growth, Washington, 1993, p.159
- http://www.Azerb.com/Education
- http://www.president.az/Azerbaijan/a213.html
91. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book/goes/aj.html
- http://www.country watch.com/Azerbaijan
92. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan
93. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html

۹٤. آکین ار، شیرین، ص ۱٤٥

95. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan
96. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book
- http://www.country watch.com

۹۷. محمد اف، نوروز، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۸

۹۸. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ٤، ۱۳۷۳، ص ۳۰۳

۹۹. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده، ۱۳۷۳، صص ۷۷ و ۷۹

۱۰۰. منبع پیشین، ص ٥۳

۱۰۱. منبع پیشین، ص ۱۷

۱۰۲. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۷۳، ص ۳٦٦

۱۰۳. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده، ۱۳۷۳، ص ٤۸۱

104. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html

۱۰٥. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷٤، ص ۱۳۹

۱۰۶. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ۱۹۹۳، ص ۱۸

107. http://www.Eurasianet.org/resource/Azerbaijan/index.shtml
108. The Europe Word Year Book, 1993, p.443
109. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan The People of Azerbaijan
110. http://www.cia.gov/cia/publications/fact book/goes/aj/html

۱۱۱. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ۱۹۹۳، ص ۲

112. http://www.Azerb.com/ The Azeri Economy
113. The EIU Country Profile 1992-1993, pp.1,9

۱۱۴. اولوف لوو، اوسون، آذربایجان، ۱۹۹۳، ص ۱۶

۱۱۵. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷۴، ص ۱۳۹

116. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
117. http://www.Azerb.com/ The Azeri Economy
118. http://www.cia.gov/cia/publication/fact book/geos/aj.html

۱۱۹. قشقاوی عضو گروه دوستی پارلمان ایران و آذربایجان، مصاحبه با شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران، تاریخ ۸۱/۲/۳۰، برنامه ساعت ۲۲:۳۰

۱۲۰. بیگدلی، سفیر وقت ایران در جمهوری آذربایجان، سخنرانی اولین میزگرد مشترک ایران و جمهوری آذربایجان، اردیبهشت ۱۳۷۸

۱۲۱. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۷۸، صص ۱۴۷_۱۴۶

۱۲۲. منبع پیشین، ص ۱۵۰

۱۲۳. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده، ۱۳۷۳، ص ۷۹

124. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, People
125. Ibid
126. Microsoft Encarta World Atlas Edition 1998
127. Ibid

۱۲۸. اولوف لوو، اولسون، آذربایجان، ۱۹۹۳، ص ۱۸

۱۲۹. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳، ۱۳۷۲، ص ۸۶

۱۳۰. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده، ۱۳۷۳

131. Britanicca Encyclopedia, Azerbaijan, Resources
132. http://www.president.Azerbaijan, az9.html
133. Ibid

۱۳۴. راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ص ۱۴۴

۱۳۵. مجله مطالعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۱۸

۱۳۶. بریتیش پترولیوم (BP)، گزارش آماری درباره انرژی دنیا، ۱۹۹۸، صص ٤ و ۲۰

۱۳۷. گزارش اداره اطلاعات انرژی منطقه دریای خزر ـ واشنگتن، ۱۹۹۸، ص ۱۹

138. http://www.Encyclopedia.com/Azerbaijan
139. Encarta Encyclopedia Azerbaijan, Economy
140. Britanicca Encyclopedia, Azerbaijan, Resources

۱٤۱. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷

142. http://lcweb2.loc-gov/frd/cs/a2toc.html
143. Ibid
144. Ibid

۱٤۵. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شمارهٔ ۲٦، ص ۷۹

146. http://www.caspian.pdf

۱٤۷. مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شمارهٔ ۲٦، ص ۸۰

148. The Europe World Year book, 1993, p.443
149. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
150. http://www.country wath.com/Azerbaijan
151. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan, Economy
152. http://www.Eurasianet.org/resource/Azerbaijan/index.shtml
153. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, Economic Regions
154. Ibid
155. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
156. The Europe World Year book, 1993, p.443

۱۵۷. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده، ۱۳۷۳

158. http://www.lcweb2.loc.gov/frd/cs/a2toc.html
- Europe Regional Survey, 1997
- Britannica Encyclopedia, Azerbaijan, Education
- http://www.Eurasianet.org/resource/Azerbaijan/index.shtml
- http://www.Azerb.com/Religion in Azerbaijan

ـ راهنمای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷۳، ص ۱٤۷

ـ مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ٤، ۱۳۷۲، صص ۸۷ ، ٤۸۵، ٤۹۳ و ۵۰٤

159. http://www.country watch.com/Azerbaijan
- http://www.cia.gov/cia/publication/fact book/goes/aj/html
- http://www.Encyclopedia.com/Azerbaijan
160. Ibid
161. Britannica Encyclopedia, Azerbaijan
162. Ibid

۱۶۳. مخدوم، مجید، شالوده آمایش سرزمین، ۱۳۷۸، ص ۱٦

۱٦٤. منبع پیشین، صص ۳۵-۳۷

165. French. H. East European and Soviet Environments, 1991
166. Britannica Ecyclopedia, Azerbaijan
167. Ibid

بخش دوم

سیاسی

فصل نهم

بررسی ساختار و ماهیت نظام سیاسی

۱ـ۹) بررسی هرم سیاسی کشور آذربایجان

قوای اصلی نظام سیاسی کشور آذربایجان قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه هستند که تقسیم‌بندی فرعی، ساختار و سلسله مراتب هر یک به شرح زیر است:

الف) قوه مجریه: بالاترین مقام کشور یعنی رئیس‌جمهور در راس این قوه قرار دارد. بعد از وی نخست‌وزیر قرار دارد که هیأت وزیران و روسای برخی سازمان‌های مستقل را هدایت می‌کند.[۱] نخست‌وزیر دارای ٤ معاون است که یکی از آنها معاون اول به شمار می‌آید. در مجموعه قوه مجریه، ۱۸ وزارتخانه وجود دارد که توسط وزرا اداره می‌شوند. همچنین شرکت نفت دولتی و بانک مرکزی به‌صورت مستقل اداره می‌شوند. اسامی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مستقل قوه مجریه به همراه نام وزیر و رئیس مربوطه به این شرح است:[۲]

۱. وزارت کشاورزی و خواروبار ـ ارشاد علی‌اف

۲. وزارت ارتباطات ـ نادر احمداف
۳. وزارت فرهنگ ـ پولاد بلبل‌اوغلو
٤. وزارت دفاع ـ صفر آبی‌اف
٥. وزارت اقتصاد ـ نامیق نصرالله‌اف
٦. وزارت آموزش ـ میصیر مردانف
۷. وزارت بودجه و دارایی ـ فکرت یوسف‌اف
۸. وزارت امورخارجه ـ ولایت قلی‌اف
۹. وزارت بهداشت ـ علی انسانف
۱۰. وزارت کشور ـ امیل اوسوبف
۱۱. وزارت دادگستری ـ فکرت محمداف
۱۲. وزارت کار و تامین اجتماعی ـ علی نقی‌اف
۱۳. وزارت امنیت ملی ـ نامیق عباس‌اف
١٤. وزارت مطبوعات و اطلاع‌رسانی ـ سیروس تبریزلی
١٥. وزارت املاک
١٦. وزارت مالیات ـ فضایل محمداف
۱۷. وزارت بازرگانی ـ صابر بایرام‌اف
۱۸. وزارت جوانان، ورزش و توریسم ـ ابوالفضل قارایف
۱۹. شرکت نفت دولتی آذربایجان
۲۰. بانک مرکزی آذربایجان

در حال حاضر الهام علی‌اف، پسر رئیس‌جمهور سمت نخست‌وزیری را دارد و آرتور راسی‌زاده ـ نخست وزیر قبلی ـ معاون اول وی است. این تغییرات در ماه جولای سال ۲۰۰۳ به‌دنبال وخیم شدن وضعیت جسمانی حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان صورت گرفت.

نهاد ریاست جمهوری در آذربایجان دارای ادارات زیر است:

- اداره خدمات اسناد و مدارک محرمانه دولتی
- اداره تشریفات
- دبیرخانه
- اداره بررسی و تحقیقات
- اداره حقوقی دولتی
- دفتر خدمات مطبوعاتی
- اداره عفو زندانیان
- اداره مسائل حقوقی و قانونی
- اداره مسائل اجتماعی
- اداره کنترل اراضی کشور
- اداره کنترل دولتی
- اداره امور عمومی
- اداره پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌ها
- اداره امور نظامی
- اداره سیاست خارجی
- اداره امنیت ملی
- اداره امور اقتصادی
- اداره امور مالی
- اداره سرمایه‌گذاری و عمران
- اداره امور رئیس جمهور

علاوه بر این نهادها، رئیس جمهور دارای یک گروه مشاوران متشکل از ۸ نفر است که فواد آخونداف، نظام‌الدین قلی‌اف، نامق فرج‌اف، توفیق ولی‌اف، لقمان رشیدزاده، واحد عزیزاف، آذر لطفعلی‌زاده و شهلا ابراهیموا اعضای این گروه به‌شمار می‌آیند.

دفتر نخست وزیر نیز دارای بخش‌های زیر است:

۱. معاونین اول، حمل و نقل و نفت، صنایع، فرهنگی و امور پناهندگان

۲. ادارات مختلف که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

ـ اداره تشکیلات

ـ اداره سیاست‌های اعتباری

ـ اداره کشاورزی

ـ اداره بازرگانی

ـ اداره امنیت و امور نظامی

ـ اداره پتروشیمی

ـ اداره صنایع

ـ اداره بهزیستی

ـ اداره فرهنگ و آموزش

ـ اداره روابط بین‌الملل

ـ اداره نشریات

ـ سرویس مطبوعاتی

ـ اداره امور مذهبی

ـ کتابخانه

ـ انستیتوی ملی اقتصاد

ب) قوه مقننه: این قوه شامل نمایندگان مجلس ملی آذربایجان است که یکصد نفر از آنها با رای مستقیم مردم مناطق مختلف انتخاب و ۲۵ نفر باقیمانده با رای الکترال[1] انتخاب می‌شوند.

---

۱. رأی الکترال (ELECTORAL)، رأیی است که پس از انتخاب نمایندگان از احزاب مختلف و افراد مستقل، بر اساس درصدی که نمایندگان یک حزب نسبت به تعداد کل نمایندگان به خود اختصاص می‌دهند، سهمی برای آن حزب در رأی الکترال در نظر گرفته می‌شود که حزب مربوطه بر این اساس نماینده مورد نظر خود را به مجلس می‌فرستد.

بالاترین مقام این قوه رئیس مجلس ملی است که در حال حاضر «مرتضی علی عسگراف» از حزب آذربایجان نوین این سمت را بر عهده دارد. [۳]

مجلس ملی آذربایجان دارای شعبات و ادارات متعددی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- شعبه امور اداری
- شعبه اعتبار مالی و نرخ‌گذاری
- شعبه کشاورزی
- شعبه خدمات
- شعبه بازرگانی
- اداره امنیت و امور نظامی
- کمیته امور اسرای جنگی

کمیسیون‌های دائمی مجلس نیز بدین قرار است:

- کمیسیون انرژی و مواد خام
- کمیسیون خودمختاری محلی
- کمیسیون روابط بین‌الملل و روابط پارلمانی
- کمیسیون کشاورزی
- کمیسیون حقوق بشر
- کمیسیون سیاست‌گذاری اقتصادی
- کمیسیون علمی، آموزش و فرهنگ
- کمیسیون حقوق سیاسی
- کمیسیون عمران
- کمیسیون سیاست‌های اجتماعی
- کمیسیون بودجه

در برون‌بوم[1] جمهوری خودمختار نخجوان، نیز مجلس عالی نخجوان مرکب از ٤٥ نماینده که به مدت ٥ سال از طرف مردم انتخاب می‌شوند، در چارچوب قوانین و سیاست‌های کلی کشور فعالیت می‌کند.

ج) قوه قضائیه: قوه قضائیه در جمهوری آذربایجان شامل ۳ نهاد قضایی است:

- دادگاه قانون اسامی
- دیوان عالی کشور
- دادگاه اقتصاد [٤]

دادگاه قانون اساسی به امور کلی و کلان کشور و مسائل قانونی می‌پردازد. دیوان عالی کشور نیز مسئولیت سازماندهی و اداره دادگاه‌های عمومی و نیز دادستانی کل را بر عهده دارد. شعبات دادگاه‌ها و نیز شعبات دادستانی در مناطق نیز وجود دارد. دادگاه اقتصاد نیز در حوزه مسائل اقتصادی فعالیت می‌کند.

۲ـ۹) سلسله مراتب ارتباط قوای اصلی

ازنظر قانون اساسی قوای سه‌گانه مستقل و در کنار هم هستند ولی این استقلال برخی مواقع نقض می‌شود.

علی‌رغم این‌که موضوع استقلال قوه قضائیه در اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری آذربایجان به صراحت آمده است و نیز در قانون دادگاه‌ها و قضات به تصویب رسیده و در ماه ژوئن سال ۱۹۹۷ بر آن تاکید شده است ولی سیستم قضایی این کشور در مقیاس وسیعی زیر نفوذ قوه مجریه است. دادگاه قانون اساسی که مهم‌ترین نهاد قضایی کشور محسوب می‌شود و اختیارات وسیعی در چارچوب قانون اساسی دارد، در اکثر موارد نقض قوانین توسط قوه مجریه را نادیده

---

۱. در تئوری‌های روابط بین‌الملل، واژه «برون‌بوم» به بخشی از سرزمین یک کشور اطلاق می‌شود که از نظر مکانی کاملاً جدا از سرزمین اصلی است ولی از هر حیث تابع سرزمین اصلی محسوب می‌شود.

می‌گیرد و یا آن‌چنان‌که شایسته است از اختیارات قانونی خود بهره نمی‌گیرد. سایر نهادهای قوه قضائیه نیز وضعیتی مشابه دارند و سعی دارند خود را با قوه مجریه هماهنگ کنند.

رئیس‌جمهور آذربایجان دارای نظارت و کنترل ثابت و دائمی بر قوه قضائیه است. در ۲٤ نوامبر ۱۹۹۹ رئیس جمهور فرمانی صادر کرده است که بر اساس آن کمیته‌ای دولتی، مسئولیت انتخاب نامزدهای قضاوت را به عهده دارد. [٥]

۳ـ۹) پروسه تصمیم‌گیری‌های استراتژیک در سلسله مراتب قوای سه‌گانه[٦]

در زمینه اتخاذ تصمیمات راهبردی (استراتژیک) هر کدام از سه قوه اصلی کشور ایفای نقش می‌کنند. در این زمینه نقش قوای مجریه و مقننه پررنگ‌تر از قوه قضائیه است.

برخی از تصمیمات راهبردی مهم به همراه نقش هر یک از قوا در پی می‌آید.

۱. تعیین دکترین نظامی کشور: دراین زمینه قوه مجریه (رئیس جمهور) وظیفه تعیین دکترین نظامی را بر عهده دارد که پس از تصویب در مجلس ملی، مبنای عمل سیاست‌ها و برنامه‌های نظامی کشور می‌شود.

۲. تعیین حالت فوق‌العاده در کشور: این وظیفه به عهده رئیس جمهور است. در شرایطی که بلایای طبیعی، بیماری‌های واگیردار خطرناک و بحران‌های داخلی (که مخل امنیت ملی یا فعالیت عادی مقامات محلی باشد) به وقوع بپیوندد، رئیس جمهور باید ظرف ۲٤ ساعت حالت فوق‌العاده را به مجلس برای تأیید ارائه کند.

۳. اعلان جنگ و صلح: این مورد نیز از وظایف مهم رئیس جمهور است که پس از تصویب مجلس ملی الزام اجرایی پیدا می‌کند. گفتنی‌است‌که، برابر قانون اساسی اعلان جنگ توسط رئیس جمهور در شرایطی صورت می‌گیرد که بخشی از خاک کشور اشغال شده باشد، کشور خارجی علیه آذربایجان اعلان جنگ کرده باشد و یا خطر حمله نظامی از طرف کشوری خارجی قریب‌الوقوع باشد.

٤. عقد پیمان‌های استراتژیک نظامی: در زمینه عقد کلیه قراردادهای بین‌المللی و یا عقد

موافقت‌نامه با سایر کشورها به‌ویژه پیمان‌های نظامی، قوه مجریه وظیفه اصلی را به عهده دارد. این پیمان‌ها و قراردادها پس از تدوین باید به تأیید مجلس ملی برسد. علاوه بر این، قوه قضائیه (دیوان قانون اساسی) وظیفه دارد، مطابقت پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌های خارجی و بین‌المللی را با قانون اساسی بررسی کند تا در صورت مغایر بودن با قانون اساسی آذربایجان، این پیمان‌ها ملغی شوند.

٤ـ۹) رژیم سیاسی کشور

نوع رژیم سیاسی، ویژگی‌ها و شاخص‌های آن

رژیم سیاسی کشور آذربایجان، جمهوری است. این رژیم دموکراتیک بوده و دارای شاخصه‌های قانونمندی و سکولاریسم است.[۷] البته در عمل، جنبه‌های دموکراتیک رژیم سیاسی این کشور، بسیار کم‌رنگ‌تر از مواضع اعلامی است.

ماهیت رژیم سیاسی، ویژگی‌ها و شاخص‌های آن

رژیم سیاسی این کشور دارای ماهیت تفکیک قوا است که مطابق آن قوای اصلی قانونگذاری، اجرایی و قضائیه فعالیت می‌کنند.[۸] علی‌رغم این‌که در تمام منابع موجود، تفکیک قوای سه‌گانه در آذربایجان قید شده است ولی ماهیت واقعی رژیم سیاسی و ارتباط قوا در پاره‌ای از موارد متفاوت از وضعیت اعلام شده است. قوه مجریه که رئیس جمهور در صدر آن قرار دارد، عملا در وظایف قوای دیگر دخالت می‌کند. دستگاه مجریه گاهی اوقات به دلایل سیاسی حقوق مخالفان را تضییع می‌کند که نوعی دخالت در کار قوه قضائیه است. همچنین حزب متعلق به رئیس جمهور به دلیل داشتن اکثریت در مجلس ملی، پایگاه قوی و محکمی برای رئیس قوه مجریه به‌شمار می‌آید و این امر باعث شده، مجلس فاقد استقلال لازم در برابر قوه مجریه باشد.

طریقه اعمال حاکمیت توسط رژیم سیاسی

برابر قانون اساسی جمهوری آذربایجان هدف نهایی حاکمیت، تامین حقوق بشر محسوب می‌شود که شامل حقوق و آزادی‌های مدنی افراد است. این حقوق و آزادی‌ها باید در

چارچوب توافقات بین‌المللی باشد که آذربایجان در آنها مشارکت داشته است. علاوه بر این، قانون اساسی حاکمیت کشور را به‌صورت یکپارچه و غیر قابل تجزیه دانسته که این حاکمیت شامل آب‌های داخلی، دریای خزر (بخش مربوط به آذربایجان) و محدوده هوایی مربوط به آذربایجان می‌شود. این حاکمیت به هیچ عنوان قابل واگذاری نبوده و محدوده مرزهای کشور توسط مجلس ملی و بر اساس خواست توده مردم تعیین می‌شود.[۹]

علی‌رغم موارد متعددی که در قانون اساسی در زمینه حقوق بشر و نیز حقوق و آزادی‌های مدنی به صراحت آمده و تاکیداتی که در این قانون پیرامون ضرورت و الزام توافقات بین‌المللی آمده، در عمل حقوق و آزادی‌های مدنی برخی افراد (علی‌الخصوص رهبران احزاب مخالف) نادیده گرفته می‌شود. طی سال‌های اخیر طرفداران و وابستگان رهبران احزاب مخالف، بارها از طرف مقامات قضایی و امنیتی بازداشت شده‌اند که در این زمینه طرفداران و وابستگان رسول قلی‌اف، رهبر حزب مخالف دموکرات آذربایجان و رئیس مجلس سابق که در حال حاضر در آمریکا به سر می‌برد، بیش از همه مورد آزار و اذیت مقامات دولتی و طرفداران دولت قرار گرفته‌اند.[۱۰] از این رو علی‌رغم این‌که در قوانین (به‌ویژه قانون اساسی) طریقه اعمال حاکمیت مبتنی بر قانون اساسی و نیز توافقات بین‌المللی تعیین شده ولی درعمل طریقه اعمال حاکمیت کشور را می‌توان ملغمه‌ای از قوانین، فشار و تهدید و اتکا به شخصیت کاریزماتیک شخص رئیس جمهور به‌حساب آورد.[۱۱]

فصل دهم

نقش و جایگاه هر یک از قوا در اداره کشور [۱۲]

۱ـ۱۰) وظایف و اختیارات قوای اصلی

وظایف و اختیارات قوای اصلی آذربایجان مطابق با قانون اساسی به شرح زیر است:

الف) رئیس جمهور (قوه مجریه)

برابر اصل هشتم قانون اساسی آذربایجان، رئیس جمهور در راس دولت و حکومت است که مسئولیت سیاست داخلی و خارجی، اتحاد مردم کشور، تضمین استقلال، تمامیت ارضی، اطمینان از استقلال قضات و همچنین برابر اصل نهم قانون اساسی، فرماندهی اصلی نیروهای نظامی کشور را به عهده دارد. اصل ۱۰۹ قانون اساسی نیز قدرت و اختیارات رئیس جمهور را در موارد زیر بیان کرده است:

ـ پیشنهاد انتخابات به مجلس ملی

ـ ارائه بودجه کشور به مجلس ملی

- برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور
- انتخاب نخست وزیر
- تعیین اعضای کابینه دولت
- وظایف کابینه و دولت‌های محلی از جمله دولت نخجوان
- تعیین قضات دیوان قانون اساسی، دیوان عالی و دیوان اقتصاد
- تعیین مسئولان بانک مرکزی
- تعیین دکترین نظامی کشور
- تعیین فرمانده کل نیروهای مسلح
- تعیین مسئولان سفارتخانه‌های آذربایجان در کشورهای خارجی
- قبول استوارنامه سفرای خارجی
- قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌الدولی
- برگزاری رفراندوم
- وضع قوانین
- مسائل شهروندان
- بسیج عمومی و خدمت وظیفه
- تشکیل شورای امنیت کشور
- تعیین حالت فوق‌العاده
- اعلان جنگ و صلح

ب) نخست وزیر و کابینه وزرا (قوه مجریه)

وظایف و اختیارات نخست وزیر و کابینه وزرا برابر قانون اساسی به شرح زیر است:

برابر اصل ۱۱٤ اعضای کابینه عالی‌ترین افراد اجرایی رئیس جمهور هستند و دستور فعالیت‌های کابینه توسط رئیس جمهور تعیین می‌شود و اختیارات زیر برابر اصل ۱۱۹ متعلق به کابینه (نخست وزیر و وزرا) است:

- بودجه‌ریزی کشور
- کنترل اجرای بودجه مصوب
- سیاست‌های مالی، اعتباری و پولی کشور
- برنامه‌های اقتصادی
- برنامه‌های اجتماعی

ج) مجلس ملی (قوه مقننه)

اصل ۹٤ قانون اساسی وظایف کلی و عمومی مجلس ملی جمهوری آذربایجان را در موارد زیر تعیین کرده است:

۱. استفاده از حقوق و آزادی‌های انسانی و مدنی و تضمین برقراری این حقوق و آزادی‌ها
۲. انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان
۳. انتخابات مجلس ملی جمهوری آذربایجان
٤. برگزاری رفراندوم
۵. سیستم دیوان‌ها و وضعیت قضات، وکالت و ثبت اسناد
٦. رویه‌های قانونی و اجرای تصمیمات قضائی (دیوان‌ها)
۷. وضعیت شهرداری‌ها و انتخابات آنها
۸. روش کار در اعلام وضعیت فوق‌العاده و حکومت نظامی
۹. تفویض اختیارات دولتی
۱۰. شأن و موقعیت شخصیت‌های حقیقی و حقوقی
۱۱. مواد و موضوعات قانون مدنی
۱۲. معاملات و موافقت‌های قانونی مدنی
۱۳. حق مالکیت شامل رویه‌های قانونی موجود، مالکیت شهرداری‌ها و خصوصی، حق مالکیت معنوی، سایر حقوق مالکیت و حق مسئولیت
۱٤. روابط خانوادگی شامل قیمومت و حضانت

۱۵. فعالیت‌های مالی، مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌ها
۱٦. روابط کارگری و تامین اجتماعی
۱۷. تصمیم‌گیری در خصوص جرایم و تخلف از قانون
۱۸. دفاع و خدمات نظامی
۱۹. خدمات دولتی
۲۰. ایجاد امنیت
۲۱. وضعیت سرزمینی و مرزهای کشور
۲۲. تصویب یا الغای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی
۲۳. حمل و نقل و ارتباطات
۲٤. آمار، هواشناسی و استانداردها
۲۵. گمرکات
۲٦. تجارت و مبادلات تجاری
۲۷. بانکداری، حسابرسی و بیمه

گفتنی است که در خصوص موضوعات و مسائل مرتبط با بندهای ۲ و ۳ و ٤ لازم است برای تصویب قانون، حداقل ۸۳ رای موافق باشد و برای موضوعات مرتبط با سایر بندها، ٦۳ رای موافق کافی است.

موارد پیش‌گفته، حوزه‌هایی هستند که مجلس ملی جمهوری آذربایجان در زمینه آنها وظایف کلی و عمومی را به عهده دارد. علاوه بر وظایف کلی یاد شده، موضوعات و مسائلی نیز وجود دارند که قدرت تصمیم‌گیری در مورد آنها منحصر به مجلس ملی است. این موضوعات عبارت‌اند از:

۱. تعریف گردش کار مجلس ملی
۲. تصمیم‌گیری در مورد برنامه‌های دیپلماتیک رئیس جمهور
۳. تصمیم‌گیری در مورد تقسیمات اداری و کشوری

۴. تصویب و لغو معاهده‌ها و قراردادها
۵. تصویب بودجه محاسباتی ارائه شده از طرف رئیس جمهور و کنترل هزینه‌کرد آن
۶. عفو عمومی
۷. تصویب دکترین نظامی بر اساس دیدگاه‌های ارائه‌شده از طرف رئیس جمهور
۸. تصویب و تأیید احکام صادره از طرف رئیس جمهور در چارچوب قانون اساسی
۹. تأیید نخست وزیر معرفی شده از طرف رئیس جمهور
۱۰. تأیید اعضای دیوان قانون اساسی و دیوان‌عالی کشور بر اساس پیشنهاد رئیس جمهور
۱۱. تأیید دادستان کل معرفی شده از طرف رئیس جمهور و عزل او با پیشنهاد رئیس جمهور
۱۲. عزل رئیس جمهور بر اساس نظریه دیوان قانون اساسی
۱۳. عزل قضات بر اساس پیشنهاد رئیس جمهور
۱۴. بررسی و حل مشکلات مطروحه توسط کابینه وزرا
۱۵. تأیید و عزل رئیس و اعضای هیات عامل بانک ملی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور
۱۶. موافقت در خصوص طرح سربازگیری ارائه شده از طرف رئیس جمهور
۱۷. موافقت در زمینه اعلان جنگ بر اساس پیشنهاد رئیس جمهور
۱۸. تأیید برگزاری رفراندوم
۱۹. راه‌اندازی دفاتر تحقیق

د) قوه قضائیه

دادگاه قانون اساسی

برابر قانون اساسی وظایف دادگاه قانون اساسی به شرح زیر است:

۱ـ مطابقت موارد زیر با قانون اساسی جمهوری آذربایجان:

ـ قوانین موضوعه
ـ احکام و دستورات رئیس جمهور
ـ مصوبات و دستورات کابینه وزرا

ـ فعالیت‌های اعضای اصلی قوه مجریه

ـ فعالیت‌های دیوان‌عالی کشور

ـ فعالیت‌های شهرداری‌ها

ـ معاهده‌های بین‌الدولی که آذربایجان عضو آن‌ها محسوب می‌شود

ـ قانون اساسی جمهوری خودمختار نخجوان

ـ قوانین موضوعه، مصوبات مجلس عالی و کابینه وزرای جمهوری خودمختار نخجوان

۲ـ مطابقت موارد زیر با قوانین موجود:

ـ احکام رئیس جمهور

ـ مصوبات کابینه وزرا

ـ فعالیت‌های اعضای اصلی قوه مجریه

ـ فعالیت‌های دیوان‌عالی کشور

ـ فعالیت‌های شهرداری‌ها

ـ معاهده‌های بین‌المللی

۳ـ مطابقت موارد زیر با احکام و دستورات رئیس جمهور:

ـ مصوبات کابینه وزرا

ـ فعالیت‌های اعضای اصلی قوه مجریه

ـ فعالیت‌های شهرداری‌ها

٤ـ مطابقت فعالیت‌های شهرداری‌ها با مصوبات کابینه وزرا (در جمهوری خودمختار نخجوان با قانون اساسی و قوانین نخجوان و مصوبات کابینه وزرای نخجوان).

٥ـ مطابقت مصوبات کابینه وزرا در نخجوان با دستورات و احکام رئیس جمهور آذربایجان و مصوبات کابینه وزرای آذربایجان.

٦ـ ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی.

۷ـ ایجاد تفاهم و میانجیگری بین قوای مقننه و مجریه.

۸ ـ تفسیر قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه بر اساس بررسی و تحقیق ارائه شده از سوی رئیس جمهور، مجلس ملی، کابینه وزرا، اداره دادستانی کل کشور و مجلس عالی نخجوان.

دیوان‌عالی جمهوری آذربایجان

دیوان‌عالی کشور به‌عنوان عالی‌ترین واحد قضایی در امور مدنی، جنایی و اداری وظایف مربوط به دادگاه‌های عام را به عهده دارد. این دیوان وظیفه دارد بر روند امور در دادگاه‌های عمومی نظارت کند.

دیوان اقتصادی جمهوری آذربایجان

دیوان اقتصاد نیز بالاترین جایگاه قانونی را در خصوص دعواهای اقتصادی دارد. این دیوان باید بر تمامی دعواهای مطروحه پیرامون مسائل اقتصادی در دادگاه‌های مربوطه، مطابق با قوانین موجود نظارت کند.

آنچه ذکر شد، وظایف تصریح شده در قانون اساسی است که برای قوای سه‌گانه در نظر گرفته شده است. ولی کارکرد و نقش واقعی قوای سه‌گانه در عمل متفاوت است. این تفاوت در اکثر موارد به نفع قوه مجریه (به‌ویژه شخص رئیس جمهور) و به ضرر قوای دیگر است. شخص رئیس جمهور به دلیل نفوذ در تمام بخش‌های حاکمیت و نیز اکثریت مجلس و همچنین عدم استقلال واقعی قوه قضائیه در عمل، می‌تواند در اکثر امور اعمال‌نظر کند. نحوه برگزاری آخرین انتخابات ریاست جمهوری که مورد اعتراض احزاب مخالف و نیز برخی سازمان‌های بین‌المللی واقع شد، نمونه‌ای از این اعمال قدرت حزب حاکم است که این انتخابات توسط دیوان قانون اساسی نیز تأیید شد.

۲ـ۱۰) شرایط انتخاب یا نصب و عزل روسای قوای اصلی کشور[۱۳]

قوه مجریه

ـ رئیس جمهور:

نامزدهای ریاست جمهوری آذربایجان باید دارای شرایط زیر باشند:

ـ حداقل ۳۵ سال سن داشته باشند.

ـ به مدت ۱۰ سال سکونت دائمی در سرزمین آذربایجان داشته باشند.

ـ دارای حق شرکت در انتخابات باشند.

ـ تحصیلات دانشگاهی داشته باشند.

ـ مرتکب جرایم اصلی نشده باشند.

ـ هیچ نوع وابستگی و نیز تابعیت کشور دیگری را نداشته باشند.

رئیس جمهور باید با رای مستقیم مردم انتخاب شود. کاندیدای ریاست جمهوری در دور اول انتخابات در صورت کسب $\frac{۲}{۳}$ آرا به ریاست جمهوری انتخاب می‌شود و اگر کسی چنین اکثریتی را به‌دست نیاورد، رای‌گیری به دور دوم کشیده می‌شود که در این دور، دو نفر از نامزدهایی که در دور اول بیشترین رای را کسب کرده‌اند، شرکت می‌کنند و هر کدام رای بیشتری آورد، برای تصدی پست ریاست جمهوری برگزیده می‌شود. هیچ شخصی در جمهوری آذربایجان نمی‌تواند بیش از دوبار تصدی پست ریاست جمهوری را به دست گیرد.

هر گاه رئیس جمهور مرتکب جرایم اصلی شود، دیوان‌عالی جمهوری آذربایجان ظرف مدت ۳۰ روز بر علیه وی اعلام جرم می‌کند و دیوان قانون اساسی نتیجه بررسی و تصمیم‌گیری خود را در این زمینه (بر اساس تصمیم دیوان‌عالی) به مجلس ملی ارائه می‌دهد. مدت این نتیجه‌گیری توسط دیوان قانون اساسی یک هفته است. پس از ارائه نتیجه به مجلس، طی مدت ۲ ماه مجلس باید در مورد عزل رئیس جمهور رای‌گیری کند و در صورت کسب ۹۵ رای، رئیس جمهور از سمت خود عزل می‌شود.

ـ نخست وزیر و کابینه وزرا:

نخست وزیر باید دارای شرایط زیر باشد:

ـ دارای تابعیت آذربایجانی باشد.

ـ حداقل ۳۰ سال سن داشته باشد.

ـ دارای تحصیلات دانشگاهی باشد.

ـ دارای حق شرکت در انتخابات باشد.

ـ وابستگی به کشورهای خارجی نداشته باشد.

اعضای کابینه، معاونین وزیر و روسای سازمان‌های مستقل نیز باید دارای شرایط یاد شده در مورد پست نخست‌وزیری باشند فقط شرط سنی برای این افراد حداقل ۳۵ سال است.

نخست وزیر و اعضای کابینه باید رای اعتماد مجلس ملی را کسب کنند و اگر مجلس در موعد مقرر رای خود را اعلام نکند، رئیس جمهور می‌تواند رأساً نخست وزیر و اعضای کابینه وزرا را انتخاب کند.

قوه مقننه

شرایط زیر برای نمایندگی مجلس لازم است (برای کاندیدا شدن):

ـ تابعیت جمهوری آذربایجان

ـ حداقل ۲۵ سال سن

ـ عدم داشتن تابعیت دوگانه

ـ عدم اشتغال به کار در قوه مجریه و قضائیه (اشتغال در امور تحقیقاتی، علمی و تدریس و اختراعات را شامل نمی‌شود) و امور تجارتی

ـ عدم داشتن سوءپیشینه که منجر به محکومیت قضایی و محرومیت از فعالیت شده باشد.

نمایندگان مجلس در صورت از دست‌دادن شرایط یاد شده در بالا و همچنین در صورت ممنوعیت فعالیت حزبی که نماینده مورد نظر در آن عضویت دارد، حق نمایندگی خود را از دست می‌دهند.

قوه قضائیه

شرایط لازم برای نامزدی پست قضاوت:

ـ تابعیت جمهوری آذربایجان

ـ حداقل ۳۰ سال سن

ـ دارا بودن تحصیلات دانشگاهی در رشته حقوق و حداقل ۵ سال سابقه کار مرتبط

ـ عدم داشتن پست در قوه مجریه و مقننه و امور تجاری (به جـز امـور تحقیقـاتی، علمـی، تدریس و اختراعات)

ـ عدم عضویت در احزاب سیاسی و عدم فعالیت سیاسی

فصل یازدهم

نخبگان و نظام سیاسی

حیدر علی‌اف(١٤)

«حیدر علی‌رضا اوغلو علی‌اف»[1] در سال ۱۹۲۳ در خانواده‌ای کارگری در شهر نخجوان به دنیا آمد. وی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه دولتی آذربایجان در رشته تاریخ از سال ۱۹٤۱ تا ۱۹٤٤ دارای سمت دولتی در نهادهای اجرایی جمهوری نخجوان بود.

علی‌اف از سال ۱۹٦٤ تا ۱۹٦۷ معاون رئیس سازمان امنیت دولتی (ک. گ. ب.) در جمهوری آذربایجان بود که از سال ۱۹٦۷ تا ۱۹٦۹ سمت ریاست این سازمان را عهده‌دار شد. او اولین آذربایجانی بود که چنین سمت امنیتی را در مجموعه اتحاد جماهیر شوروی عهده‌دار می‌شد.

---

1. Heydar aliriza oglu aliev

حیدر علی‌اف از سال ۱۹٦۹ تا ۱۹۸۲ دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان بود و عملا رهبری جمهوری سوسیالیستی آذربایجان را در دست داشت. در این ١٤ سال جمهوری آذربایجان پیشرفت‌های زیادی در زمینه فرهنگ و ارتقای شعور ملی داشت و طی این سال‌ها علی‌اف به عنوان یک سیاستمدار شناخته شد. او از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۷ معاون اول رئیس شورای وزیران (نخست وزیر) اتحاد جماهیر شوروی بود و همزمان در این سال‌ها عضو «پولیت بورو» (دفتر سیاسی) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بود.

علی‌اف در زمان رهبری لئونید برژنف (رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی) از نزدیکان و افراد موثر در کادر رهبری حزب کمونیست شوروی بود ولی با روی کار آمدن میخائیل گورباچف به دلیل مخالفت‌های وی با رهبر جوان شوروی، کمیته مرکزی حزب کمونیست او را به بهانه بازنشستگی و استراحت کنار گذاشت و او مدتی در یکی از بیمارستان‌های مخصوص کرملین بستری بود و در این مدت تنها یک نفر از مسئولان حزب با وی دیدار کرد. گورباچف علی‌رغم این‌که علی‌اف کمک زیادی به روی کار آمدن وی کرده بود، به صراحت از ترک کمیته مرکزی توسط علی‌اف سخن گفت و علی‌اف نیز مقاومتی نکرد و تا زمان استقلال کشورش سکوت اختیار کرد. در این مدت مطبوعات طرفدار گورباچف تبلیغاتی وسیع علیه حیدر علی‌اف به راه انداختند. دخالت در کشتار شورشیان ارمنی قره‌باغ، سوءاستفاده‌های مالی از جمله مواردی بود که روزنامه‌ها علیه علی‌اف ازآنها استفاده کردند. این روزنامه‌ها با انتشار مسائل شخصی اطرافیان و بستگان علی‌اف سعی در بدنام کردن وی داشتند. او بعد از کشتار مردم باکو توسط ارتش سرخ شوروی در سال ۱۹۹۱ عضویت خود را در حزب کمونیست لغو کرد.

علی‌اف بعد از استقلال آذربایجان به عنوان عضو مجلس عالی جمهوری نخجوان و رئیس این مجلس انتخاب شد.

در سال ۱۹۹۳ در جریان شورش‌های شهر گنجه که منجر به لشکرکشی سرهنگ «صورت حسین‌اف» به باکو و سرنگونی حکومت «ابوالفضل ایلچی‌بیگ» شد، حیدر علی‌اف از نخجوان

به باکو آمد و برای حل مسالمت‌آمیز مسئله اعلام آمادگی کرد. او با ایلچی بیگ، اعضای مجلس ملی و سرهنگ حسین‌اف مذاکرات مفصلی انجام داد و همگان را به پرهیز از اقدامات نظامی و قتل و کشتار فراخواند. در نهایت تلاش‌های وی ثمری نبخشید و حکومت ایلچی‌بیگ سرنگون شد. سال‌ها بعد از این ماجرا برخی از مخالفان حیدر علی‌اف ادعا کردند که علی‌اف علی‌رغم اعلام آمادگی برای میانجی‌گری در شورش‌های سال ۱۹۹۳ عملاً با سرهنگ حسین‌اف همکاری داشته تا دولت جبهه خلق (ابوالفضل ایلچی‌بیگ) را سرنگون کند.

علی‌اف در ماه اکتبر سال ۱۹۹۳ به ریاست جمهوری آذربایجان انتخاب شد. او بعد از تصدی پست ریاست جمهوری سعی کرد سیاست واقع‌گرایانه‌ای را در پیش گیرد. او آذربایجان را که در زمان حکومت ایلچی‌بیگ از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع کناره‌گیری کرده بود، دوباره وارد این جامعه کرد. او سعی کرد در کنار رابطه با روسیه و ایران، ارتباط با ترکیه و کشورهای غربی (به ویژه آمریکا) را که در زمان ایلچی‌بیگ وزن اصلی سیاست خارجی کشور را تشکیل می‌داد، تعدیل کند. او به کشورهای مختلف غربی سفر کرد و توانست روابط خوبی با این کشورها برقرار کند. علی‌اف توانست با کمک گروه «مینسک» شورای امنیت و همکاری اروپا با ارمنستان و شورشیان جدایی‌طلب قره‌باغ آتش‌بس منعقد کرده و در داخل کشور امنیت برقرار کند. این برقراری امنیت در برخی موارد همراه با سختگیری‌هایی علیه احزاب سیاسی بود که باعث شکل‌گیری بسیاری از احزاب سیاسی مخالف می‌شد.

حیدر علی‌اف در سیاست خارجی دو ملاحظه اساسی دارد که عبارت‌اند از: ۱ـ استقلال واقعی کشور و توتالیتاریسم ۲ـ استقرار مجدد وحدت اراضی کشور و اصول استقلال ملی، دفاع ملی و سیستم آزاد برای اتحاد با کشورهای مختلف.

در سخنرانی‌های وی همیشه نشانه‌هایی از استقلال و دفاع از علائق و ارزش‌های مورد قبول ملت وجود دارد. او به توسعه روابط با ترکیه، ایران و گرجستان توجه خاصی دارد و به ایجاد رابطه با روسیه بیشتر از کشورهای یاد شده می‌اندیشد. او اساس همکاری‌ها را بر اقتصاد

می‌گذارد. او علی‌رغم برخی سیاست‌های غیرمذهبی دولت خود، دارای علائق مذهبی است و بارها در سخنرانی‌هایش از دین به عنوان عامل موفقیت و پیروزی (به‌ویژه در جنگ قره‌باغ) یاد کرده است. وی در مساجد آذربایجان حضور یافته و علاقه خود را به شعائر مذهبی (مثل عزاداری ماه محرم) نشان داده است. همچنین گفته می‌شود، همسر حیدر علی‌اف (ظریفه عزیز قیزی) که در سال ۱۹۸۵ مرده است، از استادان چشم‌پزشکی و عضو آکادمی علوم آذربایجان و یکی از متخصصین مشهور چشم‌پزشکی کشور آذربایجان بود. علی‌اف یک پسر به نام الهام و یک دختر به نام سئودا دارد. بستگان علی‌اف به‌ویژه پسرش «الهام»، نفوذ زیادی در دستگاه حکومتی و نهادهای اقتصادی کشور دارند تا جایی‌که برخی از مخالفان معتقدند، نبض اقتصاد کشور، علی‌الخصوص در بخش نفت و گاز در دست خانواده علی‌اف و بستگانش است.

حیدر علی‌اف چندین بار به ایران سفر کرده است. وی علی‌رغم مواضع اعلامی خود در مذاکرات و مصاحبه‌ها که علاقه‌مندی شخصی خود را به ملت و دولت ایران نشان می‌دهد، عملاً در زمینه حل اختلاف‌نظرهای موجود بین دو کشور اقدام موثر چندانی انجام نداده است. هر چند که تلاش‌های دیپلماتیک در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی و سفر علی‌اف به ایران، از دامنه این اختلاف‌نظرها بسیار کاسته است. سفر یاد شده علی‌اف به ایران حاوی نکات حاشیه‌ای دارای اهمیتی بود که روحیه فرصت‌طلبی و زیرکی این سیاستمدار کهنه‌کار را نشان می‌دهد. او در این سفر از یک طرف در مقابل ذکر نام «دریای مازندران» از سوی رئیس جمهور ایران، عکس‌العمل منفی نشان می‌دهد و از طرف دیگر برای چندمین بار مصرانه از رهبر جمهوری اسلامی ایران برای سفر به آذربایجان دعوت می‌کند و حتی پیشنهاد انجام مذاکرات به زبان آذربایجانی را می‌دهد. این گونه مسائل حاشیه‌ای نشان‌دهنده این است که علی‌اف در کنار اهمیت دادن به حمایت‌های مقامات حکومتی ایران، به منافع سرزمینی کشورش در مواجهه با ایران به شدت پایبند است.

او علی‌رغم اینکه از سال‌ها پیش از ناراحتی قلبی رنج می‌برد و حتی عمل جراحی قلب نیز انجام داده ولی خودش و اطرافیانش همواره از سالم بودن وی حرف می‌زدند. تا این‌که در

اوایل سال ۲۰۰۳ سقوط وی در یک مراسم رسمی، وضعیت جسمانی وی را ابهام‌انگیز کرد. مطبوعات طرفدار علی‌اف از کنار این موضوع به سادگی گذشتند تا اینکه او مجدداً در کاخ ریاست جمهوری بر زمین افتاد و دنده‌هایش صدمه شدیدی دید. به دنبال وخامت اوضاع جسمانی علی‌اف، او در ماه جولای سال ۲۰۰۳ به بیمارستان نظامی گلخانه در ترکیه که یکی از مجهزترین بیمارستان‌های منطقه است، منتقل و معالجات وی زیر نظر تیمی از پزشکان آمریکایی، روسی و ترک آغاز شد. سیر معالجات رئیس جمهور با سانسور خبری شدیدی همراه بود که این امر باعث شد برخی از رسانه‌های ترکیه خبر مرگ وی را اعلام کنند و این خبر توسط مطبوعات مخالف رئیس جمهور در داخل آذربایجان نیز به صورت گسترده‌ای پخش شد ولی خانواده و مسئولان بیمارستان این خبر را تکذیب کردند. پس از آن علی‌اف برای ادامه معالجه به بیمارستانی در ایالت «کلیولند» آمریکا منتقل شد و تیم پزشکی معالج وی او را همراهی کرد. وی قبلا نیز در این بیمارستان بستری شده بود و یکی از دلایل انتقال وی به آمریکا، آشنایی تیم پزشکی بیمارستان ایالت کلیولند با روند بیماری علی‌اف است. پس از وخامت وضع جسمانی علی‌اف، برای اینکه در غیبت وی آرامش کشور از بین نرود پسر خود، الهام علی‌اف را برای تصدی پست نخست وزیری به مجلس معرفی کرد که با اکثریت آرا به تصویب مجلس ملی آذربایجان رسید.

الهام علی‌اف(۱۵)

«الهام حیدراوغلوعلی‌اف»[1] در سال ۱۹٦۱ در شهر باکو به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۷ تحصیلات دوره متوسطه را در باکو به اتمام رساند و همان سال در دانشگاه دولتی روابط بین‌الملل مسکو پذیرفته شد و به ادامه تحصیل در آن شهر پرداخت. وی در سال ۱۹۸۵ فارغ‌التحصیل شد و تا سال ۱۹۹۰ در همان دانشگاه به تدریس روابط بین‌الملل پرداخت. از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹٤ از

1. Ilham Heydar oglu Aliyev

محیط علمی و دانشگاهی دور شد و در شهرهای استانبول و مسکو به تجارت پرداخت و در سال ۱۹۹٤ به سمت معاونت اول ریاست شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان منصوب شد. او در انتخابات سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ مجلس ملی آذربایجان از حزب آذربایجان نوین به مجلس راه یافت و از اواخر سال ۱۹۹۹ معاون رهبر حزب آذربایجان نوین است. علاوه بر این، او از سال ۱۹۹۷ ریاست کمیته ملی المپیک آذربایجان را به عهده دارد و از ابتدای سال ۲۰۰۳ به عنوان معاون مجلس شورای اروپا و عضو هیات اداری این مجلس انتخاب شد. آخرین سمت وی نخست وزیری جمهوری آذربایجان است که به دنبال وخامت وضع جسمانی پدرش، با پیشنهاد وی و تصویب مجلس ملی به این سمت انتخاب شد. او به زبان‌های روسی، انگلیسی و فرانسه (علاوه بر زبان آذربایجانی) تسلط کامل دارد.

او یکی از کاندیداهای مطرح در انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان در اکتبر سال ۲۰۰۳ است. برخی صاحب‌نظران او را شانس اول ریاست جمهوری آذربایجان می‌دانند ولی گروه‌های مخالف او را به دیکتاتوری و سرکوب مخالفان متهم می‌کنند و او را فاقد جایگاه مردمی ممتاز می‌دانند. در نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران، وی در سال ۲۰۰۳ در میان نخبگان و فعالان امور سیاسی، رتبه ششم را کسب کرده است. گفته می‌شود او در بین جوانان محبوبیت درخور توجهی دارد. در هر صورت پیش‌بینی می‌شود، وی یکی از دو رقیب اصلی انتخابات ریاست جمهوری آتی آذربایجان باشد.

او به همراه پدرش در انتخابات کاندیدا شده است و می‌گوید در صورت صحت کامل پدرش و بازگشت او به عرصه سیاست، کاندیداتوری خود را پس خواهد گرفت. البته این امکان بعید به نظر می‌رسد.

او در زمینه مسائل سیاسی، پدرش را معلم خود می‌داند و می‌گوید راه وی را ادامه خواهد داد. در عرصه مسائل اقتصادی نیز به اقتصاد بازار و رونق تجارت (به‌ویژه واحدهای کوچک و متوسط) معتقد است. در زمینه رابطه با کشورهای خارجی او در کنار توجه شدید به گسترش روابط با آمریکا و ترکیه و نیز اروپا به همسایگان نیز توجه خاص دارد. در بین کشورهای

همسایه او بیشترین اهمیت را به روسیه می‌دهد و معتقد است بعد از ریاست جمهوری پوتین روابط دو کشور تحرک تازه‌ای پیدا کرده و سطح روابط بیش از پیش توسعه پیدا خواهد کرد. در بین همسایگان او گرجستان را نیز بسیار مهم تلقی می‌کند و می‌گوید، تمامی پروژه‌های انتقال نفت آذربایجان، از خاک این کشور عبور خواهد کرد و به دوستی ۳۰ ساله رئیس جمهور گرجستان با پدرش اشاره می‌کند. در زمینه قزاقستان و ایران نیز او معتقد است، سطح روابط خوب بوده و مشکل خاصی وجود ندارد. فقط در بین کشورهای همسایه، ترکمنستان را دارای اختلاف با آذربایجان می‌داند. در خصوص ارمنستان نیز وی طرفدار سرسخت آزادی اراضی اشغالی است و به نظر می‌رسد این موضع‌گیری را محکم‌تر از پدرش نیز ادامه خواهد داد.

گفتنی است که وی با جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا روابط دوستانه و شخصی دارد. زمانی که بوش فرماندار ایالت تگزاس بود، وی ضمن سفر به آمریکا با وی دیدار و مذاکره کرد و بوش عنوان «شهروند افتخاری تگزاس» به وی داده است. در پی انتخاب الهام علی‌اف به نخست‌وزیری نیز بوش به وی تبریک گفت که این امر در سیستم دیپلماسی آمریکا کم نظیر است و نشان از روابط دوستانه دو طرف دارد.

رسول قلی‌اف(۱۶)

«رسول بایرام اوغلو قلی‌اف»[1] در سال ۱۹٤۷ در روستای «قازان‌چای» واقع در جمهوری نخجوان به دنیا آمد. او در سال ۱۹۷۰ از موسسه نفت و شیمی جمهوری آذربایجان در رشته مهندسی شیمی فارغ‌التحصیل شد. از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۲ با عناوین تکنولوژیست، رئیس کارگاه، مهندس، سرمهندس و مدیر در پالایشگاه باکو مشغول به کار بوده است. قبل از استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۰ به عنوان نماینده شورای مردمی باکو و نماینده شورای عالی جمهوی آذربایجان انتخاب شد. در سال ۱۹۹۲ ریاست اداره مرکزی تصفیه نفت

1. Rasul Bayram oglu Guliev

و گاز شرکت نفت دولتی را به عهده گرفت. قلی‌اف از ماه مه سال ۱۹۹۳ تا ماه نوامبر همان سال، سمت معاون نخست وزیر را عهده‌دار بود و از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵ ریاست مجلس ملی جمهوری آذربایجان را به عهده داشت. قلی‌اف در انتخابات پارلمان سال ۱۹۹۵ دوباره به عنوان نماینده و رئیس مجلس ملی انتخاب شد. وی در ماه سپتامبر سال ۱۹۹٦ به دلیل مخالفت با سیاست‌های حزب حاکم (آذربایجان نوین) از سمت ریاست مجلس کنار گذاشته شد و با توجه به اقدامات مسئولان امنیتی برای جلوگیری از دستگیری و نیز ترس از ترور توسط طرفداران سرسخت دولت به آمریکا مهاجرت کرد. او در آمریکا حزب دموکرات آذربایجان (حزبی که خود در آن عضویت داشت) را به سوی مخالفت با سیاست‌های دولت حیدر علی‌اف هدایت کرد. در سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ دوبار حکم دستگیری وی صادر شده است. بسیاری از بستگان و طرفداران و همکاران سابق وی به بهانه‌های گوناگون توسط نیروهای امنیتی آذربایجان دستگیر و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. در سال ۲۰۰۲ چهار نوه رسول قلی‌اف از جمله«البروس قلی‌اف» از فعالان حزب دموکرات آذربایجان دستگیر شدند. فشارهای مقامات دولتی آذربایجان بر طرفداران و بستگان قلی‌اف بیشتر به این دلیل است که او نتواند به کشور آذربایجان مراجعت کند زیرا وی قصد دارد خود را کاندیدای ریاست جمهوری در انتخابات سال ۲۰۰۳ کند. گفتنی است که برابر اعلام وزارت کشور آذربایجان، وی به جرم اختلاس در دوران تصدی مدیریت پالایشگاه باکو تحت تعقیب است و مشخصات وی به همراه جزئیات جرم اعلام شده در سایت اینترنتی وزارت کشور موجود است.

بسیاری از رهبران احزاب مخالف دولت و سازمان‌های مسئول در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های مدنی از وی حمایت می‌کنند و نحوه برخورد مقامات دولتی با وی و اطرافیانش را مغایر با قانون اساسی جمهوری آذربایجان و مفاد کنوانسیون‌های حقوق بشر و آزادی‌های مدنی که آذربایجان در آنها عضویت دارد، می‌دانند.

رسول قلی‌اف با توجه به دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی‌اش، شخصی دموکرات و اصلاح‌طلب محسوب می‌شود. او طرفدار رعایت حقوق مطبوعات آزاد و آزادی سرمایه‌گذاری

به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور است. در زمینه سیاست خارجی او طرفدار صلح و دموکراسی بوده و مدافع همکاری مفید و موثر آذربایجان با کشورهای همسایه و سایر کشورهاست.

قلی‌اف علاوه بر فعالیت‌های سیاسی یک شخصیت علمی نیز محسوب می‌شود. او دارای درجه استادی در علوم فنی است و دارای ابتکارات و خلاقیت‌های متعددی در رشته خود است. علاوه بر این، وی نویسنده سه کتاب «نفت و سیاست»، «راهی به سوی دموکراسی» و «هدف مبارزه ما» است که انتشار و خرید و فروش این کتاب‌ها در جمهوری آذربایجان ممنوع شده است.

شایان ذکر است که قلی‌اف در زمان تصدی پست ریاست مجلس ملی، طرفدار سرسخت حکومت علی‌اف بود و در جلسات مجلس در مقابل نمایندگان مخالف دولت به شدت موضع می‌گرفت تا جایی‌که احزاب مخالف می‌گفتند او مجلس را به جلسه محاکمه دادگاه تبدیل می‌کند.

آیاز مطلب‌اف(۱۷)

«آیاز نیازی اوغلو مطلب‌اف»[1] در سال ۱۹۳۸ در شهر باکو در یک خانواده پزشک متولد شد. پدرش پزشک و مادرش متخصص ژنتیک بود. پدر وی در جنگ دوم جهانی در دفاع از سرزمین اتحاد جماهیر شوروی شرکت داشته است. مطلب‌اف در سال ۱۹٦۲ از موسسه نفت و شیمی آذربایجان فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۹۵۹ یک کارخانه تولید لوازم برقی را طراحی و پایه‌گذاری کرد و به مدت ۱۹ سال در آنجا به‌عنوان مهندس طراح، رئیس بخش فنی و سر مهندس فعالیت کرد و در سال ۱۹٦٤ (در سن ۲٦ سالگی) مدیر کارخانه شد و ده سال بعد مدیر عامل شرکت صنعتی Bakelectrbytmash شد.

1. Ayaz Niaz oglu Matallibov

مطلب‌اف در سال ۱۹۷۷ در منطقه نریمانف آذربایجان به سمت دبیر دومی حزب کمونیست منصوب شد و در سال ۱۹۷۹ وزیر صنایع محلی جمهوری آذربایجان شد. او در سال ۱۹۸۲ به سمت رئیس کمیته برنامه‌ریزی آذربایجان و معاون رئیس شورای وزیران (نخست وزیر) منصوب و از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۰ ریاست شورای وزیران را عهده‌دار شد. مطلب‌اف در سال ۱۹۹۰ دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان شد و در همان سال شورای عالی کشور، او را به عنوان رئیس جمهور کشور تعیین کرد. در سال ۱۹۹۱ مطلب‌اف پس از رای‌گیری به عنوان اولین رئیس جمهور منتخب مردم جمهوری آذربایجان انتخاب شد. در سال ۱۹۹۲ که کشتار فجیعی در منطقه خوجالی در قره‌باغ توسط ارتش ارمنستان و افراطیون متعصب ارمنی منطقه صورت گرفت و تعداد زیادی مردم بی‌گناه از جمله زن و بچه به طرز فجیعی قتل‌عام شدند، توده مردم و احزاب سیاسی مطلب‌اف را در به‌وجود آمدن این کشتار مقصر قلمداد کردند و مطلب‌اف تحت فشار افکار عمومی از سمت خود کناره‌گیری کرد و به مسکو رفت. او در حال حاضر پناهندگی از کشور روسیه گرفته و با طرفدارانش در روسیه و آذربایجان در ارتباط است. مطلب‌اف در سال ۲۰۰۰ حزب جدیدی به نام «اتحاد هموطنان» را تشکیل داد که تعدادی از طرفدارانش به عضویت این حزب درآمده‌اند. مطلب‌اف در سال ۱۹۹٤ کتابی تحت عنوان «قره‌باغ» منتشر کرده است. پس از روی کار آمدن حیدر علی‌اف به پیشنهاد دولت (لایحه ارائه شده به مجلس) در سال ۱۹۹٤ مجلس ملی طی مصوبه‌ای کشتار مردم بی‌دفاع در ژانویه سال ۱۹۹۰ توسط ارتش شوروی در باکو را محکوم کرده و میخائیل گورباچف رهبر وقت شوروی، عبدالرحمن وزیراف رهبر حزب کمونیست آذربایجان و ایاز مطلب‌اف را که در آن زمان رئیس شورای وزیران بود، مسببین درجه اول فاجعه معرفی کرد. مطلب‌اف نیز طبق اعلام وزارت کشور آذربایجان در سایت اینترنتی متعلق به این وزارتخانه تحت تعقیب است.

ایاز مطلب‌اف به شدت طرفدار ایجاد رابطه نزدیک با روسیه است و معتقد است، آذربایجان نمی‌تواند همزمان خواسته‌های روسیه و آمریکا را برآورده کند و باید روابط خود را

با کشورهای نزدیک و هم‌مرز مثل روسیه، جدا از روابطش با کشورهای دور تعریف کند. او مشکل اقتصادی کشور را در فساد اقتصادی و رژیم سیاسی ضدملی و تخریب‌گر می‌داند و تکیه به اقتصاد تک محصولی (نفت) را مردود دانسته و معتقد است آذربایجان با داشتن اقلیم‌های گوناگون و سایر پتانسیل‌های موجود سرزمینی می‌تواند اقتصاد خود را شکوفا کند. مطلب‌اف پیرامون مناقشه قره‌باغ دیدگاهی متفاوت از آنچه رهبران آذربایجان در چند سال اخیر با همکاری گروه مینسک پیگیری می‌کنند، دارد و مدعی است کلید حل مناقشه قره‌باغ در دست روسیه است. او در حل مناقشه طرفدار تمامیت ارضی آذربایجان است. مطلب‌اف در مورد تبلیغاتی که رسانه‌های گروهی دنیا علیه دین اسلام دارند، معتقد است که این تبلیغات برای آینده اسلام خطرناک است و باعث تقابل اسلام و مسیحیت می‌شود. او همچنین انجام اعمال تروریستی تحت لوای اسلام را دشمنی با اسلام می‌داند.

عیسی قنبر(۱۸)

«عیسی یونس اوغلو قنبر»[1] در سال ۱۹۵۷ در یک خانواده دانشگاهی در باکو به دنیا آمد. پدر وی (یونس حیدراوغلو قنبراف از دانشمندان مشهور شوروی دررشته شیمی بود. عیسی قنبر در سال ۱۹۷۹ دررشته تاریخ از دانشگاه دولتی آذربایجان (در حال حاضر عنوانش دانشگاه دولتی باکو است) فارغ‌التحصیل شد و از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ عضو هیأت علمی موسسه شرق‌شناسی بوده است. او از سال ۱۹۸۵ وارد عرصه سیاست شد و در سال ۱۹۸۸ به عنوان یک فعال سیاسی مطرح ظاهر شد. او در آکادمی از نزدیک با فرآیندهای سیاسی موجود در ایران، ترکیه و خاورمیانه آشنایی کامل پیدا کرد و به بررسی تحولات سیاسی دنیای غرب نیز پرداخت و در اواخر سال ۱۹۷۸ و اوایل ۱۹۷۹، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در این خصوص مطالبی منتشر کرد. او یکی از بنیانگذاران «جبهه خلق آذربایجان» بود و مدتی مدیر بخش

1. Isa Yunis oglu Qambar

تشکیلات این جبهه بود که بعدها مسئولیت معاونت جبهه را عهده‌دار شد.

عیسی قنبر در سال ۱۹۹۰ به عنوان نماینده مردم در مجلس ملی برگزیده شد. در سال ۱۹۹۱ نیز به عنوان رئیس کمیسیون سیاست خارجی شورای عالی جمهوری آذربایجان انتخاب شد. وی در سال ۱۹۹۲ به ریاست شورای عالی جمهوری آذربایجان (ریاست مجلس ملی) برگزیده شد. او در این سال ریاست هیات موسس حزب «مساوات» (مساوات نوین) را بر عهده گرفت و پس از تشکیل این حزب، در سومین کنگره حزب به سمت رهبری حزب انتخاب شد. پس از شورش‌های سال ۱۹۹۳ از سمت ریاست مجلس برکنار و توسط قیام‌کنندگان زندانی شد که در اثر فشارهای مردمی و نهادهای دموکراتیک جهانی از زندان آزاد شد. او موسس روزنامه مشهور «ئینی مساوات» (مساوات نوین) است و در حال حاضر رهبر حزب مساوات نیز هست.

عیسی قنبر در طول دوره تصدی پست ریاست مجلس طرفدار رعایت آیین‌نامه مجلس بود و سعی می‌کرد موضعی منصفانه در قبال موضوعات مورد بحث داشته باشد. او بعد از برکناری از این پست به عنوان یک چهره شناخته شده در بین گروه‌های اپوزیسیون دولت از سیاست‌های حیدر علی‌اف در عرصه‌های مختلف سیاست خارجی، داخلی و مسائل اقتصادی انتقاد می‌کند. او معتقد است دولت ابوالفضل ایلچی‌بیگ موفق‌تر از دولت علی‌اف بوده ولی حکومت تحت‌نظر علی‌اف با تکیه بر تبلیغات وسیع و جوسازی پایه‌های خود را مستحکم کرده است. او در زمینه حل مسئله قره‌باغ ضمن تاکید بر حفظ تمامیت ارضی آذربایجان به تلاش‌های شورای امنیت و همکاری اروپا امیدوار است و از سه کشور روسیه، ترکیه و آمریکا به عنوان کشورهایی که می‌توانند به حل مناقشه کمک کنند، یاد می‌کند.

فصل دوازدهم
بررسی قوانین کشور

۱ـ۱۲) بررسی قانون اساسی[۱۹]

قانون اساسی جمهوری آذربایجان توسط «کمیسیون تدوین قانون اساسی جدید» تحت سرپرستی رئیس جمهور آذربایجان (حیدر علی‌اف) پس ازتدوین در دوازدهم نوامبر ۱۹۹۵ به رفراندوم گذاشته شد و از تاریخ ۲۷ نوامبر همان سال رسمیت یافته و قدرت اجرایی پیدا کرد.

قانون اساسی جمهوری آذربایجان ضمن توجه به موفقیت و سلامت اجتماعی و فردی افراد کشور و پایه‌گذاری امنیت و آزادی و تفهیم مسئولیت‌ها در گذشته، حال و آینده از حاکمیت برای مقاصد زیر استفاده خواهد کرد:

۱. محافظت از استقلال، امنیت و حاکمیت کشور
۲. ایجاد سیستم دموکراتیک با چارچوب قانونی

۳. پایه‌گذاری یک جامعه مدنی

٤. ایجاد دولتی سکولار مبتنی بر قانون

٥. تامین زندگی امن و مطابق با استاندارد برای آحاد کشور از نظر اجتماعی و اقتصادی

٦. باقی ماندن در راه حرکت به سوی ارزش‌های انسانی جهانی برای زندگی در صلح و آزادی به همراه سایر ملل جهان و همکاری با آنها در راه مقاصد ذکر شده.

قانون اساسی جمهوری آذربایجان مشتمل بر ٤ فصل است که این ٤ فصل، ١٢ بخش را شامل می‌شوند و بخش‌های ١٢ گانه در برگیرنده ١٥٨ ماده (بند) هستند. عناوین فصل‌ها، بخش‌ها و مواد قانون اساسی در پی می‌آید.

١ـ١ـ١٢) فهرست عناوین فصول، بخش‌ها و مواد قانون اساسی جمهوری آذربایجان

فصل یک: شرایط عمومی

بخش ۱) قدرت مردم

ماده ۱: منبع قدرت

ماده ۲: حاکمیت مردم

ماده ۳: مسائلی که به‌وسیله رفراندوم حل می‌شوند (حل مسائل به‌وسیله رفراندوم)

ماده ٤: حق نمایندگی مردم

ماده ٥: وحدت مردم

ماده ٦: ممنوعیت غصب قدرت

بخش ۲) بنیان‌های حکومت

ماده ۷: حکومت آذربایجان

ماده ۸: رأس حکومت آذربایجان

ماده ۹: نیروهای نظامی

ماده ۱۰: اصول اساسی سیاست خارجی

ماده ۳۲: مصونیت فردی

ماده ۳۳: مصونیت محل اقامت

ماده ۳٤: حق ازدواج

ماده ۳۵: حق کار

ماده ۳٦: حق اعتصاب

ماده ۳۷: حق تعطیلات و استراحت

ماده ۳۸: حق امنیت اجتماعی

ماده ۳۹: حق زندگی در محیط زیست سالم

ماده ٤۰: حق فرهنگ

ماده ٤۱: حق محافظت از سلامت و بهداشت

ماده ٤۲: حق آموزش

ماده ٤۳:حق اقامت

ماده ٤٤: هویت ملی و اقلیت‌ها

ماده ٤۵: حق استفاده از زبان مادری

ماده ٤٦: حفاظت از احترام و شأن افراد

ماده ٤۷: آزادی اندیشه و بیان

ماده ٤۸: آزادی آگاهی

ماده ٤۹: آزادی تجمعات

ماده ۵۰: آزادی اطلاعات

ماده ۵۱: آزادی اختراعات و نوآوری

ماده ۵۲: حق شهروندی

ماده ۵۳: تضمین حق شهروندی

ماده ۵٤: حق مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی کشور

ماده ٥٥: حق مشارکت در اداره کشور

ماده ٥٦: حق انتخابات

ماده ٥٧: حق محفوظ بودن نشانی افراد

ماده ٥٨: حق اتحاد و تشکل‌گرایی

ماده ٥٩: حق آزادی سرمایه‌گذاری

ماده ٦٠: تضمین قضایی حقوق و آزادی‌ها

ماده ٦١: حق برخورداری ازکمک‌های قضایی (داشتن وکیل تسخیری)

ماده ٦٢: ممنوعیت تغییر اجباری دادگاه افراد

ماده ٦٣: اصل برائت افراد

ماده ٦٤: ممنوعیت تکرار محکومیت برای جرم مشابه

ماده ٦٥: حق درخواست استیناف از دادگاه

ماده ٦٦: ممنوعیت اجبار افراد به شهادت دادن علیه بستگان

ماده ٦٧: حق دفاع متهمان و دستگیر شدگان

ماده ٦٨: حق درخواست جبران خسارت

ماده ٦٩: حقوق شهروندن خارجی و افراد فاقد تابعیت

ماده ٧٠: حق پناهندگی

ماده ٧١: تضمین آزادی‌ها و حقوق انسانی و مدنی

بخش ٤) تعهدات اساسی شهروندان

ماده ٧٢: تعهدات اساسی شهروندان

ماده ٧٣: مالیات‌ها و سایر تعرفه‌های دولتی

ماده ٧٤: مقدس شمرده شدن وفاداری به میهن

ماده ٧٥: احترام به نماد (سمبل) کشور

ماده ٧٦: دفاع از میهن

ماده ۷۷: محافظت از آثار تاریخی و فرهنگی

ماده ۷۸: حفاظت از محیط زیست

ماده ۷۹: ممنوعیت قبول مسئولیت‌های خلاف قانون

ماده ۸۰: پاسخگویی

فصل سوم: قدرت حاکمیت

بخش ٥) قوه مقننه

ماده ۸۱: مجری قوه مقننه

ماده ۸۲: ترکیب کمی مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۸۳: اصول انتخابات مجلس ملی در جمهوری آذربایجان

ماده ۸٤: طول دوره تصدی نمایندگی مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۸٥: شرایط نامزدهای نمایندگی مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۸٦: کنترل و تنفیذ نتیجه انتخابات مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۸۷: اتمام مدت تصدی نمایندگی مجلس ملی

ماده ۸۸: جلسات مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۸۹: شرایط ابطال حق نمایندگی مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۹۰: مصونیت نمایندگان

ماده ۹۱: ممنوعیت وادار کردن نمایندگان به پاسخگویی در قبال آرا و ارائه دیدگاه‌ها در مجلس ملی

ماده ۹۲: هماهنگی و گردش کار مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۹۳: فعالیت‌های مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۹٤: وظایف کلی مجلس ملی جمهوری آذربایجان

ماده ۹٥: مسائلی که توسط مجلس ملی قابل حل و فصل است

ماده ۹٦: حق تصویب قوانین

ماده ۹۷: مدت زمان ارائه قوانین برای امضا

ماده ۹۸: قدرت اجرایی قوانین مصوب مجلس ملی جمهوری آذربایجان

بخش ٦) قوه مجریه

ماده ۹۹: مسئول قوه مجریه

ماده ۱۰۰: شرایط نامزدهای ریاست جمهوری آذربایجان

ماده ۱۰۱: اصول انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان

ماده ۱۰۲: نتایج انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان

ماده ۱۰۳: سوگند خوردن رئیس جمهور منتخب جمهوری آذربایجان

ماده ۱۰٤: عدم داشتن اختیارات دائمی توسط رئیس جمهور آذربایجان

ماده ۱۰۵: اجرای تعهدات ریاست جمهوری بعد از اتمام مدت مقرر (تا زمان انتخاب و شروع به‌کار رئیس جمهور جدید)

ماده ۱۰٦: مصونیت رئیس جمهور آذربایجان

ماده ۱۰۷: برکناری رئیس جمهوری آذربایجان از مقام خود

ماده ۱۰۸: محافظت از رئیس جمهور آذربایجان و خانواده وی

ماده ۱۰۹: قدرت رئیس جمهور آذربایجان

ماده ۱۱۰: امضای قوانین

ماده ۱۱۱: اعلام حکومت نظامی

ماده ۱۱۲: اعلام وضعیت اضطراری

ماده ۱۱۳: فعالیت‌های رئیس جمهور آذربایجان

ماده ۱۱٤: ساختار کابینه وزرا جمهوری آذربایجان

ماده ۱۱۵: ترکیب اعضای کابینه وزرا

ماده ۱۱٦: استعفای اعضای کابینه وزرا

ماده ۱۱۷: جلسات کابینه وزرا

ماده ۱۱۸: نحوه انتصاب نخست وزیر جمهوری آذربایجان

ماده ۱۱۹: اختیارات کابینه وزرا

ماده ۱۲۰: فعالیت‌های کابینه‌وزرا

ماده ۱۲۱: شرایط افراد مورد نظر برای نامزدی کابینه وزرا

ماده ۱۲۲: شرایط اعضای کابینه وزرا

ماده ۱۲۳: مصونیت نخست وزیر

ماده ۱۲٤: قوه مجریه محلی

بخش ۷) قوه قضائیه

ماده ۱۲۵: مجری قوه قضائیه

ماده ۱۲٦: شرایط افراد مورد نظر برای پست قضاوت

ماده ۱۲۷: اصول قضاوت

ماده ۱۲۸: مصونیت قضات

ماده ۱۲۹: تصمیمات دادگاه‌های عالی (دیوان‌ها) و اجرای آنها

ماده ۱۳۰: دیوان قانون اساسی جمهوری آذربایجان

ماده ۱۳۱: دیوان‌عالی جمهوری آذربایجان

ماده ۱۳۲: دیوان اقتصادی جمهوری آذربایجان

ماده ۱۳۳: اداره تعقیب قانونی عمومی جمهوری آذربایجان

بخش ۸) جمهوری خودمختار نخجوان

ماده ۱۳٤: ساختار جمهوری خودمختار نخجوان

ماده ۱۳۵: تقسیمات قدرت در جمهوری خودمختار نخجوان

ماده ۱۳٦: بالاترین مقام حکومتی در جمهوری خودمختار نخجوان

ماده ۱۳۷: مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان

ماده ۱۳۸: وظایف اساسی مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان

ماده ۱۳۹: مسائلی که مجلس عالی جمهوری خودمختار نخجوان به آنها می‌پردازد

ماده ۱۵۷: حق الحاق ضمایم به قانون اساسی جمهوری آذربایجان

ماده ۱۵۸: محدودیت حق الحاق ضمایم به قانون اساسی جمهوری آذربایجان

۲ـ۱ـ۱۲) مهم‌ترین مواد قانون اساسی

در بخش دوم از فصل اول قانون اساسی که به بنیان‌های حکومت می‌پردازد، ماده ۱۰ از مواد مهم است که به اصول اساسی سیاست خارجی اختصاص دارد. برابر این ماده جمهوری آذربایجان روابط خود با دیگر کشورها را برپایه قوانین و قواعد بین‌المللی که مورد قبول عموم کشورهاست، تنظیم می‌کند. این ماده نشان از آن دارد که آذربایجان به اصول و قوانین بین‌المللی و پدیده جهانی‌شدن اهمیت وافری قائل است.

بخش سوم قانون اساسی که در فصل دوم گنجانده شده، حاوی مواد بسیار مهمی است که به اصول حقوق و آزادی‌های انسانی و مدنی می‌پردازد.

ماده ۲٤ در این بخش اصول حقوق و آزادی‌های انسانی و شهروندی را تبیین می‌کند. طبق این ماده تمام شهروندان از بدو تولد دارای حقوق و آزادی‌های محفوظ، انکارناپذیر و محروم نشدنی هستند. این حقوق و آزادی‌ها باید دربرگیرنده تعهدات افراد به جامعه و اشخاص نیز باشد. این ماده توجه ویژه‌ای به حقوق و آزادی افراد دارد و باعث تضمین استمرار این حقوق و آزادی‌ها است و در عین حال تعهدات اجتماعی و فردی را نیز ملحوظ داشته است. ماده ۲٦ در همین بخش به همه شهروندان اختیار دفاع از این حقوق و آزادی‌ها را اعطا کرده و دولت را نیز در این زمینه مسئول دانسته است.

مواد ۳٦، ٤۷ و ٤۹ در بخش سوم به ترتیب به حق اعتصاب، حق آزادی بیان و اندیشه و آزادی تجمعات اشاره دارد. برابر این مواد تمام افراد حق اعتصاب (به تنهایی و به همراه دیگران) را دارند (ماده ۳٦)، آزادی اندیشه و بیان دارند (ماده ٤۷) و دارای حق برگزاری تجمعات هستند (ماده ٤۹). البته طبق ماده ۳٦ اعتصاب در مورد امتناع از کاری که طبق قرارداد باید صورت پذیرد، برابر چارچوب‌های تعیین شده در قانون می‌تواند محدود شود و نیز

اعتصاب نظامیان و افراد غیرنظامی شاغل در نیروهای نظامی و سایر سازمان‌های نظامی کشور غیرقانونی اعلام شده و نیز اعتصابات کارگری در چارچوب قانون مجاز شمرده شده است. در ماده ٤٧ اعلام شده که هیچ‌کس نباید به‌منظور ابراز عقاید و اصول مورد نظرش و یا طرد آن‌ها تحت فشار قرار داده شود. در این ماده تبلیغات تحریک‌آمیز نژادی، قومی و مذهبی که باعث عداوت و خصومت بین گروه‌های مختلف جامعه می‌شود، ممنوع شمرده شده است. همچنین در ماده ٤٩ علاوه بر حق برگزاری تجمعات به تمامی افراد اجازه داده شده که بدون توجه به اخطارهای مقامات دولتی، دست به برگزاری تجمعات غیرنظامی، صلح‌آمیز و برگزاری تظاهرات، راهپیمایی‌ها و راه‌اندازی دسته‌جات اعتراض در خیابان‌ها بزنند. در موارد یادشده در کنار قائل بودن حق اعتصاب، آزادی اندیشه و بیان و برگزاری تجماعت، تمهیداتی اندیشیده شده تا از فعالیت گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی در مواردی که صلاحدید نباشد، جلوگیری شود. همچنین در اعتصابات ملاحظاتی آورده شده است تا حقوق کارفرمایان نیز محفوظ بماند.

در بخش ۳ ماده ٤٤ به مسئله اقلیت‌های قومی پرداخته است. در این ماده اعلام شده که تمام افراد حق حفظ ملیت و اقلیت قومی مربوط به خود را دارند و نمی‌توان کسی را از تغییر ملیت یا قومیت خود محروم ساخت (یعنی هر کسی می‌تواند ملیت و قومیت خویش را به دلخواه تغییر دهد). این ماده در زمینه حق حفظ ملیت و قومیت افراد کلی‌گویی کرده و حد و حدود فعالیت‌های اقلیت‌های قومی را چندان روشن نساخته است.

ماده ٦٩ در بخش سوم نیز به حقوق شهروندان خارجی و افراد فاقد تابعیت اختصاص دارد.

طبق این ماده شهروندان خارجی و افراد فاقد تابعیت در جمهوری آذربایجان می‌توانند از تمام حقوق و آزادی‌های شهروندی برخوردار باشند و این افراد باید نسبت به تعهدات خود به شهروندان آذربایجانی در چارچوب قانون پای‌بند باشند. در این میان موافقت‌نامه‌های بین‌المللی که آذربایجان در آن‌ها عضو است، نیز مورد توجه قرار گرفته است. طبق این ماده همچنین حقوق و آزادی‌های افراد خارجی و فاقد تابعیت که به‌صورت دائمی یا موقت در سرزمین

آذربایجان اقامت دارند، تنها براساس قوانین آذربایجان و رویه‌های قانونی بین‌المللی محدود می‌شود. این ماده نیز حمایت مناسبی از شهروندان خارجی و افراد فاقد تابعیت در آذربایجان کرده و باعث ارتباط سهل و آسان آذربایجان با دنیای بیرون می‌شود.

مواد ٦٠ و ٦٦ در بخش سوم قانون اساسی به مسائل قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌پردازد. برابر ماده ٦٠ حقوق و آزادی‌های هر فردی باید در دادگاه تضمین شود. تمام افراد می‌توانند در دادگاه از عملکرد و یا اهمال و کم‌کاری مأمورین و مسئولان دولتی، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری و سایر اتحادیه‌ها و تشکل‌ها و نیز مقامات شکایت کنند. در ماده ٦٦ نیز آمده است: نمی‌توان هیچ‌کس را علیه خود، همسر، بچه‌ها، پدر و مادر، برادر و خواهرش وادار به شهادت در دادگاه کرد و فهرستی از تمامی بستگان کسی که باید علیه وی شهادت داده شود و شهادت آن اجباری نیست، باید توسط دادگاه مشخص شود.

بخش چهارم قانون اساسی جمهوری آذربایجان که در فصل دوم گنجانده شده است، به تعهدات اساسی شهروندان می‌پردازد. مواد ۷۲ و ۸۰ در این بخش به ترتیب به تعهدات اساسی شهروندان و پاسخگویی افراد اختصاص دارد.

برابر ماده ۷۲ تمام افراد باید در قبال حکومت و جامعه مسئولیت‌پذیر باشند که این مسئولیت‌پذیری از حقوق و آزادی‌های آن‌ها ناشی می‌شود. تمام افراد باید قانون اساسی و سایر قوانین آذربایجان را ملاحظه و از مفاد آن‌ها اطلاع داشته باشند و به حقوق و آزادی‌های سایر افراد احترام بگذارند. بی‌اطلاعی فردی از قوانین نمی‌تواند نافی تعهدات و مسئولیت‌های قانونی وی به‌شمار آید.

طبق ماده ۸۰ نیز تمام افراد در قبال تخطی از قانون اساسی و سایر قانون موضوعه و نیز تجاوز از حقوق و آزادی‌های قانونی و کوتاهی در انجام مسئولیت‌ها، باید پاسخگو باشد که شرایط آن را قانون تعیین می‌کند.

فصل سوم قانون اساسی به قوای سه‌گانه اختصاص دارد. بخش پنجم این فصل به قوه مقننه اختصاص دارد. در این بخش مواد ۸۹ و ۹۰ به ترتیب به شرایط ابطال حق نمایندگی

مجلس و مصونیت نمایندگان اشاره دارند.

طبق ماده ۸۹ نمایندگان مجلس ملی آذربایجان در صورت تحقق موارد زیر، حق نمایندگی خود را از دست می‌دهند:

ـ اثبات تخلف در انتخابات که منجر به انتخاب نماینده موردنظر شده باشد
ـ از دست دادن تابعیت کشور آذربایجان یا اخذ تابعیت کشور دیگر
ـ ارتکاب جرم که توسط دادگاه ثابت شده باشد
ـ تصدی پست‌های دولتی و استخدام در کارهای تجاری و سایر فعالیت‌های اقتصادی (به‌جز کارهای علمی و پژوهشی، آموزش و فعالیت‌های اکتشاف و اختراع)
ـ استعفا از سمت نمایندگی مجلس
ـ منحل شدن حزبی که نماینده موردنظر عضو آن است

طبق ماده ۹۰ نیز نمایندگان مجلس دارای مصونیت فردی هستند و آن‌ها را در محل کار نمی‌توان بازداشت کرد. در صورت ارتکاب جنایت توسط نماینده مجلس، بازداشت وی باید به اطلاع دادستان کل کشور برسد. در ضمن مصونیت نمایندگان فقط با پیشنهاد دادستان کل و تصمیم مجلس قابل ابطال است.

بخش ششم از فصل سوم به قوه مجریه اختصاص دارد. برابر ماده ۱۰۴ رئیس‌جمهور فاقد اختیارات و قدرت همیشگی و مادام‌العمر است.

در صورت بازنشستگی رئیس‌جمهور در حین دوران ریاست جمهوری و یا تهدید سلامتی وی به نحوی که قادر به ادامه کار در پست ریاست جمهوری نباشد، مجلس ملی باید موضوع بر کناری رئیس‌جمهور را برای تصمیم‌گیری به دادگاه قانون اساسی ارجاع کند.

همچنین برابر ماده ۱۰۷ از این بخش در صورتی که رئیس‌جمهور آذربایجان مرتکب جنایت شود، مجلس ملی موضوع را به دادگاه قانون اساسی و دیوان عالی منعکس می‌کند و ظرف مدت ۳۰ روز باید در مورد برکناری رئیس‌جمهور تصمیم‌گیری شود. برکناری رئیس‌جمهور در مجلس ملی باید با ۹۵ رأی تصویب شود.

برابر مواد بالا نیز اهرم‌های مناسبی برای کنترل عملکرد رئیس‌جمهور درنظر گرفته شده است.

۳ـ۱ـ۱۲) اصول تغییرناپذیر قانون اساسی

اصول و مواد تغییرناپذیر قانون اساسی جمهوری آذربایجان در خود قانون اساسی مشخص شده است. برابر ماده ۱۵۵ قانون اساسی مواد ۱ و ۲ و ٦ و ۷ و ۸ قانون اساسی تغییرناپذیر بوده و حتی به رفراندوم عمومی نیز نباید گذاشته شود. همچنین برابر ماده یادشده، اعمال محدودیت در مواد مشخص شده در فصل سوم قانون اساسی نیز نباید برای رفراندوم عمومی مطرح شود. مواد فصل سوم شامل بندهای مربوط به قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه و همچنین جمهوری خودمختار نخجوان است. مواد ۱ و ۲ و ٦ و ۷ و ۸ نیز به شرح زیر است:

ماده ۱: منبع قدرت

مردم آذربایجان باید تنها منبع قدرت در کشور جمهوری آذربایجان باشند. مردم آذربایجان شامل شهروندان جمهوری آذربایجان که در داخل سرزمین جمهوری آذربایجان یا خارج از کشور ساکن هستند، می‌شود که از حکومت آذربایجان و قوانین آن اطاعت می‌کنند و این قوانین نباید ناقض قوانین بین‌المللی باشد.

ماده ۲: حاکمیت مردم

مردم آذربایجان باید حق حاکمیت برای تصمیم‌گیری آزادانه و مستقل درباره سرنوشت و پایه‌گذاری دولت مورد نظرشان داشته باشند. مردم آذربایجان باید بتوانند حق حاکمیت خود را از طریق انتخابات مطابق با استانداردهای جهانی اعمال کنند و انتخابات موردنظر خود را به‌صورت حق انتخاب مستقیم و برابر به‌وسیله رأی مخفی و مستقل برگزار کنند.

ماده ٦: ممنوعیت غصب قدرت

هیچ گروه و بخشی از مردم آذربایجان، چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت گروه‌های اجتماعی سازمان یافته حق ندارد، با قدرت خویش، اختیارات مردم آذربایجان را غصب کند. غصب قدرت باید به‌عنوان یک جرم مهم علیه مردم تلقی شود.

ماده ۷: حکومت آذربایجان

حکومت آذربایجان باید جمهوری دموکراتیک، سکولار و متحد (یکپارچه) باشد. قدرت حاکمیت جمهوری آذربایجان در امور داخل باید براساس وظایف قانونی و در موضوعات بین‌المللی منحصر به توافقات بین‌المللی باشد. قدرت حکومت در جمهوری آذربایجان باید براساس اصول تقسیم قوا پایه‌گذاری شود:

قوه مقننه باید توسط پارلمان ـ مجلس ملی جمهوری آذربایجان ـ به اجرا درآید. قوه مجریه باید توسط رئیس‌جمهور آذربایجان اجرا شود و قوه قضائیه باید توسط دیوان‌ها اداره شود.

مطابق قانون اساسی قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه باید در ارتباط با هم و با همکاری انجام وظیفه نمایند و در عین حال در چارچوب اختیارات خود استقلال داشته باشند.

ماده ۸: رأس حکومت آذربایجان

رئیس‌جمهور باید رأس حکومت آذربایجان باشد. او باید نماینده کشور در سیاست‌های داخلی و خارجی باشد. او مسئولیت اتحاد مردم آذربایجان و ادامه حاکمیت کشور را دارد. رئیس‌جمهور آذربایجان باید استقلال، تمامیت ارضی و پایبندی کشور را در توافقات بین‌المللی تضمین کند. همچنین رئیس‌جمهور آذربایجان باید استقلال قوه قضائیه را نیز تضمین کند.

٤ـ۱ـ۱۲) مکانیزم انجام تغییرات در قانون اساسی

مطابق با مواد مندرج در بخش ۱۱ در فصل پنجم قانون اساسی انجام تغییرات در قانون

اساسی تنها از طریق رفراندوم عمومی صورت می‌گیرد. پس از ارائه پیشنهاد انجام تغییرات در قانون اساسی توسط مجلس ملی یا رئیس‌جمهور، این موضوع باید قبل از ارائه برای برگزاری رفراندوم به تأیید دیوان قانون اساسی جمهوری آذربایجان رسیده باشد. پیشنهادهای ارائه شده پس از تأیید در رفراندوم الزامی اجرایی دارد و دیوان قانون اساسی نمی‌تواند بعد از رفراندوم تصمیمی درباره تغییرات انجام شده بگیرد. البته شایان ذکر است که این تغییرات موادی را که در بند پیش گفته شد، شامل نمی‌شود.

رفراندوم در قانون اساسی

برابر ماده سوم قانون اساسی مسائل زیر از طریق رفراندوم عمومی انجام می‌شود:

۱ـ تأیید قانون اساسی جمهوری آذربایجان و انجام تغییرات بعدی در آن

۲ـ انجام تغییرات در مرزهای کشور جمهوری آذربایجان

مکانیزم کنترل اجرای قانون اساسی

برابر ماده ۱۳۰ قانون اساسی جمهوری آذربایجان دیوان قانون اساسی کشور وظیفه کنترل اجرای قانون اساسی را به‌عمده دارد. این دیوان، مطابقت مصوبات و فعالیت‌های در حال اجرا را با قانون اساسی و در برخی موارد سایر قوانین موضوعه کنترل می‌کند. همچنین تفسیر قانون اساسی و در برخی موارد سایر قوانین موضوعه کنترل می‌کند. همچنین تفسیر قانون اساسی به‌عهده این دیوان است. تصمیمات دیوان قانون اساسی در سرتاسر خاک آذربایجان (سرزمین اصلی و برونبوم نخجوان) جاری و لازم‌الرعایه است. مطابق ماده یادشده در بالا دیوان قانون اساسی در زمینه کنترل اجرای قانون اساسی به موضوعات و مسائل زیر می‌پردازد:

۱ـ مطابقت قوانین موضوعه، احکام و دستورات رئیس‌جمهور، مصوبات و دستورات کابینه وزرا، فعالیت‌های قانونی و حقوقی اعضای مرکزی (اصلی) قوه مجریه با قانون اساسی کشور

۲ـ مطابقت فعالیت‌های دیوان عالی کشور با قانون اساسی کشور

۳ـ مطابقت فعالیت‌های شهرداری‌ها با قانون اساسی کشور

٤ـ مطابقت معاهده‌های بین‌الدولی منعقده که آذربایجان در آن‌ها دخیل است با قانون اساسی کشور

۵ـ مطابقت قوانین موضوعه، مصوبات مجلس عالی و کابینه وزرای جمهوری خودمختار نخجوان با قانون اساسی جمهوری آذربایجان.

گفتنی است که دیوان قانون اساسی علاوه بر موارد ذکر شده وظایف و اختیارات دیگری نیز دارد که چون مربوط به قانون اساسی نیست در اینجا ذکر نمی‌شود.

۲ـ۱۲) قوانین مرتبط با مطبوعات[۲۰]

فعالیت‌های مطبوعاتی در جمهوری آذربایجان مشمول قانون «رسانه‌های گروهی» است که علاوه بر مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اینترنت را نیز شامل می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این قانون که در مصوبهٔ شماره ٨٤ هیأت وزیران جمهوری آذربایجان قید شده است، انتشار مطبوعات را منوط به ثبت رسمی آن‌ها توسط وزارت دادگستری و اخذ مجوز رسمی از مقامات دولتی دانسته است و این امر باعث اعتراض اکثریت فعالین مطبوعاتی در کشور شده است. آن‌ها این مقررات را مغایر با مفاد مندرج در قانون اساسی جمهوری آذربایجان و معاهده‌های بین‌المللی وضع شده توسط سازمان‌های بین‌المللی مرتبط در این زمینه از جمله پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی[1] و سند اجلاس حقوق بشر کپنهاگ متعلق به شورای امنیت و همکاری اروپا[2] می‌دانند. قانون اساسی جمهوری آذربایجان ممنوعیت کافی در قبال سانسور رسانه‌های گروهی درنظر گرفته و حق آزادی اندیشه و بیان و اطلاعات را به صراحت بیان داشته است. علاوه بر این موارد قانون اساسی جمهوری آذربایجان قوانین و معاهده‌های بین‌المللی را که آذربایجان در آن‌ها عضویت دارد، دارای اعتبار زیادی دانسته و در ماده ۱۵۱ قانون اساسی آمده است:

---

1. ICCPR

2. CSCE

هرگاه قوانین داخلی در مغایرت با قوانین و معاهده‌های بین‌المللی که آذربایجان آن‌ها را قبول کرده باشد، قوانین و معاهده‌های بین‌المللی قابلیت اجرا در کشور آذربایجان خواهد داشت. از این‌رو اجرای قانون مطبوعات (رسانه‌های گروهی) که در مغایرت با اصول مندرج در معاهده‌های بین‌المللی است، خلاف قانون اساسی است. فشار روزنامه‌نگاران و پیگیری مسئله از طریق مراجع بین‌المللی باعث شده که حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان علاوه بر متوقف کردن اجرای حکم صادره درخصوص تشکیل و فعالیت «شورای ملی مطبوعات، رادیو، تلویزیون و اینترنت» که ساختاری دولتی داشته، پیشنهاد اصلاح قانون فعلی مطبوعات را امضا کرده است. این اصلاحات ضرورت ثبت رسمی مطبوعات و اخذ مجوز رسمی از مقامات دولتی برای انتشار مطبوعات را منتفی کرده است و طبق گفته علی حسن‌اف، رئیس بخش اجتماعی ـ سیاسی نهاد ریاست‌جمهوری آذربایجان قانون جدید مطبوعات آذربایجان یکی از بهترین قوانین مطبوعات جهان خواهد بود. اقدامات اخیر رئیس‌جمهور و سایر مقامات دولتی در اصلاح قانون مطبوعات مورد استقبال روزنامه‌نگاران و فعالان مطبوعاتی به‌ویژه مسئولان «کنفدراسیون ژورنالیست‌های آذربایجان» (AJK)[1] قرار گرفت. مسئولان این کنفدراسیون معتقدند که کنترل دولتی بر روی فعالیت‌های مطبوعاتی مردود است ولی انتشار هر مطلبی بدون توجه به مسئولیت‌های آن نیز مورد قبول نیست. از این‌رو آن‌ها معتقدند، «شورای مطبوعات» لازم است تشکیل شود ولی نه با دخالت دولت. بلکه این شورا باید توسط فعالان مطبوعاتی تشکیل شود. گفتنی است که کنفدراسیون ژورنالیست‌های آذربایجان از نهادهای مطبوعاتی قوی و فعال به‌شمار می‌رود که جایگاه محکمی در بین مطبوعات دارد و ارتباطات گسترده‌ای با سازمان‌های بین‌المللی دارد. این نهاد مطبوعاتی در ماه مارس سال ۲۰۰۲ سمینار بین‌المللی در زمینه اخلاق مطبوعاتی، استانداردهای مطبوعات حرفه‌ای و خودکنترلی مطبوعات با حمایت و شرکت «فدراسیون بین‌المللی ژورنالیست‌ها» (IFJ)[2] برگزار کرد.

1. Azarbaycan Jurnalistlar Konfedrosion.

2. International Federation of Journalists

۳ـ۱۲) قوانین مرتبط با مسائل امنیتی[۲۱]

قوانین مرتبط با ورود و خروج و مسائل امنیتی کشور آذربایجان به شرح زیر است:

۱ـ قانون «وضعیت حقوقی (قانونی) خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت»

۲ـ قانون «ورود و خروج به کشور و گذرنامه‌ها»

۱ـ۳ـ۱۲) قانون وضعیت حقوقی (قانونی) خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت

این قانون که در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۹۶ توسط حیدرعلی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان امضا شده است در ٤ فصل و ۲۹ ماده تدوین شده است. در فصل اول این قانون ملاحظات کلی آمده است و اهداف قانون، مفاهیم و تعاریف و نحوه قانونگذاری در زمینه موضوع مورد بحث گنجانده شده است. در این فصل همچنین اصول وضعیت قانونی خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت آمده است که عبارت‌اند از:

الف ـ برابری آزادی‌ها و مسئولیت‌های خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت با شهروندان آذربایجانی مگر در مواردی که قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه و معاهدات بین‌المللی الزامی تعیین کرده باشد.

ب ـ لزوم توجه به علائق ملی جمهوری آذربایجان و احترام به آداب و رسوم مردم کشور توسط خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت.

ج ـ ایجاد محدودیت برای شهروندان کشورهایی که در خاک خود برای شهروندان آذربایجانی محدودیت ایجاد می‌کنند.

د ـ در این فصل از قانون همچنین موادی در زمینه مهاجرین و اقامت موقت، پناهندگی سیاسی و اعطای حق شهروندی جمهوری آذربایجان آمده است.

در فصل دوم قانون موادی در زمینه حقوق، آزادی‌ها، حق تعیین محل سکونت و جابه‌جایی، حق کار، سرمایه‌گذاری، ازدواج با شهروندان آذربایجانی، استراحت و تفریح، بهداشت، تأمین اجتماعی، سکونت، آزادی آگاهی فکر و اندیشه، آموزش، عضویت در

اتحادیه‌های عمومی، منع مشارکت در انتخابات و خدمت سربازی، دریافت عوارض و مالیات خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت آمده است.

در فصل سوم مسئولیت‌ها و تعهدات و اخراج افراد خارجی و فاقد تابعیت آمده است. در فصل چهارم نیز برتری معاهده‌های بین‌المللی و امنیت دیپلماتیک خارجی‌ها آمده است.

برخی از ملاحظات مهم و قابل‌توجه این قانون به‌شرح زیر است:

ـ مبنای قانونگذاری و اجرای قوانین موضوعه در زمینه خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت قانون اساسی جمهوری آذربایجان و معاهده‌های بین‌المللی است که آذربایجان در آن‌ها عضو است.

ـ اخراج خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت به‌منظور مراقبت از امنیت ملی، منافع عمومی، بهداشت و حقوق و علائق مردم صورت می‌گیرد و افرادی که در موارد یادشده دچار تخلف از قوانین موضوعه شوند، طبق دستور دادستان کل آذربایجان و نخجوان به‌مدت یک تا ۷ روز از کشور اخراج می‌شوند. مقامات اجرایی مناطق مسئول اجرای این احکام هستند و نمی‌توانند احکام صادره را به حالت تعلیق درآوردند.

ـ خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت نمی‌توانند عضو احزاب سیاسی قانونی کشور باشند. البته این افراد می‌توانند در اتحادیه‌های عمومی عضویت داشته باشند و حقی برابر با شهروندان آذربایجان داشته باشند مگر در مواردی که قوانین مرتبط جمهوری آذربایجان یا مسئولان اتحادیه مربوطه الزام دیگری تعیین کرده باشند.

ـ خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت حق تبلیغات مذهبی در خاک جمهوری آذربایجان را ندارند.

ـ خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت نمی‌توانند چه به‌عنوان کاندیدا، چه به‌عنوان مسئولان اجرایی انتخابات و چه به‌عنوان رأی‌دهنده در انتخابات کشور شرکت داشته باشند.

ـ خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت نمی‌توانند به خدمت سربازی در جمهوری آذربایجان اعزام شوند.

ـ خارجی‌ها و افراد فاقد تابعیت که به صورت موقت و به‌عنوان مهاجر وارد کشور شده‌اند درصورتی‌که دارای ارتباط فامیلی خونی (نسبی) بوده و یا با فردی که به صورت دائمی در کشور زندگی می‌کند، ازدواج کرده باشند می‌توانند به صورت دائمی در خاک کشور باقی بمانند.

۲ـ۳ـ۱۲) قانون ورود و خروج به کشور و گذرنامه‌ها

این قانون در تاریخ ۱٤ ژوئن سال ۱۹۹٤ به امضای حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان رسیده است و شامل ۱۷ بند است که عناوین بندها به‌شرح زیر است:

۱ـ حق ورود و خروج شهروندان آذربایجانی به کشور

۲ـ تحقق حق ورود و خروج شهروندان آذربایجانی به کشور

۳ـ گذرنامه شهروندان آذربایجانی

٤ـ گذرنامه مسافرتی

۵ـ گذرنامه خدماتی

٦ـ گذرنامه دیپلماتیک

۷ـ اطلاعاتی که باید در گذرنامه‌ها قید شود

۸ـ درخواست گذرنامه

۹ـ نحوه تنظیم و ارائه تقاضانامه گذرنامه

۱۰ـ جایگزینی گذرنامه

۱۱ـ وضعیت قانونی شهروندانی که کشور را برای اقامت دائمی در خارج ترک می‌کنند.

۱۲ـ ورود و خروج خارجی‌ها به کشور

۱۳ـ روادیدهای مربوط به ورود و خروج، ترانزیت (گذر) و بازگشت از کشور

۱٤ـ اخذ روادید

۱۵ـ وضعیت خارجیانی که بدون گذرنامه یا روادید وارد جمهوری آذربایجان می‌شوند

۱٦ـ مسئولیت تخلف از قانون حاضر

۱۷ـ اجرای معاهده‌های بین‌المللی

برخی از مهم‌ترین مفاد این قانون به‌صورت زیر است:

ـ حق خروج شهروندان آذربایجانی از کشور در مواردی‌که فرد موردنظر دارای اطلاعات امنیتی و اسرار نظامی باشد و یا در داخل کشور در دادگاه‌های قانونی علیه وی اعلام جرم شده باشد و یا شهروند موردنظر خدمت نظام وظیفه را به اتمام نرسانیده باشد، می‌تواند محدود شود.

ـ ورود خارجیان در مواردی‌که نظم عمومی و امنیت ملی را خدشه‌دار کند، به علائق ملی لطمه وارد کند و باعث انتشار بیماری‌های واگیردار شود (افراد بیمار را که برای مداوا وارد کشور می‌شوند شامل نمی‌شود) و در صورتی که فرد مورنظر در سفر قبلی اطلاعات غلط به مقامات دولتی داده باشد، ممنوع است.

ـ خروج خارجیان از کشور در صورتی‌که به امنیت ملی لطمه وارد کند (تا زمانی‌که این ضرورت و اضطرار مرتفع شود) و نیز در صورت ارتکاب جرایم مختلف ممنوع است.

فصل سیزدهم

بررسی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی

وزارتخانه‌های کشور و امنیت ملی مسئولیت اصلی امنیت و نظم سرزمین در جمهوری آذربایجان را عهده‌دار هستند. وزارت دفاع نیز در این مسئولیت سهیم است هرچند که نقش آن بیشتر در مرزها آشکار است.

تمامی نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی در جمهوری آذربایجان زیرنظر شورایی تحت عنوان «شورای دفاع» هستند که این شورا در مقابل رئیس‌جمهور پاسخگوست. اعضای این شورا را وزرای مربوط و فرماندهان عالی نظامی و انتظامی تشکیل می‌دهند. به‌طور کلی وزن اصلی مسئولیت‌ها و نیز اختیارات در زمینه مسائل امنیتی و انتظامی به‌عهده رئیس‌جمهور است. رئیس‌جمهور علاوه بر تشکیل و نظارت بر کار شورای دفاع که عالی‌ترین شورای امنیتی و انتظامی است، بسیج عمومی، تعیین حالت فوق‌العاده و اعلان جنگ و صلح را نیز برعهده دارد. البته موارد یاد شده اخیر باید توسط مجلس ملی نیز تصویب شود. هرچند که رئیس‌جمهور

فقط تعیین فرمانده کل نیروهای مسلح را عهده‌دار است ولی عملاً در تعیین برخی فرماندهان ارشد از قدرت و نفوذ خود استفاده می‌کند. تعیین فرمانده پلیس شهر باکو از جمله این موارد است.(۲۲)

همان‌طور که ذکر شد، وزارتخانه‌های کشور و امنیت ملی، دو وزارتخانه اصلی در زمینه مسائل امنیتی و انتظامی هستند. هرچند در منابع موجود تفکیک حیطه وظایف و دامنهٔ اختیارات این دو وزاتخانه به روشنی مشخص نیست ولی آن‌چه از اخبار و رویدادها بر می‌آید، این است که بیشترین نقش اجرایی را در زمینه برقراری نظم و امنیت در کشور را وزارت کشور به‌عهده دارد و به‌نظر می‌رسد، وزارت امنیت ملی بیشتر به امور مربوط به سیاستگذاری‌های امنیتی و ارتباط با سازمان‌های امنیتی در خارج می‌پردازد.

«گارد ملی» آذربایجان وظیفه تأمین امنیت داخلی و نیز حراست از مرزها را به‌عهده دارد. البته در مرز ارمنستان و در منطقه قره‌باغ به دلیل شرایط خاص، سایر قوای نظامی نیز حضور دارند. در این منطقه علاوه بر نیروهای نظامی و انتظامی، تعداد زیادی افراد شبه نظامی که حضور داوطلبانه دارند، به‌چشم می‌خورند. این نیروها از سال ۱۹۹۰ سازماندهی شده‌اند.(۲۳)

۱ــ۱۳) قراردادها و همکاری‌های امنیتی و انتظامی با کشورهای دیگر

یکی از کشورهایی که از ابتدا با آذربایجان در زمینه مسائل امنیتی و انتظامی همکاری داشته، روسیه است. این همکاری‌ها بعد از روی‌کارآمدن حیدر علی‌اف گسترش بیشتری یافت. گفتنی است که بعد از استقلال جمهوری آذربایجان، نیروهای نظامی روسیه در آذربایجان حضور داشتند و حتی امنیت مرزها به‌عهده این نیروها بود که بعد از روی‌کارآمدن ابوالفضل ایلچی‌بیگ، تمامی نیروهای روس آذربایجان را ترک کردند و با تشکیل گارد ملی، تأمین امنیت به‌طور کامل به‌عهده نیروهای آذربایجانی گذاشته شد.

حیدرعلی‌اف که در عرصه مسائل امنیتی بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده محسوب می‌شود، بارها با مقامات روسیه در زمینه همکاری‌های امنیتی و انتظامی مذاکره داشته است. وی علاوه بر مذاکره با رئیس‌جمهور روسیه، با مقامات امنیتی روسیه نیز دیدارهای مفصلی داشته است. دو کشور قراردادهایی نیز در زمینه همکاری‌های امنیتی و انتظامی امضا کرده‌اند. مفاد این قراردادها علاوه بر مسائل امنیتی بین دو کشور، مسائل امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی را نیز دربر می‌گیرد.(۲۴)

ترکیه از دیگر کشورهایی است که با آذربایجان در زمینه مسائل امنیتی و انتظامی همواره همکاری داشته است. هرچند که ترکیه به دلیل نداشتن مرز مشترک در خور توجه با آذربایجان و دوری نسبی به سرزمین آذربایجان نسبت به روسیه تأثیر و نقش کمتری در امنیت منطقه قفقاز و سرزمین آذربایجان دارد، ولی این کشور از ابتدای استقلال کمک‌های شایانی در زمینه مسائل امنیتی و انتظامی به آذربایجان کرده است.

ترکیه علاوه بر همکاری‌های امنیتی و انتظامی با آذربایجان در راستای تأمین امنیت منطقه و دفاع دو کشور، «قرارداد استرداد مجرمین» را نیز انعقاد کرده است. گفتنی است که ترکیه تنها کشوری است که آذربایجان چنین قراردادی را با آن امضا کرده است. این موضوع باعث شده که مخالفان سیاسی دولت آذربایجان که زمانی از ترکیه به‌عنوان پایگاهی برای تبلیغ عقاید خود و ارتباط با طرفداران‌شان در آذربایجان استفاده می‌کردند، نتوانند در این کشور آزادانه فعالیت نمایند.(۲۵)

همچنین طبق توافق‌های انجام شده بین دو کشور، افسران مجرب ترکیه، نیروهای نظامی و انتظامی آذربایجان را آموزش می‌دهند.(۲۶)

جمهوری آذربایجان با کشور آمریکا نیز همکاری‌های امنیتی و انتظامی دارد. آمریکا در راستای تأمین امنیت داخلی آذربایجان و منطقه قفقاز به این کشور کمک می‌کند. این کمک‌ها در قالب «برنامه کمک امنیتی» صورت می‌گیرد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا به همکاری‌های امنیتی با آذربایجان اهمیت بیشتری می‌دهد. برخی منابع خبر از استقرار برخی

نیروهای متعلق به گروه‌های افغانی افراطی و سازمان القاعده می‌دادند. این اخبار بیشتر از جانب منابع خبری وابسته به ارمنستان منتشر می‌شد. دولت آمریکا نیز با استناد به این اخبار و برخی اطلاعات موجود به کنترل مرزهای آذربایجان اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بوده و بارها از دولت آذربایجان خواسته است تا در داخل کشور اجازه استقرار و فعالیت به هیچ گروهی که دولت آمریکا آن‌ها را تروریست می‌نامد، ندهد.[۲۷]

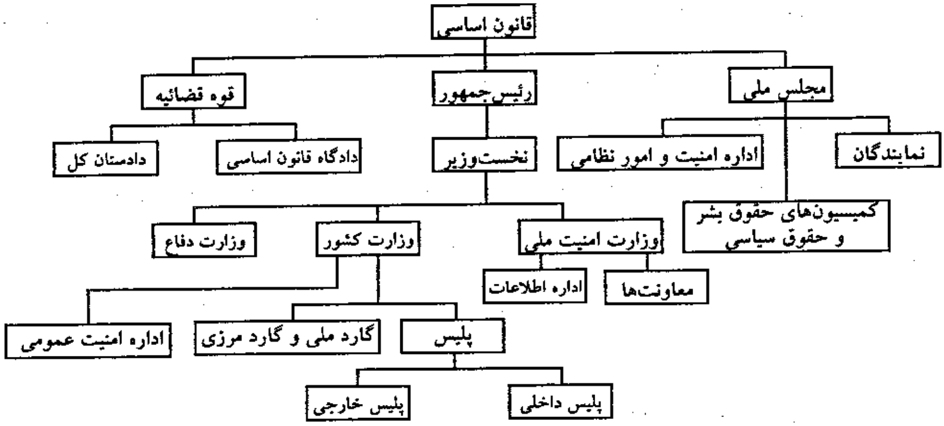
علاوه بر کشورهای یادشده جمهوری آذربایجان در چارچوب عضویت و همکاری خود با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، قراردادهای امنیتی با این سازمان‌ها امضا کرده است.

قرارداد «ترتیبات امنیتی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» از جمله این قراردادهاست که آذربایجان آن را با سایر کشورهای استقلال‌یافته از اتحاد جماهیر شوروی امضا کرده است.

یکی دیگر از این قراردادهای امنیتی در قالب تشکیل گروه همکاری‌های «گوام» تحقق یافته که کشورهای آذربایجان، گرجستان، اوکراین و مولداوی اعضای آن به‌شمار می‌آیند. آذربایجان همچنین در برنامه «همکاری برای صلح» ناتو عضویت دارد و تا به‌حال افسران ناتو چند سمینار آموزشی برای افسران آذربایجانی برگزار کرده‌اند.[۲۸]

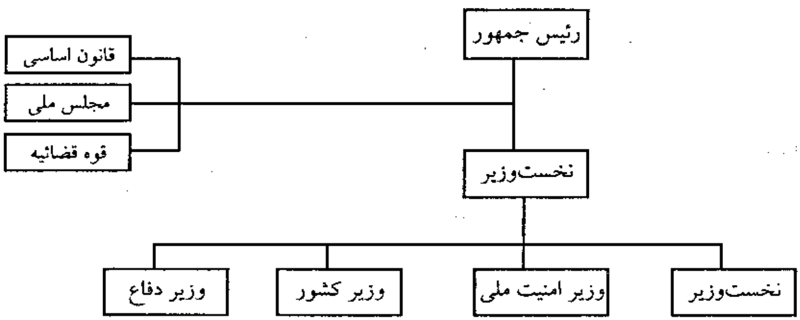
۲ـ۱۳) ساختار دستگاه‌های امنیتی و انتظامی آذربایجان

برابر قانون اساسی جمهوری آذربایجان، امنیت ملی کشور برپایه اصول دموکراسی، برابری شهروندان، پلورالیسم سیاسی، لیبرالیسم اقتصادی و صلح دولتی باید شکل گیرد.[۲۹] آن‌چه از مفاد قانون یاد شده، سایر قوانین موضوعه و نیز سیاست‌های اعلامی کشور بر می‌آید، هرچند مسئولیت اصلی امنیت ملی و برقراری نظم داخلی به عهده رئیس‌جمهور است ولی سایر بخش‌ها نیز دارای مسئولیت و اختیار هستند. بر این اساس، شاید بتوان ساختار قانونی امنیتی کشور را در نمودار زیر بیان کرد:



در این ساختار رئیس‌جمهور به همراه نخست‌وزیر و وزرای مربوطه با رعایت سلسله مراتب وظیفه تعیین سیاست‌های امنیتی و انتظامی و برقراری امنیت و نظم را عهده‌دار هستند.

مجلس ملی نیز مسئولیت تصویب لوایح دولتی را به‌عهده دارد. قوه قضائیه کشور نیز در زمینه تأمین امنیت ملی مساعدت قضایی می‌کند. دادستان کل کشور وظیفه دارد، محاکمه مجرمان مسائل امنیتی و انتظامی را ساماندهی کند. همچنین وظیفه دادگاه قانون اساسی در راستای کنترل اقدامات انجام شده و انطباق آن‌ها با قانون اساسی است. ساختار توصیف شده، ساختاری است که قانون تعیین کرده است ولی در عمل ساختار واقعی حاکم است. این ساختار را می‌توان به‌صورت زیر فرض کرد:



تفاوتی که این ساختار با ساختار قانونی دارد، این است که در این‌جا رئیس‌جمهور فراتر از قانون اساسی و سایر قوا قرار گرفته است و نیز رئیس‌جمهور ارتباط مستقیم با وزرا دارد و نخست‌وزیر در این‌جا نقش تعیین کننده ندارد. در شرایط حاضر در عرصه امنیت ملی و مسائل مربوط به برقراری نظم داخلی ۳ نفر تصمیم‌گیرنده اصلی به‌شمار می‌روند و بقیه نقش حاشیه‌ای دارند یا مجری سیاست‌های این تصمیم‌گیرندگان هستند. این ٤ نفر عبارت‌اند از: حیدر علی‌اف رئیس‌جمهور، الهام علی‌اف نخست‌وزیر، نامیق عباس‌اف وزیر امنیت ملی و امیل یوسف اف وزیر کشور.

افراد یاد شده نفوذ و اقتدار خود در عرصه امنیت ملی را علاوه بر منصب و پست دولتی مدیون شخصیت سیاسی خود هستند. گفتنی است که در نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران در سال ۲۰۰۲ علی‌اف در بین ۵۰ سیاستمدار مقام دوم، نخست‌وزیر مقام ششم، وزیر امنیت ملی مقام هفتم و وزیر کشور مقام بیستم را دارند. در این میان جایگاه نامیق عباس‌اف، وزیر امنیت ملی که بالاتر از نخست‌وزیر (مقام چهاردهم) و رئیس مجلس (مقام بیست و نهم) و سایر وزراست، در خور توجه است.[۳۰] زیرا اصولاً توده مردم، روشنفکران و افراد صاحب‌نظر و کارشناسان مسائل سیاسی ـ اجتماعی ذهنیت مثبتی از وزارت امنیت ملی ندارند و بدون شک عباس‌اف این رتبه را مدیون ارتباطات وسیع خود و اندیشه‌های سیاسی‌اش است.

۳ـ۱۳) مهم‌ترین چالش‌ها و موانع فراروی نیروهای انتظامی و امنیتی

از آن‌جا که کشور آذربایجان سالیان متمادی تحت حاکمیت نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی قرار داشته و این نظام برای حفظ خود از شدیدترین تدابیر امنیتی و شیوه‌های پلیس بهره می‌گرفت، از این رو با گذشت بیش از ۱۰ سال از فروپاشی شوروی، دستگاه‌های امنیتی و انتظامی هنوز به شیوه‌های غیرقانونی و مخوف متداول در سازمان‌های امنیتی شوروی مثل «ک.گ.ب» متوسل می‌شوند. این شیوه‌ها در رده‌های پایینی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی بیشتر به چشم می‌خورد. به کار بردن چنین شیوه‌هایی در کنار شعارهای دموکراتیک مسئولان کشور

باعث نوعی سردرگمی شده است. مقامات کشور از یک طرف سعی دارند، در اذهان عمومی و در مجامع بین‌المللی به‌عنوان طرفداران دموکراسی و آزادی‌خواهی معرفی شوند که ادامهٔ حاکمیت و نیز ارتباط سیاسی و اقتصادی با جهان خارج وابسته به آن است و از طرف دیگر نمی‌توانند، شاهد گسترش و آزادی فعالیت افراد و گروه‌های سیاسی مخالف باشند که باعث کاهش نفوذ و اقتدار حاکمیت می‌شود. وجود چنین شرایطی مسئولان رده بالای امنیتی و سیاسی آذربایجان را در وضعیتی متناقض‌نما (پارادوکسیکال) قرار داده است.

به‌طور کلی چالش‌های امنیتی آذربایجان را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

ـ **بحران قره‌باغ:** این چالش مهم‌ترین و اصلی‌ترین معضل آذربایجان در عرصه امنیتی به‌شمار می‌رود. بحران قره‌باغ دارای وجوه متعددی است و علاوه بر امنیت داخلی، به یک معضل بین‌المللی و منطقه‌ای برای آذربایجان تبدیل شده است. علل، ریشه‌ها و ماهیت این بحران در بخش مربوطه به تفصیل توضیح داده شده است و آن‌چه در این‌جا نیاز به یادآوری دارد، این است که مناقشه قره‌باغ که در حالت نه صلح و نه جنگ قرار دارد، بخش عظیمی از نیروهای نظامی و انتظامی و نیز گروه‌های داوطلب مردمی را به‌خود مشغول کرده است و طبیعی است که این مسئله تأثیر منفی بر برقراری امنیت و نظم داخلی کشور دارد و توان امنیتی و انتظامی کشور را تضعیف کرده است. افزون بر این برطرف نشدن این بحران مشروعیت رژیم سیاسی آذربایجان را خدشه‌دار ساخته و سبب انتقاد و نارضایتی مردم و گروه‌های سیاسی شده است. همچنین مناقشه قره‌باغ باعث آواره‌شدن نزدیک به یک میلیون نفر از مردم کشور شده است که در اردوگاه‌های آوارگان به‌صورت گروهی زندگی می‌کنند. ادامهٔ اشغال خاک آذربایجان باعث نارضایتی این آوارگان شده و تأمین امنیت و برقراری نظم در بین آن‌ها از چالش‌های فراروی نیروهای امنیت و انتظامی است.

ـ **گروه‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی مخالف دولت:** این گروه‌ها و افراد از طریق

رسانه‌های گروهی در داخل کشور و نیز در خارج، مشروعیت رژیم حاکم را به شدت مورد تهاجم قرار می‌دهند. این گروه‌ها همچنین با برگزاری میتینگ‌ها و راه‌اندازی تظاهرات سیاست‌های دولت را محکوم می‌کنند. مقامات آذربایجان در مقابل این اعتراضات برخی مواقع از طریق دعوت به راهپیمایی طرفدرانشان اقدام می‌کنند و یا در رسانه‌های گروهی متعلق به دولت و یا حامی آن جواب مخالفت‌ها و انتقادها را می‌دهند ولی در پاره‌ای از موارد نیروهای امنیتی و انتظامی اقدام به دستگیری گروهی و فردی مخالفان می‌کنند. گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی مخالف دولت رام ی‌توان به ۲ دسته تقسیم کرد:

ـ **گروه‌ها و شخصیت‌های طرفدار دموکراسی و اصلاحات:** این دسته بخش عمده مخالفان را تشکیل می‌دهد. این گروه‌ها با رهبری شخصیت‌های سیاسی شناخته شده‌ای مثل عیسی قنبر رهبر حزب مساوات، علی کریم‌لی رهبر جبهه خلق (اصلاحات‌گران) و رسول قلی‌اف رهبر حزب دموکرات، تبلیغات وسیعی علیه حزب حاکم به راه انداخته‌اند و قصد دارند در انتخابات آتی ریاست جمهوری حاکمیت فعلی را مغلوب سازند.

ـ **گروه‌های اسلام‌گرا:** تعداد افراد این گروه‌ها در مقایسه با دسته قبلی بسیار اندک است. فعالیت این گروه‌ها بیشتر در اطراف باکو به ویژه شهرک نارادان متمرکز است. اعضای این گروه‌ها محدودیت بیشتری نسبت به گروه‌های طرفدار دموکراسی و اصلاحات دارند و از حمایت مردمی کمتری نسبت به دسته قبلی برخوردارند. علی‌اکرم علی‌اف رهبر حزب صدای اسلام که فعالیت‌های اسلام‌گرایی بیشتر حول شخصیت وی متمرکز است. در زندان به سر می‌برد و محدودیت‌های زیادی برای خانواده و طرفدرانش از طریق مقامات امنیتی ایجاد شده است.

ـ **اقلیت‌های قومی:** به جز ارامنه آذربایجان که تحرکات تجزیه‌طلبی آن‌ها باعث به‌وجود

آمدن مناقشه قره‌باغ شده است، اقوام دیگری در آذربایجان هستند که در اقلیت بوده و تلاش‌هایی در راه استقلال و خودمختاری دارند. اقوام تالش، لزگی، روس (که تعدادشان بعد از استقلال آذربایجان کاهش یافته است)، کرد و آوار از مهم‌ترین این اقوام هستند. البته این اقوام چه از نظر تعداد و چه از نظر دارا بودن شخصیت‌های فعال سیاسی، مخاطره چندان جدی برای امنیت ملی آذربایجان محسوب نمی‌شوند. در بین این اقوام تحرکات استقلال خواهی قوم تالش بیش از بقیه است. این تحرکات چند سال پیش در لنکران (مرکز جنبش) سرکوب شد. قوم لزگی نیز با توجه به عدم وجود جنبش قومی و سازماندهی شده، فاقد قدرت لازم برای به مخاطره انداختن امنیت ملی کشور است.(۳۱)

٤ـ۱۳) توانمندی‌ها و نقاط ضعف سازمان نیروهای انتظامی و امنیتی

استعداد نیروی انسانی نیروهای انتظامی کشور حدود ۲۰ هزار نفر برآورد می‌شود (برآورد سال ۱۹۹٤). این افراد در قالب پلیس رسمی کشور و زیر نظر وزارت کشور سازمان‌دهی شده‌اند. این نیروها به‌صورت دائمی هستند. علی‌رغم وجود این نیروها که در قالب گارد مرزی در مرزها و مبادی ورود و خروج کشور مستقر هستند، کشور آذربایجان در کنترل پدیده قاچاق نقاط ضعف فراوانی دارد این ضعف در عدم توانایی کنترل مؤثر قاچاق موادمخدر بیش از سایر موارد آشکار است.(۳۲) اسم تعدادی از این افراد در فهرست سازمان‌های حقوق بشر نیز قید می‌شود.(۳۳)

تخلف مأمورین امنیتی و انتظامی از نقاط ضعف اصلی امنیت در کشور است که بازداشت‌های غیرقانونی، رفتار نامناسب با زندانیان و ارتشاء از موارد اصلی این تخلفات هستند. البته دولت سعی دارد با این متخلفین برخورد قاطعی داشته باشد. طبق گزارش حقوق بشر دولت آمریکا بیشتر مأمورین متخلف مجازات می‌شوند. طبق اعلام برخی سازمان‌های غیردولتی در آذربایجان در سال ۲۰۰۰ حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ زندانی سیاسی در آذربایجان وجود داشته است که جرم تعدادی از آن‌ها اقدام نظامی برای سرنگونی حکومت بوده است.

ازنظر ساختاری و تشکیلاتی به نظر می‌رسد، سازمان نیروهای انتظامی و امنیتی ضعف چندانی نداشته باشند و ساختار مناسبی برای انجام وظیفه این نیروها وجود دارد. همچنین میزان تجهیزات و منابع مالی این نیروها به درستی مشخص نیست ولی این نیروها در قالب نیروهای نظامی سالانه ۱۲۱ تا ۱۲۵ میلیون دلار بودجه دارند که ۱۰/۵ درصد از بودجه کل کشور است.[۳٤]

نیروهای امنیتی به‌ویژه پلیس در باکو مؤثرترین حضور را دارد. پلیس شهر باکو در مناطق یازده‌گانه شهر شعبه دارد و ژنرال محرم علی‌اف سمت ریاست پلیس باکو را به‌عهده دارد.

گفتنی است که نیروهای امنیتی آذربایجان محدود به نیروهای انتظامی وابسته به وزارت کشور نیستند، بلکه وزارت امنیت ملی نیز مأمورانی دارد که بیشتر در شهرها مستقر هستند. از تعداد این نیروها اطلاعاتی در دست نیست، ولی کار این نیروها کنترل، تعقیب و در پاره‌ای موارد بازداشت افرادی است که مخل امنیت ملی تشخیص داده می‌شوند. این بازداشت‌ها گاهی بدون اخذ مجوز از مراجع ذی‌صلاح صورت می‌گیرد. تعداد کثیری از مردم آذربایجان (به‌ویژه در شهرهای بزرگ) معتقدند که وزارت امنیت ملی مکالمات تلفنی و ارتباط اینترنتی برخی افراد را کنترل می‌کنند. این کنترل‌ها در زمینه ارتباط با خارجیان و فعالین سیاسی بیشتر به چشم می‌خورد. این کنترل‌ها در اکثر موارد بدون اخذ مجوز از مراجع قضایی صورت می‌گیرد. در حالی‌که طبق قانون اساسی انجام چنین عملی بدون حکم دادگاه ممنوع است. زندان‌ها در آذربایجان زیرنظر وزارت دادگستری است ولی مجرمین سیاسی و امنیتی را در زندان‌های مخصوص متعلق به ارگان‌های امنیتی نگهداری می‌کنند که در این زندان‌ها، زندانیان در زمینه انجام فعالیت‌های ورزشی و دیدار با اعضای خانواده وکلای خود محدودیت دارند.[۳۵]

وجود چنین وضعیتی باعث شده تا نارضایتی عمومی نسبت به دستگاه‌های امنیتی روزبه‌روز بیشتر شود. البته شایان ذکر است که بیشتر اقدامات غیرقانونی توسط مأمورین رده‌های پایین صورت می‌گیرد و در صورت شکایت مردم در پاره‌ای از مواد رسیدگی نیز می‌شود. طبق اعلام وزارت کشور آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ حدود ۷٤۰ مأمور پلیس به

اتهام سوءاستفاده از سمت خود و انجام اعمال خلاف قانون محاکمه شده‌اند که ۹۱ نفر از آن‌ها از کار برکنار شده‌اند. همچنین همه‌ساله طی فرمان عفو رئیس‌جمهور تعداد زیادی از زندانیان آزاد یا در مجازات آن‌ها تخفیف داده می‌شود که در بین آن‌ها مخالفان سیاسی نیز وجود دارند.

فصل چهاردهم

احزاب و گروه‌های سیاسی

۱ـ۱۴) سیر تحول احزاب و گروه‌های سیاسی[۳۶]

در آغاز قرن بیستم، ۲۲ حزب سیاسی در آذربایجان وجود داشت. بعد از استقرار جمهوری اول (۱۹۲۰ ـ ۱۹۱۸) احزاب وارد پارلمان شدند که بعد از فروپاشی جمهوری دموکراتیک (جمهوری اول) فعالیت کلیه احزاب متوقف شد و تنها حزب کمونیست که حزب حاکم بر سراسر اتحاد جماهیر شوروی بود، به‌صورت فعال باقی ماند. بعد از استقلال کشور و از سال ۱۹۹۲ گرایش عمومی به تشکیل احزاب سیاسی رشد کرد. اکثر احزاب پیرامون شخصیت‌های سیاسی مردمی تشکیل شد. در ابتدا تفاوت محسوسی بین برنامه‌ها و اهداف احزاب سیاسی نبود و تأمین رفاه و شادمانی مردم هدف نهایی همهٔ احزاب بود.

بعد از استقلال کشور احزاب سیاسی بیشتر گرایش به یکپارچگی و ایجاد تشکل‌های متحد داشتند از این‌رو در سال‌های بعد شوراهای احزاب تشکیل شدند. این شوراها عبارت بودند از:

کنفرانس احزاب[1] و کنگره دموکراتیک[2].

کنفرانس احزاب در سال ۱۹۹۵ با ایده سازمان‌دهی یکپارچگی سیاسی باکو و روستاهای اطرافش تشکیل شد. تعداد احزاب تشکیل‌دهندهٔ این کنفرانس در یک برههٔ زمانی به ۲۳ حزب رسید. نشست‌های کنفرانس اغلب در دفاتر مرکزی احزاب سوسیال دموکرات برگزار می‌شد. فعالیت کنفرانس در سال ۱۹۹۸ موقتاً تعطیل شد. احزاب عضو کنفرانس عبارت بودند از:

۱ـ احرار[3]

۲ـ مام میهن[4]

۳ـ اتحاد باکو و روستاها[5]

٤ـ وحدت[6]

٥ـ دموکرات مستقل[7]

٦ـ آزادی خلق[8]

۷ـ اتحاد هموطنان[9]

۸ـ هموطن[10]

۹ـ تفکر دموکراتیک[11]

۱۰ـ استقلال دموکراتیک[12]

۱۱ـ مساوات[13]

---

1. Round table
2. Democratic Congress
3. ahrar (احرار)
4. Ana Vatan (آناوطن)
5. Baki Va Kandlar Birliy (باکی و کندلر بیرلیی)
6. Vahdat (وحدت)
7. Mustaqil Demokrat (مستقل دموکرات)
8. Xalq Azadliq (خالق آزادلیقی)
9. Vatandas Hamrayliyi (وطن داش هم رأی لیی)
10. Yurddas (یورداش)
11. Demokratik Tafakkur (دموکراتیک تفکر)
12. Demokratik Istiglal (دموکراتیک استقلال)
13. Musavat (مساوات)

۱۲ـ دموکراتیک ملی[۱]

۱۳ـ گرگ خاکستری[۲]

۱۴ـ مساوات ملی[۳]

۱۵ـ ترقی ملی[٤]

۱۶ـ دموکراسی خلق[٥]

۱۷ـ جبهه خلق[٦]

۱۸ـ راه راست[۷]

۱۹ـ سوسیال دموکرات[۸]

۲۰ـ عدالت اجتماعی[۹]

۲۱ـ اتحاد[۱۰]

۲۲ـ کار[۱۱]

۲۳ـ توران جوان[۱۲]

۲ـ۱٤) شناسایی احزاب

ـ حزب آذربایجان نوین[۱۳] (۳۷)

این حزب در سال ۱۹۹۲ در مخالفت با «جبهه خلق آذربایجان» تشکیل شد. قوام و پایداری

---

1. Mili Demokratik (میللی دموکراتیک)
2. Boz qurd(بوزقورد)
3. Milli Barabarlik (میللی برابرلیک)
4. Milli Taraggi(میللی ترقی)
5. Xalq Demokratik(خالق دموکراتیک)
6. Xalq Cabhasi(خالق جبهه سی)
7. Dogru Yol (دوغرویول)
8. Xalq Cabhasi(خالق جبهه سی)
9. Sosyal adalat (سوسیال عدالت)
10. Birlik(بیرلیک)
11. Amak (امک)
12. Ganc turan(گنج توران)
13. Yeni Azarbaycan Partyasi (ئینی آذربایجان پارتیاسی)

این حزب و نیز رشد سریع و خارق‌العاده آن تا حدود زیادی وابسته به شخصیت «حیدر علی‌اف» است. در حال حاضر رهبری حزب به‌عهده علی‌اف (رئیس‌جمهور فعلی کشور) است. سوسیالیسم و لیبرالیسم بین‌المللی و دموکراسی از شعارهای این حزب بوده و در جمهوری خودمختار نخجوان که محل تولد و محل فعالیت سابق علی‌اف است، دارای پایگاه مردمی قوی هست. مسئولان این حزب افراد ذی‌نفوذی هستند که در پست‌های دولتی کلیدی هستند علاوه بر علی‌اف، مرتضی علی‌عسگراف رئیس مجلس فعلی، علی انسان‌اف وزیر بهداشت و ژنرال رافائل الله وردی‌اف وزیر کار و تأمین اجتماعی، سمت مدیر اجرایی حزب را عهده‌دار است.

در شرایط حاضر این حزب بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حزب جمهوری آذربایجان به‌شمار می‌رود. اعضای حزب حدود ۱۵۰ هزار نفر هستند. در این حزب، کمونیست‌های سابق که در شرایط فعلی تغییر موضع داده‌اند، عضویت داشته و دارای قدرت زیادی نیز هستند.

هرچند که مخالفان اعتراضات و انتقادات شدیدی علیه عملکرد این حزب و رهبران آن دارند ولی تا به حال پرطرفدارترین حزب سیاسی بوده و طبق آخرین رأی‌گیری پارلمان در نوامبر سال ۲۰۰۰ ، ٦٢/٣ درصد از کرسی‌های نمایندگی مجلس را به‌دست آورده است.

روزنامه‌های «آذربایجان نوین»[1]، «صدا»[2] و «نخجوان»[3]، ارگان مطبوعاتی این حزب هستند.

به نظر می‌رسد که بعد از سال ۲۰۰۰ که سختگیری‌های دولت علی‌اف در مورد مخالفان و عملی‌نشدن وعده‌های دولت (به‌ویژه در زمینه حل بحران قره‌باغ و بهبود وضعیت معیشتی مردم) ظهور کرده، محبوبیت این حزب کاهش یافته است. اعتراضات و انتقادات مطرح شده در مطبوعات، میتنگ‌ها و راهپیمایی‌ها (البته در سطحی محدود) حکایت از این دارد که دوران افول علی‌اف و حزب متبوعش شروع شده است.

افزون بر اعتراضات یاد شده، نظرسنجی‌های به عمل آمده نیز مؤید این مطلب است. در

---

1. Yeni Azarbaycan (ئینی آذربایجان) 2. sas (سس)
3. Naxcivan

نظرسنجی صورت گرفته توسط «آژانس اطلاع‌رسانی توران»[1] که در خصوص میزان فعالیت و نیز نفوذ احزاب سیاسی در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ انجام شده، حزب آذربایجان نوین در سال ۲۰۰۱ مقام دوم را کسب کرده و این رتبه در سال ۲۰۰۲ به سوم نزول کرده است. همچنین طبق این نظرسنجی رهبر و مسئولان این حزب از نظر میزان فعالیت و محبوبیت در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ رتبه‌های زیر را کسب کرده‌اند:

رتبه‌بندی مسئولان و اعضای حزب آذربایجان نوین
از نظر میزان فعالیت و محبوبیت طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	سمت و حزب	سمت در دستگاه‌های حکومتی	رتبه در سال ۲۰۰۱	رتبه در سال ۲۰۰۲
۱	حیدر علی اف	رهبر	رئیس‌جمهور	۱	۲
۲	الهام علی‌اف (پسر حیدر علی‌اف)	عضو	-	۵	٦
۳	مرتضی علی عسگراف	معاون رهبر حزب	رئیس مجلس ملی	۲۳	۲۹
٤	علی احمداف	عضو	-	۲۹	۳۰
۵	ضیافت عسگراف	عضو	-	۳۲	۳۵
٦	سیاوش نوروز	عضو	-	۳٦	۳۸

شایان ذکر است که در این نظرسنجی کارشناسان، تحلیلگران و سیاستمداران مختلفی دیدگاه‌های خویش را اعلام داشته‌اند. در این نظرسنجی کلاً ۵۰ نفر از فعالین سیاسی ذکر شده است که اعضای حزب آذربایجان نوین حدود ۱۲ درصد از این تعداد را شامل می‌شود. نکته

1. Turan Informasiya Agentliyi (توران اینفورماسیا آگنت لیبی)

قابل توجه در این نظرسنجی تنزل رتبه تمام ٦ نفر عضو این حزب است. دامنه این تنزل رتبه در طول یکسال از یک رتبه (مربوط به حیدرعلی‌اف) تا ٦ رتبه (مربوط به مرتضی علی عسگراف) بوده است.

با توجه به روند فعلی حاکم بر فضای سیاسی جمهوری آذربایجان محبوبیت این حزب روز به روز در حال کاهش است. حزبی که روزگاری حرف اول را در سیاست داخلی آذربایجان می‌زد، در اثر سوءاستفاده‌های صورت گرفته توسط مسئولان دستگاه‌های حکومتی که اکثراً از طرف این حزب حمایت می‌شوند و عدم توانایی در نیل به اهداف و شعارهای ابتدای حاکمیت، جایگاه قبلی خود را از دست داده باشد. البته این حزب و علی‌الخصوص رهبر آن علی‌اف طرفداران زیادی در بین مردم دارد.

اگر تا پاییز سال ۲۰۰۳ که زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است، احزاب مخالف به تبلیغات خود در جهت متحد کردن جبههٔ مخالفان و به تصویر کشیدن نقاط ضعف حاکمیت به این صورت ادامه دهند، احتمال شکست این حزب در انتخابات وجود دارد.

ـ جبهه خلق آذربایجان[۱](۳۸)

جبهه خلق آذربایجان در سال ۱۹۸۹ برای تثبیت و اجرای سیاست «فضای باز سیاسی» (پروسترویکا) در زمان اتحاد جماهیر شوروی درجمهوری آذربایجان ایجاد شد. این جبهه در ابتدا حزب به‌شمار نمی‌آمد و در واقع جنبشی بود که به منزله چتر حمایتی افراد و گروه‌های مخالف رژیم کمونیستی محسوب می‌شد. جبهه خلق آذربایجان در زمان ریاست جمهوری ابوالفضل ایلچی بیگ و رهبری این حزب توسط وی در بالاترین نقطه محبوبیت و قدرت قرار داشت. این حزب در سال‌های ابتدای وابستگی زیادی به شخص ایلچی بیگ داشت. ایلچی‌بیگ، بنیانگذار این جبهه محسوب می‌شود و نام جبهه خلق با نام وی عجین شده است.

1. Azarbaycan Xalq Cabhasi (آذربایجان خلق جبهه سی)

ابوالفضل ایلچی بیگ اهل روستای «کلکی» (روستایی دور افتاده در جمهوری نخجوان) در زمان تحصیل در رشته شرق‌شناسی در باکو به اتفاق افرادی مثل «رافیق اسمائیل» و «اسمائیل حمد اف» اولین فعالیت‌های سیاسی را در راستای استقلال آذربایجان شروع کرد. او در این راه دستگیر و زندانی و تبعید شد. در سال‌های اولیه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایلچی بیگ با تکیه بر محبوبیت خود در حزب متبوعش حکومت را در دست گرفت. او تا آن‌جا که توانست وابستگی آذربایجان گنجه و ساقط شدن حکومت‌اش به زادگاه خود برگشت و در سال ۲۰۰۰ در یکی از بیمارستان‌های ترکیه بعد از عمل جراحی پروستات درگذشت.

هر چند که ایلچی بیگ به مانند حیدر علی‌اف از اقتدار بالا و مشروعیت کاریزماتیک در حزب خود برخوردار بود ولی شیوه زندگی، حکومت و فعالیت‌های سیاسی وی با علی‌اف متفاوت بود. او برعکس علی‌اف فرصت‌طلب نبوده و عقاید خود را وجه‌المصالحه خواسته‌هایش قرار نمی‌داد. به‌طور کلی اذهان عمومی آذربایجان به ایلچی بیگ به چشم یک قهرمان و ادامه‌دهندۀ راه «محمد امین رسول‌زاده» (بنیانگذار اولین حکومت جمهوری دموکراتیک در آذربایجان در سال‌های ۱۹۲۰ ـ ۱۹۱۸) می‌نگرند. گروهی از اعضای حزب جبهه خلق راه ایلچی بیگ را تنها راه درست برای ادامه حیات آذربایجان می‌دانند.

در حال حاضر حزب جبهه خلق آذربایجان حدود ۸۰ هزار نفر عضو دارد و علی‌رغم مخالفت با دولت کنونی حزبی قانونی به‌شمار می‌رود و در انتخابات ۱۹۹۵ توانست ٤ کرسی در پارلمان به دست آورد که از این تعداد یک کرسی متعلق به رایون «گره‌بی» بوده و ۳ کرسی نیز از طریق رأی‌گیری الکترال به‌عنوان سهمیه حزب به‌دست آمده است. نماینده رایون «گره‌بی» نظامی قلی‌اف بوده که عضو حزب است و علی‌کریم‌اف رهبر جناح لیبرال دموکرات، میر محمود فتاح‌اف معاون امور تشکیلاتی حزب و غلامحسین علی‌اف عضو حزب نمایندگان انتخاب شده از طریق رأی الکترال هستند.

ملی‌گرایی، استقلال و دموکراسی از مهم‌ترین اهداف این حزب محسوب می‌شوند. گفتنی است که این حزب در سال‌های اخیر به دو جناح «کلاسیک‌ها» و «لیبرال دموکرات‌ها

(اصلاحاتی‌ها)» منشعب شد که کلاسیک‌ها، طرفداران ایلچی‌بیگ و لیبرال دموکرات‌ها، طرفدار علی‌کریم‌لی هستند. در آخرین کنگره حزب جناح لیبرال دموکرات‌ها ۷۰ درصد آرا را به خود اختصاص دادند و در تمام ارگان‌ها و بخش‌های حزب غلبه دارند. همین‌طور در فضای سیاسی جامعه، جناح لیبرال دموکرات بیشتر مطرح است و نماینده جبهه خلق در بین مردم و روشنفکران محسوب می‌شود.

جبهه خلق برخلاف حزب آذربایجان نوین که تعدادی از پست‌های حکومتی مهم را به اعضای خود سپرده است، در زمان حاکمیت نقش آن‌چنانی به‌جز پست ریاست جمهوری نداشت. در آن زمان هیچ‌کدام از اعضای حزب در کابینه نبود فقط علی کریم‌اف که در آن موقع معاون اول حزب بود، سمت دبیر دولت را داشت و نیز فاضل مصطفایف و عاصم ملازاده، معاونین حزب در نهاد ریاست‌جمهوری به ترتیب امور اداری و امورخارجه را دنبال می‌کردند و عارف پاشایف از اعضای حزب نماینده رئیس‌جمهور در مسئله قرباغ بود. در این دوره بیشتر وزرا و نیز رئیس مجلس ملی از حزب مساوات متحد حزب جبهه خلق بودند.

به‌طور کلی محبوبیت جبهه خلق (چه در زمان حاکمیت و چه بعد از آن) در مقایسه با حزب آذربایجان نوین در بین اقشار مردم همواره کمتر بوده است. در زمان حاکمیت این حزب ۲۵ کرسی (۲۰ درصد) از کرسی‌های پارلمان در اختیار این حزب بود، این در حالی است که حزب آذربایجان نوین در حال حاضر بیش از ٦۰ درصد کرسی‌های پارلمان را دارد.

در حال حاضر رهبری جناح لیبرال دموکرات را «علی‌کریم لی» به‌عهده دارد و «میرمحمود میرعلی‌اوغلو» رهبرجناح کلاسیک است.

روزنامه‌های «آزادلیق»[1] و «جمهوریت»[2] ارگان مطبوعاتی این حزب هستند. از نظر میزان فعالیت و نفوذ و محبوبیت نیز برابر نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران وضع دو جناح با هم متفاوت است. برابر این نظرسنجی، جناح لیبرال دموکرات در سال ۲۰۰۱ رتبه پنجم و در سال

1. Azadlig
2. Cumhuriiat

۲۰۰۲ رتبه دوم را داشته و جناح کلاسیک‌ها در هر دو سال رتبه ششم را داشته است. جایگاه و محبوبیت اعضای شناخته شده دو جناح این حزب نیز برابر نظرسنجی یادشده بدین قرار است:

(رتبه‌بندی شخصیت‌های شناخته شده جبهه خلق از نظر میزان فعالیت و محبوبیت طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران)

ردیف	نام و نام خانوادگی	نام جناح	سمت در حزب	سمت در دستگاه‌های حکومتی	رتبه در سال ۲۰۰۱	رتبه در سال ۲۰۰۲
۱	علی کریم لی	لیبرال دموکرات	رهبر	نماینده مجلس	٦	۳
۲	میر محمود میرعلی اغلو	کلاسیک	رهبر	-	۱۱	۲۷
۳	علی مسیم اف	کلاسیک	عضو	-	در نظرسنجی قید نشده	۳۳
٤	قدرت حسنقلی اف	لیبرال دموکرات	عضو	-	در نظرسنجی قید نشده	٤٥

بررسی رتبه دو جناح و نیز رهبران و اعضای آن‌ها نشانگر این است که جبهه خلق در جناح اصلاحات‌گران (لیبرال دموکرات)، رشد سریعی داشته و برعکس در جناح کلاسیک‌ها تنزل کرده است. این بدین معنی است که اولاً جناح کلاسیک‌ها رفته‌رفته جایگاه خود را از دست می‌دهد و نماینده واقعی جبهه خلق لیبرال دموکرات‌ها محسوب می‌شود، ثانیاً این واقعیت را آشکار می‌سازد که جناح لیبرال دموکرات این جبهه تبدیل به رقیبی جدی و قوی برای حزب حاکم آذربایجان (آذربایجان نوین) شده است و اگر این مسئله را در کنار ائتلاف و همگرایی احزاب مخالف حزب حاکم که جبهه خلق از اعضای مهم و رهبری کننده این ائتلاف است، قرار دهیم، می‌توان گفت که جبهه خلق درصدد است در انتخابات آینده ریاست جمهوری و سایر موارد، انتقام شکست سال ۱۹۹۳ را از حزب آذربایجان نوین بگیرد و امکان

تحقق این امر چندان دور از ذهن نیست. اگر در انتخابات ریاست‌جمهوری، شکست حزب آذربایجان نوین را قبول کنیم بدون شک جبهه خلق آذربایجان نقش اساسی و مهمی در ترکیب دولت آینده آذربایجان و سایر دستگاه‌های حاکمیتی خواهد داشت. البته ناگفته نماند که سران ائتلاف احزاب مخالف حاکمیت در مصاحبه‌های خود همواره بر مشارکت تمام گروه‌ها و احزاب مخالف حاکمیت در دولت آینده تأکید می‌کنند. با توجه به سابقه حکومت‌داری دو حزب از این ائتلاف در زمان حکومت ایلچی‌بیگ (جبهه خلق و مساوات)، می‌توان گفت که این دو حزب روشی دموکراتیک را در این زمینه به‌کار می‌گیرند ولی شاید تجربه شورش‌ها و شکست سال ۱۹۹۳ آن‌ها را محتاط‌تر کرده باشد تا در صورت به‌دست‌گیری احتمالی حکومت، پست‌های کلیدی را به اعضای دو حزب واگذار کنند. مسئولان جبهه خلق حساسیت زیادی به وضعیت سیاسی ـ فرهنگی آذربایجانی‌های ایران دارند و همواره از ضرورت احقاق حق آن‌ها توسط دولت ایران حرف می‌زنند.

از موارد مهم اندیشه‌ها و برنامه‌های جبهه خلق می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

ـ اصلاح و بهبود تمام جنبه‌ها و زمینه‌های حیات جامعه و ایجاد شرایط مناسب معیشت برای همه

ـ ایجاد دموکراسی و آزادی رأی

ـ اداره امور جامعه به دست خود مردم

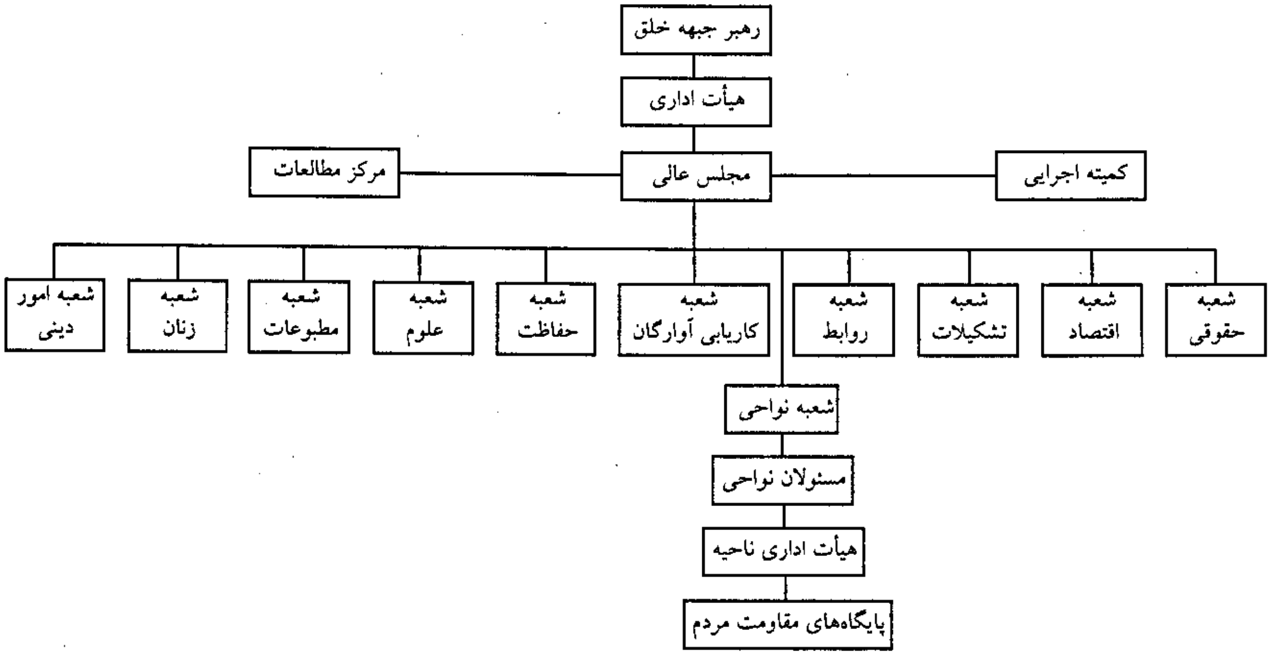
ـ توجه به حقوق بشر و اومانیسم

ـ اهمیت دادن به عدالت اجتماعی

ـ عدم محدودیت در فعالیت احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و مذهبی

ـ محافظت و استفاده بهینه از منابع ملی آذربایجان

نمودار سازمانی جبهه خلق آذربایجان به شرح زیراست:



ـ حزب مساوات[1] (۳۹)

این حزب دارای سابقهٔ تاریخی زیادی است. حزب مساوات قدیم در ابتدای قرن نوزدهم توسط «محمد امین رسول‌زاده» از روشنفکران وطن‌پرست آذربایجانی تشکیل و توانست از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ حکومت جمهوری دموکراتیک آذربایجان را ایجاد کند. پس از حمله بلشویک‌ها و فروپاشی حکومت مستقل آذربایجان، سران حزب اعدام، زندانی یا تبعید شدند. برخی اعضای باقی‌مانده این حزب به ترکیه رفته و یک سری فعالیت‌های حزبی زیرزمینی را شروع کردند. پس از استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۲، حزب مساوات جدید سازماندهی و تشکیل شد. این حزب یک‌سال بعد به صورت رسمی ثبت شد و فعالیت آن قانونی اعلام شد. گفتنی است که اعضای این حزب قبل از تشکیل آن، طی یک دوره زمانی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ در جبهه خلق آذربایجان به رهبری ابوالفضل ایلچی بیگ فعالیت داشتند. این اعضا، بعداً جزو افراد تصمیم‌گیرنده در سازمان‌دهی مجدد حزب مساوات بودند.

تعداد اعضای این حزب حدود ۱۵ هزار نفر برآورد می‌شود. این حزب محل تجمع طبقه روشنفکر آذربایجان است که انتخاب اکثر وزرا و دیپلمات‌های دوران حکومت ایلچی بیگ از بین این افراد بود. از نظر جایگاه حزب در بین افکارعمومی نیز گفتنی است که سیاستمداران و روشنفکران زیادی طرفدار این حزب هستند.در شرایط فعلی این حزب نقش چندانی در حاکمیت ندارد و تنها یک نفر نماینده (شیرزاد ایوب‌اف از رایون شماخی) در مجلس ملی دارد.

روزنامه‌های «ئینی مساوات»[2] (مساوات نوین)، «مخالفت»[3] و «۵۲۵»[4] ارگان‌های مطبوعاتی این حزب محسوب می‌شوند. در بین این نشریات، روزنامه ئینی‌مساوات مهم‌تر از بقیه است و نویسندگان چیره‌دستی در آن فعالیت دارند. روزنامه ۵۲۵ نیز از جمله روزنامه‌هایی است که در جهت‌گیری‌های خود، موضع انتقادی نسبت به جمهوری اسلامی ایران دارد.

---

1. Musavat Partiyasi (مساوات پارتیاسی)
2. Yani Musavat (ئینی مساوات)
3. Muxalifat
4. 525-ci qazat (۵۲۵ نجی قزئت)

اندیشه‌ها، آموزه‌ها و اعتقادات اساسی این حزب طیف وسیع و متنوعی را دربر می‌گیرد که لیبرالیسم، ملی‌گرایی، پان‌ترکیسم و پان‌اسلامیسم از جمله آموزه‌های این حزب هستند که منابع غربی به آن اشاره دارند. در سال‌های اخیر دیدگاه‌های سکولار نیز در گرایش‌های این حزب جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. با بررسی مؤلفه‌های یادشده در اندیشه‌ها و اعتقادات این حزب می‌توان نتیجه گرفت که این حزب در پی آن است تا اکثر گرایش‌ها و دیدگاه‌های موجود در جامعه آذربایجان را همراه خود سازد. ملی‌گرایی، پان ترکیسم و پان اسلامیسم مؤلفه‌هایی هستند که جامعه نوپای آذربایجان با توجه به سال‌ها سلطه روس‌ها و مناقشه شدید و خونین با ارامنه، شدیداً تمایل به آن‌ها دارد. میل به ایجاد کشوری مستقل، احیای ارزش‌های قومی و دینی و نیز برخورداری از حمایت جهان اسلام و جهان ترک در این راستا قابل ارزیابی است. آموزه‌های لیبرالیسم و سکولاریسم نیز در پاسخ به نیاز روز جامعه متأثر از مدرنیزاسیون غرب مطرح می‌شود. رهایی از حکومت رژیم‌های سیاسی تمامیت‌خواه و حرکت به سمت جهانی شدن نیز در این راستا ارزیابی می‌شود.

طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران، حزب مساوات از نظر فعالیت و نفوذ و محبوبیت در هر دو سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ رتبه اول داشته است.

عیسی قنبر، رئیس مجلس حکومت ایلچی بیگ رهبر حزب مساوات است. وی در سال‌های اخیر از محبوبیت فوق‌العاده‌ای در بین کارشناسان و تحلیلگران سیاسی برخوردار است. طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران وی در سال ۲۰۰۱ بعد از حیدر علی‌اف رتبه دوم را در بین شخصیت‌های سیاسی داشته که این رتبه در سال ۲۰۰۲ به اول رسیده و عیسی قنبر جای حیدر علی‌اف را گرفته است. عیسی قنبر در زمان عضویت در جبهه خلق آذربایجان (قبل از تأسیس حزب مساوات) توانست جو سازش و مصالحه را در رویه‌ها و جهت‌گیری‌های حزب و نیز در بین اعضا حاکم کند. علاوه بر عیسی قنبر، «رئوف عارف‌اوغلو» و «عارف حاجی‌لی» از دیگر اعضای برجسته حزب هستند که در نظرسنجی آژانس توران در سال ۲۰۰۱ به ترتیب رتبه‌های ۱۶ و ۱۴ و در ۲۰۰۲ رتبه‌های ۱٦ و ۲۱ را کسب کرده‌اند.

با توجه به فعالیت‌های اخیر احزاب عضو کنگره دموکراتیک (احزاب مخالف دولت) و تلاش در جهت معرفی نامزد ریاست‌جمهوری مشترک به نظر می‌رسد، عیسی قنبر یکی از گزینه‌های اصلی باشد و برخی کارشناسان معتقدند در صورت نامزدی وی، حیدرعلی‌اف یا نامزدی که علی‌اف از وی حمایت کند، شکست خواهد خورد.

تفکرات حاکم و نیز راهبردها و سیاست‌های موردنظر این حزب در حوزه‌های مهم به این شرح است:

سیاست خارجی

در عرصه سیاست خارجی حزب مساوات موارد زیر را توصیه می‌کند:

۱ـ مطابقت با سیاست‌های جهانی اتحادیه اروپا و شورای اروپا و عضویت در این نهادهای بین‌المللی

۲ـ عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)

۳ـ توسعه سطح روابط با ایالات‌متحده آمریکا؛ در این زمینه مساواتی‌ها اعتقاد دارند، آذربایجان باید در کنار پیش‌بردن راهبرد محافظه‌کارانه در منطقه به نحوی عمل کند که ضرورت و لزوم برقراری و حفظ روابط با آن توسط آمریکا همواره وجود داشته باشد و آذربایجان سعی کند، همواره تأثیر خود را در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا (در زمینه‌های ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک، انرژی، امنیت، اقتصاد (سیاست نظامیگری) برجای گذارد.

٤ـ آذربایجان باید به همکاری‌های استراتژیک ترکیه ـ اسرائیل بپیوندد و با این کشورها روابط خود را مستحکم کند. در این زمینه لازم است آذربایجان ضمن گسترش روابط خود با ترکیه در بالاترین سطح، همواره در راستای یکپارچگی با این کشور حرکت کند و برنامه‌های مدونی در این خصوص باید تهیه شود.

۵ـ آذربایجان باید به همکاری‌های سه‌جانبه «آذربایجان ـ ترکیه ـ گرجستان» و «آذربایجان

ـ گرجستان ـ اوکراین» بهای بیشتری داده و به موازات آن از تمام پتانسیل‌های موجود در زمینه گسترش روابط همه‌جانبه با گرجستان بهره گیرد.

٦ـ روابط با روسیه باید با رویکرد تأمین منافع دو طرف ادامه یابد و در این راه از سازوکار متعادل کننده تأثیر و تأثرات دوجانبه استفاده شود.

۷ـ روابط با ایران باید با این دیدگاه که این سرزمین به نوعی متعلق به ترک‌ها است و مبتنی بر منافع و خواسته‌های ملی و با جهت‌گیری مثبت دنبال شود و در این خصوص بایستی پلات‌فرم ویژه‌ای تدارک دیده شود. در این پلات‌فرم مسئله ترک‌های ایران باید به مثابهٔ یک فاکتور اساسی که نیازمند تبدیل شدن به یک مسئله سیاسی ـ اجتماعی است، نگریسته شود و در راه انجام برخی تغییرات در سیاست خارجی ایران به ویژه در رابطه با آذربایجان تلاش شود.

۸ـ به موازات ایجاد محیط مناسب و نفوذ کافی در عرصه بین‌المللی پیرامون مسئله قره‌باغ باید از تمام پتانسیل‌های دیپلماتیک در جهت معرفی کردن ارمنستان به‌عنوان متجاوز استفاده شود.

۹ـ گفت‌وگوهای مربوط به حل بحران قره‌باغ با وساطت ۳ کشور آمریکا، روسیه و ترکیه دنبال شده و برای این منظور گزینه دیگری نیز می‌تواند مدنظر قرارگیرد و آن استفاده از میانجیگری کشورهای دارای نفوذ بین‌المللی از جمله آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ترکیه و روسیه است.

۱۰ـ تشکیل جبهه متحد آذربایجانی‌های جهان به منظور آزادسازی اراضی اشغال شده کشور توسط ارمنستان.

سیاست داخلی

اولویت‌های سیاست داخلی کشور نیز ازدیدگاه حزب مساوات به این قرار است:

۱ـ برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در تمامی زمینه‌ها که منطبق با شرایط مورد قبول نهادهای بین‌المللی باشد.

۲ـ تغییر نظام حاکمیتی (دولت علی‌اف) با روش دموکراتیک و مسالمت‌آمیز و اصلاح ساختار حاکمیتی موجود.

۳ـ ایجاد فضای مناسب برای حرمت گذاشتن به حقوق بشر و دموکراسی.

٤ـ از بین بردن موانع ساختگی بر سر راه ثبت و قانونی کردن احزاب سیاسی و نهادها و سازمان‌های اجتماعی غیردولتی (NGO).

٥ـ تأمین حقوق شهروندان در زمینه تجماعات آزاد (نظیر میتینگ، تظاهرات و راهپیمایی)

٦ـ آزادی فوری زندانیان سیاسی.

۷ـ از بین بردن شکنجه جسمی و روحی و نیز اجبار در مورد متهمین در بازداشتگاه‌ها.

۸ـ تشکیل کمیسیون ویژه در مجلس ملی آذربایجان برای حل مناقشه بین آذربایجان و ارمنستان.

۹ـ در زمینه مبارزه با نقض‌کنندگان تمامیت ارضی کشور مواد قانونی لازم به قوانین موجود الحاق شود.

۱۰ـ وضعیت معیشتی و حق مالکیت و سایر حقوق شهروندی آوارگان جنگی و رانده‌شدگان در اولویت برنامه‌های دولت قرار گیرد.

سیاست‌های اقتصادی

برنامه‌های اقتصادی حزب نیز به قرار زیر است:

۱ـ تهیه و اجرای برنامه اقتصادی ویژه برای توسعه اقتصادی کشور (که جزئیات آن در مجموعه حزب تهیه شده و قابل اجراست).

۲ـ توجه به خصوصی‌سازی با جهت‌گیری توسعه اقتصادی و تأمین منافع عموم شهروندان.

۳ـ تغییر در نظام مالیاتی با توجه به ضرورت جلب سرمایه‌های خارجی و وضع معیشتی مردم.

٤ـ مساعدت و کمک دولت به تجارت واحدهای کوچک و متوسط.

۵ـ از بین بردن بیکاری طی برنامه‌ای ویژه.

٦ـ مبارزه جدی با اختلاس و ارتشا در دستگاه‌های دولتی (براساس برنامه‌ای مدون که توسط حزب تهیه شده است).

۷ـ از بین بردن انحصارات شخصی و رانت‌های اقتصادی.

۸ـ بهره‌برداری بهینه و مطلوب از پتانسیل‌های موجود جغرافیایی، ذخایر انرژی و امکانات حمل و نقل با استفاده از روابط خارجی.

۹ـ اصلاح نظام مالی و بودجه‌ریزی به‌منظور افزایش اندوخته خزانه دولت.

سیاست‌های امنیتی و دفاعی

در مسائل امنیتی و دفاع ملی سیاست‌های حزب به این قرار است:

۱ـ ورود آذربایجان به نظام امنیتی جدید اروپا.

۲ـ برای پیوستن به سیستم امنیتی اروپا نیاز به اصلاحات در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی براساس یک برنامه مدون وجود دارد.

۳ـ ضرورت ورود آذربایجان به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر اساس برنامهٔ مدون و استفاده از همکاری‌های فعلی آذربایجان با ناتو به منظور اعاده اراضی اشغالی کشور.

٤ـ استفاده از اندوخته‌های مالی کشور برای تشکیل ارتشی مدرن منطبق با استانداردهای ناتو.

۵ـ در تشکیل ارتش مدرن باید جهت‌گیری با سمت و سوی ایجاد نیروهای نظامی حرفه‌ای (غیر وظیفه) باشد.

٦ـ سیاست دفاعی و نظامی کشور باید دارای رویکرد دفع تجاوز و «دفاع پیشگیرانه»[1] باشد.

۷ـ به منظور شکستن مقاومت ارمنستان در مذاکرات (در زمینه بازپس‌گیری اراضی اشغالی) ارتش آذربایجان باید همواره آماده باشد.

---

1. Preventive Defence

۸ـ اولویت دادن به روش‌های مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه در برقراری صلح در منطقه و مذاکرات مناقشه قره‌باغ.

۹ـ تقویت وحدت ملی و روحیه وطن دوستی در بین تمام هموطنان و نیز تأمین حقوق شهروندی ارامنه ساکن در آذربایجان (به‌ویژه ارامنه قره‌باغ) و سایر اقلیت‌های قومی در چارچوب استانداردهای بین‌المللی.

۱۰ـ توجه به اصول زیر در مذاکرات صلح:

ـ احترام گذاشتن به استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها

ـ دفاع از حقوق اقلیت‌ها (خودمختاری فرهنگی)

ـ برقراری نهادهای اجرایی محلی

ـ آزادی اقتصادی

ـ تأمین امنیت مبتنی بر تعهدات بین‌المللی

۱۱ـ فراهم آوردن امکان بازگشت آذربایجانی‌هایی که ساکن در ارمنستان بودند و به دلیل سیاست‌های پاکسازی سرزمین و نژادی ارمنستان مجبور به مهاجرت به آذربایجان شده‌اند و نیز تأمین حقوق مدنی آن‌ها در چارچوب قوانین بین‌المللی.

ـ حزب استقلال ملی آذربایجان[1] (٤٠)

این حزب بعد از فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد. شعار اصلی این حزب اصلاحات اقتصادی در آذربایجان است. به‌طور کلی حزب استقلال ملی با یک جهت‌گیری و گرایش اقتصادی تشکیل شده و موضع‌گیری‌هایش بیشتر ناظر بر جنبه‌های اقتصادی کشور است. فعالیت این حزب قانونی است. رهبر حزب استقلال ملی آذربایجان «اعتبار محمداف» است.

---

1. Azarbaycan Milli Istiglal Partiyasi (آذربایجان ملی استقلال پارتیاسی)

ایجاد سرمایه‌داری ملی، انجام اصلاحات در اقتصاد بازار و از بین بردن سیاست‌های اقتصادی و مالی بسته و محدود کننده از مهم‌ترین راهبردها، اهداف و سیاست‌های این حزب به‌شمار می‌روند.

تعداد اعضای این حزب ۱۲ هزار نفر برآورد می‌شود. طبق برخی منابع تعداد زیادی از ارامنهٔ آذربایجان در این حزب عضویت دارند.

روزنامه «ملت»[1] ارگان مطبوعاتی این حزب است.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۳ اعتبار محمداف به رقابت با حیدر علی‌اف پرداخت که با اختلاف زیادی (کسب ۱۱/٦ درصد آرا) از وی شکست خورد. بعد از حاکمیت حزب آذربایجان نوین به رهبری علی‌اف، محمداف حزب متبوعش را به‌عنوان اپوزیسیون حاکمیت رهبری کرد و در ابتدای کار مواضع انتقادی تندی بر علیه شخص حیدر علی‌اف اتخاذ می‌کرد.

در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۵ حزب استقلال ملی آذربایجان توانست توسط رای الکترال سه کرسی از کرسی‌های مجلس ملی را تصاحب کند. این نمایندگان عبارت‌اند از: اعتبار محمد اف، ناظم ایمانف و شادمان حسین‌اف.

در سال‌های اخیر روابط بین محمداف با رئیس‌جمهور دوستانه شده بود و تنش سابق بین این دو سیاستمدار تا حدود زیادی از بین رفته بود که محدودیت‌های اخیر در خصوص احزاب مخالف بار دیگر این حزب را به اردوگاه مخالفان سوق داد.

حزب استقلال ملی آذربایجان علی‌رغم انتقاد به سیاست‌های حاکمیت اپوزیسیون مشروع محسوب می‌شود. در خصوص مسائل اقتصادی، این حزب اعتقاد راسخ به اصلاحات بازار و ایجاد بورژوازی ملی دارد و اصلاحات اقتصادی را تحت حاکمیت دولت با قدرت متمرکز و اقتدار بالا تجویز می‌کند.

---

1. Millat (میلت)

این حزب از منابع مالی و پشتیبانی وسیعی برخوردار است و سرمایه‌داران بزرگی از آن حمایت و پشتیبانی می‌کنند.

در خصوص اندیشه‌ها، آموزه‌ها و اعتقادات اساسی به‌نظر می‌آید این حزب به‌جز اصلاحات اقتصادی و ایجاد نظام سرمایه‌داری دولتی، در سایر جنبه‌ها (اجتماعی و سیاسی) صاحب تفکر درخور توجهی باشد.

جایگاه این حزب در جامعه در سال‌های اخیر تضعیف شده است. طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران این حزب را رتبه سوم در سال ۲۰۰۱ به رتبه پنجم در سال ۲۰۰۲ تنزل کرده است. و احزاب «جبهه خلق آذربایجان» (جناح اصلاح‌گرا) و «حزب دموکرات آذربایجان» از این حزب پیشی گرفته‌اند. این حزب از نظر جایگاه شخصیت‌های سیاسی شناخته شده‌اش نیز تنزل کرده است. طبق نظرسنجی یاد شده، اعتبار محمداف، رهبر حزب از رتبه سوم در سال ۲۰۰۱ به چهارم در ۲۰۰۲ تنزلِ کرده است و نیز ناظم ایمانف از اعضای حزب که سمت نمایندگی مجلس را نیز دارد از رتبه هفدهم به سی و دوم طی یک‌سال یاد شده تنزل کرده است. در همین حال «ایلقار محمداف» از شخصیت‌های شناخته شده این حزب که در نظرسنجی ۲۰۰۱ قید نشده بود، توانسته در سال ۲۰۰۲ رتبه بیست و ششم را کسب کند.

همان‌طور که ارقام نشان می‌دهد، تنزل جایگاه حزب و شخصیت‌های آن چندان زیاد نبوده است. شاید یکی از علل اصلی این تنزل بهبود روابط این حزب و رهبر آن با حزب حاکم باشد. زیرا کاستی‌های موجود در بدنه حاکمیت نه تنها باعث تضعیف جایگاه آن شده بلکه احزابی را که به نوعی با دولت همراهی می‌کنند را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اعتبار محمداف به برقراری روابط دوستانه و عمیق با کشورهای همسایه اهمیت زیادی قائل است و در ماه‌های اخیر سعی در برقراری ارتباط با برخی محافل سیاسی فعال در ایران داشته است و گویا برخی مراکز تحقیقاتی سیاسی سعی در دعوت از وی برای سفر به ایران داشته‌اند. او در مصاحبه با نشریه حریت در خصوص ناآرامی‌های سال‌های اخیر در تبریز، برعکس رهبران سایر احزاب، موضع‌گیری دولت آذربایجان را منطقی و واقع‌بینانه خوانده و

گفته که دخالت بی‌مورد گروه‌های سیاسی و دولت آذربایجان در مسائل مربوط به اعتراضات تبریز، باعث متهم شدن هم‌نژادهای ما در ایران خواهد شد.

ـ حزب دموکرات آذربایجان[1](41)

این حزب در سال ۱۹۹۲ و در زمان حکومت ابوالفضل ایلچی بیگ تأسیس شد. در ابتدا «الیاس اسماعیل‌اف»، وزیر دادگستری دولت ایلچی بیگ رهبری این حزب را به‌عهده داشت. بعداً رسول قلی‌اف رهبری حزب را عهده‌دار شد و اسماعیل اف به حزب عدالت پیوست. این حزب در سال ۱۹۹۲ یکی از اعضای اصلی ایجاد کننده کنگره دموکراتیک احزاب بود. در سال ۱۹۹۵ از کنگره جدا و در سال ۱۹۹٦ با حزب «عدالت» متحد شد. رسول قلی‌اف، رهبر حزب در سال ۱۹۹۳ به مدت چند ماه نخست‌وزیر بود و از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ ریاست مجلس ملی را به‌عهده گرفت.

رسول قلی‌اف به دنبال اختلاف شدید با حزب حاکم (آذربایجان نوین) در سال ۱۹۹۷ از سمت ریاست مجلس استعفا داد. بعد از آن دولت آذربایجان سختگیری‌های زیادی را بر علیه اعضای حزب دموکرات آذربایجان اعمال کرد. در سال ۱۹۹۸ قربان محمداف از اعضای کمیته سیاسی این حزب به خاطر اتهام‌زدن به وزیر امنیت ملی وقت به سه‌سال زندان محکوم شد. در همین سال سردار محمداف دیگر عضو این حزب به دلیل افترا زدن به وزیر کشور تحت تعقیب قضایی قرار گرفت.

رسول قلی‌اف بعد از شدت گرفتن اختلافاتش از ترس دستگیری به غرب مهاجرت کرد. او در حال حاضر به جرم ارتکاب جرایم اقتصادی در دوران تصدی مدیریت پالایشگاه باکو و نیز در زمان تصدی پست‌های دولتی در سال‌های بعد، تحت پیگرد است و وزارت کشور آذربایجان عکس، مشخصات کامل و جرایم اتهامی وی را بر روی سایت اینترنت در اختیار

1. Azarbaycan Demokrat Partiyasi (آذربایجان دموکرات پارتیاسی)

عموم گذاشته و از همگان درخواست کرده در صورت اطلاع از وی به مقامات مسئول اطلاع دهند.

بسیاری از کارشناسان حقوقی در آذربایجان و نیز افراد و سازمان‌های فعال در زمینه حقوق بشر در آمریکا و اروپا، اقدامهٔ دعوای دولت آذربایجان را برعلیه قلی‌اف فاقد وجاهت حقوقی می‌دانند. آن‌ها معتقدند اولاً رسول قلی‌اف تمام مسافرت‌های خود به کشورهای اروپایی و آمریکا را به‌صورت قانونی انجام می‌دهد. ثانیاً آن‌ها اعلام می‌کنند، جرایمی که طبق ادعای دولت قلی‌اف مرتکب شده مربوط به سال‌های قبل از تصدی نخست‌وزیری و ریاست مجلس وی است، پس چرا دولت آذربایجان اجازه داده چنین فردی این پست‌های مهم را به‌عهده گیرد.

به‌نظر می‌رسد حاکمیت فعلی آذربایجان چون با کشورهای اروپایی و آمریکایی قرارداد استرداد مجرمین را انعقاد نکرده، نمی‌تواند قلی‌اف را جلب و به آذربایجان برگرداند. البته کشور ترکیه در این زمینه فرق دارد و آذربایجان با این کشور چنین قراردادی منعقد کرده است.

با تمام اوصاف گفته شده، قلی‌اف درصدد است با برگزاری سخنرانی‌های مختلف در کشورهای اروپایی و آمریکا، موقعیت حزب حاکم را در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری به نفع خود یا هر رقیب مخالف دیگری تضعیف کند. البته کاندیداتوری قلی‌اف برای ریاست‌جمهوری با شرایط فعلی حاکم دشوار به‌نظر می‌رسد. ولی در صورت تحقق این امر، وی با توجه به تبلیغات وسیع طرفدرانش درصد قابل توجهی از آراء را به‌خود اختصاص خواهد داد.

روزنامه‌های «حریت»[1] و «آذربایجان دموکراتیک»[2] ارگان‌های مطبوعاتی این حزب هستند. شعار اصلی حزب دموکرات آذربایجان آزادی است. این حزب حق تشکیل در خاک آذربایجان را ندارد و اعضای آن به‌شدت تحت فشار مقامات امنیتی کشور هستند.

1. Hurriyat

2. Demokratik Azrbaycan

آزادی فردی، آزادی ملی و طرفداری از جهان آزاد از مهم‌ترین وجوه و مؤلفه‌های استراتژی، اهداف و سیاست‌های حزب به‌شمار می‌روند.

از نظر جایگاه در بین روشنفکران و سیاستمداران این حزب در هر دو سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ (طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران) رتبه چهارم داشته و نیز شخصیت‌های شناخته شده این حزب در فاصله سال‌های یادشده تغییرات کمی داشته‌اند.

در این نظرسنجی رسول قلی‌اف از رتبه چهارم به پنجم و سردار جلال‌اوغلو برعکس از رتبه ۱۲ به ۱۰ صعود کرده و نیز آیدین قلی‌اف، سردبیر روزنامه حریت ارگان حزب که در نظرسنجی ۲۰۰۱ اسمش قید نشده در سال ۲۰۰۲ توانسته رتبه ۱۸ را در بین ۵۰ شخصیت سیاسی کسب کند.

ـ حزب لیبرال آذربایجان[1]

این حزب در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد. لاله شوکت رهبر این حزب است. وی قبل از سال ۱۹۹۳ در کمیسیون بهداشت دومای روسیه عضویت داشت و بعد از این سال از روسیه به موطن خود بازگشت و ضمن تأسیس و رهبری حزب لیبرال آذربایجان تا سال ۱۹۹٤ به مدت یک‌سال دبیر دولت در کابینه اول حیدر علی‌اف بود.

این حزب فعالیت قانونی دارد. اعضای آن حدود ۵ هزار نفر برآورد می‌شود و روزنامه لیبرال ارگان مطبوعاتی حزب است.

در آخرین انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۹۵ این حزب توانست یک کرسی تصاحب کند.

لاله شوکت رهبر حزب در نظر سنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ از رتبه هشتم به یازدهم در بین پنجاه شخصیت فعال سیاسی تنزل یافته است.

---

1. Azarbaycan Libral Demokrat Partiyasi (آذربایجان لیبرال دموکرات پارتیاسی)

تیمورخان عوض دیگر شخصیت شناخته شده این حزب نیز طبق ایـن نظرسـنجی طـی مـدت یادشده از رتبه ۳٤ به ۳٦ تنزل کرده است. همچنـین جایگـاه حـزب در هـر دو سـال در رتبـه هشتم قرار داشته است.

ـ حزب استقلال دموکراتیک آذربایجان[1]

این حزب به پیشنهاد حیدر علی‌اف، توسط قابیل حسین‌لی، ائلدرا نمازاف و مبارز قربان‌لی، از حزب استقلال ملی آذربایجان منشعب و به صورت حزبی مستقل درآمد و تا مدت‌هـا تمـام اعضای آن طرفدار دولت بودند. در سال ۱۹۹۷ به‌دنبال جریانات سیاسی که منجر بـه اسـتعفای رسول قلی‌اف، رهبر حزب دمـوکرات آذربایجـان از نماینـدگی مجلـس شـد، حـزب اسـتقلال دموکراتیک آذربایجان به دو جناح موافق و مخالف دولت تقسیم شد.

رهبـری حـزب در حـال حاضـر در جنـاح مخـالف دولـت بـه‌عهـده «واقـف کـریم‌اف» است و در جناح موافـق دولـت، مبـارز قربـان‌لـی و ولایـت قلـی‌اف زمـام امـور را در دسـت دارند. بخش اصلی اعضای حـزب کـه حـدود ۱۰ هـزار نفـر تخمـین‌زده مـی‌شـود، در جنـاح مخـالف دولـت هسـتند. اعضـا و طرفـداران ایـن حـزب بیشـتر در شـهرهای بـاکو، آغ‌سـو و بردع هستند.

فعالیت این حزب قـانونی اسـت و طرفـداری از اقتصـاد آزاد و حمایـت از سیاسـت‌هـای اجتماعی مبتنی بر خواست اکثریت مردم از مؤلفه‌های اساسی استراتژی، اهداف و سیاست‌هـای حزب است. شعار حزب نیز اقتصاد بازار است. روزنامه «همـوطن»[2] ارگـان مطبوعـاتی حـزب است. در حال حاضر مبارز قربان‌لی و ولایت قلی‌اف رهبران جنـاح موافـق دولـت در مجلـس ملی آذربایجان حضور دارند.

---

1. Azarbaycan Demokratik istiglal partiyasi (آذربایجان دموکراتیک استقلال پارتیاسی)
2. Vatandas (وطن‌داش)

ـ حزب سوسیال دموکرات آذربایجان[1](۴۲)

اعضای اولیه و بنیانگذاران این حزب قبلاً عضو جبهه خلق آذربایجان بودند. بعد از تشکیل حزب در سال ۱۹۸۹، در سال ۱۹۸۹، در سال ۱۹۹۰ این حزب به بلوک دموکرات (اتحاد دموکرات‌ها) پیوست. در انتخابات ۱۹۹۰ پارلمان این حزب یک کرسی نمایندگی کسب کرد. ولی در مجلس فعلی این حزب نماینده‌ای ندارد.

رهبری این حزب را «آراز علیزاده» و «زرتشت علی‌زاده» توأمان به‌عهده دارند. این حزب شعار ایجاد جامعه مدنی در یک کشور دموکرات مستقل را برای خود برگزیده است.

فعالیت حزب قانونی است و استراتژی، اهداف و سیاست‌های زیر را دنبال می‌کند:

ـ حمایت و طرفداری از آشتی ملی

ـ توافق و مصالحه بین دولت و احزاب مخالف

ـ ایجاد و گسترش رابطه با مجامع و سازمان‌های بین‌المللی

ـ طرفداری از خودمختاری فرهنگی اقلیت‌های قومی

این حزب در گذشته فقط توانسته یک دوره «آراز علیزاده» را به پارلمان بفرستد و رقابت زرتشت علیزاده دیگر رهبر حزب با ایاز مطلب‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در سال ۱۹۹۰، به دلیل تخلفات متعدد طرفداران مطلب‌اف منجر به انصراف علیزاده از کاندیداتوری شد.

حزب سوسیال دموکرات آذربایجان در راستای سیاست آشتی ملی که از سیاست‌های اصلی حزب است، در سال ۱۹۹۱ به ائتلاف شورای دفاع ملی پیوست.

این حزب ۱۳۰۰ نفر عضو دارد و روزنامه «استقلال» ارگان مطبوعاتی آن است. جایگاه حزب در داخل کشور چندان مناسب نیست. ولی شخصیت‌های آن در بین ۵۰ شخصیت مهم سیاسی حضور دارند. طبق نظرسنجی آژانس اطلاع‌رسانی توران آراز علیزاده در سال ۲۰۰۱ رتبه ۳۷ و در سال ۲۰۰۲ رتبه ٤١ را کسب کرده است. همچنین آرز و عبدا... یوا از معاونان

1. Azarbaycan sosyal Demokrat Partiyasi (آذربایجان سوسیال دموکرات پارتیاسی)

حزب که ریاست «مجلس شهروندان آذربایجانی» در هلسینکی را به‌عهده دارد از رتبه ۳۰ به ٤۰ تنزل کرده است. گفتنی است که مجلس یادشده در راستای راهبردها و سیاست‌های حزب و حضور مؤثر در صحنه فضای سیاسی خارج از کشور ایجاد شده است. همچنین این حزب ارتباط خوبی با سازمان «سوسیالیست بین‌المللی»[1] دارد. و در جلسات این سازمان به‌عنوان میهمان ثابت حضور دارد.

ـ حزب هم‌میهن[2](٤٣)

این حزب در سال ۱۹۹۱ تأسیس شده است. رهبر حزب «مایس صفرلی» است. وی سردبیر روزنامه انگلیسی زبان «باکو تایمز» است و فعالیت‌هایش بیشتر جنبهٔ بین‌المللی دارد. فعالیت حزب، قانونی است و روزنامه «هم‌میهن»[3] ارگان مطبوعاتی حزب محسوب می‌شود.

استراتژی، اهداف و سیاست‌های حزب در محورهای زیر خلاصه می‌شود:

ـ حمایت از استقلال سرزمین آذربایجان

ـ ایجاد حکومتی مقتدر

ـ قانونگرایی

ـ دموکراسی

ـ ملی‌گرایی

ملی‌گرایی از ارکان اصلی این حزب به‌شمار می‌رود. هر چند این حزب به مسئله ملیت از دید و مفهوم داخلی می‌نگرد ولی بیشتر اعتبار خود را مدیون مفهوم بین‌المللی و خارجی ملیت آذربایجانی است. فعالیت‌های تبلیغی حزب در زمینه ملی‌گرایی در بین آذربایجانی‌های مقیم روسیه، ایران و ارمنستان تأثیر داشته و باعث تقویت حس قومیت‌خواهی این مردم شده است.

1. Socialist International

2. Yurddas Partiyasi (یورداش پارتیاسی)

3. Yurddas (یورداش)

البته بعد از کوچ اجباری ۲۰۰ هزار آذربایجانی بومی ارمنستان بـه خـاک جمهـوری آذربایجـان توسط دولت ایروان و تیرگی روابط دو کشور فعالیت‌های این حـزب در ارمنسـتان بسـیار کـم رنگ شده است.

مایس صفرلی فرد شماره یک حزب در سال ۲۰۰۱ طبق نظرسـنجی آژانـس اطـلاع‌رسـانی توران، رتبه ٤٠ را داشته که در سال ۲۰۰۲ به ٤٦ تنزل کرده است.

صفرلی همواره موضع مخالف نسبت به جمهوری اسلامی ایـران دارد و مـدعی اسـت کـه نظام جمهوری اسلامی تحت پوشش تفکرات اسلامی بر مخالفـان فشـار وارد آورده و حقـوق اقلیت‌های قومی به ویژه آذربایجانی‌ها را نقض می‌کند.

ـ حزب سرزمین مادری[1] (٤٤)

این حزب در سال ۱۹۹۰ ایجاد شده است. فعالیت آن قانونی بوده و «فضایل آغامالی» رهبـر ایـن حزب است. استراتژی، اهداف و سیاست‌های حزب را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

ـ تأمین استقلال آذربایجان و حفظ تمامیت ارضی آن

ـ انجام اصلاحات اقتصادی

تلاش در زمینه اتحاد احتمالی با آذربایجان جنوبی (مناطق آذربایجانی نشین ایران)

اعضای این حزب حدود ده هزار نفر برآورد می‌شوند که بیشتر این اعضا در مناطقی هستند که ارامنه در آن‌جا سکونت دارند.

روزنامه «سرزمین مادری» ارگان مطبوعاتی حزب سرزمین مادری اسـت. فضـایل آغامـالی، رهبر حزب در زمان حکومت ایلچی‌بیگ، سـمت معاونـت وزارت کـار و تـأمین اجتمـاعی را به‌عهده داشت و در حال حاضر موافـق دولـت علـی‌اف اسـت. مخالفـت بـا سـلطهٔ روسـیه و کمونیست‌ها، مخالفت با سوسیال دموکرات‌ها و اصول‌گرایی اسلامی جزو مواضع و دیدگاه‌های

---

1. Ana Vatan Partiyasi (آنا وطن پارتیاسی)

این حزب محسوب می‌شود. رهبر این حزب نسبت به فعالیت‌های مذهبی (جریانات سیاسی که توسط گروه‌های اسلامی هدایت می‌شود) موضع انتقادی دارد و عقیده دارد که این تحرکات از سوی برخی کشورهای همسایه از جمله ایران هدایت می‌شود.

ـ حزب همبستگی هموطنان[۱] (٤٥)

این حزب در سال ۱۹۹۲ تأسیس شده است. شکل فعالیت حزب قانونی است و صابر رستم‌خانلی از نویسندگان و شعرای معروف آذربایجان رهبری آن را به عهده دارد. این حزب فعالیت قانونی دارد و هدف و دیدگاه اصلی حزب اتحاد مدنی و فرهنگی خلق آذربایجان است. مواضع و سیاست‌های این حزب را می‌توان دیدگاهی متعادل بین مواضع جبهه خلق آذربایجان و حزب مساوات دانست. صابر رستم‌خانلی رهبر حزب در زمان حکومت ایلچی‌بیگ و یک دوره از حکومت علی‌اف، وزیر مطبوعات و اطلاعات بود. او سمت نمایندگی مجلس را نیز داشته است. رستم‌خانلی از حیدر علی‌اف مدال افتخار دریافت کرده است. صابر رستم‌خانلی در زمان تصدی وزارت مطبوعات و اطلاعات تلاش زیادی برای برقراری رابطه دوستانه و عمیق (در بخش فرهنگی) با جمهوری اسلامی ایران داشت و در دورانی که حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران بود، به ایران سفر کرد و بعد از تبادل اسناد همکاری روابط فرهنگی دو کشور در یک دوره رشد سریعی داشت.

ـ حزب کمونیست آذربایجان[۲] (٤٦)

این حزب در زمان حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی تنها حزب قانونی و در عین حال حزب حاکم به‌شمار می‌رفت. بعد از استقلال کشور این حزب که منحل شده بود، در سال ۱۹۹۳ دوباره احیا شد.

---

1. Vatandas Hamrailii Partiyasi (وطن داش هم رأی لیبی پارتیاسی)
2. Azarbaycan Komonist Partiyasi (آذربایجان کمونیست پارتیاسی)

این حزب ٤ شاخه دارد که شاخه اصلی آن به رهبری «فریدون حسن‌اف» طرفدار دولت بوده و فعالیت آن قانونی است. بقیه شاخه‌های حزب که بیشتر از احیای سلطهٔ روس‌ها حمایت و از سیاست‌های احزاب کمونیستی روسیه پیروی می‌کنند، غیرقانونی هستند. رهبران این شاخه‌ها عبارت‌اند از:

ـ رامیز احمداُف

ـ ساياد سایاداُف

ـ موسی تقی‌اُف

اعضای این حزب نزدیک صدهزارنفر برآورد می‌شود. البته به‌نظر می‌رسد این آمار در سال‌های اخیر کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده باشد.

روزنامه «حقیقت آذربایجان[1]» ارگان مطبوعاتی این حزب است.

ـ حزب صدای اسلام[2] (٤٧)

فعالیت این حزب که بعد از استقلال کشور ایجاد شده بود، تا سال ۱۹۹٦ قانونی بود. که بعد از سال یاد شده که دولت شاهد یک سری تحرکات سیاسی ـ مذهبی از سوی اعضای این حزب بود، فعالیت آن را ممنوع اعلام کرد.

«علی اکرم علی‌اُف» رهبر این حزب بوده و بقیه مسئولان حزب را نیز افراد مذهبی که سطح تحصیلات پایینی نیز دارند، تشکیل می‌دهد که علی اکرم علی‌اُف بعد از تظاهرات مردم شهرک ناراداان در نزدیکی باکو به جرم تحریک مردم بر علیه حاکمیت دستگیر و هنوز زندانی است.

استراتژی، اهداف و سیاست‌های حزب صدای اسلام که در منابع غربی به اسم حزب اسلامی آذربایجان معروف است به قرار زیر است:

ـ تلاش برای استقلال اجتماعی و اقتصادی آذربایجان از طریق اصول و قوانین اسلام

---

1. Azarbaycan Hagigati (آذربایجان حقیقتی)

2. Islamin Sasi (اسلامین سسی)

- تبلیغ در زمینه فرهنگ اسلامی
- طرد ملی‌گرایی

افزون بر این‌ها، این حزب از دیدگاه حقوق بشر و همزیستی مسالمت‌آمیز تمام ادیان در کشور آذربایجان حمایت می‌کند. منابع غربی اعلام می‌کنند که این حزب با حمایت حکومت اسلامی ایران تشکیل شده است. بعد از توقف فعالیت حزب، بسیاری از رهبران آن به اتهام جاسوسی برای کشور ایران دستگیر شدند. برخی از اعضای باقی مانده حزب تلاش دارند، فعالیت خود را در قالب «حزب دموکراتیک اسلامی» و اتحاد با حزب مساوات از سر بگیرند. به‌طور کلی مسئولان و اعضای این حزب از بینش سیاسی و تحصیلات لازم برای فعالیت سیاسی برخوردار نیستند و بیشتر آن‌ها افراد مذهبی و متدینی هستند که اداره حزب را با روش‌های سنتی مذهبی انجام می‌دهند.

ـ حزب احرار[1] (۴۸)

حزب احرار قدیمی در سال ۱۹۱۸ همزمان با تشکیل جمهوری اول تشکیل شد و در مجلس جمهوری دموکراتیک آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ همزمان با تشکیل جمهوری اول تشکیل شد و در مجلس جمهوری دموکراتیک آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ حضور داشت که با اضمحلال حکومت مستقل و وقوع انقلاب کمونیستی فعالیت آن مانند سایر احزاب موجود متوقف شد. بعد از استقلال آذربایجان از اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹٤ این حزب مجدداً تأسیس شد.

«واقف حاجی بَی لی» رهبری حزب را به‌عهده دارد. شکل فعالیت حزب قانونی است. تعداد اعضای آن ۱۲۰۰ نفر است و روزنامه «تجدید حیات[2]» ارگان مطبوعاتی حزب است.

تبلیغ ارزش‌های لیبرالیسم، دفاع از حقوق بشر، قانون‌گرایی، دموکراسی و جامعه مدنی از

1. Ahrar Partiyasi (احرار پارتیاسی)
2. Intibax (ایتیباخ)

اهداف و راهبردهای این حزب است. این حزب در حال حاضر موضع مخالفت با سیاست‌های دولت را در پیش گرفته است ولی در کنار عضویت در کنگره دموکراتیک، اتحادیه سیاسی و کنفرانس احزاب، در مرکز مشورتی احزاب نیز (که توسط دولت حمایت می‌شود) عضو است. واقف حاجی بی‌لی، رهبر حزب که فارغ‌التحصیل رشته حقوق است، بنیانگذار، مدیر مسئول و سردبیر روزنامه «تجدید حیات» است.

ـ حزب رهایی ملی[1] (۴۹)

این حزب در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد. رهبر آن «محمد حاتمی» است. ملی‌گرایی، رادیکالیسم و اسلام‌گرایی جزو استراتژی و اهداف حزب است. اتحاد آذربایجان شمالی (جمهوری آذربایجان) با آذربایجان جنوبی (مناطق آذربایجانی‌نشین ایران) نیز از اهداف اصلی این حزب است. این حزب با حزب «ایالت ملی» به رهبری نعمت پناه‌اُف متحد است.

ـ حزب کارگر[2] (۵۰)

این حزب در سال ۱۹۹٤ تأسیس شده و فعالیت آن به‌دلیل همکاری با ایاز مطلب اُف رئیس‌جمهور اسبق آذربایجان متوقف شده است. «سابوتای ممد اُف» رهبر این حزب است. راسیم آقایف یکی از مسئولان حزب در زمان حکومت ایاز مطلب‌اُف دبیر مطبوعات بود. بسیاری از رهبران حزب به جرم همکاری با ایاز مطلب اُف دستگیر شدند و رهبر حزب تا سال ۱۹۹۵ در زندان به سر می‌برد.

ـ حزب آزادی خلق[3] (۵۱)

این حزب بعد از استقلال کشور شکل گرفته و در ابتدا عضو کنگره دموکراتیک احزاب بود

---

1. Milli Gurtulus Partiyasi (میللی گورتولوش پارتیاسی)　2. Isci Partiyasi (ایشچی پارتیاسی)

3. Xalg Azadlig Partiyasi (خالق آزادلیق پارتیاسی)

که در سال ۱۹۹٦ از آن جدا شد. این حزب که «غنیمت زاهد اُف» رهبری آن را به‌عهده دارد، موضع شدیداً مخالف بر علیه دو کشور ایران و روسیه دارد.

ـ حزب دموکراتیک ملی آذربایجان[1] (۵۲)

این حزب دارای تمایلات ناسیونالیستی آتشینی است که دنبال راه حل نظامی به‌عنوان تنها راه حل مناقشه قره‌باغ است. اسکندر حمیداُف از شخصیت‌های ناسیونالیست افراطی رهبر این حزب است که در سال‌های ابتدای استقلال کشور، مسئولیت وزارت کشور را داشت. این حزب در سال ۱۹۹۵ به‌دنبال وقوع جریانات سیاسی که منجر به دستگیری برخی فعالان سیاسی شد، غیرقانونی اعلام شد و رهبر آن دستگیر شد. این حزب قبلاً «بوزگورد[2]» (گرگ خاکستری) نام داشت که نماد گروه‌های ناسیونالیست ترک است. برخی منابع ارمنی، اسکندر حمیداُف را مسبب بسیاری از درگیری‌های قره‌باغ و شعله‌ور شدن آتش جنگ بین دو ملت می‌دانند.

ـ حزب دموکراتیک لزگی (۵۳)

این حزب در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و درصدد است، نام خود را به‌عنوان کلی‌تری که شامل سایر اقلیت‌های قومی نیز باشد، تغییر دهد. ولی فعالیت آن عمدتاً در مناطق لزگی‌نشین (خاچماز، گوسار، شماخی و گبه‌له) است. پیشنهاد این حزب ایجاد منطقه اقتصادی آزاد در دو طرف مرز داغستان و دادن حقوق فرهنگی به قوم لزگی است. این حزب تلاش می‌کند، حمایت سایر اقوام را نیز جلب کند.

1. Azarbaycan Milli Demokratik Partiyasi (آذربایجان میللی دموکراتیک پارتیاسی)
2. Boz gurd (بوز گورد)

فصل پانزدهم

برآورد سیاست داخلی و بررسی مهم‌ترین چالش‌ها، مشکلات و بحران‌های سیاسی آذربایجان

مناقشه قره‌باغ و احزاب سیاسی مخالف از مهم‌ترین چالش‌ها، مشکلات و بحران‌های سیاسی داخلی آذربایجان هستند که شرح آن‌ها در پی می‌آید:

۱ـ۱۵) مناقشه قره‌باغ

پیشینه تاریخی منطقه و شروع مناقشه

سرزمین تاریخی قره‌باغ یکی از مسکن‌های اولیه و بسیار قدیمی انسان‌ها بوده که غار «آزیخ[1]» در آن، نشانگر زیست انسان در ازمنهٔ قدیم در این منطقه است.[54]

---

۱. واژهٔ آزیخ در زبان ترکی قدیم به معنی خرس است. این غار به‌خاطر پیدا شدن جمجمه خرس بدین نام خوانده شده است.

قره‌باغ منطقه‌ای در جنوب کوه‌های قفقاز کوچک در غرب کشور جمهوری آذربایجان که از دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی تشکیل یافته است. بخش جلگه‌ای منطقه قره‌باغ را قره‌باغ سفلی یا قره‌باغ تاریخی می‌نامند و بخش کوهستانی آن را قره‌باغ علیا (Yuxari Qarabag) یا قره‌باغ کوهستانی (Daglig Qarabag) می‌خوانند.

در منابع تاریخی اسلامی برای نخستین بار در قرن هشتم هجری قمری به نام قره‌باغ اشاره می‌شود. حمدا... مستوفی مورخ قرن هشتم هجری قمری در کتاب «نزهت القلوب» برای نخستین بار به این نام اشاره دارد.[۵۵]

منطقهٔ قره‌باغ کوهستانی که در حال حاضر مورد مناقشه است، از قرن اول میلادی بخشی از ولایت تاریخی «آرتساخ» (Artsax) سرزمین «آلبان»های قفقاز بوده است. اهالی این منطقه تا قرن چهاردهم میلادی بت‌پرست بوده‌اند. در اوایل قرن چهارم میلادی «اورنایر» (Urnair)، پادشاه آلبانی مسیحیت را قبول کرده و به‌عنوان دین رسمی این منطقه اعلام می‌کند[۵۶] ولی مسیحیت در این ناحیه برعکس مناطق اطراف مثل ارمنستان و گرجستان چندان توسعه نیافت و در کنار مذهب مسیحیت گروه‌هایی از مردم به بت‌پرستی (ستایش ماه، آفتاب و آسمان) ادامه می‌دادند و بخشی از مردم نیز پیرو مذهب «مزدایی» ایران شدند.[۵۷] علاوه بر مورخان غربی، برخی از مورخان ارمنی از جمله «موسی خورفی»، آلبانیایی بودن ساکنان اولیه قره‌باغ را قبول دارند.[۵۸] زمانی‌که اسلام وارد این منطقه شد (قرن هشتم میلادی) حکمرانی منطقهٔ قره‌باغ کوهستانی در دست پادشاهی آلبانی بود. نیز بخش از مردم این منطقه تحت نفوذ کلیسای ارامنه در سرزمین مجاور (ارمنستان) بودند. در حالی‌که آلبان‌ها از کلیسای روم تبعیت می‌کردند. اختلاف بین دو شاخه از مسیحیت باعث شد، کلیسای ارامنه در ساقط کردن پادشاهی آلبانی با اعراب همکاری کند. افزون بر نفوذ ارامنه در این منطقه، خزرها که قومی ترک‌بار بودند، قبل از قرن هشتم میلادی وارد منطقهٔ قفقاز شده و به مدت ۳ قرن حکومت مقتدری را در منطقه قفقاز تشکیل دادند که این حکومت در منطقه قره‌باغ نیز نفوذ زیاد پیدا کرده بود.[۵۹]

بعد از فتح منطقهٔ قره‌باغ توسط مسلمانان به فرماندهی مغیرة ابن شعبه، اشعث‌ابن‌قیس

فرمانروایی این منطقه را در قالب منطقه وسیع آذربایجان به‌عهده داشت. اشعث در زمان خلافت حضرت علی (ع) نیز حکمران منطقهٔ آذربایجان بوده که امیرالمؤمنین وی را به‌خاطر سخت‌گیری‌ها و بی‌عدالتی‌هایش به‌شدت مورد انتقاد قرار داد.[۶۰]

در دوره‌های بعدی حکومت متحد و متمرکزی در قفقاز وجود نداشت و در قرن وسطی، قره‌باغ کوهستانی در ترکیب «بیگلربیگی» قره‌باغ یا گنجه قرار داشت. بعد از صفویه، حاکمیت در این مناطق در قالب «خان‌نشین»های وابسته به حکومت ایران بود. بعد از خاتمه پادشاهی نادرشاه افشار، خان‌نشین‌ها از استقلال بیشتری برخوردار شدند.[۶۱] در این زمان «پناه علی بیگ» حاکم مسلمان و ترک زبان قره‌باغ بعد از تلاش‌های زیادی نتوانست اقلیت ارامنه قره‌باغ را که به سرکردگی «ملک خاچن» قصد شورش داشتند، با مذاکره راضی به تمکین کند و طی جنگ سختی آن‌ها را تارومار کرد.[۶۲]

این جنگ اولین حرکت شورشی ارامنه محسوب می‌شود که قصد به‌دست گرفتن حاکمیت در این منطقه را داشتند. این‌گونه تحرکات بعدها نیز ادامه یافت.

آذربایجانی‌ها هر چند که در این منطقه اکثر اوقات قوم حاکم بودند ولی در مواقعی هم که یکی از ارامنه قدرت می‌یافت، دست به شورش نمی‌زدند. کما این‌که در قرن هفدهم یک کشیش ارمنی به نام «وارتابت میخلو» (Vartabet Mekhlu) حکمرانی منطقه قره‌باغ علیا را در دست داشت که این دوره بسیار طولانی نیز بود. آذربایجانی‌ها هیچ‌گونه اعتراضی به حکومت یک ارمنی (علی‌رغم اکثریت آذربایجانی‌ها) نداشتند و حکمرانی ارمنی را در زبان خود «میخلی بابا» (پدر میخلی) می‌نامیدند.[۶۳]

در سال ۱۸۱۰ از ۱۲۰۰۰ خانوار ساکن در قره‌باغ کوهستانی، ۹۵۰۰ خانوار آذربایجانی و ۲۵۰۰ خانوار ارمنی بودند. همچنین آمارگیری انجام شده توسط یک نفر نظامی و یک مشاور (یرمولوف و موگیلیوسکی) نشانگر زندگی ۷۵ درصد آذربایجانی و ۲۵ درصد ارمنی در قره‌باغ کوهستانی است.[۶۴] پس از انعقاد عهدنامه ترکمنچای بین ایران و روسیه برابر مواد چهاردهم و پانزدهم این عهدنامه، متولدین و مهاجرین سرزمین‌هایی که به تصرف روس‌ها و در سایر نقاط

ایران زندگی می‌کردند، می‌توانستند به سرزمین‌های تصرف شده بازگردند. روس‌ها با اعزام افرادی مثل «سرهنگ لازادیان» ارمنی و «گریبایدوف» وزیر مختار روسیه در ایران مهاجرت‌های وسیعی را تدارک دیدند که اکثر آن‌ها با زور و تهدید همراه بود. یکی از نمونه‌های مشهور این مهاجرت اجباری ماجرای همسران آصف‌الدوله بودکه باعث خشم مردم مسلمان و قتل گریبایدوف و یعقوب ارمنی شد.(۶۵)

در فاصله سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ بیش از ۲۰۰ هزار نفر ارمنی از ایران به منطقه قفقاز مهاجرت کردند که بیشتر آن‌ها در قره‌باغ کوهستانی سکنی گزیدند. گفتنی است که قبل از این مهاجرت‌ها طبق سرشماری روس‌ها در سال ۱۸۲۸ ترکیب جمعیتی قره‌باغ کوهستانی به‌صورت ۶۸/۸ درصد آذربایجانی و ۳۱/۲ درصد ارمنی بود.(۶۶) در سال ۱۸۲۸ با الحاق مناطق زنگه زور (Zange Zur) و جوانشیر (Gavansir) به ارمنستان که تصمیم دولت شوروی بود، ترکیب جمعیتی منطقه به‌دلیل الحاق این مناطق آذربایجانی‌نشین به نفع ارامنه تغییر یافت.(۶۷) در زمان استقرار جمهوری اول (حکومتی که توسط محمد امین رسول‌زاده بنیانگذاری شد) از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ قره‌باغ کوهستانی علی‌رغم برخی اعتراضات گروه‌های ارمنی کلاً در ترکیب جمهوری آذربایجان بود. در این دوره اکثریت ارامنه (به‌ویژه کشاورزان و روستاییان) با ماندن قره‌باغ کوهستانی در ترکیب سرزمینی آذربایجان موافق بودند و این موضوع در کنگره ۱۹۱۹ دهقانان ارمنی قره‌باغ کوهستانی مورد تأکید قرار گرفت و موضوع طی گزارشی توسط «آ. ای. میگویان» از روشنفکران ارمنی قره‌باغ به لنین رهبر اتحاد جماهیر شوروی منعکس می‌شود.(۶۸)

علی‌رغم تمایل و علاقه‌مندی اکثر ارامنه قره‌باغ کوهستانی به ماندن در ترکیب جمهوری سوسیالیستی آذربایجان و عدم مخالفت مسکو با این مسئله، مقامات جمهوری ارمنستان و نیز گروه‌های افراطی ارمنی با ایجاد درگیری‌های خونین و رعب و وحشت، سعی در الحاق این منطقه به ارمنستان داشتند. این اغتشاش‌ها تا جایی ادامه یافت که دولت کمونیستی شوروی در سال ۱۹۲۱ در اجلاس شعبه قفقاز کمیته مرکزی حزب کمونیست، به منطقه قره‌باغ کوهستانی با مرکزیت شهر شوشا

خودمختاری داد. طبق این تصمیم، این منطقه به‌صورت خودمختار ولی از نظر تقسیمات کشوری به‌عنوان بخشی از خاک آذربایجان درآمد.[۶۹]

در سال ۱۹۸۵ به‌دنبال اعلام سیاست‌های «تجدید ساختار» (پروستوریکا) و «فضای باز سیاسی» (گلاسنوست) از طرف میخائیل گورباچف رهبر شوروی، ارامنه قره‌باغ خواستار الحاق به ارمنستان شدند. در ماه ژوئن ۱۹۸۵ شورای عالی ارمنستان الحاق قره‌باغ به ارمنستان را اعلام کرد که از طرف مجلس آذربایجان مردود اعلام شد و از سال ۱۹۸۸ درگیری میان دو قوم دوباره شروع شد. مسکو در این زمینه در ظاهر و در اوایل کار ادعای بی‌طرفی داشت که به مرور جانب ارامنه را گرفت و این مسئله باعث تظاهرات مردمی در سال ۱۹۹۰ در باکو شد که از طرف ارتش سرخ شوروی به خاک و خون کشیده شد. بعد از فروپاشی شوروی، ارامنه از موقعیت بحرانی آذربایجان استفاده کرده و بخشی از خاک این کشور را اشغال نمودند.[۷۰]

طی سه سال جنگ در قره‌باغ کوهستانی (۱۹۹۱ تا ۱۹۹٤) بیش از ۲۰ هزار نفر از نظامیان و ساکنان غیرنظامی آذربایجان کشته شده‌اند و قریب یک میلیون نفر از ساکنان آذربایجانی قره‌باغ و مناطق اطراف، خانه و کاشانه خود را ترک و به‌صورت آواره در مناطق مرکزی آذربایجان در شرایط سختی به سر می‌برند. ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان شامل قره‌باغ کوهستانی و شهرهای آذربایجانی‌نشین اطراف (از جمله فضولی، آغدام و جبرائیلی) به اشغال نیروی ارمنی درآمده است. کشور ارمنستان افزون بر حمایت مستقیم از ارامنه قره‌باغ در جنگ با آذربایجانی‌ها و اشغال شهرها و روستاهای قره‌باغ و مناطق اطراف، با تصرف دالان لاچین که در حد فاصل بین مرز ارمنستان و منطقه قره‌باغ است، بخش‌هایی از خاک آذربایجان را ضمیمه خاک خود کرده است. نیروهای ارمنستان همچنین با تصرف شهر کلبه‌جر در جنوب‌غربی آذربایجان، ارتباط جمهوری آذربایجان با کشور ایران را در این منطقه قطع کرده است. شایان ذکر است که این منطقه از مرز ایران در دسترسی جمهوری آذربایجان به خاک جمهوری خودمختار نخجوان بسیار حائز اهمیت است.[۷۱]

ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و انسانی قره‌باغ

از نظر جغرافیایی و مکانی منطقه قره‌باغ کوهستانی در داخل خاک آذربایجان قرار دارد و با کشور ارمنستان مرز ندارد. قره‌باغ تاریخی که قره‌باغ کوهستانی در قسمت شمال آن جای گرفته، منطقه‌ای کوهستانی بین رودهای کورا در شمال و ارس در جنوب است. قره‌باغ کوهستانی دارای ٤۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت است که ۹ نقطه شهری و تعداد زیادی روستا را در بر می‌گیرد. جمعیت فعلی قره‌باغ (قبل از اشغال توسط ارتش ارمنستان) ۱۹۰ هزار نفر برآورد شده است که از این میزان ۷۷ درصد ارمنی، ۲۲/۵ درصد آذربایجانی و ۰/۵ درصد روس هستند.[۷۲]

منطقه قره‌باغ کوهستانی تنوع بسیار زیادی در پوشش گیاهی و حیات جانوری دارد و با توجه به کشاورزی، معادن و صنایع کوچک مستقر در این منطقه، از نظر اقتصادی ناحیهٔ توانمندی محسوب می‌شود.

وضعیت فعلی بحران قره‌باغ

در شرایط فعلی دولت آذربایجان و برخی گروه‌های سیاسی به تلاش‌های گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا در زمینه حل بحران قره‌باغ به نحوی که منافع آذربایجان را تأمین کند، امیدوارند. ولی برخی گروه‌های سیاسی با توجه به این‌که نزدیک به یک دهه از اعلام آتش‌بس بین دو کشور گذشته و مجامع بین‌المللی از جمله گروه مینسک نتوانسته‌اند، نسبت به حل این مشکل اقدام مؤثری انجام دهند، چندان به حل‌وفصل این بحران خوشبین نیستند.

شورای امنیت و همکاری اروپا با توجه به نگرش‌های اعضای آن در اکثر اقدامات سیاسی به ملاحظات اقتصادی نیز توجه دارند[۷۳]، در زمینه حل بحران قره‌باغ نیز به شکوفا شدن اقتصاد منطقه‌ای و ارتباط با کشورهای اروپایی توجه می‌کنند. این مسئله باعث شده تا تلاش‌های صورت گرفته با ملاحظات قومی و حساسیت‌های دو ملت آذربایجانی و ارمنی سازگاری چندانی نداشته باشد.

برخی اعضای گروه مینسک مثل آلمان، آزادسازی ۵ رایون (منطقه) آذربایجانی‌نشین در اطراف قره‌باغ را در قبال راه‌اندازی مجدد خط آهن آذربایجان به ارمنستان خواستار هستند. این گزینه توسط دولت ارمنستان رد شده است. دولت آذربایجان نیز جواب قطعی به این پیشنهاد نداده است. در حال حاضر دولت آذربایجان دو گزینه به‌صورت کلی در زمینه حل بحران قره‌باغ در پیش رو دارد که عبارت‌اند از: ۱) حل مشکل به‌صورت یکجا، آزادسازی اراضی اشغالی و به‌دست آوردن تمامیت ارضی کشور که با توجه به عدم اطمینان به توان ارتش آذربایجان (علی‌رغم این‌که در سال‌های اخیر قدرت زیادی پیدا کرده است) و مشکلات اقتصادی کشور، تحقق آن چندان آسان نیست. از طرف دیگر این گزینه از سوی کشورهای منطقه و مجامع بین‌المللی به‌شدت مورد مخالفت قرار خواهد گرفت و این امر تأثیر منفی زیادی بر روابط این کشورها با آذربایجان می‌گذارد که با در نظر گرفتن مسئله انتقال نفت آذربایجان به ممالک غربی آینده اقتصادی آذربایجان را به مخاطره می‌اندازد.

۲) حل مشکل به‌صورت قدم به قدم که در مرحله اول آزادسازی بخشی از اراضی اشغالی را شامل خواهد شد و برای سایر مراحل راه مذاکره و چانه‌زنی باز است. هر چند این روش منطقی به نظر می‌رسد و دولت باکو مخالفت زیادی با این روش ندارد ولی برخی تحلیلگران در آذربایجان عقیده دارند که این گزینه باعث خواهد شد مجامع بین‌المللی حق آذربایجان را منحصر به مرحله اول بدانند و از آزادسازی بقیه اراضی حمایت نکنند و از طرف دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد که دولت ارمنستان مجدداً به این اراضی حمله نکند.[۷٤]

حاکمیت توأمان ارمنستان و آذربایجان در منطقه قره‌باغ نیز گزینه دیگری است که از سوی گروه مینسک مطرح شده است. این راه حل از نظر اکثر سیاستمداران آذربایجانی با حاکمیت ارمنستان در قره‌باغ یکسان است و آن را رد می‌کنند.[۷۵]

دیگر گزینه‌هایی که طی مذاکرات مطرح می‌شود، عبارت‌اند از:

ـ عقب‌نشینی کامل نیروهای ارتش ارمنستان و شورشیان ارمنی قره‌باغ از خاک آذربایجان و اعطای خودمختاری به ایالت قره‌باغ کوهستانی در ترکیب جمهوری آذربایجان که در این

صورت ارامنه قره‌باغ مانند سایر شهروندان آذربایجانی از حقوق کامل برخوردار خواهند شد و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در انتخابات را خواهند داشت.

ـ آزادسازی اراضی اشغالی و اجازه حفظ کریدور لاچین توسط ارمنستان برای ارتباط با قره‌باغ کوهستانی در قبال واگذاری کریدور «مهری» (Mehri) در داخل خاک ارمنستان برای ارتباط آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان که گویا این گزینه به صورت پنهانی مذاکره شده و به‌صورت علنی مطرح نشده است.[۷٦]

ماهیت بحران قره‌باغ

بحران قره‌باغ در زمره مناقشاتی است که با حوادث تاریخی در هم تنیده شده است و مسئله‌ای نیست که طی یک یا چند دور مذاکره بین رهبران دو کشور که تسلط زیادی بر افکار عمومی و دیدگاه‌های گروه‌های سیاسی فعال در کشور خود ندارند، برطرف شود. مسئله قره‌باغ علاوه بر اذهان سیاستمداران دو کشور در حافظهٔ تاریخی مردم دو کشور نقش بسته است و گمان نمی‌رود به آسانی از اذهان پاک شود. کتب و اسناد منتشره در این زمینه مملو از کشتار، خونریزی و عقده‌گشایی‌های قومی و مذهبی است. گویا ارامنه در مدارس و مجامع فرهنگی به کودکان و نوجوانان یاد می‌دهند که قره‌باغ پاره‌ای از خاک وطن‌شان ارمنستان است و ترک‌ها در طول تاریخ همواره دست به نسل‌کشی ارامنه زده‌اند. «کشتار ارمنیان» (گذرگاه آرارات) و «افسانه پان‌تورانیسم» از جمله کتبی هستند که توسط ارامنه نگاشته شده و به فارسی هم ترجمه شده‌اند. مؤلفین این کتاب‌ها آشکارا قوم ترک را دشمن ارامنه می‌دانند. آذربایجانی‌ها نیز متقابلاً در کتب خود از کشتار آذربایجانی‌ها توسط ارامنه سخن می‌گویند. محمدسعید اردوباری یکی از وقایع‌نگاران آذربایجانی در زمان درگیری‌های خونین بین ارامنه و آذربایجانی‌ها در گذشته بوده که در کتاب «قانلی سنه‌لر» (سال‌های خونین)، از کشتار مسلمانان ترک زبان توسط اعضای حزب داشناکسیون ارامنه در هنگام عبادت و یا سربریدن یک اسیر آذربایجانی در حیاط کلیسا توسط یک کشیش ارمنی سخن می‌گوید. با این اوصاف دشمنی بین دو قوم منحصر به

مسائل سیاسی و ارضی نیست بلکه جنبه‌های قومی و مذهبی را نیز در بر گرفته است. هر چند برخی بر این عقیده‌اند که این جنگ، مذهبی نیست ولی در عمل جنبه‌های مذهبی آن کاملاً مشهود است. البته ذکر این نکته نیز شایان توجه است که مردم دو کشور به‌دلیل شرایط اقتصادی نامناسب حاکم در کشور و معیشت سخت، از درگیری و جنگ استقبال نمی‌کنند. این عدم تمایل به جنگ در بین مردم ارمنستان که در ظاهر در عرصه جنگ پیروز بوده‌اند، نیز وجود دارد. سران هر دو کشور با مشکل مشروعیت در بین شهروندان مواجه هستند و گروه‌های مخالف دولت در دو کشور، هیأت حاکمه را در عرصه اقتصادی، آزادی‌های سیاسی و نیز حل بحران قره‌باغ ناموفق می‌دانند. از این رو به‌نظر می‌رسد در صورت به قدرت رسیدن احزاب سیاسی دیگری در هر دو کشور ـ که احتمال آن می‌رود ـ تغییر قابل توجهی در روند مذاکرات قره‌باغ حاصل خواهد شد.

کشورهای خارجی در خصوص بحران قره‌باغ علی‌رغم تلاش‌هایی که انجام می‌دهند، ولی بیشتر نتیجه کار را با منافع خود پیوند می‌زنند. در کشور آمریکا، محافل سیاسی تا چند سال پیش به‌شدت از ارامنه طرفداری می‌کردند و این مسئله باعث شده بود تا کنگره آمریکا کشور آذربایجان را از کمک‌های مالی بلاعوض که دولت آمریکا به کشورهای تازه استقلال یافته اعطا می‌کرد، محروم کند. در سال‌های اخیر دولت آمریکا تحت تأثیر منافع اقتصادی خود در زمینه انتقال نفت از آذربایجان (به‌ویژه خط لوله باکو ـ تفلیس ـ جیهان) و مجامع بین‌المللی که آذربایجان در آن‌ها نفوذ کرده، از دولت باکو حمایت می‌کند و گویا برخی احزاب تندرو ارمنی (از جمله حزب داشناکسیون) را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است. روسیه نیز در حل مناقشه قره‌باغ به‌دنبال نفوذ و منافع از دست رفتهٔ روس‌ها در دوران اتحاد جماهیر شوروی است و از این رو پیشنهاد استقرار قوای روسی در قره‌باغ به‌عنوان نیروی بی‌طرف را داده است.

ترکیه نیز از جمله کشورهایی است که در زمینه حل بحران قره‌باغ تلاش می‌کند. این کشور برعکس آمریکا و روسیه، علناً از آذربایجان حمایت می‌کند. همسانی قومی، زبانی و دینی ترکیه با آذربایجان که تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم و سنت‌های مشابهی را برای دو کشور به‌وجود

آورده، باعث شده تا منافع ملی دو کشور به هم پیوند بخورند. از این رو دولت ترکیه یکی از شرایط عادی‌سازی روابط خود با ارمنستان را تخلیه اراضی اشغالی آذربایجان عنوان می‌کند. کشور ایران نیز تلاش‌هایی در زمینه حل بحران قره‌باغ داشته است و حتی در سال ۱۹۹۱ سران دو کشور را برای مذاکره به تهران دعوت کرد که آتش‌بس موقتی نیز صورت گرفت. ولی در همین ایام نیروهای ارمنی با استفاده از فرصت پیش آمده تهاجم گسترده‌ای را شروع و بخش‌هایی از خاک آذربایجان را اشغال کردند و مذاکرات بی‌نتیجه ماند که این امر لطمهٔ زیادی به جایگاه ایران در معادلات سیاسی منطقه زد. در حال حاضر ایران خواستار برقراری صلح در منطقه است و تمامیت ارضی آذربایجان را قبول دارد ولی از هیچ طرفی حمایت نمی‌کند.

به‌طور کلی ترتیبات منطقه‌ای و منافع کشورهای منطقه ایجاب می‌کند، صلح و ثبات در قفقاز حاکم باشد. در حال حاضر قره‌باغ یکی از گرهگاه‌های بحران‌زا در این منطقه است که حل آن قبل از هر چیزی نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در دیدگاه‌ها و ادبیات سیاسی دو کشور و نیز دولت‌های دارای منفعت ویژه در منطقه هست.

۲ـ۱۵) احزاب سیاسی مخالف

احزاب سیاسی مخالف دولت و همچنین گروه‌های مخالف دیگر همواره مانع از اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دولت آذربایجان می‌شوند. احزاب «جبههٔ خلق آذربایجان»، «مساوات»، «استقلال ملی» و «حزب دموکرات آذربایجان» از مهم‌ترین احزاب مخالف هستند که این احزاب طی میتینگ‌ها و مطالبی که در ارگان‌های مطبوعاتی خود چاپ می‌کنند، همواره به مخالفت با سیاست‌های دولت و حزب حاکم (آذربایجان نوین) می‌پردازند و همچنین برخی از صاحبان این دیدگاه‌ها که کرسی‌های نمایندگی مجلس را در دست دارند از تریبون مجلس نیز به طرح عقاید و دیدگاه‌های خود می‌پردازند و این مخالفت‌ها گاهی باعث ایجاد تشنج در صحن پارلمان شده است[۷۷] و طرفداران و اعضای احزاب مخالف گاهی اوقات دست به راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز نیز می‌زنند. محورهای عمده در راه‌اندازی این راهپیمایی‌ها،

مخالفت با برخی سیاست‌های دولت، خواستار اعطای آزادی بیشتر به مخالفان و حمایت از زندانیان سیاسی بوده و این راهپیمایی‌ها اکثر اوقات با عکس‌العمل پلیس یا طرفداران دولت (گروه‌هایی از مردم عادی که طرفدار یا عضو حزب آذربایجان نوین یا احزاب ائتلافی هستند) پراکنده می‌شوند.[۷۸]

علاوه بر احزاب سیاسی یاد شده، اسلام‌گرایی در بین مردم آذربایجان چالشی است که پیش روی حاکمیت جمهوری آذربایجان قرار دارد و مشکلاتی را بر سر راه سیاست‌های سکولار دولت ایجاد می‌کند. حزب اسلامی آذربایجان در تحرکات سیاسی اسلام‌گرایان تأثیرگذار است.[۷۹]

هر چند که اسلام‌گرایی به‌دلیل تناسب و سازگاری با ساختار اجتماعی ـ فرهنگی مردم نسبت به گرایشات دیگر از اقبال بهتری برخوردار است ولی با توجه به عدم وجود تشکیلات سیاسی قوی در این زمینه و همچنین با در نظر گرفتن این واقعیت که حکومت جمهوری آذربایجان، مخالفت چندانی با مظاهر دین اسلام ندارد و در اکثر موارد پای‌بندی ظاهری خود را به شعائر دینی و مراسم مذهبی نشان می‌دهد، نمی‌توان گفت که اسلام‌گرایی بحران و چالش اساسی در عرصه سیاست داخلی برای این کشور است.

سهم و نقش گروه‌های نژادی، مذهبی و ملیت‌ها در سیاست داخلی

در بین نژادها، ملیت‌ها و مذاهب موجود در کشور آذربایجان، ترک‌های آذربایجانی که مسلمان (شیعه) هستند، تقریباً تمام سهم را در سیاست داخلی (قوای سه‌گانه) دارند. در بررسی اطلاعات و اسناد موجود، هیچ موردی که نشان‌دهندهٔ نقش گروه‌های نژادی، ملی و مذهبی غیر از آذربایجانی‌ها در قوای سه‌گانه حکومتی باشد، پیدا نشده است. فقط چنین موردی در شرکت‌های وابسته به دولت مثل شرکت نفت دولتی «سوکار» مشاهده می‌شود. کما این‌که در حال حاضر، رئیس شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان یک نفر روس است. البته در منطقه قره‌باغ کوهستانی شرایط فرق می‌کند و نهادهای حکومتی در این منطقه در دست ارامنه است.

این وضعیت قبلاً نیز حاکم بوده ولی با اشغال قره‌باغ و مناطق اطراف توسط ارتش ارمنستان و نیروهای شورشی ارمنی نهادهای حکومتی کاملاً از دست دولت مرکزی خارج شد.

۳ـ۱۵) مناطق جغرافیایی مؤثر در سیاست داخلی

اگر معیارهایی مثل شرکت در انتخابات و نتیجه آرای مأخوذه، ایجاد اغتشاش و ناامنی، حمایت از نظام سیاسی کشور و همچنین خاستگاه سیاستمداران مؤثر در معادلات سیاسی را مدنظر قرار دهیم چند منطقه مهم در جمهوری آذربایجان وجود دارد که نحوه تأثیرگذاری هر کدام در سیاست داخلی در پی می‌آید.

۱. منطقهٔ شبه جزیره آبشارون

این منطقه به‌دلیل قرارگرفتن نقاط شهری پرجمعیت مثل باکو، سومقایت و ... نقش قابل ملاحظه‌ای در نتیجه انتخابات دارد. قرار گرفتن دفاتر مرکزی احزاب اصلی فعال در کشور و همچنین دفاتر ارگان‌های مطبوعاتی این احزاب این نقش را مضاعف کرده است. از نظر حمایت از نظام سیاسی کشور و ایجاد اغتشاش (مخالفت با نظام سیاسی در قالب تظاهرات و راهپیمایی‌ها) نیز این منطقه تأثیرگذار است. این مسئله در برخی راهپیمایی‌ها و میتینگ‌ها به‌خوبی مشهود است و دو طیف از مردم این منطقه (مخالف و موافق نظام سیاسی) از هم تفکیک می‌شود.[۸۰] این منطقه زادگاه تعداد زیادی از سیاستمداران و محل سکونت و فعالیت اکثر فعالان سیاسی نیز به‌شمار می‌آید.

۲. منطقهٔ نخجوان

و منطقه نخجوان زادگاه سیاستمداران زیادی است که عموماً در تحولات سیاسی جمهوری آذربایجان نقش اساسی و تعیین‌کننده داشته‌اند. ابوالفضل ایلچی بیگ، رهبر حزب «جبهه خلق آذربایجان»، رسول قلی اف، رهبر حزب دموکرات آذربایجان و رئیس مجلس سابق و

رئیس‌جمهور سابق آذربایجان و حیدر علی اف رهبر «حزب آذربایجان نوین» و رئیس‌جمهور فعلی کشور هر سه در جمهوری خودمختار نخجوان به‌دنیا آمده و ارتباط نزدیکی با مردم و نهادهای سیاسی و اجتماعی این منطقه داشته‌اند. نهادهای حکومتی مستقر در این برون‌بوم (مثل مجلس عالی نخجوان و هیأت وزیران) نیز در حمایت از نظام سیاسی مرکزی کشور تأثیرگذار هستند.

۳. منطقهٔ قره‌باغ

مناقشه قره‌باغ که در حال حاضر اصلی‌ترین دغدغهٔ دولتمردان آذربایجان است، در این منطقه اتفاق افتاده و تمام جنبه‌های زندگی مردم کشور را تحت‌الشعاع قرار داده است. از نظر ایجاد ناامنی، این منطقه بالاترین و اصلی‌ترین تأثیر را دارد که ارامنه قره‌باغ به‌عنوان اکثریت ساکنان منطقه در موضع دشمنی با حکومت و مردم آذربایجان قرار دارند و در سایر پارامترهای سیاست داخلی مثل انتخابات یا حمایت از نظام سیاسی و پرورش سیاستمداران نقش ندارند و نقش‌شان فقط منحصر به ایجاد ناامنی، تجزیه‌طلبی و ایجاد بحرانی در سطح بین‌المللی است.

٤. منطقهٔ گنجه

منطقه گنجه به‌دلیل داشتن جمیعت قابل ملاحظه و سابقه استقرار حکومت در دوره جمهوری اول (۲۰ـ۱۸۱۹) و سکونت و فعالیت‌های سابق صورت حسین‌اف، نخست‌وزیر سابق کشور که در سال ۱۹۹۲ با رهبری نظامیان شورشی حکومت ابوالفضل ایلچی بیگ را ساقط کرد، از نقطه‌نظر حمایت یا مخالفت با نظام سیاسی و انتخابات و داشتن توان بالقوه برای ایجاد ناامنی دارای اهمیت است.

فصل شانزدهم

برآورد سیاست و روابط خارجی

۱ـ ۱۶) اصول و مبانی سیاست خارجی

ماده ۱۰ قانون اساسی جمهوری آذربایجان اصول اصلی سیاست خارجی کشور را بیان می‌دارد. در این ماده شکل‌گیری ارتباط آذربایجان با سایر کشورها بر اساس اصول معین جهانی است که با قواعد بین‌المللی مطابقت دارند.(۸۱)

در بیانیه رسمی دولت آذربایجان که اولویت‌های سیاست خارجی کشور را مشخص ساخته است به برخی موارد می‌توان اشاره کرد که ماهیتاً جزو اصول و مبانی محسوب می‌شوند. این موارد عبارت‌اند از:

۱. پیشبرد اصول دموکراسی مبتنی بر اقتصاد بازار و قانون‌گرایی

۲. استقلال سیاست خارجی با هدف استقرار حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی کشور

۳. توسعه روابط همسایگی بهتر و مبتنی بر منافع دوسویه با کشورهای همسایه

٤. ایجاد امنیت و ثبات در منطقه(۸۲)

و توجه به استقلال واقعی و توتالیتاریسم و تمامیت ارضی کشور (بازپس‌گیری اراضی اشغال شده توسط ارمنستان) از مسائل اصلی در سیاست خارجی دولت فعلی آذربایجان هستند. استقلال ملی، دفاع ملی و سیستم آزاد برای اتحاد با کشورهای مختلف اصول دکترین حیدر علی اف رئیس‌جمهور آذربایجان در زمینه سیاست‌های خارجی است. او در کنار این اصول به واقعیت‌های تاریخی و علائق ملی در سیاست خارجی توجه دارد و در اظهارنظرها و بیاناتش همواره نشانه‌هایی از ملت آذربایجان هست.(۸۳)

۲ـ ۱٦) منافع و علائق منطقه‌ای

منافع و علائق منطقه‌ای جمهوری آذربایجان را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. استفاده از منابع دریای خزر

و در این راستا دولت آذربایجان تمامی مساعی خود را در جهت برخورداری بیشتر از منابع دریای خزر به‌ویژه منابع نفت و گاز به‌کار می‌برد. با توجه به وضعیت اقتصادی دشوار در این کشور دولتمردان کشور این منابع را به‌عنوان اصلی‌ترین مفر خروج از بحران اقتصادی می‌دانند. در این زمینه استفاده از توان مالی و تکنولوژیکی شرکت‌های غربی مثل «بریتیش پترولیوم» (BP[1]) به‌عنوان یک استراتژی محسوب می‌شود و کشورهای غربی در این زمینه نسبت به کشورهای منطقه اولویت بیشتری دارند.(۸٤)

این کشور همچنین غیرنظامی کردن حوزه دریای خزر را به‌عنوان یک اولویت در سیاست خارجی اعلام کرده است.(۸۵)

---

1. British Petroliom

۲. عضویت و حضور مؤثر در سازمان‌های منطقه‌ای

مهم‌ترین این سازمان‌ها عبارت‌اند از: کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS [1])، اکو، منطقه همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه (BSEC [2]) و گروه همکاری‌های منطقه‌ای «گوام» (GUAM)[۸۶]

در این زمینه کشور آذربایجان مکانیسمی را قبول دارد که به استقلال ممالک عضو آسیبی وارد نشود و همکاری‌های اقتصادی و مبادلات علمی و فرهنگی در روابط با کشورهای منطقه مدنظر واقع می‌شود. همچنین جمهوری آذربایجان در برقراری این روابط به تبیین وضعیت فعلی وحدت سرزمینی آذربایجان (اشغال بخشی از خاک کشور) و شرایط دشوار آوارگان می‌پردازد و سعی دارد، حمایت اعضای این سازمان‌ها را در این زمینه جلب کند.[۸۷]

۳. بازپس‌گیری اراضی اشغالی توسط ارتش ارمنستان و ایجاد روابط صلح‌آمیز با این کشور و در این زمینه رئیس‌جمهور آذربایجان بارها در مجامع بین‌المللی این موضوع را عنوان کرده است و داشتن روابط صلح‌آمیز با ارمنستان به‌عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی به‌طور رسمی مطرح شده است.[۸۸]

٤. روابط تنگاتنگ با روسیه در عین نفی سلطهٔ مجدد این کشور. دولت آذربایجان رابطه با روسیه را یک مورد خاص در سیاست‌های خارجی خود تلقی می‌کنند و تلاش آذربایجان در این راستا است که در عین عدم وابستگی به روسیه به بازسازی روابطش با این کشور بپردازد.

۵. روابط دوستانه با ترکیه و الگو قرار دادن این کشور در برخی زمینه‌ها و استفاده از کمک‌های مادی این کشور.

٦. روابط دوستانه با ایران از کمک‌های مادی این کشور و در عین حال جلوگیری از نفوذ ایدئولوژی ایران.

---

1. Common wealth of Independent States
2. Black Sea Economic Cooperation zone

۷. روابط دوستانه و صلح‌آمیز با سایر کشورهای حاشیه دریای خزر و کشورهای آسیای میانه و گرجستان[۸۹].

۸. توسعه کریدور حمل‌ونقل اوراسیا که آذربایجان بخشی از آن است.

۹. جلوگیری از تحرکات نظامی غیرقانونی در منطقه.

۱۰. ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته در قفقاز جنوبی.[۹۰]

۳ـ۱٦) منافع و علائق آذربایجان در صحنه روابط بین‌الملل

در صحنه روابط بین‌المللی و فرامنطقه‌ای جمهوری آذربایجان علائق، اهداف و استراتژی‌های زیر را دنبال می‌کند:

ـ پایبندی به اصول سیستم آزاد برای اتحاد با کشورهای مختلف جهان

ـ حفاظت و حمایت از علائق ملی کشور در تمام نقاط جهان

ـ اساس قرار دادن اقتصاد در همکاری با سایر کشورها [۹۱]

ـ زمینه‌سازی برای توسعه در ابعاد مختلف مبتنی بر موقعیت ژئواستراتژیک کشور به‌عنوان محل تلاقی شرق و غرب

ـ تبعیت از روند جهانی عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای

ـ پیوستن به ساختارهای امنیتی و همکاری اروپا و آتلانتیک

ـ ایجاد صلح و تفاهم با ارامنه در منطقه قره‌باغ از طریق گروه مینسک و اصول این گروه که در نشست لیسبون تهیه شده است.[۹۲]

و بر اساس موارد یاد شده جمهوری آذربایجان در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی زیادی عضویت دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: [۹۳]

ـ سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSEC [1])

1. Organization of Security and Cooperation of Europe

- شورای اروپا[1] (EC) به‌عنوان عضو ناظر
- سازمان کنفرانس اسلامی[2] (OIC)
- شورای همکاری گمرکی[3] (CCC)
- بانک جهانی توسعه و بازسازی[4] (IBRD)
- بانک اروپایی بازسازی و توسعه[5] (EBRD)
- بانک توسعه اسلامی[6] (IDB)

٤ـ١٦) روابط خارجی آذربایجان با کشورهای خارجی

- ترکیه

ترکیه به‌دلیل اشتراکات قومی و فرهنگی با آذربایجان از دیرباز یکی از مهم‌ترین حامیان مردم آذربایجان به‌شمار می‌رود. برقراری جمهوری اول (۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰) با حمایت حکومت عثمانی در آذربایجان محقق شد. پس از فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی این حمایت‌ها از جمهوری آذربایجان بیشتر شده است.

ترکیه اولین کشوری بود که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و اعلام استقلال توسط آذربایجان، استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و پس از چند ماه سرکنسولگری و کمتر از یک سال بعد از اعلام استقلال آذربایجان، سفارتخانه ترکیه در این کشور گشایش یافت. پس از آن نیز دو کشور در مقاطع مختلف تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... با هم امضا کرده‌اند. هر دو کشور نظام اقتصادی آزاد را پذیرفته‌اند.(۹٤)

---

1. European Council
2. Organization of Islamic Conference
3. Customs Cooperation Council
4. International Bank for Reconstruction and Development
5. European Bank for Reconstruction and Development
6. Islamic Development Bank

در حال حاضر علاوه بر سفارتخانه نمایندگی‌های دولتی متعدد وابسته به ترکیه در آذربایجان فعالیت دارند که سرکنسولگری ترکیه در جمهوری خودمختار نخجوان و دفاتر مشاوره اقتصادی، تجارت، مطبوعات، آموزش، مالی و امور دینی را می‌توان نام برد. [۹۵]

برخی از مهم‌ترین تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای منعقده بین دو کشور عبارت‌اند از:

ـ قرارداد همکاری‌های اقتصادی و تجاری سال ۱۹۹۲: طبق این قرارداد دو کشور در زمینه‌های بازرگانی، توسعه صنایع کوچک و متوسط، همکاری‌های گمرکی و فنی با هم به توافق رسیده‌اند.

ـ تفاهم‌نامه حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران دو کشور: این تفاهم‌نامه در سال ۱۹۹٤ به تصویب مجلس ملی آذربایجان و در سال ۱۹۹٦ به تصویب مجلس ترکیه رسیده است. [۹٦]

ـ اعلامیه آنکارا[1]: این اعلامیه در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۹۸ پس از مذاکرات رؤسای جمهوری کشورهای ترکیه، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان و ازبکستان در آنکارا، پایتخت ترکیه صادر شده است. مفاد این اعلامیه شامل نحوه همکاری در زمینه استخراج، تولید و صدور نفت و گاز توسط کشورهای امضا کننده است. این اعلامیه را می‌توان یکی از مهم‌ترین تفاهم‌نامه‌های منعقده بین کشورهای یاد شده به‌ویژه بین ترکیه و آذربایجان قلمداد کرد. توسعه منطقه‌ای، امنیت کشورهای امضا کننده، توجه به اصول آژانس انرژی اروپا و ملاحظات زیست‌محیطی، تحقق کریدور شرق به غرب در قالب سیستم خطوط لوله نفت و گاز دریای، تأکید بر اجرای پروژه خزر ـ مدیترانه (خط لوله نفتی باکو ـ جیحان ـ تفلیس) و حفاظت از سواحل دریاهای سیاه و مدیترانه از مفاد با اهمیت این اعلامیه هستند. [۹۷]

ـ توافقنامه همکاری‌های استراتژیک: این توافقنامه در سال ۱۹۹۷ بین رؤسای جمهور ترکیه و آذربایجان در آنکارا امضا شده است. این توافقنامه به‌عنوان پایه و اساس همکاری‌های آتی دو کشور تلقی می‌شود. از این رو مقامات دو کشور طی ملاقات‌های مختلف بر اجرای مفاد

1. The Ankara Declaration

این توافقنامه تأکید کرده‌اند. طی این توافقنامه و مذاکراتی که متعاقب آن بین مقامات سیاسی دو کشور صورت گرفته، توجه به مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای، پایبندی طرفین به حاکمیت دولت‌های دوطرف، توجه به تمامیت ارضی، استقلال و عدم مداخله در امور یکدیگر مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین بعد از پایان اشغال اراضی آذربایجان توسط ارمنستان به‌عنوان یک ضرورت تلقی شده و در عین توصیه راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل بحران قره‌باغ، جلوگیری از افزایش تسلیحات منطقه به‌ویژه از سوی دولت ارمنستان مورد توجه قرار گرفته است.(۹۸)

روابط اقتصادی ترکیه و آذربایجان همواره در حال گسترش بوده است. از ابتدای استقلال آذربایجان تا پایان سال ۱۹۹۸ تعداد ۱۱۷۵ شرکت و نمایندگی بنگاه اقتصادی ترک در آذربایجان تأسیس شده‌اند که توزیع آن‌ها در سال‌ها و وضعیت‌های مختلف به شرح زیر است:(۹۹)

سال تأسیس / وضعیت شرکت	۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	جمع
شرکت‌های دارای مالکیت مشترک	۳۹٤	۷۲	۷۸	٦۷	٦۱۱
شرکت‌هایی که ۱۰۰ درصد سرمایه آن‌ها متعلق به ترکیه است	۱۷٦	٦٥	۱۱٦	۱۲٦	٤۸۳
نمایندگی‌ها	۲۹	۸	۲۱	۲۳	۸۱
جمع	٥۹۹	۱٤٥	۲۱٥	۲۱٦	۱۱۷٥

موضوع فعالیت این شرکت‌ها متعدد است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- نفت
- مخابرات
- بانک‌داری
- بیمه

- صنایع غذایی
- آموزش
- نشر و چاپ
- اطلاع‌رسانی
- حمل‌ونقل

از مهم‌ترین مؤسسات اقتصادی ترک که در آذربایجان فعالیت دارند، می‌توان به بانک‌های «آذر ـ ترک»، «بای بانک»، «جی بانک» و «بانک کار» و نیز شرکت‌های بیمه «باشاک ـ انیام»، «گونئی ـ آنادولو» و «جی ـ سیگورتا» اشاره کرد.[۱۰۰]

همچنین شرکت‌های مشاوره و مهندسی ترک نزدیک به ۱۰۰ پروژه با تعهد مالی قریب به ٦٥۰ میلیون دلار را در دست اجرا دارند. در این پروژه‌ها حدود ۳۰۰۰ نفر مشغول کار هستند که ۷۰ درصد از آن‌ها آذربایجانی و ۳۰ درصد تبعه ترکیه هستند.[۱۰۱]

تراز تجاری ترکیه با جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹٤ تا پایان ۱۹۹۸ بدین قرار است: [۱۰۲]

	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷	۱۹۹۸
صادرات ترکیه به آذربایجان	۱٦/٦	۲٦/٤	۳۹	٤۱/۲	۱۳٥/۸
واردات ترکیه از آذربایجان	۷٦/۲	۱٤۰/٥	۲۱٦/۲	۱۷۹/۷	۲۲۰/۱
تراز تجاری	-٥۹/٦	-۱۱٤/۱	-۱۷۷/۲	-۱۳۸/٥	-۸٤/۳

کشور ترکیه از دیرباز در مناقشه بین ارامنه و آذربایجانی‌ها به دلایل مذهبی و قومی از آذربایجانی‌ها حمایت کرده است. در حال حاضر روابط ترکیه و ارمنستان حالت عادی ندارد و این مسئله سبب شده است ترکیه از سوی برخی کشورهای غربی تحت فشار قرار گیرد.

ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا نیاز به بهبود روابط خود با ارمنستان در راستای ایجاد صلح و ثبات در منطقه دارد. این مسئله ممکن است در کشور آذربایجان برخی حساسیت‌ها را ایجاد کند ولی از طرف دیگر ورود ترکیه به اتحاد اروپا باعث نفوذ و تأثیر ترکیه در حل مناقشه قره‌باغ به نفع آذربایجان می‌شود. ترکیه در زمینه عادی‌سازی و بهبود روابط خود با ارمنستان چند ملاحظه اساسی دارد که عبارت‌اند از:

۱. آزادسازی اراضی اشغالی آذربایجان و بازگشت آوارگان آذربایجانی به خانه و کاشانه خود

۲. دست کشیدن ارمنستان از ادعاهای ارضی علیه ترکیه[۱]

۳. دست کشیدن از ادعای خیالی کشتار ارامنه[۲]

٤. اجازه دادن ارمنستان به ایجاد ارتباط آسان بین برون‌بوم نخجوان و خاک اصلی آذربایجان از طریق خاک ارمنستان[(۱۰۳)]

افزون بر این‌ها ترکیه درصدد است تا با ایفای نقش بزرگ‌ترین حامی آذربایجان، در معادلات سیاسی منطقه بازی را به رقیبان خود ـ ایران و روسیه ـ واگذار نکند و در این زمینه تا حدود زیادی موفق بوده است.

این موفقیت در حوزه مسائل اقتصادی بیشتر است. به‌طوری که ترکیه در سال ۱۹۹۸ در فهرست کشورهای صادرکننده کالا به آذربایجان مقام اول را دارد و این در حالی است که در این فهرست، روسیه مقام دوم و ایران مقام هشتم را داراست.[(۱۰٤)]

---

۱. ارامنه با طرح مسئله ارمنستان بزرگ (هایستان) بخش‌هایی از اراضی ممالک همسایه از جمله شرق ترکیه و شمال غرب ایران را متعلق به قوم ارمنی می‌دانند. البته این ادعا موضع رسمی دولت ارمنستان نبوده و بیشتر توسط گروه‌های افراطی ارمنی مطرح می‌شود. (نگارنده)

۲. این ادعا تقریباً در بین تمامی ارامنه دنیا وجود دارد. علی‌رغم مطالب منتشر شده توسط ترک‌ها و برخی نویسندگان غربی مبنی بر واقعی نبودن این ادعا، بیشتر ارامنه به‌ویژه گروه‌های متعصب بر این ادعا پافشاری می‌کنند و همه ساله در برخی نقاط جهان از جمله ایران به مناسبت سالگرد این واقعه راهپیمایی صورت می‌گیرد. (نگارنده)

ـ روسیه

امپراتوری روسیه در اوایل قرن نوزدهم بعد از شکست دادن قوای ایرانی طی عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳ م) و ترکمنچای (۱۸۲۸م) تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سرزمین آذربایجان را در اختیار خود داشت که طی این دوره طولانی آذربایجانی‌ها فقط به‌مدت دو سال (۱۹۲۰ـ۱۹۱۸م) وضعیت مستقل داشتند. روس‌ها چه در زمان امپراتوری تزارها و چه در زمان حکومت بلشویک‌ها، استفاده فراوانی از منابع طبیعی آذربایجان (به‌ویژه منابع نفتی) کردند. بعد از استقلال آذربایجان نیز روسیه درصدد احیای نقش حاکمیتی خود بر جمهوری‌های نوپا بوده و هست. ولی این جمهوری‌ها به‌ویژه جمهوری آذربایجان به هیچ‌وجه حاضر نیستند تحت سلطه روس‌ها باشند. کشتار ارتش روس در باکو یک سال قبل از استقلال آذربایجان، آخرین مورد از ستم تاریخی روس‌ها به ملت آذربایجان بود که اثر آن بر اذهان مردم هنوز وجود دارد.

روابط آذربایجان با روسیه بعد از استقلال تا دوره حاضر را می‌توان به ۳ دوره تقسیم کرد:

دوره اول: دوره ریاست جمهوری ایاز مطلب اف در اوایل استقلال کشور که کوتاه مدت بود. در این دوره آذربایجان علی‌رغم استقلال و رهایی از سلطهٔ روس‌ها، وابستگی زیادی به روسیه داشت و روابط دو کشور در بالاترین سطح خود بود. گفتنی است که مطلب‌اف از طرفداران سرسخت روس‌هاست که پس از کنار رفتن از ریاست جمهوری به روسیه پناهنده شد.

دوره دوم: دوره حاکمیت جبههٔ خلق آذربایجان به رهبری ابوالفضل ایلچی‌بیگ که وی روابط کشور با روسیه را بسیار محدود ساخته و حتی آذربایجان را از «جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع» خارجی ساخت. ایلچی بیگ هر چه از روسیه فاصله می‌گرفت به همان نسبت به آمریکا و ترکیه نزدیک می‌شد. او وابستگی نظامی آذربایجان به روسیه را قطع کرد و ارتش مستقلی برای آذربایجان ایجاد کرد.

دوره سوم: دوره حکومت حزب آذربایجان نوین به رهبری حیدر علی اف که هنوز هم ادامه دارد. علی اف برخلاف مطلب اف و ایلچی بیگ از افراط و تفریط در ایجاد روابط با

روسیه پرهیز دارد و سعی می‌کند روش میانه‌ای را در این خصوص به‌کار برد.

در حال حاضر دولت آذربایجان سعی می‌کند بین رابطه با غرب و حفظ روابط سنتی با روسیه نوعی تعادل برقرار کند. رئیس‌جمهور آذربایجان سال‌ها در بدنهٔ حاکمیت شوروی بوده و با اجزاء و عناصر دیپلماسی روس‌ها آشنایی کامل دارد. او در اظهارنظرهای خود به روابط با روسیه اهمیت خاصی قائل است و مسکورا مانند شهر خود می‌پندارد.(۱۰۵)

روسیه در روابط تجاری آذربایجان بعد از ترکیه مقام دوم را داراست. در سال ۱۹۹۸ ارزش واردات آذربایجان از روسیه ۱۹٤ میلیون دلار بود و ارزش صادرات آذربایجان به روسیه نیز در این سال ۱۰٦ میلیون دلار بوده است. در هر دو مورد روسیه مقام دوم را دارد و در هر دو زمینه ۱۸ درصد از ارزش کل را به خود اختصاص داده است.(۱۰٦)

کشور روسیه یکی از گزینه‌های انتقال نفت آذربایجان به غرب بود و در این زمینه خط لوله نفتی باکو ـ نوروسیسک (کناره دریای سیاه) مطرح شد که به‌دلیل عدم توانایی ایجاد امنیت این خط لوله توسط روسیه (در خاک چچن) این گزینه کنار گذاشته شده و خط لوله باکو ـ تفلیس ـ جیحان جایگزین آن شد. این تغییر سبب نارضایتی روسیه شد. تا جایی‌که شرکت لوک اویل روسیه اعلام کرده، توافقات قبلی در خصوص مشارکت در استخراج گاز از حوزه گاز طبیعی شاه‌دنیز در آب‌های آذربایجان را منتفی خواهد کرد. شایان ذکر است که این طرح با همکاری شرکت‌های آذربایجانی، ترک، فرانسوی و ایتالیایی انجام خواهد شد و خارج شدن روسیه از این طرح تأثیر چندانی در سرنوشت آن نخواهد داشت.(۱۰۷)

علاوه بر روابط اقتصادی و تجاری بین دو کشور، در حوزه مسائل سیاسی نیز روسیه و آذربایجان روابط عمیقی دارند. در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر که علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، دارای جنبه‌های سیاسی نیز هست، روسیه و آذربایجان اختلاف نظر زیادی با هم ندارند و روز به روز مواضع این دو کشور به هم نزدیک‌تر می‌شود.

افزون بر این‌ها روسیه منطقهٔ قفقاز را با اولویت خاصی در موضع‌گیری‌های خود می‌نگرد و در این زمینه تلاش دارد با عقد پیمان‌های امنیتی با کشورهای این منطقه نقش سنتی خود را در

معادلات سیاسی این منطقه حفظ کند. مقامات روسیه و آذربایجان مذاکرات زیادی در خصوص امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته‌اند و بر سر همکاری‌های مشترک در این زمینه توافقات مهمی حاصل شده است. روسیه در مذاکرات صلح منطقه قره‌باغ کوهستانی از همان ابتدا نقش مهمی داشته و همواره عنصر ثابت مذاکرات بوده است.

روابط روسیه و آذربایجان علاوه بر مسائل اقتصادی و سیاسی، جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود. دو ملت در اثر سال‌ها زندگی در یک سرزمین واحد از فرهنگ و آداب و رسوم هم تأثیر پذیرفته‌اند و این تأثیرپذیری مسلماً با رجحان و برتری روس‌ها به‌دلیل حاکمیت‌شان بوده است. این تأثیرپذیری نوعی فرهنگ مشترک (در حد محدود) ایجاد کرده است که باعث حفظ روابط فرهنگی ـ اجتماعی دو کشور می‌شود. ناگفته نماند که این روابط در مقایسه با روابط فرهنگی ـ اجتماعی آذربایجان با کشورهای ترکیه و ایران در سطحی پایین‌تر قرار دارد.

ـ ایران

سرزمین جمهوری آذربایجان قبل از انعقاد قراردادهای گلستان (۱۸۱۳م) و ترکمنچای (۱۸۲۸م) بخشی از خاک کشور ایران محسوب می‌شد. این منطقه قبل از جدایی از پیکرهٔ ایران به‌صورت حکومت خانات اداره می‌شد که تابع حکومت مرکزی ایران بودند. شایان ذکر است که شیوهٔ حکمرانی در منطقه‌ای که امروزه جمهوری آذربایجان خوانده می‌شود، یکپارچه نبود، بلکه به شکل خانات مختلف مثل خان‌نشین باکو، خان‌نشین گنجه، خان‌نشین قره‌باغ و ... اداره می‌شد. پس از جنگ‌های ایران و روس و شکست نیروهای ایرانی، امپراتوری روسیه طی دو قرارداد مذکور این سرزمین را به همراه اراضی دیگری که امروزه در خاک ارمنستان و گرجستان واقع شده‌اند، تصرف کرد.[۱۰۸]

پس از جدایی این سرزمین از ایران نیز خان‌های حاکم در مناطق مختلف علی‌رغم تبعیت ظاهری از امپراتوری روسیه تعلق‌خاطر خود به ایران را حفظ کرده بودند. البته در برخی مواقع

این خان‌نشین‌ها با هم متحد شده و در برابر سیاست‌های روس‌ها مقاومت می‌کردند. این اتحاد در زمان تبعیت این خان‌نشین‌ها از دولت ایران نیز به چشم می‌خورد و خان‌های متحد گاهی اوقات علیه دولت مرکزی ایران نیز شورش می‌کردند.[۱۰۹]

جوادخان، حاکم گنجه پس از استیلای روس‌ها مقاومت‌های زیادی در برابر سیاست‌های روسیه داشت و رشادت‌های زیادی از خود نشان داد که عاقبت توسط نیروهای ژنرال «سیسیانوف» کشته شد. ابراهیم خان حاکم قره‌باغ نیز علی‌رغم پیمان دوستی که با روس‌ها بسته بود، قربانی سیاست‌های استیلاجویانه روس‌ها شد. حسینقلی‌خان، حاکم باکو نیز که از طرفداران ایران بود با مشاهدهٔ قتل جوادخان حاکم گنجه که در شجاعت در منطقه قفقاز بی‌نظیر بود و کشتار مردم گنجه، قره‌باغ و ... با فریب ژنرال سیسیانوف، او را به قتل رسانید.[۱۱۰]

مطالب گفته شده بیانگر این است که اولاً: مردم و حاکمان سرزمین کنونی آذربایجان از دیرباز علاقه‌مند به دوستی و ارتباط با ایران بوده‌اند. ثانیاً: علی‌رغم تبعیت این مناطق از دولت‌های ایران یا روسیه، نوعی استقلال نسبی در اداره امور این مناطق وجود داشت.

بعد از وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه (از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰م) که گروهی از وطن‌پرستان آذربایجان به رهبری «محمد امین رسول‌زاده» جمهوری دموکراتیک آذربایجان را پایه‌گذاری کردند و آذربایجان به‌مدت دو سال صاحب حاکمیت ملی شد، دولت وقت ایران ارتباط نزدیکی با حکومت ملی آذربایجان برقرار کرد و در این دوره دوساله قراردادها و معاهده‌های متعدد سیاسی و اقتصادی بین دو طرف مبادله شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، باکو در روابط بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی جایگاه ویژه‌ای داشت. به‌طوری‌که رئیس مجلس وقت جمهوری اسلامی ایران (حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی) که به‌عنوان بالاترین مقام حکومتی ایران به شوروی سفر کرد (سال ۱۹۸۹م)، ضمن دیدار از باکو، در توافقات به‌عمل آمده با دولت مسکو توجه خاصی به جمهوری آذربایجان داشته و موافقتنامه‌هایی را در این خصوص امضا کرده است.[۱۱۱]

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران هر چند که استقلال این کشور را دیرتر از برخی کشورها مثل ترکیه به رسمیت شناخت و این مسئله باعث نارضایتی برخی از مردم و گروه‌های سیاسی فعال در آذربایجان شد ولی علی‌رغم این‌ها ضمن به رسمیت شناختن استقلال این کشور، سعی در گسترش روابط خود با آذربایجان داشته است. تمایل به برقراری ارتباط بین دو کشور توسط طرف‌های آذربایجانی نیز بسیار زیاد است. جمهوری آذربایجان در صدد است از نفوذ ایران در کنفرانس کشورهای اسلامی و نقش در خور توجه در منطقه برای حل مناقشهٔ قره‌باغ استفاده کند. از نظر اقتصادی نیز افزون بر کمک‌های مردم و دولت ایران به آوارگان جنگی قره‌باغ، گسترش روابط ایران و نخجوان سبب می‌شود این بخش از خاک آذربایجان از انزوا خارج شده و مشکل عدم حمایت مؤثر باکو از این سرزمین کمتر شود.

تعداد سفرهای مقامات آذربایجانی به ایران، بیش از سفرهای متقابل از طرف ایران بوده است. رئیس‌جمهور فعلی آذربایجان تاکنون سه بار (دو بار طی سال‌های ۱۹۹٤ و ۲۰۰۲ و یک بار هنگام برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی) به ایران سفر کرده است. علاوه بر او در سال‌های ابتدایی استقلال یعقوب محمداف، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان نیز به ایران سفر کرد. از طرف ایران فقط حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی دو بار (یک بار به‌عنوان رئیس مجلس و یک بار به‌عنوان رئیس‌جمهور) به باکو سفر کرده است. گفتنی است که یکی از این سفرها در زمان برقراری اتحاد جماهیر شوروی بوده است. افزون بر این‌ها مقامات دو کشور به‌طور مرتب از کشور مقابل دیدار داشته‌اند. همچنین گروه‌های دوستی بین دولت‌ها و مجالس دو کشور تشکیل شده است.

تا سال ۱۹۹۹م بیش از ۹۰ سند همکاری در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...) بین دو کشور امضا شده است که با توجه به مذاکرات صورت گرفته بعد از آن احتمالاً اسناد همکاری مبادله شده بین دو کشور حدود ۱۱۰ سند باشد. شایان گفتن است که طی سال‌های اخیر، روابط دو کشور به‌خاطر اختلافات حقوقی بر سر چگونگی بهره‌برداری از منابع

طبیعی دریای خزر (رژیم حقوقی دریای خزر) به سردی گرائیده بود که پس از سفر حیدر علی اف (در سال ۲۰۰۲م) به ایران این روابط رو به بهبودی گذاشته است. برخی آگاهان سیاسی معتقدند که قبل از سفر اخیر علی اف به ایران جو بدبینی بین دو کشور حاکم بود تا جایی که علی‌اف چندین بار سفر خود به ایران را به تأخیر انداخت. ولی موضع‌گیری نسبتاً مناسب ایران در جریان سفر علی‌اف به ایران، فراتر از انتظار مقامات آذربایجانی بود. سفر وزیر تعاون ایران به باکو (رئیس ایرانی گروه همکاری دو کشور) پس از سفر علی‌اف به ایران و مبادله اسناد همکاری متعدد حکایت از گرمی مجدد روابط دو کشور دارد.

علاوه بر همکاری‌های دولت‌های دو کشور مردم آذربایجان و ایران (به‌ویژه ترک‌زبان‌های ساکن در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، اردبیل، زنجان و گیلان) روابط تنگاتنگی با هم دارند. این روابط در سال‌های آغازین پس از استقلال جمهوری آذربایجان بسیار عمیق و عاطفی بود که پس از سالیان متمادی حسرت و احساسات نوستالژیک بروز می‌نمود. به‌نظر می‌رسد، این احساسات با افزایش تردد در مرزهای دو کشور، به میان آمدن ملاحظات تجاری و اقتصادی، بروز برخی کدورت‌ها بین سیاستمداران دو کشور و رواج برخی دیدگاه‌های منفی (که برخی در حد شایعه بود) در خصوص دولت‌های طرفین اندکی کم‌رنگ‌تر شده باشد. در این میان تبلیغات منفی رسانه‌های گروهی به‌ویژه مطبوعات دو کشور علیه هم بسیار تأثیرگذار بوده است. برخی مطبوعات آذربایجان در زمان جنگ قره‌باغ ادعا کردند دولت ایران به ارمنستان کمک می‌کند، همچنین تعدادی از روزنامه‌های چاپ باکو از سال‌ها پیش از عدم احقاق حق سیاسی و فرهنگی ترک‌های ایران توسط دولت ایران انتقاد می‌کنند. مطبوعات ایران نیز هم در واکنش به مطالب یاد شده و هم در انتقاد از برخی تفکرات تاریخی و جریانات فکری در ایران به انتقاد از دولت و ملت آذربایجان پرداخته‌اند. مخالفت با اطلاق نام آذربایجان به این کشور تازه به استقلال رسیده از دیگر مطالبی است که توسط برخی مطبوعات ایران به صورت گسترده و دامنه‌دار بدان پرداخته شده است. چنین به‌نظر می‌رسد که موضع‌گیری مطبوعات و برخی نویسندگان دو کشور تأثیر منفی بر ذهنیت ملل دو کشور گذاشته باشد.

شاید دیگر نتوان انتظار داشت که مردم آذربایجان نسبت به ملت ایـران و حکومـت جمهـوری اسلامی ایران مثل قبل ابراز علاقه شدید و احساسات کنند. مردمی که پس از پیـروزی انقـلاب اسلامی در ایران علی‌رغم تسلط کمونیست‌ها به ابراز شادمانی و جشـن و پـایکوبی پرداختنـد، پس از حادثهٔ انفجار هفت تیر و شهادت آیت‌ا... بهشتی و همراهانش و نیـز در عـزای رحلـت حضرت امام خمینی (ره) روزهای متمادی سـوگواری کردنـد، علاقـه‌منـدانی کـه در رود ارس وضو گرفتند و قرآن‌های اهدایی شاه فهد پادشاه عربستان را برگردانده و به جای آن قرآن‌هـای ارسالی با آرم جمهوری اسلامی ایران را با قیمتی بسیار بالاتر تهیه کردند[۱۱۲]، اکنون احساسات و علاقه‌مندی خود را به ایران را کم کرده‌اند.

ایجاد رابطه با آمریکا و اسرائیل توسط دولت آذربایجان نیز از جمله موضوعاتی اسـت کـه همواره مورد انتقاد دولت و جریانات فکری وجود در ایران بوده است. مقامات بـاکو در مقابـل این انتقادات می‌گویند، ایران علی‌رغم اشـغال ۲۰ درصـد از اراضـی آذربایجـان توسـط ارتـش ارمنستان، دارای روابط دوستانه‌ای با این کشـور اسـت و آذربایجـان هـیچ‌گـاه بـه ایـن مسئله معترض نبوده است، از این رو ایجاد رابطه توسط باکو با اسرائیل و گسترش همکاری با آمریکا نباید مورد اعتراض ایران باشد و ایران باید به استقلال آذربایجان که تصمیم‌گیری در خصـوص سیاست خارجی کشور از مصادیق آن است، احترام بگـذارد.[۱۱۳] علـی‌رغـم اخـتلاف نظرهـای موجود بین مقامات دو کشور پیرامون مسائل دوجانبه و منطقه‌ای و تضـاد فکـری بـین برخـی گروه‌های سیاسی در دو کشور، سطح روابط سیاسی دو کشور مطلوب اسـت. دو کشـور دارای سفارت‌خانه در کشور مقابل هستند و همچنین سرکنسولگری ایـران در جمهـوری خودمختـار نخجوان سال‌هاست که گشایش یافته است. ولی جمهـوری اسـلامی ایـران هنـوز بـا تأسـیس کنسولگری آذربایجان در تبریز موافقت نکرده است. ایران در زمینه حـل مناقشـه قـره‌بـاغ نیـز تلاش‌های زیادی کرده است ولی با ورود گروه مینسک در این حیطه، نقش ایران کم‌رنگ شده است.

از نظر اقتصادی نیز دو کشور روابـط گسـترده‌ای دارنـد. عضـویت آذربایجـان در سـازمان

همکاری‌های اقتصادی (اکو)[1] که ایران یکی از مؤسسین و اعضای مهم آن است، ساختار مناسبی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی دو کشور ایجاد کرده است، هر چند این سازمان به دلایل مختلفی هنوز نتوانسته به اهداف مورد انتظار دست یابد.

حمل و نقل، تجارت و انرژی سه بخش مهم در روابط اقتصادی دو کشور هستند. در بخش حمل و نقل بیش از ۴۰ هزار کامیون آذربایجانی از طریق خاک ایران تردد می‌کنند.[۱۱۴] در زمینه تجارت نیز مبادلات گسترده‌ای بین دو کشور در حال انجام است. ایجاد بازارچه در شهرهای مرزی علاوه بر افزایش در خور توجه مبادلات تجاری، سبب رونق و شکوفایی این شهرها و افزایش سطح معیشت ساکنان نواحی مرزی شده است.

از نظر تجاری ایران تا سال ۱۹۸۹ بزرگ‌ترین شریک تجاری آذربایجان محسوب می‌شد. مبادلات تجاری بین دو کشور غالباً به نفع آذربایجان است. طی چند سال منتهی به سال ۱۹۸۹ صادرات آذربایجان به ایران ۵ برابر وارداتش از ایران بود.[۱۱۵]

حوزهٔ فرهنگی نیز از حوزه‌های فعال در روابط دو کشور به‌شمار می‌رود. همسانی مذهبی، پیشنیه تاریخی مشترک و اشتراکات قومی با بخشی از مردم ایران باعث توسعه و تعمیق روابط فرهنگی بین دو کشور شده است. مردم جمهوری آذربایجان در سایه مذهب مشترک و زبان مشابه با ساکنان مناطق ترک‌نشین ایران رغبت زیادی به بازدید از ایران دارند، آن‌ها در تهران نیز به‌راحتی می‌توانند با مردم ارتباط ایجاد کنند. طی سال‌های گذشته تفاهم‌نامه‌های متعددی در حوزهٔ فرهنگی بین دو کشور امضا شده که مبادلهٔ استاد و دانشجو از موارد مهم در این خصوص محسوب می‌شود. همچنین گروه‌های هنری به‌طور مستمر به کشور مقابل مسافرت کرده و به ارائه آثار خود می‌پردازند.

ایران در زمینه مسائل مذهبی نیز بر رفتار سیاسی ـ اجتماعی مردم و گروه‌های سیاسی ـ اجتماعی آذربایجان تأثیر گذاشته است. این تأثیر در پاره‌ای مواقع اعتراض بعضی گروه‌های

---

1. Economic Cooperation Organization

سیاسی باکو را که از معترضان سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران هستند، برانگیخته است. از نمونه‌های این اعتراضات می‌توان به گرایشات مذهبی عمیق مردم شهر «نارادان» در نزدیکی باکو و مقاومت و ایستادگی شدید آن‌ها در برابر برخی سیاست‌ها و برنامه‌های غیرمذهبی دولت اشاره کرد که گروه‌های مخالف تهران، آن را به ایران منتسب می‌سازند.[۱۱۶] البته دولت باکو چنین عقیده‌ای نداشته و آن را مسئله‌ای داخلی قلمداد می‌کند و تا به حال مقامات این دولت اظهارنظری در این خصوص علیه ایران نکرده‌اند.

دولت و مردم ایران مساعدت در خورتوجهی به آوارگان جنگی قره‌باغ کوهستانی کرده و به مداوای مجروحین جنگی پرداخته‌اند. این کمک‌ها در قالب برنامه‌های ارگان‌های حکومتی مثل کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی بوده است که البته بیشتر این کمک‌ها مردمی بوده است. همچنین کمیته امداد امام تعدادی از خانواده‌های محروم را تحت پوشش دارد و بنیاد شهید انقلاب اسلامی نیز خانواده برخی کشته‌شدگان جنگ قره‌باغ را به‌عنوان «شهید» تحت حمایت خود قرار داده است.[۱۱۷] و نیز اردوگاه‌هایی از طرف ایران در مناطق صابرآباد و ایمیشلی برای اسکان آوارگان ایجاد شده است.

شایان گفتن است که در جریان جنگ قره‌باغ دولت ایران در کنار جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای ارسال به آوارگان آذربایجانی، اقدام به جمع‌آوری کمک‌های ارامنه ایران برای ارسال به ارمنستان نیز کرد و این حرکت را نوعی اقدام بی‌طرفانه و در راستای اهداف انسان دوستانه تلقی کرد.

در شرایط حاضر بیش از ۲۰ نهاد و ارگان حکومتی ایران در جمهوری آذربایجان دفتر یا نمایندگی دارند و مشغول فعالیت هستند.

به‌طور کلی روابط بین آذربایجان و ایران را می‌توان وابسته به فاکتورهایی دانست که این فاکتورها را می‌توان در دو بخش رو در روی هم جای داد. برخی از این عوامل تهدید و برخی فرصت به‌شمار می‌آیند که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها به قرار زیر است:

تهدیدها

ـ وجود اختلاف دیدگاه در رژیم حقوقی دریای خزر و مسائل مربوط به بهره‌برداری از منابع انرژی این دریا و نیز کنار گذاشته شدن ایران از پروژه‌های مرتبط از جمله حذف سهم ایران از کنسرسیوم نفتی.

ـ عدم ایفای نقش توسط ایران در مذاکرات صلح قره‌باغ و واگذاری این مذاکرات به گروه مینسک، شورای امنیت و همکاری اروپا به جای سازمان ملل که هرگونه توان نفوذ و تأثیرگذاری را از ایران سلب می‌کند. شایان ذکر است که تجربه ناموفق مذاکرات صلح تهران در ماه مه ۱۹۹۲ که منجر به آتش‌بس بسیار کوتاه‌مدت و به‌دنبال آن حمله ارتش ارمنستان و نقض آتش‌بس و تصرف شهر شوشا و دالان استراتژیک لاچین شد، اعتماد آذربایجانی‌ها را نسبت به ایران از بین برد.

ـ وجود اندیشه‌های ناظر بر اتحاد و ترویج پان‌ترکیسم در آذربایجان و حساسیت و هراس بیش از اندازه ایران از این موضوع که در گذشته روابط دو کشور گاهی باعث اتخاذ سیاست‌های نادرست مبتنی بر تحلیل‌های سیاسی و امنیتی بسیار سطحی شد. چنین تفکراتی در زمان شدت یافتن درگیری‌ها بین آذربایجان و ارمنستان سبب شد که در ایران نوعی سانسور خبری در این زمینه به‌وجود آید که هدف از آن ظاهراً جلوگیری از تحریک افکار عمومی آذربایجانی‌های ایران بود. این روند در همان موقع آن‌قدر ادامه پیدا کرد که احتمال می‌رفت نتیجه عکس دهد و آذربایجانی‌های ایران، دولت را به بی‌اعتنایی در مورد تجاوز به سرزمین اسلامی متهم می‌کردند که سفر رهبر جمهوری اسلامی ایران به استان آذربایجان شرقی و محکوم کردن ارمنستان در سخنرانی تبریز درواقع پاسخی به خواسته‌های ترک‌های ایران بود. علی‌رغم موضع‌گیری مشخص در رده‌های بالای مسئولان کشور در سایر نهادها به‌ویژه وزارت امور خارجه گاهی جهت‌گیری‌های متناقضی وجود داشت. برخی عقیده دارند ایران به‌خاطر جلوگیری از به‌وجود آمدن نارضایتی در بین آذربایجانی‌های کشور در ظاهر ارمنستان را محکوم و از تمامیت ارضی آذربایجان حمایت کرده و می‌کند ولی از آن‌جا که تضعیف

ارمنستان و شکست این کشور در جنگ ممکن است باعث یکپارچگی سرزمین ترکیه و آذربایجان شود، از این رو به‌صورت غیرآشکار به حمایت ارمنستان پرداخت و در این زمینه موضعی مشابه روسیه اتخاذ کرد. این تحلیل با توجه به عملکرد ایران و روسیه که ارمنستان را از محاصره آذربایجان و ترکیه نجات دادند، واقعی به نظر می‌رسد. اکثر کارشناسان مسائل سیاسی در آذربایجان عقیده دارند اگر مساعدت‌های ایران و روسیه نبود، ارمنستان تا به‌حال به‌دلیل مشکلات اقتصادی تن به صلح قطعی و عقب‌نشینی از اراضی اشغالی داده بود.

ـ وجود اندیشه‌های شوونیستی در ایران که در راستای تقویت قوم فارس و «فارس کردن» سایر اقوام حرکت می‌کند. این تفکر در جهت احیای عظمت ایران گام برمی‌دارد و نمود عینی آن گروه‌های افراطی ملی از جمله «پان ایرانیست»هاست. این گروه‌ها ترک‌ها و عرب‌ها را جدا از فرهنگ ملی ایران دانسته و خواستار تبدیل فرهنگ فارس به فرهنگ غالب در بین این اقوام هستند. این اندیشه‌ها بازتاب منفی شدیدی در جمهوری آذربایجان دارد و در برهه‌ای از زمان (دوره ریاست جمهوری ایلچی‌بیگ) حتی دولت این کشور به موضع‌گیری رسمی در قبال این اندیشه‌ها پرداخت. هنوز هم اکثر گروه‌های سیاسی در آذربایجان وجود اندیشه‌های ملی افراطی (شوونیستی) در ایران را یک تهدید جدی برای حیات فرهنگی ـ اجتماعی آذربایجانی‌های ایران می‌دانند.

ـ پیمان استراتژیک ایران با ارمنستان که در چارچوب پیمان سه‌جانبه ایران ـ ارمنستان ـ یونان صورت گرفته است و این مسئله افق روابط آذربایجان و ایران را تیره می‌سازد.

ـ روند روبه‌گسترش روابط آذربایجان با آمریکا و اسرائیل که ناقض مرزهای تعیین شده در چارچوب استراتژیک سیاست خارجی ایران است و این امر سبب می‌شود ایران با رویه‌ای که در سیاست خارجی خود دارد، هیچ‌گاه به آذربایجان به مثابهٔ یک متحد استراتژیک ننگرد.

ـ از دست دادن موقعیت‌های به‌دست آمده توسط ایران که از جمله می‌توان به تأخیر ایران در به رسمیت شناختن استقلال آذربایجان (در حالی‌که کشورهای ترکیه، پاکستان و مصر در این زمینه به‌موقع عمل کردند) و عدم موافقت ایران با عضویت رسمی آذربایجان در سازمان

همکاری‌های اقتصادی[1] (اکو) در شرایطی که ترکیه این عضویت را پذیرفت، اشاره کرد. افزون بر این‌ها ایران همواره با اطلاق نام آذربایجان بر این کشور مخالفت کرده و این مخالفت‌ها گاهی از سوی مشاوران وزارت امور خارجه نیز اعلام می‌شد و در مطبوعات به صورت گسترده منتشر شد. این مسئله در شرایطی که آذربایجان توسط یک کشور خارجی مورد تجاوز قرار گرفته بود و این نام علاوه بر این‌که از دیرباز به این سرزمین اطلاق می‌شد، توسط مردم، دولت و مجلس این کشور پذیرفته شده بود، عکس‌العمل منفی شدیدی را از طرف آن‌ها در پی داشت. به‌طور کلی کلمهٔ «آذربایجان» کلمهٔ مقدسی برای مردم آن سامان به‌شمار می‌رود و این نام هزاران بار در اشعار، متون و ترانه‌های آن مردم در گذشته و حال تکرار شده است. از این رو در قبال اظهارنظر کارشناسان و نویسندگان ایرانی، آن‌ها مدعی بودند ایران از شنیدن نام آذربایجان هراس دارد و خواستار حذف این کلمهٔ مقدس است.

ـ ایجاد ارتباط رسمی یا غیررسمی برخی از نمایندگان ارگان‌های دولت ایران با اعضای حزب اسلامی آذربایجان که همواره موضعی مخالف نسبت به دولت این کشور دارد، که شائبه کمک رسمی ایران به این حزب مخالف را تقویت کرد.

ـ عدم پایبندی ایران به توافق به‌عمل آمده در زمینه تأسیس کنسولگری دو کشور در شهرهای تبریز و نخجوان در حالی‌که طرف آذربایجانی سال‌ها پیش به این توافق عمل کرده است ولی مسئولان وزارت امور خارجه ایران تا به حال اقدام عملی در این زمینه انجام نداده‌اند. اخیراً وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد که ایران مانعی در این زمینه نمی‌بیند و طرف آذربایجانی در این زمینه پیگیر نیست ولی به‌نظر می‌رسد این امر نوعی توافق بین دو کشور باشد که آذربایجان فعلاً از این خواسته صرف‌نظر کند. گویا عدم همکاری ایران در این زمینه پیشگیری از رشد احساسات قوم‌گرایی و هویت‌طلبی آذربایجانی‌های ایران است و ممانعت از

---

۱. در ابتدا ایران با عضویت آذربایجان به‌عنوان ناظر موافقت کرد ولی ترکیه از همان ابتدا با عضویت رسمی آذربایجان موافقت کرد که ایران بعدها عضویت رسمی را نیز قبول کرد و این مسئله نقطه ضعفی برای ایران محسوب گشت.

سفر حیدر علی‌اف به تبریز در سال ۱۳۷۳ شمسی در جریان سفر به ایران نیز می‌تواند در این راستا قلمداد شود.

فرصت‌ها

در کنار تهدیدهای یاد شده مواردی در روابط دو کشور هستند که فرصت و مزیت محسوب می‌شوند، هر چند در این زمینه فرصت‌ها کمتر از تهدیدها هستد ولی با استفاده از این فرصت‌ها که برخی از آن‌ها زیربنایی هستند، می‌توان به ارتقای سطح روابط دو کشور به حد ایده‌آل و آرمانی امیدوار بود. عمده‌ترین این فرصت‌ها عبارت‌اند از:

ـ اشتراک دین و مذهب بین مردم دو کشور که بسیاری از رفتارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم و مسئولان دو کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد هر چند که ممکن است دو کشور قرائت‌های متفاوتی از اسلام و مذهب شیعه داشته باشند.

ـ اشتراک و ارتباط فرهنگی عمیق بین ترک‌های ایران (که حجم درخور توجهی از جمعیت ایران را شامل می‌شوند) با آذربایجانی‌ها که زمینه‌ساز گسترش روابط سیاسی و اقتصادی نیز هست.

ـ ارتباط خانوادگی و عاطفی بین مردم جمهوری آذربایجان با ساکنان مناطق مرزی ایران.

ـ روابط اقتصادی قابل توجه بین دو کشور و امضای موافقتنامه‌ها و اسناد همکاری متعدد که این توافقات می‌توانند در صورت اجرای کامل در سطح روابط دو کشور ارتقای درخورتوجهی حاصل نمایند.

ـ روابط تجاری بین بخش‌های خصوصی دو کشور و تردد سهل و آسان تاجران کوچک و متوسط و پیله‌وران بین دو کشور که همگرایی اجتماعی بین مردم دو کشور را افزایش می‌دهد.

ـ دستیابی مقامات دو کشور به نوعی ادبیات مشترک در روابط دیپلماتیک که بارزترین مصداق آن عدم دخالت در امور داخلی کشور مقابل است.

دیدگاه‌ها و نظریات نخبگان جمهوری آذربایجان نسبت به ایران

نخبگان جمهوری آذربایجان اعم از نخبگان سیاسی یا فرهنگی را می‌توان از نظر موضعگیری نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی به دو دسته تقسیم کرد: افراد طرفدار گسترش همه‌جانبه رابطه با ایران و افراد معتقد به اعمال فشار علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، افراد گروه اول، ایران را همسایه‌ای مهم و تأثیرگذار در منطقه می‌دانند و با توجه به وابستگی‌ها و پیوندهای عمیق و ریشه‌دار فرهنگی و مذهبی بین دو کشور، خواستار گسترش همه‌جانبه روابط دو کشور هستند. این قبیل نخبگان در جناح احزاب موافق دولت به‌ویژه حزب حاکم آذربایجان نوین بیشتر به چشم می‌خورند. حیدر علی‌اف، الهام علی‌اف، مرتضی علی عسگر اف (رئیس مجلس ملی آذربایجان) از اعضای حزب حاکم طرفدار گسترش روابط با ایران هستند. البته آنها در گفتار و عمل خود را معتقد به اکثر اندیشه‌های نظام جمهوری اسلامی نشان نمی‌دهند. نگرش آنها نسبت به دین و نحوه اداره حکومت با نگرش مسئولان جمهوری اسلامی ایران تفاوت دارد اما آنها هیچ‌گاه این اختلاف‌نظر را به‌طور کامل آشکار نمی‌کنند. اختلاف‌نظر عمده این قبیل افراد با ایران، موضع رژیم حقوقی دریای خزر و مسئله روابط ایران و ارمنستان است. آنها در امور داخلی ایران دخالتی نمی‌کنند و اظهارنظر خاصی ابراز نمی‌دارند. ولی گروه دوم برعکس گروه اول، علاوه بر انتقاد از سیاست خارجی ایران، نسبت به امور داخلی کشور نیز اعتراض دارند. آن‌ها از ناکارآمدی حکومت روحانیون در کشور ایران سخن می‌گویند و همچنین از نادیده گرفته‌شدن حقوق سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی آذربایجانی‌های ایران توسط دولت مرکزی صحبت می‌کنند و سیاست‌های خارجی ایران را در قبال آمریکا مورد انتقاد قرار می‌دهند. وفا قلی‌زاده، تحلیلگر مسائل سیاسی که مدتی نیز مشاور رئیس‌جمهور بود از تئوریسین‌های اصلی سیاست‌های ضد نظام اسلامی در ایران است. او به‌طور علنی از اتحاد آذربایجان و اسرائیل و اعمال فشار علیه ایران

برای تغییر رفتارهایش در زمینه‌های حمایت از ارمنستان و تضییع حقوق آذربایجانی‌های ایران سخن می‌گوید و می‌توان گفت در حال حاضر سرسخت‌ترین مخالف جمهوری اسلامی ایران در بین نخبگان و اندیشمندان جمهوری آذربایجان است.

فضایل آغامالی، نماینده مجلس ملی آذربایجان نیز از مخالفان سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران ـ به خصوص در زمینه سیاست‌هایی که به ادعای وی گسترش و حمایت از بنیادگرایی اسلامی در آذربایجان است ـ به شمار می‌آید. عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات نیز با توجه به اشراف و احاطه‌ای که نسبت به مسائل ایران دارد، به این‌گونه مسائل می‌پردازد و معمولاً موضعی انتقادی نسبت به برخی سیاست‌های ایران دارد. او در دکترین سیاست خارجی خود که در قالب برنامه‌ها و سیاست‌های حزب متبوعش ارائه شده است، تنظیم رابطه با جمهوری اسلامی ایران را در تمام زمینه‌ها وابسته به نحوه رفتار دولت ایران در قبال حقوق سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی آذربایجانی‌های ایران دانسته است.

علاوه بر افراد یاد شده، افرادی نیز هستند که جدا از اختلاف‌نظرهای موجود بین دو کشور برقراری رابطه با ایران در تمام زمینه‌ها را خواستار هستند، در این میان اغلب شخصیت‌های فرهنگی پیشرو هستند. صابر رستم خانلی، نماینده مجلس ملی که در انتخابات ریاست جمهوری اخیر نیز به‌عنوان یکی از نامزدها شرکت داشت، از شخصیت‌های سیاسی ـ فرهنگی است که در زمان تصدی پست وزارت فرهنگ آذربایجان ارتباطات فرهنگی گسترده و ریشه‌داری را با کمک حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، بین دو کشور ایجاد کرد. بختیار وهاب‌زاده، بزرگ‌ترین شاعر کلاسیک حاضر در آذربایجان که مدتی نماینده مجلس بود، نیز از طرفداران گسترش بی‌قید و شرط روابط بین دو کشور است.

علاوه بر افراد یادشده، رهبران حزب اسلامی آذربایجان و نیز رهبر جنبش تالشان (علی اکرم همت اف) در افکارعمومی و رسانه‌های گروهی آذربایجان به عنوان طرفداران جمهوری

اسلامی ایران شناخته شده‌اند، هرچند که افکار و اندیشه‌های آن‌ها به‌طور کامل با تفکرات حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران منطبق نیست.

به‌طور کلی نخبگان منتقد نسبت به نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در محورهای زیر از این نظام انتقاد می‌کنند:

ـ دخالت دادن دین در امور سیاسی و عدم جدایی دین از سیاست و حاکمیت روحانیون؛

ـ مخالفت ایران با سیاست‌های آمریکا در منطقه و دشمنی با اسرائیل؛

ـ حمایت ایران از جمهوری ارمنستان و نپرداختن به مسئله قره‌باغ به‌عنوان مسئله دنیای اسلام؛

ـ اصرار ایران بر سهم زیاد از دریای خزر که باعث کاهش سهم آذربایجان و نیز تأخیر در تعیین رژیم حقوقی خزر می‌شود؛

ـ عدم توجه به حقوق سیاسی ـ اجتماعی و مهم‌تر از همه حقوق فرهنگی آذربایجانی‌های ایران از طرف دولت مرکزی از جمله تدریس زبان ترکی آذربایجانی در مدارس و دانشگاه‌ها.

ـ گرجستان

گرجی‌ها و آذربایجانی‌ها از دیرباز نسبت به هم رویه صلح‌آمیز و مسالمت‌جویانه‌ای در پیش گرفته‌اند و در طول تاریخ پرفراز و نشیب منطقه قفقاز این دو ملت در آرامش و صلح روابط دوستانه‌ای با هم داشته‌اند.

در سال ۱۹۲۲ سه کشور آذربایجان، گرجستان و ارمنستان «فدراسیون جمهوری‌های سوسیالیستی ماورای قفقاز» را تشکیل دادند و این اتحاد منطقه‌ای تا سال ۱۹۳۶ ادامه داشت.[۱۱۸]

گرجستان به‌خاطر هم‌مرز بودن با آذربایجان و روابط تجاری دیرینه و نداشتن مناقشه با این کشور توانسته روابط خوبی با آذربایجان داشته باشد. گرجستان سومین شریک تجاری آذربایجان است. این کشور در سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۷۷ میلیون دلار کالا از آذربایجان وارد کرده است که ۱۳ درصد از کل صادرات آذربایجان را شامل می‌شود.[۱۱۹]

علاوه بر این گرجستان در مذاکرات صلح قره‌باغ کوهستانی همواره حضور دارد و سعی دارد با میانجیگری بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان صلح و ثبات و امنیت را به قفقاز بازگرداند. همچنین این کشور با مشارکت در پروژه انتقال نفت خزر (عبور خط لوله باکو ـ تفلیس ـ جیحان از خاک این کشور) ارتباط خود با آذربایجان را مستحکم‌تر کرده است.

ـ ارمنستان

روابط خصمانه بین دو کشور در بخش مربوط به مناقشه قره‌باغ به تفصیل آمده است. در شرایط حاضر که آتش‌بس در جبهه‌های جنگ بین دو کشور برقرار شده، این دو کشور هیچ نوع ارتباط دیپلماتیک با هم ندارند. ارمنستان علاوه بر اشغال ۲۰ درصد از خاک آذربایجان بیش از ۲۰۰ هزار آذربایجانی ساکن در خاک ارمنستان را که سال‌ها در این سرزمین زندگی می‌کردند، وادار به مهاجرت به آذربایجان کرده است. در آذربایجان نیز اقدام مشابهی (با حجم کمتر) انجام شده است. ارتش ارمنستان بسیاری از روستاها، منازل، مساجد و آثار تاریخی و فرهنگی مسلمانان را در مناطق اشغالی تخریب کرده است که شرح برخی از آن‌ها در پی می‌آید:[۱۲۰]

رایون‌ها (مناطق) آذربایجانی‌نشین اشغال شده:

۱ـ خوجاوند
۲ـ خوجالی
۳ـ شوشا
٤ـ لاچین
۵ـ کلبه‌جر
٦ـ جبرائیللی
۷ـ آغدام
۸ـ قبادلی
۹ـ زنگیلان
۱۰ـ فضولی

تعداد روستاها و سکونت‌گاه‌های صدمه‌دیده: ۷۹٦

تعداد خانه‌های تخریب شده: ۹۱۷٤۸

تعداد مدارس تخریب شده: ۹۰۰

تعداد مراکز درمانی تخریب شده: ۳۲۹

تعداد مراکز دین و فرهنگی تخریب شده: ۲۰۵۰

دولت ارمنستان تا مدت‌ها با تبلیغات وسیع در بین کشورهای اروپایی و آمریکا توانسته بود این کشورها را تا حدودی با خود همراه سازد ولی تلاش‌های دیپلماتیک آذربایجان در سال‌های اخیر این ذهنیت را به نفع آذربایجان تغییر داده است.

ـ ایالات متحده آمریکا

جمهوری آذربایجان بعد از استقلال همواره سعی داشته با حفظ روابط نزدیک با آمریکا از حمایت این کشور قدرتمند برخوردار شود. تمایل حکومت آذربایجان به برقراری روابط نزدیک با آمریکا از زمان روی کار آمدن ابوالفضل ایلچی‌بیگ شروع شد. ایلچی بیگ سعی داشت ارتباط سیاسی ـ اقتصادی عمیقی بین آذربایجان و کشورهای ترکیه و آمریکا برقرار سازد. بعد از سقوط حکومت ایلچی‌بیگ، حیدر علی‌اُف سعی کرد، نوعی تعادل در برقراری رابطه با کشورهای آمریکا و ترکیه از یک طرف و روسیه و ایران از طرف دیگر ایجاد کند. مقامات آمریکا بویژه برخی از سناتورها و نمایندگان مجلس در زمان جنگ قره‌باغ آشکارا از ارمنستان حمایت می‌کردند. تا جایی‌که کنگره آمریکا در خصوص ارائه کمک‌های بلاعوض به کشورهای تازه استقلال‌یافته شوروی سابق جمهوری آذربایجان را تحریم کرده بود.(۱۲۱)

حیدر علی‌اُف در طول زمامداری خود تلاش کرد تا با مذاکره با مقامات آمریکا و سران کشورهای اروپایی نظیر این کشورها را نسبت به بحران قره‌باغ (که بدلیل هم‌کیش بودن با ارامنه و تبلیغات وسیع مجامع ارمنی اکثراً طرفدار ارامنه بودند) تغییر دهد. در حال حاضر دولت ایالات متحده آمریکا حمایت از این کشور نوپا و دارای ذخایر در خور توجه نفت و گاز و موقعیت استراتژیکی مهم را به منزله یک اولویت تلقی می‌کند. وزارت امور خارجه آمریکا برخی احزاب متعصب ارمنستان را که از مسببین اصلی درگیری‌های قومی در قره‌باغ هستند، در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است.(۱۲۲)

به موازات تلاش‌های گسترده دولتمردان جمهوری آذربایجان در برقراری و تحکیم روابط

دوستانه با آمریکا، مردم آذربایجان نیز تمایل خود را به گسترش روابط نشان دادند و در این راستا «جامعه آذربایجانی‌های آمریکا» تشکیل شده است که سازمانی غیرانتفاعی است و در زمینه اطلاع‌رسانی به منظور شناساندن و ترویج فرهنگ و تاریخ آذربایجان فعالیت دارد. این سازمان استقرار صلح در منطقهٔ قفقاز را از اهداف خود می‌داند و مهیاسازی فضا و بستر مناسب برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی بین دو کشور را به منزله یک وظیفه اساسی قلمداد می‌کند.[(۱۲۳)]

در کنار روابط سیاسی ـ اجتماعی و فرهنگی، روابط اقتصادی بین دو کشور از اهمیت در خور توجهی برخوردار است و روز به روز بر حجم آن افزوده می‌شود.

در سال ۱۹۹۸ مبادلات آمریکا و آذربایجان ٤۰ میلیون دلار بود که این میزان در سال ۲۰۰۱ به ٦٥/۷ میلیون دلار رسید. همچنین در سال ۲۰۰۱ سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکا در جمهوری آذربایجان ۹۸۰ میلیون دلار بوده است. تا پایان این سال تعداد شرکت‌های آمریکایی فعال در آذربایجان به ۷۵ مورد رسیده بود. بخش‌های اصلی در روابط اقتصادی دو کشور عبارت‌اند از: نفت و گاز، فناوری اطلاعات، مخابرات و عمل‌آوری محصولات کشاورزی.[(۱۲٤)]

آذربایجان در سال ۱۹۹٤ به‌عنوان عضو افتخاری وارد برنامه همکاری صلح شد و از این راه همکاری نظامی مشترکی (البته به صورت محدود) با سازمان ناتو را شروع کرد. این همکاری زمینه گسترش روابط آذربایجان با آمریکا به‌ویژه در حوزه مسائل نظامی را فراهم آورد.[(۱۲٥)]

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا، این کشور در راستای همکاری‌های امنیتی با کشورهای منطقه خاورمیانه به کنترل مرزهای آذربایجان و امنیت داخلی این کشور اهمیت زیادی می‌دهد. دو کشور در سال ۲۰۰۲ کنسول دفاعی در باکو تأسیس کردند و به گفته یکی از کارشناسان نظامی آمریکا، این کشور مبلغ ٤/٤ میلیون دلار در راستای «برنامه کمک امنیتی» به وزارت دفاع آذربایجان کمک خواهد کرد.[(۱۲٦)]

افزون بر همکاری‌های امنیتی و اقتصادی بین دو کشور، آمریکا در زمینه حل برخی مشکلات

داخلی آذربایجان نیز کمک می‌کند. تأسیس مدارس برای تحصیل کودکان بی‌سرپرست که والدین خود را در جنگ قره‌باغ از دست داده و به دلیل شرایط نامساعد قادر به ادامه تحصیل نیستند و تأمین مایحتاج زندگی آن‌ها از دیگر برنامه‌های حمایتی آمریکا به‌شمار می‌آید.[۱۲۷]

از سال ۲۰۰۲ دو کشور سعی کرده‌اند روابط تجاری خود را از مؤسسات و شرکت‌های بزرگ به تجارت کوچک و متوسط سوق دهند که این امر سبب استفاده بهینه از پتانسیل‌های موجود در کشور آذربایجان خواهد شد و اکثریت مردم آذربایجان که توان مالی کمی دارند در این فرآیند سهیم خواهند بود. آمریکا در بهره‌برداری از حوزه‌های نفتی «آذری»، «چیراغ» و «گونشلی» همکاری دارد. همچنین ایجاد خط لوله انتقال نفت باکو ـ تفلیس ـ جیحان و بهره‌برداری از حوزه گاز طبیعی «شاه دنیز» از زمینه‌های مهم همکاری به‌شمار می‌آید. خرید هواپیماهای مسافربری بوئینگ از آمریکا توسط آذربایجان نیز از دیگر زمینه‌های روابط تجاری بین دو کشور به‌شمار می‌رود.[۱۲۸]

کشور آذربایجان علاوه بر اهمیت اقتصادی برای کشور آمریکا (بخاطر منابع نفت و گاز) از نقطه‌نظر ژئوپولتیک نیز به واسطهٔ قرار گرفتن در همسایگی روسیه و ایران حائز اهمیت است. از این‌رو آمریکایی‌ها به گسترش روابط خود با این کشور و تثبیت موقعیت خود می‌اندیشند. زمزمه‌های عضویت آذربایجان در ناتو و ایجاد پایگاه نظامی توسط آمریکا در این کشور نیز در این راستا قابل ارزیابی است هر چند که دولت آذربایجان در این خصوص تصمیم خاصی اتخاذ نکرده و در شرایط فعلی به‌نظر می‌رسد این مسئله بیشتر یک مانور سیاسی است که دولتمردان آذربایجان بدین وسیله می‌خواهند به کشورهایی نظیر ایران و روسیه هشدار دهند. در هر صورت آمریکا در جمهوری آذربایجان به دنبال منافع سیاسی و اقتصادی بلندمدت است و نیاز آذربایجان به حمایت‌های آمریکا این پروسه را قرین موفقیت ساخته است.

ـ اسرائیل

دولت اسرائیل تلاش زیادی در زمینه نفوذ در منطقه استراتژیک قفقاز به‌ویژه کشور مسلمان

و شیعه آذربایجان می‌کند. در این راستا این کشور سفارتخانه خود را در باکو مستقر کرده است. اسرائیل سعی دارد، جامعه یهودیان ساکن در جمهوری آذربایجان را تحت حمایت خود قرار دهد. در شرایط فعلی گروه‌های میسیونری یهودی فعالیت چشمگیری در جمهوری‌های شوروی سابق از جمله جمهوری آذربایجان دارند. نهادهای دولتی و غیردولتی اسرائیل با کمک به احیای مظاهر مذهب و فرهنگ یهودی در جمهوری‌های شوروی سابق درصدند، اقلیت یهودی ساکن در این جمهوری‌ها را حمایت کنند. در زمان استقرار نظام کمونیستی در شوروی سابق بخاطر اتخاذ سیاست دین‌زدایی توسط حاکمان نظام سوسیالیستی، بسیاری از آثار و بناهای مذهبی و فرهنگی اقلیت‌ها و نیز اکثریت ساکنین روس یا از بین رفته‌اند و یا با تغییر کاربری برای مقاصد غیردینی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. کنیسه‌های یهودیان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و طی سال‌ها یاد شده بسیاری از آن‌ها تخریب شده‌اند. نهادهای یهودی طی سال‌های بعد از فروپاشی شوروی اقدام به بازسازی این کنیسه‌ها کرده‌اند که چند مورد از آن‌ها در جمهوری آذربایجان واقع شده است.[۱۲۹]

علی‌رغم اینکه سفارتخانه اسرائیل سال‌هاست در جمهوری آذربایجان فعال است ولی افتتاح سفارت جمهوری آذربایجان در اسرائیل موضوعی است که آذربایجان با توجه به مخالفت‌های مردم این کشور و شاید احتمال انزوای این جمهوری در دنیای اسلام (با توجه به جو ضد صهیونیستی موجود در بین ممالک اسلامی)، نتوانسته در مورد آن تصمیم قطعی اتخاذ کند.

وزیر امور خارجه آذربایجان در دسامبر سال ۲۰۰۲ ضمن اعلام سفر قریب‌الوقوع به اسرائیل در مورد تاریخ گشایش سفارتخانه در اسرائیل اظهارنظری نکرد.[۱۳۰]

دولت فعلی آذربایجان سعی می‌کند در کنار تثبیت موقعیت خود در جهان اسلام و برخورداری از حمایت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی، روابط نزدیک خود را با اروپا و ایالات متحده آمریکا حفظ کند و برای این منظور نیاز به حمایت اسرائیل دارد. با این همه مردم آذربایجان بخاطر تحت سلطه بودن توسط یک نظام غیردینی در زمان شوروی و

جدایی از دنیای اسلام طی آن سال‌ها و نیز مناقشه طولانی‌مدت با ارامنه مسیحی، در کنار گرایش‌های قومی، تعصب مذهبی و دینی خاصی دارند و می‌توان گفت که هویت قومی خود را با هویت دینی پیوند داده‌اند، از این‌رو عکس‌العمل منفی مردم آذربایجان به برقراری روابط صمیمی و عمیق با اسرائیل امری طبیعی است. در این میان برخی گروه‌ها و احزاب دارای گرایش‌های دینی، واکنشی شدیدتر از خود بروز می‌دهند.

اعتراض و تظاهرات علیه اسرائیل و سوزاندن پرچم این کشور، سوءقصد به جان «ضیا بنیاداُف» استاد دانشگاه و نماینده سابق مجلس که روابط نزدیکی با مجامع یهودی دارد، از مظاهر این‌گونه واکنش‌ها طی سال‌های اخیر بوده است. ناگفته نماند که محافل یهودی و برخی صاحبنظران آذربایجانی (که موضع انتقادی نسبت به سیاست‌های مذهبی جمهوری اسلامی ایران دارند) این تحرکات را به ایران منتسب می‌سازند.[(۱۳۱)]

در حال حاضر افرادی در آذربایجان با طرح اشتراکات قومی و تاریخی بین آذربایجانی‌ها (ترک‌ها) و یهودی‌ها که مستندات آن بسیار ضعیف است، تلاش می‌کنند، در زمینه گسترش روابط همه‌جانبه دو ملت، فرهنگ‌سازی نمایند و باعث تضعیف و از بین رفتن حساسیت‌های دینی مردم شوند. این القائات از طرف مقامات و اندیشمندان اسرائیلی نیز به کرات مطرح شده است و گویا مناخیم بگین، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل منطقه قره‌باغ را وطن پدران یهودیان نامیده است.

وفا قلی‌زاده از کارشناسان مسائل سیاسی در آذربایجان یکی از تئوریسین‌های تحکیم و تعمیق روابط اسرائیل و آذربایجان است. وی این موضوع را برای کشور آذربایجان یک ضرورت قلمداد می‌کند و معتقد است، کشورش در این زمینه علاوه بر برخورداری از مزیت‌ها و فرصت‌های سیاسی ـ اقتصادی تحکیم روابط با اسرائیل، می‌تواند از این کار به منزله اهرم کنترل رفتارهای تهدیدآمیز ایران نیز استفاده نماید.[(۱۳۲)]

با وجود تحرکات دیپلماتیک و فرهنگی وسیع توسط اسرائیل برای نفوذ در کشور شیعه‌نشین آذربایجان و گسترش روابط دو کشور در سال‌های اخیر، اسرائیل نمی‌تواند به این

جمهوری به دیده یک متحد استراتژیک بنگرد. همانطور که قبلاً نیز ذکر شد، آذربایجان اسرائیل را یک عامل مؤثر در تصمیم‌گیری آمریکا می‌داند و از این عامل در صدد است، به نفع خود بهره‌برداری کند و در این راه موفق نیز بوده است. نفوذ درخور توجه مجامع یهودی در دولت و کنگره آمریکا این امکان را فراهم کرده است تا کشور آذربایجان با تکیه بر روابط خود با اسرائیل، دیدگاه دولتمردان و نمایندگان آمریکا را نسبت به مناقشه آذربایجان و ارمنستان تغییر دهد.

افزون بر مطالب یاد شده، اسرائیل به خاطر هم‌مرز نبودن، عدم مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز دریای خزر (که رکن اصلی اقتصاد آذربایجان است) و نیز نداشتن اشتراک دینی و قومی، فاقد مزیت نسبی لازم برای تحقق یک اتحاد استراتژیک با آذربایجان است و سطح روابط بین دو کشور در مقایسه با رابطه ایران و آذربایجان چه در سال‌های گذشته و چه در سال‌های اخیر بسیار پایین‌تر است و این اختلاف سطح در آینده نیز وجود خواهد داشت. گفتنی است که واردات آذربایجان از اسرائیل بسیار ناچیزتر است در این زمینه اسرائیل در سال ۱۹۹٦ رتبه ۱٦ و در سال ۱۹۹۷ رتبه ۱۵ داشته است. در زمینه صادرات آذربایجان نیز در سال ۱۹۹٦ اسرائیل رتبه‌ای نداشته (صفر بوده) و در سال ۱۹۹۷ رتبه ٦ داشته است.(۱۳۳)

البته اگر روند سیر نزولی سطح روابط ایران و آذربایجان و نیز سیر صعودی روابط با اسرائیل به همین منوال ادامه یابد، در آینده اختلاف سطح روابط دو کشور با آذربایجان کاهش یافته و ممکن است در بدبینانه‌ترین وضعیت این سطح روابط برعکس شود ولی به‌نظر می‌رسد دو کشور آذربایجان و ایران در آینده با تجدیدنظر در رویه‌های موجود از کاهش سطح روابط جلوگیری نمایند.

فصل هفدهم

تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها، معضلات و مشکلات اساسی آذربایجان در عرصه سیاسی

۱ـ۱۷) تهدیدات سیاسی کشورهای بیگانه

کشور آذربایجان با توجه به سابقه تاریخی و موقعیت ژئوپولیتیکی خاص خود، از جانب برخی کشورهای خارجی تهدید می‌شود. این تهدیدات در برخی موارد بصورت بالقوه وجود دارد و برخی بصورت بالفعل درآمده است. کشورهایی که آذربایجان را از نظر سیاسی تهدید می‌کنند، بدین قرار هستند:

ارمنستان

ارمنستان بزرگ‌ترین تهدیدکننده حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور آذربایجان

است. ماهیت این تهدیدات در بخش‌های مربوطه بصورت مشروح بیان شد. آنچه در این بخش نیاز به گفتن دارد، این است که تهدید ارمنستان علیه آذربایجان مسئله‌ای نیست که در کوتاه‌مدت از بین رود و حتی اگر دو کشور به صلحی قطعی دست یابند، باز هم این تهدید بصورت آتش زیر خاکستر باقی خواهد ماند. زیرا مناقشه دو قوم در تمام ارکان زندگی آن‌ها رسوخ کرده است. دولت آذربایجان برای مقابله با این تهدید، به‌خصوص آزادسازی اراضی اشغالی توسط ارتش ارمنستان و جدایی‌طلبان ارمنی آذربایجان، سعی دارد از تمام ظرفیت‌های موجود در عرصه روابط بین‌الملل بهره گیرد. هر چند که دولت علی‌اُف پس از ۱۰ سال حکومت نتوانسته به این مهم دست پیدا بکند ولی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در عرصه بین‌المللی حاصل شده است و اقدامات زیربنایی اساسی در این رابطه صورت گرفته است. در حال حاضر ایالات متحده آمریکا، روسیه و اکثر کشورهای اروپایی عضو در سازمان امنیت و همکاری اروپا، حفظ تمامیت ارضی آذربایجان را قبول دارند. کشورهای اسلامی نیز در این خصوص از آذربایجان حمایت می‌کنند. کشور ارمنستان اکنون در عرصه بین‌المللی به خاطر اشغال خاک آذربایجان چندان حمایت نمی‌شود. آذربایجان در صورت استفاده بهینه از فرصت‌های به‌دست آمده در فضای سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند ضمن آزادسازی اراضی خود، با تهدید ارمنستان به صورت اساسی مقابله کند. گسترش روابط اقتصادی با غرب، تعمیق و توسعه روابط سیاسی با همسایگان و تحکیم موقعیت خود در جهان اسلام و بسط و گسترش دموکراسی در داخل کشور عوامل مهمی هستند که در این زمینه تأثیرگذارند.

روسیه

کشور روسیه علی‌رغم مشکلات داخلی فراوان و نابسامانی‌های اقتصادی، هنوز به کشورهای استقلال‌یافته از پیکره اتحاد جماهیر شوروی به منزلهٔ میراث گذشته پراقتدار خود می‌نگرد. سیاستمداران روس بعد از گذشت ۱۲ سال هنوز حضور اقتصادی یا نظامی دولت‌های غربی در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را برنمی‌تابند و در تمام معادلات سیاسی و روابط

اقتصادی منطقه، خود را ذی‌نفع و سهیم می‌پندارند. مقامات روسیه در جریان مذاکرات صلح قره‌باغ بارها پیشنهاد استقرار نیروی نظامی روسیه را در منطقه مورد مناقشه داده‌اند و گروه‌هایی در روسیه فعالند که خواستار تجدید حیات نظام کمونیستی و بازگشت به دوران اقتدار اتحاد جماهیر شوروی هستند. وجود چنین تفکراتی برای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به ویژه آذربایجان (که شدیداً با سلطه مجدد روس‌ها مخالف است) تهدیدی جدی محسوب می‌شود. آذربایجان برای مقابله با این تهدید، سعی در جلب حمایت ترکیه، آمریکا و اروپا را دارد و در این راه موفق نیز بوده است.

ایران

در حال حاضر کشور ایران، تهدید بالفعل برای آذربایجان به‌شمار نمی‌رود. هر چند که آذربایجان از نظر تاریخی بخشی از خاک ایران بوده ولی ایران هیچگاه در سیاست خارجی خود، رویه مشابه روس‌ها را در پیش نگرفته است و نسبت به هیچکدام از کشورهای منطقه که روزگاری بخشی از سرزمین ایران بوده‌اند، ادعایی ندارد. اساساً تهدید سیاسی ایران برای کشور آذربایجان هرگز آشکار و محسوس نبوده است. در حال حاضر اختلاف‌نظر بر سر رژیم حقوقی دریای خزر و تعیین قلمرو آب‌های سرزمینی دو کشور، اصلی‌ترین بحران موجود بین دو کشور است که روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دو کشور را به صورت جدی متأثر نساخته است. بعد از به وجود آمدن این بحران به ندرت اتفاق افتاده که اختلافات از مجادلات دیپلماتیک فراتر رود.

علاوه بر مسئله دریای خزر، رشد اسلام‌گرایی و استقلال‌طلبی قوم تالش در منطقه لنکران آذربایجان، از جمله مسائلی هستند که اکثر سیاستمداران آذربایجان ریشهٔ آن‌ها را در ایران جستجو می‌کنند ولی هیچیک از این دو مسئله تهدید جدی علیه حاکمیت و استقلال آذربایجان به‌شمار نمی‌رود، زیرا دامنه این مسائل محدود است. همچنین وجود برخی اندیشه‌های سیاسی در بین احزاب آذربایجان که خواستار اتحاد دو آذربایجان (شمالی و جنوبی) هستند و یا

گروه‌هایی که خواستار اعطای حقوق فرهنگی کامل به آذربایجان ایران از طرف دولت، هستند، در تقابل با سیاست‌های اعمالی جمهوری اسلامی ایران است. البته این اندیشه‌ها از سوی دولت فعلی آذربایجان حمایت نمی‌شود ولی در صورت به قدرت رسیدن گروه‌های سیاسی یاد شده (به‌ویژه گروه‌هایی که خواستار اتحاد دو آذربایجان هستند)، مناقشهٔ جدی بین دو کشور در عرصه سیاسی رخ خواهد داد.

۲ـ۱۷) آسیب‌پذیری مشکلات و معضلات اساسی آذربایجان در ابعاد مختلف سیاسی

در زمینه ساختار و ماهیت نظام سیاسی، کشور آذربایجان به دلیل داشتن دولتی با مشروعیت عمومی ضعیف آسیب‌پذیر است، این ضعف مشروعیت در سال‌های اخیر با توجه به تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات یک‌جانبه دولت و سختگیری و سرکوب مخالفان بیشتر شده است.

در خصوص شخصیت‌های سیاسی، این کشور به‌رغم نوپا بودن دارای شخصیت‌های مشهور و صاحب اندیشه زیادی است ولی در حال حاضر بیشتر این سیاستمداران و اندیشمندان مسائل سیاسی یا خارج از دایره قدرت و مخالف هستند و یا نقش چندانی در حاکمیت ندارند وجود این شخصیت‌ها از نقاط آسیب‌پذیر دولت فعلی به‌شمار می‌روند ولی در عین حال پتانسیل مناسبی برای اداره کشور در صورت شکست حزب حاکم در انتخابات بعدی هستند.

آسیب‌پذیری این کشور در عرصه سازمان‌های امنیتی و انتظامی را می‌توان عدم وجود تشکیلات قوی و فاصله گرفتن روزافزون بدنه این سازمان‌ها از مردم است که سبب ایجاد ذهنیت منفی از عملکرد این دستگاه‌ها در بین مردم شده است.

در زمینه احزاب سیاسی نیز حاکمیت آذربایجان چه در شرایط فعلی و چه در صورت تغییر حاکمیت آسیب‌پذیر است. احزاب سیاسی فعال هیچ‌گاه هماهنگ نبوده‌اند و به‌نظر می‌رسد، اختلاف شدید بین این احزاب همواره وجود خواهد داشت. از ۳۸ حزب و گروه سیاسی کوچک و بزرگ، ۱۸ حزب موافق و ۲۰ حزب مخالف دولت فعلی هستند و در صورت تغییر

دولت، باز گروه مخالف قوی وجود خواهد داشت. البته این احزاب و گروه‌ها در پاره‌ای از مسائل از جمله تمامیت ارضی کشور همواره اتفاق‌نظر دارند، هر چند که گزینه‌های پیشنهادی‌شان برای حل معضل قره‌باغ گاهی بسیار متفاوت است.

در عرصه سیاست داخلی، نبود مردمسالاری عمیق و ناکارآمدی دولت در برطرف ساختن مشکلات مردم، نظام سیاسی موجود را آسیب‌پذیر ساخته است در سیاست خارجی نیز علی‌رغم تلاش‌های دیپلماتیک صورت گرفته در دولت علی‌اُف، هنوز آرمان‌های مردم آذربایجان محقق نشده است. آذربایجان هنوز از سوی کشورهای غربی حمایت کامل نمی‌شود. دنیای اسلام نیز به دلیل مشکلات و اختلاف‌نظرهای موجود در بین کشورهای اسلامی و نیز برقراری ارتباط بین آذربایجان و اسرائیل حمایت مؤثری از این کشور مسلمان که خاک‌اش توسط یک کشور مسیحی اشغال شده، نمی‌کند. البته این حمایت فاقد قدرت اجرایی لازم نیز هست کما اینکه در مورد حمایت فلسطین مشهود است و علی‌رغم حمایت گسترده ممالک اسلامی از فلسطین، در عمل موفقیتی حاصل نمی‌شود.

در عرصه مسائل مرزی نیز آذربایجان با داشتن همسایگانی مثل ارمنستان و روسیه همواره آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد، هر چند که از جانب سایر همسایگان (ایران، گرجستان و ترکیه) خطری این کشور را تهدید نمی‌کند ولی داشتن مرزی زمینی با ارمنستان و مرز دریایی و زمینی با روسیه و نیز دور افتادن برون‌بوم نخجوان از خاک اصلی که در همسایگی ارمنستان واقع شده، آسیبی جدی در عرصه مسائل مرزی و سرزمینی به‌شمار می‌رود.

پی‌نوشت‌های بخش سیاسی

1. www.Azerb.com/admin.htm
2. www.worldinformation.com/political structure
3. Ibid
4. Ibid
5. www.Azerb.com/admin.htm
6. www.worldinformation.com/political structure

ـ مواد ۹٤، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۳۰ قانون اساسی جمهوری آذربایجان

7. www.president.az/Azerbaijan/az1.htm
 - www.worldinformation.com/political structure
8. www.president.az/Azerbaijan/az1.htm
 - www.worldinformation.com/political structure

۹. مواد ۱۰ و ۱۱ قانون اساسی جمهوری آذربایجان

10. www.worldinformation.com/Rasul Guliev

۱۱. مواد ۸ ، ۹٤، ۹۵، ۱۰۹، ۱۱٤، ۱۳۱ و ۱۳۲ قانون اساسی جمهوری آذربایجان

۱۲. مواد ۸۵ ، ۹۸، ۱۲۱، ۱۲۲ و ۱۲٦ قانون اساسی جمهوری آذربایجان

13. www.president.a2/bio4.htm

- www.president.a2/bio5.htm
- www.president.a2/bio7.htm
- www.bakupages/encyclopedia/people/heyder aliyer
- ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاهی به آینده، صص ٢٦ و ٥٦

١٤. منبع پیشین، صص ٥٩ تا ٧٦
- Yunus Leyla, Gahramanli Mirvari, Saddinov Murad, Information about the Violations of Human Right and Main Freedoms of Guliyev Rasul Bayramogli, Feb 2002
- http://www.mia.gov.a2

15. www.mutalibov.org/political credo
- http://www.mia.gov.a2
- ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاهی به آینده، صص ٥٩ تا ٧٦

16. www.yenimusavat.com
- www.Is a Qember.com
- ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاهی به آینده، صص ٣٦ تا ٤٣

17. www.Azembssy.com/constitution
18. www.internews.ru/law/Azerbaijan/analysis/index.html
- www.Azerbaijan Jurnalists Confederation-Files/high lights. Html
19. www.Azerb.com/az-law-foreigners.html
- www.Azerb.com/a2-law-entry.thml
20. www.1upinfo/Azerbaijan/national security
21. Pravda-ru, 2001-05-15
22. Yeni musavat gazati, 2003-04-12
23. www.Azerb.com/a2-defe.html
24. www.Azembssy.com/Azerbaijan/browse.htm
25. Ibid
- Azerb.com/a2-defe.html
26. www.azembssy.com/msk.ru/browse.htm
27. www.Isa Qember.com/turan-sorgu-2002.htm
28. www.Azerb.com/ethnic minorities
29. www.1upinfo/Azerbaijan/national security
30. www.u.s. Embassy Baku.com
31. Ibid
32. Ibid
33. Ibid
34. www.Azerb.com/a2-defe.html
35. www.Azerb.com/political parties

36. www.president.a2/Azerbaijan/a2 3.htm
   - www.Azerb.com/political parties
   - www.europeanforum.bot-consult.se/cup/Azerbaijan
   - www.worldinformation.com/political parties
   - www.Isa Qember.com/tutan-sorgu-2002.htm
37. www.Azerb.com/political parties
   - www.european forum.bot-consult.se/cup/Azerbaijan
   - www.Azadlig.com
   - Isa Qember.com/turan-sorgu-2002.htm
38. www.Azerb.com/political parties
   - www.yenimusavat.com
   - www.european forum.bot-consult.se/cup/Azerbaijan
   - www.Isa Qember.com/turan-sorgu-2002.htm
   - www.Isa Qember.com/bizimpiket
39. www.Azerb.com/political parties
   - www.europeanforum.bot-consult.se/cup/Azerbaijan
   - www.Isa Qember.com/turan-sorgu-2002.htm
40. Ibid
   - www.worldinformation.com/guliov/biography.htm
   - www.Azerb.com/political parties
41. www.europeanforum.bot-consult.se/cup/Azerbaijan
   - www.Isa Qember.com/turan-sorgu-2002.htm
42. www.europeanforum.bot-consult.se/cup/Azerbaijan
43. www.Azerb.com/politcal parties
   - www.Isa Qember.com/turan-sorgu-2002.
44. Ibid
   - www.Azerb.com/political parties
45. www.Azadiform-baku-az.com/INDEXAZ.HTM
46. Ibid
47. Ibid
48. Ibid
49. Ibid
50. Ibid
51. Ibid
52. Ibid
53. Ibid
54. Ibid

۵۵. دایرةالمعارف آذربایجان، جلد اول، ص ۱۸۳، ذیل واژه غاز آزیخ

٥٦. مستوفی، حمدا...، نزهت‌القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج، صص ۱۸۱ و ۱۸۲

٥٧. رئیس‌نیا، رحیم، آذربایجان در سیر تاریخ، جلد اول، ص ۷۳

٥٨. بهراد، عبدالاحد، قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، ص ۹

59. Daglig Qarabag, lgrar eliyev, S.64

٦۰. خزران، آرتور کستلر، ترجمه محمدعلی موحد، ص ۱٦

٦۱. گلی‌زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۲۱۲

٦۲. بهراد، عبدالاحد، قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، صص ۳۸ و ۳۹

- www.Azerbaijanis-congress.com

٦۳. بهراد، عبدالاحد، قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، صص ۳۸ و ۳۹

٦٤. منبع پیشین، ص ۱۱

٦٥. منبع پیشین، ص ۱۱۸

٦٦. گلی‌زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۲٤۰

٦۷. بهراد، عبدالاحد، قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، ص ۱۲۰

٦۸. منبع پیشین، ص ۱۲۱ به نقل از آرشیو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

COB.И.K.Л.MK JaHbH Дa MЛA.φ. 461 301, MjP3j NO 45 252, B1.

69. www.Azerbaijanis-congress.com

۷۰. قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، عبدالاحد بهراد، صص ۱۲٤ و ۱۲٥

۷۱. گلی‌زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۲۲٤

72. www.Azerb.com/Dağlig Qarabağ

۷۳. گلی‌زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۲۲۳

74. www.Azerbaijanis-congress.com
75. yeni musavat gə zeti 2003-01-06
76. Ibid
77. Ibid

۷۸. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاهی به آینده، صص ٥۸ ـ ٥٦

79. Pravda-RU: CIS 2001-05-13

۸۰ روزنامه همشهری، چاپ تهران، شماره ۲۷٦۱، ۱۳۸۱/٤/٥

81. Pravda-RU-2001-05-13
82. www.Azerbassy.com/forign Policy

83. Ibid
84. www.president.a2.bio7.htm

۸۵ مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز

86. www.Azembassy.com/forign policy
87. Encarta, World Atlas. Microsoft, Azerbaijan
88. www. President.a2.bio7.htm
89. lbid
- www.Azembassy.com/forign policy
90. www.president.a2/bio7.htm
91. www.Azembassy.com/forign policy
92. www.president.a2/bio7.htm
93. www.Azembassy.com
94. Encarta World Atlas, Microsoft, Azerbaijan
95. www.turkbe.org.a2/Ekoniliskiler.htm
96. www.turkbe.org.a2/telefonla.htm
97. www.turkbe.org.a2/Ekoniliskiler.htm
98. www.turkbe.org.a2/Ankara 1.htm
99. www.turkbe.org.a2/oba.htm
100. www.turke.org.a2/Ekoniliskiler.htm
101. Ibid
102. Ibid
103. Ibid

۱۰٤. مصاحبه «توفیق ذولفقاراُف» وزیر امور خارجه پیشین آذربایجان با روزنامه ئینی مساوات، چاپ باکو به تاریخ ۱٦ دسامبر ۲۰۰۲

105. www.turkbe.org.a2/bio 4.htm
106. www.president.az/bio4.htm
107. CIS statistical Committee Yearbook 1998

۱۰۸. روزنامه همشهری، مورخه ۸۱/۲/۳۱ به نقل از مجله دی‌سایت

۱۰۹. بهراد، عبدالاحد، قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ، صص ٤۸ _ ۳۷

۱۱۰. منبع پیشین، ص ٥٤

111. Bigdeli Alireza, Amu Darya, Summer 1999, P. 162-169

۱۱۲. گلی‌زواره، غلامرضا، جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی، ص ۲۱٦

۱۱۳. مصاحبه «ولایت قلی‌اُف» وزیر امور خارجه آذربایجان با روزنامه ٥۲٥، چاپ باکو به تاریخ ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲

114. Bigdeli Alireza, Amu Darya, Summer 1999, p. 62-169
115. Ibid

۱۱٦. روزنامه همشهری، چاپ تهران

۱۱۷. مصاحبه رئیس گروه دوستی پارلمان ایران و آذربایجان از طرف ایران با شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران

118. Encarta Encyclopedia, Azerbaijan/ the Soviet Period
119. CIS Statistical Committee Year book 1998
120. www.yap.org.a2

۱۲۱. روزنامه نوروز، چاپ تهران، مورخه ۸۱/٤/۹

122. www.president.a2/bio7.htm
123. www.buyusa.gov/Azerbaijan/a2/page 8 htm
124. Ibid
125. http://Encarta.com/Azerbaijan/Government
126. www.Azembassy.com/Azerbaijan/browse.htm
127. www.ans-dx.com/news.htm
128. www.buyusa.gov/Azerbaijan/a2/page 8. html
129. www.fsumonitor.com/index.html
130. www.525-ci.com
131. www.fsumonitor.com/index.html
132. www.Azembassy.com/Azerbaijan/browse.htm
133. www.1upifo/Azerbaijan/foreign-trade.htm

بخش سوم

فرهنگی، اجتماعی

فصل هجدهم

وضعیت فرهنگی آذربایجان

۱ـ ۱۸) فرهنگ عمومی کشور

ـ آداب و رسوم

فرهنگ عمومی در جمهوری آذربایجان به دلیل قرار گرفتن این کشور در موقعیت جغرافیایی خاص متأثر از فرهنگ اسلامی از یک طرف و فرهنگ اروپایی (غرب) از طرف دیگر است. این تأثیر از دیرباز در فرهنگ سرزمینی باستانی آذربایجان وجود داشته است که پس از جدایی آن از پیکرهٔ ایران، نفوذ و تأثیر فرهنگ روسی در آن شروع شد و تا زمان استقلال کشور در سال ۱۹۹۱ ادامه داشت. همچنین فرهنگ سرزمینی که در حال حاضر ترکیه خوانده می‌شود (سرزمین سلجوقی‌ها و عثمانی‌ها) از دیرباز در این منطقه تأثیرگذار بوده و بعد از استقلال کشور این تأثیر از جمهوری ترکیه بیش از پیش مشهود است.[1]

آداب و رسوم آذربایجانی‌ها (ترک‌های آذری) که اکثریت بالای ۹۰ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، در جامعه آذربایجان غالب است و اقوام اقلیت نیز دارای آداب و رسوم خاص خودشان هستند که هر کدام در بخش مربوط به خود شرح داده می‌شوند.

از جمله آداب و رسوم قوم آذربایجانی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) ازدواج

ب) سوگواری و عزاداری

ج) تولد فرزند و نامگذاری

الف) ازدواج

آداب و رسوم مربوط به ازدواج در آذربایجان بسیار شبیه ایران است. در شرایط کنونی رسومی در این کشور وجود دارد که در ایران، پاکستان و ترکیه نیز به همان صورت است. ازدواج در نقاط شهری آذربایجان علی‌رغم نفوذ جنبه‌هایی از شهرنشینی به شیوه غربی‌ها در بیشتر شئون زندگی مردم، اغلب به شیوه‌های سنتی و عامیانه برگزار می‌شود. این سنت در نقاط روستایی بیشتر به چشم می‌خورد. یکی از عادات سنتی که از دیرباز در بین مردم روستانشین مانده «فراری دادن دختر»[1] (ربودن دختران) به منظور ازدواج است. البته این عمل در مناطق روستایی به ندرت اتفاق می‌افتد.[(۲)]

گفتنی است که این عادت در برخی روستاهای ایران نیز مرسوم بوده و هنوز هم به ندرت اتفاق می‌افتد. همچنین این عادت ممکن است با رضایت زوج و زوجه انجام شود که هر دو برای رهایی از آداب و رسوم و تشریفات مراسم عروسی و نیز عدم توان پرداخت هزینه‌های مربوطه اقدام به فرار می‌کنند. این کار ممکن است در نتیجه مخالفت خانواده و یا خانواده‌های دو طرف با ازدواج نیز انجام شود.

---

1. Qiz Qaçirmag (Kidnaping)

خواستگاری برای ازدواج توسط مرد یا خانوده وی صورت می‌گیرد. مهریه (کبین)[1] و شیربها (باشلیق)[2] نیز در بین آذربایجانی‌ها مرسوم است. آذربایجانی‌ها همانند سایر مسلمانان برای ازدواج صیغه عقد شرعی جاری می‌کنند. در مراسم عروسی که معمولاً ۳ تا ۷ روز طول می‌کشد، نوازندگان و خوانندگان محلی آوازهای محلی اجرا می‌کنند و خانواده، بستگان و مدعوین به رقص و پایکوبی می‌پردازند. رقص «لزگی»[3] و «چوپی»[4] (هالای) از رقص‌های متداول هستند که در مراسم عروسی اجرا می‌شوند. همچنین یادآور می‌شود مورد اول متعلق به قوم لزگی است که تفصیل آن در بخش مربوط به اقوام خواهد آمد.

ب) سوگواری و عزاداری

سوگواری به مناسبت‌های مذهبی مانند ایران در آذربایجان نیز وجود دارد. البته گستردگی و فراگیر بودن این‌گونه مراسم‌ها بسیار کمتر از ایران است ولی همه ساله در ایام ماه محرم و صفر و نیز ایام شهادت امیرالمؤمنین(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) در مساجد کشور مراسم سوگواری برگزار می‌شود. برگزاری چنین مراسم‌هایی نه تنها از نظر دولت منعی ندارد، بلکه از آنها حمایت نیز می‌شود، این در حالیست که حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، شخصاً چندین بار در این‌گونه مراسم‌ها شرکت و سخنرانی کرده است. سوگواری و عزاداری به مناسبت درگذشت افراد نیز برگزار می‌شود. سوگواری شامل؛ مراسم شب سوم، هفتم، چهلم و سالگرد بوده و در اعیاد به‌خصوص قبل از عید نوروز مردم بر سر قبر بستگان حاضر شده و فاتحه می‌خوانند.

ج) تولد و نامگذاری

این مراسم نیز همانند دیگر مراسم‌ها در این کشور ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و سنت‌های

---

1. Kabin
2. Başlig
3. Lezgi
4. Çöpi (Halay)

اسلامی دارد. اذان گفتن در گوش نوزاد هر چند به صورت کم‌رنگ، هنوز در بافت‌های سنتی این کشور رواج دارد. در زمینه نام‌گذاری نیز اکثر مردم از نام‌های عربی (اسلامی)، ترکی، آذربایجانی و فارسی استفاده می‌کنند. در کنار این نام‌ها از دیگر نام‌ها از جمله اسامی روسی نیز استفاده می‌شود، البته این‌گونه اسامی اغلب در خانواده‌هایی برای نامگذاری انتخاب می‌شوند که یکی از دو طرف (پدر یا مادر) ترک آذربایجانی نباشد. علاوه بر ترک‌ها، سایر اقوام دارای ریشه ایرانی مانند طالش‌ها و کردها نیز از اسامی مشابه آذربایجانی‌ها استفاده می‌کنند.

ـ سنت‌ها

جشن عید نوروز

در بین جشن‌های ملی آذربایجان، جشن عید نوروز جایگاه ممتاز و ویژه‌ای دارد و از بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و با شکوه‌ترین این جشن‌ها به‌شمار می‌رود. مراسم عید نوروز همزمان با فرارسیدن اول بهار در آذربایجان مانند سایر کشورهای منطقه (ایران، افغانستان، ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی) از دیرباز مرسوم بوده است. جشن عید نوروز در بین اکثر تمدن‌های بزرگ وجود داشته است. سومری‌ها (۳۰۰۰ سال ق.م)، بابلی‌ها (۲۰۰۰ سال ق.م) و ایلامی‌ها (۲۰۰۰ سال ق.م) نیز نوروز را جشن می‌گرفتند. نوروز آذربایجانی‌ها از سنت‌های زرتشتیان است. دین زرتشتی به منزله «دین مادر»[1] قبل از اسلام در منطقه بوده است. زرتشت پیامبر که خاستگاهش سرزمین آذربایجان (آذربایجان ایران) بوده است، مراسم و جشن‌های متعددی را به پیروان خود تعلیم داده است که جشن نوروز از مهم‌ترین آنهاست. مراسم نوروز فعلی در آذربایجان ریشه در دوران ساسانیان دارد. گفتنی است که ساسانیان جشن‌های نوروز را در ۵ روز اول سال برگزار می‌کردند، آنها اعتقاد داشتند که در این ۵ روز فرشتگان نگهبان که مأمور نگهبانی و محافظت از *قرینه‌های* زمینی خود هستند، برای دیدار با *قرینه‌های* خود بر زمین

1. Mother Religion

فرود می‌آیند. از این‌رو پاکیزگی محیط و لباس و نیز روشن نگهداشتن آتش نوعی خوشامدگویی به آنها و اعلام آمادگی موجودات زمینی برای استقبال و پذیرایی از آنهاست.(۳)

آذربایجانی‌ها جشن نوروز را در زمان حاکمیت روسیه تزاری و نیز دوران حکومت کمونیست‌ها در شرایطی نامناسب و بیشتر در منازل و تجمعات درونی برگزار می‌کردند. روس‌ها چه در دوران تزارها و چه در زمان حاکمیت بلشویک‌ها همواره سعی در از بین بردن جنبه‌های فرهنگی اقوام اقلیت داشتند. رسانه‌ها و نهادهای وابسته به نظام کمونیستی شوروی اسم نوروز را حذف و از این عید تحت نام عید بهار یاد می‌کردند. بعد از اجرای سیاست درهای باز گورباچف این محدودیت‌ها از بین رفت و دولت در کنار مردم اقدام به برگزاری این جشن باستانی کرد. این آزادی‌ها بعد از استقلال کشور فزونی یافت. در سال ۱۹۹٤ از طرف دولت آذربایجان عید نوروز به صورت عید ملی و رسمی اعلام شد و مردم علاوه بر تزیین و تنظیف محل زندگی و منازل خود در خیابان‌ها و اماکن عمومی نیز این جشن و شادمانی را به نمایش گذاردند. مردم قبل از پایان سال در روز پنجشنبه آخر سال به زیارت اهل قبور می‌روند. در روز عید کارناوال‌های شادی در خیابان‌ها به راه می‌افتند. مردم به دیدار اقوام و آشنایان می‌روند و از بیماران در بیمارستان‌ها عیادت می‌کنند. رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون و مطبوعات) برنامه‌ها و ویژه‌نامه‌هایی در زمینه عید نوروز پخش و منتشر می‌کنند.(٤) اعتقادات سنتی (باورداشت‌ها و نظایر آن) مربوط به عید نوروز در بند مربوط به اعتقادات سنتی به تفصیل شرح داده خواهد شد.

عید فطر

مردم آذربایجان مانند سایر ملل مسلمان روز اول ماه شوال را تحت نام «اُروجلوق بایرامی»[۱] (عید فطر یا عید روزه) گرامی داشته و این روز را جشن می‌گیرند. در این روز مردم لباس‌های

1. Oruclug Bayrami

نو می‌پوشند و برای ادای نماز عید فطر (فیتیر نامازی)[1] به مساجد می‌روند و این روز را به همدیگر تبریک می‌گویند و برای یکدیگر آرزوی قبولی نماز و روزه را می‌کنند. دادن فطریه به فقرا در بین مردم رایج است. قبلاً این کمک به صورت کالا اما امروزه به صورت نقدی پرداخت می‌شود. در این روز مردم به خاطر دادن توانایی یک ماه روزه گرفتن و عبادت کردن خداوند را شکرگزاری می‌کنند. در روز عید فطر روزه گرفتن حرام شمرده می‌شود. همچنین در این روز مردم عقیده دارند که باید دشمنی‌ها، کینه‌ها و کدورت‌ها کنار گذاشته شود و رفتار مناسبی با هم داشته باشند.(۵)

شایان ذکر است که از میزان گرایش و علاقه مردم نسبت به ادای فریضهٔ روزه اطلاع چندانی در دست نیست. ولی جو عمومی جامعه در ماه رمضان، اسلامی بودن این جامعه را کاملاً آشکار می‌کند. رسانه‌های گروهی (رادیو، تلویزیون و مطبوعات) در این زمینه به اطلاع‌رسانی می‌پردازند و پیام‌ها، توصیه‌ها و نیز فتواهای شیخ‌الاسلام‌ا... شکور پاشازاده، رئیس اداره روحانیت ماورای قفقاز و سایر مقامات روحانی را به اطلاع مردم می‌رسانند.

عید قربان

این عید نیز در جمهوری آذربایجان مانند سایر کشورهای اسلامی در ایام حج گرامی داشته می‌شود. در این عید که روز دهم ماه ذیحجه برگزار می‌شود، مردم همزمان با حجاج که در مکه به قربانی کردن حیوانات می‌پردازند، در محل زندگی خود حیوانات اهلی را ذبح می‌کنند. مبنای این سنت پیروی از عملکرد حضرت ابراهیم در تبعیت از فرمان خداوند است که حاضر شد به‌خاطر رضای خدا، فرزندش اسماعیل را قربانی کند (گفتنی است که در دین یهودی و مسیحی اعتقاد بر این است که ابراهیم قصد ذبح اسحق را داشته نه اسماعیل را).

خداوند ضمن قبول عمل ابراهیم توسط جبرئیل گوسفندی برای ذبح به ابراهیم عطا می‌کند

---

1. Fitir Namazi

و مسلمانان آذربایجان مانند سایر مسلمانان به پیروی از این واقعه در روز عید قربان اقدام به ذبح حیوانات اهلی (به‌خصوص گوسفند) می‌کنند و گوشت آن را در بین خانواده، آشنایان و به‌ویژه فقرا تقسیم می‌کنند. در این روز مردم اول صبح نماز عید به‌جا می‌آورند و کودکان از بزرگ‌ترها هدیه و شیرینی دریافت می‌کنند.(۶)

جشن روز جمهوریت

روز ۲۸ ماه می در آذربایجان با عنوان «روز جمهوریت»[1] گرامی داشته می‌شود. در سال ۱۹۱۸ در این روز محمد امین رسول‌زاده، روشنفکر میهن‌پرست آذربایجانی، به اتفاق گروهی از همفکرانش حزبی به نام «مساوات» تشکیل داده و با کمک ارتش امپراتوری عثمانی در سرزمین آذربایجان اعلام استقلال کرد و کشوری مستقل تحت عنوان «جمهوری دموکراتیک آذربایجان» به‌وجود آورد. این حرکت استقلال‌طلبانه و میهنی دو سال بعد توسط بلشویک‌ها در هم کوبیده شد و بسیاری از مسئولان و طرفداران حکومت مستقل آذربایجان اعدام، تبعید و یا متواری شدند. رسول‌زاده در این ماجرا توانست از دست کمونیست‌ها جان سالم به در برد و پس از مدتی اقامت مخفیانه در خارج از باکو به ترکیه رفت و در آنجا از دنیا رفت. اندیشه‌های رسول‌زاده بعد از استقلال کشور در سال ۱۹۹۱ و تشکیل جمهوری دوم نیز مورد توجه قرار گرفت. در حال حاضر احزاب «مساوات» و «جبهه خلق آذربایجان» اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رسول‌زاده را در سیاست‌ها و عملکردهای خود مدنظر دارند. روزنامه «یئنی مساوات» (مساوات نوین) تمام شماره‌های خود را با کلیشهٔ عکس رسول‌زاده و جمله‌ای از او منتشر می‌کند. جمله معروف وی این است: «بیرکره یوکسه لن بایراق بیرداها یئنمز»[2] (پرچمی که یک بار برافراشته شد به صورت ابدی به زمین نمی‌افتد).

همه ساله، روز ۲۸ ماه می از طرف دولت و مردم گرامی داشته می‌شود و این روز به‌عنوان روز تعطیل ملی به‌شمار می‌رود.(۷)

---

1. Cumhuriyyət Günü

2. Bir Kərə Yüksələn Bayrag bir Daha Yenməz

ـ اعتقادات سنتی

همان‌طور که در قسمت مربوط به جشن‌های ملی گفته شد، عید نوروز و جشن‌های مربوط به آن سهم اصلی و عمده را در فرهنگ عمومی جمهوری آذربایجان دارد، از منظر اعتقادات سنتی نیز باورداشت‌ها و اعتقادات موجود در زمینه ایام عید نوروز سهم اصلی را در اعتقادات سنتی کشور دارند. باورهای مربوط به نوروز که گاهی با خرافه و تابو نیز همراه شده، در آذربایجان بسیار گسترده و وسیع است و علی‌رغم رسوخ و نفوذ جنبه‌های متعدد مدرنیته در زندگی مردم، این اعتقادات همچنان پابرجا و استوار باقی مانده‌اند البته این باورها بستگی به منطقه نیز دارد و در مناطق شهری کم‌رنگ‌تر از روستاهاست.

مهم‌ترین اعتقادات سنتی (باورداشت‌ها، خرافه‌ها و تابوها) آذربایجانی‌ها در ایام نوروز بدین قرار است:

۱ـ قبل از عید نوروز در و دیوار منازل را تمیز می‌کنند.

۲ـ قبل از عید نوروز رخت و لباس‌ها را می‌شویند.

۳ـ در ایام نوروز پای درخت‌های باغچه‌های منازل را بیل زده و شاخ و برگ‌های ریخته در باغچه را جمع‌آوری می‌کنند.

٤ـ در ایام نوروز «سمنو»[1] سبز می‌کنند و از آن حلوا درست می‌کنند. (می‌پزند)

٥ـ در ایام نوروز «اونتوق»[2] می‌کشند (اونتوق به اشکالی گفته می‌شود که بر روی دیوار داخل اتاق می‌کشند. ابتدا با آب محل ترسیم شکل را خیس می‌کنند و سپس با آرد روی خطوط خیس می‌کشند تا اشکال مورد نظر نمایان شود. این اشکال معمولاً خورشید، ماه، ستاره، شکل انسان و حیوانات اهلی هستند. این عادت در روستاهای آذربایجان ایران نیز وجود دارد)

٦ـ در روز عید، سفره نوروز پهن می‌کنند و در آن گردو، فندق، بادام و سایر تنقلات می‌گذارند.

1. Sômôni 2. Unnug

۷ـ در ایام نوروز اسپند دود می‌کنند و بچه‌ها، منزل، اثاثیه و حیوانات خانگی را با آن دود می‌دهند.

۸ـ در ایام نوروز لباس نو می‌خرند (مخصوصاً برای دخترها و عروس‌ها)

۹ـ در ایام نوروز خنچه نوروز می‌آرایند.

۱۰ـ در ایام نوروز تخم‌مرغ رنگی درست می‌کنند.

۱۱ـ روز چهارشنبه آخر سال برای بچه گهواره درست می‌کنند.

۱۲ـ قبل از چهارشنبه آخر سال از روی آب می‌پرند (بیشتر کودکان و نوجوانان)

۱۳ـ در چهارشنبه آخر سال بر شاخ دام‌های شیرده و نیز گردن گوسفندانی که برای قربانی در عروسی در نظر گرفته شده، روبان (پارچه) قرمز می‌بندند.

۱٤ـ در چهارشنبه آخر سال بر سر کسانی که ترسو هستند، آب می‌ریزند تا ترسشان بریزد (از بین برود).

۱۵ـ در چهارشنبه آخر سال از منزل پول برداشته نمی‌شود.

۱٦ـ در چهارشنبه آخر سال از منزل به همسایه‌ها، الک، آرد، آتش، کبریت، نفت، پارچه سفید و نان قرض نمی‌دهند.

۱۷ـ در چهارشنبه آخر سال به تعداد اعضای خانواده شمع روشن می‌کنند و شمع را نیمه خاموش نمی‌کنند.

۱۸ـ در چهارشنبه آخر سال بر زن زائو وارد نمی‌شوند.

۱۹ـ شب چهارشنبه آخر سال زود نمی‌خوابند.

۲۰ـ شب چهارشنبه آخر سال در خانه‌ها، دیگ آویزان می‌کنند، اموات نزدیک را نام برده و به یاد آنها در دیگ‌ها برنج، گوشت و نظایر آن می‌ریزند.

۲۱ـ در چهارشنبه آخر سال، صبح زود چراغ روشن می‌کنند.

۲۲ـ در ایام نوروز غمگین نمی‌نشینند و گوشه‌گیری نمی‌کنند.

۲۳ـ نقل و شیرینی محلی درست کرده و در سفره نوروز می‌گذارند.

۲٤ـ در بعضی خانه‌ها درست کردن سمنو شگون ندارد (آمد ندارد) که در این خانه‌ها سمنو درست نمی‌کنند، بلکه همسایه‌ها یا آشنایان از سمنویی که خود درست کرده‌اند، به این خانه‌ها هدیه می‌کنند.

۲۵ـ در ایام نوروز دخترها و پسرهای جوان به گردش می‌روند و پسرها، دختر مورد نظر خود را می‌توانند، ببینند و پسند کنند.

۲٦ـ در ایام نوروز کدورت‌ها را کنار می‌گذارند وکسانی که از قبل قهر کرده‌اند، آشتی می‌کنند.

۲۷ـ در ایام نوروز برای دختران نامزد کرده از طرف خانواده شوهر هدیه برده می‌شود.

۲۹ـ در ایام نوروز فحش و دشنام نمی‌دهند.

۳۰ـ در شب عید کسی را نفرین نمی‌کنند.

۳۱ـ در ایام نوروز پشت سر کسی غیبت نمی‌کنند.

۳۲ـ در روز اول عید نوروز به زیارت اهل قبور (به‌ویژه پدر و مادر) می‌روند.

۳۳ـ در ایام نوروز با بستگان و آشنایان به مهربانی برخورد می‌کنند.

۳٤ـ در ایام نوروز مردم با هم داد و ستد و معامله می‌کنند.

۳۵ـ در ایام نوروز در بین مردم شیرینی پخش می‌شود.

۳٦ـ در ایام نوروز به حیوانات آزار رسانده نمی‌شود.

۳۷ ـ در روز عید نوروز به دعانویس مراجعه نمی‌کنند.

۳۸ـ در روز عید نوروز گل نرگس به منزل نمی‌آورند.

۳۹ـ در روز عید نوروز «گل نوروز» (نوروز گولو)[1] چیده و به منزل می‌آورند.

٤۰ـ در روز عید نوروز پونه تازه جمع کرده و به منازل می‌آورند.

٤۱ـ در روز عید نوروز کسی در صحرا مارها را اذیت نمی‌کند.

٤۲ـ در روز عید نوروز دخترها لباس‌های تازه با رنگ‌های شاد (مخصوصاً رنگ قرمز) می‌پوشند.

---

1. Novruz Gülü

۴۳ـ در روز عید نوروز صاحبخانه (ریش‌سفید و بزرگ‌تر خانه) در خانه می‌ماند و کوچک‌ترهای فامیل به دیدن بزرگ‌تر خانه می‌آیند.

۴۴ـ در روز عید نوروز کسی هجو نمی‌گوید و سر به سر دیگری نمی‌گذارد.

۴۵ـ در شب عید بر کیسه‌های پارچه‌ای[1] که از دریچهٔ سقف خانه‌ها[2] آویزان می‌کنند، هدیه می‌بندند.

۴۶ـ در شب عید در داخل کلاه‌هایی که دم در منازل انداخته می‌شود، هدیه‌ای از داخل سفره نوروز می‌گذارند.

۴۷ـ در روز عید نوروز برای بیمارانی که در بستر بیماری‌اند، از خوراکی‌ها و تنقلات نوروز سهمی می‌فرستند.

۴۸ـ در روز عید نوروز برای ریش‌سفیدها از شیرینی‌های خانگی سهمی فرستاده می‌شود.

۴۹ـ قبل از عید نوروز گندم برشته (قوورقا)[3] درست می‌کنند.

۵۰ـ در ایام نوروز ماهی می‌پزند.

۵۱ـ قبل از فرارسیدن عید (در روزهای آخر سال) کسانی که اسلحه دارند آن را تمیز می‌کنند و نیز در ایام نوروز توسط تیر و کمان یا اسلحه تیراندازی می‌کنند. (به نشانه شادی و خوشحالی)

۵۲ـ در ایام نوروز جشن‌های مخصوص نوروز در ملاء عام برگزار می‌شود و مردم به صورت دسته‌جمعی به شادمانی می‌پردازند.[(۸)]

ـ خرافات

خرافات در آذربایجان شباهت زیادی به سایر کشورها از جمله کشورهای غربی دارد. خرافات رایج در این کشور که اعتقاد به آن‌ها در گذشته بسیار بیشتر از امروز بوده است،

---

1. Torba
2. Baca
3. Qovurqa

علاوه بر اکثریت ترک‌های آذربایجانی، به روس‌ها، یهودی‌ها، و سایر اقوام نیز تعلق دارند. در زیر به چند مورد از این خرافه‌ها اشاره می‌شود:[۹]

۱ـ اگر هنگام صبح کسی سر راه خود گربه ببیند، آن روز در تجارت و داد ستد ناموفق خواهد بود.

۲ـ نمک و اشیای برنده نباید به‌عنوان هدیه داده شوند و در صورت دادن آنها به کسی، مبلغی هر چند بسیار ناچیز باید بابت آن‌ها دریافت کرد.

۳ـ اگر در منزل به‌طور تصادفی نمک ریخته شود، در آن‌جا مجادله پیش می‌آید.

٤ـ چاقو را نباید به صورت بازشده به کسی داد.

٥ـ نباید از کسی تخم‌مرغ گرفت.

٦ـ از وسط راهی که در حال رفتن آن باشید، نباید برگردید.

۷ـ اگر سر راه کسی، مردی با سطل خالی دیده شود به معنی بدشانسی آن شخص است.

۸ـ برای رفتن به مراسم شادی و سرور نباید عجله کرد.

۹ـ اگر کسی در خواب آب خروشان ببیند، سفر یا تجارت موفقی خواهد داشت.

۱۰ـ راهی را که کاروان عروسی یا شادی از آن می‌رود، نباید سد کرد.

ـ فولکلورشناسی

قصه‌ها

قصه‌ها در آذربایجان بسیار گسترده و متنوع است. مکتوب نبودن ادبیات و داستان‌نویسی در اعصار گذشته (به‌جز موارد معدود) سبب شد تا قصه‌پردازی و قصه‌گویی به‌صورت شفاهی در بین مردم رواج پیدا کند. این قصه‌ها نسل به نسل نقل شده و در قرن گذشته نیز توسط روشنفکران و نویسندگان چاپ شد. قصه‌گویی در آذربایجان در قرون گذشته همواره رایج بوده و این کار در فصل زمستان و اواخر پاییز که مردم روستاها فراغت بیشتری داشتند، رواج داشت.

قصه‌های آذربایجان را می‌توان از ابعاد مختلف تقسیم‌بندی کرد که برخی از آن‌ها در ذیل آمده است:

تقسیم‌بندی براساس مخاطب:

ـ قصه‌های کودکان

ـ قصه‌های بزرگسالان

تقسیم‌بندی براساس شخصیت‌ها:

ـ قصه‌های مربوط به حیوانات

ـ قصه‌های مربوط به انسان‌ها

ـ قصه‌های مشترک بین حیوانات و انسان‌ها

تقسیم‌بندی براساس موضوع:

ـ قصه‌های عاشقانه (که تعداد زیادی از قصه‌ها و داستان‌های آذربایجان را به خود اختصاص داده است)

ـ قصه‌های مربوط به روابط خانواده و جدایی‌ها و وصال‌ها

ـ قصه‌های مربوط به شخصیت‌های مذهبی

ـ قصه‌های مبارزه‌جویانه

ـ قصه‌های پندآموز و اخلاقی

ـ قصه‌های طنز و کمدی

قصه‌گویی سنتی در آذربایجان شبیه ایران با مقدمه «یکی بود، یکی نبود» شروع می‌شد و در پایان نیز گفته می‌شد «از آسمان ۲ تا سیب افتاد یکی مال قصه‌گو یکی مال شنونده»

قصه‌ها و داستان‌های عاشقانه و محبت‌آمیز علاوه بر این‌که در بین مردم نقل می‌شد توسط عاشق‌ها نیز در مراسم‌های مختلف گفته می‌شد از مهم‌ترین و مشهورترین این قصه‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ـ داستان لیلی و مجنون (که امروزه از شکل سنتی خارج و در قالب‌های مدرن هنری مثل

اپرا، نمایشنامه و نظایر آن اجرا می‌شود)

ـ داستان اصلی و کرم

ـ داستان عاشق غریب

ـ داستان طاهر و زهره

ـ داستان نوروز و قنداب

ـ داستان عباس و گولگز

داستان‌ها و قصه‌های مربوط به حیوانات نیز بیشتر مربوط به حیوانات اهلی، روباه و گرگ می‌شود.

داستان‌های مبارزه‌جویانه نیز در قالب مبارزه شخصیت‌های مثبت و قهرمان قصه با شخصیت‌های منفی مانند ظالمان و همچنین دیوها شکل گرفته‌اند.

افسانه‌ها

فرهنگ مردم آذربایجان به خاطر برخورداری از ساختارهای فولکلوریک بسیار قوی و رشد و گسترش ادبیات فولکلور در بین این مردم در طول سالیان دراز، افسانه‌های مشهور و معروفی را به‌وجود آورده است که برخی از آنها در زمره شاهکارهای ادبی و حماسی جهان جای گرفته‌اند. این افسانه‌ها اغلب با واقعیت‌هایی تاریخی مطابقت دارند و افزون بر ارائه تصاویر روشن از فرهنگ مردم آذربایجان در اعصار مختلف، نوعی سند تاریخی نیز به‌شمار می‌آیند. سه مورد از افسانه‌های مشهور آذربایجان در پی می‌آید:

الف) افسانه ده ده قورقود[1] یا دەده قورقوت (افسانه قوم اوغوز)

این افسانه داستان زندگی قوم اوغوز و مقطعی از تاریخ این قوم است. قوم اوغوز از اقوام معروف و قدرتمند ترک بودند که قرن‌ها در مناطق آسیای مرکزی، ایران، ترکیه، خاورمیانه و

1. D∂D∂ Qurqud

مصر حکومت کرده‌اند. اتحاد قوم اوغوز که از قبایل متعددی تشکیل شده بود، در قرن دوم میلادی صورت گرفته است. این قوم در قرن هشتم میلادی با دین اسلام آشنا شدند. امپراتوری‌های سلجوقی و عثمانی از انساب قوم اوغوز بودند و در شرایط حاضر ترکمن‌ها، ترک‌های کشور ترکیه و آذربایجانی‌ها (شمالی و جنوبی) از ترک‌های اوغوز هستند. مورخان خاستگاه قوم اوغوز را کوه‌های آلتای در سرزمین‌های شرق دانسته‌اند و برخی معتقدند که سرزمین آذربایجان قبل از ورود قوم اوغوز به این منطقه مسکن قبایلی از ترک‌ها بوده است، زیرا زمان ورود اوغوزها به آذربایجان و آسیای صغیر را قرون نهم تا یازدهم ذکر می‌کنند. تاریخ شکل‌گیری داستان‌های «دده قورقود» نیز قرن ششم تا یازدهم میلادی بوده است. به‌نظر آن‌ها اگر ساکنان قبلی آذربایجان ترک زبان نبوده باشند قطعاً چنین اثر بزرگ و زوال ناپذیری نمی‌تواند شکل بگیرد زیرا جمعیتی که تازه تغییر زبان داده باشند، نمی‌توانند چنین اثر مهمی را بیافرینند.

این افسانه شامل یک مقدمه و دوازده داستان است که در مجموع در اثری مکتوب به نام «کتابی ده ده قورقود»[1] جمع‌آوری شده است.

تاریخ شروع کتابت داستان‌های دده قورقود را از قرن دهم میلادی بیان کرده‌اند. از این تاریخ داستان‌های شفاهی که سینه به سینه نقل شده به‌صورت مکتوب درآمده است و در نهایت در قرن پانزدهم میلادی در دوره حکومت آق‌قویونلوها در مناطق آذربایجان و آناتولی (ترکیه امروزی) داستان‌ها در یکجا استنساخ می‌شود که این نسخه‌های دستنویس در درسدن و برلین آلمان و نیز واتیکان ثبت و نگهداری می‌شوند.

گروهی مؤلف کتاب را «دده قورقود» خنیاگر (ترانه‌سرا و نوازنده) صاحب کرامت می‌دانند ولی اکثر محققان معتقدند «دده قورقود» شخصیتی محوری است که در تمام داستان‌ها حضور دارد و به‌خاطر احترام به وی اسم کتاب را به‌نام وی نامگذاری کرده‌اند و مؤلف مشخصی برای

---

1. Kitabi D∂D∂ Qurqud

این کتاب ذکر نکرده‌اند و آن را بیش از یک نفر دانسته‌اند. ده ده قورقود از شخصیت‌هایی بوده که «قام»[1] نامیده می‌شدند. این افراد شخصیت‌هایی هنرمند و راهنما بودند که هدایتگر قوم نیز محسوب می‌شدند. در آیین «شامانیزم»[2] که آیین ترک‌های قبل از اسلام بوده این افراد شعر و ترانه می‌سرودند، آهنگسازی می‌کردند و به نوازندگی و خوانندگی اشعار حماسی و اخلاقی می‌پرداختند آن‌ها به عقیده مردم ارواح پلید را دور می‌کردند و به معالجه بیماران می‌پرداختند. بعدها به این افراد «اوزان»[3] گفتند و در قرون اخیر این افراد «عاشیق»[4] نامیده می‌شد. آن‌ها با نوعی آلت موسیقی شبیه تنبور (بزرگ‌تر از آن) که «قوپوز»[5] گفته می‌شود به نوازندگی می‌پرداختند. این آلت موسیقی را در آذربایجان ایران و نیز در جمهوری آذربایجان «ساز» نیز می‌گویند.

ده ده قورقود شخصیتی واقعی بوده که در تاریخ نیز آمده است. خواجه رشیدالدین در کتاب «جوامع التواریخ» از وی یاد می‌کند و عمر وی را ۲۹۵ سال ذکر می‌کند. ابوالقاضی بهادرخان نیز در «شجره تراکمه» ده ده قورقود را معاصر با پیامبر اکرم (ص) و دوران حکومت اوغوزخان بنیانگذار سلسله اوغوزها دانسته است.

نصایح و سخنان حکیمانه زیادی از دده قورقود در مقدمه و در طول داستان‌ها آمده است که به تعدادی از این سخنان که در مقدمه کتاب ده ده قورقود آمده، اشاره می‌شود:[10]

۱ـ سرانجام پادشاهی به قبیله قای (قبیله‌ای که ترکان عثمانی متعلق به آن هستند) باز می‌گردد و این حکومت تا آخرالزمان و برپایی قیامت ادامه پیدا می‌کند.

۲ـ تا خدا را نخوانی، کارها پیش نرود.

۳ـ خدا خودستایان را دوست ندارد.

---

1. Qam
2. Şamanizm
3. Ozan
4. Aşig
ـ از آنجا که این افراد در راه حق پرستی هنرنمایی می‌کنند آن‌ها را عاشق حق و به صورت اختصار «عاشیق» می‌نامند.
5. Qopuz

۴ـ تا مرد از مال خود نبخشد، پرآوازه نشود.

۵ـ تا دختر از مادر نبیند، پند نگیرد.

۶ـ تا پسر از پدر نبیند، سفره نگشاید.

۷ـ جای سوزش را دردکش می‌داند و جوانمرد و ناجوانمرد را «اوزان» از هم باز می‌شناسد.

آنچه از بررسی داستان‌های ده ده قورقود بر می‌آید آن است که زمانی که حوادث ذکر شده اتفاق می‌افتد، قوم اوغوز کوچ‌نشین نبوده است زیرا در این داستان‌ها از کاشت درخت سخن می‌رود و زیردستان خان اوغوز در دعاهای خود از «درخت بزرگ»[1] سایه‌دار و آرزوی بریده نشدن آن یاد می‌کنند. حوادث یادشده در داستان‌ها را می‌توان به قبل از میلاد نیز منتسب کرد ولی بیشتر اتفاقات به‌گونه‌ای است که زمان صدر اسلام را به ذهن متبادر می‌سازد. همچنین برخی اتفاقات مانند فتح کلیسای ایا صوفیا در این داستان‌ها ذکر می‌شود و نشان از این دارد که این بخش از داستان در سال‌های بعد (زمان حکومت عثمانی) به متن اصلی اضافه شده است. در این داستان‌ها از کتابت و نوشتن نیز صحبت شده است و احتمال می‌رود خط نوشتاری آنها غیر از الفبای عربی باشد زیرا در یکی از داستان‌ها قازان خان (جانشین بایندرخان و شخص دوم قوم اوغوز) ضمن برشمردن فتوحات خود از دریای عمان و از شورشیان آنجا یاد می‌کند و می‌گوید که آن‌ها مکتوبات خود را برعکس قوم اوغوز می‌نویسند و می‌خوانند، ممکن است که سخن اشاره به از چپ به راست نوشتن قوم اوغوز باشد. از نکات قابل ذکر و درخور توجه دیگر این داستان‌ها آن است که دشمنان قوم اوغوز صلیبی (مسیحی) یا بت‌پرست بوده‌اند در این داستان‌ها سخن از ستیز پیروان دو دین می‌رود. قهرمانان اوغوز در نبردهایشان نماز می‌خوانند و بر پیامبر اسلام (ص) صلوات می‌فرستند. در پاره‌ای از موارد دشمنان اهالی گرجستان و روم نیز معرفی می‌شوند.(۱۱)

1. Böyük Ağac

ب) افسانه کوراوغلو[1]

افسانه کوراوغلو داستان زندگی پرماجرا و دلاوری‌های پسری به نام «روشن» است، که پدرش مهتر اسبان یکی از حکام بود. پدر روشن مهارت بی‌نظیری در شناخت اسب‌ها داشت و در مقابل دستور حاکم که از وی خواسته بود، کره اسبی را برای پیشکش به حاکم دیگری به خدمت وی برد کره اسبی که بعداً «قیرآت»[2] (اسب قیرگون) نامیده شد، از سوی مهتر به‌عنوان بهترین اسب به خدمت حاکم برده می‌شود. حاکم از ظاهر اسب ناراحت شده و خشمگین دستور کور کردن چشم مهتر را می‌دهد. مهتر کور با کمک پسرش کره اسب قیرگون را برداشته و گوشه عزلت می‌گزینند. او با کمک پسرش اسب را پرورش داده و این اسب تبدیل به معروف‌ترین، سریع‌ترین و چابک‌ترین اسب آن منطقه می‌شود که آوازهٔ آن در سرزمین‌های دیگر نیز می‌پیچد. روشن که به‌خاطر کور بودن پدرش، او را کوراوغلو (پسری که پدرش کور است) نامیدند، بعد از مرگ پدر با گردآوردن جوانان جویای نام و معترض در قبال حاکم به کوهستان رفت و در محلی به نام «چنلی بئل»[3] (دامنهٔ مه‌آلود) قلعه‌ای مستحکم برای خود درست کرده و به جنگ با حکام بر می‌خاست.

افسانه کوراوغلو شامل داستان زندگی کوراوغلو از کودکی تا دورانی که شکوه و عظمت چنلی بئل (دامنه مه‌آلود) فرو می‌پاشد، است. یاران کوراوغلو را «دَلی لر»[4] (دیوانه‌ها) می‌نامیدند. آن‌ها خود این نام را انتخاب کرده بودند و این نشان از نوعی شیفتگی بوده و در عین حال خروج آن‌ها از قواعد و چارچوب‌های موجود که در قبال ظلم و جور سکوت را تجویز می‌کرد، محسوب می‌شود. کوراوغلو سفرهای زیادی به مناطق مختلف مانند استانبول، ارزروم، در بند و غیره داشته است که شرح تمام آن‌ها در داستان‌ها آمده است. در داستان کوراوغلو شخصیت زنی (نگار)[5] به‌عنوان همسر و یار وفادار کوراوغلو نیز همواره حضور دارد

---

1. Koroğlu
2. Qirat
3. Çȏnlibel
4. Dȏlilȏr
5. Nigar

و در تمام سختی‌ها و ناملایمات او را همراهی می‌کند. کوراوغلو علاوه بر این‌که جنگاوری شجاع و شمشیرزن دلیری بوده، به هنر عاشیقی (ترانه‌سرایی، آهنگسازی، نوازندگی و خوانندگی) نیز می‌پرداخت. اشعار زیادی از او و برخی از یارانش که به این هنر مشغول بودند، در داستان کوراوغلو وجود دارد که در میان آن‌ها اشعار حماسی و نیایش به درگاه خدا از موضوعات اصلی هستند. البته متن اصلی داستان به نثر است و اشعار در لابه‌لای متن آمده است. افسانه کوراغلو نیز سینه به سینه حفظ شده و از گذشته‌ای دیرین به ارث رسیده است. این داستان نیز نویسنده مشخصی ندارد و به نظر می‌رسد در طول سال‌های متمادی شکل گرفته است. این داستان از قدیم توسط «عاشیق‌ها» در مجلس و محافل هنری و ادبی و نیز در مجالس عروسی و جشن شادی نقل می‌شد.

در زمان حاکمیت شوروی، مقامات فرهنگی سوسیالیسم با درک عمق نفوذ چنین افسانه‌هایی در ذهن مردم آذربایجان سعی در مقابله با آن داشتند. داستان‌های کوراوغلو در یک برهه زمانی خاص ممنوع اعلام شد ولی بعدها با توجه به اقبال وافر مردم آذربایجان به این قهرمان، سعی در تحریف آن داشتند. آن‌ها در مطبوعات و کتب منتشره، کوراوغلو را فردی بازرگان و تاجر پیشه معرفی می‌کردند که به منظور تجارت و داد و ستد به مناطق مختلف سفر می‌کرده است و از ظلم‌ستیزی‌های وی حرفی به میان نمی‌آمد. در این دوران به موازات تحریف و تضعیف داستان‌های مربوط به قهرمانان ملی آذربایجان، حکام شوروی سعی در جایگزینی قهرمانان معاصر کمونیست داشتند. آن‌ها به صراحت و گاهی به اجبار از «عاشیق»ها می‌خواستند در مدح لنین ترانه‌سرایی و هنرنمایی کنند، ولی در این کار موفقیتی کسب نکردند.[۱۲]

در ابتدای قرن بیستم اوزه‌ییرحاجی‌بی‌اف موسیقی‌دان و آهنگساز مشهور آذربایجان براساس افسانه کوراوغلو، اُپرایی به همین نام ساخت که شهرت جهانی پیدا کرد. مقدمه[1] این اُپرا در

1. Overture

اکثر کنسرت‌های آذربایجانی نواخته می‌شود و یکی از جذاب‌ترین و تأثیرگذارترین آهنگ‌های حماسی آذربایجان است. تصنیف «جنگی کوراوغلو[1]» نیز از تصنیف‌های مشهور این داستان است که توسط گروه‌های موسیقی اجرا می‌شود.

ج) افسانه سارا

سارا دختر «سلطان» ملقب به «سلطان کیشی» (سلطان مَرد) دختر زیبا و با جسارتی بود که در دشت مغان زندگی می‌کرد. محل زندگی آن‌ها در نزدیکی رودخانه «آرپاچای» قرارداشت که این رودخانه به رود ارس می‌ریزد. سارا مادر خود را هنگام زایمان از دست می‌دهد و سلطان سارا را بزرگ می‌کند. سارا دختر بالغ، عاقل و هوشمندی می‌شود. او در اسب‌سواری زبانزد ایل بود. پدر سارا پس از خواستگاری دخترش توسط «خان چوپان» (عنوانی که به سرپرست چوپانان ایل اطلاق می‌شد و افراد شجاع و زبردست را برای این کار انتخاب می‌کردند) و با اطلاع از رضایت سارا او را به عقد خان چوپان در می‌آورد. در فصل بهار ایل به ییلاق می‌رود و خان چوپان از ییلاق به خاطر بیماری مادرش به روستا باز می‌گردد. در این هنگام خان منطقه در حال تفرج سارا را می‌بیند و او را از پدرش خواستگاری می‌کند که با جواب منفی پدر و سارا مواجه می‌شود، تطمیع خان نیز کاری از پیش نمی‌برد و خان با گروهی از همراهان خود به چادرهای ایل حمله می‌کند و ضمن مجروح ساختن عده‌ای از جمله پدر سارا او را به زور (در قبال نکشتن پدرش) می‌برد. سارا در طول راه چشم به راه خان چوپان بود تا برگردد و او را از دست خان نجات دهد و آخر چون از آمدن خان چوپان ناامید می‌شود در نزدیکی ویلای خان خود را به رودخانه «آرپاچای» انداخته و غرق می‌شود. داستان سارا همراه با ترانه‌ای نقل می‌شود که گویا اشعار آن زبان حال پدر سارا است. افسانه سارا که به احتمال بسیار زیاد داستانی واقعی بوده است، نسل به نسل نقل شده و می‌توان گفت که تمام مردم آذربایجان (هم جمهوری آذربایجان و هم آذربایجان ایران) کم و بیش با این داستان آشنا هستند. عاشیق‌ها داستان پاکدامنی، شجاعت و

---

1. Cəngi Koroğlu

وفاداری سارا را همراه با ترانهٔ غم‌انگیز آن می‌خوانند. تا به‌حال داستان سارا در کتاب‌های زیادی نوشته شده و در فیلم‌ها و نمایشنامه‌های رادیویی زیادی شخصیت این قهرمان زن مورد توجه قرار گرفته است. چند سال پیش نیز در ایران فیلمی توسط یدا... صمدی از کارگردانان مشهور سینمای ایران تحت عنوان «سارای» در این رابطه ساخته شد.

آنچه ذکر شد، روایت رایج این افسانه است و اما روایت دیگری نیز در یکی از منابع برای این داستان ذکر شده است که به‌طور اختصار به آن اشاره می‌شود:

سارا دختر بسیار زیبایی بود که در یکی از روستاهای نخجوان زندگی می‌کرد. او با پسر همسایه خود عاشق و معشوق بودند. سارا هر روز عصر برای آوردن آب به چشمه نزدیک روستا می‌رفت و آنقدر صبر می‌کرد تا تمام دخترها کوزه‌هایشان را از آب پر کرده و به روستا برگردند و آن‌وقت با پسر همسایه که همیشه سر قرار حاضر می‌شد، ملاقات و صحبت می‌کردند. این موضوع ماه‌ها ادامه داشت تا این‌که یکی از دوستان حسود سارا او را هنگام صحبت با پسر همسایه بر سر چشمه دید. پسر همسایه زود از آن محل دور شد و دختر حسود سارا را تهدید کرد و گفت که اگر زمینه ملاقات وی با برادرش (برادر سارا) را فراهم نکند اسرار او و پسر همسایه را بر همه، به‌خصوص برای برادرش فاش خواهد ساخت. سارا از یک طرف از آبروی خودش و خشم برادرش می‌ترسید (زیرا دختران و پسران جوان حق نداشتند قبل از عقد با هم معاشقه کنند) و از طرف دیگر می‌دانست که برادرش دل در گرو دختر دیگری داشته و قصد دارد آن دختر را به عقد خود درآورد. بنابراین هرچه اصرار کرد تا دوستش متوجه شود، دوست حسود زیربار نرفت و با عصبانیت به طرف روستا راه افتاد تا اسرار سارا را به همه بگوید. سارا که خود را در بن‌بست عجیبی می‌دید، تصمیم گرفت خودش را بکشد و از این رو خود را داخل آب رودخانه انداخت و غرق شد.[۱۳]

موسیقی و آوازهای محلی

موسیقی در آذربایجان از دیرباز همواره مورد توجه بوده است و در طول قرون مختلف این

هنر مورد توجه عموم مردم بوده و هنرمندان مشهور و پرآوازه‌ای را به جهانیان معرفی کرده است. موسیقی آذربایجان یکی از مطرح‌ترین موسیقی‌های مشرق زمین است. به‌طور کلی موسیقی در آذربایجان امروزی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

ـ موسیقی مقامی؛

ـ موسیقی عاشیق‌ها (موسیقی‌دان‌هایی که کار نوازندگی، خوانندگی و گاهی آهنگسازی و ترانه‌سرایی را همزمان انجام می‌دهند)؛

ـ موسیقی کلاسیک؛

ـ موسیقی کوچه و بازار که اخیراً گرایش به سمت موسیقی غربی داشته است.

از بین انواع موسیقی یاد شده در بالا مقامی و عاشیق‌ها دارای هویتی کاملاً آذربایجانی هستند و در اکثر منابع از این دو به عنوان موسیقی اصیل آذربایجان یاد می‌شود. موسیقی کلاسیک در آذربایجان شامل قطعات کلاسیک (که با پیانو و تار نواخته می‌شوند) و قطعات ارکستر است. موسیقی مقامی همانند موسیقی اصیل ایرانی در دستگاه‌ها و گوشه‌های مختلف اجرا می‌شود و تفاوت‌های اساسی با موسیقی ایرانی از لحاظ نوع دستگاه‌ها، آلات موسیقی و نحوه اجرا دارد. موسیقی عاشیق‌ها نیز از قدیمی‌ترین ترنم‌های عاشقانه و هنری به‌شمار می‌رود و بسیار گسترده و متنوع است و از نظر تنوع آهنگ و نیز نحوه اجرا در جهان بی‌همتا است. این موسیقی توسط عاشیق‌ها نواخته می‌شود. عاشیق‌ها هم شاعر و ترانه‌سرا، هم آهنگساز و نوازنده و هم خواننده هستند. عاشیق‌های معروف که در تاریخ موسیقی آذربایجان نامشان ماندگار است علاوه بر خصوصیات یاد شده به آموزه‌های دینی و شریعت، حکمت و مسائل عرفانی کاملاً آگاه بودند و آثار به جا مانده از آنها سرشار از این نوع موضوعات است.[۱۴]

آوازهای محلی در آذربایجان در طول زمان نسل به نسل گشته و در دورهٔ معاصر توسط آهنگسازان مشهور همانند موسیقی کلاسیک همراه با نت‌های موسیقی ثبت و

اجرا شده‌اند. از جمله آوازهای محلی مشهور آذربایجان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:(۱۵)

آهنگساز	نام آهنگ
اوزه‌ییر حاجی بی‌اف	قره‌باغ شکسته‌سی
ناظیم علی وردیف	اوخور
اوزه‌ییر حاجی بی‌اف	لای‌لای
اوزه‌ییر حاجی بی‌اف	بری باخ
حاجی‌خان ممداف	قیز حئیرانین اوللام
فیکرت امیراف	قوی گولوم گلسین آی ننه
حاجی‌خان ممداف	یادیماسن دوشنده
موسی میرزایف	آذربایجان مارالی
داود ممدبی‌اف	اوغلان
فیکرت امیراف	ائولری وارخانا ـ خانا

شاعر و ترانه‌سرای این آوازها مشخص نیست و گفته می‌شود اشعار این آوازها در طول سال‌های متمادی توسط افراد مختلفی ساخته و شاید تغییراتی در آنها داده شده و به شکل امروزی رسیده است. این آوازها به شکل فولکلور و محاوره‌ای معمولاً ریتم و آهنگ نیز داشته‌اند و آهنگسازان آذربایجانی با استفاده از این ریتم‌های سنتی که ممکن بود در نقاط مختلف به اشکال متفاوتی نیز ارائه شود، آهنگ موسیقی‌های موزون و مبتنی بر نت‌های موسیقی را برای این آوازها ساخته‌اند. اشعار این آوازها در عین سادگی و اشاره به زندگی عادی و سنتی مردم آذربایجان، دارای ارزش‌های بدیعی بوده و از صنایع شعری بهره‌مند هستند. این اشعار جذابیت و گیرایی خاصی داشته که شنوندهٔ آشنا با فرهنگ آذربایجان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین این ترانه‌ها به‌گونه‌ای تنظیم و در کنار هم چیده شده‌اند که با روانی خارق‌العاده‌ای قابل ارائه بوده است و این ویژگی نشان‌دهندهٔ آن است که اشعار در طول زمان در ذهن و زبان مردم صیقل یافته

و به‌گونه‌ای موزون و خوش‌آهنگ و خوش‌آوا رسیده است.

اسامی آوازها و ترانه‌های یاد شده قبلی تنها تعداد اندکی از آوازها و ترانه‌های محلی پرشماری است که در فرهنگ عمومی مردم آذربایجان وجود دارد و از شهرت خاصی برخوردار است. همچنین پاره‌ای از آوازها هستند که در داخل افسانه‌ها و داستان‌های حماسی، عشقی و اجتماعی جای گرفته‌اند و در واقع بخشی از جریان روایی افسانه یا داستان را تشکیل می‌دهند که در اینجا از ذکر آنها پرهیز شده است. گفتنی است که تعداد زیادی از این آوازها در افسانه‌ها و داستان‌هایی نظیر دده قورقود، کوراوغلو، عاشیق غریب، قاچاق نبی، اصلی و کرم و نظایر آن آمده است که منعکس‌کنندهٔ سخنان شخصیت‌های افسانه یا داستان است.

ترجمه شعر آوازهای محلی آذربایجانی به سایر زبان‌ها به‌ویژه زبان فارسی، حتی اگر توسط مترجمان زبده و چیره‌دست هم انجام شود، باز به میزان بسیار زیاد از ظرافت و غنای این اشعار خواهد کاست. با این حال تعدادی از آنها به همراه ترجمه در زیر آمده است:

«یادیماسن دوشنده»	«وقتی یاد تو می‌افتم»
داغلارا چن دوشنده	در آن هنگام که کوه‌ها را مه فرامی‌گیرد
سنبله دن دوشنده	در آن هنگام که سنبل‌های سبز شروع به زرد شدن می‌کنند و
روحوم بدنده اوینار	انگار روحم از جسم جدا می‌شود
یادیما سن دوشنده	در آن دم که یاد تو می‌افتم.

****

بوقالا داشلی قالا	این قلعه پر از صخره است
چینقیللی ـ داشلی قالا	پر از سنگریزه و سنگ است
قورخورام گئج گله سن	از آن ترس دارم که دیر بیایی
گؤزلریم یاشلی قالا	و چشمان من اشکبار بماند.

****

قیزیل‌گول اولمایایدی	ای کاش گل سرخ نبود

سارالیب سولما یایدی	و ای کاش زرد و پژمرده نمی‌شد
بیر آیریلیق، بیر اؤلوم	یکی مرگ، یکی جدایی
هیچ بیری اولمایایدی	ای کاش هیچکدام نبود.[16]

آهنگساز: حاجی خان محمداف

****

«لای‌لای»	«لالایی»
لای‌لای دئدیم یاتاسان	لالایی گفتم بخوابی
قیزیل گوله باتاسان	غرق در گل سرخ شوی
گول یاستیغین ایچینده	بر روی بالش پر از گل
شیرین یوخو تاپاسان	رویاهای شیرین بیابی

****

لای‌لای گؤزوم آغلاما	لالایی، چشم من گریه نکن
اوره ییمی داغلاما	داغ بر این دل من مکش
یات یوخون شیرین اولسون	بخواب، خوابت شیرین باشد
یوخوما داش باغلاما	سنگ به خواب من مبند

****

لای‌لای دئدیم همه شه	لالایی گفتم همیشه
کروان گئده‌ر ائنیشه	کاروان عمرم رو به سراشیبی است
یاستیغیندا گول بیتسین	بر بالش‌ات گل بروید
دؤشه یینده بنؤوشه	بر تشک‌ات بنفشه

****

لای‌لای دئدیم گونده من	لالایی گفتم هر روز و هر شب
کؤلگه ده سن گونده من	تو در سایه باش من در زیر آفتاب

ایلده بیر قوربان اولار — قربانی سالی یک بار است
سنه قوربان گونده من — من قربان تو شوم هر روز و هر شب(۱۷)

آهنگساز: اوزه‌بیر حاجی‌خان بی‌اف

«قاراباغ شیکسته‌سی»[۱] — «شکسته قره‌باغ»
عزیزینم اویان گول — ای عزیز من، آنطرف گلزار است
اویان بولبول اُویان گول — بیدار شو بلبل، بیدار شو گل
کؤنلوم فغان ائیله‌ییر — این دل من در فغان است
نه یاتمیسان اویان گول — چه خوابیده‌ای؟ بیدار شو ای گل

****

عزیزیم قاراباغ — ای عزیز من، ای قره‌باغ
شکی، شیروان، قاراباغ — شکی، شیروان، قره‌باغ
عالم جنته دؤنسه‌ده — اگر جهان به بهشت هم تبدیل شود
یاددان چیخماز قاراباغ — باز هم قره‌باغ از یاد نخواهد رفت

****

عزیزینم نئلیم سنه — ای عزیز من، چه کنم با تو؟
دوشوبدور مئیلیم سنه — من خاطرخواه تو شده‌ام
من دؤنسم، کؤنلوم دؤنمز — اگر من از تو برگردم، قلبم هرگز از تو برنخواهد گشت
سن دؤنسن، نئیلیم سنه — اگر تو برگردی، چه کنم با تو؟

آهنگساز: اوزه‌بیر حاجی خان بی‌اف

۱. این آواز محلی از آوازهای بسیار مشهور آذربایجان است که اشعار آن بـه فراخـور سـلیقه خواننـدگان کـم و زیـاد می‌شود و گاهی اشعار شعرای متأخر (از جمله صمد وورغون) را نیز در این آواز جای می‌دهند.

۲ـ ۱۸) فرهنگ سیاسی

از آنجا که مردم آذربایجان در دوران حاکمیت شوروی همواره در فکر و آرزوی استقلال و ایجاد نوعی حاکمیت مجزا از نظام کمونیستی بودند، از این رو اعلام استقلال آذربایجان و تشکیل حاکمیت مستقل، با استقبال عموم مردم مواجه شد. فرهنگ‌پذیری سیاسی در بین مردم آذربایجان دارای درجات و مراتب مختلفی است. این مراتب نشان‌دهنده گرایش‌ها و تمایلات سیاسی عمومی است. پس از استقلال کشور گروه کثیری از جمعیت این کشور که از اقوام ترک (عمدتاً ترک‌های آذری) بودند، به‌دنبال هویت خواهی قومی در آرزوی ایجاد کشوری مستقل و قدرتمند با محوریت اندیشه آذربایجانیسم (با گرایش اندک به سمت ایده پان ترکیسم) بودند. ارامنه، تالش‌ها و لزگی‌ها اقوامی بودند که پس از استقلال کشور آذربایجان به دنبال احیای هویت قومی خویش و ایجاد کشوری مستقل در داخل سرزمین آذربایجان بودند. البته در این میان ارامنه بیشتر آرزوی پیوستن به ارمنستان را داشتند. بنابراین این اقوام پذیرای ایجاد حاکمیت مستقل و مقتدر با محوریت قوم آذربایجانی نبودند و این عدم پذیرش سبب مناقشات و درگیری‌های خونین شد. برخی از اقوام دیگر مانند کردها و آوارها نیز به دلیل نبود تمایلات قوم‌گرایی محسوس و نیز تأثیرگذاری ناچیزشان در فرهنگ سیاسی سرزمین آذربایجان عملاً از حاکمیت ایجاد شده، تبعیت کردند.

آنچه گفته شد، نشان دهنده فرهنگ‌پذیری سیاسی مردم نسبت به حاکمیت در آذربایجان بود ولی در خصوص فرهنگ پذیرش دولت از طرف مردم، وضع به‌گونه‌ای دیگر است. نگاه مردم به دولت‌های تشکیل شده از ابتدای استقلال کشور، سه دوره متفاوت را طی کرده است:

دوره اول: در این دوره کمونیست‌های باقی‌مانده از اتحاد جماهیر شوروی، دولتی تشکیل دادند و این دولت به‌طور عمده با نگاه منفی مردم روبه‌رو شد و در نهایت با شورش عمومی که توسط ملی‌گرایان جبهه خلق هدایت می‌شد، سرنگون شد. هرچند طرفداران این دولت هنوز در آذربایجان و در بین شخصیت‌های سیاسی پناهنده به روسیه وجود دارند ولی دارای مشروعیت ضعیفی هستند.

دوره دوم: پس از سقوط کمونیست‌ها دولت تشکیل شده توسط جبهه خلق در ابتدا با تکیه بر شعارهایی مبنی بر بهبود وضعیت معیشت مردم و پیروزی در جنگ قره‌باغ توانست نگاه مثبت مردم را به خود جلب کند ولی در نهایت با تحقق نیافتن بسیاری از شعارها و نیز جوسازی و فشار گروه‌های سیاسی مخالف، این دولت نیز برچیده شد. طرفداران این دولت در حال حاضر در قالب احزاب «مساوات» و «جبهه خلق آذربایجان» (جناح‌های کلاسیک‌ها و اصلاح‌گرایان) و سایر احزاب همفکر به‌عنوان قوی‌ترین اپوزیسیون در مقابل دولت هستند.

دوره سوم: دوره سوم تشکیل دولت در آذربایجان که توسط حزب آذربایجان نوین انجام شد با آتش‌بس در قره‌باغ، برقراری ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی و شروع پروژه‌های عظیم انرژی (نفت و گاز) شروع شد. نگاه مردم نسبت به دولت فعلی آذربایجان در رسانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به‌صورت متفاوت و گاهی متضاد با هم ذکر می‌شود. در حالی که رسانه‌های طرفدار حزب آذربایجان نوین از طرفداری بیش از ۶۰ درصد مردم از این حزب سخن می‌گویند[۱۸]، رسانه‌های مخالف این مقبولیت را (به‌ویژه در عرصه رفاه و بهبود معیشت مردم) به شدت زیر سؤال می‌برند و از نگاه منفی بیش از ۸۰ درصد پرسش شوندگان در مقابل دیدگاه مثبت ۱۵ درصد نسبت به توانایی دولت در تأمین رفاه سخن می‌گویند.[۱۹]

براساس آنچه که از دیدگاه‌ها، انتقادات و اظهارنظرهای انعکاس یافته در مطبوعات آذربایجان استنباط می‌شود، توقعات و انتظارات مردم از دولت آذربایجان را می‌توان در موارد زیر به‌طور خلاصه بیان نمود:

- برقراری صلح دائمی در قره‌باغ و آزادسازی اراضی اشغالی؛
- استقرار دموکراسی و رعایت موازین حقوق بشر در کشور؛
- بهبود وضع معیشتی مردم و ارتقای سطح رفاه عمومی؛
- ریشه‌کن کردن فساد اقتصادی در دستگاه‌های دولتی؛
- رسیدگی بیشتر به نیازمندی‌های آوارگان جنگی؛

ـ توجه به حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آذربایجانی‌های خارج از مرزهای کشور به ویژه آذربایجانی‌های ایران و تلاش دیپلماتیک در راستای احقاق این حقوق.

۳ـ ۱۸) فرهنگ اجتماعی

بررسی آمار جرایم مختلف طی سال‌های پس از استقلال کشور نشان می‌دهد که پس از استقرار ثبات سیاسی و اجتماعی در کشور که پس از تشکیل دولت حیدر علی‌اف به دست آمد، قانون‌پذیری در کشور افزایش یافته است. همان‌طور که در بندهای مربوط به جرایم اجتماعی آمده است، جرایمی مانند قتل و اقدام به آن، حملات منجر به صدمه بدنی شدید و نزاع عادی، سرقت و جیب‌زنی، تخلفات رانندگی همواره سیر نزولی و کاهش داشته است و این حاکی از افزایش قانون‌پذیری و اخلاق مدنی است. البته افزایش قابل ملاحظه ولگردی و خیابانگردی و جرایم مرتبط با موادمخدر در این خصوص شاخص منفی محسوب می‌شود اما آن‌چه که به‌طور کلی می‌توان بیان کرد این است که فرهنگ‌پذیری اجتماعی در این کشور روند مثبت داشته است.

مراکز و نهادهای فرهنگی

ـ سینما

عمر هنر سینما در سرزمین آذربایجان به زمانی برمی‌گردد که سینماتوگراف حدود ۹۵ سال پیش در باکو شروع به فعالیت کرد. در میان فیلم‌های تولید شده در آذربایجان فیلم‌های مستند جایگاه ویژه‌ای دارند. شرکت «آذربایجان تله فیلم»[1] از شرکت‌های تابعه رادیو ـ تلویزیون دولتی آذربایجان بزرگ‌ترین و فعال‌ترین نهاد تولید فیلم به‌شمار می‌رود. این شرکت از سال ۱۹۶۲ فعالیت خود را شروع کرده و بیش از ۴۰ سال است که به تولید فیلم می‌پردازد. تولید

1. Azərbaycantelefilm

فیلم در این شرکت زیرنظر «شورای خلاقیت‌های هنری»[1] تولید می‌شود و این شورا موضوعات و محتوای فیلمنامه‌ها را قبل از تولید، تصویب می‌کند. تولیدات این شرکت در سال به ۱٤ عنوان فیلم می‌رسد. در بین تولیدات این شرکت آثار مستند حجم اصلی را تشکیل می‌دهند. معرفی آثار باستانی کشور، زندگی‌نامه قهرمانان اجتماعی و هنرمندان، داستان‌های عشقی قدیمی (از قبیل لیلی و مجنون، اصلی و کرم، عباس و گولگز و غیره)، مسائل مربوط به جنگ قره‌باغ و آوارگان، صنایع دستی، موسیقی، محیط زیست و داستان‌های کودکان از موضوعات غالب در فیلم‌های تولید شده توسط این شرکت هستند.[۲۰]

در گذشته فیلم‌های طنز اجتماعی مشهوری در آذربایجان ساخته شده که به فیلم‌های «آرشین مال آلان» ساخته شده توسط موسیقیدان مشهور «اوزه ییر حاجی بی اف» در ۱۹۱۷ و «مشهدی عباد» اثر سیدزاده و با بازی جاودانه «علی آقایف» در سال ۱۹۵٦ می‌توان اشاره کرد که مورد اخیر به زبان‌های زیادی از جمله انگلیسی، روسی، فرانسه و آلمانی دوبله شده است.

از کارگردانان معروف آذربایجان که در حال حاضر نیز در قید حیات هستند می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

- واقف مصطفی‌زاده
- عارف قاضی‌اف
- علی‌اکبر کاظم‌اف

جایزه چراغ طلایی[2] ـ که معتبرترین جایزه داخلی سینمای این کشور است ـ هر ساله به فعالان عرصه سینما اهدا شود.

به‌طور کلی تعداد سالن‌های سینما در آذربایجان سیر نزولی داشته است. آمار تعداد سالن‌های سینما و نیز تعداد تماشاکنندگان فیلم در سینما در جدول زیر آمده است:

1. B∂dii Şura

2. Qizil Çirag

عنوان / سال	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
تعداد سالن‌های سینما	۷۹۰	٦٧٧	٦٧١	٦٣٢	٦٣٠
تعداد کل تماشاکنندگان (نفر)	۲۹۳,۰۰۰	۱۹۳,۰۰۰	۱۲۲,۰۰۰	١٤٠,۰۰۰	١٤٠,۰۰۰
متوسط تعداد صندلی پرشده در هر سالن سینما	۲۹۳	۱۹۳	۱۲۲	١٤٠	١٤٠
متوسط تماشا کننده به ازای هر هزار نفر جمعیت	۳۹	۲۵	١٦	۱۸	۱۸

همانگونه که آمار فوق نیز نشان می‌دهد تعداد قابل توجهی از سالن‌های سینما بعد از استقلال کشور تعطیل شده‌اند و تعداد کل تماشاگران نیز بعد از سه سال متوالی کاهش قابل ملاحظه، دوباره اندکی رشد داشته است. متوسط تعداد صندلی‌های پر شده توسط تماشاگران به ازای هزار نفر جمعیت نیز از تعداد کل تماشاگران پیروی می‌کند. به‌طور کلی فعالیت سالن‌های سینما در این کشور طی سال‌های بعد از استقلال محدود شده است، فروپاشی نظام قبلی، وقوع جنگ و تبعات بعدی آن و افت سطح معیشتی مردم را می‌توان از دلایل این محدودیت برشمرد، البته در این میان گسترش کیفی و کمی برنامه‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر نیز بی‌تأثیر نبوده است. از سینماهای معروف شهر باکو می‌توان سینماهای «آراز»، «آذربایجان»، «دوستلوق (دوستی)»، «ساوالان» و «مسکو» را نام برد.(۲۱)

در آذربایجان هنر تئاتر در کنار سینما رشد در خورتوجهی داشته است و می‌توان گفت که آن را تحت‌الشعاع قرار داده است. سابقه هنر تئاتر در این کشور بیش از سینماست و به نیمه دوم قرن نوزدهم برمی‌گردد. در آن زمان میرزا فتحعلی آخوندزاده، روشنفکر مشهور آذربایجان و مشرق زمین نمایشنامه‌نویسی نوین را در آذربایجان بنیان نهاد. نمایشنامه‌های موزیکال «لیلی و مجنون» و «کوراوغلو» که سال‌ها قبل در آذربایجان ساخته شده از آثار معروفی است که از شهرت جهانی برخوردارند. در حال حاضر سالن‌های تئاتر بسیاری در آذربایجان فعال هستند و

وزارت فرهنگ دارای بیش از ۲۰ سالن تئاتر است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان سالن‌های تئاتر دولتی اپرا و باله، تئاتر آکادمیک درام، تئاتر دولتی کمدی ـ موزیکال، تئاتر تماشاگران جوان، تئاتر دولتی عروسکی، تئاتر اشعار نظامی، تئاتر خیمه شب بازی و سالن نمایش‌های داستانی در نخجوان، تئاتر خیمه شب‌بازی و سالن نمایش‌های داستانی در گنجه و سالن تئاتر درام در شکی، لنکران و شوشا را نام برد.

ـ کتابخانه و کتاب

در جمهوری آذربایجان کتابخانه‌ها فعالیت بسیار گسترده‌ای دارند و از ارکان نظام فرهنگی کشور به شمار می‌آیند.

وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان علاوه بر مدیریت و هدایت امور مربوط به کتابخانه‌های کشور، خود دارای کتابخانه‌های بزرگ و معتبری است که مهم‌ترین آنا عبارتند از:

ـ کتابخانه دولتی میرزافتحعلی آخوندزاده

ـ کتابخانه جوانان جعفر جبارلی

ـ کتابخانه کودکان ف ـ کوچارلی

از دیگر کتابخانه‌های اصلی و بزرگ کشور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ کتابخانه مرکزی آکادمی علوم آذربایجان؛ که در سال ۱۹۲۵ تأسیس و بیش از ۲/۵ میلیون جلد کتاب و نشریه ادواری دارد.

ـ کتابخانه مرکزی دانشگاه دولتی آذربایجان؛ تأسیس شده در سال ۱۹۱۹ با ۲ میلیون جلد کتاب و نشریه

ـ کتابخانه علوم کشاورزی

ـ کتابخانه علوم تربیتی

دیگر کتابخانه‌های کشور عبارتند از:

ـ کتابخانه علمی و فنی آذربایجان با ۹۰۰ هزار جلد کتاب در باکو

ـ کتابخانه دانشگاه فنی آذربایجان با بیش از ۵۷۰ هزار جلد کتاب در باکو

مجموعه کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی آذربایجان در سال ۱۹۹۰ در ٤٦۰۵ کتابخانه ٤۲ میلیون نسخه بود که این تعداد تا سال ۲۰۰۰ با توجه به کاهش تعداد کتابخانه‌ها کاهش یافته است. آمار تعداد کتابخانه‌ها و کتب امانت داده شده در سال‌های مختلف در جدول زیر آمده است:

سال / عنوان	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
تعداد کتابخانه	٤,٦۰۵	٤,۷۹٤	٤,٦۰۸	٤,۵۲۲	٤,۳۸۲	٤,۳۸۰
تعداد کتب امانت داده شده (میلیون جلد)	٦٦/۸	۵۷/۳	۵٦/٤	۵٤/٤	۵۱/۸	۵۰

آمار کتاب‌ها و رساله‌های منتشر شده در سال‌های مختلف در این کشور نیز در جدول زیر آمده است:

سال / عنوان	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
تعداد کل کتاب‌ها و رساله‌های منتشر شده	۸۲۹	٤۹۸	٤۹٦	٤٤٤	٤۰۰	٤۰۰
تعداد کتاب‌ها و رساله‌های منتشره به زبان آذربایجانی	۵٦۸	۳۹۵	٤۱۷	۳۸۳	۳٦۰	۳٦۰
شمارگان کل (میلیون نسخه)	۱۲/۵	۳/٦	۲/۷	۱/۷	۱/۵	۱/۵
شمارگان کتاب‌ها و رساله‌های منتشره به زبان آذربایجانی (میلیون نسخه)	۸/٤	۳	۲	۱/۵	۱/۳	۱/۳
تعداد کتاب‌ها و رساله‌های منتشره به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	۱,۷۷۲	٤۷٦	۳۵۰	۲۱۸	۱۹۱	۱۸۹

علاوه بر سیر نزولی در تعداد کتب منتشر شده که از ابتدای استقلال کشور تا ۱۹۹۹ بوده و از این سال به بعد تثبیت شده است، مشخصه مهم دیگری که در آمار ارائه شده مشهود است، افزایش مستمر کتاب‌ها و رساله‌های منتشره به زبان آذربایجانی از تعداد کل است. این نسبت در سال‌های مختلف به شرح جدول زیر است:

سال	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
نسبت تعداد کتاب‌ها و رساله‌های منتشره به زبان آذربایجانی (درصد)	۷۶	۸۳	۷٤	۸۸	۸۷	۸۷

افزایش نسبت کتب و رساله‌های منتشر شده آذربایجانی را به تعداد کل که اساساً در تقابل با موارد منتشر شده به زبان روسی بوده است، می‌توان در راستای افزایش شعور و آگاهی ملی و سرزمینی مردم و برنامه‌ریزی دولت در این زمینه دانست. با توجه به حضور رو به رشد نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اروپایی و آمریکایی در سال‌های اخیر در آذربایجان می‌توان حدس زد که بخشی از سهم کتب و رساله‌های منتشر شده غیر آذربایجانی به زبان انگلیسی باشد. این امر در ابتدای استقلال کشور قطعاً وجود نداشته است و در حال حاضر این کتب و رساله‌ها جای موارد منتشر شده به زبان روسی را گرفته است. از این‌رو می‌توان گفت که موقعیت زبان روسی در انتشارات آذربایجان روز به روز ضعیف‌تر می‌شود، زبانی که روزگاری زبان اول کتابت و نوشتار در این سرزمین به‌شمار می‌رفت. البته زبان روسی در مطبوعات آذربایجان هنوز هم دارای جایگاهی خاص بوده و برخی روزنامه‌های مشهور و پرتیراژ به سه زبان آذربایجانی، انگلیسی و روسی منتشر می‌شوند.

ـ نهادهای فرهنگی

مهم‌ترین نهاد فرهنگی دولتی در این کشور وزارت فرهنگ است. بخش‌های مختلف این وزارتخانه که در قالب دپارتمان‌های مختلف سازماندهی شده‌اند، به قرار زیر هستند:

ـ دپارتمان مدیریت بازرگانی و معاملات

- دپارتمان امور هنری
- دپارتمان مؤسسات فرهنگی و آموزشی
- دپارتمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها
- دپارتمان آموزش و تربیت متخصصان
- دپارتمان روابط خارجی
- دپارتمان احداث بناهای فرهنگی
- دپارتمان اقتصاد فرهنگی[۲۲]

علاوه بر این اتحادیه‌های متعددی در زمینه مسائل فرهنگی و هنری شکل گرفته‌اند که عبارتند از:

- اتحادیه نویسندگان آذربایجان (تأسیس ۱۹۳۲)
- اتحادیه هنرپیشگان سینمای آذربایجان
- اتحادیه هنرپیشگان تئاتر آذربایجان
- اتحادیه آهنگسازان آذربایجان (تأسیس ۱۹۳٤)
- اتحادیه روزنامه‌نگاران آذربایجان (تأسیس ۱۹۵۹)
- اتحادیه موسیقی‌دانان آذربایجان
- اتحادیه معماران آذربایجان (تأسیس ۱۹۳٤)
- اتحادیه فیلمسازان آذربایجان (تأسیس ۱۹۵۸)
- اتحادیه نقاشان آذربایجان (تأسیس ۱۹۳۲)

مؤسسات انتشاراتی مهم در جمهوری آذربایجان نیز عبارتند از:

- مؤسسه انتشاراتی آذر نشر (تأسیس ۱۹۲٤)؛ که در زمینه‌های مختلف کتاب منتشر می‌کند و در باکو مستقر است.
- مؤسسه انتشاراتی دایرةالمعارف آذربایجان؛ که در باکو قرار دارد و در سال ۱۹٦۵ تأسیس شده است.
- مؤسسه انتشاراتی علم وابسته به آکادمی علوم جمهوری آذربایجان؛ که در باکو مستقر

است و ناشر کتب و مجلات علمی است.

ـ مؤسسه انتشاراتی یازیچی (نویسنده) در باکو؛ که ناشر کتب داستانی و افسانه‌ای است.

ـ مؤسسه انتشاراتی معارف در باکو؛ که ناشر کتب آموزشی است.

ـ مؤسسه انتشاراتی «گنجلیک» (جوانی) در باکو؛ که ناشر کتاب برای کودکان و نوجوانان است.

ـ مؤسسه انتشاراتی نور در باکو؛ که ناشر پوستر و کتاب‌های مصور است.[(۲۳)]

٤ـ ۱۸) انحرافات و بزهکاری‌های اجتماعی

ـ بزهکاری و جرایم اجتماعی

آمار مربوط به تعداد، موارد و انواع جرم و بزهکاری از سال ۱۹۹۰ (زمان استقلال) تا پایـان سال ۱۹۹۷ به شرح جدول زیر است:

سال / نوع جرم	۱۹۹۰	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
تعداد کل جرایم ثبت شده	۱٥,٤۱۱	۱۸,٥٥۳	۱۹,۹٥۸	۱۷,٥۲۸	۱٦,٤۰۲
قتل و اقدام به آن	٤۸۲	٦۰٥	٦۰٤	٥٤٥	٤٤۹
حملات منجر به صدمه بدنی شدید	٤۳٤	٤۱۱	٤۱٤	۳٥۰	۳۰٤
جرایم جنسی یااقدام به آن	٦٥	۷۷	۷۰	۷۳	٦٦
ولگردی و خیابانگردی	۷۱٥	۸٦۷	۹۷۷	۱۱۷٦	۱۳٥۹
نزاع عادی	۲٥٥	٤۱۸	٤٥۳	۳۲۰	۲٤٤
سرقت	۲۲۱	۲۹٥	۲۹٦	۲٥٤	۱۸٦
جیب‌زنی و کیف‌ربایی	۳,۳۱٥	٤,۸٥۹	٥,۰۹٤	۳,۷۹۱	۲,۹۲۳
جرایم مرتبط با موادمخدر	٦۲۰	۲,۲۳٤	۲,۸۲۷	۲,٦۹۷	۲,٦۰۲
تخلفات رانندگی منجر به آسیب‌دیدگی	۱,۷۰۱	۱,٥٥٥	۱,۱۲۱	۸۳۲	۷٤۰
تعداد جرم به ازای هر هزار نفر جمعیت	۲۱٥	۲٤۹	۲٦٥	۲۳۳	۲۱۹
درصد جرایمی که به آنها رسیدگی شده است	٥۷/۱	٦۹/۳	۷٥/۹	۷۷/٦	۸۰

منبع: http://www.Azeri.com/goscomstat/html/crimes.html

با توجه به اطلاعات جدول قبل، درصد تغییرات انواع جرایم به قرار زیر است:

درصد تغییرات نسبت به دوره قبل / نوع جرم	١٩٩٤ (دوره چهار ساله)	١٩٩٥	١٩٩٦	١٩٩٧
تعداد کل جرایم ثبت شده	٪+٢٠/٤	٪+٧/٦	٪-١٢/٢	٪-٦/٤
قتل و اقدام به آن	٪٢٥+/٥	٪٠/١٦	٪٩/٨	٪_١٧/٦
حملات منجر به صدمه بدنی شدید	٪-٥/٣	٪٠+/٨	٪-١٥/٥	٪-٥/١
جرایم جنسی یا اقدام به آن	٪١٨+/٥	٪-٩/١	٤+٥/٣	٪-٩/٦
ولگردی و خیابانگری	٪٢١+/٣	٪١٢+/٧	٪+٢٠/٤	٪+١٥/٦
نزاع عادی	٪٦٣/٩	٪٨+/٤	٪-٢٩/٤	٪-٢٣/٨
سرقت	٪٢٣/٥	٪+٠/٣	٪-١٤/٢	٪-٢٦/٨
جیب‌زنی و کیف‌ربایی	٪٤٦/٦	٪=٤/٨	٪-٢٥/٦	٪-٢٢/٩
جرایم مرتبط با موادمخدر	٪٢٦٠/٣	٪٢٦+/٥	٪-٤/٦	٣-٥/٥
تخلفات رانندگی منجر به آسیب‌دیدگی	٪-٨/٦	٪-٢٧/٩	٪-٢٥/٨	٪-١١/١
تعداد جرم به ازای هر هزار نفر جمعیت	٪+١٥/٨	٪+٦/٤	٪-١٢/١	٪_٦
درصد جرایمی که به آن‌ها رسیدگی شده است	٪١٢/٢	٪+٦/٦	٪+١/٧	٪+٢/٤

همچنین درصد تغییرات جرایم مختلف طی ۷ سال اول استقلال کشور (۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷) به شرح زیر است:

نوع جرم	تعداد کل جرایم ثبت شده	قتل و اقدام به آن	حملات منجر به صدمه بدنی شدید	جرایم جنسی یا اقدام به آن	ولگردی و خیابانگردی	نزاع عادی	سرقت	جیب‌زنی و کیف‌ربایی	جرایم مرتبط با موادمخدر	تخلفات رانندگی منجر به آسیب دیدگی	تعداد جرم به ازای هر هزار نفر جمعیت	درصد جرایمی که به آن‌ها رسیدگی شده است
درصد تغییرات طی دوره ۷ سال	٪+۶/۴	٪-۶/۸	٪+۲۹/۹	٪+۱/۵	۹۰/۱+٪	٪-۴/۳	٪-۱۵/۸	٪-۱۱/۸	٪۳۲۰	٪۵۶+/۵	٪+۱/۹	٪+۲۳

هرچند طی دوره یادشده تعداد کل جرایم ثبت شده ٦/٤ درصد افزایش یافته است ولی نرخ واقعی رشد جرایم کمتر از این است زیرا بخشی از این افزایش در اثر افزایش جمعیت بوده است. البته درصد تعداد جرم به ازای هر هزار نفر نیز افزایش کمی (۱/۹ درصد) داشته است.

این‌گونه افزایش در جرایم و بزهکاری‌ها برای کشوری که تازه استقلال یافته و از یک سیستم کاملاً متمرکز و کنترل شده وارد سیستم آزاد شده، طبیعی است و شاید بتوان گفت که جمهوری آذربایجان در این زمینه وضعیت مناسبی دارد. همچنین افزایش ۲۳ درصدی رسیدگی به جرایم طی دوره ۷ ساله ذکر شده نشان از افزایش ثبات سیاسی، امنیت و کارآمدی دولت آذربایجان دارد. درصد رسیدگی به جرایم در پایان سال ۱۹۹۷ در آمار ارائه شده ۸۰ درصد عنوان شده است و با توجه به سیر صعودی این آمار در طی ۷ سال یادشده، این درصد در حال حاضر، که حدود ٦ سال از آخرین سال آمار گفته شده می‌گذرد، افزایش یافته است و اگر نرخ رشد ۷ ساله را برای ٦ سال بعدی نیز لحاظ کنیم، می‌توان درصد رسیدگی به جرایم را در پایان سال ۲۰۰۳ حدود ۹۹/۷ درصد پیش‌بینی کرد.

جرایم و بزهکاری‌های یادشده را از نظر میزان تغییرات در دوره بررسی می‌توان به ۲ دسته تقسیم کرد:

الف ـ جرایمی که افزایش داشته‌اند: در بین این جرایم، جرایم مرتبط با موادمخدر با رشد ۳۲۰ درصد، بیشترین افزایش را داشته است. بعد از آن ولگردی و خیابانگردی با ۹۰/۱ درصد رشد قرار دارد و جرایم جنسی که رشد اندکی (۱/٥ درصد) داشته در آخر قرار دارد.

ب ـ جرایمی که کاهش داشته‌اند: در این میان تخلفات رانندگی منجر به آسیب‌دیدگی با ٥٦/٥- درصد تغییر، بیشترین کاهش را داشته است و بعد از آن حملات منجر به صدمه بدنی شدید با ۲۹/۹ درصد سرقت با ۱٥/۸ درصد، جیب‌زنی و کیف‌ربایی با ۱۱/۸ درصد و در نهایت قتل و اقدام به آن با ٦/۸ درصد کاهش قرار دارند.

ـ طلاق

آمار تعداد موارد طلاق ثبت شده در جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ بـه همـراه تعداد موارد ازدواج ثبت شده و نسبت آن‌ها در جدول زیر آمده است:

سال / تعداد موارد ازدواج و طلاق و نسبت آن‌ها	۱۹۹۰	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
تعداد ازدواج ثبت شده	۷۳,۱۱۹	٤۷,۱٤۷	٤۳,۱۳۰	۳۸,٥۷۲	٤٦,۹۹۹
تعداد طلاق ثبت شده	۱٤,۰٤۰	٦,۲٥٦	٥,٦٦۹	٥,٥۹۸	٥,۸۰٦
نسبت طلاق به ازدواج (درصد)	۱۹/۲	۱۳/۳	۱۳/۱	۱٤/٥	۱۲/٤

آمار فوق نشان می‌دهد که تعداد کل طلاق‌های ثبت شده سالانه و نیز درصد طـلاق نسـبت به ازدواج بعد از استقلال این کشور تا سال ۱۹۹٦ کاهش داشته است و در سال ۱۹۹٦ این آمار اندکی رشد نشان می‌دهد.

رشد نسبت موارد طلاق به ازدواج در این سال ناشی از کاهش شدید تعداد ازدواج است و تعداد کل طلاق ثبت شده در سال ۱۹۹٦ نسبت به سال قبل کاهش داشته است و در سال بعـد این تعداد افزایش داشته ولی نسبت طلاق به ازدواج کاهش یافته است. شاید این مسـئله ناشـی از اشتباه در ارائه آمار توسط نهادهای مسئول باشد و در غیر این‌صورت اتفاق و تحول خاصـی در زمینه مسائل اجتماعی در سال یاد شده وجود نداشته است.

٥ـ ۱۸) نهاد خانواده

نهاد خانواده در آذربایجان از خانواده‌های بسیار سنتی در روستاهای کوهستانی (اغلـب در بـین اقوام غیرآذری مثل تالش‌ها و لزگی‌ها) تا خانواده‌های مدرن که شباهت بسیاری به خانواده‌های غربی دارند (در باکو، سومقایت و برخی دیگر از شهرهای بزرگ) متغیر است.

همان‌گونه که در بخش اقوام اقلیت نیز گفته شد، در برخی خانواده‌های سنتی روستایی خانوارهای متمرکز وجود دارند که شامل: پدر و مادر، فرزندان مجرد، پسران متأهل، عروس‌ها و نوه‌ها می‌شوند. این خانواده‌ها در برخی مناطق کوهستانی که میانگین طول عمر مردم بالاست گسترده‌تر بوده و در کنار اعضای یادشده پدربزرگ و مادربزرگ نیز زندگی می‌کنند به عبارت دیگر در داخل یک خانواده گسترده چهار نسل با هم زندگی می‌کنند.

از ویژگی‌های خانواده‌های سنتی در آذربایجان، ازدواج زودهنگام بوده که گاهی این ازدواج در سنین کمتر از ۱۵ سالگی نیز اتفاق می‌افتد. البته امروز با گرایش آذربایجان به سمت غرب و نیز روند رو به تزاید پدیده شهرنشینی، بافت سنتی خانواده‌ها در حال فروپاشی است.

نرخ ازدواج در آذربایجان پس از استقلال سیر نزولی داشته است البته این نرخ در برخی سال‌ها افزایش نشان می‌دهد. تعداد ازدواج‌های ثبت شده در سال‌های مختلف بعد از استقلال در زیر آمده است:

سال	۱۹۹۰	۱۹۹٤	۱۹۹٥	۱۹۹٦	۱۹۹۷
تعداد ازدواج ثبت شده	۷۳,۱۱۹	٤۷,۱٤۷	٤۳,۱۳۰	۳۸,٥۷۲	٤٦,۹۹۹

از دلایل کاهش تعداد ازدواج‌ها می‌توان مواردی مانند؛ جنگ قره‌باغ و تبعات ناشی از آن، نابسامانی اقتصادی در اوایل استقلال و شاید بالا رفتن سن ازدواج که ناشی از اثرات فرهنگ غرب است، را نام برد.

شیوه‌های همسرگزینی در آذربایجان تقریباً شبیه ایران است.

ازدواج سنتی در آذربایجان بسیار مفصل است. این نوع ازدواج در مجموع ۳ مرحله را دربر می‌گیرد:

۱ـ مرحله قبل از مراسم عروسی

۲ـ مرحله برگزاری مراسم عروسی

۳ـ مرحله بعد از مراسم عروسی

مرحله قبل از مراسم عروسی: این مرحله شامل انتخاب دختر، خواستگاری توسط خانواده پسر، و عقد و نامزدکردن (نیشانالاماق) است. در این مراسم که در منزل خانواده دختر برگزار می‌شود، فامیل‌ها و بستگان از دو طرف دعوت شده و هدایایی می‌دهند. در مراسم نامزدی از طرف خانواده داماد حلقه‌ای به عروس داده می‌شود. طول دوران نامزدی بستگی به شرایط دو طرف دارد ولی معمولاً بین ۲ ماه تا ۲ سال است. بعد از نامزد کردن و چند روز قبل از برگزاری مراسم عروسی، مراسم مختصری به نام پارچه‌بُران (پارچا بیچمه) برگزار می‌شود که برای لباس عروس پارچه خریداری و طی مراسمی برش داده می‌شود. همچنین قبل از عروسی، عروس را آرایش کرده و بر دست و پای او حنا می‌گذارند.

مرحله برگزاری مراسم عروسی: در قدیم عروسی معمولاً در زمستان یا ایام عید نوروز برگزار می‌شد. چون مردم در روستاها در این ایام بیکار بودند. مراسم عروسی معمولاً بین ۲ تا ۷ روز طول می‌کشید. در آخرین روز مراسم، عروس به خانه داماد برده می‌شد. بر سر عروس شیرینی، نقل و سکه ریخته می‌شد و کمربندی پارچه‌ای توسط برادر کوچک‌تر داماد یا دایی وی از روی لباس‌های عروسی بر کمر وی بسته می‌شد. برخی یک پسربچه ۲ تا ۳ ساله را به عروس می‌دادند که در آغوش بگیرد تا اولین فرزندش پسر به دنیا بیاید. همچنین عروس قبل از ورود به خانه داماد در آستانه در بر روی یک قطعه فلز می‌ایستاد که نشانهٔ محکم و استوار بودن وفاداری او بود.

مرحله بعد از مراسم عروسی: این مراسم را «اوزه چیخدی» (رونما) می‌گفتند که عروس در جمع مهمانانی که برای این منظور دعوت شده‌اند، حضور می‌یابد. مهمانان هدایایی را تقدیم عروس و داماد می‌کنند. آخرین مراسم عروسی ٤ تا ٥ روز بعد از مراسم عروسی است که عروس و داماد به دیدن خانواده عروس می‌روند. اکنون مراسم ازدواج در آذربایجان اغلب بسیار ساده برگزار می‌شود و معمولاً به‌ندرت آن‌هم در روستاها و جوامع سنتی به شکل قدیم مراسمی برگزار می‌شود. در باکو رسم است که بعد از اتمام جشن عروسی، کاروان عروسی در اطراف شهر گشته و در کنار دریا و بلوارهای منتهی به آن و پارک‌های بزرگ می‌ایستند و به شادی می‌پردازند. ولی در روستاها هنوز می‌توان شکل سنتی مراسم عروسی را مشاهده کرد.

فصل نوزدهم

ادیان و مذاهب

ادیان باستانی در منطقه آذربایجان تا قبل از پذیرش اسلام توسط مردم این سرزمین رواج داشتند. «شامانیزم»[1] آیین اصلی ترک‌ها در قبل از اسلام بود و پیروان این دین برخی اماکن و نیز پدیده‌های طبیعی مانند درخت، سنگ، جنگل و کوه را مقدس می‌شمردند و نیز دین زرتشت در اعصار مختلف توسط ادیانی مانند یهود و مسیحیت تحت تأثیر قرار می‌گرفت. البته دو دین اخیر هرگز نتوانستند جای ادیان باستانی را بگیرند و تنها دین اسلام دارای چنین جایگاهی بود و در حال حاضر تمام ترک‌های آذربایجانی پیرو دین اسلام هستند و پیروان دین یهود و مسیحیت از اقوام غیرترک هستند. برخی عقیده دارند در آیین باستانی ترک‌ها پرستش خدای یگانه (تک تانگری) و خدای آسمان‌ها (گؤک تانگری) مرسوم بوده و بعضی از فرایض

---

1. Samanizm

دینی‌شان به دین اسلام شباهت داشت و این امر یکی از دلایل اصلی پذیرش اسلام به صورت تمام و کمال توسط این مردم محسوب می‌شود.

۱ـ۱۹) اسلام

دین اسلام در قرن هفتم میلادی توسط اعراب به آذربایجان نفوذ کرد و به تدریج جایگزین دین مسیحیت (شمال سرزمین آذربایجان) و دین زرتشتی (جنوب آذربایجان) شد و به همین صورت آیین «شامانیزم» را نیز تغییر داد.

دین اسلام اندکی بعد از آشنایی مردم آذربایجان، به صورت دین اصلی آنها درآمد. در قرن شانزدهم میلادی شاه اسماعیل اول، فرمانروای صفوی، مذهب تشیع را مذهب رسمی سرزمین ایران اعلام کرد که سرزمین فعلی آذربایجان نیز جزو آن بود.

برخلاف این‌که منطقه آذربایجان خاستگاه اصلی صفویان بود ولی بعد از رسمی اعلام شدن تشیع هنوز تعداد زیادی از مسلمانان این منطقه سنی‌مذهب بودند. حتی وقوع درگیری‌های خونین حکام صفوی (حاکمان شیعه) و سلاطین عثمانی (حاکمان سنی) نیز تغییر چندانی در ترکیب مذهبی مسلمانان سرزمین آذربایجان به وجود نیاورد. هر چند که بعد از آن، روند تاریخی به‌شکلی بود که مذهب تشیع بیشتر تقویت می‌شد ولی در واقع مذهب تشیع زمانی به صورت مذهب اکثریت مردم سرزمین فعلی جمهوری آذربایجان درآمد که روس‌ها بر منطقه تسلط پیدا کرده و با ترک‌های عثمانی که سنی مذهب بودند، جنگ‌های خونینی را آغاز کردند. این دوره که در سده نوزدهم میلادی بود، با ساکن کردن برنامه‌ریزی شده مسیحیان روس و ارمنی همراه شد. این برنامه به منظور جایگزین کردن مسیحیان روس و ارمنی به جای مسلمانان (به ویژه سنی‌مذهب‌ها که با امپراتوری عثمانی هم‌مذهب بودند) اجرا شد. طی این فرایند تعداد زیادی از ارامنه رانده شده یا مهاجر که از سرزمین تحت تسلط عثمانی وارد روسیه تزاری (که حامی آنها در داخل خاک عثمانی بود) شده بودند، در مناطق مسلمان‌نشین (علی‌الخصوص مسلمانان سنی‌مذهب) سکنی گزیدند. در اثر این فشارها و نیز آزار و اذیت

مسلمانان اهل تسنن در خاک آذربایجان توسط روس‌ها، تعداد زیادی از این افراد خاک آذربایجان را ترک کردند و بعد از یک دوره، سهم مسلمانان سنی مذهب در ترکیب جمعیتی مسلمانان به شدت کاهش یافت و تشیع به صورت مذهب اکثریت مردم آذربایجان درآمد. مدتی بعد شخصیت‌های ملی‌گرا در آذربایجان که به دنبال یک هویت و میراث مشترک بین ترک‌ها بودند، تحرکاتی انجام دادند که جهت‌گیری آن بیشتر مبتنی بر اتحاد ترک‌های مسلمان (صرف‌نظر از مذهب خاص‌شان) بود. آنها بیشتر قصد استقلال و هویت‌یابی در مقابل مسیحیان به‌ویژه روس‌ها را داشتند. این سلسله فعالیت‌ها باعث کاهش درخور توجه اختلافات بین دو مذهب شیعه و سنی در آذربایجان شد.

جمهوری آذربایجان در آستانه استقلال خود از اتحاد جماهیر شوروی دارای ۸۷ درصد جمعیت مسلمان بود که این میزان بعد از استقلال کشور و به دنبال خروج جمع زیادی از روس‌ها و ارامنه، به ۹۳/٤ درصد رسید (حدود ۷ میلیون نفر). هر چند که سهم مسلمانان سنی مذهب در جمعیت آذربایجان به‌طور دقیق مشخص نیست ولی طبق برآورد انجام شده حدود ۲۵ درصد از مسلمانان این کشور سنی‌مذهب هستند.

قبل از استقرار نظام کمونیستی در آذربایجان حدود دو هزار مسجد فعال در این سرزمین وجود داشت. در سال ۱۹۳۰ اکثر مساجد یا تعطیل شدند و یا کاربری آنها تغییر کرد. در زمان جنگ جهانی دوم زمامداران نظام کمونیستی شوروی به خاطر جلب حمایت‌های مردم آذربایجان و حفظ یکپارچگی کشور برخی آزادی‌ها را در امور دینی به مسلمانان این منطقه دادند. در این دوره برخی از مساجد تعطیل شده به‌طور مجدد مشغول فعالیت شدند و با حمایت دولت مسکو دفتر روحانیت ماوراء قفقاز برای پیگیری امور مذهبی مسلمانان تشکیل شد. در اواخر نظام کمونیستی (در زمان رهبری برژنف و گورباچف) روحانیون عضو این دفتر اجازه یافتند تا با رهبران مذهبی مسلمان در سایر کشورها ملاقات کنند و به این وسیله حکام شوروی تبلیغات وسیعی را در زمینه وجود آزادی‌های مذهبی برای مسلمانان به راه انداختند.

علی‌رغم دادن برخی آزادی‌ها در سال ۱۹۸۰ تعداد مساجد فعال در باکو که از مراکز

رهبری مذهبی مسلمانان قفقاز محسوب می‌شد، ۷ مسجد بود که ۵ مورد از آنها مساجد کوچک بودند. همچنین در این سال در باقی مناطق آذربایجان ۱۱ مسجد فعال وجود داشت. در طول سال‌هایی که در زمینه فعالیت‌های مذهبی مسلمانان آذربایجان محدودیت‌های شدیدی توسط نظام کمونیستی شوروی اعمال می‌شد، هزاران منزل شخصی برای انجام فعالیت‌های مذهبی به ویژه ادای فرایض دینی اختصاص یافت و فعالیت‌های مذهبی به صورت زیرزمینی ادامه یافت.

بعد از استقلال کشور، تعداد مساجد افزایش قابل توجهی پیدا کرد. بیشتر این مساجد با کمک کشورهای مسلمان نظیر کویت، ترکیه، ایران، عمان و عربستان سعودی احداث یا بازسازی شد. همچنین هزاران جلد قرآن مجید توسط کشورهای یاد شده در بین مسلمانان توزیع شد.[۲٤]

هر چند که در کشور آذربایجان حاکمیت به‌طور کامل در دست مسلمانان شیعه است ولی دولت این کشور و سایر ارکان حکومتی، دینی محسوب نمی‌شوند و این مسئله قبل از هر چیز از ساختار حاکمیتی این کشور ناشی می‌شود. در قانون اساسی این کشور (ماده ۱۸) مذهب و دین آزاد اعلام شده و هیچ دینی، به‌عنوان دین رسمی اعلام نشده است. شخصیت‌های سیاسی که زمام امور کشور را در دست دارند، گرایش دینی عمیقی ندارند. آنها بیشتر به دنبال حکومتی سکولار و لیبرال هستند، هر چند که در عمل ویژگی‌های لیبرالیسم چندان مشهود نیست. البته دولت آذربایجان و سایر قوای حاکمیتی هیچ‌گاه با دین اسلام مخالفت نکرده‌اند. بعد از استقلال کشور برخی گروه‌های اسلامی فعالیت‌های سیاسی ـ مذهبی را آغاز کردند که در مخالفت با پاره‌ای از سیاست‌های حکومت بود، از این رو حاکمیت آذربایجان محدودیت‌های زیادی بر سر راه فعالیت این گروه‌ها ایجاد کرد. اصلی‌ترین این گروه‌ها، حزب اسلامی آذربایجان است که اکثر رهبران آن در زندان به سر می‌برند. مقامات امنیتی آذربایجان این افراد را متهم به بنیادگرایی اسلامی و ایجاد مانع بر سر راه سکولاریسم و وحدت ملی کشور می‌کنند. توزیع جمعیت مسلمان در سرزمین آذربایجان به شکلی است که در تمام نقاط

این کشور مسلمانان حضور دارند ولی فعالیت گروه‌های مذهبی مخالف دولت در اطراف باکو متمرکز است. حزب اسلامی آذربایجان فعالیت اصلی خود را در شهرک «نارادان»[1] سازماندهی می‌کند و تا به حال چندین مورد تظاهرات اعتراض‌آمیز توسط اهالی این شهرک علیه دولت انجام شده است. اعتراضات مردم نارادان که گرایش‌های مذهبی عمیقی دارند، طی دو سال اخیر وارد مرحلهٔ حادی شده است و هر چه پلیس آذربایجان و نیروهای امنیتی سخت‌گیری بیشتری می‌کنند، اعتراضات مردم بیشتر می‌شود و میانجیگری برخی شخصیت‌های مذهبی آذربایجان برای برقراری جو تفاهم و سازش بین دولت و اسلامگرایان نارادان تابه حال بی‌نتیجه مانده است. گفتنی است که علاوه بر اسلامگرایان، سایر احزاب مخالف دولت نیز با این طرز برخورد نیروهای امنیتی با اهالی نارادان به شدت مخالف هستند و آن را نقض آشکار دموکراسی می‌دانند. حزب مساوات از جمله احزاب مشهوری است که در مطبوعات طرفدار خود بارها سیاست‌های دولت علی‌اف را در شهرک نارادان مورد انتقاد قرار داده است.(۲۵)

امور دینی مسلمانان در آذربایجان زیر نظر شورای عالی مذهبی مسلمانان قفقاز که بعد از استقلال کشور جایگزین دفتر روحانیت مسلمانان ماوراء قفقاز شده است، اداره می‌شود. رهبری این شورا به عهده شیخ‌الاسلام «ا... شکور همت اوغلو پاشازاده»[2] از شخصیت‌های روحانی سرشناس قفقاز است که از سال ۱۹۸۰ ریاست دفتر روحانیت مسلمانان ماوراء قفقاز را به‌عهده داشته است. شیخ‌الاسلام پاشازاده دخالت چندانی در امور سیاسی ندارد و بیشتر سعی دارد تا زمینه احیای فرهنگ اسلامی و گسترش ارتباط با دنیای اسلام را فراهم سازد او در قضیه شورش اسلامگرایان بنیادگرا در نارادان بارها سعی کرده بین دولت علی‌اف و معترضان سازش ایجاد کند که هنوز موفق نشده است. هر چند که وی بارها از شخص علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، حمایت کرده و در مراسم سوگند وی حضور یافته و برای رئیس‌جمهور آرزوی موفقیت کرده است ولی مطبوعات آذربایجان از وجود اختلاف بین وی با

---

1. Naradan

2. All∂h Şakur Hüm∂t Oğlu paşazad∂

برخی مسئولان مملکتی و مشاوران امور دینی علی‌اف سخن می‌گویند. در این میان رئیس‌جمهور سعی دارد، ضمن جلب رضایت پاشازاده، سیاست‌های توصیه شده از طرف مشاوران خود را پیش ببرد. اگر سیاست‌های فعلی دولت علی‌اف را که فعالیت‌های مذهبی اسلامی را محدود ساخته در نظر نگیریم، می‌توان گفت که در صورت تحقق دموکراسی در این کشور تمام امکانات دولتی و بخش اعظم امکانات بخش خصوصی در اختیار مسلمانان است.

از آنجا که اختلافات قومی ترک‌های آذری در سرزمین آذربایجان از دیرباز با اقوام غیرمسلمان بوده، از این‌رو آذربایجانی‌ها مسلمان بودن و ترک بودن را دو جنبه اساسی هویت ملی خود می‌انگارند و اختلاف بین مسلمانان با مسیحیان در آذربایجان قبل از هر چیزی به مسائل ارضی و سیاسی برمی‌گردد، مناقشهٔ قره‌باغ و حملات پی در پی روس‌های مسیحی به باکو نیز در این راستا بوده است.

در زمینه احداث مساجد در جمهوری آذربایجان کشورهای کویت و ترکیه فعالیت قابل توجهی داشته‌اند. دولت کویت از طریق «بنیاد احیای میراث اسلامی» این کشور که یک نهاد دولتی است از سال ۱۹۹٤ تا ۲۰۰۳ تعداد ٦۱ مسجد در مناطق مختلف جمهوری آذربایجان احداث کرده که عبارتند از:

ـ ٤ مسجد در شهر باکو (بخش نریمان‌اف و قصبه‌های گؤزدک، مشفق و امید)

ـ ۹ مسجد در منطقه چاخماز (قصبه خودات و روستاهای خودات، قوچاقلی، قوسارچای، نراجان، مختادر، مرشد اوباه، قیمیل قیشلاق و قبوقیراقی)

ـ ۲ مسجد در منطقه دوه‌چی (شهر دوه‌چی و روستای پیره بدیل)

ـ یک مسجد در روستای آتبولاغ منطقه حاجی قبول

ـ ۲ مسجد در منطقه قوبا (روستاهای حاج حسنلی و خوج بالام)

ـ ٤ مسجد در منطقه قوسار (شهر قوسار و روستاهای کهنه خودات، امام پلی و اوروا)

ـ ۷ مسجد در منطقه اسماعیللی (روستاهای قورانچا، فیرجان، دیه‌لی، آشیق بایراملی، توپچی، قوبا خلیلی و ملا اسحاقلی)

ـ ۹ مسجد در منطقهٔ گؤی چای (روستاهای بیقیر، اینجه، کورد شعبان، مسکورلو، چرکه، مااللی شیخلی، میرتی، بیگ دوول و چاخیرلی)

ـ یک مسجد در شهر آغستافا

ـ یک مسجد در روستای علی مردانلی منطقهٔ تووز

ـ ۸ مسجد در منطقهٔ آغداش (روستاهای عرب کوکول، عرب، پیرککه، شمس‌آباد، آغری‌آباد، مرسل و داودلی)

ـ ۲ مسجد در منطقه آغسو (روستاهای ویچو و پادار)

ـ یک مسجد در روستای قره‌ساقال در منطقه کوردامیر

ـ یک مسجد در روستای پادار در منطقه آغور

ـ ٤ مسجد در منطقه گبه‌له (روستاهای سلطان نوخا، ئینی‌کند، زره‌قان و امیدوان)

ـ ٤ مسجد در منطقه قوبوستان (روستاهای پولادلی، جم‌جم‌لی، سوندی و عرب‌شالباش)

ـ یک مسجد در روستای مالی چوبانلی در منطقه شماخی

همچنین «بنیاد حمایت از جوانان» از کشور ترکیه، تعداد ۱۸ مسجد طی سال‌های یاد شده در مناطق مختلف آذربایجان احداث کرده که عبارتند از:

ـ ٤ مسجد در منطقه شکی (شهر شکی و روستاهای یافیک، اورتا زیزید و ورزت)

ـ ٤ مسجد در منطقه زاگاتالا (شهر زاگاتالا، دانشگاه زاگاتالا و روستاهای علی‌آباد و کره‌نگچی)

ـ ۳ مسجد در منطقه آغداش (روستاهای خسرو دو مورد و شهر آغداش)

ـ یک مسجد در قصبه خالادان در منطقه یئولاخ

ـ یک مسجد در شهر گؤی چای

ـ یک مسجد در منطقه آغسو

ـ یک مسجد در قصبه مدرسه در منطقه شماخی

ـ یک مسجد در منطقه گبه‌له روستای بوم

- یک مسجد در شهر اوغوز
- یک مسجد در شهر اسماعیللی[(۲٦)]

۲ـ۱۹) مسیحیت

دین مسیحیت برای اولین بار در قرن اول میلادی وارد سرزمین فعلی آذربایجان شد. این دین توسط «سنت الیسیوس»[1] به قوم آلبانیایی قفقاز معرفی شد. گفتنی است که در این زمان دین زرتشتی در مناطق جنوبی آذربایجان رواج داشت. در قرن سوم میلادی کلیسای «آپوستولیک آتوسفالوس»[2] در شمال آذربایجان ساخته شد و دو قرن بعد (قرن پنجم میلادی) این دین به صورت یک دین رسمی درآمد.

همانطور که در بخش پیشین نیز اشاره شد پس از ورود دین اسلام مسیحیت، جای خود را به اسلام داد و تا زمان تسلط روس‌ها به این منطقه مسیحیت تقریباً رنگ باخته بود تا این‌که روس‌ها با اسکان روس‌ها و ارامنه در شمال و غرب آذربایجان، دوباره حضور مسیحیت را در این سرزمین استمرار بخشیدند.

در حال حاضر مسیحیان ٤/۸ درصد از جمعیت آذربایجان را تشکیل می‌دهند که برابر برآورد جمعیت سال ۲۰۰۰ تعداد آنها حدود ۳٦۰ هزار نفر برآورد می‌شود. این تعداد قبل از استقلال کشور حدود ٦۸۰ هزار نفر بود که تعداد زیادی از آنها روانه روسیه و ارمنستان شدند. از جمعیت ۳٦۰ هزار نفری مسیحیان حدود ۱۹۰ هزار نفر ارتدوکس‌های روسیه و حدود ۱۵۰ هزار نفر نیز ارتدوکس‌های ارمنی هستند. شایان ذکر است که ارتدوکس‌های ارمنی فقط در منطقه قره‌باغ که تحت اشغال ارتش ارمنستان است، سکونت دارند.

دین مسیحیت بعد از اسلام دومین دین (از نظر تعداد جمعیت) در آذربایجان است.

از آنجا که قوم آذری از دیرباز در نزاع فیزیکی و چالش فکری با ارامنه و روس‌ها بوده

---

1. Sant Eliseus
2. Apostolic Autocephalous

است و استقلال از سلطهٔ روس‌ها و دفع تجاوزهای مکرر ارامنه از آرزوهای تاریخی این قوم به‌شمار می‌رفت، از این‌رو بعد از فروپاشی شوروی و استقلال آذربایجان، ایدهٔ تشکیل حکومت و دولت که توسط افراد مختلفی پیگیری و اجرا می‌شد، با هویت ترکی ـ اسلامی همراه بود و این مسئله وجه اشتراک تمام دولت‌های تشکیل شده از آغاز استقلال این کشور بوده است. بنابراین می‌توان گفت که با وجود چنین تفکرات سیاسی و با در نظر گرفتن سهم اندک مسیحیان در مقابل اکثریت بالای مسلمانان، مسیحیان نمی‌توانند سهمی در نهادهای حکومت و قدرت داشته باشند. علاوه بر این حکومت آذربایجان در سال‌های آغازین استقلال با یک دولت مسیحی درگیر جنگ بود.

در شرایط حاضر مسیحیان فاقد سازمان‌ها و نهادهای مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند. البته مسیحیان ارمنی از نهادهایی برخوردارند که چون محدود به منطقه قره‌باغ است و در شرایط حاضر از کنترل دولت آذربایجان خارج بوده نمی‌توان آنها را دارای جایگاه تعریف شده‌ای در نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آذربایجان دانست.

اکثر مسیحیان روس نیز بعد از استقلال آذربایجان به خاطر ذهنیت منفی مردم مسلمان نسبت به آنها خاک آذربایجان را ترک کردند و مؤسسات و نهادهای وابسته به آنها در اختیار دولت گذاشته شد. البته با گسترش فعالیت‌های استخراج و صدور نفت از دریای خزر مؤسسات و شرکت‌های روسی دوباره در عرصهٔ اقتصادی آذربایجان حضور دارند. شرکت نفتی «لوک اویل»[1] روسیه بزرگ‌ترین نهاد اقتصادی روس محسوب می‌شود که در آذربایجان حضور دارد.

علاوه بر عرصه اقتصادی، روس‌ها در عرصه فرهنگی آذربایجان نیز حضور دارند و این از بقایای سلطهٔ روس‌ها در دوران نظام کمونیستی است. در حال حاضر روزنامه‌های «زرکالو»[2] و

1 Look Oil

1 Zerkalo

«باکی نسکی بولوار»[1] به زبان روسی در آذربایجان منتشر می‌شوند که روزنامه‌هایی مستقل به شمار می‌آیند و نیز شبکه‌های تلویزیونی «ORT» و «RTR» روسیه در آذربایجان پخش می‌شود.

همان‌طور که گفته شد، اکثریت مسیحیان آذربایجان را فرقه ارتدوکس تشکیل می‌دهند، البته تعداد اندکی از طرفداران فرقه‌های کاتولیک و پروتستان نیز در این میان به چشم می‌خورند که با توجه به سهم بسیار اندکشان توجه زیادی به آنها نمی‌شود. مسیحیان ارتدوکس از نظر مذهبی متعصب هستند به ویژه ارتدوکس‌های ارمنی که ارزش‌های مذهبی را با ارزش‌های قوم ارمنی پیوند زده‌اند. اختلاف مسیحیان با مسلمانان در سرزمین آذربایجان ریشه‌های تاریخی دارد و همانطور که قبلاً نیز گفته شد، بیشتر از ادعاهای ارضی ناشی می‌شود. برخلاف درگیری‌های خونین بین پیروان دو دین ذکر شده در این منطقه، در گذشته بسیاری از پیروان آن‌ها با هم در صلح و آرامش زندگی کرده‌اند. در گذشته روستاها و شهرهای زیادی در آذربایجان بودند که مسلمان و مسیحی در کنار یکدیگر و در همسایگی هم زندگی می‌کردند. روستاها و شهرهایی که کلیساها در کنار مساجد فعالیت داشتند ولی امروزه مناقشات گروه‌های افراطی این همزیستی را از بین برده است.(۲۷)

۳ـ۱۹) یهودیت

جمعیت یهودیان آذربایجان حدود ۱٦ هزار نفر است. یهودیان به‌طور عمده در باکو و «اوغوز»[2] سکونت دارند. یهودیان آذربایجان ۳ گروه هستند: یهودیان اشکنازی (٤ هزار نفر)، یهودیان گرجی زبان (هزار نفر) و یهودیان کوهستانی یا تات (۱۱ هزار نفر). گفتنی است که تعداد یهودیان در آذربایجان قبل از استقلال بیشتر بوده و حدود ٤۰ هزار نفر از آنها بعد از سال ۱۹۹۰ این کشور را ترک کردند که اکثر آنها راهی اسرائیل شدند. در حال حاضر ۳ کنیسه متعلق به یهودیان، در باکو فعال است. علاوه بر آن کنیسه‌ای در این شهر در حال احداث است

---

1. Bakinskey Bolvar

2. Oguz

که بزرگ‌ترین کنیسه یهودیان در قفقاز محسوب می‌شود. در این کنیسه علاوه بر عبادتگاه، کتابخانه کتب عبری و مدرسه عبری نیز وجود دارد. همچنین جامعه یهودیان آذربایجان در باکو به فعالیت‌های آموزشی ـ بهداشتی و رفاهی مشغولند. زبان عبری در دانشگاه دولتی باکو تدریس می‌شود. هر چند یهودیان با مسلمانان و حکومت آذربایجان اختلافی ندارند، ولی سهم آنها از جمعیت کشور به‌قدری اندک است که هیچ‌گونه مشارکتی در نهادهای قدرت ندارند.[۲۸]

٤ـ۱۹) سایر ادیان

در جمهوری آذربایجان ۱/۸ درصد (حدود ۱۳۵ هزار نفر) از جمعیت کل کشور را پیروان سایر ادیان (غیر از اسلام و مسیحیت) تشکیل می‌دهند.

فصل بیستم

اقلیت‌های قومی

همانطور که قبلاً نیز گفته شد، حدود ۹۰ درصد از جمعیت ساکن در آذربایجان را ترک‌های آذری تشکیل می‌دهند و ۱۰ درصد جمعیت باقیمانده بین اقلیت‌های قومی مختلف توزیع شده است. اقلیت‌های قومی ساکن در سرزمین جمهوری آذربایجان بدین شرح است:

۱ ـ روس‌ها
۲ ـ ارامنه
۳ ـ لزگی‌ها
۴ ـ تالش‌ها
۵ ـ ترک‌های ماسخاد
۶ ـ آوارها
۷ ـ تاتارها
۸ ـ تات‌ها
۹ ـ تساخورها (چاخورها)
۱۰ ـ گرجی‌ها
۱۱ ـ کردها

نکته مورد توجه این است که اقوام تاتار و ترک‌های ماسخاد به همراه ترک‌های آذری جزو قوم بزرگ ترک به‌شمار می‌آیند.

۱ـ۲۰) روس‌ها

حضور و سکونت روس‌ها در سرزمین آذربایجان قدمت بسیاری ندارد. روس‌ها پس از انضمام خاک آذربایجان به امپراتوری خود، حضور خود را در مناطق مختلف آذربایجان تثبیت کردند. فرماندهان نظامی و مسئولان حکومتی روس در اکثر مناطق آذربایجان حضور داشتند. این حضور در دوره‌هایی که ترک‌های آذری هنوز به‌طور کامل از روس‌ها تبعیت نمی‌کردند، بیشتر بود که با نزاع‌های خونین نیز همراه بود. بعد از تثبیت نظام کمونیستی و سرکوب جمهوری دموکراتیک آذربایجان (۱۹۲۰ ـ ۱۹۱۸) روس‌ها حاکمیت را در آذربایجان به‌طور کامل در دست گرفتند. آنها در اکثر شهرهای بزرگ آذربایجان حضوری مؤثر داشتند، مرزهای آذربایجان و جمهوری نخجوان در کنترل سربازان روس بود. در دوره‌های اخیر حضور روس‌ها بیشتر در باکو، برخی شهرهای بزرگ و در مناطق هم‌مرز با روسیه بود. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ جمعیت روس ساکن در این جمهوری از ٤۷۵ هزار نفر به حدود ۲۰۰ هزار نفر کاهش یافت که سهم جمعیت روس‌ها از جمعیت کل کشور از حدود ۷ درصد به حدود ۲/۵ درصد کاهش پیدا کرد.

ارامنه: چون اطلاعات مربوط به این قوم در بخش سیاسی و ذیل عنوان مناقشه قره‌باغ آمده است از ذکر مجدد آن پرهیز می‌شود.

۲ـ۲۰) لزگی‌ها

لزگی‌های ساکن در جمهوری آذربایجان بخشی از قوم لزگی هستند که موطن اصلی آنها منطقه داغستان در نزدیکی مرز آذربایجان، در داخل خاک روسیه است. تعداد جمعیت کلی قوم لزگی

حدود ۳۷۰ هزار نفر برآورد می‌شود که از این تعداد حدود ۱۶۰ هزار نفر در خاک آذربایجان زندگی می‌کنند. محل سکونت این افراد در شمال شرقی جمهوری آذربایجان و در اطراف مرز آذربایجان و روسیه قرار دارد. بزرگ‌ترین شهر لزگی‌نشینی در آذربایجان شهر «قوسار»[1] است. از سایر شهرهای لزگی‌نشین می‌توان شهرهای «زندان موروق»[2]، «شیروان اوکا»[3]، «لازا»[4] و «ماکا»[5] را نام برد.

لزگی‌ها از قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری قمری) از طریق اعراب با دین اسلام آشنا شدند و به مرور این دین را قبول کردند علی‌رغم این‌که اکثر لزگی‌ها اهل تسنن هستند ولی تعداد اندکی از آنها مذهب شیعه دارند که این گروه به دلیل هم‌مذهب بودن با قوم حاکم قدرت فراوانی در بین لزگی‌ها دارند. البته فعالیت‌های مذهبی این دو گروه به دلیل نقاط اشتراک فراوان تناقض را در بین آنها ایجاد نمی‌کند. لزگی‌ها هنوز مراسم قومی ـ مذهبی باستانی خود را انجام می‌دهند. این مراسم با کشت و زرع بهاری و محصول‌چینی در فصل پاییز همراه است. همچنین لزگی‌ها به منظور زیارت اماکن مقدس اسلامی مسافرت‌های کوتاهی انجام می‌دهند. آنها هنوز به برخی باورهای قدیمی که ممکن است خرافه محسوب شود، اعتقاد دارند، از جمله این باورداشت‌ها، اعتقاد به قدرت متافیزیکی و شفابخش استخوان جمجمه حیوانات هست که اغلب در بین روستائیان رواج دارد و آن را در باغ یا مزرعه خویش نصب می‌کنند.

از اواخر قرن هجدهم اعتقادات صوفیگری در بین قوم لزگی رواج پیدا کرد. این گروه خود را «اهل طریقت» می‌نامیدند. این افراد پس از استقرار نظام کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی، فعالیت‌های مذهبی گسترده‌ای به صورت مخفیانه و زیرزمینی انجام دادند که ایجاد و راه‌اندازی مدارس اسلامی و نمازخانه‌ها از جمله این فعالیت‌ها بود. امروزه صدها مسجد در مناطق لزگی‌نشین (هم در آذربایجان و هم در داغستان) وجود دارد.

---

1. Qusar
2. Zindan Muruq
3. Şirvanovka
4. Laza
5. Maka

در اواسط قرن نوزدهم این قوم تلاش‌های بسیاری در جهت ایجاد الفبای لزگی کرد و این الفبا از عربی منشعب شده بود. بعد از تسلط کمونیست‌ها این الفبا در سال ۱۹۲۰ به لاتین و در ۱۹۳۸ از لاتین به «سیریلیک»[1] تغییر یافت. روس‌ها همچنین تلاش کردند تا واژه‌ها و اصطلاحات عربی و فارسی را از زبان لزگی بیرون آورده و واژه‌های روسی را جایگزین آن سازند. آنچه امروزه تحت عنوان زبان لزگی مطرح است، تحت تأثیر لغات وارد شده از زبان‌های ترکی (آذربایجانی)، روسی، عربی و فارسی است.

بیشتر لزگی‌ها دوزبانه[2] هستند و قادرند به دو زبان لزگی و آذربایجانی صحبت کنند. ساختار خانواده و جامعه لزگی‌ها در گذشته به صورت خانواده‌های متحد و طایفه‌هایی بود که در اصطلاح «توخوم»[3] نامیده می‌شد. توخوم به زبان ترکی به معنی بذر و ژن است. این طوایف توسط رؤسای مرد هدایت می‌شد و تصمیم‌گیری‌های اساسی به‌عهده آنها بود. امروزه در اثر پدیده مدرنیزاسیون و مهاجرت لزگی‌ها به شهرها نهاد «توخوم» قدرت و اهمیت قبلی خود را به مقدار زیادی از دست داده است. بیشتر لزگی‌ها در زمینه ازدواج درون طایفه‌ای عمل کرده و ازدواج‌های فامیلی دارند و در این امور زنان رؤسای طایفه‌ها نفوذ و تأثیر زیادی دارند. سنت تعیین مهریه برای زنان هنوز در بین بیشتر لزگی‌ها مرسوم است، هر چند که این سنت بیشتر جنبه سمبلیک دارد و چندان به آن عمل نمی‌شود. لزگی‌ها به مهریه «کالیم[4]» می‌گویند.

اقتصاد قوم لزگی بر پایه فراوری مواد غذایی (گوشت، پنیر و کره) و نساجی استوار است. همچنین آنها در بافتن انواع فرش‌های دستی ماهر بوده و فرش‌های دستباف زنان لزگی در کل منطقه قفقاز مشهور است. تعداد زیادی از لزگی‌ها نیز در شهرهای ساحلی و به ویژه باکو و اطراف آن به کارهای دستی فلزی اشتغال دارند (از قبیل ساخت طلا و جواهرات).

رقص لزگی که «لزگینکا» نام دارد، از شهرت جهانی برخوردار است. این رقص در بین لزگی‌ها به دو صورت؛ دو نفری و یک نفری (فقط مرد) اجرا می‌شود. حالت یک نفری همراه

---

1. Cyrilic
2. Bilingual
3. Tokhum
4. Kalim

با خنجر ایفا می‌شود. این رقص بسیار پرتحرک بوده و نیاز به عضلات قوی دارد. گفتنی است که این رقص در بین قوم آذربایجانی نیز رایج بوده و آنها این نوع رقص را با حالتی متفاوت‌تر از لزگی‌ها و به صورت آکادمیک یاد می‌گیرند. البته این نوع رقص از سوی لزگی‌ها وارد جامعه آذربایجانی‌ها شده و می‌توان آن را از مصادیق فرهنگ‌پذیری بین دو قوم دانست.

در سال‌های اخیر جنبشی در بین لزگی‌ها شروع شده است که سازمانی استقلال‌خواه به نام «سدول»[1] آن را هدایت می‌کند. ایده این سازمان ایجاد کشوری مستقل تحت عنوان «لزگینستان»[2] است که شامل لزگی‌های آذربایجان و روسیه می‌شود. این جنبش فعالیت بسیار محدودی دارد و حمایت چندانی از آن نمی‌شود. گفتنی است که «سدول» در زبان لزگی به معنی اتحاد است.

این سازمان تا به حال اقدام به چندین عملیات ضد دولتی کرده که مهم‌ترین آن‌ها؛ بمب‌گذاری در متروی باکو بود که در سال ۱۹۹٤ انجام شد و این گروه مسئولیت آن را نیز به عهده گرفت. سازمان سدول اخیراً غیرفعال شده و موقعیت چندانی در بین لزگی‌های آذربایجان ندارد. شایان ذکر است که بیشتر تحلیلگران آذربایجانی و خارجی فعالیت این گروه را به حامیان خارجی نسبت می‌دهند.[(۲۹)]

۳ــ۲۰) تالش‌ها

قوم تالش در جنوب شرقی جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. «لنکران»[3]، «آستارا»[4] و «لریک»[5] از شهرهای مهم تالش‌نشین هستند. مناطق تالش‌نشین یا کوهستانی و پوشیده از جنگل‌های انبوه هستند و یا در جلگه‌های سرسبز منتهی به دریای خزر واقع شده‌اند. محل سکونت این قوم با استان گیلان در ایران هم‌مرز است. جمعیت تالش‌ها ۲۰۰ هزار نفر تخمین

1. Sadval
2. Lezginistan
3. L∂nk∂ran
4. Astara
5. Lerik

زده می‌شود که ۱۳۰ هزار نفر از آنها در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. تالش‌ها به زبان تالشی حرف می‌زنند که از زبان‌های ایرانی است. هر چند که تمام تالش‌ها به زبان مادری خود صحبت می‌کنند ولی اکثر آنها چندزبانه بوده و قادرند علاوه بر زبان مادری و زبان آذربایجانی، به زبان‌های روسی و فارسی نیز صحبت کنند. قوم تالش از هزاران سال پیش در جنوب غربی دریای خزر سکنی داشته‌اند. آنها در اعصار میانه تحت تسلط ترک‌ها درآمدند. در قرن ۱۷ تالش‌ها در قالب خانات مستقل اداره می‌شدند. آنها در قرن ۱۹ تحت سلطه روس‌ها درآمدند و بعد از استقلال جمهوری آذربایجان نیز در ترکیب این کشور قرار گرفته‌اند. تالش‌هاؤ مسلمان هستند که اکثریت آنها را اهل تشیع تشکیل می‌دهند.

در بین تالش‌ها هنوز هم برخی باورها و خرافات قبل از اسلام باقی مانده است. یکی از باورها و خرافات اعتقاد به ارواح خبیث است. خطرناک‌ترین این ارواح «آلازان»[1] یا «آلازهان» است که به زن سرخ نیز معروف است. آنها معتقدند این روح خبیثه زنان در حال زایمان و نوزادان تازه متولد شده را مورد هجوم قرار می‌دهد.

مردان تالش برخلاف اجازه شرعی در مورد تعدد همسر، اغلب یک همسر دارند. پسران و دختران در سنین پایین (پسران بین ۱۵ تا ۲۰ و دختران بین ۱۲ تا ۱٦ سال) ازدواج می‌کنند. سنت مهریه در بین تالش‌ها نیز رایج است که «کبین» نامیده می‌شود. این مهریه شامل؛ پول، فرش یا لوازم منزل است. زنان تالش از قدیم دارای لباس مخصوصی بودند که شامل پیراهنی بلند و نیم تنه‌ای بدون آستین بود که بر روی پیراهن می‌پوشیدند، همچنین آنها علاوه بر روسری، صورت خود را نیز با گوشه روسری‌شان می‌پوشاندند. امروزه برخی از زنان تالش در جمهوری آذربایجان این سنت‌ها را کنار گذاشته و به شیوه غربی‌ها لباس می‌پوشند.

اکثر تالشی‌ها کشاورز هستند. در مناطق تالش‌نشین اکثر محصولات کشاورزی به عمل می‌آید. علاوه بر این برخی از تالش‌ها در تولید صنایع دستی بسیار مهارت دارند. محصولات

---

۱. Alazan شاید بتوان گفت که آلازان ترکیبی از دو کلمه ترکی (آلا به معنی قرمز) و فارسی (زن) است.

ابریشمی، قالیچه و نمد، محصولات تولید شده از قلع، کفش‌های دست دوز و ساخت جواهرات از دیگر مشاغل مردمان تالش در جمهوری آذربایجان است. تالشی‌ها بیشتر در مساکن سنتی که از سنگ‌های نتراشیده ساخته می‌شود و فاقد مبلمان است، زندگی می‌کنند. البته امروزه تعداد خانواده‌هایی که منازل خود را به شیوه غربی (با مبلمان) می‌آرایند، در حال افزایش است.[۳۰]

٤ـ۲۰) آوارها

آوارها در سرزمین جمهوری آذربایجان با جمعیتی حدود ۱۵ هزار نفر، در مناطق کوهستانی شمال زندگی می‌کنند. از شهرهای مهمی که آوارها در آنها سکونت دارند می‌توان به شهرهای «بالاکن»[۱] و «زاگاتالا»[۲] اشاره کرد. اصل و منشاء قوم آوار از سرزمین داغستان واقع در جمهوری روسیه فعلی است. تعداد کل جمعیت آوارها ٦۰۰ هزار نفر است که در قفقاز پراکنده‌اند.

آوارها تأثیر بسزایی در تاریخ دیرین منطقه قفقاز داشته‌اند. آوارها در قرن سوم پیش از میلاد با پارس‌ها جنگیدند و در این دوره آنها در مناطق کوهستانی قفقاز جامعه قدرتمندی را تشکیل دادند و کنترل مناطق اطراف را هم در دست گرفتند.

قوم آوار از قرن ۵ تا ۱۲ میلادی از طریق مسیحیان ارتدوکس گرجستانی با دین مسیحیت آشنا شدند و برخی از مردم نیز به این دین گرویدند. ولی از قرن سیزدهم به بعد آنها دین اسلام (مذهب تسنن) را به عنوان دین خود برگزیدند. در مناطق سکونت آوارها مساجد و مدارس اسلامی زیادی به چشم می‌خورد. در این منطقه صوفیگری نیز از قرن نوزدهم به بعد رواج پیدا کرده و امروزه نیز فعالیت آنها ادامه دارد.

پوشش سنتی آوارها شبیه اروپایی‌ها بوده و در عین حال این پوشش از فرهنگ اسلامی نیز

---

1. Balakən 2. Zagatala

تأثیر پذیرفته و زنان آوار، سر خود را با پوششی به نام «چیختاس» می‌پوشانند. البته امروزه آوارهای ساکن در آذربایجان اغلب به شیوه غربی‌ها لباس می‌پوشند.

آوارها به دامداری بیش از کشاورزی تمایل دارند و فراورده‌های دامی از عمده‌ترین منابع درآمدی خانواده‌های آوار به شمار می‌آید.

آوارها به ارزش‌های اجتماعی و خانوادگی خود بیش از پیش پایبند هستند. ابتدایی‌ترین جوامع آوارها، اجتماع روستاهاست که توسط مجلس روستا یا شورای شیوخ و ریش‌سفیدان اداره می‌شود. شکل کالبدی منازل روستایی به دلیل واقع شدن در دامنه ارتفاعات به صورت پله‌ای است و بام منازل پله‌های پایینی، حیاط پله‌های بالا محسوب می‌شود (شبیه شهر ماسوله در استان گیلان). در بین آنها مردان بیشتر به کارهای بیرون می‌پردازند و زنان اغلب به امور منزل مشغول هستند.

دختران در بین قوم آوار حدود ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند و هر چند خواسته والدین در انتخاب همسر آنها دخیل است ولی اغلب انتخاب خود دختران تعیین‌کننده است. حق طلاق به صورت رسمی در اختیار مرد است ولی امروزه در چنین تصمیماتی عملاً هر دو طرف نقش دارند.

آوارها به زبان آواری صحبت می‌کنند که ۵ گویش عمده دارد. آنها تلاش‌های زیادی برای پایه‌گذاری الفبا کردند و البته الفبای عربی را برگزیدند که بعد از سلطه روس‌ها این الفبا جای خود را به لاتین و سپس سیریلیک داد. امروزه زبان ادبی آوارها پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده و زبان ادبی تحت عنوان «بولماتا»[1] که براساس گویش شمال شکل گرفته، به‌وجود آمده است.[(۳۱)]

۵ـ۲۰) ترک‌های ماسخاد

ترک‌های ماسخاد یا ماسخی تا سال ۱۹٤٤ در منطقهٔ تاریخی ماسخاتیا در جنوب غربی

---

1. Bolmata

گرجستان زندگی می‌کردند. زبان آنها به گروه زبان‌های ترکی تعلق دارد (گویش آناتولی شرقی) و اکثر آنها دارای مذهب سنی هستند (شاخهٔ حنفی). ترک‌های ماسخاد در اثر تسلط ترک‌های عثمانی به منطقه قفقاز به این مناطق وارد شدند. فرهنگ این ترک‌ها به شدت تحت تأثیر فرهنگ گرجی‌ها قرار گرفته است. از این‌رو در خصوص ریشهٔ آنها اختلاف‌نظر وجود دارد، برخی آنها را ترک‌های گرجی شده و برخی دیگر گرجی‌های ترک شده می‌نامند. گروهی نیز اعتقاد دارند، آنها ترکیبی از دو قوم ترک و گرجی هستند.

در سرزمین جمهوری آذربایجان، استقرار ترک‌های ماسخاد به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. بیشترین حجم مهاجرت این افراد به خاک آذربایجان بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ بوده است و در سال ۱۹٤٤ در اثر سیاست‌های پاکسازی قومی استالین در قفقاز شمالی نیز تعدادی از این افراد وارد خاک آذربایجان شدند. البته در سال ۱۹٤٤ ترک‌های ماسخاد علاوه بر آذربایجان در سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی (جمهوری‌های ترک) نیز سکنی گزیدند. بر طبق موافقت دولت وقت آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹٦۲ میلادی بیش از ۲۰ هزار خانواده از ترک‌های ماسخاد در مناطق «ساعاتلی»[1]، «صابرآباد»[2]، «خاچماز»[3] و «شمکیر»[4] سکنی گزیدند.

در سال‌های آخر اتحاد جماهیر شوروی آزار و اذیت این گروه از ترک‌ها توسط ازبکستان باعث شد که آنها به سمت آذربایجان روانه شده و در نزدیکی مرز گرجستان استقرار یابند. جمعیت ترک‌های ماسخاد در جمهوری آذربایجان در حال حاضر بین ٤۵ تا ٦۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود که بیشتر آنها در نقاط روستایی ساکن هستند. همچنین جمعیت کل ترک‌های ماسخاد در جمهوری‌های شوروی سابق بیش از ۳۰۰,۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود.

این گروه از ترک‌ها به دلیل دارا بودن ارزش‌های فرهنگی متعلق به قوم ترک به راحتی با آذربایجانی‌ها ارتباط برقرار کرده و در داخل اجتماع آنها وارد شده‌اند. همچنین آنها مایل

---

1. Saatli
2. Sabirabad
3. Xaçmaz
4. Şamkir

هستند، با افراد قوم ماسخاد ساکن در گرجستان در کنار هم زندگی کنند ولی موطن آنها بعد از جنگ جهانی دوم توسط ارامنه رانده شده و مهاجر از سوریه، لبنان، ایران و ترکیه اشغال شده است. البته در سال‌های اخیر دولت گرجستان تا حدودی شرایط را برای بازگشت این افراد آسان‌تر کرده و طی فرمان رئیس‌جمهور گرجستان در سال ۲۰۰۰ حدود ۵,۰۰۰ نفر از آنها به موطن اصلی خود بازگشتند.[۳۲]

۶ـ۲۰) تاتارها

تاتارها گروهی از مردمان ترک زبان هستند که دارای کولونی‌های مستحکم در اکثر نقاط شوروی سابق هستند. بخش عمده جمعیت این قوم در منطقه ولگا مستقر هستند و بقیه نیز در سایر بخش‌ها از جمله جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز استقرار یافته‌اند. جمعیت تاتارهای ساکن در جمهوری آذربایجان حدود ۳۰,۰۰۰ نفر برآورد می‌شود که به‌طور عمده در باکو و مناطق اطراف ساکن هستند. آنها به زبان منحصر به فردی صحبت می‌کنند که زبان «تاتاری گازان» نامیده می‌شود. در عین حال تاتارها، روسی را همانند زبان مادری خود صحبت می‌کنند. آنها مردمانی یکجانشین هستند و شغل اکثر آن‌ها دهقانی و یا تجارت است. در حال حاضر تاتارها ساختار سنتی و طایفه‌ای خود را از دست داده و با ساختارهای اجتماعی نوین سازگار شده‌اند.

تاتارها از قرن دهم میلادی دارای تمدن شهرنشینی قوی بودند. این تمدن توانست در برابر هجوم مغول‌ها در قرن سیزدهم و تسلط روس‌ها در قرن شانزدهم میلادی پابرجا باقی بماند. در اوایل قرن نوزدهم میلادی شهرهای تاتارنشین در زمره بزرگ‌ترین مراکز فرهنگی دنیای اسلام قرار داشت. به‌طور کلی تاتارها تمایل به کار در خارج از منطقه و سرزمین آبا و اجدادی خود دارند و میل به مهاجرت در بین آنها زیاد است. تاتارهای آذربایجان علاوه بر کشاورزی و تجارت در کارخانه‌های تولیدی و پالایشگاه‌های نفت نیز مشغول به کار هستند.

در مناطق روستایی برخی از تاتارها هنوز سنت‌های قدیمی خود را حفظ کرده‌اند. ولی در مناطق شهری زندگی تاتارها هیچ تفاوتی با قوم آذربایجانی مدرن ندارد. در روستاهای

تاتارنشین، تاتارها به همراه سایر اقوام زندگی می‌کنند و شاید نتوان روستایی را پیدا کرد که تمام جمعیت آن تاتار باشد. در این روستاها تاتارها هنوز به شکل سنتی و در خانواده‌های گسترده (گاهی ۳ نسل در یکجا) زندگی می‌کنند.

در فرهنگ و ساختار اجتماعی سنتی تاتارها، پدر رئیس خانواده و تصمیم‌گیرنده اصلی در اکثر امور به ویژه درآمد و هزینه خانوار است و زنان بیشتر به امور منزل می‌پردازند. تاتارها مسلمان هستند و اکثر آنها پیرو مذهب تسنن (حنفی) هستند. آنها به مکان‌های مقدس احترام می‌گذارند و همچنین هنوز به برخی باورها و خرافات قبل از اسلام پایبند هستند که اعتقاد داشتن به «چشم بد» از جمله این اعتقادات است.

تاتارها در مسائل مذهبی خود معتدل‌تر از برخی مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز هستند. به عنوان مثال در اکثر مساجدشان زمان نماز را طوری تنظیم می‌کنند که با برنامه کار تداخل نداشته باشد و یا زنان برای نماز به‌جاآوردن در مساجد به مردان می‌پیوندند این در حالی است که در برخی از مساجد قفقاز و آسیای میانه نماز خواندن زنان در منزل مرسوم است.

سال‌ها قبل تاتارها توسط مسیحیان به ویژه ارتدوکس‌های روس برای تغییر دین خود به مسیحیت مورد هجوم قرار گرفته‌اند. این فشارها و تهاجمات بین سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی شدید بود و تعداد زیادی از مساجد به آتش کشیده شد که برخی از آنها بعد از کاهش فشارها و اجبارها بازسازی و به حالت اولیه بازگردانده شدند.

اکثر تاتارها خود را مسلمان می‌دانند تا تاتار، اما نه مسلمانان بسیار متعصب که حاضرند خود را فدای دین کنند. حدود ۲۵ درصد از تاتارها گوشت خوک می‌خورند و تعداد کمی از آنها در ماه رمضان مبادرت به روزه‌خواری می‌کنند.[۱]

نسل جوان در بین قوم تاتار به شیوه امروزی لباس می‌پوشند ولی نسل قدیمی به ویژه روستائیان در پوشیدن لباس، سنت‌ها و شیوه‌های قدیمی را حفظ کرده‌اند.[۳۳]

---

۱. این اطلاعات مربوط به تحقیقی است که دانشمندان شوروی سابق انجام داده‌اند.

۷ـ۲۰) تات‌ها

تات‌ها در دره‌ها و مناطق کوهستانی شمال و شمال شرقی جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. تعدادی از آنها نیز در اطراف باکو سکونت دارند. بیشتر تات‌ها مسلمان هستند که در بین مسلمانان، شیعه‌ها اکثریت (۹۰ درصد از جمعیت تات‌های مسلمان) را به خود اختصاص داده‌اند. غیر از اسلام، مسیحیت و یهودیت نیزاز دیگر ادیان تات‌ها محسوب می‌شود.

تات‌های یهودی در جمهوری آذربایجان به «یهودی‌های کوهستانی» معروف هستند. جمعیت تات‌های ساکن در جمهوری آذربایجان ۲۲ هزار نفر برآورده می‌شود.

ترک‌ها اصولا کلمه تات را برای افراد یکجانشین که اصل غیرترک دارند، به‌کار می‌برند و احتمال می‌رود ریشه این کلمه ترکی باشد.

تات‌ها از هر دین و مذهبی که باشند، به زبان مادری‌شان که «تاتی» است، صحبت می‌کنند ولی چون این زبان فاقد الفبا و دستور زبان مدون است، تات‌های آذربایجان برای نوشتن از زبان ترکی آذربایجانی استفاده می‌کنند.

حرفه قوم تات از قدیم‌الایام کشاورزی بوده و تات‌های ساکن در دره‌ها و مناطق پست آذربایجان به کشاورزی و در کوه‌ها بیشتر به دامداری اشتغال دارند. روستاهای آنها بیشتر در نزدیکی منابع آب شکل گرفته و هر روستا دارای یک مکان مذهبی، یک حمام و تعدادی سکونتگاه خانوادگی است. خانه‌ها با سقف چوبی و دیواره سنگی و به‌صورت دو طبقه ساخته می‌شود که طبقه بالای آن برای زندگی خانواده و طبقه پایین برای کار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که تات‌ها جامعه‌ای بسیار بسته دارند. ازدواج‌های آنها بیشتر فامیلی بوده و یا در داخل طایفه خودشان صورت می‌گیرد. شاید یکی از دلایل پابرجاماندن هویت قومی تات‌ها علی‌رغم تعداد کم جمعیت، بسته بودن جامعه آنها باشد.[۳٤]

۸ـ۲۰) تساخور (چاخور)ها

جمعیت کل تساخورها در منطقه قفقاز حدود ۲۰ هزار نفر است که ۱۵,۰۰۰ نفر از آنها در شمال جمهوری آذربایجان ـ در اطراف «قاخ»[1] و «زاگاتالا»[2] مستقر هستند و باقی‌مانده جمعیت تساخورها در جنوب‌غربی داغستان سکونت دارند. تساخورهای جمهوری آذربایجان نسبت به افراد ساکن در داغستان از موقعیت طبیعی مناسب‌تری برخوردار هستند و عموما زندگی بهتری دارند. تساخورها به زبان مادری‌شان خود را «لیقی»[3] می‌نامند ولی به‌طور معمول این قوم به نام «تساخور» که نام روستایی بزرگ و باستانی است، نامیده می‌شود.

در قرن سیزدهم میلادی تساخورها از موطن اصلی خود در داغستان به‌طرف خاک فعلی جمهوری آذربایجان مهاجرت کردند. آنها در اعصار بعد، جنگ‌هایی نیز برای رهایی از تسلط ترک‌ها و فارس‌ها به راه انداختند.

در ابتدای قرن نوزدهم آنها از روس‌ها کمک خواستند و از آن به بعد به صورت بخشی از امپراتوری روس درآمدند.

اکثر تساخورها کشاورز هستند. درآمد اغلب آنها از محل باغداری، پرورش کرم ابریشم و کشت توتون به‌دست می‌آید. در زمان اتحاد جماهیر شوروی اقتصاد بومی این قوم براساس تکنولوژی نوین شکل گرفت. صنایع دستی از جمله فرش و گلیم نیز در بین این مردم رواج دارد.

۱۰۰ درصد تساخورها در جمهوری آذربایجان مسلمان هستند. در قرن سیزدهم شهر تساخور یکی از شهرهای اصلی در داغستان جنوبی بود که مرکز نشر دین اسلام به‌شمار می‌رفت. در شهرها و روستاهای تساخور نشین مسجد نقش مهمی در زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم و نیز معماری محل سکونت دارد و مساجد اغلب در مرکز محل سکونتگاه واقع

1. Qax
2. Zagatala
3. Lighy

شده است و شخصیت‌های روحانی که «ملا» نامیده می‌شوند، در این مساجد به فعالیت‌های مذهبی مشغول هستند.

با آن‌که مردم تساخور، به شعائر دین اسلام و آداب و رسوم منشعب از آن پایبند هستند ولی هنوز برخی رسوم قبل از اسلام نیز در بین آنها باقی مانده است. مراسم عید نوروز، جمع‌آوری گل‌ها و برخی آداب در زمینه عروسی و نیز اعتقاد به مظاهر «آنی‌میسم»[1] (همزادگرایی و اعتقاد به اصالت روح) از قبیل سنگ‌ها، درختان، آتش، آب و نظایر آن از جمله این رسومات است. برخی از آنها هنوز برای مداوای خود به شیوه‌های خرافاتی متوسل می‌شوند. آنها به زیارت اماکن مقدس خود می‌روند، هرچند که در سال‌های اخیر مدرنیزاسیون خود را به اشکال مختلف در اکثر شئونات زندگی این قوم بروز داده است.

تساخورها خانواده‌های هسته‌ای و متمرکز دارند و امروزه نیز همچون زمان‌های گذشته آداب طایفه‌ای چندان مرسوم نیست و جوانان در مورد ازدواج رأساً تصمیم‌گیرنده هستند. مراسم عروسی آنها در روستاها معمولا بین ۲ تا ۵ روز طول می‌کشد.

در سال ۱۹۳۰ الفبای لاتین برای زبان تساخور انتخاب شد که بعد از چند سال ممنوع اعلام گردید و به‌طور کلی ادبیات نوشتاری تساخور از بین رفت. در حال حاضر آنها به زبان ترکی ـ آذربایجانی می‌نویسند و اکثر آنها زبان آذربایجانی را روان صحبت می‌کنند. البته در سال‌های اخیر در خصوص ایجاد الفبایی برای ادبیات نوشتاری تساخور تصمیماتی گرفته شده است.[۳۵]

۹ـ۲۰) کردها

کردهای جمهوری آذربایجان ـ که تعداد آنها حدود ۱۳,۰۰۰ نفر برآورد می‌شود ـ بیشتر در منطقه بین قره‌باغ و مرز آذربایجان و ارمنستان (در اطراف شهرهای «کلبه جر»[2] و «لاچین»[3]) در

1. Animism
2. Kəlbəcər
3. Laçin

مرکز کشور (شهرهای «مین کند»[1] و «زنگیلان»[2] و «زردآوا»[3]) و در جمهوری نخجوان (اطراف شهرهای «سده رک»[4] و «تئیواز»[5]) زندگی می‌کنند. بعد از وقوع درگیری‌های خونین در منطقه قره‌باغ و تهاجم گسترده ارامنه قره‌باغ و ارتش ارمنستان به شهرها و روستاهای غیرارمنی، کردها نیز مانند آذربایجانی‌ها مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و به سایر مناطق آذربایجان کوچ کردند.

بخش عمده کردهای آذربایجان در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی وارد این سرزمین شدند. بیشتر آنها در جریان جنگ بین روس‌ها و ترکان عثمانی، آوارگانی بودند که به‌خاطر قرابت دینی با آذربایجانی‌ها در خاک آذربایجان سکنی گزیدند. کردها از نژاد ماد هستند. آنها در قرن هشتم میلادی تحت سلطه اعراب، در قرن نوزدهم تحت تسلط مغول‌ها و بعد از آن زیر نفوذ ترک‌های عثمانی بودند. بعد از جنگ جهانی اول سرزمین کردها بین ملل منطقه، که دارای قدرت حاکمه بودند، تقسیم شد.

کردهای ساکن در اطراف منطقه قره‌باغ از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۹ میلادی، این منطقه را تحت عنوان استان خودمختار کرد (کردستان سرخ) اعلام کردند که این منطقه در نتیجه سیاست‌های شوروی کمونیستی به حالت قبلی برگشت.

کردهای آذربایجان متعلق به قوم بزرگ کرد هستند که جمعیت کل آن حدود ۲۰ میلیون نفر برآورد می‌شود. کردها از لحاظ تعداد جمعیت در منطقه خاورمیانه بعد از اعراب، ترک‌ها و فارس‌ها در مقام چهارم قرار دارند، آنها بزرگ‌ترین اقلیت قومی هستند، که کشور مستقلی برای خود ندارند.

تمام کردهای آذربایجان مسلمان هستند. اکثریت آنها سنی و از شاخه شافعی هستند. زبان کردها متعلق به گروه زبان‌های هند و اروپایی بوده و به گویش و لهجه‌های متعددی تقسیم

---

1. Mink∂nd
2 .Zangilan
3. Zardava
4. S∂d∂r∂k
5. Teyvaz

می‌شود. رایج‌ترین گویش‌ها؛ کرمانجی، دیمیلی، هرکی و شکاکی هستند. کردهای ساکن در جمهوری آذربایجان مانند کردهای سایر بخش‌های شوروی سابق (گرجستان، ارمنستان و جمهوری آسیای مرکزی) به گویش کرمانجی صحبت می‌کنند.

کردهای ساکن در آذربایجان و سایر جمهوری‌های شوروی سابق از نظر شهرنشینی و سطح سواد از کردهای ساکن در سایر کشورها بالاتر هستند. به‌طور کلی مضایق و سختگیری‌هایی که در برخی کشورهای منطقه برای قوم کرد لحاظ می‌شود، در جمهوری‌های شوروی سابق وجود ندارد.

کردها در هر منطقه‌ای که باشند به‌دلیل برخورداری از گذشته غیرمستقل و وابسته به سایر اقوام، همواره در حسرت و آرزوی اتحاد و تشکیل یک کشور مستقل هستند.[۳۶]

فصل بیست و یکم
رسانه‌ها در آذربایجان

۱ـ۲۱) رسانه‌های نوشتاری

ـ شناسنامه مهم‌ترین رسانه‌های نوشتاری

روزنامه آذربایجان[1]

این روزنامه، ارگان مطبوعاتی مجلس ملی آذربایجان و روزنامه دولتی و طرفدار حزب حاکم است. این روزنامه در سال ۱۹۱۸ تاسیس شد و به زبان آذربایجانی منتشر می‌شود که پس از حاکمیت بلشویک‌ها در سال ۱۹۲۰، انتشار آن قطع شد و در سال ۱۹۸۹ بعد از ٦٩ سال با راه‌اندازی مجدد و ساختار جدید شروع به فعالیت کرد.

---

1. Azərbaycan

بخش‌های مهم روزنامه عبارتند از: اخبار روزانه، اخبار نهاد ریاست جمهوری، اخبار مجلس ملی، فرمان‌ها و دستورها، مکاتبات، اخبار خارجی، مصاحبه، سیاست و آگهی‌ها سایر اطلاعات روزنامه عبارتند از:

سردبیر: امیر مصطفایف

شمارگان: ۱۱ تا ۱۳ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.Azerbaijan.news.az

روزنامه خلق[1]

این روزنامه از مطبوعات طرفدار دولت است و توسط نهاد ریاست جمهوری منتشر می‌شود. روزنامه خلق روزنامه‌ای سیاسی و اجتماعی است که بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌الملل را در بر می‌گیرد.

سردبیر: ماحال اسماعیل اوغلو

شمارگان: ۹ هزار نسخه

روزنامه رسپوبلیکا[2] (جمهوری)

این روزنامه به موضوعات اجتماعی و اقتصادی و همچنین سیاست داخلی و خارجی دولت می‌پردازد.

بخش‌های مهم: سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌الملل

سردبیر: تیمور احمداف

شمارگان: ۸ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.respublica.news.az

---

1. Xalg qazeti

2. Respoblika

روزنامه ۵۲۵[1]

این روزنامه، یک روزنامه مستقل محسوب می‌شود که قبلاً نسبت به دولت موضع کاملا انتقادی داشت و از مواضع جبهه خلق آذربایجان حمایت می‌کرد. ولی مدتهاست رویه خود را تغییر داده است. این روزنامه ۲ بار در هفته منتشر می‌شود.

بخش‌های مهم: سیاسی، فرهنگی و اطلاعات

سال تاسیس: ۱۹۹۲

سردبیر: رشاد محمداف

شمارگان: ۹ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.525ci.com

روزنامه آزادلیق[2] (آزادی)

آزادلیق، ارگان مطبوعاتی جبهه خلق آذربایجان است و خط مشی آن مخالفت با دولت و تبلیغ مواضع جبهه خلق آذربایجان و اندیشه‌های به‌جای مانده از رهبر سابق و بنیانگذار جبهه است.

سال تاسیس: ۱۹۸۹

بخش‌های مهم: حوادث، رسانه‌ها، سیاست، اقتصاد و جهان

سردبیر:گوندوز طاهرلی

شمارگان: ۱۰ هزار نسخه

سایت‌های اینترنتی: http://www.Azadlig.com , www.Azadlig.Az

روزنامه یئنی‌مساوات[3] (مساوات جدید)

این روزنامه ارگان مطبوعاتی حزب مساوات است. یئنی‌مساوات نسبت به دولت موضع

---

1. 525 ciqəzet
2. Azadlig
3. Yeni Musavat

انتقادی شدیدی دارد و موضوع اصلی مطالب آن سیاسی و اجتماعی است. این روزنامه گاهی مطالبی در مخالفت با رویه‌های سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران به قلم کارشناسان شناخته شده‌ای، مانند وفا قلی‌زاده چاپ می‌کند.

بخش‌های مهم: سیاست، مطبوعات، حوادث، اقتصاد، مصاحبه، جرایم، فرهنگ، جهان و ورزش

سال تاسیس: ۱۹۹۱

سردبیر: رئوف عارف اوغلو

شمارگان: ۷ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.yenimusavat.com

روزنامه یئنی‌زامان[1] (زمان جدید)

این روزنامه با موضوع سیاسی ـ اجتماعی منتشر می‌شود و جزو روزنامه‌های مستقل به‌شمار می‌آید ولی نسبت به عملکرد و سیاست‌های دولت و حزب حاکم موضعی انتقادی در پیش گرفته است. یئنی زامان به ۳ زبان ترکی آذربایجانی، روسی و انگلیسی منتشر می‌شود و این روزنامه بر روی سایت اینترنتی خود به هر سه زبان قابل دریافت است.

بخش‌های مهم: سیاست، حوادث، اجتماعی، مسائل داخل کشور، جهان، جرایم، فرهنگی و ورزشی

سایت اینترنتی: http://www.yeni-zaman.com

روزنامه عدالت[2]

این روزنامه یک نشریه تخصصی در حیطه امور حقوقی است و موضع مخالف نسبت به دولت دارد.

---

1. Yeni Zaman

2. ədalət

سال تاسیس: ۱۹۹۰

بخش‌های مهم: سیاست، حوادث، حقوق، جهان، جرایم، مصاحبه، امور داخلی کشور، فرهنگ و ورزشی

سردبیر: عباس عقیل

شمارگان: ۵ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.adalat.com

روزنامه باکوسان[1]

این روزنامه تنها روزنامه جمهوری آذربایجان است که همه مطالب آن به زبان انگلیسی منتشر می‌شود. این روزنامه بیشتر برای مطالعه خارجی‌های مقیم باکو که در بخش‌های مختلف صنعت نفت و گاز کشور مشغول به‌کار هستند، منتشر می‌شود.

بخش‌های مهم: اخبار، راهنمای باکو، جستجو، ارتباطات و آگهی‌ها

سایت اینترنتی: http://www.baku-az.com/bakusun

روزنامه ینئی آذربایجان[2] (آذربایجان نوین)

این روزنامه طرفدار دولت و ارگان مطبوعاتی حزب آذربایجان نوین است.

سال تاسیس: ۱۹۹۳

بخش‌های مهم: اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اطلاعات

سردبیر: خیرالدین قوجا

شمارگان: ٤ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.yeniazarbaijan.com

---

1. Bakusun

2. Yeni Azərbaycan

روزنامه اوچ نوقتا[1] (سه نقطه)

این روزنامه مستقل است و موضعی بی‌طرف نسبت به مسائل دارد. بر روی صفحه اول این روزنامه شعار آن درج می‌شود که این چنین است: «بی‌طرف باش، حقیقت را بنویس»

بخش‌های مهم: خبر، سیاست، امور داخلی کشور، اقتصاد، مطبوعات، مخالفت (انتقاد)، بهداشت و زندگی، فرهنگ و ورزش

سایت اینترنتی: http://www.ucnogta.com

روزنامه یئددی‌گون[2] (هفت روز)

این روزنامه مستقل است و خط‌مشی لیبرال را دنبال می‌کند. مطالب روزنامه هم حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دهد و هم احزاب مخالف دولت را.

بخش‌های مهم: سیاست، حقوق و اجتماعی

سال تاسیس: ۱۹۹۱

سردبیر: حاجی امین امین‌بایلی

شمارگان: ۱۰ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.member.xoom.com

روزنامه حریت[3]

این روزنامه، ارگان مطبوعاتی حزب دموکرات آذربایجان است و موضعی مخالف نسبت به سیاست‌ها و عملکرد دولت و حزب حاکم دارد. در این روزنامه مطالب زیادی در زمینه تبلیغ شخصیت و دیدگاه‌های رسول قلی‌اف، رهبر حزب دموکرات آذربایجان و رئیس مجلس سابق، که در حال حاضر در خارج از کشور به‌سر می‌برد، منتشر می‌کند.

---

1. Üçnoqta
2. Yeddigün
3. Hüriyyət

سال تاسیس: ۱۹۹۱

بخش‌های مهم: سیاسی، اجتماعی و اطلاعات

سردبیر: الهام رحیم‌لی

شمارگان: ۱۳ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.huryyet.com

روزنامه ملت[1]

این روزنامه ارگان مطبوعاتی حزب استقلال ملی آذربایجان است و با موضوع اجتماعی و سیاسی منتشر می‌شود. در این روزنامه از سیاست‌ها و عملکرد دولت انتقاد می‌شود و مواضع حزب استقلال ملی به‌ویژه دیدگاه‌های اعتبار محمداف، رهبر حزب، تبلیغ و ترویج می‌شود.

سال تاسیس: ۱۹۹۱

بخش‌های مهم: سیاسی، اطلاعات، اقتصاد، اجتماعی و تبلیغات

سردبیر: ناظر احمدلی

شمارگان: ٦,٥۰۰ نسخه

روزنامه گون‌آی[2]

این روزنامه دارای خط‌مشی مستقل بوده و توسط بانک بین‌المللی گون‌آی اداره می‌شود. این روزنامه به ۳ زبان ترکی آذربایجان، روسی و انگلیسی منتشر می‌شود. روزنامه گون‌آی تا سال ۱۹۹۵ به دلیل وابستگی به یکی از طرفداران ایاز مطلب‌اف، رئیس‌جمهور اسبق آذربایجان، موضع مخالف نسبت به دولت داشت ولی بعد از سال ۱۹۹۵ طرفداران حزب حاکم آن را به دست گرفتند و در حال حاضر از مطبوعات طرفدار دولت به‌شمار می‌آید.

1. Millət

2. Günay

سال تاسیس: ۱۹۹۳

سردبیر: علی‌اکبر عباس‌اف

شمارگان: ۱۱ هزار نسخه

روزنامه مخالفت[1]

این روزنامه ارگان مطبوعاتی حزب مساوات است. مطالب این روزنامه اکثرا علیه حزب حاکم و دولت بوده و در برخی شماره‌های آن نیز مطالبی در مخالفت با سیاست‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی ایران چاپ شده است.

سال تاسیس: ۱۹۹۱

بخش‌های مهم: سیاست، اطلاعات، حقوق، اقتصاد و فرهنگ

سردبیر: سلیمان عیسایف

شمارگان: ٦ هزار نسخه

روزنامه سس[2] (صدا)

این روزنامه، ارگان مطبوعاتی حزب آذربایجان نوین و مدافع دولت آذربایجان و شخص حیدر علی‌اف است. این روزنامه در هر هفته ۲ بار منتشر می‌شود.

سال تاسیس: ۱۹۹۱

بخش‌های مهم: سیاست، ادبیات، هنر و نامه‌ها

سردبیر: آقای بی عسگراف

شمارگان: ٤ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.ses-az.com

---

1. Muxalifǝt

2. Sǝs

روزنامه شرق[1]

این روزنامه جزو مطبوعات مستقل که وابستگی به هیچ حزب سیاسی ندارد، بوده ولی خط‌مشی و موضع‌گیری آن به‌طور عمده بر پایه انتقاد و مخالفت با برنامه‌های دولت استوار است.

سردبیر: عاکف آشیرلی

شمارگان: ٤ هزار نسخه

سایت اینترنتی: http://www.sherq.com

روزنامه آوراسیا[2]

این روزنامه بیشتر حوادث و اتفاقات داخلی و خارجی را منتشر می‌کند.

سال تاسیس: ۱۹۹٤

بخش‌های مهم: اخبار خارجی، زندگی اجتماعی، اطلاعات نهاد ریاست جمهوری، اخبار پلیس، اقتصاد و فرهنگ.

این روزنامه وابسته به شرکت مدیا BM بوده و توسط عرفان و رادوان ساپماز اداره می‌شود.

ـ تقسیم‌بندی سیاسی مطبوعات آذربایجان

مطبوعات آذربایجان به‌ویژه روزنامه‌ها را می‌توان از لحاظ موضع‌گیری در قبال نظام سیاسی کشور به سه دسته تقسیم کرد:

الف) مطبوعات طرفدار دولت: این مطبوعات یا ارگان مطبوعاتی حزب آذربایجان نوین (حزب حاکم) هستند و یا به‌طور مستقیم توسط نهاد ریاست جمهوری اداره می‌شوند. از این مطبوعات توسط دولت حمایت سیاسی و مالی به‌عمل می‌آید. روزنامه‌های زیر در این دسته جای می‌گیرند:

1. Şərq

2. Avrasya

ـ آذربایجان (ارگان مجلس ملی)

ـ باکی نسکی رابوچی (که توسط نهاد ریاست جمهوری اداره و به زبان روسی منتشر می‌شود)

ـ یئنی آذربایجان (ارگان مطبوعاتی حزب آذربایجان نوین)

ـ خالق گزئتی (که توسط نهاد ریاست جمهوری اداره و به زبان آذربایجانی منتشر می‌شود)

ب) مطبوعات متعلق به احزاب مخالف دولت: این مطبوعات ارگان مطبوعاتی احزاب مخالف دولت هستند و منابع مالی آنها وابسته به احزاب مربوطه یا درآمدهای حاصل از تبلیغات است. روزنامه‌های ذیل در این دسته جای دارند:

ـ یئنی مساوات (ارگان مطبوعاتی حزب مساوات[1])

ـ آزادلیق (ارگان مطبوعاتی جبهه خلق آذربایجان)

ـ مخالفت (ارگان مطبوعاتی حزب مساوات)

ـ ملت [2] (ارگان مطبوعاتی حزب استقلال ملی)

ـ استقلال [3] (ارگان مطبوعاتی حزب سوسیال دموکرات)

ـ حریت [4] (ارگان مطبوعاتی حزب دموکرات آذربایجان)

ـ ۵۲۵ نجی گزئت[5] (ارگان مطبوعاتی جبهه خلق آذربایجان)

ـ خالق جبهه‌سی[6] (ارگان مطبوعاتی جبهه خلق آذربایجان)

ج) مطبوعات مستقل: این مطبوعات وابسته به هیچ‌یک از احزاب سیاسی نبوده و منابع مالی آنها نیز به‌وسیله شرکت‌های تجاری و تبلیغات تجاری تامین می‌شود.

---

۱. این روزنامه از دیرباز ارگان مطبوعاتی حزب مساوات بوده ولی اخیرا مقامات مساوات این روزنامه را ارگان مطبوعاتی حزب محسوب نمی‌کنند و مطالب آن‌را مستقل می‌دانند. هرچند که خط‌مشی اصلی این روزنامه هنوز بر حمایت صریح مساوات استوار است.

2. Mill∂t
3. Istiglal
4. Hüriyy∂t
5. 525ci q∂z∂t
6. Xalq Cebhesi

روزنامه‌های زیر در این گروه جای می‌گیرند:

ـ آینا، زرکالو [1] (آینا به زبان آذربایجانی و زرکالو به زبان روسی)

ـ آوراسیا [2] (منابع مالی آن توسط شرکت‌های متعلق به کشور ترکیه تامین می‌شود)

ـ پانوراما [3] (از انتشارات مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی که از نظر مالی وابسته به تبلیغات است و در عین حال از حمایت‌های سیاسی شخصی حیدر علی‌اف برخوردار است)

ـ گونئی [4] (منابع مالی آن توسط سرمایه شخصی تامین می‌شود)

ـ ۷ گون [5] (منابع مالی آن توسط سرمایه شخصی تامین می‌شود)

ـ باکی نسکی بولوار [6] (به زبان روسی)

ـ بیزیم عصر [7] (عصرما) (به دو زبان آذربایجانی و روسی)

ـ گرایش‌های عمده سیاسی حاکم بر مطبوعات آذربایجان

براساس پایش[8] انجام گرفته از روزنامه‌های کشور در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹٦ توسط مرکز تحقیقات اقتصادی و سیاسی «FAR» گرایش‌های سیاسی زیر در مطالب منتشر شده توسط این روزنامه‌ها وجود داشته است:

ـ آذربایجانیسم

ـ آذربایجان متحد[9]

ـ اسلامیسم

ـ لیبرالیسم

ـ اتحاد پیرامون رهبر کشور [10] (آتوریتاریانیسم)

---

1. Ayna/Zerkalo
2. Avrasya
3. Panorama
4. Güney
5. 7 Gün
6. Bakiniski Bulvar
7. Bizimasr
8. Monitoring Azerbaijan
9. Unified
10. Consolidation around the Leader

ـ ناسیونالیسم

ـ سوسیالیسم ـ کمونیسم

در این پایش روزنامه‌ها به ۳ دسته طرفدار دولت، مخالف دولت و مستقل تقسیم شده‌اند و گرایش‌های سیاسی یاد شده در بالا در مطالب منتشر شده توسط روزنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. براین اساس، مرزبندی روزنامه‌ها براساس رابطه آنها با دولت، دقیقا با مرزبندی گرایش‌های سیاسی ذکر شده، مطابقت ندارد. یعنی روزنامه‌های یک دسته در برخی گرایش‌ها با روزنامه یا روزنامه‌هایی از دسته دیگر اشتراک داشته‌اند. گفتنی است که با توجه به عدم تغییر آشکار و محسوس جهت‌گیری سیاسی روزنامه‌ها بعد از سال‌های ۱۹۹٦ و ۱۹۹۵ به‌نظر می‌آید، بررسی انجام شده را بتوان برای تعیین وضع موجود گرایش‌های سیاسی روزنامه‌ها قابل استناد دانست.

با توجه به نتایج استخراج شده از پایش روزنامه‌ها توسط مرکز «FAR» جهت‌گیری سیاسی هر یک از روزنامه‌های مطرح کشور به همراه تعریف مختصری از هر کدام از گرایش‌های سیاسی ذکر شده در این بررسی در پی می‌آید.

ردیف	عنوان گرایش سیاسی	روزنامه‌های طرفدار گرایش سیاسی	خطوط فکری
۱	آذربایجانیسم	آوراسیا، خالق گازتئی، ینئی‌آذربایجان و ملت	اعتقاد به یکپارچگی سرزمینی آذربایجان (فقط آذربایجان شمالی) با مشارکت تمامی اقوامی که در این سرزمین زندگی می‌کنند.
۲	آذربایجان متحد[۱]	آزادلیق، مخالفت، آینا، زرکالو و خالق گازتئی	اتحاد دو آذربایجان (شمالی و جنوبی) و تشکیل یک آذربایجان متحد
۳	اسلامیسم	آوراسیا، زامان، اسلام دوینا‌سی	لزوم آزادی در فعالیت‌های دینی و مخالفت با ناسیونالیسم

۱. گروهی از طرفداران این نظر فقط معتقد به اتحاد فرهنگی و ارتباط آزاد بین دو ملت هستند و به اتحاد سرزمینی اعتقاد چندانی ندارند. روزنامه خالق گازتئی نیز از این دسته است و از این رو این روزنامه در ایده آذربایجانیسم نیز جای گرفته است.

ردیف	عنوان گرایش سیاسی	روزنامه‌های طرفدار گرایش سیاسی	خطوط فکری
٤	لیبرالیسم	آوراسیا، آینا، زرکالو، آزادلیق، خالق گازتئی، یئنی مساوات، مخالفت و ملت	برقراری آزادی‌های فردی و دموکراسی و برتری حقوق بشر بر منافع ملی
٥	ناسیونالیسم	مخالفت، آزادلیق، ملت، آوراسیا و زامان	ایجاد یک دولت ـ ملت قوی و برتری منافع ملی بر حقوق بشر
٦	اتحاد پیرامون رهبر کشور	یئنی آذربایجان و خالق گازتئی	مطرح کردن حیدر علی‌اف به‌عنوان تنها منجی کشور و لزوم حمایت همه جانبه از وی
٧	سوسیالیسم ـ کمونیسم	خالق گازتئی، آینا و زرکالو	احیای مجدد کمونیسم و سوسیالیسم برای بهبود وضع معیشتی مردم

ـ قوانین عمده و مهم مطبوعاتی و نحوه رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی

مهم‌ترین قانون موجود در زمینه مطبوعات در جمهوری آذربایجان «قانون جمهوری آذربایجان در خصوص وسایل اطلاع‌رسانی عمومی (وسایل ارتباط جمعی)[1]» است که در ۷ اکتبر سال ۱۹۹۹ به تصویب مجلس ملی آذربایجان رسیده است. این قانون در تاریخ‌های ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۱ و نیز ۳۰ آوریل ۲۰۰۲ اصلاح شده است. طبق اصلاحات انجام شده برخی از بندهای این قانون که محدودیت‌هایی را در ارتباط با نحوه راه‌اندازی، نحوه استفاده از اطلاعات و نشر آنها و شرایط و صلاحیت‌های مدیران مسئول، سردبیران و روزنامه‌نگاران اعمال می‌کرد، حذف شد و می‌توان گفت که پس از انجام اصلاحات و تغییرات یاد شده شرایط مساعدی برای فعالیت‌های مطبوعاتی به‌وجود آمد.

این قانون شامل تحقیق و پژوهش، جمع‌آوری، تهیه و تنظیم، تولید و نشر اطلاعات عمومی

1. Kütlə̂vi informasiya Vasitə̂lə̂ri hagginda Azə̂rbaycan Respubliksainin Qanunu.

است که غیر از مطبوعات، آژانس‌های اطلاع‌رسانی و رادیو ـ تلویزیون را نیز دربرمی‌گیرد. علاوه بر این قانون، قانون اساسی کشور و قوانین موضوعه نیز در فعالیت‌های مطبوعاتی تسری دارند:

۱. قانون آزادی اطلاعات[1]

۲. قانون نحوه رسیدگی به شکایات شهروندان[2]

۳. قانون ارتباطات [3]

٤. قانون اسرار دولتی[4]

۵. قانون حقوق مؤلف و حقوق مرتبط با آن[5]

علاوه بر موارد یاد شده قوانین و مقررات بین‌المللی (پیمان‌نامه و موافقتنامه‌ها) که آذربایجان آنها را قبول دارد نیز در فعالیت‌های مطبوعاتی تسری دارند و اگر بین مفاد قوانین بین‌المللی و قوانین موضوعه داخلی در خصوص مطبوعات تباینی پیش آید، برطبق مفاد قانون اساسی کشور، قوانین بین‌المللی برتری دارند.

طبق ماده یک «قانون جمهوری آذربایجان در خصوص وسایل اطلاع‌رسانی عمومی» اطلاع رسانی همگانی (شامل تمام مراحل اطلاع‌رسانی) که مطابق قانون انجام می‌شود، آزاد است و هیچ شخص حقیقی و حقوقی نمی‌تواند این آزادی را محدود یا سلب کند.

ماده ۱۰ قانون که در رابطه با جلوگیری از سوء استفاده از آزادی وسایل اطلاع‌رسانی عمومی است، انجام امور زیر که از طریق اطلاع‌رسانی انجام می‌شود، غیرقانونی به شمار می‌آورد:

۱. تغییر حکومت تشکیل شده قانونی، با زور و از راه‌های غیرقانونی

۲. تبلیغ دشمنی ملی، جنگ و درگیری‌های قومی و اجتماعی

۳. توهین به افراد، بهتان و افترا

---

1. M∂lumat Azadligi hagginda Qanun.
2. Vatandaşlarin Müraci∂tl∂rin∂ baxilmasi gaydasi.
3. Rabit∂ Qanunu.
4. Dölat sirri hagginda Qanun.
5. Mü∂lliflik hügugu va ∂lag∂li huguglar hagginda Qanun.

در مواد ۷ و ۸ قانون نیز فقدان سانسور الزامی و حق گرفتن اطلاعات از تمام دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و شخصی و احزاب، اتحادیه‌ها و نظایر آن مجاز دانسته شده است و نیز ارائه اطلاعات بدون کنترل ارگان‌های دولتی عنوان شده و ممنوعیت نشر مطالب در مطبوعات غیرقانونی شمرده شده است.

طبق مواد ٤۹ و ۵۰ این قانون نیز وضعیت روزنامه‌نگاران معین شده است به این صورت که برای مفهوم روزنامه‌نگار و دامنه شمول آن، تعریف معین‌شده و همچنین حقوقی برای آنان در زمینه اطلاع‌رسانی در نظر گرفته شده است.

در ماده ۱۹ قانون نیز تعطیلی مطبوعات تبیین شده است. برابر این ماده؛ اگر مطبوعات مرتکب تخلفات قید شده در ماده ۱۰ قانون شوند، با اقامه دعوی توسط ارگان‌های حکومتی و پس از رسیدگی دادگاه حکم صادر می‌شود. دادگاه می‌تواند مطبوعات را به‌طور موقت یا دائم تعطیل کند.

برابر ماده ۵۰ قانون نیز اگر روزنامه نگاری باعث هتک حرمت به شخصیت حقیقی و حقوقی شود (از طریق نشر مطالب غیرواقعی)، آن روزنامه‌نگار از حقوق روزنامه‌نگاری محروم خواهد شد و این محرومیت از طریق رای دادگاه اعمال خواهد شد.

مطابق این قانون محدودیت‌های قابل اجرا درباره مطبوعات خارجی بیش از مطبوعات داخلی است. برابر ماده ۲۷ این قانون، دولت آذربایجان می‌تواند، براساس حکم دادگاه از ورود و توزیع نشریات خارجی که به تمامیت حاکمیت و امنیت ملی کشور لطمه جدی وارد می‌کند، جلوگیری کرده و اگر این نشریات توزیع شده باشد، برابر حکم دادگاه دولت می‌تواند به جمع‌آوری این نشریات اقدام کند.

ـ فرایند درخواست و راه‌اندازی نشریه

طبق ماده ١٤ قانون جمهوری آذربایجان در رابطه با وسایل اطلاع‌رسانی عمومی برای تأسیس و راه‌اندازی هرگونه نشریه‌ای توسط اشخاص حقیقی و حقوقی نیاز به اخذ مجوز از

ارگان‌های حکومتی نیست. ولی اشخاص خواهان راه‌اندازی نشریه باید ۷ روز قبل از انتشار اولین شماره نشریه، طی نامه‌ای رسمی به مقامات دولتی ضمن اطلاع دادن به دستگاه دولتی ذیربط موارد زیر را اعلام کنند و اگر قبل از این مرحله اقدام به چاپ نشریه کنند، ارگان‌های دولتی با نظر دادگاه می‌توانند از نشر آن جلوگیری کنند؛

ـ اسم نشریه

ـ هدف یا زمینه فعالیت نشریه

ـ عنوان حقوقی نشریه (این‌که نشریه ارگان مطبوعاتی حزب، نهاد دولتی یا تشکل خاصی هست یا خیر؟)

ـ نام و نام‌خانوادگی مدیر مسئول و سردبیر

ـ اگر درخواست کننده شخصیت حقوقی باشد باید اساسنامه ثبت شده‌اش را ارائه دهد.

همچنین طبق این ماده اشخاص حقیقی و حقوقی زیر نمی‌توانند نشریه‌ای را راه‌اندازی کنند:

ـ افرادی که دارای محکومیت جزائی هستند و طبق حکم دادگاه آزاد محسوب نمی‌شوند.

ـ تشکل‌های اجتماعی، احزاب سیاسی و اتحادیه‌هایی که به‌طور رسمی ثبت نشده‌اند یا فعالیت آنها طبق رای دادگاه غیرقانونی اعلام شده است (این بند در مورد درخواست راه‌اندازی نشریه توسط اشخاص حقوقی قابل اجرا است).

طبق ماده ۲۲ این قانون نیز فردی که عهده‌دار مسئولیت سردبیری نشریه‌ای می‌شود، باید شهروند آذربایجان (دارای تابعیت جمهوری آذربایجان) بوده و نیز تحصیلات عالیه (مدرک دانشگاهی) داشته باشد.

۲ـ۲۱) رسانه‌های تصویری

شبکه رادیو ـ تلویزیون و اطلاع رسانی ANS [1] (سرویس خبری آذربایجان)

---

1. Azarbaijan news Service

این شبکه در سال ۱۹۹۰ توسط ۳ روزنامه‌نگار جوان با امکانات اندک راه‌اندازی شد و به مرور فعالیت‌های آن گسترش یافت. در حال حاضر این شبکه در زمینه خبرگزاری، پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و ارائه اخبار و اطلاعات از طریق اینترنت فعالیت دارد و علاوه بر این‌ها برای برخورداری از منابع مالی به امور تجاری نیز می‌پردازد.

جغرافیای فعالیت این شبکه تنها مربوط به آذربایجان نیست و وظیفه اصلی آن در مرحله اول، ایفای نقش مهم‌ترین رسانه خبری در منطقه قفقاز و در مراحل بعدی حضور موثر در مناطق حساس جهان و تهیه اخبار و اطلاعات است، همان‌طور که در سال‌های اخیر این شبکه در بحران‌های منطقه حضوری فعال داشته است. از جمله در بحران جنگ آمریکا و عراق در ابتدای سال ۲۰۰۳ میلادی این شبکه پابه‌پای شبکه‌های CNN، BBC، NTV و الجزایر و نیز خبرگزاری‌های معتبری چون رویتر به تهیه گزارش‌های خبری از عراق پرداخت. در حال حاضر این شبکه تبدیل به گروه شرکت‌های مستقل ANS شده است. شبکه تلویزیونی، رادیویی، استودیوی ضبط و توزیع موسیقی آذربایجانی، خبرگزاری ANS_Press دفتر فروش و تبلیغات ANS Kommers، شرکت خدمات اینترنتی ANS_DX، شرکت صوتی ـ تصویری VVS و شرکت تجاری ساخت، توزیع و تعمیر ساعت از اجزای این گروه هستند.

این شبکه همواره مورد حمایت شخص حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور کشور و پسرش، الهام بوده است. همچنین مسئولان این شبکه در سال ۲۰۰۳ لقب «مرد سال» را به حیدر علی‌اف به‌خاطر تلاش‌هایش در زمینه واقعیت بخشیدن به پروژه انتقال نفت «باکو ـ تفلیس ـ جیحان»، برقراری امنیت اطلاع‌رسانی و خبررسانی در بین سه کشور آذربایجان، ترکیه و گرجستان و امضای موافقت‌نامه‌های دوستی و همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان دادند.

اخبار و اطلاعات این شبکه به چهار زبان آذربایجانی، انگلیسی، روسی و ترکی استانبولی ارائه و پخش می‌شود.

شبکه‌های رادیو و تلویزیون ANS دارای ۷ دفتر در داخل کشور و نیز ۲ دفتر و نمایندگی در کشورهای ترکیه و ارمنستان است.

تعداد کارکنان ثابت شبکه خبری ANS در سال ۱۹۹۹، ۳۰۰ نفر بود. واحد مصطفایف که از بنیانگذاران این شبکه است، ریاست اصلی شبکه را به‌عهده دارد. این شبکه برای پوشش تلویزیونی مناسب در روستای «نوخانی»[1] در شمال کشور ایستگاه «رله و تقویت تلویزیونی»[2] مستقر کرده است و نیز در سال ۲۰۰۲ شبکه تلویزیونی ANS به ماهواره‌های «اوراسیاست» و «ترک ست ۲A» پیوست و باعث شد تا برنامه‌های آن در سراسر خاک آذربایجان، آسیای مرکزی، خاورمیانه، اروپای غربی و بخش‌های زیادی از سرزمین فدراسیون روسیه و آفریقای شمالی قابل دریافت باشد.

منابع مالی شرکت‌های ANS تبلیغات و آگهی‌های تجاری، خدمات اینترنت، تولید کالاهای صوتی و تصویری و محصولات موسیقی و تولید، توزیع و تعمیر ساعت است.

ـ کانال یک تلویزیون آذربایجان[3]

این کانال تلویزیونی زیرنظر «**شرکت برنامه‌های رادیو و تلویزیونی آذربایجان**[4]» فعالیت می‌کند. این کانال در سال ۱۹۵٦ (۱٤ فوریه) برنامه‌های خود را آغاز کرده که بر روی فرکانس ۷۷۲۵ مگاهرتز پخش می‌کند و مشتمل بر ۱۵ بخش یا گروه[5] است.

این شبکه تلویزیونی تنها شبکه تلویزیونی است که برنامه‌های آن در تمام نقاط سرزمین آذربایجان به‌راحتی قابل دریافت است و این برنامه‌ها در کشورهای همسایه نیز دریافت می‌شود. حیطه‌های کارکردی اصلی این تلویزیون تشریح و تبیین سیاست‌های دولت و تبلیغ آن، انعکاس فعالیت‌های رئیس جمهور و وضعیت اقتصادی و فرهنگی است. اکثر برنامه‌های این تلویزیون به زبان ترکی ـ آذربایجانی است و برخی برنامه‌های آن نیز به زبان‌های روسی و انگلیسی پخش می‌شود.

---

1. Novxani
2. Rebrodcasting
3. Aztv-1kanali
4. Azərbaycan Dövlat Televiziya vo Radio Verilişləri Şirkəti
5. Redaksiya

آگهی‌های تبلیغاتی این کانال را آژانس تبلیغاتی «میراژ ـ مدیا»[1] برعهده دارد و بیشتر پیام‌های بازرگانی پخش شده از AZTV-1 توسط این شرکت انجام می‌شود. مبلغ دریافتی بابت پیام‌های بازرگانی در این شبکه تلویزیونی ۱۸۰ تا ٤٥۰ دلار به ازای هر ٦۰ ثانیه آگهی است که بالاترین قیمت در این خصوص مربوط به فاصله زمانی ۵ دقیقه قبل و بعد از اخبار است.(۳۷)

ـ کانال دو تلویزیون آذربایجان[2]

این کانال تلویزیونی نسبت به کانال یک فعالیت محدودتری دارد. برنامه‌های آن بیشتر در باکو و شبه‌جزیره آبشارون از ساعت ۱۸ تا ۲۰ پخش می‌شود. برخی از برنامه‌های کانال یک (از جمله برنامه اخبار) توسط کانال دو تکرار می‌شود. سایر برنامه‌های این تلویزیون بیشتر موسیقی و سرگرمی است.

برنامه‌های این شبکه به زبان‌های ترکی آذربایجانی و روسی پخش می‌شود. قیمت آگهی‌های بازرگانی در این شبکه در زمان پخش فیلم سینمایی ۲٤۰ دلار به ازای هر ٦۰ ثانیه و در سایر اوقات ۲۱۰ دلار است.(۳۸)

ـ کانال یک رادیو آذربایجان

این رادیو در سال ۱۹۲٦ شروع به‌کار کرد و برنامه‌های آن به مرور متنوع و گسترده‌تر شد. در این رادیو موضوعات عمده‌ای که در حال حاضر به آنها پرداخته می‌شود، عبارتند از: سیاست‌ها و تدابیر دولت، فعالیت‌های رئیس‌جمهور و تبیین و تبلیغ آنها. این رادیو ۸ بخش دارد از جمله؛ اخبار اجتماعی ـ سیاسی، درام ادبی، جوانی و برنامه‌های موسیقی. این کانال رادیویی در امواج زیر پخش می‌شود:

ـ موج بلند فرکانس ۲۱۸ کیلوهرتز

ـ موج متوسط فرکانس ۸۰۱ کیلوهرتز

---

1. Miraj-Media

2. Aztv-2 Kanali

ـ موج کوتاه فرکانس ۱۰۳۰ کیلوهرتز

جغرافیای فعالیت و محدوده تحت پوشش برنامه‌های این رادیو تمام نقاط سرزمین آذربایجان و اراضی ممالک همسایه است. زمان پخش برنامه‌های این رادیو هر روز از ساعت ٦ تا ٢٤ است و برنامه‌های خود را به زبان‌های ترکی آذربایجانی و روسی پخش می‌کند.

این کانال رادیویی از نظر سازمانی زیر نظر «شرکت برنامه‌های تله‌رادیوی دولتی آذربایجان»[1] اداره می‌شود که این شرکت نیز زیر نظر شرکت برنامه‌های رادیو و تلویزیونی آذربایجان است.

رئیس شرکت برنامه‌های تله‌رادیوی دولتی آذربایجان هنرمند و نویسنده مشهور «مولود سلیمان اوغلو سلیمانلی» است که در عین حال معاون نظامی خودیف رئیس شرکت برنامه‌های رادیو و تلویزیونی آذربایجان است.(۳۹)

ـ رادیو آراز[2]

برنامه‌های این رادیو اولین بار در سال ١٩٦٤ پخش شد. برنامه‌های این رادیو هر روز از ساعت ۷ تا ۲۳ (به وقت محلی) پخش می‌شود. اخبار و هنرهای ملی از عمده‌ترین بخش‌های این رادیو هستند. این رادیو هر روز ۳ ساعت و نیم از زمان پخش برنامه‌های خود را به اخبار و اطلاع‌رسانی اختصاص می‌دهد. بقیه زمان پخش برنامه‌ها را بخش‌های دیگر از جمله برنامه‌های موسیقی تشکیل می‌دهد.

برنامه‌های این رادیو بر روی موج متوسط فرکانس ١٤٧٦ کیلوهرتز و موج کوتاه پخش می‌شود. جغرافیای فعالیت و محدوده پوشش این رادیو بیشتر از کانال یک رادیوی دولتی است، برنامه‌های رادیو آراز علاوه بر اراضی سرزمین آذربایجان، در اروپا، آسیا و آفریقا نیز دریافت می‌شود.

---

1. Azərbaycan Dövlat Teleradio Verilişləri Şirkəti
2. Araz Radiosu

در ساعاتی که این رادیو برنامه پخش نمی‌کند بر روی همین فرکانس‌ها برنامه‌های بخش آذربایجانی رادیو بی‌بی‌سی به مدت یک ساعت و نیم پخش می‌شود.

برنامه‌های رادیو آراز علاوه بر ترکی آذربایجانی به زبان‌ها روسی، کردی و لزگی نیز پخش می‌شود.(٤٠)

ـ استودیو پخش برای کشورهای خارجی[1]

این استودیو زیرنظر شرکت برنامه‌های تله‌رادیوی دولتی آذربایجان اداره می‌شود و برنامه‌های آن به ۸ زبان تهیه و پخش می‌شود. این برنامه‌ها هیچ‌گونه آگهی بازرگانی ندارند. اسامی زبان‌هایی که برنامه در این استودیو تولید و پخش می‌شود، به همراه ساعات پخش روزانه و نیز سال شروع برنامه و طول موج پخش آن‌ها در جدول زیر آمده است:

1. Xarici ölkələrə yayim Studiyasi (خارجی اولکه‌لره یاییم استودیاسی)

ردیف	زبان	سال شروع برنامه (میلادی)	ساعت پخش																موج کوتاه	موج متوسط
			۸:۳۰ تا ۸:۱۵	۹ تا ۸:۳۰	۱۵:۳۰ تا ۱۵	۱۶ تا ۱۵:۳۰	۱۶:۳۰ تا ۱۶	۱۷ تا ۱۶:۳۰	۱۷:۳۰ تا ۱۷	۱۸ تا ۱۷:۳۰	۱۸:۳۰ تا ۱۸	۱۹ تا ۱۸:۳۰	۱۹:۳۰ تا ۱۹	۲۰ تا ۱۹:۳۰	۲۰:۳۰ تا ۲۰	۲۱ تا ۲۰:۳۰	۲۱:۳۰ تا ۲۱	۲۲ تا ۲۱:۳۰		
۱	ترکی آذربایجانی (برای آذربایجانی‌های خارج از کشور)	۱۹۵۶	■	■					■	■	■	■							٤٩/٠١ متر ٤٨/٨٨ متر	٢٣١/٤ متر
۲	ترکی استانبولی	۱۹٤۱					■	■											٤٩/٠١ متر ٤٨/٨٨ متر	٢٣١/٤ متر
۳	فارسی	۱۹٤۱			■	■													٤٩/٠١ متر ٤٨/٨٨ متر	٢٣١/٤ متر
٤	عربی	۱۹۹۲													■	■			٤٩/٠١ متر ٤٨/٨٨ متر	٢٣١/٤ متر
۵	انگلیسی	۱۹۹۲															■		٤٩/٠١ متر ٤٨/٨٨ متر	٢٣١/٤ متر
٦	فرانسوی	۱۹۹٤																■		٢٠٣/٤ متر ٢٣١/٥ متر
۷	آلمانی	۱۹۹٤														■				٢٠٣/٤ متر ٢٣١/٥ متر
۸	روسی	۱۹۹٤																■	٤٩/٠١ متر ٤٨/٨٨ متر	٢٣١/٤ متر

ردیف	زبان	سال شروع برنامه (میلادی)	ساعت پخش																موج کوتاه	موج متوسط
			۸:۱۵ تا ۸:۳۰	۸:۳۰ تا ۹	۱۵ تا ۱۵:۳۰	۱۵:۳۰ تا ۱۶	۱۶ تا ۱۶:۳۰	۱۶:۳۰ تا ۱۷	۱۷ تا ۱۷:۳۰	۱۷:۳۰ تا ۱۸	۱۸ تا ۱۸:۳۰	۱۸:۳۰ تا ۱۹	۱۹ تا ۱۹:۳۰	۱۹:۳۰ تا ۲۰	۲۰ تا ۲۰:۳۰	۲۰:۳۰ تا ۲۱	۲۱ تا ۲۱:۳۰	۲۱:۳۰ تا ۲۲		
۱	ترکی آذربایجانی (برای آذربایجانی های خارج از کشور)	۱۹۵۶	■	■					■	■	■	■							۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۲	ترکی استانبولی	۱۹۴۱					■	■											۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۳	فارسی	۱۹۴۱			■	■													۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۴	عربی	۱۹۹۲													■	■			۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۵	انگلیسی	۱۹۹۲															■		۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۶	فرانسوی	۱۹۹۴																■		۲۰۳/۴ متر ۲۳۱/۵ متر
۷	آلمانی	۱۹۹۴														■				۲۰۳/۴ متر ۲۳۱/۵ متر
۸	روسی	۱۹۹۴																■	۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر

ردیف	زبان	سال شروع برنامه (میلادی)	ساعت پخش ۸:۱۵ تا ۸:۳۰	۸:۳۰ تا ۹	۱۵ تا ۱۵:۳۰	۱۵:۳۰ تا ۱۶	۱۶ تا ۱۶:۳۰	۱۶:۳۰ تا ۱۷	۱۷ تا ۱۷:۳۰	۱۷:۳۰ تا ۱۸	۱۸ تا ۱۸:۳۰	۱۸:۳۰ تا ۱۹	۱۹ تا ۱۹:۳۰	۱۹:۳۰ تا ۲۰	۲۰ تا ۲۰:۳۰	۲۰:۳۰ تا ۲۱	۲۱ تا ۲۱:۳۰	۲۱:۳۰ تا ۲۲	موج کوتاه	موج متوسط
۱	ترکی آذربایجانی (برای آذربایجانی‌های خارج از کشور)	۱۹۵۶	■	■					■	■	■	■							۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۲	ترکی استانبولی	۱۹۴۱					■	■											۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۳	فارسی	۱۹۴۱			■	■													۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۴	عربی	۱۹۹۲													■	■			۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۵	انگلیسی	۱۹۹۲															■		۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر
۶	فرانسوی	۱۹۹۴																■		۲۰۳/۴ متر ۲۳۱/۵ متر
۷	آلمانی	۱۹۹۴														■				۲۰۳/۴ متر ۲۳۱/۵ متر
۸	روسی	۱۹۹۴																■	۴۹/۰۱ متر ۴۸/۸۸ متر	۲۳۱/۴ متر

فصل بیست و دوم
بررسی آموزش و پرورش و آموزش عالی در آذربایجان

۱ـ۲۲) سیستم، ساختار و کارکرد نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی

جمهوری آذربایجان در زمان حاکمیت امپراتوری روسیه‌تزاری در بین سایر مناطق امپراتوری به‌ویژه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، از نظر سطح سواد و آموزش دارای موقعیت ممتازی بود و مراکز آموزشی اصلی منطقه در این سرزمین قرار گرفته بود. بعد از حاکمیت بلشویک‌ها نیز جمهوری آذربایجان این موقعیت ویژه را حفظ کرد. سیستم آموزشی در این جمهوری تا چند سال اخیر هنوز به‌شدت متأثر از نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سوسیالیستی بود و ساختار کاملا دولتی بر نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور حاکم بود. ولی در چند سال اخیر که جمهوری آذربایجان گام در راه جهانی شدن و توسعه همه‌جانبه روابط با کشورهای غربی گذاشته است، ساختار و سیستم کاملا دولتی در حال تغییر است و مدارس

خصوصی نیز کم‌کم شکل گرفته و در حال گسترش هستند. در بخش دولتی هزینه آموزش و پرورش از طریق مالیات و سایر درآمدهای دولتی تامین می‌شود و در کنار آن مدارس خصوصی با تکیه بر درآمدهای خود فعالیت می‌کنند.

براساس قانون آموزشی مصوب دسامبر ۱۹۹۲، مقاطع آموزش و پرورش و آموزش عالی به ۳ بخش تقسیم می‌شوند: مقطع آمادگی، عمومی و آموزش عالی. مقطع آمادگی دوره پیش دبستانی را شامل می‌شود و مقطع عمومی خود شامل ۳ مقطع ابتدایی (از کلاس اول تا چهارم)، پایه (پنجم تا نهم) و متوسطه یا فنی ـ حرفه‌ای (دهم و یازدهم) است که انتهای مقطع، پایه سال آخر آموزش اجباری نظام آموزش و پرورش کشور محسوب می‌شود. مقطع آموزش حرفه‌ای و عالی شامل آموزش‌های کاربردی بعد از تحصیلات متوسطه و نیز آموزش عالی است. آموزش عالی در جمهوری آذربایجان در مدارس عالی، کالج‌ها، انستیتوها، آکادمی‌ها، هنرستان‌های عالی (مخصوص موسیقی) و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. مقطع آمادگی شامل؛ مهدکودک‌ها و مؤسسات آمادگی کودکان استثنایی است و مقطع آموزش عمومی که با دوره ابتدایی شروع می‌شود، کودکان ٦ سال به بالا را دربر می‌گیرد. در مقطع آموزش عمومی تا پایان دوره پایه (کلاس نهم) رشته خاصی آموزش داده نمی‌شود ولی بعد از پایان مقطع پایه، دانش‌آموزان براساس علایق و نیز توانایی‌هایشان یا در مدارس هنر و فنی‌وحرفه‌ای و یا در مدارس متوسطه که ۲ رشته ریاضی طبیعی و انسانی دارد، به تحصیل می‌پردازند. در مقطع آموزش عالی نیز سه دوره وجود دارد که عبارتند از: باکالاور[1] (لیسانس)، ماستر[2] (فوق لیسانس) و دکترا.

نظام آموزش و پرورش عالی در جمهوری آذربایجان چه در دوره نظام کمونیستی و چه بعد از آن عموماً کارکرد موفقی داشته است. هر چند که در زمان حاکمیت روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی آموزش و باسوادی در آذربایجان به نهایت رشد و ارتقای سطح کیفی

---

1. Bakalavr
2. Master

رسیده بود ولی بعد از استقلال کشور، نظام آموزشی با تکیه بر دانش خود و در سایه ارتباطات گسترده و روبه تزاید با جهان غرب در حال رسیدن به استانداردهای جهانی است. البته در کنار این رشد کیفی، از نظر کمی نظام آموزشی اندکی پسرفت داشته است که آن‌هم مربوط به عدم تحصیل برخی از فرزندان آوارگان جنگی است که میزان باسوادی بالای ۹۹ درصد در این جمهوری را دو یا سه درصد کاهش داده است.

رشد باسوادی و گرایش مردم به آموزش در دوران‌های روسیه تزاری و نظام کمونیستی شوروی در حالی صورت گرفت که در مقاطع مختلف، موانع زیادی بر سر راه این فرایند توسط روس‌ها ایجاد شد (نه با هدف جلوگیری از رشد سواد در آذربایجان بلکه برای مقاصد حاکمیتی و هژمونیک روس‌ها در منطقه قفقاز) ممنوعیت تدریس زبان ترکی آذربایجان در زمان روسیه تزاری (که در یک دوره افراد زیادی از جمله زنان را از تحصیل محروم کرد)، تغییر الفبا از عربی به لاتین[1] در سال ۱۹۲۰ و از لاتین به کریل[2] در سال ۱۹۳۰ از جمله این موانع بودند. ولی علی‌رغم اینها گرایش سنتی مردم آذربایجان به باسوادی و پیشینه ممتاز این سرزمین در علم و فرهنگ باعث شد که سیاست‌های استیلاجویانه قوم حاکم (روس‌ها) نتوانند از پیشرفت علم و دانش در این سرزمین جلوگیری کند. آمار ارائه شده از سوی نهادهای مسئول در شوروی حاکی از رشد کم‌نظیر باسوادی در این جمهوری در سال‌های حاکمیت کمونیست‌هاست. طبق این آمار در سال ۱۹۷۰، ۱۰۰ درصد مردان و زنان بین ۹ تا ٤۹ سال باسواد بودند.

هرچند که ساختار و محتوای آموزش در آذربایجان در سال‌های حاکمیت شوروی از سوی مسکو تعیین می‌شد ولی طی این سال‌ها نیز زبان ترکی آذربایجانی وزن اصلی را در محتوای دروس مدارس و مراکز آموزش عالی داشته است. در سال ۱۹۸۸ حدود ۱۸ درصد از محتوای مطالب آموزشی در نظام آموزشی آذربایجان به زبان روسی بود که از این سال به بعد جایگاه و

1. Roman
2. Cyrillic

اهمیت زبان روسی رفته‌رفته تنزل یافته و در حال حاضر این درصد بسیار پایین آمده و زبان روسی جای خود را در نظام آموزش کشور به زبان انگلیسی داده است. آذربایجان بعد از استقلال در کنار توجه بیشتر به زبان ترکی آذربایجانی و حذف تدریجی زبان روسی در نظام آموزش به آموزش‌های دینی که در زمان حکومت شوروی ممنوع بود، نیز اهمیت داده و در این راه کشور ترکیه را الگوی خود قرار می‌دهد.

ـ آمار مراکز آموزشی دانش آموزان و دانشجویان به قرار زیر است:(٤١)

تعداد مدارس ابتدایی، پایه و متوسطه	٤,٤٨٦ باب
تعداد مدارس فنی و حرفه‌ای	١٦٩ باب
تعداد کالج	٧٤ باب
تعداد دانشگاه‌ها	٢٣ باب
تعداد دانش‌آموزان	١,٥٥٣,٠٠٠ نفر
تعداد دانشجویان	١١٠,٠٠٠ نفر
تعداد معلمان	١٥٢,٦٠٠نفر

همچنین میزان تحصیلات در بین افراد بالای ١٥ سال سن به قرار زیر است:

تحصیلات عالی (دانشگاهی)	١٢ درصد
تحصیلات عالی نیمه تمام	١/٤ درصد
تحصیلات مقطع فنی ـ حرفه‌ای	١٤ درصد
تحصیلات متوسطه	٤٣ درصد
تحصیلات پایه (کلاس هشتم)	١٩/٨ درصد
تحصیلات نیمه تمام ابتدایی و پایه	٩/٨ درصد

ردیف	نام دانشگاه‌ها	سال تأسیس	محل استقرار	تعداد دانشکده	عناوین مهم‌ترین دانشکده‌ها	تعداد دانشجو	تعداد استاد و مدرس
۱	دانشگاه دولتی باکو (محمدامین رسول‌زاده)	۱۹۱۹	باکو	۱۲	پزشکی، تاریخ و ادبیات، فیزیک و ریاضی، خاورشناسی، حقوق، روزنامه‌نگاری، فلسفه، شیمی و جغرافیا	۲۰ هزار نفر	۱,۵۰۰نفر
۲	آکادمی دولتی نفت جمهوری آذربایجان	۱۹۲۰	باکو	۸	نفت و معدن، شیمی و انرژی	۱۸ هزار نفر	۱,۲۰۰ نفر
۳	دانشگاه فنی جمهوری آذربایجان	۱۹۵۰	باکو	۸	ماشین‌سازی، الکترونیک، حمل و نقل و کامپیوتر	۱۵ هزار نفر	۸۰۰ نفر
٤	دانشگاه مهندسی راه و ساختمان	۱۹۷۵	باکو	۸	راه و ساختمان، معماری، آبیاری و بهداشت محیط	۱۰ هزار نفر	٦۰۰ نفر
۵	انستیتو دولتی اقتصاد	۱۹۳۷	باکو	۵	اقتصاد و مدیریت تولید، حسابداری، بازرگانی و طرح‌های اقتصادی	۸ هزار نفر	۳۵۰ نفر
٦	آکادمی دولتی کشاورزی و امور روستایی جمهوری آذربایجان	۱۹۲۵	باکو	-	-	۸ هزار نفر	۵۰۰ نفر
۷	دانشگاه دولتی علوم پزشکی جمهوری آذربایجان (نریمان نریمانف)	۱۹۳۰	باکو	۵	پزشکی، اطفال، بهداشت حرفه‌ای، داندنپزشکی و داروسازی	۹ هزار نفر	۳۰۰ نفر
۸	دانشگاه خزر	-	باکو	-	-	-	۲۰۰ نفر
۹	دانشگاه قفقاز	۱۹۹۳	باکو	۵	مهندسی، اقتصاد، مدیریت، حقوق و زبان‌شناسی	-	-
۱۰	دانشگاه غرب	۱۹۹۱	باکو	٤	علوم سیاسی، مدیریت و بازرگانی	هزار نفر	-

علاوه بر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی یاد شده، آکادمی علوم آذربایجان به‌عنوان بالاترین و معتبرترین مرکز علمی، پژوهشی کشور فعالیت دارد. این آکادمی فعالیت آموزشی ندارد و وظیفه اصلی آن رهبری و هماهنگی مراکز علمی و تحقیقاتی کشور است.

آکادمی علوم آذربایجان ۵ شعبه، ٢٤ انستیتو و تعدادی انجمن علمی دارد. این آکادمی نشریات و بولتن‌هایی در زمینه‌های ریاضیات، فیزیک، جغرافیا و زمین‌شناسی، نفت، زیست‌شناسی، تاریخ، فلسفه، حقوق، ادبیات و هنر، علوم اقتصادی و زبان‌شناسی را به‌صورت مستمر منتشر می‌کند.

مؤسسات (انستیتوها) و انجمن‌های علمی زیر، تحت نظر آکادمی علوم آذربایجان اداره می‌شوند:

۱. مؤسسه فیزیک
۲. مؤسسه سایبرنتیک
۳. انجمن ریاضیات آذربایجان
٤. مؤسسه ریاضیات و فیزیک
۵. انجمن فیزیک آذربایجان
٦. مؤسسه زمین‌شناسی
۷. مؤسسه جغرافیا
۸. مؤسسه منابع نفت و گاز
۹ مؤسسه مطالعات منابع طبیعی
۱۰. انجمن جغرافیای آذربایجان
۱۱. کمیسیون دریای خزر
۱۲. کمیسیون معدن‌شناسی
۱۳. مؤسسه فرایندهای شیمیایی
١٤. مؤسسه تئوری‌های تکنولوژی شیمیایی

۱۵. مؤسسه ژنتیک
۱٦. مؤسسه فیزیولوژی
۱۷. انجمن بیوشیمی آذربایجان
۱۸. مؤسسه تاریخ
۱۹. مؤسسه اقتصاد
۲۰. مؤسسه حقوق و فلسفه
۲۱. مؤسسه مطالعات شرق‌شناسی
۲۲. مرکز مطالعات علوم اجتماعی
۲۳. کمیته اصطلاح‌شناسی
۲٤. آرشیو نسخ خطی
۲۵. موزه تاریخ آذربایجان
۲٦. موزه ادبیات و زبان نظامی گنجوی
۲۷. موزه هنری و معماری

در بین دانشگاه‌های جمهوری آذربایجان، دانشگاه‌های خزر، قفقاز و غرب که هر سه غیردولتی هستند، از سیستم‌های آموزشی به‌جا مانده از نظام کمونیستی فاصله گرفته و وارد سیستم‌های آموزشی غربی شده‌اند و در این راه دانشگاه‌های آمریکا و ترکیه را الگو قرار داده‌اند. در این دانشگاه‌ها آموزش به زبان انگلیسی صورت می‌گیرد و مدارک تحصیلی آنها توسط دانشگاه‌های معتبر غرب مطابقت داده شده و مورد پذیرش واقع می‌شوند. این دانشگاه‌ها همچنین دارای ارتباطات گسترده‌ای با دانشگاه‌های کشورهای غربی هستند. دانشگاه قفقاز که از طرف مؤسسه معتبر علمی ـ آموزشی «چاغ» ترکیه راه‌اندازی شد و یکی از دانشگاه‌های موفق در سال‌های اخیر محسوب می‌شود، به‌طوری‌که در چند سال اخیر در ارزشیابی عملکرد دانشگاه‌های آذربایجان رتبه اول را کسب کرده است. دانشگاه خزر نیز امروزه به یکی از معتبرترین دانشگاه‌های کشور تبدیل شده و در منطقه از وجهه مناسبی برخوردار است

به‌طوری‌که دانشجویانی از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برخی کشورهای اروپایی، ایران، ترکیه، هند و پاکستان در آن مشغول تحصیل و اساتید مشهوری نیز مشغول تدریس هستند که چند نمونه از آنها در ادامه بحث توضیح داده خواهد شد. دانشگاه غرب نیز علی‌رغم تعداد کم‌دانشجو، ارتباطات گسترده‌ای با دانشگاه‌های خارجی و بین‌المللی و سازمان‌ها و نهادها بین‌المللی دارد. فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در دانشگاه‌های معتبر آمریکا و نیز دانشگاه سوربن فرانسه ادامه تحصیل می‌دهند. این دانشگاه در نهادهای بین‌المللی زیر عضویت دارد:

- بنیاد توسعه مدیریت اروپا [۱]
- انجمن بین‌المللی دانشگاه‌های وابسته به یونسکو [۲]
- مؤسسه بین‌المللی علوم اداری [۳]
- انجمن دانشگاه‌های کشورهای حوزه دریای سیاه [٤][(٤٢)]

۲ـ۲۲) برخی از مهم‌ترین اساتید دانشگاه‌ها و شخصیت‌های فرهنگی

هاملت عیسی‌خانلی [٥]

هاملت عیسی‌خانلی، استاد ریاضیات، در سال ۱۹۷۰ از دانشگاه دولتی آذربایجان، در سال ۱۹۷۳ از دانشگاه دولتی مسکو و در سال ۱۹۸۳ از آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی فارغ‌التحصیل شد. او بنیانگذار دانشگاه غیردولتی خزر در جمهوری آذربایجان است و نیز ریاست این دانشگاه را عهده‌دار است. علاوه بر آن وی از سال ۱۹۹۵ سردبیر مجله مطالعات آذربایجان است و بیش از ۸۰ عنوان تحقیق و پژوهش در زمینه‌های ریاضیات، آموزش، بیوگرافی شخصیت‌های علمی، آموزش زبان، شعر و ادبیات دارد.

1. European Fund for Management Development
2. International Universities Association
3. International Institute of Administrative Sciences
4. Universities Association of Black Sea Network Countries
5. Hamlet Isaxanli

عیسی‌خانلی از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ رئیس دپارتمان ریاضی مؤسسه اقتصاد و مالیه جمهوری آذربایجان و از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ استاد علوم ارتباطات در دانشگاه دولتی جمهوری آذربایجان بود. او سمپوزیوم‌های متعددی را سازماندهی و مدیریت کرده و بنیانگذار باشگاه فوتبال دانشگاه خزر نیز به شمار می‌رود. علاوه بر این در سال ۱۹۹٦ وی معاون رئیس شورای رهبری دانشگاه‌های آذربایجان، در سال ۱۹۹۷ عضو هیأت مدیره بنیاد اوراسیا، در سال ۱۹۹۹ عضو هیأت مدیره مؤسسه جامعه آزاد و در سال ۲۰۰۰ مدیر مرکز بیوگرافی بین‌المللی دانشگاه کمبریج انگلستان بود.

او علاقه‌مند به مطالعه و پژوهش در زمینه‌های ریاضیات، آموزش، ادبیات، تاریخ، فرهنگ و علوم سیاسی بوده و به زبان‌های ترکی آذربایجانی (زبان مادری)، روسی، انگلیسی و ترکی استانبولی تسلط دارد. عیسی‌خانلی علاوه بر دریافت جوایز متعدد داخلی، در سال ۱۹۹۵ از مؤسسه جهانی مدیریت کیفیت در لندن جایزه دریافت کرد.[٤٣]

نشانی پست الکترونیک: hamlet@khazar.org

محمد نوری‌اف[1]

محمد نوری‌اف، استاد سیستم‌های کنترل و ارتباطات در سال ۱۹٦۹ در رشته مهندسی الکترومکانیک و در سال ۱۹۷۵ در مقطع دکترای تخصصی اتوماسیون و مکانیزاسیون از انستیتو نفت و گاز جمهوری آذربایجان در باکو فارغ‌التحصیل شد. از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹٦ استاد دپارتمان سیستم‌های کنترل کامپیوتری در آکادمی دولتی نفت آذربایجان بوده و از سال ۱۹۹۷ رئیس دانشکده اقتصاد و مدیریت در دانشگاه خزر است. وی تاکنون ۳ عنوان کتاب و بیش از ۵۰ عنوان مقاله علمی تألیف کرده است. او علاقه‌مند به پژوهش در زمینه‌های مدل‌سازی سیستم‌ها، سیستم‌های پایگاه اطلاعات مدیریت، نرم‌افزارهای کامپیوتری، تکنولوژی اطلاعات،

1. Məhəmməd Nuriyev

مدیریت عملیات و تولید و غیره است و علاوه بر زبان ترکی آذربایجانی به زبان‌های روسی، انگلیسی و ترکی استانبولی نیز تسلط دارد. نوری‌اف در سال ۱۹۸۱ موفق به دریافت جایزه از طرف دولت به‌خاطر کارهای تحقیقاتی شد.(٤٤)

نشانی پست الکترونیک: Mnuriyev@khazar.org

لیلا مرادخان اوا[1]

لیلا مرادخان‌اوا، استاد علوم ارتباطات در سال ۱۹۸۸ در رشته مهندسی سیستم‌های کنترل و در سال ۱۹۹۲ در رشته سیستم‌های اطلاعات (دوره دکترای تخصصی) از آکادمی دولتی نفت فارغ‌التحصیل شد. علاوه بر آن وی از دانشکده برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه دولتی گرجستان و دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه خزر فارغ‌التحصیل شده است و دوره‌هایی را در دانشگاه‌های آتلانتای آمریکا و دانشگاه Middlesex انگلستان گذرانده است.

لیلا مرادخان‌اوا از سال ۱۹۹٤ تا ۲۰۰۰ استادیار آکادمی دولتی نفت آذربایجان بوده و از سال ۱۹۹۸ در سمت استاد علوم ارتباطات در دانشگاه خزر مشغول به‌کار بوده و در حال حاضر علاوه بر تدریس، رئیس مرکز توسعه دانشگاه خزر نیز می‌باشد. وی علاقه‌مند به تحقیق در زمینه‌های تکنولوژی اطلاعات و علوم طراحی است و بیش از ۲۵ مقاله علمی در زمینه‌های سیستم‌های اطلاعاتی و علوم کامپیوتری ارائه داده است. مرادخان‌اوا به زبان‌های ترکی آذربایجانی (زبان مادری)، انگلیسی، روسی، ترکی استانبولی و فرانسه تسلط دارد.(٤٥)

نشانی پست الکترونیک: Lmuradkhanova@khazar.org
Lmuradkhnaova@hotmail.com

حافظ علی‌اف[2]

حافظ علی‌اف، استادیار دپارتمان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در دانشگاه خزر و معاون

---

1. Leyla Muradxanova
2. Hafiz Əliyev

سردبیر مجله مطالعات آذربایجان است. وی فارغ‌التحصیل دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه فنی خاورمیانه آنکارا (در رشته روابط بین‌الملل) و دپارتمان مطالعات شرق و آفریقا در دانشگاه لندن (در رشته علوم سیاسی) و نیز دانشکده عالی دیپلماسی باکو است. از وی مقالات و پژوهش‌های متعددی منتشر شده است که یکی از مهم‌ترین آنها «اقتصاد و انرژی از منظر روابط بین‌الملل» است که در ترکیه در سال ۱۹۹۷ چاپ گشت. حافظ علی‌اف علاوه بر زبان مادری‌اش (ترکی آذربایجانی) به زبان‌های انگلیسی، روسی، ترکی استانبولی، اسپانیانی و فارسی نیز مسلط است.[٤٦]

نشانی پست الکترونیک: dembles@hotmail.com
haliyev@khazar.org

نیظامی مناف اوغلو خودیف[۱]

وی در سال ۱۹٤۹ میلادی در منطقه شاه‌بوز جمهوری خودمختار نخجوان به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۰ در رشته علوم تربیتی از دانشگاه دولتی باکو فارغ‌التحصیل شد و به شغل دبیری پرداخت. در سال ۱۹۷۸ در رشته زبان‌شناسی موفق به اخذ درجه دکترا شده و از سال ۱۹۹۱ به عضویت هیات علمی دانشگاه علوم تربیتی آذربایجان درآمد. وی از سال ۱۹۹٤ به‌عنوان مدیر دانشگاه انتخاب شد.

در سال ۱۹۹۵ به سمت ریاست «شرکت برنامه‌های رادیو تلویزیونی دولتی آذربایجان» انتخاب شد و تاکنون در این سمت مشغول به کار است.

او در زمینه زبان‌شناسی (به‌ویژه زبان ترکی آذربایجانی) فعالیت‌های گسترده و چشمگیری داشته است. نوشتن ۳۰ عنوان مونوگرافی، ۱۸ سناریوی فیلم مستند و بیش از ۲۵۰ عنوان مقاله از دیگر فعالیت‌های وی محسوب می‌شود. خودیف به‌عنوان استاد ترک‌شناسی در سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌های برگزار شده در آذربایجان و نیز سایر کشورها مانند روسیه، قزاقستان،

---

1. Nizami Manaf Oğlu Xudiyev

قرقیزستان، ازبکستان و ترکیه شرکت کرده و به ارائه مقاله یا ایراد سخنرانی پرداخته است. همچنین برخی از کتب و مقالات وی به زبان‌های خارجی ترجمه شده است. از معروف‌ترین کتب او که به زبان‌های دیگر ترجمه شده، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تاریخ زبان ادبی آذربایجان[۱] که در ایران توسط حسین شرقی به الفبای عربی برگردانده شده و انتشارات راستان در سال ۱۳۷۷ آن را منتشر کرده است.

۲. ادبیات ترجمه و زبان ادبی ما[۲]

۳. تاریخ زبان آذربایجانی[۳]

او بارها در قالب هیات‌های مقامات دولتی و نمایندگان مجلس آذربایجان به کشورهای خارجی سفر کرده است.

خودیف جوایز زیادی به‌خاطر فعالیت‌های علمی در زمینه آموزش و علوم تربیتی و نیز تالیف آثار متعدد گرفته است. علاوه بر جوایزی که وی از طرف نهادهای مختلف فرهنگی آذربایجان از قبیل اتحادیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران، جمعیت روشنفکران و نظایر آن کسب کرده است، در سال ۲۰۰۰ از سوی مرکز بیوگرافیک دانشگاه کمبریج انگلیس از بین ۲۰۰۰ متفکر و روشنفکر معرفی شده، به‌عنوان روشنفکر بین‌المللی سال انتخاب شده است.

خودیف علاوه بر اینکه یک شخصیت فرهنگی معروف در آذربایجان و ممالک ترک زبان محسوب می‌شود در داخل کشور نیز یک شخصیت سیاسی محسوب می‌شود. او دوبار در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ به‌عنوان نماینده مجلس ملی از منطقه بابک در جمهوری خودمختار نخجوان انتخاب شده و به مجلس ملی راه پیدا کرد و در دوره‌ای که آذربایجان در حال کسب تجربه از نظر ساختارهای سیاسی و قوانین مورد نیاز بود، او نقش مهمی در این خصوص در مجلس ملی ایفا می‌کرد و یکی از شخصیت‌های مهم در زمینه تدوین و اصلاح قوانین موضوعه کشور به شمار می‌آمد.

---

1. Azərbaycan ədəbi dilinin tərixi`
2. Tərcümə ədabiyyəti va adabi dilimiz
3. Azərbaycan dilinin tarixi

خودیف از منظر سیاسی عضو حزب آذربایجان نوین محسوب می‌شود و در شورای رهبری (هیات عامل) حزب نیز عضویت دارد. با توجه به عضویت و مسئولیت وی در حزب آذربایجان نوین و مدیریت رادیو ـ تلویزیون دولتی آذربایجان، می‌توان گفت که وی از حامیان اصلی دولت و شخص حیدر علی‌اف بوده و از سوی رئیس‌جمهور نیز حمایت می‌شود. البته وی در کنار حمایت از دولت علی‌اف سعی دارد در نهادهای سیاسی و فرهنگی نیز ایفای نقش کند. خودیف از سال‌ها پیش عضو هیات مدیره جمعیت روشنفکران آذربایجان و نیز اتحادیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران است. به‌طور کلی می‌توان گفت که وی یک چهره فرهنگی و علمی شناخته شده در داخل و خارج از کشور است و در کنار آن یکی از شخصیت‌های سیاسی حزب آذربایجان نوین محسوب می‌شود که سعی دارد موضع‌گیری معتدلی را دربرابر سایر احزاب و گروه‌ها اتخاذ کند.(۴۷)

مولود سلیمان اوغلو سلیمانلی [1]

او در سال ۱۹۴۳ در منطقه کالینینو در جمهوری سوسیالیستی ارمنستان متولد شد (خانواده وی از آذربایجانی‌های مقیم جمهوری ارمنستان بودند). پدر وی در جنگ جهانی دوم شرکت داشته و در حالی‌که عضو سپاه شوروی بود در جنگ اطراف برلین آلمان کشته شد و از آن به‌بعد مولود توسط مادرش بزرگ شد، وی در سال ۱۹۶۲ وارد دانشگاه دولتی آذربایجان شد و در سال ۱۹۶۷ در رشته زبان‌شناسی فارغ‌التحصیل شد. او فعالیت‌های ادبی ـ هنری خود را به‌طور رسمی، در سال ۱۹۶۴ با چاپ اولین شعرش در روزنامه آذربایجان شروع کرد. او نویسنده بسیاری از برنامه‌های فولکلوریک و ادبی رادیو ـ تلویزیون دولتی آذربایجان است و سناریوهای زیادی برای فیلم‌های آذربایجان و شوروی سابق نوشته است، سلیمانلی جوایز متعددی به‌خاطر آثار هنری – ادبی خود دریافت کرده است. این جوایز توسط نهادهایی مانند

1. Mövlud Suleymanoğlu Suleymanli

«اتحادیه روزنامه‌نگاران آذربایجان» (جایزه قلم طلایی)[1]، «اتحادیه نویسندگان آذربایجان» (جایزه سنبل طلایی)[2] اعطا شده است. وی در سال ۱۹۷۲ از طرف شرکت برنامه‌های تله رادیوی آذربایجان برای گذراندن دوره تخصصی به مسکو رفت و در سال ۱۹۹۲ به مدت یکسال روزنامه مستقل «اوغوز ائلی» (ایل اوغوز) را منتشر ساخت. او در همین سال از طرف تلویزیون دولتی آذربایجان دعوت به همکاری شد و سردبیری بخش «هنرهای مردمی» را به‌عهده گرفت و همزمان با آن نیز معاونت رادیویی شرکت برنامه‌های رادیو ـ تلویزیون دولتی آذربایجان را برعهده گرفت که هنوز هم این سمت را دارد.

در میان برنامه‌های رادیویی که وی نویسندگی و سردبیری آنها را به‌عهده داشته، برنامه‌های دینی نیز جای دارند و یکی از مهم‌ترین آنها برنامه صبحگاهی «تانری دعالاری» (دعاهای الهی) بود که سال‌ها طرفداران زیادی به خود جلب کرد.

دو عنوان رمان‌های سلیمانلی به زبان‌های روسی ترجمه شده و کتاب کوچ نوشته خودش نیز، استانبولی برگردانده شده و تاکنون ٤ بار در ترکیه تجدید چاپ شده و همچنین کتاب «سؤز ایچینده سؤز» (حرف تو حرف) وی در سال ۲۰۰۳ در تهران با الفبای عربی به چاپ رسیده است.(٤٨)

1. Qizil qələm

2. Qizil Sünbül

فصل بیست و سوم

تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها، معضلات و مشکلات فرهنگی ـ اجتماعی جمهوری آذربایجان

ـ مطبوعات

در عرصه مطبوعات وجود روزنامه‌ها و نشریات متعدد و پرتعداد که از طرف احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی ـ اجتماعی و نیز افراد و نهادهای مستقل منتشر می‌شود، باعث شده که فضای فرهنگی و سیاسی ـ اجتماعی پررونق و شادابی در جامعه آذربایجان ایجاد شود. قوانین و مقررات مربوط به انتشار نشریات با توجه به اصلاحات انجام شده به‌گونه‌ای است که امکان بیان عقاید و اندیشه‌های اکثر مخالفان وجود دارد. شدیدترین حملات به حزب حاکم از طرف احزاب مخالف صورت می‌گیرد و حزب حاکم نیز در جواب به جای به کاربردن زور از حربهٔ مطبوعات خودی استفاده می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که جمهوری آذربایجان در عرصه مطبوعات با تهدید یا

آسیب خاصی مواجه نیست. البته پرتعداد بودن نشریات باعث کم بودن شمارگان و پایین بودن قدرت مالی آنها نیز می‌شود. در ضمن در شرایط کنونی نشریات معروف در جمهوری آذربایجان به سه زبان آذربایجانی، روسی و انگلیسی منتشر می‌شوند که این اقدام گام مهمی در راستای ورود مطبوعات آذربایجان به عرصه جهانی تلقی می‌شود.

ـ فرهنگ عمومی

فرهنگ عمومی در کشور آذربایجان با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی این سرزمین، پایداری و نفوذ درخور توجهی دارد. این فرهنگ در پیوند با فرهنگ سرزمین‌های مجاور از جمله ایران و ترکیه یکی از فرهنگ‌های غالب و تأثیرگذار در منطقه به‌شمار می‌آید. تأثیرپذیری فرهنگ جمهوری آذربایجان از فرهنگ فارس‌ها، ترک‌های ترکیه و روس‌ها (سه فرهنگ تأثیرگذار عمده در منطقه) نیز به‌گونه‌ای بوده است که بیشتر باعث غنی‌تر شدن و باروری آن شده و به‌طور متقابل تأثیرگذاری بر روی فرهنگ‌های یادشده را نیز داشته است. مردم جمهوری آذربایجان دارای آداب و رسوم، سنت‌ها، اعتقادات سنتی و فولکلور قوی و ریشه‌دار هستند و این پارامترهای فرهنگ عمومی به دلیل پویایی در رویارویی با فرهنگ‌های وارداتی از جمله فرهنگ غرب که بعد از استقلال به این سرزمین هجوم آورده است، محکوم به نابودی نیستند. البته تأثیر فرهنگ غرب که با پشتوانه‌های قوی اقتصادی همراه است، قطعاً بر روی فرهنگ آذربایجان تأثیرگذار بوده و خواهد بود و شاید این تأثیرات شکل جدیدی به فرهنگ آذربایجان و مردم این کشور بدهد ولی این شکل جدید به‌گونه‌ای خواهد بود که ارتباط خود را با شکل سابق حفظ کند.

ـ اقوام و ادیان

وجود اقوام متعدد و نیز سه دین عمده در جمهوری آذربایجان سبب شده که نظام اجتماعی این کشور همواره در معرض تهدید و آسیب قرار گیرد. در پاره‌ای از موارد، پارامتر قوم و دین با هم منطبق بوده و این آسیب‌پذیری را دو چندان می‌سازد که نمونهٔ بارز آن وجود قوم مسیحی ارمنی در این کشور است که اندیشه‌های افراطی در داخل این قوم بزرگ‌ترین آسیب و تهدید را در تمام

ارکان متوجه این کشور ساخته است. البته در این میان یهودیت آسیب چندانی به‌شمار نمی‌آید و برخلاف گسترش تبلیغات گروه‌های یهودی در سال‌های اخیر و با توجه به جمعیت اندک پیروان این دین، تهدیدی جدی علیه نظام اجتماعی ـ فرهنگی این کشور محسوب نمی‌شود. ولی دین مسیحیت که دین اقوام روس، ارمنی و گرجی ساکن در آذربایجان بوده و با ورود شهروندان کشورهای غربی تقویت می‌شود، آسیب و تهدید قابل اعتنایی برای این کشور محسوب می‌شود. این تهدیدات توسط مسئولان کشور نیز درک شده است و با توجه به اعتراضات گسترده مردم و نیز هشدارهای پی‌درپی شخصیت‌های روحانی دولت در مواردی اقدام به متوقف کردن فعالیت گروه‌های تبلیغی دین مسیحیت کرده است.

ـ نهادها و سازمان‌های فرهنگی

وجود نهادهای فرهنگی متعدد مانند؛ کتابخانه‌ها، سالن‌های تئاتر و سینما و مدارس موسیقی که توسعه اصلی آن در دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفته است، درجه آسیب‌پذیری فرهنگی ـ اجتماعی کشور آذربایجان را کاهش می‌دهد. همچنین فعالیت اتحادیه‌های مربوط به فعالان عرصه‌های فرهنگی ـ اجتماعی باعث می‌شود، فعالیت‌های فرهنگی ـ اجتماعی در راستای اهداف مفروض کشور هدایت شود.

ـ افکار عمومی

افکارعمومی مردم جمهوری آذربایجان هر چند در پاره‌ای از موارد جنبه‌های مخالف و اعتراض‌آمیز نسبت به عملکرد حاکمیت پیدا می‌کند ولی روح حاکم بر این افکار سرشار از میهن‌دوستی به‌ویژه حفظ تمامیت ارضی کشور است. اکثریت قریب به اتفاق مردم این کشور حتی اقوام غیر آذربایجانی نیز مسئله قره‌باغ را به‌عنوان یک مسئله ملی قلمداد می‌کنند و آرزوی بازپس‌گیری اراضی اشغال شده توسط ارتش ارمنستان را دارند.

به‌طور کلی جمهوری آذربایجان در زمینه مسائل فرهنگی ـ اجتماعی به‌جز مسئله برخی اقوام به ویژه ارامنه، آسیب‌پذیری جدی ندارد.

فصل بیست و چهارم

آذربایجان بعد از پنجمین انتخابات ریاست جمهوری

۱ـ۲٤) پیش درآمد

سال ۲۰۰۳ از نظر تحولات سیاسی در جمهوری آذربایجان و منطقه قفقاز جنوبی سال پرحادثه‌ای بود. تنش موجود بین دولت آذربایجان و مخالفین که از سال‌های آغازین روی کارآمدن حزب حاکم شروع گشته بود، از ابتدای سال ۲۰۰۳ وارد مرحله جدیدی شد. این مرحله شامل موضع‌گیری‌ها و اظهارنظرهای تند و خصمانه دوطرف و افشاگری‌های متعددی بود که از نظر برخی آگاهان سیاسی، بسیاری از آنها فاقد مدارک قابل استناد بود و بیشتر به‌منظور شانتاژ و ایجاد جریانات و ذهنیت‌های کاذب صورت می‌گرفت. هرچه فرصت زمانی باقیمانده تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری کمتر می‌شد، دامنه مخالفت‌ها، گسترده‌تر می‌گشت. وخامت وضع جسمانی حیدرعلی اف و بستری شدن وی در بیمارستان‌های خارج

از کشور که با سانسور خبری دستگاه حاکمه و به پیرو آن شایعه‌سازی‌های متعدد گروه‌های مخالف وی همراه بود، اوضاع سیاسی آذربایجان را در آستانه انتخابات پیچیده‌تر کرد. اوج مخالفت‌های گروه‌های سیاسی مخالف پس از برگزاری انتخابات بود که با خشونت‌های فیزیکی همراه شد ولی دولت نوپای آذربایجان توانست این بحران را با موفقیت پشت سر بگذارد. پس از آرامش اوضاع سیاسی در آذربایجان، بحران پیش‌آمده در گرجستان، همسایه آذربایجان که بدنبال برگزاری انتخابات پارلمان رخ داد، ثبات سیاسی و ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز جنوبی را بسیار پیچیده و نگران‌کننده ساخت. این بحران با توجه به ساختار قومی موجود در گرجستان و منطقه قفقاز جنوبی و نیز منافع ویژه قدرت‌های ذینفع، مانند آمریکا و روسیه می‌رفت که این منطقه را با کشمکش خطرناکی مواجه سازد، ولی رفتار غیرمنتظره رئیس‌جمهور گرجستان در کناره‌گیری سریع از قدرت، زمینه کشمکش و رویارویی را از بین برد. روی کار آمدن حاکمیت جدید در گرجستان در ابتدا نگرانی‌های عمده‌ای در بین محافل سیاسی و خبری منطقه به‌ویژه آذربایجان و ترکیه پدید آورد. زیرا گرجستان شاهراه حیاتی برای اقتصاد آذربایجان به‌شمار می‌رود. با آشکار شدن ماهیت آمریکایی ـ اروپایی حاکمان جدید گرجستان نگرانی آذربایجان در این زمینه تا حدود زیادی برطرف گردید. زیرا آمریکا و دولت‌های اروپایی از حامیان انتقال خطوط انرژی آذربایجان از خاک گرجستان به ترکیه هستند.

مرگ حیدرعلی اف، سومین رویداد مهم در سال ۲۰۰۳ بود، هرچند که به‌دلیل بیماری طولانی مدت وی قابل پیش‌بینی بود، ولی عکس‌العمل بسیاری از شخصیت‌های سیاسی خارجی و داخلی آذربایجان را به‌همراه داشت. حضور بسیار گسترده مردم در مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری وی و شرکت رؤسای جمهور و مسئولان بلندپایه اکثر کشورهای منطقه، اروپا و آمریکا بار دیگر عظمت و مقبولیت این سیاستمدار کهنسال را به اثبات رساند. مرگ حیدرعلی اف به‌رغم تحلیل بسیاری از آگاهان سیاسی که معتقد بودند، حاکمیت سیاسی در آذربایجان بدون حیدرعلی اف با چالش‌های اساسی مواجه خواهد گشت، لطمه چندانی به حاکمیت یاد شده، وارد نساخت که دلایل آن در ذیل خواهد آمد.

بطور کلی جمهوری آذربایجان در آستانه انتخابات پنجم ریاست‌جمهوری و چند ماه بعد از آن در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی تحولاتی به خود دید. هرچند این تحولات در ظاهر چشمگیر و خبرساز نبود، ولی مسلماً اثرات و نتایجی در بردارد که در آینده آشکار خواهد گشت. شناخت اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور بدون توجه به تحولات اخیر که افزون بر تغییر در برخی سیاست‌ها و برنامه‌ها، باعث تغییر ساختار سیاسی موجود کشور شده است، قطعاً شناخت ناقصی خواهد بود. از این‌رو تشریح اوضاع سیاسی جدید در این کشور به منزله حلقه تکمیل‌کننده در بررسی و برآورد استراتژیک آذربایجان بشمار می‌رود و توجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۲ـ۲٤) اوضاع سیاسی آذربایجان در آستانه انتخابات

در حالی که احزاب سیاسی مخالف دولت بعد از شروع دور دوم حاکمیت حیدرعلی اف، ضمن ابراز مخالفت به انتخابات بعدی امید بسته بودند و همواره مردم را متوجه انتخابات آتی می‌کردند، با نزدیک‌شدن به زمان برگزاری این انتخابات،حساسیت موجود در فضای سیاسی کشور افزون‌تر می‌گشت. مخالفان دولت از طریق رسانه‌های گروهی وابسته به خود، نسبت به لزوم برگزاری عادلانه انتخابات همواره تذکر می‌دادند.

مهم‌ترین موضع‌گیری و عکس‌العمل گروه‌های مخالف در حالی انجام شد که بیش از ۹ ماه به زمان انتخابات، وقت باقی‌مانده بود. در تاریخ ۵ دسامبر «مرکز هماهنگی‌های مخالفین» که به‌تازگی و توسط اکثر احزاب مخالف تشکیل شده بود، در واکنش به مفاد «مجله انتخابات»[1] که به‌منزله دستورالعمل نحوه برگزاری انتخابات از طرف دولت منتشر گردید، نامه‌ای به حیدرعلی اف نوشتند و در آن از اینکه در «کمیسیون مرکزی انتخابات»[2] نقش اصلی را حزب حاکم در دست دارد، به‌شدت انتقاد کردند. آنها حیدرعلی‌اف را متهم به اعمال بی‌عدالتی در انتخابات کردند.

---

1. Seçki mәcәllәsi

2. Mәrkәzi Seçki Kamisyasi

نامه اعتراض‌آمیز را افراد زیر که رهبران احزاب مخالف دولت هستند، امضا کردند:[٤٩]

۱ـ عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات

۲ـ اعتبار محمد اف، رهبر حزب استقلال ملی

۳ـ الیاس اسمائیل‌اُف، رهبر حزب عدالت

٤ـ علی کریم‌لی، رهبر جبهه خلق آذربایجان (شاخه اصلاح‌طلب‌ها)

٥ـ صابر رستم خانلی، رهبر حزب همفکری هم‌میهنان

٦ـ پناه حسین، رهبر حزب خلق آذربایجان

۷ـ چنگیز دمیراوغلو، رهبر حزب ترقی

۸ـ صابر حاجی اف، دبیر کل حزب وحدت هموطنان

۹ـ سردار جلال اوغلو، دبیرکل حزب دموکرات آذربایجان

گفتنی است که افراد یاد شده در ردیف‌های ۱ تا ٥ کاندیدای انتخابات بودند و در پنجمین دور انتخابات با الهام علی‌اف به رقابت پرداختند.

با توجه به فعالیت پرشور مطبوعات وابسته به احزاب، پیش‌بینی می‌شد که تعداد زیادی از فعالان سیاسی به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری وارد میدان رقابت شوند. هر چند تعداد نامزدها قابل توجه بود ولی وجود برخی شرایط و نیز ممنوعیت شرکت برخی افراد در این انتخابات از تعداد آنها کاست. برابر قانون انتخابات جمهوری آذربایجان، نامزدها برای ثبت‌نام و شرکت در انتخابات، حداقل باید امضای ٥ هزار نفر از شهروندان را در تأیید خود داشته باشند و صحت امضای این افراد باید به تأیید مراجع ذیصلاح برسد. این شرط تا حدودی از تعداد کاندیداها کاست و علاوه بر این شخصیت های سیاسی مخالف دولت که در خارج به‌سر می‌بردند به دلیل ممنوعیت‌های قانونی نتوانستند در این رقابت به‌عنوان کاندیدا حضور یابند. از جمله مهم‌ترین این فعالان سیاسی «ایازمطلب اف» از رؤسای جمهور اسبق آذربایجان و «رسول‌قلی اف» رئیس مجلس پیشین را می‌توان نام برد که به دلیل آنکه برابر قانون جمهوری آذربایجان تحت تعقیب هستند، نتوانستند در این عرصه به رقابت بپردازند.

برابر اعلامیه منتشر شده توسط وزارت کشور آذربایجان، ایازمطلب اف، اولین رئیس‌جمهور کشور مستقل آذربایجان که از طرف کمونیست‌ها حمایت می‌شود و اکنون به کشور روسیه پناهنده شده است، به جرم مشارکت در قتل‌عام مردم باکو توسط ارتش شوروی در ژانویه ۱۹۹۰ و نیز عدم کمک به آوارگان آذربایجان رانده شده از ارمنستان در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ ـ ۱۹۸۸ و عدم اتخاذ تصمیم مناسب و در خور به‌منظور جلوگیری از حمله ارتش ارمنستان و ارامنه قره‌باغ که از مدت‌ها پیش اقدام به تشکیل واحدهای نظامی می‌کردند، تحت تعقیب است. طبق این اعلامیه او همچنین متهم است بیش از ۱۰۰۰ قبضه اسلحه خودکار متعلق به ارتش آذربایجان را تحویل گروه‌های شبه نظامی وابسته به خود کرده است که این افراد پس از سقوط مطلب اف و روی کار آمدن حیدرعلی اف چندین بار اقدام به عملیات ترور به جان رئیس‌جمهور و سایر شخصیت‌های سیاسی کرده‌اند.(۵۰)

همچنین رسول قلی اف، رهبر حزب دموکرات آذربایجان که در آمریکا و ترکیه اقامت دارد متهم به اخذ رشوه در جریان فروش نفت به شرکت‌های خارجی در زمان تصدی مدیریت پالایشگاه باکوست. طبق اعلام وزارت کشور آذربایجان رسول قلی‌اف با فروش نفت زیرقیمت واقعی به شرکت‌های روسی، یونانی، استرالیایی، فرانسوی و بلژیکی حدود ۷۵ میلیون دلار از آمریکا حق‌السهم و رشوه دریافت کرده است. رسول قلی اف نیز علیرغم تلاش‌های فراوان نتوانست به کشور خود برگردد و در انتخابات به عنوان کاندیدا حضور یابد.

وجود چنین شرایطی باعث شد تا دو نفر از شخصیت‌های سیاسی مطرح آذربایجان نتوانند در این انتخابات وارد عرصه رقابت شوند. در فهرست نهایی اعلام شده توسط کمیسیون مرکزی انتخابات آذربایجان ۱۲ نامزد وجود داشت. نامزدهای انتخابات را از نقطه‌نظر موضع‌گیری سیاسی در قبال دولت حاکم می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد:

الف ـ نامزدهای طرفدار حاکمیت موجود:

تعداد این نامزدها ۵ نفر بود که اسامی آنها عبارتند از:

۱ـ حیدرعلی اف، رئیس‌جمهور وقت و رهبر حزب حاکم آذربایجان نوین که سلامتی جسمی وی در هاله‌ای از ابهام بود.

۲ـ الهام علی اف، فرزند رئیس‌جمهور که علاوه بر معاونت حزب حاکم و شرکت نفت دولتی به تازگی به نخست‌وزیری نیز رسیده بود.

۳ـ ابوطالب صمد اف، رهبر حزب «همبستگی به نام آذربایجان»[1] که از احزاب طرفدار حاکمیت موجود بود.

٤ـ یونس اوغوز، رهبر حزب وحدت ملی که او نیز طرفدار حزب حاکم بود.

٥ـ حافظ حاجی اف، رهبر حزب مساوات معاصر که طرفدار دولت حاکم و مخالف سرسخت حزب مساوات به رهبری عیسی قنبر بود و به عقیده تحلیلگران وی حزب خود را برای مقابله با حزب مساوات که از عنوان حزب تأسیس شده توسط محمدامین رسول‌زاده از قهرمانان ملی آذربایجان در اوایل قرن بیستم بهره می‌گرفت، تأسیس کرده است. حاجی اف در جریان تبلیغات انتخاباتی با طرح ادعاهایی در خصوص زندگی شخصی، کاندیداهای مخالف دولت از جمله عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات، موجب اعتراض اکثر فعالان سیاسی شد و مطبوعات احزاب مخالف به وی لقب ماشین دشنام را دادند.

ب ـ نامزدهای مخالف اصلی حاکمیت موجود:

این افراد در ادبیات سیاسی کنونی آذربایجان به‌نام مخالفین رادیکال شناخته می‌شوند. این نامزدها که مخالفین اصلی کاندیداهای حزب حاکم بودند، عبارت از ۳ نفر هستند:

۱ـ عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات که مخالف اصلی و سنتی حزب حاکم به‌شمار می‌رفت.

۲ـ اعتبار محمد اف، رهبر حزب استقلال ملی آذربایجان که علیرغم بهبود روابطش با حزب حاکم در چند سال اخیر دوباره به جرگهٔ مخالفین سرسخت حزب حاکم تبدیل شده بود.

1. Az∂rbaycan adina alyans

۳ـ علی کریم لی رهبر جبهه خلق آذربایجان (شاخه اصلاح‌طلب‌ها) که او نیز در زمره مخالفین سرسخت حزب حاکم بود.

ج ـ نامزدهای منتقد حاکمیت موجود:

این نامزدها علیرغم مخالفت احزاب متبوعشان با حزب حاکم در رفتار سیاسی خود نوعی محافظه‌کاری را همواره اعمال می‌کنند. آن‌ها ضمن انتقاد از عملکرد دولت، موفقیت‌های آن‌را انکار نمی‌کنند و از طرف دیگر از سخنان و موضع‌گیری‌های شدید علیه دولت پرهیز می‌کردند، این نامزدها نیز ٤ نفر بودند:

۱ـ لاله شوکت قیزی حاجی‌یئوا (مشهور به لاله شوکت اوا) رهبر حزب لیبرال آذربایجان و تنها کاندیدای زن در انتخابات که در سال ۱۹۹٤ در کابینه حیدرعلی اف، دبیر دولت بود و علیرغم انتقاد از وضع دموکراسی در آذربایجان از رفتارهای خشن پرهیز می‌کرد او همچنین در محافل آذربایجانی‌های مقیم غرب و سازمان‌های بین‌المللی نیز نفوذ دارد.

۲ـ قدرت حسنقلی اف از اعضای جبهه خلق آذربایجان که دیدگاه‌هایش باعلی کریم لی، رهبر این جبهه متفاوت است و موضع‌گیری‌های او و سایر رهبران سرسخت مخالف دولت را نوعی بازی سیاسی می‌داند. وی اعتقاد به واقع‌نگری در برخوردهای سیاسی دارد و نماینده مجلس ملی آذربایجان است در نطق‌های تبلیغاتی خود از حیدرعلی اُف به‌عنوان شخصیت سیاسی کم‌نظیری یاد کرده بود و به تلاش‌های وی در طول دوران تصدی پست ریاست‌جمهوری ارج نهاده بود ولی در عین‌حال از ناموفق بودن برخی برنامه‌های دولت نظیر حل بحران قره‌باغ و از بین بردن فساد اقتصادی سخن گفته بود. حسنقلی اُف در ضمن گفته بود در صورت به‌دست‌گیری قدرت ۲۵ درصد از پست‌های کابینه را به افراد فعلی که مسئولیت دارند و ۲۵ درصد را نیز به افراد مورد نظر از حزب متبوعش خواهد سپرد[۵۱] و ۳ تا ٤ نفر را نیز از بین نامزدهای ریاست‌جمهوری برخواهد گزید. رفتار ملایم او باعث خشم سایر نامزدهای جناح مخالف دولت شد تا جایی‌که آن‌ها ادعا می‌کردند، حسنقلی اُف، قصد دارد از کاندیداتوری به نفع الهام علی اُف، کناره‌گیری نماید ولی او همواره آن را تکذیب می‌کرد.[۵۲]

۳ـ صابر رستم خانلی، رهبر حزب همفکری هم‌میهنان که بیشتر شخصیتی فرهنگی است تا سیاسی. وی چند دور نماینده مجلس ملی بوده است و هم در زمان حکومت ابوالفضل ایلچی بیگ و هم دوره اول حکومت حیدر علی اُف، وزیر مطبوعات بوده است، وی نیز رفتاری مسالمت‌آمیز در اردوگاه منتقدین دولت دارد.

٤ـ الیاس اسماعیل اُف، رهبر حزب عدالت که بیشتر طرفدار قانونگرایی و جلوگیری از نقض قانون در کشور است. این حقوقدان نیز مانند ۳ نفر دیگر از خشونت پرهیز می‌کرد و انتقادات خود را در چارچوب موازین قانونی و عرف پذیرفته شده جامعه مطرح می‌کرد.

ائتلاف نامزدها در آستانه انتخابات موضوعی بود که از مدت‌ها پیش مطرح گردید. این امر به‌ویژه برای احزاب مخالف دولت بسیار با اهمیت و در عین‌حال حیاتی بود. رسانه‌های گروهی وابسته به احزاب مخالف اصلی از ماه‌ها پیش از انتخابات با طرح این مسئله به بیان نظریات و دیدگاه‌های اکثر فعالان سیاسی مخالف می‌پرداختند. روزنامه یئنی مساوات ارگان حزب مساوات از ابتدای سال ۲۰۰۳ اقدام به نظرسنجی از خوانندگان اینترنتی روزنامه در این‌خصوص نمود. رهبران احزاب مخالف اصلی تلاش‌های زیادی در زمینه تعیین نامزد مشترک از طرف اردوگاه مخالفین مصروف داشتند و مذاکرات مفصل و مستمری بین این رهبران صورت گرفت. آن‌ها سعی داشتند، علاوه بر احزاب مخالف اصلی، سایر احزاب را که به‌نوعی منتقد وضع موجود بودند و یا حداقل از دولت حمایت نمی‌کردند، به سمت خود بکشانند و در این راستا اقدام به تأسیس بلوک سیاسی «آذربایجان ما»[1] کردند که در این بلوک احزاب مختلفی حضور داشتند. با تشکیل بلوک یاد شده، مخالفین برای تعیین نامزد مشترک و احتمال به‌دست‌گیری قدرت امیدوارتر شدند ولی با ادامه مذاکرات رهبران احزاب عضو بلوک این امیدواری تبدیل به یأس گردید. آن‌ها نمی‌توانستند به ادبیات مشترکی در حوزه مسائل سیاسی برسند. دلایل عدم موفقیت این افراد در رسیدن به یک موضع‌گیری مشترک در آن زمان چندان واضح و آشکار اعلام نشد

1. Bizim Azərbaycan

ولی پس از برگزاری انتخابات، برخی از این افراد و یا افراد وابسته به آن‌ها بـه افشـای پـاره‌ای از مذاکرات انجام شده پرداختند، محتوای این افشاگری‌ها نشان می‌دهد که دلیل اصلی عدم موفقیـت آن‌ها در رسیدن به یک سمت و سوی مشترک و اعلام نامزد واحد، سهم‌خواهی هر کـدام از ایـن افراد و احزاب متبوعشان بوده است. یکی از اصلی‌ترین پروژه‌های اردوگاه مخالفین در این زمینـه ائتلاف بین عیسی قنبر و اعتبار محمد اُف بود که مخالفین دولت خیلی به آن امیدوار بودنـد ولـی این دو سیاستمدار با تجربه نتوانستند به توافق برسند. بعدها برخـی از افـراد وابسـته بـه احـزاب مخالف، اعلام داشتند که اعتبار محمد اُف، کناره‌گیری از نامزدی انتخابات را به نفـع عیسـی قنبـر قبول کرده بود، به‌شرطی که عیسی قنبر قول دهد تـا پـس از بـه‌دسـت گـرفتن قـدرت، او را بـه نخست‌وزیری برگزیند و با انجام تغییراتی در ساختار و وظایف دسـتگاه حاکمیـت، اختیـارات و مسئولیت‌های نخست‌وزیر را مشابه آنچه در کشور ترکیه هست، افزایش دهد. ولـی رهبـر حـزب مساوات این پیشنهاد را نپذیرفت زیرا در آن‌صورت بخش اصلی اختیارات اداره کشور از کنتـرل وی خارج مـی‌شـد چـرا کـه در مـدل حکـومتی ترکیـه نقـش نخسـت‌وزیـر در اداره کشـور بیشـتر از رئیس‌جمهور است. برخی نیز عقیده داشتند، عیسی قنبر با تصدی پست ریاست مجلس ملی توسـط اعتبار محمد اُف موافق بوده است ولی اعتبار محمد اُف به این امتیاز قناعت نکرده است.[۵۳]

در هر صورت این دو با هم نتوانستند، ائتلاف کنند و اعتبار محمد اُف با گرایش به سـمت سیاستمدار جوان جبهه خلق، علی کریم‌لی، توانست ضمن ائتلاف با وی، نظر مساعد این چهره اصلاح‌طلب در بین جبهه خلق را مبنی بر کناره‌گیری از کاندیداتوری به نفع خودش جلب کند. این ائتلاف با توجه به دسته‌بندی‌ها و گرایش‌های سیاسی احزاب موجود تأمل برانگیز بود. زیرا احزاب استقلال ملی و جبهه خلق وجه اشتراک چندانی بـا هـم نداشـتند. در واقـع پـیش‌بینـی می‌شد که اگر علی کریم‌لی بخواهد به نفع شخصی از کاندیداتوری انصراف دهـد، آن شـخص قطعاً عیسی قنبر خواهد بود، زیرا اشتراک مواضع و دیدگاه‌های حزب مساوات با جبهه خلق به مراتب بیشتر از حزب استقلال ملی است. به هر حال این مسئله از موارد غیرقابل پیش‌بینـی در جریان انتخابات آذربایجان بود.

عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات نیز که امید زیادی به پیروزی در انتخابات بسته بود و شاید به همین دلیل بود که حاضر نشد برای رسیدن به قدرت امتیاز کلانی به رهبر حزب استقلال ملی بدهد، بعد از عدم موفقیت در ائتلاف با کاندیداهای موجود با رایزنی‌های فراوان توانست، نظر مساعد رسول قلی اف، رهبر حزب دموکرات آذربایجان را در زمینه حمایت از خودش جلب نماید. قلی اُف که از نظر قانونی تحت تعقیب بود، طرفداران سرسخت و متعصبی در داخل و خارج از کشور دارد و در آستانه انتخابات، روزنامه وابسته به وی (حریت) و نیز اعضای حزب متبوعش طی میتینگ‌های متعددی برای گسترش مخالفت‌های مردمی علیه دولت حاکم در تلاش بودند. او رسماً حمایت خود را از عیسی قنبر اعلام کرد. گویا رسول قلی‌اُف مذاکرات تلفنی با ایاز مطلب اُف از رؤسای جمهور سابق کشور که در مسکو به‌سر می‌برد، داشته است و نظر مساعد وی را نیز در زمینه حمایت از عیسی قنبر جلب کرده بود. البته ایاز مطلب اُف هیچ‌وقت در این زمینه بیانیه رسمی صادر نکرد ولی طرفداران وی که اغلب از کمونیست‌های سابق بودند، از این موضوع آگاه بودند. این توافقات پنهانی بین ۳ فعال سیاسی از موارد تعجب برانگیز انتخابات بود، زیرا این ۳ نفر در سال‌های قبل، بارها رودرروی هم قرار گرفته بودند. عیسی قنبر که زمانی در جبهه خلق آذربایجان عضویت داشت، از زمینه‌سازان شورش‌های مردمی علیه ایاز مطلب اُف و از عوامل سقوط دولت وی بود. رسول قلی اُف نیز که در اوایل حکومت حیدر علی اُف، ریاست پارلمان آذربایجان را در دست داشت، در بررسی فاجعه ژانویه ۱۹۹۰ در صحن علنی مجلس، رهبران جبهه خلق و رئیس‌جمهور وقت (ایاز مطلب اُف) را به دلیل به صحنه‌آوردن مردم و قتل عام آن‌ها جنایتکار معرفی کرد و در تصویب لایحه‌ای که ایاز مطلب‌اُف را عامل درجه دو کشتار مردم و رهبران جبهه خلق را مسامحه‌گر معرفی می‌کرد، تلاش نمود.[۵٤]

برخلاف اردوگاه مخالفین دولت، که موفق نشدند به شیوه‌ای مؤثر و کارآمد دست به ائتلاف سیاسی بزنند، در اردوگاه موافقین دولت، این فرآیند به آرامی و طبق برنامه پیش رفت و تمام مراحل آن با موفقیت سپری شد. چند روز پس از شروع تبلیغات رسمی نامزدها، یونس

اوغوز، رهبر حزب وحدت ملی و به‌دنبال وی ابوطالب صمد اف، رهبر حزب همبستگی به نام آذربایجان به نفع الهام علی اُف از دور رقابت‌ها کناره‌گیری کردند. آن‌ها علاوه بر اعلام رسمی کناره‌گیری‌شان، در فرصت زمانی باقیمانده تا پایان وقت قانونی تبلیغات با مصاحبه‌های خود به حمایت از علی اُف جوان پرداختند. چند روز پس از این وقایع همان‌طور که از قبل نیز پیش بینی می‌شد، حیدرعلی اُف سیاستمداری که محبوبیت زیادی در بین توده مردم داشت، بر روی تخت بیمارستان در ایالت کلیولند آمریکا در پیامی رسمی از کاندیداتوری ریاست‌جمهوری به نفع پسرش کنار رفت و از مردم خواست که به پسرش رأی دهند. این اقدام پروسه ائتلاف را در اردوگاه موافقین حاکمیت موجود تکمیل کرد و تمام راه‌ها برای رسیدن الهام علی اُف به قدرت هموار شد.

تبلیغات نیز در این دور از انتخابات بسیار با اهمیت بود. ستاد انتخاباتی نامزدهای مخالف دولت به‌ویژه عیسی قنبر چندان موفق نبودند. برنامه‌های تبلیغاتی آن‌ها در مقایسه با جناح موافق دولت بسیار ضعیف بود. این موضوع باعث نگرانی و انتقاد هواداران عیسی قنبر نیز بود و آن‌ها از وی می‌خواستند، در ساختار و برنامه‌های ستاد تبلیغاتی‌اش تغییری ایجاد کند.[۵۵]

برنامه‌های تبلیغاتی سایر نامزدهای مخالف دولت نیز برای توده مردم جذابیت نداشت. بطور کلی نامزدهای مخالف دولت، سیاست‌ها و برنامه‌های کاری خود را بطور روشن و به همراه راهکارهای اجرایی اعلام نکردند و با انتقاد شدید از عملکرد دولت به ذکر کلیات و یا اعلام برنامه‌های آرمانی پرداختند که این گفته‌ها در نظر توده مردم بیشتر یک بلوف سیاسی را تداعی می‌کرد.

برخلاف نامزدهای مخالف دولت، ستاد تبلیغاتی الهام علی اُف بسیار موفق عمل کرد. این ستاد با در دست داشتن امکانات متنوع، ضمن به تصویرکشیدن جنبه‌های موفق حاکمیت خاندان علی اُف از طریق برنامه‌های تلویزیونی، مطبوعات، پوسترهای تبلیغاتی، سرودها و آهنگ‌های مختلف، با ترتیب‌دادن مصاحبه‌های مختلف با شخصیت‌های مشهور سیاسی و فرهنگی آذربایجان و حتی سایر کشورهای ترک زبان به‌ویژه ترکیه، دست به تبلیغات وسیع و

دامنه‌داری زند. با توجه به تأثیرپذیری مردم آذربایجان از رسانه‌های گروهی کشور ترکیه و با آگاهی از این مسئله که شخصیت‌های سیاسی مخالف دولت، دارای پایگاه سیاسی در ترکیه بوده و در این کشور از طرف برخی گروه‌ها حمایت می‌شوند، ستاد تبلیغاتی الهام علی اُف نهایت تلاش خود را بعمل آورد تا این سنگر تبلیغاتی مخالفان را فتح کند و در این میان توانست نظر مساعد پاره‌ای از شخصیت‌های محبوب ترکیه از جمله اعلام حمایت نوه آتاترک، بنیانگذار ترکیه را جلب نماید و اجرای برنامه‌های تبلیغاتی به نفع الهام علی اُف توسط خوانندگان مشهور ترکیه از جمله «ابراهیم تاتلی سس»[1] (خواننده‌ای که محبوبیت بسیار زیاد در بین مردم ترک زبان سراسر جهان دارد)[٥٦] را عملی سازد.

۳ـ۲٤) نحوه برگزاری و نتیجه انتخابات

انتخابات پنجم ریاست‌جمهوری بعد از استقلال جمهوری آذربایجان طبق زمان‌بندی از پیش تعیین شده و در زمان قانونی خود، در روز چهارشنبه ۱۵ اکتبر سال ۲۰۰۳ برگزار گردید. در این انتخابات بیش از ٤٥٠٠ نفر ناظر وجود داشت که در حوزه‌های مختلف انتخابی مسئولیت نظارت بر انجام عادلانه و قانونی انتخابات را برعهده گرفته بودند. از این تعداد ۱۱۰۰ نفر ناظر خارجی و بقیه داخلی بودند. ناظرین خارجی از کشورهای آمریکا، ممالک اروپایی، روسیه، ترکیه و برخی کشورهای همسایه آذربایجان مانند ایران و گرجستان بودند. از جمهوری اسلامی ایران هیأت ٥ نفری متشکل از نمایندگان دستگاه‌های دولتی بر این انتخابات نظارت مستقیم داشتند.

افزون بر کشورهای خارجی، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز در زمینه نظارت بر نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان نقش داشتند. در این میان سازمان امنیت و همکاری اروپا با ۷۰۰ نفر ناظر در گروه‌های مختلف، بیشترین تأثیر را در نظارت داشت. در

1. Ibrahim Tatlises

ترکیب گروه‌های نظارتی این سازمان افرادی از کشورهای مختلف اروپایی نیز بودند.[۵۷]

در این دوره از انتخابات وزارت کشور و کمیسیون مرکزی انتخابات در راستای استانداردسازی روند انتخابات، تغییراتی فنی در نحوه رأی‌گیری نسبت به دوره‌های قبل انجام دادند که استفاده از صندوق‌های رأی‌گیری شفاف یکی از این اقدامات بود که سازمان‌های جهانی نیز آن را ستودند. برابر آمار اعلام شده توسط دستگاه‌های ذیربط در آذربایجان ٤/٤ میلیون نفر واجد شرایط برای رأی دادن بودند که از این تعداد ۷۱/۲۳ درصد در این انتخابات شرکت کردند.[۵۸] بطور کلی می‌توان گفت که این انتخابات دارای حساسیت و اهمیت خاصی بود که این مسئله باعث استقبال در خور توجه مردم شد.

نتایج اولیه اعلام شده، پیروزی قاطع الهام علی اُف را نشان می‌داد. گروه‌های مخالف که انتظار شکست را داشتند، با اجرای برنامه‌ای از پیش تعیین شده، سعی در ایجاد ناامنی داشتند که با عکس‌العمل شدید نیروهای امنیتی روبرو شد. یک روز پس از برگزاری انتخابات، هواداران احزاب مخالف به‌ویژه احزاب مساوات، دموکرات، استقلال ملی و جبهه خلق به خیابان‌ها ریختند و با نیروهای وزارت کشور و مأموران وزارت امنیت ملی به درگیری پرداختند. در این درگیری‌ها تعدادی از تظاهرکنندگان مجروح و یک نفر نیز کشته شد. خبرنگاران خارجی مستقر در باکو از توسل به خشونت توسط نیروهای دولتی خبردادند. نیروهای دولتی همچنین صدها نفر از تظاهرکنندگان را بازداشت کردند که تعدادی از آن‌ها چند روز بعد آزاد شدند ولی تعداد دیگری هنوز در بازداشت به‌سر می‌برند. از جمله دستگیرشدگان در جریان تظاهرات روز ١٦ اکتبر «رئوف عارف اوغلو» معاون حزب مساوات و سردبیر روزنامه مشهور مساوات است که هنوز در بازداشت به‌سر می‌برد. مقامات دولتی او را به رهبری اغتشاش و اقدام علیه امنیت ملی متهم می‌کنند. چند روز بعد از وقوع این آشوب برخی روزنامه‌های باکو اعلام کردند که عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات نیز تحت مراقبت است و بزودی دستگیر خواهد شد ولی نیروهای دولتی تاکنون دست به چنین اقدامی نزده‌اند و این رهبر مخالف آزاد بوده و حتی اخیراً به کشور اوکراین سفر کرده است.

کمیسیون مرکزی انتخابات در نتیجه نهایی که اعلام کرد، الهام علی اُف را با ۷۷ درصد پیروز انتخابات دانست. گفتنی است که چند روز قبل از اعلام نتیجه نهایی، آمار رسمی منتشر شده بیانگر کسب ۸۰ درصد آرا توسط الهام علی اُف بود که بعد از ابطال برخی صندوق‌ها توسط کمیسیون مرکزی انتخابات، آمار ۷۷ درصد تأیید شد. در این انتخابات عیسی قنبر، رهبر حزب مساوات ۱۲ درصد و اعتبار محمد اُف و لاله شوکت اُوا ۳ درصد از آراء را به‌خود اختصاص دادند، سایر نامزدها نیز کمتر از ۲ درصد از آراء را کسب کردند.[۵۹]

کمیسیون مرکزی انتخابات و دادگاه قانون اساسی جمهوری آذربایجان صحت این انتخابات را تأیید کردند و مقامات دولتی و نیز مسئولان حزب حاکم در مصاحبه‌های خویش که در مطبوعات وابسته به خود و نیز رسانه‌های گروهی مستقل منتشر شد، از عادلانه برگزار شدن انتخابات سخن گفتند ولی احزاب سیاسی مخالف صحت این انتخابات را زیر سؤال بردند. موضع‌گیری نامزدهای شکست‌خورده در انتخابات دوگونه بود. برخی مانند عیسی قنبر، علی کریم‌لی و نیز رهبر حزب دموکرات ضمن فرمایشی خواندن انتخابات خواستار عکس‌العمل خشونت‌آمیز مردم بودند ولی برخی دیگر مانند اعتبار محمد اُف و لاله شوکت اُوا ضمن قبول نداشتن نتیجه انتخابات، هواداران خود را به پرهیز از خشونت فراخواندند. آن‌ها تنها راه ممکن را گفتگوی انتقادی با دولت جدید اعلام کردند.

در بین ناظرین خارجی نیز تأییدکنندگان صحت انتخابات در اکثریت بودند. رئیس هیأت ناظرین سازمان امنیت و همکاری اروپا در گزارش خود این انتخابات را تلاش جدی برای رسیدن به دموکراسی و استانداردهای بین‌المللی دانست و رئیس هیأت پارلمانی شورای اروپا نیز ابراز امیدواری کرده بود که این انتخابات نقطه آغاز دوره‌ای می‌باشد که در آن با همکاری تمام نیروهای دموکراتیک، پیشرفت و ترقی حاصل کشور گردد.[۶۰] البته در این میان تعدادی از ناظرین خارجی از جمله ناظرین سازمان امنیت و همکاری اروپا بودند که گزارش رسمی این سازمان را در خصوص نحوه برگزاری انتخابات تأیید نمی‌کردند و از بروز تخلفات آشکار در این انتخابات سخن می‌گفتند. برخی مقامات نهادهای بین‌المللی علاوه بر انتقاد ملایم از نحوه

برگزاری انتخابات، وقایع روز بعد از انتخابات را محکوم کردند. از جمله این افراد «پیتر بوکرت» نماینده دیده‌بان حقوق‌بشر بود که ضمن محکوم کردن هجوم نیروهای پلیس به تظاهرکنندگان، این اقدامات خشونت‌آمیز را نتیجه عادلانه برگزار نشدن انتخاب دانسته است.[٦١] همچنین اکثر کشورهای خارجی با ارسال پیام تبریک به رئیس‌جمهور جدید آذربایجان این تحول را تأیید کردند و فقط در این زمینه تأمل و تردید مقامات آمریکایی در خور توجه بود.

برابر نظرسنجی اینترنتی صورت گرفته توسط رسانه خبری «خبرنت» که رسانه‌ای مستقل به‌شمار می‌آید، اکثر نظردهندگان به دموکراتیک برگزار شدن انتخابات اعتقاد دارند. نتایج این نظرسنجی در مدت زمان ۲/۵ ماه بعد از برگزاری انتخابات نشان می‌دهد، از مجموع ١٤,٢٢٤ نفر که جواب این سؤال را داده‌اند، ۸۷/۱ درصد در جواب این سؤال که آیا به‌نظر شما، انتخابات ریاست‌جمهوری به‌صورت دموکراتیک برگزار شد؟ بلی گفته‌اند، ۱۲/۵ درصد جواب خیر داده‌اند و ۰/٤ درصد نیز جواب ممتنع داده‌اند.[٦٢] البته ذکر این نکته لازم است که نظرسنجی اینترنتی به‌دلیل عدم کنترل تعداد جواب‌های نظردهندگان نمی‌تواند، زیاد مورد استناد واقع شود.

٤ـ٢٤) تحولات سیاسی بعد از انتخابات

هر چند به‌دلیل پیروزی الهام علی‌اُف که پیرو سیاست‌ها و برنامه‌های پدرش است، اکثر تحلیلگران و آگاهان مسائل سیاسی آذربایجان بر این باور بودند که با وجود روی کار آمدن دولت جدید در آذربایجان وضعیت حاکم بر این کشور تغییری نخواهد کرد ولی در مدت حدود سه ماه که از آغاز دولت جدید می‌گذرد، تلاش‌هایی توسط رئیس‌جمهور جدید صورت گرفته که زمینه‌ساز برخی تغییرات در سیاست داخلی و خارجی این کشور خواهد بود. در کنار این موضعگیری، شخصیت‌های سیاسی مختلف به‌ویژه رهبران احزاب مخالف درباره نتیجه انتخابات و نحوه ادامه فعالیت‌های سیاسی‌شان، دسته‌بندی‌های سیاسی قبلی را اندکی تغییر داده

و احتمال می‌رود، دسته‌بندی‌های جدیدی در عرصه سیاسی کشور به‌وجود آید. البته ذکر این نکته ضروری است که تغییرات صورت گرفته چه در عملکرد و برنامه‌های دولت و چه در فضای عمومی، سیاسی کشور چندان آشکار و برجسته نیست ولی همین تغییرات اندک و آرام می‌تواند در راستای ایجاد تحولات اساسی در آینده کشور باشد.

با در نظر گرفتن چالش‌های فراروی دولت جدید زمینه‌های مساعد برای تغییر و تحول را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ـ روند دموکراتیزاسیون و آزادی‌های سیاسی در داخل کشور

۲ـ حل مسئله قره باغ

۳ـ ایجاد و گسترش رابطه با کشورهای خارجی

٤ـ اجرای پروژه‌های انتقال نفت و گاز به خارج

٥ـ بهبود وضع معیشتی و رفاه مردم

در ظاهر دولت جدید در زمینه مقابله با چالش‌های یاد شده و عبور از موانع موجود اقدام درخور توجهی نکرده است که یکی از دلایل آن نوپا بودن دولت و ایجاد برخی تحولات در عرصه سیاسی منطقه بوده، ولی اکنون روندی آغاز گشته که تغییر در محورهای یاد شده در آینده پیش‌بینی می‌شود. اقداماتی که در زمینه موارد ذکر شده صورت پذیرفته در پی می‌آید.

ـ دموکراسی و آزادی سیاسی در داخل کشور

الهام علی‌اُف پس از انجام مراسم سوگند که با حضور شخصیت‌های سیاسی و مقامات مسئول داخلی و خارجی برگزار شد، در مصاحبه با خبرنگاران آمادگی خود را به مذاکره با مخالفان سیاسی اعلام داشت. او گفت: هرکس بخواهد، من آماده انجام مذاکره با وی هستم. او همچنین از تنظیم روابط و تعامل بین احزاب سیاسی بر پایه اصول مدنی به‌عنوان یک ضرورت یاد کرد و همفکری و هم‌صدایی ملی را الزامی شمرد.[٦٣]

رئیس‌جمهور جدید برای جامه عمل پوشاندن به ادعای خود مبنی بر اعطای آزادی‌های

سیاسی در روز ۲۹ دسامبر سال ۲۰۰۳ فرمان عفوی را که از طرف خانواده برخی زندانیان و نهادهای عمومی و مردمی درخواست شده بود، امضا و برای اجرا ابلاغ نمود. این فرمان که براساس بند ۲۲ ماده ۱۰۹ قانون اساسی جمهوری آذربایجان در زمره اختیارات و مسئولیت‌های شخص رئیس‌جمهور است، باعث آزادی ۱٦۰ نفر از زندانیان شد. این افراد از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ توسط دادگاه‌های جمهوری آذربایجان محکوم شده بودند. در بین این افراد شخصیت‌های سیاسی مخالف نیز دیده می‌شوند، از جمله این افراد «اسکندر حمیداُف» وزیر کشور پیشین و رهبر حزب ملی‌گرای افراطی «بوزقورد» (گرگ‌های خاکستری) است که از سال ۱۹۹۵ در زندان به‌سر می‌برد. طبق این فرمان همچنین مدت محکومیت ٤ نفر از زندانیان به نصف کاهش یافته است و یک نفر به نام «ائلدار اوسوب‌اف» از مجازات مرگ رهایی یافت.(٦٤)

اقدامات انجام گرفته توسط دولت جدید به‌گونه‌ای است که نتوانسته هنوز اعتماد گروه‌های مخالف را جلب نماید. دولت علاوه بر آزادی و تخفیف مجازات ۱٦۵ نفر یاد شده، مسئولان حزب اسلامی آذربایجان را نیز که بخاطر ناآرامی‌های سال ۲۰۰۳ در شهرک نارادان دستگیر شده بودند، آزاد کردند. در خصوص آزادی این افراد، شیخ‌الاسلام ا... شکور پاشازاده، رئیس اداره روحانیت قفقاز جنوبی که روابط نزدیکی با خاندان علی‌اُف دارد، بسیار تلاش کرد. به‌هر حال مخالفان دولت از خبر آزادی زندانیان سیاسی چندان استقبال نکردند و شاید آن‌ها منتظر اقدام‌های بعدی علی‌اُف هستند.

به‌طور کلی جهت‌گیری‌های سیاسی بعد از شکست مخالفان در انتخابات روال سابق خود را طی نمی‌کند و مسئولان احزاب مخالف که زمانی در ظاهر متحد و همفکر بودند، اظهارات متفاوتی بیان می‌کنند. این تفاوت موضعگیری حتی در بین احزاب بسیار نزدیک هم مانند مساوات و حزب دموکرات نیز مشاهده می‌شود.

در مجموعه حزب دموکرات آذربایجان، گروهی هستند که با پیروی محض از اندیشه‌های رسول قلی‌اُف ناراضی سیاسی مقیم خارج، طرفدار برخورد قاطع و خشونت‌آمیز با برنامه‌های

دولت هستند، این افراد اصلاح نظام سیاسی موجود را از راه‌های دموکراتیک ناممکن دانسته و احتمال بروز انفجار سیاسی ـ اجتماعی در کشور را می‌دهند که نتیجه آن روی کار آمدن رژیم سیاسی مردمی و دموکراتیک خواهد بود. ولی گروهی نیز در داخل این حزب با چنین دیدگاهی چندان موافق نیستند. از اینرو احتمال می‌رود، در داخل این حزب انشعاب به‌وجود آید و طرفداران قلی‌اُف از پیکره این حزب جدا شوند. مسئولان حزب مساوات نیز علی‌رغم اینکه از مخالفان سرسخت دولت محسوب می‌شوند، معتقدند الهام علی‌اف مجبور به انجام پاره‌ای اصلاحات سیاسی و اعطای برخی آزادی‌های سیاسی بوده و آینده سیاسی کشور را امیدوارکننده می‌دانند. چنین نظری در بین مسئولان حزب استقلال ملی نیز وجود دارد. هرچند که برخی از مسئولان این حزب در توانایی رئیس‌جمهور جدید تردید داشته و اعتقاد دارند، در داخل حزب حاکم کسی قادر نیست، مانند حیدر علی‌اُف، رئیس‌جمهور فقید، کشور را اداره کند، ولی زمینه‌های همگرایی بین دولت و گروه‌های سیاسی مخالف را آماده می‌دانند و در برنامه‌های خود به مذاکرات و ادامه روش‌های قانونی و مبتنی بر اصول دموکراسی اولویت می‌دهد. از طرف دیگر مسئولان حزب حاکم که اردوگاه گروه‌های مخالف را از هم پاشیده تصور می‌کنند، عدم شکل‌گیری همگرایی بین دولت و گروه‌های مخالف و عدم نیل به همفکری و وحدت ملی را نتیجه افزون‌خواهی و به‌کارگیری روش‌های غیرمنطقی این گروه‌ها می‌دانند. یکی از مسئولان این حزب اعلام کرده است: اینکه می‌گویند همگرایی و همفکری بین احزاب مختلف تنها راه فراروی حاکمیت است، نادرست بوده و حکومت می‌تواند بدون اتکا به احزاب مخالف نیز به برنامه‌های خود ادامه دهد و هرگز انفجار سیاسی ـ اجتماعی ادعا شده از طرف مخالفان اتفاق نخواهد افتاد. همچنانکه دیدیم در سال ۲۰۰۳ به‌رغم مخالفت گروه‌های سیاسی مخالف، دولت جدید شکل گرفت و آرامش و ثبات سیاسی در کشور حاکم گشت. در این میان شخصیت‌های سیاسی مستقل، ضمن تأکید بر ضرورت رسیدن به وفاق ملی براساس بسترها و زمینه‌های مناسبی که فراهم شده است، اجتناب از خشونت و خدشه‌دار کردن وحدت ملی را لازم شمردند. برخی از تحلیلگران مستقل در عین حالی که بر این باورند؛

زمینه مساعد برای انجام مذاکرات بین دولت و گروه‌های مخالف آماده است، از کندی فرایند وفاق ملی سخن به میان آورده‌اند. این تحلیلگران همچنین نقش نیروهای خارجی را در این زمینه تأثیرگذار دانسته‌اند.(۶۵)

علی‌رغم وجود برخی اندیشه‌های توتالیتاریستی در بدنه حزب حاکم، اظهارات و عملکرد الهام علی‌اُف در مدت کم بعد از انتخابات، نشان از این دارد که دولت جدید تحت فشار افکار عمومی و نیز برای جلب‌نظر مساعد کشورهای خارجی صاحب نفوذ در عرصه بین‌الملل و کسب حمایت نهادهای بین‌المللی، اصلاحاتی را در فضای سیاسی و مدنی کشور انجام خواهند داد. شاید بتوان گفت در صورت تعیین رئیس‌جمهور به‌عنوان رهبر حزب آذربایجان نوین (که پس از مرگ حیدر علی‌اُف احتمال آن زیاد است) وی به منظور کاستن از فشارهای سیاسی ـ اجتماعی بر روی دولت خود و نیل به درجه قابل قبولی از وفاق ملی، با جهت‌گیری‌ها و اقدامات خود بتواند دیدگاه‌های تمامیت‌خواه و افراطی را در داخل حزب متبوعش تعدیل کند که این اقدام در طرف مقابل باعث نرمش احزاب سیاسی مخالف خواهد شد. البته خواسته‌های احزاب سیاسی مخالف تنها به اظهارنظرهای سیاسی و یا آزادی‌های سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه آن‌ها در عرصه‌های دیگری نیز با دولت مخالفند که از بین بردن فساد اداری در دستگاه‌های دولتی و حل بحران قره‌باغ از مهم‌ترین آن‌هاست و توجه به خواسته‌های مخالفان در این زمینه‌ها به‌ویژه در زمینه فساد اداری، کاهش نفوذ و اقتدار برخی اعضای حزب حاکم را در پی خواهد داشت.

ـ مناقشه قره‌باغ

خاندان علی‌اُف و حزب سیاسی وابسته به آن‌ها در خصوص مسئله قره‌باغ همواره سعی داشته‌اند، روشی متعادل در پیش گیرند. این روش، حد وسط شیوه بسیار مسالمت‌آمیز و مسامحه‌گرانه کمونیست‌ها به رهبری ایاز مطلب‌اُف، اولین رئیس‌جمهور کشور مستقل آذربایجان و شیوه انعطاف‌ناپذیر و متکی به جنگ جبهه خلق بود که بر این منوال حیدر

علی‌اُف در اوج جنگ، آتش‌بس را قبول کرد و تصمیم گرفت، اراضی اشغال شده کشورش را از طریق دیپلماسی باز پس گیرد و هرچند که وی در این راه نتوانست به موفقیتی قطعی و چشمگیر برسد ولی بستر مورد نیاز در عرصه بین‌الملل و دیپلماسی را فراهم آورد.

رئیس‌جمهور جدید نیز مدت‌ها قبل از ورود جدی‌اش به عرصه سیاست که با انتصاب به نخست‌وزیری شروع شد، دیدگاه‌های خود را در زمینه مناقشه قره‌باغ اعلام کرده بود. او در این‌خصوص اولویت اساسی را به ادامه مذاکرات و تلاش‌های دیپلماتیک به‌منظور برقراری صلح دائمی و باز پس‌گیری اراضی اشغال شده تحت نظارت مجامع بین‌المللی به‌ویژه سازمان امنیت و همکاری اروپا می‌دهد ولی در کنار این به آزادسازی زمین‌های اشغال شده به هر قیمتی نیز همواره اشاره کرده است. او در یکی از مصاحبه‌هایش بعد از تصدی پست ریاست‌جمهوری، بر این دیدگاه تأکید کرد و اعلام داشته است: ما همواره در پی حل مسالمت‌آمیز مناقشه هستیم ولی اینرا نیز اعلام می‌کنیم که صبر ما حد و اندازه‌ای دارد و اگر با روش‌های مسالمت‌آمیز به هدف خود نرسیم از روش‌های دیگری استفاده خواهیم کرد.[٦٦]

دیدگاه‌های الهام علی‌اُف در عین‌حالی که احتمال ایجاد تنش بین دو کشور آذربایجان و ارمنستان و قرار گرفتن در وضعیت جنگ در صورت به نتیجه نرسیدن مذاکرات و تلاش‌های مجامع بین‌المللی را منتفی نمی‌سازد، با این حال معتدل‌تر و منطقی‌تر از برخی دیگر از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری است. برخی از نامزدهای ریاست‌جمهوری در زمینه بحران قره‌باغ اظهارنظرهایی کرده بودند که باعث نگرانی مقامات جمهوری ارمنستان و ترس ارامنه قره‌باغ شده بود. از جمله این افراد قدرت حسنقلی اُف، نماینده مجلس و نامزد ریاست‌جمهوری از جبهه خلق آذربایجان است او مدعی بود، ارتش و مردم آذربایجان در شرایط بسیار متفاوت‌تری از اوایل دهه ۹۰ میلادی قرار دارند و ارتش این کشور قادر است ظرف ٥ تا ٦ روز با تدارک یک تهاجم نظامی گسترده، اراضی اشغال شده را پس بگیرد.[٦٧]
چنین اظهارنظرهایی باعث شد تا انجمنی تحت عنوان «انجمن مادران ارامنه قره‌باغ» نامه سرگشاده‌ای به مقامات جمهوری آذربایجان و مردم آذربایجان ارسال نمایند، آن‌ها ضمن ابراز

نگرانی از شروع مجدد جنگ در قره‌باغ از مردم آذربایجان خواستند تا به نامزدهای جنگ‌طلب رأی ندهند.[۶۸]

علاوه بر ارامنه قره‌باغ که در صورت شروع دوباره جنگ بیش از همه صدمه خواهند دید، مقامات جمهوری ارمنستان نیز از آغاز دوباره جنگ واهمه داشتند. اکنون که ارمنستان از سوی کشورهای غربی حمایت نمی‌شود و روسیه مانند سال‌های جنگ حمایت همه‌جانبه‌ای از این کشور به‌عمل نمی‌آورد و مهم‌تر از همه اینکه آذربایجان ارتش خود را مطابق با استانداردهای ناتو تجهیز کرده و ارتش این کشور به مراتب قدرتمندتر از سال‌های جنگ است، دولتمردان ارمنستان که با مشکلات سیاسی ـ اقتصادی زیادی روبرو هستند، از بروز مجدد جنگ پرهیز می‌کنند. از اینرو آن‌ها بیشتر راغب بودند تا الهام علی‌اُف در آذربایجان به قدرت برسد و گویا وزیر دفاع این کشور چنین موضعی را اعلام کرده است.[۶۹]

روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور ارمنستان بعد از به قدرت رسیدن الهام علی‌اُف به‌طور رسمی با وی دیدار و مذاکره کرد اما این مذاکرات نتیجه مشخصی در پی نداشته است. آنچه از مذاکرات این‌دو در محافل خبری گفته شده، حمایت دو طرف از حل مسالمت‌آمیز بحران است، که این موضوع جدیدی نیست.

در محافل خبری سخن از ارائه پیشنهاد جدید توسط گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل مناقشه قره‌باغ به میان آمده است ولی جزئیات این پیشنهاد اعلام نشده است. ارمنستان خواستار تعیین تکلیف وضع سیاسی قره‌باغ و اعطای خودمختاری به ارامنه این منطقه قبل از عقب‌نشینی ارتش ارمنستان از خاک آذربایجان است. این کشور همچنین خواستار حفظ ارتباط بین ارمنستان با منطقه قره‌باغ و نیز حضور مقامات دولت خود خوانده اُرامنه قره‌باغ به‌عنوان یک دولت مستقل در مذاکرات صلح است که جمهوری آذربایجان آن‌را قویاً رد می‌کند. جمهوری آذربایجان با حضور هیچ نماینده‌ای از جانب حکومت خودخوانده موافق نیست و از پیشنهاد عقب‌نشینی ارتش ارمنستان به‌عنوان پیش‌شرط مذاکرات صلح نهایی و تعیین تکلیف ارامنه قره‌باغ حمایت می‌کند. ظاهراً در گروه مینسک نیز دیدگاه غالب بر

آزادسازی اراضی به‌عنوان یک اولویت استوار است ولی تلاش‌های این گروه فاقد ضمانت اجرایی لازم است. رئیس‌جمهور ارمنستان از سوی گروه‌های مخالف دولت که گروه‌های ملی‌گرای افراطی نیز در بین آن‌ها هستند، بشدت تحت فشار است و هرگونه نرمش طرف ارمنی در مذاکرات صلح به مثابهٔ نوعی نقطه ضعف برای دولت در مواجهه با مخالفان محسوب شده و بر نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری که در سال ۲۰۰۴ برگزار خواهد شد، تأثیر خواهد گذاشت. از اینرو کوچاریان در جدیدترین اظهارنظر خود با پیش‌کشیدن پیشنهادهای رد شده قبلی بر پیچیدگی بحران افزود.[۷۰]

الهام علی‌اُف در سخنرانی خود که به مناسبت آغاز سال نو میلادی (سال ۲۰۰۴) انجام داد، اعلام نمود؛ حل مناقشه قره‌باغ تنها در گرو تضمین تمامیت ارضی آذربایجان و آزادسازی اراضی اشغالی، بازگشت آوارگان جنگی و آذربایجانی‌های رانده شده از ارمنستان به خانه و کاشانه خود قابل انجام است و موضع دولت آذربایجان در این خصوص تغییری نکرده است. او ابراز امیدواری کرد، کشورهای پیشرو که این مسئله را پیگیری می‌کنند و نیز نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا، قدم‌های اساسی در زمینه حل این بحران بردارند. او همچنین گفت: سازمان‌ملل در آینده از اهرم‌های فشاری که در دست دارد بیش از پیش علیه متجاوز استفاده خواهد کرد. وی همچنین از پیشرفت و افزایش قدرت دفاعی کشورش سخن گفته و اعلام داشت: فرایند افزایش قدرت نظامی و توان دفاعی ارتش آذربایجان در سال‌های آینده نیز بدون توقف ادامه خواهد یافت و این مسئله یکی از اهداف محوری و راهبردی جمهوری آذربایجان است.[۷۱]

در اوضاع کنونی که کشور ارمنستان با مشکلات اقتصادی زیادی روبروست و وضع معیشتی مردم در این کشور به مراتب پایین‌تر از جمهوری آذربایجان است، تحلیلگران سیاسی در ارمنستان ادامه اشغال اراضی آذربایجان توسط ارتش ارمنستان را به صلاح خود نمی‌بینند آن‌ها همچنین طول کشیدن مذاکرات صلح را به زیان خود می‌بینند. «عارف یونس» کارشناس

مسائل سیاسی و رئیس دپارتمان «مناقشه‌شناسی»[1] مؤسسه صلح و دموکراسی در جمهوری آذربایجان عقیده دارد، در اوضاع فعلی شرایط به نفع جمهوری آذربایجان در حال تغییر است. مجامع بین‌المللی بیشتر از آذربایجان حمایت می‌کنند و مردم ارمنستان نیز مانند سابق از دولت خود در زمینه ادامه اشغال اراضی آذربایجان حمایت نمی‌کنند. او می‌گوید: طی مذاکراتی که با برخی از ارامنه که به آذربایجان می‌آیند و نیز ارامنه ساکن در ارمنستان داشته به این نتیجه رسیده است که ارامنه قره‌باغ اعطای خودمختاری به منطقه ارمنی‌نشین قره‌باغ (قره‌باغ علیا) از طرف دولت آذربایجان به شرط قرار داشتن این منطقه در ترکیب سیاسی جمهوری آذربایجان را به الحاق این منطقه به ارمنستان ترجیح می‌دهند، زیرا شرایط زندگی از نظر رفاه و مسائل اقتصادی در ارمنستان بسیار پایین‌تر از آذربایجان است.[۷۲]

در کنار اصرار دولت آذربایجان بر بازگشت حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر آذربایجانی رانده شده از خاک جمهوری ارمنستان که در حال حاضر در اردوگاه‌های آوارگان در آذربایجان سکونت دارند، بازگشت ارامنه مقیم باکو که پس از شدت یافتن درگیری‌ها در قره‌باغ به ارمنستان کوچ کرده‌اند، نیز مطرح است. ظاهراً دولت باکو با این کار موافق است ولی شهروندان باکو به‌دلیل ذهنیت منفی که از ارامنه دارند و به‌علت قتل عام آذربایجانی‌ها در قره‌باغ از پذیرفتن آن‌ها امتناع می‌کنند و این چالشی اساسی پیش‌روی دولت باکو است.

ـ روابط خارجی

جمهوری آذربایجان در زمان حکومت حیدر علی‌اف به‌غیر از ارمنستان با تمام کشورهای منطقه و بیشتر ممالک اروپایی، آمریکا، اکثر کشورهای آسیایی و برخی کشورهای آفریقایی رابطه داشت. روابط آذربایجان با ارمنستان نیز بسیار محدود و در حد همکاری در برخی سازمان‌های منطقه‌ای مانند جامعه کشورهای مشترک‌المنافع و

1. Konfliktologiya

سازمان منطقه‌ای گوام بود. بعد از روی کار آمدن الهام علی‌اُف تاکنون تغییر محسوسی در روابط خارجی آذربایجان حاصل نشده است ولی در همین مدت کم نیز تلاش‌های دیپلماتیک در این عرصه صورت گرفته است که برخی اقدامات انجام شده به تفکیک کشورهای مهم در پی می‌آید:

ـ ترکیه

الهام علی‌اف قبل از انتخاب به سمت ریاست‌جمهوری در بین مقامات ترکیه حامیان زیادی داشت. او به ایجاد و گسترش رابطه با ترکیه اهمیت ویژه‌ای قائل است. وی در یکی از مصاحبه‌هایش، ترکیه و آذربایجان را یک ملت با دو دولت نامیده است.[۷۳] روابط آذربایجان و ترکیه مانند قبل در تمامی عرصه‌ها در حال توسعه و تعمیق است. شاید بتوان گفت که گسترش روابط خارجی با ترکیه از سوی هیچ گروهی حتی احزاب مخالف مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد و تمام گروه‌ها علاقه‌مند به گسترش این روابط هستند. ترکیه به‌خاطر اشغال بخشی از خاک آذربایجان توسط ارتش ارمنستان تاکنون به تقاضاهای پی‌درپی دولت ارمنستان مبنی بر بازگشایی مرزهای خود با این کشور جواب مثبت نداده است[۷۴] و به فشارهای برخی کشورها مانند آمریکا و نیز اتحادیه اروپا در این زمینه اعتنایی نکرده است. روابط اقتصادی آذربایجان با ترکیه علاوه بر داشتن حجم در خور توجه و روند رو به تزاید، از روابط دوجانبه خارج و شکل منطقه‌ای پیدا کرده است. تحقق دو خط لوله انتقال انرژی (خط لوله نفتی باکو ـ تفلیس ـ جیحان و خط لوله گاز باکو ـ تفلیس ـ ارزروم) در آینده این دو کشور را به بازیگران مؤثر اقتصاد منطقه و تأمین‌کنندگان منابع انرژی غرب تبدیل خواهد کرد. با توجه به اوصاف یاد شده در روابط این دو کشور روندی حاکم است که گسترش روزافزون روابط را در پی دارد و هر چند که تهدیدهایی مانند حمایت برخی گروه‌های سیاسی ترکیه از احزاب مخالف دولت آذربایجان در فضای روابط دو کشور وجود دارد ولی این تهدیدها در مقایسه با فرصت‌های بی‌شمار و پیوندهای عمیق، دیرینه و همه‌جانبه دو کشور بسیار اندک و کم‌تأثیر است.

ـ آمریکا

هرچند مقامات دولت آمریکا در به رسمیت شناختن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری دوگانه عمل کردند و سخنان ضدونقیضی از سوی آن‌ها اعلام شد ولی ادامه همکاری‌ها بین دو کشور همواره مورد تأکید مسئولان دو کشور بوده است. حتی مقامات آمریکایی هنگام بیان عدم تحقق دموکراسی و آزادی‌های سیاسی در انتخابات آذربایجان، بر لزوم همکاری با دولت آینده این کشور تأکید کردند. آمریکا در پروژه‌های استخراج و انتقال منابع انرژی آذربایجان سهم دارد و مهم‌تر از آن به منطقه قفقاز جنوبی به‌مثابه یک منطقه ژئواستراتژیک برای عملی ساختن برنامه‌های راهبردی خود می‌نگرد. روابط دو کشور علاوه بر مسائل اقتصادی و سیاسی در حوزه‌های امنیتی و نظامی نیز در حال گسترش است. دولت آمریکا، آذربایجان را متحد استراتژیک خود در مبارزه با تروریسم می‌داند و آذربایجان قصد دارد برای تأمین امنیت مرزهای خود و نیز امنیت سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در منابع انرژی خزر از کمک‌های در حال افزایش آمریکا بهره‌مند شود. احداث پایگاه ناتو در خاک آذربایجان و استقرار سربازان آمریکایی و نیز سپردن امنیت دریای خزر (بخش متعلق به آذربایجان) به نیروی دریایی آمریکا مانند گذشته در محافل خبری دو کشور عنوان می‌شود ولی در زمینه تحقق این برنامه‌ها عملاً کاری صورت نگرفته است.

ـ روسیه

الهام علی‌اف به‌خاطر سال‌ها تحصیل و کار در مسکو تعلق خاطر خاصی به روسیه دارد و دوستان زیادی در دستگاه حاکمه فعلی روسیه دارد. بر این اساس او سعی در حفظ پیوندهای خود با مسکو دارد و از طرف دیگر او خود را موظف به ادامه سیاست‌های پدرش مبنی بر حفظ روابط سنتی کشورش با روسیه می‌داند. هرچند در این راه با مخالفت برخی احزاب مخالف روبرو می‌شود، ولی منافع ملی آذربایجان ایجاب می‌کند تا روابط خود را با این همسایه قدرتمند حفظ کند. البته به‌دنبال برخی تغییرات حاصل شده در ترتیبات منطقه‌ای قفقاز

از جمله بحران گرجستان، روسیه به‌دلیل مخالفت‌های دولت قبلی گرجستان و تمایل بیش از پیش حاکمیت جدید این کشور به سمت آمریکا، تعدادی از پایگاه‌های نظامی خود را از خاک گرجستان برچیده و آن‌ها را به ارمنستان منتقل خواهد کرد که این مسئله اعتراض مقامات آذربایجان را به همراه داشت. ولی به‌نظر نمی‌رسد این مسئله بتواند تغییری در روند مناسبات دو کشور ایجاد کند. رژیم حقوقی دریای خزر نیز از مسائل بین دو کشور است که در این زمینه اختلاف‌نظر چندانی وجود ندارند و مشکلات خود را با توافق‌های دو یا سه جانبه به‌نوعی حل کرده‌اند.

ـ ایران

روابط ایران و آذربایجان به‌دنبال سفر حیدرعلی‌اُف به ایران در سال ۲۰۰۲ وارد مرحله جدیدی شد. در این مرحله از روابط دو کشور اختلاف‌نظرهای موجود کاسته و برخی حساسیت‌های طرفین از میان برداشته شد. به‌دنبال شرایط خاص پیش آمده در سال ۲۰۰۳ در عرصه سیاست داخلی آذربایجان، دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره عملکرد دولت آذربایجان را مورد تأیید قرار داد. پس از اعلام نتایج انتخابات نیز آقای خاتمی، رئیس‌جمهور ایران از اولین کسانی بود که پیام تبریک به رئیس‌جمهور جدید فرستاد و تلفنی نیز با وی مذاکره نمود. افزون بر این در سال ۲۰۰۳ مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی ایران بارها به باکو (به مناسبت‌های مختلف) سفر کردند و سفیر جمهوری اسلامی ایران در باکو نیز تلاش‌های درخور توجهی در راستای ایجاد دیپلماسی فعال بین دو کشور نمود. درگذشت رئیس‌جمهور سابق آذربایجان و وقوع زلزله در ایران نیز با ابراز همدردی مقامات بلندپایه دو کشور همراه بود و در جریان زلزله شهرستان بم، امدادگران آذربایجانی به سرپرستی معاون نخست‌وزیر و رئیس کمیته حالت فوق‌العاده این کشور به ایران اعزام شدند. این اقدامات قطعاً در تحکیم روابط دو کشور تأثیرگذار خواهد بود. البته موانع و نقاط آسیب‌پذیر در روابط دو کشور مانند گذشته وجود دارد که افزایش همکاری‌های نظامی آذربایجان با آمریکا از جمله این موانع است. در اینجا ذکر

این نکته ضروری است که هرچند این مسئله ممکن است عاملی تأثیرگذار در روابط بین دو کشور باشد ولی ماهیت این مسئله به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند یک چالش اساسی و مانعی راهبردی تلقی شود. زیرا خصومت ایران و آمریکا ماهیت ویژه‌ای دارد و احتمال تغییر آن ناممکن نیست، از اینرو تنظیم روابط بین ایران و آذربایجان نه براساس مسئله آمریکا بلکه باید اساس منافع ملی باید صورت بگیرد و به‌نظر می‌رسد، سیاست‌های خارجی ایران در منطقه قفقاز در دو سال اخیر بر این منوال در حال شکل‌گیری است. البته مسئله رژیم حقوقی دریای خزر در این میان مانع اساسی به‌شمار می‌آید که آن نیز با واقع‌نگری و نیز بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های بالقوه در روابط بین دو کشور از جمله مسائل مذهبی و فرهنگی برطرف شدنی است.

عدم دخالت دو کشور در مسائل داخلی یکدیگر نیز از نقاط قوت در روند ایجاد و تحکیم روابط دو کشور به‌شمار می‌آید. جمهوری آذربایجان در جریان ناآرامی‌های اخیر صورت گرفته در برخی دانشگاه‌های ایران از جمله دانشگاه تبریز که به موضوع روز برخی روزنامه‌های آذربایجان تبدیل شده بود، موضعی بی‌طرف اتخاذ کرد و وزیر امورخارجه این کشور نیز این موضوع را مسئله داخلی ایران خواند و عدم دخالت باکو را در این امر یادآور شد. جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً اغتشاشات بعد از انتخابات در باکو را به همین منوال مسئله داخلی آذربایجان دانست که چنین موضعگیری‌های مصلحت‌آمیزی نشان از تفاهم و ادبیات مشترک بین مسئولان دو کشور در عرصه دیپلماتیک دارد. در حال حاضر که مقامات دو کشور برای دیدار سران از هم دعوت کرده‌اند، به‌نظر می‌رسد سفر رؤسای جمهور دو کشور به کشور طرف مقابل گشایش درخور توجهی در روند ارتباطات و از میان برداشتن موانع موجود به‌وجود خواهد آورد. رئیس‌جمهور قبلی آذربایجان طی سال‌های اخیر چند بار از ایران دیدار داشته است ولی آقای خاتمی، رئیس‌جمهور ایران در طول مدت نزدیک به ۷ سال هنوز به این کشور سفر نکرده است. البته قبل از تحولات اخیر در آذربایجان سفر وی به آذربایجان در دست برنامه‌ریزی بود که اجرای این برنامه از پیش تعیین شده موفقیت قابل توجهی را در عرصه دیپلماتیک نصیب ایران خواهد کرد.

ـ گرجستان

از آنجا که گرجستان از متحدان استراتژیک آذربایجان در زمینه مسائل اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی است، از اینرو وقوع تحولات سیاسی اخیر در این کشور که منجر به تغییر دستگاه حاکمه شد، سیاستمداران و مقامات آذربایجان را دچار نگرانی کرد. برخی تحلیلگران مسائل سیاسی در آذربایجان در روزهای آغازین پس از سقوط دولت ادوارد شواردنادزه بر این باور بودند، مخالفان شوارنادزه که حکومت را در دست گرفته‌اند، از طرف لابی ارامنه مقیم آمریکا و روسیه حمایت می‌شوند و ممکن است این افراد محدودیت‌هایی را بر سر راه گسترش روابط بین آذربایجان و گرجستان ایجاد نمایند. این تحلیلگران همچنین نگران سرنوشت نزدیک به ۵۰۰ هزار آذربایجانی ساکن در گرجستان بودند. ولی اظهارات «نینا بورجانادزه» رئیس پارلمان و رئیس موقت دولت قبل از برگزاری انتخابات و «میخائیل ساکاشویلی» رئیس‌جمهور تازه برگزیده شده گرجستان نشان از این داشت که اولاً حامی اصلی حاکمان جدید گرجستان، دولت آمریکا بوده و ثانیاً آن‌ها قصد ندارند محدودیتی در گسترش روابط دو کشور آذربایجان و گرجستان ایجاد نمایند. از اینرو روابط دو کشور در سطح ایده‌آلی است و علی‌رغم رخ دادن و ایجاد تحول سیاسی بزرگی در گرجستان، دچار وقفه نشده است. در ضمن آمریکا و اروپا که حامیان اصلی ساکاشویلی هستند، به‌دلیل منافع اقتصادی‌شان در خطوط انتقال انرژی آذربایجان از خاک گرجستان، خواهان گسترش و تحکیم روابط این دو کشور قفقاز جنوبی هستند.

ـ پروژه‌های انتقال نفت و گاز

حیات اقتصادی جمهوری آذربایجان در آینده تا حد زیادی بستگی به پروژه‌های انتقال نفت و گاز به کشورهای غربی دارد و تحقق کامل این پروژه‌ها، افزون بر بهبود وضع اقتصادی این کشور، در حمایت ممالک غربی از آذربایجان و سنگین شدن کفه ترازو در مذاکرات صلح قره‌باغ به نفع باکو تأثیرگذار است.

بخشی از خط لوله ۱۷۵۰ کیلومتری انتقال نفت «باکو ـ تفلیس ـ جیحان» در داخل

آذربایجان به اتمام رسیده است. عملیات اجرایی این خط لوله در خاک گرجستان نیز از سال ۲۰۰۳ شروع شده است.

طبق گزارش منتشر شده رسمی از سوی نهادهای مسئول در آذربایجان تا پایان ماه دسامبر سال ۲۰۰۳، ۱۱۳ کیلومتر دالان مخصوص لوله‌گذاری و ۸۷ کیلومتر عملیات لوله‌گذاری در خاک گرجستان به اتمام رسیده است. طبق این گزارش ۸۰ کیلومتر لوله نیز برای استفاده در این پروژه دپو (ذخیره) شده است که در سال ۲۰۰۴ لوله‌گذاری خواهد شد. در این گزارش آمده است؛ در اجرای این پروژه در داخل خاک گرجستان بیش از ۳۰۰۰ نفر از اهالی گرجستان مشغول به کار هستند و مجریان این پروژه تاکنون به بیش از ۲۶۶۰ خانواده گرجستانی در خصوص واگذاری زمین‌هایشان برای عبور خط لوله پول پرداخت کرده‌اند.[۷۵]

همچنین مقامات آذربایجانی و نیز شرکت‌های غربی سرمایه‌گذار در این پروژه از سرعت بخشیدن به عملیات اجرایی این خط لوله در سال ۲۰۰۴ و نیز آغاز عملیات اجرایی خط لوله انتقال گاز «باکو ـ تفلیس ـ ارزروم» در سال ۲۰۰۵ سخن می‌گویند.[۷۶]

ـ بهبود وضعیت معیشتی مردم

هرچند در چند سال اخیر مسئولان دولت آذربایجان از رشد اقتصادی مطلوب در آذربایجان، بهبود وضع معیشتی مردم و نزدیک شدن سطح زندگی عمومی به استانداردهای جهانی سخن می‌گویند و آمار و ارقامی نیز در این رابطه ارائه می‌دهند ولی اکثریت مردم از وضع اقتصادی کشور اظهار نارضایتی می‌کنند. اکثر کارشناسان مسائل اقتصادی در آذربایجان معتقدند، وجود فساد در دستگاه‌های اداری و ساختار اقتصادی کشور باعث می‌شود، درآمد ملی به‌طور متناسب توزیع نشود و فرصت‌های اقتصادی به‌صورت رانت در اختیار افراد خاصی که به مسئولان رده بالا وابستگی دارند، قرار گیرد.

الهام علی‌اف در پیام خود به مناسبت آغاز سال ۲۰۰۴ میلادی از رشد و توسعه اقتصادی کشور در آینده خبر داده است و یادآور شده که آذربایجان در زمینه تولید ناخالص ملی در سال

۲۰۰۳ حدود ۱۱ درصد رشد داشته که این رشد مطلوبی است. او همچنین اعلام کرده که آذربایجان در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی دارای موقعیت ویژه‌ای در منطقه است.

وی حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده در کشور طی سال ۲۰۰۳ را نزدیک به ۴ میلیارد دلار اعلام کرد که از نظر میزان سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده به ازای جمعیت، مقام اول را در بین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و اروپای شرقی دارد.(۷۷)

در زمینه بهبود وضع معیشتی مردم پس از تحولات اخیر در این کشور گشایش بارزی حاصل نشده است. فقط مسئولان ذی‌ربط خبر از اسکان دائمی باقیمانده آوارگان جنگی و رانده‌شدگان را داده‌اند. طبق این خبر در سال ۲۰۰۳ از ۱۲ شهرک چادری که آوارگان در آن‌ها مستقر بودند، ۵ شهرک برچیده شده و ساکنین آن‌ها به شهرک‌های دائمی منتقل شدند و ۵ شهرک باقیمانده در سال ۲۰۰۴ برچیده شده و افراد مستقر در آنها به شهرک‌های دائمی منتقل خواهند شد.(۷۸)

ـ مرگ حیدر علی‌اف

حیدر علی‌اُف، رئیس‌جمهور سابق آذربایجان پس از حمله قلبی در جریان مراسم رسمی در تاریخ ۲۱ آوریل سال ۲۰۰۳ به کشور ترکیه منتقل و در بیمارستان نظامی «گلخانه» آنکارا زیرنظر تیمی از پزشکان ترک، آمریکایی و روسی بستری شد. سابقهٔ بیماری قلبی علی‌اف به سال‌ها پیش برمی‌گشت. در سال ۱۹۹۴ او دچار حمله قلبی شد و در سال ۱۹۹۸ تحت عمل جراحی قلب در آمریکا قرار گرفت. پس از آن علی‌رغم اینکه اطرافیانش از صحت کامل وی حرف می‌زدند ولی او تحت نظر پزشک بود. نزدیکان علی‌اف از ابتدای سال که وضعیت جسمانی وی رو به وخامت گذاشت، سعی داشتند این مسئله را کتمان کنند. به دنبال وخامت وضع جسمانی علی‌اف او از بیمارستان گلخانه ترکیه به بیمارستانی در ایالت «کلیولند» آمریکا منتقل شد. وی در سال ۱۹۹۸ در همین بیمارستان تحت عمل جراحی قلب قرار گرفته بود. طی مدت بستری شدن علی‌اف که حدود ۸ ماه طول کشید، مطبوعات مخالف دولت همواره از

نامساعد بودن شرایط جسمی رئیس‌جمهور سخن می‌گفتند و خواستار توضیح مقامات مسئول در این زمینه بودند ولی مسئولان نهاد ریاست‌جمهوری از اطلاع‌رسانی شفاف سرباز می‌زدند. زمانی‌که علی‌اف در ترکیه بستری بود، برخی از رسانه‌های گروهی ترکیه و آذربایجان خبر مرگ وی را اعلام کردند و این خبر به سرعت در محافل منطقه پخش گردید. مقامات رسمی آذربایجان و نیز مقامات بیمارستان گلخانه سریعاً این خبر را تکذیب کردند. این خبر به حدی شایع شده بود که رئیس‌جمهور وقت گرجستان، ادوارد شواردنادزه پیام تسلیت برای مقامات آذربایجان ارسال نمود.

حیدر علی‌اف در طول مدتی که بستری بود، تصمیمات بسیار مهمی اتخاذ کرد. او در این مدت ضمن قبول استعفای سفارشی آرتور راسی‌زاده، نخست‌وزیر سابق کشور، پسرش الهام علی‌اف را برای تصدی پست نخست‌وزیری به مجلس معرفی کرد و از نمایندگان خواست به نخست‌وزیر پیشنهادی‌اش رأی اعتماد دهند. چند روز قبل از برگزاری انتخابات نیز او طی پیامی از کاندیداتوری ریاست‌جمهوری به نفع پسرش کناره‌گیری کرد. تمام ارتباطات علی‌اف با بیرون در این مدت از طریق پیام بود و وضعیت جسمانی وی هیچ‌گاه به تصویر کشیده نشد.

سرانجام در تاریخ ۱۲ دسامبر خبر مرگ حیدر علی‌اف منتشر گردید. این خبر ابتدا روی تلکس خبرگزاری‌ها رفت و بعد از آن سفیر آذربایجان در آمریکا این خبر را تأیید کرد. جنازه وی روز ١٤ دسامبر به باکو منتقل و در تاریخ ۱۵ دسامبر پس از برگزاری مراسمی بسیار باشکوه در کنار مزار همسرش به خاک سپرده شد. مراسم تشییع جنازه و خاکسپاری رئیس‌جمهور پیشین آذربایجان مطابق مذهب شیعی و عرف رایج در فرهنگ مسلمانان برگزار شد. در این مراسم شیخ‌الاسلام ا... شکور پاشازاده، رئیس اداره روحانیت مسلمانان قفقاز که بالاترین شخصیت مذهبی کشور است، بر جنازه علی‌اف نماز گذارد. دولت آذربایجان به همین مناسبت یک هفته عزای عمومی در سراسر کشور اعلام کرد و کلیه مدارس آذربایجان طی هفته یاد شده تعطیل بودند. در مراسم تشییع جنازه حیدر علی‌اف شخصیت‌های سیاسی و مقامات کشورهای مختلف خارجی شرکت کردند. رؤسای جمهوری روسیه، قزاقستان، ترکیه،

گرجستان، اوکراین و شخصیت‌های سیاسی از کشورهایی مانند آمریکا و فرانسه از جمله این شخصیت‌ها بودند. از ایران نیز محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در این مراسم شرکت داشت. به مناسبت درگذشت این شخصیت سیاسی بزرگ در اکثر شهرها و روستاهای آذربایجان افراد ثروتمند و برخی نهادهای مردمی و دولتی اقدام به برگزاری مراسم پذیرایی عمومی تحت عنوان «سفرهٔ احسان[1]» نموده‌اند. در این مراسم ضمن پذیرایی از مهمانان که افراد فقیر بخش عمده آنرا تشکیل می‌دهند، برای فرد در گذشته طلب بخشش و مغفرت می‌کنند.

در مراسم تشییع جنازه و تدفین حیدر علی‌اف، شخصیت‌های سیاسی مخالف وی نیز حضور داشتند. روزنامه‌های وابسته به احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف اقدام به انعکاس این مراسم باشکوه کردند و مقاله‌های متعددی در زمینه جایگاه سیاسی علی‌اف منتشر کردند. البته نویسندگان این مطالب مثل سابق از وضع سیاسی موجود و نیز اقتدار فراقانونی حیدر علی‌اُف در زمان حیاتش انتقاد کردند ولی در نهایت اکثر این نویسندگان بر او رحمت فرستاده‌اند.

مرگ حیدر علی‌اف حادثهٔ بزرگی در تاریخ معاصر جمهوری آذربایجان محسوب می‌شود، در زمان حیات این سیاستمدار پاره‌ای از تحلیلگران ثبات سیاسی و آینده آذربایجان را که آینده امنیتی قفقاز و نیز دورنمای اقتصادی شرکت‌های معروف غربی که در ذخایر انرژی خزر سرمایه‌گذاری کرده‌اند، به آن وابسته است، بدون در نظر گرفتن فردی چون حیدر علی‌اف غیرقابل تصور می‌دانستند. ولی با پخش خبر مرگ او نگرانی خاصی در بین محافل سیاسی و اقتصادی بروز نکرد و این به‌خاطر آن بود که الهام علی‌اف برخلاف تصور عمومی توانست قدرت را به‌دست گیرد و برنامه‌های پدرش را ادامه دهد، بر این اساس بود که خبر مرگ حیدر علی‌اف برای کشورها و گروه‌های ذی‌نفع تکان‌دهنده نبود. در واقع بعد از پیروزی الهام علی‌اف و توانایی وی در برقراری آرامش در کشور علی‌رغم وجود نارضایتی‌های وسیع و ادامه مذاکرات صلح قره‌باغ، غرب نسبت به توانمندی‌های رئیس‌جمهور جوان آذربایجان مطمئن شد

---

1. Ehsan Sofrasi

و مرگ و زندگی حیدر علی‌اف اهمیت سابق خود را از دست داد. با وجود اینکه رئیس‌جمهور جدید آذربایجان، در عین حالی که سیاست‌های مشخص پدرش را ادامه می‌دهد اما در این راه سعی می‌کند، از اعمال محدودیت و سخت‌گیری‌های سابق حکومت نسبت به مخالفان کمتر استفاده نماید ولی با این حال اکثریت توده مردم و بیشتر تحلیلگران و سیاستمداران فعال در عرصه سیاسی کشور بر این باورند که علی‌اف جوان توانایی‌های پدرش را ندارد. این اندیشه علاوه بر احزاب سیاسی مخالف در داخل حزب آذربایجان نوین نیز به‌نوعی وجود دارد. بعد از مرگ حیدر علی‌اف رهبری حزب آذربایجان نوین مسئله‌ای است که در محافل سیاسی این کشور بحث می‌شود. طبق قانون اساسی آذربایجان، رئیس‌جمهور باید از عضویت در احزاب و دسته‌های سیاسی کناره‌گیری نماید. ولی در زمان ریاست‌جمهوری حیدر علی‌اف، دولت با کمک پارلمان این مانع قانونی را مانند امکان انتخاب بیش از دو دوره یک شخص به سمت ریاست‌جمهوری از میان برداشته است و حیدر علی‌اف در دوران ریاست‌جمهوری خود، رهبر حزب آذربایجان نوین نیز بود.

در اوضاع کنونی که الهام علی‌اف مانند قبل سمت معاونت حزب را در دست دارد، به‌نظر می‌رسد شانس اصلی برای تصدی سمت رهبری این حزب را داشته باشد و افراد صاحب نفوذی همچون «نامیق عباس‌اف» وزیر امنیت ملی که از اعضای مؤثر حزب است، شانس چندانی در مقابل رئیس‌جمهور در داخل حزب ندارد. شایان ذکر اینکه شخصیت حیدر علی‌اف به‌عنوان بنیانگذار این حزب و سمبل حاکمیت و اقتدار نوین در آذربایجان همواره در اذهان هواداران این حزب خواهد بود و حیدر علی‌اف در بین هواداران این حزب نقشی را خواهد داشت که ابوالفضل ایلچی‌بیگ در اذهان هواداران جبهه خلق آذربایجان و محمدامین رسول‌زاده در بین طرفداران حزب مساوات دارد.

پی‌نوشت‌های بخش فرهنگی، اجتماعی

1. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-cult.html
2. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-cult.html
3. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-novruz.html
٤. ملازاده، حمید، «جمهوری آذربایجان نگاه به آینده»، انتشارات ارک، چاپ اول، تبریز: تابستان ۱۳۷۳، صص ۵۲ ـ ۵۵
5. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-fitr.html
6. http://geo.ya.com/travelimages/az-adha.html
7. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-holi.html
8. http://www.azerbaijan-online.com/occasions/novruz/adet.htm
9. http://www.bakupages.com/pages/traditions
۱۰. بهزادی، بهزاد، «ددهم قورقوت»، نشر نخستین، چاپ اول، صص ۷ ـ ۲۹
۱۱. اسدی، بهرام، «ده ده قورقوت داستان لاری»، جلد اول، نشر مؤلف، چاپ اول، صص ۱۱ ـ ۱۷
12. Bettoi Bleyer, Azerbaijan international, 1996
13. http://www.azerimusic.com
14. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-cult.html
15. http:// www.Azerbaijan-online.com/lyric
16. http://www.azerbaijan-online3.htm
17. http:// www.Azerbaijan-online7.htm
18. http://www.ses-az.com

19. http://www.yenimusavat.com
20. http://www.AZ/sirketimiz/Azerbaycontelefilm
21. http://www.mys.com
22. http://www.culture.az.8109/minist_e.htm
23. http://www.calture.Az.8101/organz_e.htm
24. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-religion.html
25. http://www.yenimusavat.com
26. http://www.icronet.org
27. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-redigion.html
28. http://www.geo.ya.com/travelimages/az-religion.html
29. http://www.azerb.com/ethnicminorities/lezgi
30. http://www.azerb.com/ethnicminorities/talysh
31. http://www.azerb.com/ethnicminorities/avar
32. http://www.azerb.com/ethnicminorities/maskhad
33. http://www.azerb.com/ethnicminorities/tatar
34. http://www.azerb.com/ethnicminorities/tat
35. http://www.azerb.com/ethnicminorities/tsakhor
36. http://www.azerb.com/ethnicminorities/kurd
37. http://www.AZTV.AZ.com/Şirkatimiz
38. Ibid
39. Ibid
40. Ibid
41. http://www.Azerb.com/education
42.
- http://www.gafgaz.az/hagginda.htm
- http://www.Khazar.org
- http://Wu.edu.az
43. http://www.khazar.org
44. Ibid
45. Ibid
46. Ibid
47. http://www.AZTV.Az.com/sirkatimiz
48. Ibid
49. http://www.yenimusavat.com, Dec 6, 2002
50. http://mia.gov.az/am-en.htm
51. http://mia.gov.az/am-en.htm
52. http://www.hesenquilyev.com
53. http://www.ses-az.com

٥٤. ملازاده، حمید، جمهوری آذربایجان نگاه به آینده صص ٥٦ ـ ٥٠

55. http://www.isaqambar.com
56. http://www.iraz.org
57. http://www.ses-az.com
58. Ibid
59. http://www.ft.com/world/asia-pasific/ oct 23, 2003
60 http://news.ft.com, oct 23, 2003

61. http://www.azadlig.com, oct 23, 2003
62. http://www.xeber.net, Dec 28, 2003
63. http://www.xalqcebhesi.com, nov 1, 2003
64. http://www.movqe.com, Dec 30, 2003
65. http://www.ayna.az, Dec 27, 2003
66. http://www.ilham-aliyev.com
67. http://www.hesnquliyev.com
68. http://www.525ci.com
69. http://www.yenizaman.com, sep 6, 2003
70. http://www.525ci.com, Jan 3, 2004
71. Ibid
72. Ibid
73. http://www.ilham-aliyev.com
74. http://www.iraz.org
75. http://www.525ci.com, Jan 3, 2004
76. Ibid
77. Ibid

نمایه‌ها

نمایه اشخاص

نمایه احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها، مؤسسات و غیره

نمایه اماکن جغرافیایی